

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

ارجحیت پیمان جدید:
عبرانیان

دکتر باب آتلی
پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک
(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای تفسیری
عهد عتیق، جلد ۱ الف

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

فهرست مطالب

| | |
|-----------|--|
| I | اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر |
| II | مقدمه نویسنده: چگونه این تفسیر می تواند به شما کمک کند |
| III | راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس |
| ۱ | مقدمه ای بر عبرانیان |
| ۵ | عبرانیان ۱ |
| ۲۳ | عبرانیان ۲ |
| ۴۱ | عبرانیان ۳ |
| ۶۰ | عبرانیان ۴ |
| ۶۸ | عبرانیان ۵ |
| ۷۴ | عبرانیان ۶ |
| ۸۴ | عبرانیان ۷ |
| ۹۳ | عبرانیان ۸ |
| ۹۸ | عبرانیان ۹ |
| ۱۱۳ | عبرانیان ۱۰ |
| ۱۳۳ | عبرانیان ۱۱ |
| ۱۴۳ | عبرانیان ۱۲ |
| ۱۵۵ | عبرانیان ۱۳ |
| ۱۶۸ | موضوع خاص: نقد متنی |
| ۱۷۱ | واژه نامه |
| ۱۷۸ | بیانیه عقیدتی |

فهرست موضوعات خاص

| | |
|----|--|
| ۷ | موضوع خاص: این دوران و دوران پیش رو |
| ۱۱ | موضوع خاص: تنویر |
| ۱۲ | موضوع خاص: فرزند ارشد |
| ۱۳ | موضوع خاص: تا ابد |
| ۱۳ | موضوع خاص: 'Olam |
| ۱۵ | موضوع خاص: عدالت |
| ۱۸ | موضوع خاص: پیمان |
| ۱۹ | موضوع خاص: مسح در انجیل |
| ۲۰ | موضوع خاص: منشا (archē) |
| ۲۱ | موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند |
| ۲۵ | موضوع خاص: ضمانت |
| ۲۶ | موضوع خاص: اسامی خداوند |
| ۳۰ | موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه |
| ۳۲ | موضوع خاص: نویسنده/رهبر |
| ۳۳ | موضوع خاص: تقدیس / تقدس عهد جدید |
| ۳۴ | موضوع خاص: کلیسا (ekklesia) |
| ۳۵ | موضوع خاص: باطل و بی‌اثر |
| ۳۶ | موضوع خاص: شیطان |
| ۳۸ | موضوع خاص: عیسی بعنوان کاهن اعظم |
| ۳۹ | موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها |
| ۴۲ | موضوع خاص: دعوت |
| ۴۳ | موضوع خاص: فرستاده (apostellō) |
| ۴۴ | موضوع خاص: اعتراف/اقرار |
| ۴۵ | موضوع خاص: امید |
| ۴۷ | موضوع خاص: شخصیت روح |
| ۴۸ | موضوع خاص: تثلیث |
| ۴۹ | موضوع خاص: قلب |
| ۴۹ | موضوع خاص: روز |
| ۵۱ | موضوع خاص: شروطی برای مکاشفه خداوند |
| ۵۲ | موضوع خاص: خداوند بشکل انسان تعریف گردید |
| ۵۴ | موضوع خاص: ارتداد |
| ۵۷ | موضوع خاص: تضمین مسیحیت |
| ۶۵ | موضوع خاص: بهشت و بهشت سوم |
| ۶۶ | موضوع خاص: استقامت .. |
| ۷۸ | موضوع خاص: جاودانی |
| ۷۸ | موضوع خاص: تجدید (anakainōsis) |
| ۸۰ | موضوع خاص: مقدسین |
| ۸۱ | موضوع خاص: وراثت ایمانداران |

| | |
|-----|--|
| ۸۷ | موضوع خاص: تمام یا کامل (Telos)..... |
| ۹۰ | موضوع خاص: منزله و بی گناه، بدون تقصیر..... |
| ۱۰۰ | صندوق عهد..... |
| ۱۰۱ | ذرع..... |
| ۱۰۲ | کروبیان..... |
| ۱۰۷ | بها/بازخرید..... |
| ۱۱۹ | جسارت..... |
| ۱۲۳ | آتش..... |
| ۱۲۴ | پسر خدا..... |
| ۱۲۷ | استقامت..... |
| ۱۲۹ | باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق..... |
| ۱۳۷ | دو شهر در اشعیا..... |
| ۱۵۰ | توبه در عهد عتیق..... |
| ۱۵۲ | دو کتاب خداوند..... |
| ۱۵۴ | پادشاهی خدا..... |
| ۱۵۶ | پایداری در نوشته‌های یوحنا..... |
| ۱۶۲ | معاشرت..... |
| ۱۶۴ | اراده خدا..... |
| ۱۶۵ | آمین..... |

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

| | |
|---|---------|
| <i>Anchor Bible Commentaries</i> ، ویرایش Albright William Foxwell و David Noel Freedman | AB |
| <i>Anchor Bible Dictionary</i> (جلد ۶) ویرایش David Noel Freedman | ABD |
| <i>Analytical Key to the Old Testament</i> نوشته John Joseph Owens | AKOT |
| <i>Ancient Near Eastern Texts</i> ، نویسنده: James B. Prirchard | ANET |
| <i>A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament</i> نویسندگان F. Brown, S. R. Driver and C. A. Briggs | BDB |
| <i>The Interpreter's Dictionary of the Bible</i> (چهار جلد) نویسنده George A. Buttrick | IDB |
| <i>International Standard Bible encyclopedia</i> ، ویرایش James Orr (۵ جلد)، | ISBE |
| Jerusalem Bible | JB |
| <i>The Holy Scriptures According to the Masoretic Text: A New Translation</i> (The Jewish Publication Society of America) | JPSOA |
| <i>The Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament</i> نوشته Ludwig Koehler and Walter Baumgartner | KB |
| <i>The Holy Bible From Ancient Eastern Manuscripts</i> (the Peshitta) نوشته George M. Lamsa | LAM |
| Septuagint (Greek-English) نوشته Zondervan ۱۹۷۰ | LXX |
| <i>A New Translation of the Bible</i> نوشته James Moffatt | MOF |
| Masoretic Hebrew Text | MT |
| New American Bible Text | NAB |
| New American Standard Bible | NASB |
| New English Bible | NEB |
| NET Bible: New English Translation, چاپ دوم بنا | NET |
| <i>New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis</i> (جلد ۵) نوشته Willem A. VanGemeren | NIDOTTE |
| New Revised Standard Bible | NRSV |
| New International Version | NIV |
| New Jerusalem Bible | NJB |
| <i>Old Testament Passing Guide</i> by Todd S. Beall, William A. Banks and Colin Smith | OTPG |
| Revised English Bible | REB |
| Revised Standard Version | RSV |
| The Septuagint (Greek-English) by Zondervan, 1970 | SEPT |
| Today's English Version ، توسط اتحادیه انجمن‌های کتاب مقدس | TEV |
| Today's English Version from United Bible Societies | YLT |
| <i>Zondervan Pictorial Bible Encyclopedia</i> (5 vols.), ed. Merrill C. Tenney | ZPBE |

مقدمه نویسنده: چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او (۳) و خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحت‌تر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقع‌گرا یا بی‌طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبتهای تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی‌ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاههای مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS⁴) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.

۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم‌بندی پاراگرافهای آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجو امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.

۳. نسخه جدید استاندارد بازبینی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه میانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگرافهای آن کاملاً در شناسایی موضوعات مفید است.

۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در اناجیل، تقسیم بندی پاراگرافها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین‌المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست. جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم UBS⁴ و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده‌اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها

تفاوت دارند.

۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه پویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهای این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.

۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیارتان قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دکترین تاثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسنده باستانی تحت تاثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریع‌تری را به دانشجو برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کوتاه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیع‌تری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق‌گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آنچه در زیر می‌خوانید، توضیح مختصری درباره فلسفه هرمنوتیک دکتر باب آتلی و روشهای مورد استفاده او در تفسیر انجیل است.

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می‌شود؟ آیا می‌توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلقی وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می‌اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده‌ام بود. در سنین بزرگی سوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه‌رو می‌شدم یا در باره آنها می‌خواندم، مفهومی نمی‌بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومیدی در مواجهه با دنیای بی‌احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می‌کردم.

بسیاری ادعا می‌کردند جوابهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی‌بردم جوابهایشان براین مبانی بود: (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تایید کننده، تعدادی ادله وبراهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی را بر مبنای آنها بگذارم.

اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ را در اینها یافتم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تایید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگی‌شان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدس، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید.

تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن طور که توسط کتاب مقدس شناخته می‌شود - یافته‌ام. شفعی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می‌شد چه تفسیرهای گوناگون و عدیده‌ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساها و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می‌باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می‌توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تایید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟

این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می‌دانستم ایمانم به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گزاییهای فرهنگ من (پست مدرنیته)، (۲) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه‌های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش داوریهای تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می‌کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تایید می‌نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمی‌توانم کاملاً عینی‌گرا باشم، می‌توانم کتاب مقدس را به طرز درست‌تر مطالعه کنم. می‌توانم پیش داوریهای خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده‌ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده‌ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است.

اجازه بدهید تعدادی از پیش فرضهای خود را که در مطالعه‌ام از کتاب مقدس دخیل می‌کنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

۱. پیش فرضها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار

می‌گیرد.

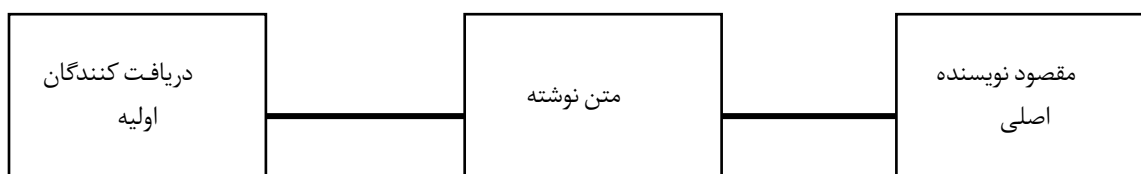
۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.
۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:

- (i) ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
- (ii) زمینه تاریخی و/یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
- (iii) چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
- (iv) طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کند
- (v) خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
- (vi) واژگان انتخابی برای ارائه پیام

مطالعه هریک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

۲. روشهای نامناسب

- ۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
- ۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
- ۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
- ۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
- ۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند.



حداقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:

در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می‌شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می‌باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به منظور بررسی درستی حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می‌باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راه‌های اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من اهمیت دارد). راه‌های اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرک‌ها، پیش‌دوری‌ها، اسلوب، و کارهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم چنانچه هیچگونه مرزی، محدودیتی، شروط و موازینی برای این کار وجود نداشته باشد؟ در اینجا است که هدف نویسنده و ساختار متن، موازینی در اختیارم می‌گذارند تا بتوانم پهنه تفاسیر احتمالاً صحیح را محدودیت بخشم. در پرتو روش نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روش‌هایی امکان دارد برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس وجود داشته باشد که تا اندازه‌ای هم راست آزمایی و همخوانی آن را فراهم می‌کنند؟

I. روش‌های ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روش‌های تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گردون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد.

روش من متمرکز بر روی خواننده است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: «کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد.» مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمک‌های مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحنه بگذاریم. شش مورد زیر حداقل تأییدیه مبسوطی را ارائه می‌دهد:

- (۱) زمینه تاریخی
- (۲) متون ادبی
- (۳) ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)
- (۴) کاربرد واژگان معاصر
- (۵) بخش‌های موازی/ مترادف و مشابه کتاب مقدس
- (۶) ژانر

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تأییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و در عین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده‌ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده‌اند تا بینش‌های تفسیری ذیل را فراهم کنند:

۱. دوره اول مطالعه

- a. کتاب را در یک جلسه بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است نظریه ترجمه آن متفاوت باشد:
 - i. ترجمه کلمه به کلمه (NRSV, NASB, NKJV)
 - ii. ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
 - iii. ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)
- b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.
- c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که به روشنی تم اصلی را بیان می‌کند.

d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

i. عهد عتیق

- ۱) داستانسرایی عبری
- ۲) شعر عبری (ادبیات حکمت، مزمور)
- ۳) نبوت عبری (نظم، نثر)
- ۴) قوانین در شریعت

ii. عهد جدید

- ۱) داستانسراییها (اناجیل، اعمال رسولان)
- ۲) مثالها (اناجیل)
- ۳) نامه‌ها/رساله‌ها
- ۴) ادبیات مکاشفه‌ای

۲. دوره دوم مطالعه

- a. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
- b. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله‌ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
- c. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

۳. دوره سوم مطالعه

- a. کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.
- b. موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.
 - a. نویسنده
 - b. تاریخ
 - c. دریافت کنندگان
 - d. دلیل خاص برای نوشتن
 - e. جنبه‌های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می‌باشند
 - f. اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی
- c. طرح کلی آن بخش از کتاب مقدس را که در حال تفسیر آن هستید، به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می‌تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می‌توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.
- d. زمینه تاریخی‌تان را با استفاده از «کمکهای مطالعات» بازنگری کنید.

۴. دوره چهارم مطالعه

- a. «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
 - a. ترجمه کلمه به کلمه (NRSV، NASB، NKJV)
 - b. ترجمه معادل پویا (JB، TEV)
 - c. ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)
- b. ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید
 - a. عبارات تکرار شده، افس ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۳
 - b. ساختارهای دستوری مکرر، رومیان ۸: ۳۱
 - c. مفاهیم مغایر
- c. موارد زیر را فهرست کنید
 - a. کلمات مهم
 - b. کلمات غیر معمول

c. ساختارهای مهم دستوری

d. کلمات، بندها، و جملات بسیار مشکل

(d) بخشهای مشابه مربوطه را در کتاب مقدس بیابید

a. روشن‌ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:

۱. کتاب‌های الهیات نظام‌مند

۲. کتاب مقدس‌های مخصوص مراجعات

۳. کشف الایات

b. در داخل موضوعتان، مفاهیم بظاهر متضاد و در واقع همخوان را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت دو مفهوم به ظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد معرفی شده‌اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این مفاهیم دوگانه و پرتنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و ما باید پیام کامل آن را بجوئیم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.

c. عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسنده یا همان "زائر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.

(e) برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمک‌های مطالعاتی" بهره بگیرید.

a. نسخه‌های مختلف کتاب مقدس را بخوانید

b. دایره‌المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس

c. پیشگفتارهای کتاب مقدس

d. تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند.)

IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است! «طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگراف‌ها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف‌ها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما تنویر الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه‌گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

V. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیرکردن و در کاربرد صحبت کردم. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهیم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

۱) برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱:۲۶ و ۱۶:۲).

۲) دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناہانی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۱:۹).

۳) برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزمور ۱۹:۷ الی ۱۴؛ ۴۲:۱ به بعد؛ ۱۱۹:۱ به بعد).

۴) هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار ببندید.

۵) فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده اند توازن بین این دو را بیابیم:

۱) نوشته‌ای از James W. Sire در کتاب *Scripture Twisting* صفحات ۱۷-۱۸:

"تنویر به اذهان قوم خدا می‌آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه اساتید معنوی یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می‌کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می‌دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می‌گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می‌توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."

۲) در مورد Kierkgaard، در کتاب Bernard Ramm به نام *Protestant Biblical Interpretation* صفحه ۷۵:

به گفته Kierkgaard، مطالعه دستوری، واژه‌ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی‌شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می‌خواند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است."

۳) H.H. Rowley در کتاب *The Relvance of the Bible* صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی‌تواند همه گنجینه‌های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی‌آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه‌های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می‌شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می‌تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

VI. روش کتاب تفسیر پیش رو

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه‌های ذیل برای کمک به رویه‌های تفسیری شما تنظیم شده:

۱) طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده‌اید، به این اطلاعات مراجعه کنید.

۲) بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می‌کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.

۳) در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگرافها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده اند:

(a) کتاب مقدس *The New American Standard Bible*، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)

(b) کتاب مقدس *The New King James Version* ترجمه جدید (NKJV)

(c) کتاب مقدس *The New Revised Standard Version* (NRSV)

(d) کتاب مقدس *Today's English Version* (TEV)

(e) کتاب مقدس *The New Jerusalem Bible* (JB)

تقسیم بندی پاراگرافها الهام نشده اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از نظریه‌های متفاوت ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علم الهی می‌باشند، می‌توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می‌گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگرافهای اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطلبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

- ۴) ترتیب یادداشت‌ها مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشت‌ها از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:
- (a) ساختار ادبی
 - (b) بینشهای تاریخی و فرهنگی
 - (c) اطلاعات دستوری
 - (d) مطالعات واژه‌ای
 - (e) بخشهای موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه
- ۵) در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه New American Standard Version (بروز شده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:
- (a) کتاب مقدس (NKJV) The New King James Version که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.
 - (b) ترجمه جدید (NRSV) The New Revised Standard Version که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.
 - (c) ترجمه (TEV) The Today's English Version که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتاب مقدس آمریکا است.
 - (d) کتاب مقدس (JB) The New Jerusalem Bible که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.
- ۶) برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:
- (a) تفاوتها در متون خطی
 - (b) معانی جانشین واژگان
 - (c) متون و ساختار مشکل دستوری
 - (d) متون دارای چند معنی
- اگر چه ترجمه‌های گوناگون به زبان انگلیسی نمی‌توانند برطرف کننده این مسائل باشند، ولی باعث می‌گردند تا برای مطالعه هر چه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار گرفته شوند.
- ۷) در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند.

هر چقدر این کتاب را بیشتر می‌خوانم، برایم بیشتر مسجل می‌شود که الهیات من از پولس رسول نشأت گرفته است. برای من بسیار دشوار است که اجازه دهم اکثریت نسبی دیگر نویسندگان عهد جدید، به صرف اینکه من قصد داشتم عقاید الهام شده به آنان را در دست‌بندی پالین^۱ قرار بدهم، آنها را منتشر نمایم. این نکته بویژه در تاکید عبرانیان بر تداوم زندگی مبتنی بر ایمان مشهود است. در کتاب عبرانیان، ایمان جایگاه شریعتی (قضاوت بر مبنای ایمان) ندارد، بلکه معتقد به زندگی با ایمان تا انتها است (عبرانیان ۱۱-۱۲).

متأسفانه بسیاری سوالاتی که برای من در این کتاب بوجود آمده، هرگز بوسیله نویسندگان (نه پطرس و نه یعقوب) مطرح نگردیده است. کتاب عبرانیان همچون سایر کتب عهد جدید، سندی موضوعی است. من باید به نویسنده اجازه صحبت دهم، حتی هنگامی که سخن او باعث ناراحتی من می‌گردد، حتی هنگامی که طبقه‌بندی‌های من را رعایت نمی‌کند و یا بشدت با آنها به مخالفت می‌پردازد. من جرأت جایگزین نمودن پیام وحی شده نویسنده عهد جدید را با الهیات سیستماتیک خود ندارم. من ترجیح می‌دهم توبه کرده و الهیات دگم و کور خود را رها نموده و در میان تنش‌های عهد جدید که بدرستی نیز آن را درک نکرده و یا دوست ندارم، به زندگی ادامه دهم! متأسفانه نگاه من به عهد جدید از میان صافی‌های تغییر دهنده است. مایلیم بر روی وعده‌های انجیلی تاکید کنم، وعده عشق خداوند، شروط آن و حفظ قدرت، هرچند که با توجه به تمام هشدارهای قوی و الزامات نویسندگان عهد جدید، من محکوم هستم. نیاز میرم دارم که پیام عبرانیان را در عین دردناک بودن آن، درک نمایم. مایلیم این تنش موجود را توضیح دهم. به گمان من، در واقعیت، تاکید من بر روی یک زندگی به رستگاری رسیده مسیحی است. اما چگونه می‌توان مرز ایده‌آل‌ها را مشخص کرد؟ آیا مودت ابدی با خداوند به برکت شروع ایمان ما است یا تداوم حفظ ایمان ما نقش اساسی را ایفا می‌کند؟ کتاب عبرانیان بوضوح بر الزام تداوم ایمان تاکید دارد. زندگی یک ایماندار مسیحی از انتهای آن دیده و سنجیده می‌گردد نه ابتدای آن!

عبارت فوق به این مضمون تاکید دارد که نجات و رستگاری نیازمند تلاش و کار فراوان است. ایمان یک مکانیزم نیست، بلکه یک گواه است (که خود منتی است از جانب خداوند). مومنین بوسیله کارهایی که انجام می‌دهند نجات نخواهند یافت، بلکه نیت قلبی آنان سنجیده می‌شود. اعمال آنان به مفهوم رسیدن به رستگاری نیست بلکه حاصل آن است. کارهایی که به قصد مورد پسند واقع شدن خداوند انجام داده می‌شود، یا تصور شود از روی ایمان است، یا روزانه نام عیسی را بر زبان آوردن، نباید انجام گردد، مسیح درون ما را می‌بیند. مهم اینست که از منظر مسیح چه کسی هستیم. اگر تغییری حاصل نگردد، تغییری در ایمان بوجود نیامده، هیچ نشانه‌ای از رستگاری نیز وجود نخواهد داشت و فرد مومن نیز در امان نخواهد بود. دعای من اینست که همه ما اجازه دهیم نویسنده الهام گرفته عهد جدید براحتی حرف خود را بیان داشته و با کتاب عبرانیان همچون پانویسی در یک الهیات بسته برخورد نکنیم. یا خیلی روشنفکرانه یا خیلی دگم‌اندیش.

نقطه نظرات آغازین

- A. این کتاب از متون عهد عتیقی استفاده کرده که توسط علوم تفسیری عالمین یهود برای رساندن پیام آن ترجمه گردیده بود. به منظور درک نیت نویسنده اصلی، این کتاب باید با درک عالمین یهود قرن اول ترجمه گردد، نه تفکرات مدرن غربی.
- B. شروع این کتاب همچون یک موعظه است (عاری از هرگونه تعارفات برای شروع کلام) و همچون یک نامه نیز پایان می‌پذیرد (همچون پایان فصل ۱۳ پالین). این احتمال هست که آن نامه از یک موعظه کنیه سه یهودیان آورده شده باشد. نویسنده از کتابش بعنوان "کلام نصیحت‌آمیز" یاد می‌کند (عبرانیان ۱۳:۲۲). نظیر همین فراز در اعمال رسولان ۱۳:۱۵ در یک موعظه استفاده شده بود.
- C. این تفسیر بر روی فرامین موسی بسیار قابل تأمل است:
 - a. نقطه‌نظری بسیار معتبر از عهد عتیق
 - b. مقایسه میثاق‌های قدیم و جدید
 - c. تنها کتاب عهد جدیدی که از عیسی بعنوان بالاترین کاهن ما یاد می‌کند
- D. این کتاب مملو از هشدارهایی در برابر دور شدن از مسیر (عقب‌نشینی، عبرانیان ۱۰:۳۸)، و یا بازگشت به یهودیت (فصول ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲ از کتاب *No Easy Salvation* نوشته R. C. Glaze Jr. از انتشارات Insight Press).
- E. اگرچه بیش از حد به کلیت پرداخته می‌شود، اما مفید خواهد بود چنانچه پولس رسول را با تاکید می‌کند که بر نجات و رستگاری بعنوان پایان کار خداوند قادر و متعال (همتراز با ایمان) و دفاع از امنیت به عنوان حقیقت اولیه دانست، نگاه کرد (رومیان ۴). پطرس، یعقوب و نامه‌های اول و دوم یوحنا بر

^۱ شاخه‌ای از مسیحیت است که دکترین آن بر مبنای تعالیم پولس رسول می‌باشد

تداوم مسئولیت‌های میثاق عهد جدید تاکید داشته و معتقد است که آن امنیت، روزانه بوده و بوسیله یک زندگی تغییر یافته یا در حال تغییر اعتبار می‌یابد. نویسندگان عبرانیان، با تاکید بر زندگی مملو از ایمان (فصل ۱۱)، امنیت را از منظر یک زندگی پایانی می‌نگرد. تفکر خشن غربی امروزی بنا را بر تضاد این دیدگاه‌ها دارد، درحالی که نویسندگان عهد جدید، با نشأت از نویسندگان الهی (روح)، می‌خواهند هر سه را با هم تصدیق کنند. هدف تضمین نیست، بلکه ایمان راسخ به وعده‌های خداوند است.

نویسنده

A. با وجودیکه بر سر نویسندگان عبرانیان اختلاف نظر وجود دارد، اما در بسیاری از کارهای اسرارآمیز اولیه (نظیر انجیل حقیقت، انجیل فیلیپ و کتب کاذبه یوحنا) آورده شده که نشان دهنده در نظر گرفته شدن بخشی از مکتوبات مسیحی در قرن دوم می‌باشند (کتاب *The Nag Hammadi Gnostic Texts and the Bible* نوشته Andrea Helmbold صفحه ۹۱).

a. کلیسای مشرق (اسکندریه مصر) نگارش پولس رسول را در نسخه خطی پاپیروسی آن در صفحه ۴۶، آنگونه که ترتیب عبرانیان را در نوشته‌هایش رعایت کرده بود، پذیرفت. این نسخه خطی به Chester Beatty Papyri معروف بوده و در پایان قرن دوم نسخه‌برداری شده بود. در این نسخه، عبرانیان بعد از رومیان قرار گرفته است. برخی رهبران اسکندریه، مشکلات ادبی آن را معطوف به نگارش پولس می‌دانستند.

۱. کلمنت اسکندرانی (به گفته یوسیبوس ۱۵۰ تا ۲۱۵ بعد از میلاد) می‌گوید که پولس رسول در ابتدا آن را به عبری نوشت و سپس لوقا آن را به یونانی ترجمه کرد.

۲. اوریزن (۱۸۵ تا ۲۵۳ بعد از میلاد) تسریح می‌کند که عقاید از پولس رسول برگرفته شده‌اند اما بعدها توسط یکی از پیروانش همچون لوقا یا کلمنت روم به تحریر درآورده شدند.

b. این کتاب در مکاتبات پولس که توسط کلیسای غربی بنام Muratorian Fragment اقتباس گردید بود، حذف گردید (فهرستی از کتب شرعی از یونان حدود سال‌های ۱۸۰ تا ۲۰۰ قرن دوم).

c. از نویسندگان چه می‌دانیم

۱. به روشنی وی از نسل دوم یهودیان مسیحی بود (عبرانیان ۳:۲)

۲. وی نوشته‌هایش را از ترجمه یونانی عهد عتیق بنام Septuagint بر می‌گرفت.

۳. وی از رویه‌های باستانی پرستشگاه‌های یهود استفاده می‌کرد نه از آیین‌های معابد امروزی.

۴. وی از قواعد دستوری سنتی یونان استفاده می‌کرد (این کتاب از افلاطون پیروی نمی‌کند. جهت‌دهی آن بر مبنای عهد عتیق است نه فیلو).

B. این کتاب ناشناس است اما نویسندگان آن بسیار سرشناس می‌باشند (عبرانیان ۶:۹-۱۰؛ ۱۰:۳۴؛ ۱۳:۷، ۹).

C. چرا درباره نویسندگی پولس تردید وجود دارد

۱. شیوه نگارش آن (بجز فصل ۱۳) نسبت به سایر مکتوبات پولس بسیار متفاوت است.

۲. دایره واژگان فرق دارد.

۳. تفاوت‌های ظریفی در لغات و فrazهای استفاده شده وجود دارد.

۴. هنگامی که پولس دوستان و همکاران خود را برادر می‌خواند، نام آن افراد همیشه در ابتدا آورده می‌شود (رجوع شود به رومیان ۱۶:۲۳؛ اول قرن‌تین ۱:۱؛ ۱۲:۱۶؛ دوم قرن‌تین ۱:۱؛ فیلیپیان ۲:۲۵) اما در عبرانیان ۱۳:۲۳ نوشته شده است "برادر ما تیموتائوس".

D. نظریه‌های نویسندگان

۱. کلمنت اسکندریه در کتاب خود بنام *Hypotyposes* (برگرفته از یوسیبوس) اعتقاد داشت که لوقا از نوشته عبری توسط پولس به یونانی ترجمه شده بود (لوقا بشکلی بسیار عالی از زبان کویین استفاده کرده بود).

۲. اوریزن می‌گوید که این کتاب یا توسط لوقا و یا کلمنت روم ولی با تاثیر از آموزه‌های پولس نوشته شده است.

۳. جروم و اگوستین نویسندگی پولس را فقط بمنظور سهل‌الوصول کردن آن توسط کلیسای غربی پذیرفته بودند.

۴. ترتولیان معتقد بود که این کتاب را بارناباس (یکی از وابستگان پولس) نوشته است.

۵. مارتین لوتر می‌گوید آپولوس، یکی از دانش‌آموختگان نابغه اسکندریه که با پولس همکاری می‌کرد نگارنده این کتاب است (اعمال رسولان ۲۴:۱۸).

۶. کالوین معتقد بود که کلمنت روم (اولین فردی که در قرن دوم از نوشته‌هایش استفاده کرد) یا لوقا نویسنده آن بودند.

۷. Adolf Von Harnack گفته است که آکیلا و پریسیلا نویسنده آن بودند (این دو اناجیل را بطور کامل به آپولوس یاد داده و همکار پولس و تیموتائوس بودند، رجوع شود به اعمال رسولان ۲۶:۱۸).

۸. بگفته Sir William Ramsey، فیلیپ (مبلغ مسیحی) در زمانی که پولس در زندان قیصریه بود، آن را برای پولس به رشته تحریر درآورد.

۹. دیگران تسریح کرده‌اند که فیلیپ یا سیلاس (Silvanus) نویسنده آن بودند.

دریافت‌کنندگان

- A. عنوان "به عبرانیان" خطاب به مردم عبرانی است، لذا، کتاب برای تمام یهودیان نگاشته شده است (رجوع شود به کلمنت اسکندریه، برگرفته از یوبیوس *Hist. Eccl* جلد VI صفحه ۱۴).
- B. پیرو کتاب *No Easy Salvation* نوشته R. C. Glaze, Jr، شواهد تسریح می‌کنند که گروه خاصی از ایمانداران یهودی یا کنیسه‌ای خاص مخاطب آن هستند (رجوع شود به عبرانیان ۱۰:۶؛ ۱۰:۳۲-۳۴؛ ۱۲:۴؛ ۱۳:۱۹، ۲۳).
۱. بنظر می‌رسد مخاطبین، ایمانداران یهودی بوده باشند زیرا تعداد زیادی از نوشته‌ها و موضوعات مورد بحث حکایت از آن دارند (عبرانیان ۱:۳؛ ۱۴:۴-۱۶؛ ۹:۶؛ ۱۰:۳۴؛ ۱۳:۱-۲۵).
۲. آنان تجربه برخی آزارها را داشتند (عبرانیان ۱۰:۳۲؛ ۱۲:۴). یهودیت بعنوان مذهب شریعتی توسط مقامات رومی به رسمیت شناخته شده بود در حالیکه بعدها در قرن اول، مسیحیت پس از اینکه از پرستش‌های کنیسه‌ای جدا شد، رسمیت یافت.
۳. آنان در عین اینکه مدت‌های مدیدی ایماندار بودند اما هنوز از تجربه کافی برخوردار نبودند (عبرانیان ۱۱:۵-۱۴). آنها همواره نگران بودند تا مبادا برای همیشه از یهودیت جدا شوند (۱:۶-۲).
- C. متن مبهم عبرانیان ۲۴:۱۳ می‌تواند نشان از این امر داشته باشد که (۱) یا از زبان ایتالیایی و یا (۲) به ایتالیایی روم باستان ترجمه شده است.
- D. مکان دریافت‌کنندگان در ارتباط نویسنده اصلی، به تئوری‌های مختلفی گره خورده است.
۱. اسکندریه - آپولوس
 ۲. آنیتوش - بارناباس
 ۳. قیصریه - لوقا و فیلیپ
 ۴. روم باستان - کلمنت روم و آنچه که درباره ایتالیا در عبرانیان ۱۳:۲۴ به آن اشاره شده است
 ۵. اسپانیا - این نظریه نیکولاس لیرا بوده است (۱۲۷۰ - ۱۳۴۰)

تاریخ

- A. درست پس از تخریب اورشلیم توسط تیتوس، ژنرال رومی (که بعدها امپراتور روم شد) در سال ۷۰ قرن اول.
۱. نویسنده با ذکر نام از همراهی پولس و تیموتائوس یاد می‌کند (عبرانیان ۱۳:۲۳)
 ۲. نویسنده به تداوم قربانی‌ها در معبد اشاره می‌کند (عبرانیان ۸:۱۳؛ ۱۰:۱-۲)
 ۳. نویسنده به آزارهایی اشاره دارد که احتمالاً مربوط به دوران نرون در سال‌های ۵۴-۶۸ بوده است.
 ۴. نویسنده، خوانندگان را تشویق به عدم رجوع به یهودیت و تشریفات آن می‌کند.
- B. بعد از دهه ۷۰
۱. نویسنده از آیین کنیسه‌ها استفاده می‌کند، نه معبد هرود
 ۲. نویسنده از آزارهایی سخن می‌گوید
- a. احتمالاً در دوران نرون (عبرانیان ۱۰:۳۲-۲۴)
- b. بعدها احتمالاً در دوران دومیتیان، دیگر امپراتور روم باستان (عبرانیان ۱۲:۴-۱۳)
۳. کتاب ممکن است مربوط به دوران تقویت روحانیون یهودی در اواخر قرن اول باشد (نوشته‌های بدست آمده از جمنیه)
- C. پیش از سال ۹۵ زیرا کتاب از گفته‌های کلمنت روم استفاده کرده است

نیت

- A. یهودیان مسیحی تشویق به ترک کنیسه شده و در میان عامه مردم با کلیسا شناسایی شوند (عبرانیان ۱۳:۱۳)
- B. یهودیان مسیحی ترغیب به ملزم بودن به تعالیم انجیل شدند (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال رسولان ۸:۱).
- C. در فصول ۶ و ۱۰، بی‌ایمانان یهودی در دوستی با این یهودیان مسیحی مورد توجه هستند. به حضور سه گروه توجه کنید، "ما"، "شما" و "آنها". به آنان هشدار داده شد تا بطور شخصی نسبت به شواهد فراوان و روشن در زندگی دوستان و همگروه‌های پرستشی مسیحی واکنش نشان دهند.
- D. این ساختار تاریخی مفروض، از کتاب *No Easy Salvation* نوشته R. C. Glaze, Jr برگرفته شده است:
- "مشکل در تنش میان اکثریت مسیحی و اقلیت غیر مسیحی نبود. نکته کاملاً عکس این موضوع بود. مسیحیان یهودی در این جماعت چنان ایمان و حس اعتماد به نفس خود را به خطر انداختند که دو گروه توانستند به عنوان یک جماعت واحد به عبادت پردازند. هیچ یک از گروه‌ها برای دیگری مشکلی بوجود نمی‌آوردند. دیگر موعظه گروه مسیحی تأثیری در عقاید و تصمیمات اعضای گروه نجات نیافته دیگر نداشت. مسیحیان به دلیل عدم

تمایل به قبول خواسته‌های کامل زندگی مسیحی، در وضعیت رکود قرار داشتند. بی‌ایمانان به دلیل تمرد پیوسته و بی‌تفاوتی مطلق، سرسخت شدند. این گروه‌ها تبدیل به هم‌تختخوابی‌های سازگار شدند. بی‌اعتنایی گروه مسیحی نسبت به “فشار به سوی کمال” (۱:۶) بواسطه دو پدیده مطرح شده است: توجه زیاد به سنت‌های یهودیت و عدم تمایل به پرداخت هزینه برسمیت شناسی کامل با مسیحیت، که هر چه بیشتر در حال تبدیل شدن به جنبش غیر کلیمیان بود” (صفحه ۲۳).

خلاصه‌ای اجمالی از عبرانیان

| | |
|--------------------------------------|---|
| عبرانیان ۳-۱:۱ | ارجحیت پسر بر پیامبران |
| عبرانیان ۱۸:۲ - ۴:۱ | ارجحیت پسر بر فرشتگان |
| عبرانیان ۱۳:۳ - ۱۳:۴؛ ۱۴:۴ - ۱۰:۵ | ارجحیت پسر بر فرامین موسی |
| عبرانیان ۲۸:۷ - ۱۳:۶ | ارجحیت پسر بر کاهنان هارونی |
| عبرانیان ۱۲:۶ - ۱۱:۵ | ارجحیت یهودیان با ایمان بر یهودیان بی‌ایمان |
| عبرانیان ۱۸:۱۰ - ۱:۸ | ارجحیت پسر بر رویه‌های باقی مانده از موسی |
| عبرانیان ۱۹:۱۰ | میثاق |
| ۲۵:۱۳ | ارجحیت دفاع و مکاشفه پسر در ایمانداران |

این مثالی از علوم تفسیری روحانیون بنام از “کمتر به بیشتر” می‌باشد.

مطالعه چرخه یک (از “راهنمایی برای مطالعه بهتر کتاب مقدس”)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح‌القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. بنابراین، کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات (ژانر)

مطالعه چرخه دوم (از “راهنمایی برای مطالعه بهتر کتاب مقدس”)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح‌القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جملع مبحث را بیان کنید.

A. موضوع واحد ادبی اول

B. موضوع واحد ادبی دوم

C. موضوع واحد ادبی سوم

D. موضوع واحد ادبی چهارم

E. غیره

عبرانیان ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|-------------------------------------|-------------------------------------|--|--------------------------------|---------------------------------------|
| خداوند بواسطه پسرش سخن گفت ۱:۱-۴ | مکاشفه بزرگ خداوند ۱:۱-۴ | سرآغاز ۱:۱-۴ | کلام خدا از طریق پسرش ۱:۱-۳ | عظمت جسمانی پسر خدا ۱:۱-۴ |
| ارجحیت پسر به فرشتگان ۵:۱-۱۴ | جلال پسر در بالای فرشتگان ۵:۱-۱۴ | ارجحیت مسیح به فرشتگان (۱:۵ - ۱۸:۲) | عظمت پسر خداوند ۴:۱-۱۳ | پسر بزرگتر از فرشتگان (۱:۵ - ۱۸:۲) |
| | | | ۱۴:۱ | ۱۴:۱ |

تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها (را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳. (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی

پاراگراف اول، به نوعی معرفی شاعرانه در وصف و ثنای دستاوردهای آسمانی عیسی مسیح است. او ارباب مخلوقات بخصوص مخلوقات این سیاره است. این امر در هفت جای مختلف ذکر شده است. یکی از والاترین مباحث مسیح‌شناسی در عهد جدید است (یوحنا ۱:۱-۱۸؛ فیلیپیان ۲:۶-۱۱ و کولسیان ۱:۱۵-۱۷).

۱. وارث خلقت پدر (عبرانیان ۲:۱)
۲. نماینده خلقت پدر (عبرانیان ۲:۱)
۳. فروغ جلال پدر (عبرانیان ۳:۱)
۴. مظهر کامل ذات پدر (عبرانیان ۳:۱)

۵. حافظ و نگهدارنده خلقت پدر (عبرانیان ۳:۱)

۶. معنای بخشندگی در خلقت پدر (عبرانیان ۳:۱)

۷. دارای مقام کبریا و عرش برین، فرستاده توسط پدر (عبرانیان ۳:۱)

A. آیات ۱ تا ۴ در وحله اول چگونگی سخن گفتن خدا از طریق پسر، یعنی عیسی ناصری را به شیوه‌ای جدید بیان می‌کنند. ما دیگر مکاشفه‌های تکه تکه را بوسیله سایر خادمین دریافت نمی‌کنیم (همچون سایر پیامبران عهد عتیق)، بلکه اکنون بصورت مستقیم از عَضُو خانواده خداوند، مکاشفه کامل را دریافت می‌کنیم ("پسری" عبرانیان ۲:۱؛ ۳:۶؛ ۵:۸؛ ۷:۲۸).

B. عبرانیان ۱:۱-۳ عیسی تدهین شده را، بعنوان مکمل نهایی سه تدهین شده کائنات نشان می‌دهد (پیامبر، کاهن، پادشاه).

C. پاراگراف دوم (عبرانیان ۵:۱-۴) ادامه قالب بزرگتری عیسی است. در عبرانیان ۱:۱-۴ وی والاترین مقام را نسبت به سایر پیامبران دارد؛ در عبرانیان ۵:۱-۱۴ وی نقشی والاتر از فرشتگان دارد؛ این موضوع توسط متون هفتگانه عهد عتیق از Septuagint به تایید رسیده است (عمدتاً از مزامیر): دوم ساموئیل ۷:۱۴؛ مزامیر ۲:۷؛ ۷:۹۷؛ ۴:۱۰۴؛ ۶:۴۵؛ ۶:۷؛ ۲۵:۱۰۲-۲۷ و ۱۱۰:۱.

D. توجه داشته باشید که نویسنده متن خود را بدقت ساختار بندی می‌کند. هفت، عدد کاملی در علم رمز اعداد یهودیان است (هفت روز پیدایش ۱).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱:۱-۴

در گذشته، خدا بارها و از راههای گوناگون به واسطه پیامبران با پدران ما سخن گفت، اما در این ایام آخر به واسطه پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و به واسطه او جهان را آفرید. او فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست. پس به همان اندازه که نامی برتر از فرشتگان به میراث بُرد، از مقامی والاتر از آنها نیز برخوردار شد.

۱:۱ "خدا سخن گفت" "خدا" در متن یونانی در ابتدای جمله آورده نشده است؛ لذا، این متن بر دکتترین مکاشفه تاکید نمی‌کند، بلکه شیوه مکاشفه در گذشته را بیان می‌دارد (صفت وصفی آثوری، دستور زبان یونانی).

"بواسطه پیامبران" یهودیان معتقد بودند که پیامبران متن را نوشته‌اند. بهمین دلیل بود که آن‌ها موسی را پیامبر می‌دانستند (تثنیه ۱۸:۱۵) و اینکه چرا یهودیان در کتب تاریخی یوشع تا پادشاهان، عیسی را "پیامبر سابق" قلمداد می‌کردند. لذا، این بخش تنها به پیامبران عهد عتیق اشاره نداشته، بلکه تمام نویسندگان را در بر می‌گیرد.

عبارت "بواسطه پیامبران" (v1) هم‌تراز است با "بواسطه پسرش" (v2). اختلاف روشنی میان دو مفهوم مکاشفه وجود دارد. یکی فقط خادم بود و دیگری عضو خانواده. اولی فقط بخشی جزعی بود و دومی کامل (کولسیان ۱:۱۵-۱۷).

| | |
|------|--|
| NASB | "در بسیاری بخش‌ها و راه‌های گوناگون" |
| NKJV | "در زمان‌های متعدد و راه‌های گوناگون" |
| NRSV | "در راه‌های متعدد و گوناگون" |
| TEV | "به دفعات و راه‌های زیاد" |
| NJB | "در لحظات متعدد در گذشته و بدلائل گوناگون" |

مکاشفه عهد عتیق به لحاظ قالب و محتوا همچون یک تکه گوشت بود. این بخش در متن یونانی عبرانیان ۱:۱، در ابتدا آورده شده تا تاکید نویسنده را نشان دهد. هر یک از نویسندگان عهد عتیق پیام مهم، ولو کوتاه داشتند.

خداوند خود را چنین نمایان ساخت:

۱. به موسی در میان بوته سوزان
۲. به کاهن اعظم بوسیله اوریم و تومیم
۳. به الیا، با صدایی پایین و تنی ثابت
۴. به حزقیال در یک رویا
۵. به هوشع در ازدواجی بد
۶. به یونس در میان یک ماهی

۲:۱ “در این ایام آخر” این دوره زمانی به نام‌های متعددی معروف است.

۱. ایام آینده، اعداد ۱۴:۲۴؛ تثنیه ۱۶:۸؛ دانیال ۲۸:۲؛ ۱۴:۱۰
 ۲. در ایام آخر، ارمیا ۲۳:۲۰؛ ۲۴:۳۰؛ ۳۹:۴۰؛ حزقیال ۸:۳۸؛ ۱۶؛ هوشع ۵:۳؛ یوئیل ۲:۲۸؛ (اعمال رسولان ۱۷:۲)؛ یوحنا ۳۹:۶، ۴۰، ۴۴، ۵۴؛ ۲۴:۱۱؛ ۴۸:۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۳:۵؛ یعقوب ۳:۵
 ۳. در زمان آخر، ۱ پطرس ۵:۱
 ۴. در زمان‌های آخر، ۱ پطرس ۲۰:۱
 ۵. در ایام آخر، ۲ پطرس ۳:۳
 ۶. ساعت آخر، ۱ یوحنا ۱۸:۲
- پایان روزها، روز خداوند است (نتیجه‌گیری، متی ۳۹:۱۳؛ ۴۰؛ ۳:۲۴؛ ۲۰:۲۸؛ عبرانیان ۲۶:۹).

یهودیان میان دو دوره مسیحیت، شاهد دو عصر بودند: عصر فعلی گناه (از پیدایش ۳ شروع گردید)، و عصر ظهور عدالت که بوسیله آمدن مسیح به قدرت روح آغاز شد. عهد عتیق تاکید می‌کند که ظهور مسیح موعود به‌مراه قدرت و عدالت و بمنظور شروع عصر جدیدی خواهد بود. با این حال، عهد عتیق موفق نشد به روشنی اولین ظهور مسیح را بعنوان (۱) “خادم رنج کشیده” در اشعیا ۵۳؛ (۲) شخص فروتنی سوار به گرده الاغ در زکریا ۹:۹؛ و (۳) مردی که بدنش را سوراخ کردند در زکریا ۱۲:۱۰، درک نماید. از مکاشفه در حال پیشرفت عهد جدید، ما متوجه شدیم که خداوند دو بازگشت را برای مسیح موعود در برنامه خود دارد. دوره میان تجسم مسیح (اولین ورود) و دومین ورود که با دو عصر یهود هم‌پوشانی شده است. در عهد جدید، این موضوع بوسیله عبارت “روزهای آخر” مشخص شده است. ما بیش از ۲۰۰۰ سال است که در این دوران قرار گرفته‌ایم.

موضوع خاص: این دوران و دوران پیش رو (Special Topic: This Age and the Age to Come)

پیامبران عهد عتیق آینده را در امتداد زمان حاضر می‌دیدند. از منظر آنان، آینده تجدید حیات جغرافیایی اسرائیل می‌بود. با این وجود، آینده را حتی بعنوان روزی جدید می‌پنداشتند (اشعیا ۶۵:۱۷؛ ۶۶:۲۲). با تکرار نفی مغرضانه یهوه توسط نوادگان ابراهیم (حتی پس از تبعید) پارادایم جدیدی در ادبیات میان دوره‌ای دو عصر جدید و عتیق شکل گرفت (I Enoch, IV Ezra, II Baruch). چنین نوشتاری، تمایزی را میان دو عصر پدید آورد: دوران شیرانه امروزی که شیطان بر آن مسلط است و دوران پیش رو که توسط روح القدس و مسیح منجی به حقانیت خواهد رسید. در مبحث کنونی الهیات (آخرت شناسی) پیشرفت مشهودی حادث شده است. الهیات‌دانان آن را “الهام در حال توسعه” می‌خوانند. عهد جدید بر این واقعیت دو دوره الهی صحه می‌گذارد.

| عیسی | پولس | عبرانیان (پولس) |
|----------------------------|----------------------------------|-------------------------|
| متی ۱۲:۳۲؛ ۱۳:۲۲، ۳۹ | رومیان ۲:۱۲ | عبرانیان ۱:۲؛ ۶:۵؛ ۱۱:۳ |
| مرقس ۱۰:۳۰ | اول قرن‌تین ۱:۲۰؛ ۲:۶؛ ۸:۳؛ ۱۸:۳ | |
| لوقا ۱۶:۸؛ ۱۸:۳۰؛ ۲۰:۳۴-۳۵ | دوم قرن‌تین ۴:۴ | |
| | غلاطیان ۱:۴ | |
| | افسسیان ۱:۲۱؛ ۲:۲؛ ۷:۶؛ ۱۲:۶ | |
| | اول تیموتائوس ۶:۱۷ | |
| | دوم تیموتائوس ۴:۱۰ | |
| | تیتوس ۲:۱۲ | |

در الهیات عهد جدید این دو دوران یهود به دلیل پیشگویی‌های دو ظهور مسیح موعود، بموازات یکدیگر قرار گرفته‌اند. تجسم دوباره مسیح بیشتر پیشگویی‌های گشایش عهد جدید را تکمیل می‌کند (دانیال ۲:۴۴-۴۵). با این حال، ورود وی را در چارچوب قاضی و فاتح می‌نگرد، در عین اینکه او از ابتدا بشکل خادمی زجر کشیده (اشعیا ۵۳؛ زکریا ۱۲:۱۰) و متواضع و فروتن (ذکریا ۹:۹) آمد. وی همانگونه که در عهد عتیق پیشبینی شده بود، به قدرت باز خواهد گشت (مکاشفه ۱۹). تکمیل این دو مرحله منجر به پادشاهی امروز (آغاز شده)، اما آینده (هنوز به نتیجه نرسیده) خواهد گردید.

■ "پسر خود" شیوه نگارش این فراز در زبان انگلیسی به حروف بزرگ است (Son) که اشتباه بوده و باید با حرف کوچک شروع می‌گردید (son) زیرا آیه اشاره به روش مکاشفه دارد و نه عنوانی برای مسیح (عبرانیان ۳:۵-۶؛ ۸:۵؛ ۲۸:۷). عیسی خادمی همچون موسی یا سایر پیامبران نیست، بلکه عضوی از خانواده خداوند است (a son).

■ "او را وارث همه چیز مقرر داشت" این بخش صفت خبری معلوم آئوریستی بوده که نشان دهنده اتمام عملی در گذشته است. چه زمانی خداوند عیسی را به وراثت رساند؟ آیا در زمان تعمید وی بود (متی ۳:۱۷) یا هنگام قیام از مردگان (رومیان ۴:۱)؟ این سوالات منتهی به ارتداد فرقه *adoptionism* می‌گردد. این گروه منکر تثلیث بوده و معتقدند عیسی در برخی مقاطع منجی گردید. با این وجود این بخش با یوحنا ۱:۱-۱۸؛ ۸:۵۷-۵۸؛ فیلیپیان ۲:۶-۷ و کولسیان ۱:۱۷ تناقض دارد. عیسی همیشه خدا بود (یوحنا ۱:۱-۲)؛ لذا وراثت وی پیش از تجسم دوباره وی باید تعریف شده باشد.

■ "وارث همه چیز" بعنوان "پسر خدا"، پسر منحصر بفرد خدا (یوحنا ۳:۱۶)، او میراث‌دار است (متی ۲۱:۳۳-۴۶؛ مزمیر ۸:۲). نکته شگفت‌انگیز این که انسان گناهکار با ایمان به او، در آن ارث سهیم می‌گردد (عبرانیان ۱:۱۴؛ ۱۲:۶؛ رومیان ۸:۱۷؛ قلاطیان ۴:۱-۷؛ اول پطرس ۱:۴).

■ "به واسطه او جهان را آفرید" همیشه دشوار بوده که بدانیم چگونه واژگان مرتبط را بطور یقین ترجمه کنیم. فقط یک راه میان واژه‌های هم‌معنی وجود دارد. واژه فنی یونانی برای خلقت از هیچ *ktizo* است، با این وجود لغتی که در متن آورده شده است *poieo* به معنی شکل دادن چیزی از ماده‌ای که از قبل وجود داشته، است. آیا نویسندگان این واژگان را بصورت هم‌معنی استفاده کرده و یا قصد خاص دیگری داشته است؟ شبهه برانگیز خواهد بود اگر فرض کنیم نیت دیگری در کار بوده زیرا متن الهیاتی (عبرانیان ۳:۱) اشاره به خلقت بوسیله وعده‌ای که داده شده بود، اشاره دارد (*nihiilo*) پیدایش *One* نوشته John Walton رجوع نماید.

واژه جهان (World) در حقیقت بمعنای "دوران" است (*aiōnos*). می‌تواند به دوره‌های زمین (به لحاظ زمین‌شناسی) اشاره داشته باشد (متی ۲۸:۲۰) یا به لحاظ زمانی. بطور قطع عیسی خالق هر دو بود (یوحنی ۱:۳؛ کولسیان ۱:۱۶؛ اول قرنتیان ۸:۶). نویسندگان عبرانیان هم *aiōnos* را استفاده کرده (عبرانیان ۲:۱؛ ۵:۶؛ ۳:۱۱) و هم *Kosmos* (عبرانیان ۳:۴؛ ۹:۲۶؛ ۱۰:۵؛ ۱۱:۷، ۳۸)، که روشن است لغات هم معنی می‌باشند.

۳:۱

NASB "او درخشندگی جلالش است"

NKJV "کسی که روشنایی جلالش است"

NRSV, NJB "او بازتاب جلال خداوند است"

TEV "او بازتاب دهنده روشنایی جلال خداوند است"

لغت درخشندگی (*apaugasma*) فقط در عهد عتیق آمده است. در Philo برای نشان دادن ارتباط مسیح با یهوه آورده شده است، بگونه‌ای که *logos* بازتاب‌دهنده خداوند بوده است. رهبران کلیسای اولیه یونان از این واژه برای نشان دادن مسیح بعنوان بازتاب‌دهنده یا پرتو خداوند استفاده می‌کردند. بطور کلی همانگونه که آینه نور خورشید را منعکس می‌کند، دیدن عیسی نیز دیدن خداوند است (یوحنا ۱۴:۸-۹). واژه عبری برای "جلال" (*kabod*) بوده که اغلب برای روشنایی استفاده می‌گردیده است (خروج ۱۶:۱۰؛ ۲۴:۱۶-۱۷؛ لاویان ۹:۶). این جمله‌بندی ممکن است به امثال ۸:۲۲-۳۱ ارتباط داشته باشد، در جایی که "حکمت" (این واژه هم در عبری و هم یونانی بصورت مونث بکار برده شده است) بعنوان یکی از ویژگی‌های خلقت اولیه خداوند (Sirach 1:4) و نماینده خلقت (Wisdom of Solomon 9:9) آورده شده است. مورد مشابهی نیز در کتاب *Wisdom of Solomon 15:7-22a, 22b-30* که به لحاظ اعتبار مورد شبهه قرار دارد، نیز دیده می‌شود. در امثال ۸:۲۲ حکمت، آراینده همه چیز است؛ در عبرانیان ۱:۲۵ حکمت سرمنشأ خالص نور الهی است؛ در عبرانیان ۱:۲۶ حکمت بازتاب دهنده نور ابدی است؛ نمایش دهنده آشکار کار خداوند؛ و در عبرانیان ۱:۲۹ با نور قیاس گردیده است (خورشید و ستارگان).

رایج‌ترین واژه عبری در عهد عتیق برای "جلال" (*Kabod*) ابتدا از یک واژه تجاری نشأت گرفت (اشاره به یک جفت چپان می‌کرد) که به معنی "سنگین بودن" بود. یعنی هر آنچه که سنگین بود، با ارزش تلقی می‌گردید. اغلب مفهوم روشنایی به کلمه اضافه می‌گردید تا شأن والای خداوند را در هنگام صحرانوردی یادآوری کند (*Shekinah Cloud of Glory*). او به تنهایی با ارزش و قابل احترام است. او برای انسان از بهشت رانده شده ارزش فوق‌العاده‌ای دارد. خداوند فقط از طریق مسیح است که می‌تواند شناخته شود (متی ۱۷:۲؛ عبرانیان ۳:۱؛ یعقوب ۱:۲).

NASB "ارائه دهنده دقیق ذات او"

NKJV "تصویر شخصیت او"

NRSV "نقش دقیق ذات خداوند"

TEV "شباهت دقیق ذات خداوند"

این بخش فقط در عهد جدید یافت می‌شود اما بیشتر در نوشته‌های Philo، که شخصیت‌پردازی پیشین را تکمیل می‌کند. واژه یونانی در اصل بعنوان ابزار حکاکی بکار برده می‌شد، اما بعد بعنوان حک کننده نشان خداوند استفاده گردید. عیسی نه تنها خداوند را بازتاب می‌دهد، بلکه نشان منحصر بفرد خداوند را نیز حمل می‌کند (یوحنا ۱۴:۹).

دو واژه یونانی برای تعریف ارتباط عیسی با پدر وجود دارد: (۱) *eikon*، بمعنی تصویر (۲ قرنیتان ۴:۴؛ کولسیان ۱:۱۵) و (۲) *character* (عبرانیان ۳:۱). اولی در عهد جدید رایج‌تر است اما واژه بعدی بار محتوایی قوی‌تری در خود دارد (KJV ”تصویر دقیق“). خداوند شبیه چیست؟ او دقیقاً شبیه عیسی ناصری است، کسی که مکاشفه خداوند نامرئی را تکمیل کرد!

■ ”همه چیز را نگاه می‌دارد“ این عبارت رایج برای ”نگهداشتن“ است (*pherō*) اما در این متن دلالت بر ”تقویت کردن“، ”نگهداری کردن“ و یا ”متحمل شدن“ دارد. این مفهوم الهیاتی ”مشیت الهی“ را می‌رساند (کولسیان ۱:۱۷ و یک احتمال دیگر نیز در *Wisdom of Solomon* 8:1). عیسی (پیدایش ۱) نه تنها عالم هستی را آفرید (یک احتمال دیگر برای مفهوم *pherō*)، بلکه با کلامش نیز آن را حفظ کرد.

■ ”با کلام نیرومند خود“ در عقاید یهود، نیروی خداوند بوسیله کلام نشان داده می‌شود. الوهیم کلام را آفرید (پیدایش ۱:۳، ۶، ۹، ۱۴، ۲۰، ۲۴). کلام یهوه نیروی بالقوه برای رسیدن به مقصودش بود (اشعیا ۵۵:۱۱). تصادفی نیست که در یوحنا ۱:۱ عیسی ”کلام“ نامیده شده است.

■ ”او پس از پاک کردن گناهان“ این وجه وصفی میانی آئوریستی است که موضوع را تایید و عمل کامل شده را تعریف می‌کند (زمان فعل آئوریستی، عبرانیان ۲۷:۷؛ ۹:۱۲، ۲۸؛ ۱۰:۱۰). عیسی به جای انسان گناهکار فعالیت کرد (مرقوس ۱۰:۴۵؛ ۲ قرنیتان ۵:۲۱).

واژه ”تطهیر“ به اشکال مختلف در عهد جدید آورده شده است.

۱. شستوشوی ویژه مراسم (لوقا ۲۲:۵؛ ۱۴:۵؛ یوحنا ۲:۶)

۲. شفای فیزیکی (مرقس ۱:۴۴)

۳. استعاره‌ای برای کفار دادن (عبرانیان ۳:۱؛ ۲ پطرس ۱:۹، آنگونه که William D. Mounce در کتاب *Analytical Lexicon to Greek New Testament* صفحه ۲۵۷ می‌گوید).

لغت انگلیسی ”Catharsis“ بمعنی تزکیه نفس نیز از یونانی گرفته شده است.

به نحوه بیان ”گناهان“ توجه کنید. دو راه وجود دارد که می‌تواند به ما در درک این بخش کمک کند. (۱) مضاف الیه مفعولی ”گناهان“ و نه مفعول عنه ”از گناهان“. مرگ عیسی مشکل گناه را حل کرد؛ (۲) جمع بسته شدن آن دال بر طبیعت انسانی نبوده، ”مشکل گناه“ بلکه عمل شخصی گناه است. عیسی در گذشته و حال در گیر گناه انسان سرکش بوده است. گزینه متنی بوسیله محققین ⁴UBS پذیرفته شد، اما امکان دیگری نیز وجود دارد. در متون اسکندریه که بوسیله P⁴⁶ معرفی گردید، عبارت ”از خودش“ (*dia heaurou*) بجای ”خودش“ (*autou*) ظاهر می‌گردد، که بنظر بخشی از جمله قبلی به نظر می‌رسد (۸ و B). به احتمال خیلی زیاد کاتبین ارتدکس نگران بودند تا مبدا استفاده از ”بوسیله او گناهان تطهیر می‌یابد“ منجر به تعمق‌های عرفانی و بدنبال آن تغییر ”*di'heautou*“ به ”*autou*“ گردد. برای مطالعه تکمیل‌تر این بحث به کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture* نوشته Bart D. Ehrman چاپ آکسفورد پرس سال ۱۹۹۳ مراجعه نمایید.

■ ”او به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست“ این حالتی برای نشان دادن پایان کار عیسی و جلال او است (مزمور ۱۱۰:۱؛ لوقا ۲۲:۶۹). خداوند دارای دست راست نیست. این یک استعاره انجیلی از قدرت، نفوذ و بلند مرتبگی است. هیچ یک از کاهنان عهد عتیق هرگز ننشستند! کار زمینی عیسی به پایان رسید. عبارتی این کار به اصطلاح شاهانه (مزمور ۲:۴۵ و ۱۱۰:۳-۱) به قابلیت‌های کاهنان مرتبط گردیده است (مزمور ۱۱۰:۴ و زکریا ۴). جامعه The Dead Sea در انتظار دو مسیح موعود بودند، یک بعنوان کاهن (نسل هارون و قبیله لوی)، و یکی همچون پادشاهان (نسل Jesse، قبیله Judah). عیسی هر سه دوره تدهین شده عهد عتیق را تکمیل کرد: پیامبر (تثنیه ۱۸:۱۸)، کاهن (مزمور ۱۱۰:۴) و پادشاه (۲ ساموئیل ۷:۱۳، ۱۶؛ مزمور ۱۱۰:۳-۱).

”اعلیحضرت صدر نشین“

NASB, NKJV, NRSV

”خداوند، قادر متعال“

TEV

”خداوند متعال عالم هستی“

NJB

این طول و تفسیل در کلام است. یهودیان از بردن نام خدا می‌هراسیدند، مبدا که مقرر گردند (خروج ۲۰:۷)، لذا واژگان و عبارات فراوانی را بجای آن استفاده می‌کردند (همچون ”پادشاهی بهشت“، تخت سلطنت“ و غیره)، و یا اینکه او را به حالت مجهولی بیان می‌کردند.

۴:۱ این آیه به نظر گذاری است از عبرانیان ۱:۱-۳ و عبرانیان ۱:۵-۱۴. انجیل نسخه TEV آغازگر مبحث ارجحیت عیسی بر سایر فرشتگان است (عبرانیان ۱:۳).

نامی که به عیسی داده شده والاتر از سایر فرشتگان است (رومیان ۸:۳۸-۳۹؛ افسسیان ۱:۲۱؛ کولسیان ۲:۱۵) و آن "پسر" است (عبرانیان ۱:۵ که دو بار استفاده شده و عبرانیان ۸) و یا "سرور" (عبرانیان ۱:۱۰ و فیلیپیان ۲:۹-۱۱).

برای توضیح بیشتر به عبرانیان ۷:۷ رجوع کنید.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱:۵-۱۴

^۵ زیرا خدا تا کنون به کدامیک از فرشتگان گفته است:

تو پسر من هستی؛

امروز من تو را مولود ساخته‌ام؟

و یا:

من او را پدر خواهم بود،

و او مرا پسر؟

^۶ بلکه آن هنگام نیز که فرزند ارشد را به جهان می‌آورد، می‌فرماید:

همه فرشتگان خدا او را بپرستند.

^۷ حال آنکه درباره فرشتگان می‌گوید:

فرشتگانش را بادهای می‌سازد،

و خادمانش را شعله‌های آتش.

^۸ اما درباره پسر می‌گوید:

ای خدا، تخت سلطنت تو جاودانه است؛

عصای پادشاهی تو عصای عدل و انصاف است.

^۹ تو پارسایی را دوست می‌داری و شرارت را دشمن؛

از این رو خدا، خدای تو، تو را بیش از همقطاران به روغن شادمانی مسح کرده است.

^{۱۰} و نیز می‌فرماید:

تو، ای خداوند، در آغاز بنیان زمین را نهادی،

و آسمانها صنعت دستان توست!

^{۱۱} آنها از میان می‌روند، اما تو بر جا می‌مانی!

آنها همه چون جامه مندرس خواهند شد!

^{۱۲} آنها را چون ردایی در هم خواهی پیچید،

و بسان جامه‌ای جایگزین خواهند شد.

اما تو همان هستی،

و سالهای تو را پایانی نیست!»

^{۱۳} خدا تا کنون به کدامیک از فرشتگان گفته است:

به دست راست من بنشین

تا آن هنگام که دشمنانت را کرسی زیر پایت سازم؟

^{۱۴} مگر آنها جملگی روحهایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده نجات فرستاده می‌شوند؟

۵:۱ "تو پسر من هستی" این اولین بار در هفت مجموعه عهد عتیقی است که ارجحیت عیسی را بر فرشتگان به اثبات می‌رساند. اولین عبارت از مزمور ۲:۷ می‌آید، در حالیکه دومین در ۲ ساموئیل ۷:۱۴ آمده است. این اولین عبارت چندین بار در اناجیل برای اشاره به مسیح استفاده شده است:

۱. در هنگام تعمید وی (متی ۳:۱۷؛ لوقا ۳:۲۲)

۲. در هنگام تجلی عیسی (متی ۱۷:۵؛ مرقس ۹:۷)

۳. در هنگام قیام وی از مردگان (اعمال ۱۳:۳۳؛ رومیان ۴:۱)

واژه "پسر" در عبرانیان ۵:۱ استفاده شده است، از عهد عتیق گرفته شده و در جایی که احتمالاً می‌تواند اشاره به مردم یا گروهی داشته باشد.

۱. فرشتگان (پیدایش ۲:۶، ۴: ایوب ۱:۶؛ ۲:۱؛ ۳۸:۷؛ مزمور ۲۹:۱، همیشه جمع بکار برده شده است)

۲. قوم اسرائیل (هوشع ۱:۱۱)

۳. پادشاه اسرائیلی (۲ ساموئیل ۷:۱۴؛ مزمور ۸۹:۲۷)

۴. مولود (مزمور ۷:۲)

■ **"امروز من تو را مولود ساخته‌ام"** عیسی همیشه خدا بود (یوحنا ۱:۱-۱۸). بنابراین، این آیه به ماهیت وجودی وی اشاره نمی‌کند، بلکه به اعلامیه وجود وی در زمان اشاره دارد (تجسم). برخی مفسرین آن را به قیام از مردگان ربط می‌دهند (رومیان ۱:۳-۴). برخی روحانیون مزمور ۷:۲ را از این منظر می‌نگرند که مسیح پس از عذاب الهی به دنیا بازگردانده شد (اشعیا ۵۳). نحوه استفاده فعل بصورت "مولود ساخته‌ام" می‌تواند کنایه به امثال ۸:۲۲-۳۱ باشد، در جایی که "حکمت" (که در عبری مونث است) اولین خلقت خداوند بوده و در مراحل بعدی آفرینش تبدیل به نماینده خداوند گردید است (رجوع کنید به 8:1 – Wisdom of Solomon 7:1). به این موضوع اشاره شد نه به این عنوان که به خداوند جنبه تائید داده شود، و نه در تایید عیسی بعنوان یک مخلوق، بلکه تاکید شود عیسی ناصری به عنوان خدا، نماینده پدر است (عبرانیان ۱:۱۰؛ یوحنا ۱:۳؛ ۱ قرنتیان ۸:۶؛ کولسیان ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۶ که در عبرانیان ۲:۱ نیز به آن اشاره شده است).

■ **"من او را پدر خواهم بود"** این عبارت برگرفته از نسخه هفتادگانی دوم ساموئیل ۷:۱۴ است که ابتدا به ساکن اشاره به سلیمان دارد. نویسنده عبرانیان آن را به عیسی تعمیم می‌دهد. این مرجع دوگانه شبیه پیشگویی "تولد باکره" در اشعیا ۷:۱۴ است. هر دو نمونه‌های تکمیل شدن پیشگویی‌ها را دارد. نویسندگان عهد جدید تحت الهامی که در عهد عتیق به شیوه روحانیون بود، و با بازی با کلمات به گونه‌ای که برای مترجمین آینده متداول نبود کلام را می‌نگاشتند. به مبحث زیر توجه فرمایید.

موضوع خاص: تنویر (Special Topic: Illumination)

خداوند در گذشته به گونه‌ای عمل کرد که بتواند خود را به روشنی برای بشر آشکار سازد (آفرینش، سیل، ندای بزرگان اقوام، مهاجرت قوم اسرائیل، فتوحات مختلف و...). این موضوع به لحاظ الهیاتی "مکاشفه نامیده می‌شود. او افرادی را مشخص کرد تا همه چیز را ثبت و مکاشفه خود را برای اقوام مختلف تشریح کنند (یوحنا ۱۴:۲۶؛ ۱۶:۱۲-۱۵). در الهیات این موضوع "الهام" نامیده می‌شود. وی روح را فرستاد تا به خوانندگان کمک تا او و وعده‌هایش، بویژه مسیح در حال ظهور را درک نمایند. در الهیات این مبحث "تنویر" یا روشنگری نامیده می‌شود. مشکل از اینجا شروع می‌شود، که اگر روح درگیر درک خداوند است، پس چرا حجم زیادی از ترجمه‌های گوناگون از خداوند، خواست او و راه‌هایش وجود دارد؟

بخشی از مشکل مربوط می‌شود به درک اولیه و تجربیات شخصی خوانندگان. اغلب یک برنامه‌ریزی روزانه شخصی برای استفاده از کتاب مقدس آن هم با متنی مملو از چرکنویس و یا به صورت سر سری در دستور کار است. اغلب چارچوبی الهیاتی بر روی انجیل تعریف می‌گردد که فقط اجازه سخن گفتن در برخی مقاطع و به روش‌های انتخابی داده می‌شود. روشنگری فقط با الهام بوجود نمی‌آید با اینکه روح القدس در هر دو مورد وجود دارد. الهام (به موضوع خاص الهام رجوع نمایید) با ورود به عهد جدید متوقف شد (یهودا ۳، ۲۰). بیشتر متون عهد جدید که به تنویر مربوط می‌گردند، اشاره به اناجیل و زندگی مسیح‌گونه دارند (رومیان ۸:۱۲-۱۷؛ ۱ قرنتیان ۲:۱۰-۱۳؛ افسسیان ۱:۱۷-۱۹؛ فیلیپیان ۱:۹-۱۱؛ کولسیان ۱:۹-۱۳؛ اول یوحنا ۲:۲۰-۲۷). در واقع این یکی از وعده‌های "پیمان جدید" می‌باشد (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ بویژه نسخه ۳۴).

بهترین راهی که می‌توان به روح اجازه دهیم به ایمانداران کمک کند تا مکاشفه را درک نمایند، می‌تواند تسریح مرکزیت اصلی پاراگراف باشد، نه ترجمه جزئیات هر خط. این تفکر موضعی است که حقیقت مرکزی نویسنده اصلی را بیان می‌کند. مشخص کردن کتاب یا ادبیات آن به یکی از دلایل نویسنده اصلی الهام شده کمک می‌کند. به هیچ مترجمی وحی نمی‌شود. ما نمی‌توانیم روش‌های انجیلی نویسنده اصلی را دوباره تولید کنیم. ما می‌توانیم و باید تلاش نماییم تا بفهمیم آنها در آن روزگار چه می‌گفتند و سپس آن حقایق را به زبان امروزی خودمان نقل کنیم. در انجیل نقاط گنگ و نهان وجود دارد (تا یک دوره خاص). با برخی موضوعات و متون همیشه مخالفت بعمل خواهد آمد اما ما همواره باید به روشنی حقایق را اظهار نموده و اجازه دهیم تا مترجمین مستقل ایماندار آزادانه و در مرزهای تعیین شده نویسنده اصلی کار کنند. مترجمین باید در روشنایی فراهم آمده کار کنند و همیشه آغوششان برای روشنایی بیشتر از کتاب مقدس و روح القدس باز باشد. خداوند بر اساس میزان درک ما و اینکه چگونه بوسیله آن درک زندگی می‌کنیم، قضاوت خواهد کرد.

۶:۱

"و هنگامی که او دوباره می‌آورد"

NASB

"اما هنگامی که او دوباره می‌آورد"

NKJV

"و دوباره، هنگامی که او می آورد"

"اما هنگامی که خداوند می خواست بفرستد"

"دوباره، او می آورد"

اشاره این آیه به بازگشت دوباره پسر نیست. این یک روشی ادبی برای معرفی بیانی جدید است (عبرانیان ۱:۵؛ ۲:۱۳؛ ۴:۵؛ ۱۰:۳۰). توجه داشته باشید که در نسخه‌های NASB, NKJV, NRSV, NJB از فعل "آوردن" استفاده شده در صورتیکه در نسخه TEV فعل "فرستادن" بکار برده شده است. اولی می‌تواند بیان کننده عروج عیسی بوده و دومی اشاره به تجسم دوباره در بیت لحم داشته باشد. بدلیل اینکه فلسفه پدر-پسر با تجسم عیسی شروع می‌شود، می‌توان گفت که نسخه TEV بیشتر به متن اصلی نزدیک است.

■ "فرزند ارشد" این عبارت در موارد زیر بکار برده شده است:

۱. در عهد عتیق در جایی که فرزند ارشد میراث مضاعف دریافت کرده تا از والدین مراقبت کند

۲. در مزمور ۲۷:۸۹ برای اشاره به پادشاه اسرائیل

۳. در یهودیت ربانی برای تعریف نزدیکی خطر آورده شد (رومیان ۸:۲۹؛ کولسیان ۱:۱۵، ۱۸؛ مکاشفه ۱:۵)

این بخش قلب هم‌ستیزی Arius/Athanasius بود. آریوس تسریح می‌کرد که عیسی والاترین مخلوق خداوند است، از مزمور ۲۷:۸۹. آتاناسیوس تصریح می‌کرد که عیسی کاملاً خدا بود و به آیات ۲ و ۳ استناد می‌کرد؛ (۴) برای تشریح موضوع، "عیسی فرزند ارشد یک جامعه جدید انسانی است که باید جلال داده شود، همانطور که خدایش صاحب جلال است... یک نفر از سوی خداوند آمده تا جامعه جدیدی از قدوسین را تاسیس کند" (از کتاب *A Greek-English Lexicon* نوشته Bauer, Arndt, Gingrich, and Danken صفحه ۷۲۶) و (۵) در دنیای روم-یونان فرزند ارشد نقش کاهن خانواده را ایفا می‌کرد (*The Vocabulary of the Greek Testament* نوشته Moulton and Milligan صفحه ۵۵۷).

موضوع خاص: فرزند ارشد (Special Topic: Firstborn)

واژه "فرزند ارشد" (*prōtotokos*) در کتاب مقدس به اشکال گوناگون آورده شده است.

۱. سابقه عهد عتیقی آن اشاره دارد به

a. فرزند ارشد از آن یهوه است (BDB 114, KB 131, خروج ۱۳:۲، ۱۲:۲۲؛ ۲۹:۳۴؛ ۱۹:۳ اعداد ۳:۱۳)

b. پیشبینی فرزند پسر اول خانواده (تثنیه ۲۱:۱۷؛ مزمور ۲۷:۸۹؛ لوقا ۲:۷؛ رومیان ۸:۲۹؛ عبرانیان ۱۱:۲۸).

۲. شیوه استفاده آن در کولسیان ۱:۱۵ سخن از عیسی به‌عنوان اولین در آفرینش است که اشاره احتمالی عهد عتیق به امثال ۸:۲۲-۳۱ داشته و یا نماینده خدا در آفرینش (یوحنا ۱:۳؛ ۱ قرنتیان ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۵-۱۶؛ عبرانیان ۱:۲)

۳. شیوه استفاده آن در کولسیان ۱:۱۵، ۱۸؛ ۱ قرنتیان ۱۵:۲۰، ۲۳؛ مکاشفه ۱:۵ اشاره به عیسی به‌عنوان اولین زاده شده پس از مرگ دارد

۴. عنوانی است برای مسیح در عهد عتیق (مزمور ۲۷:۸۹؛ عبرانیان ۱:۶؛ ۱۲:۲۳)؛ این عنوان ترکیبی از چندین جنبه اولویت و محوریت عیسی است.

■ "به جهان" این اشاره به از پیش وجود داشتن عیسی دارد، کسی که همیشه خداوند بود، اما صحنه‌ای جدید از ماموریتش در بیت لحم هنگامی که گوشت انسان شد، شروع گردید (فیلیپیان ۲:۶-۸). این واژه را نباید هم معنی *kosmos* ارزیابی کرد، بلکه *oikoumenē* که برای سطح زمین که بوسیله انسان‌ها مسکونی شده استفاده می‌گردد. این واژه همچنین در عبرانیان ۲:۵ بصورت استعاره به‌عنوان مرجعی برای عصر جدید بکار برده شده است.

■ "همه فرشتگان خدا او را بپرستند" این آیه از Septuagint یا از تثنیه ۳۲:۴۳ و یا مزمور ۹۷:۷ برگرفته شده است. واژه عبری برای "فرشتگان" که در مزمور ۹۷:۷ بکار رفته، *Elohim* است. تاییدیه این ترجمه از لوح شماره ۴ کتیبه‌های دریای مرده بدست آمده است. واژه الوهیم می‌تواند اشاره به خداوند، فرشتگان آسمانی، قضات انسانی (خروج ۲۱:۶؛ ۲۲:۸-۹)، و یا حتی روح یک انسان وفات یافته دلالت داشته باشد (۱ ساموئیل ۲۸:۱۳).

آیه به این مفهوم نیست که فرشتگان عیسی را تا زمان تجسم دوباره پرستش نمی‌کردند. در متن ارجحیت پسر بوسیله پرستش وی توسط فرشتگان نشان داده می‌شود.

۷:۱ "فرشتگان را با دها می‌سازد" این آیه آغازیست برای نشان دادن قابل تغییر بودن فرشتگان (LXX مزمور ۱۰۴:۴) در مقابل عیسی که غیر قابل تغییر و دائمی است (عبرانیان ۱:۸، ۱۱، ۱۲؛ ۱۳:۸). روحانیون، به نقل از مراثی ارمیا ۳:۲۳ یا دانیال ۷:۱۰، می‌گویند که خداوند هر روز صبح فرشتگان را دوباره خلق می‌کند.

۸:۱ "ای خدا، تخت سلطنت تو جاودانه است" این بخش نقل قولی است از مزمو ۶:۴۵ در نسخ هفتگانه، که پادشاهی مسیحایی را نشان می‌دهد. در متن عهد عتیق، ضمائر بسیار مبهم است و می‌تواند به خدا بعنوان پدر یا خدا بعنوان پسر اشاره کند. با این حال، در این متن به نظر می‌رسد که این یکی از قوی‌ترین تأکیدهای خدای مسیح است که در هر نقطه از کتاب مقدس یافت می‌شود (یوحنا ۱:۱۸؛ ۲۰:۲۸). در این مقطع، یک مشکل خطی یونانی وجود دارد. برخی از نسخه‌های اولیه (P⁴⁶، B و R) دارای ضمائر هستند (autou). تحت سلطنت او) که به ابهام می‌افزاید. نسخه چهارم انجمن متحده (UBS) از "تو" پشتیبانی می‌کند و به آن امتیاز B می‌دهد (متن تقریباً قطعی است). این قالب در متون ادبی یونانی قدیمی یافت شده و امتیاز A و D گرفته و نقل قول دقیق از مزمو ۶:۴۵ کتب هفتگانه می‌باشد. اغلب کاتبین نسخه‌های خطی باستانی تمایل داشتند متون را صریح‌تر بیان کنند، به ویژه اگر موضوع آنها مربوط به بحث‌های مسیح‌شناسی در آن روزگاران باشند (کتاب The Orthodox Corruption of Scripture نوشته Bart D. Ehrman از انتشارات آکسفورد پرس سال ۱۹۹۳ صفحه ۲۶۵).

این بحث به هیچوجه به معنای انکار خدایی مسیح نیست، بلکه هدف آن نشان دادن تمایل کاتبین نسخ خطی باستانی به تغییر متون برای اهداف الهیاتی و همچنین دستوری است. به همین دلیل است که دروس نظری مدرن نقد متون، نسخه‌های متنوعی را بر اساس موارد زیر مورد قضاوت قرار می‌دهد.

۱. غیرعادی‌ترین برداشت به احتمال زیاد از متن اصلی است
 ۲. ترجمه‌ای که برداشت‌های مختلف را توضیح دهد احتمالاً اصل است
 ۳. متونی که دایره جغرافیایی وسیعی را پوشش دهد (نه فقط از یک خانواده از نسخ خطی) به احتمال زیاد اصل است
- کتاب بارت اهرمن (در بالاتر به آن اشاره شده است) نیز این نکته را مطرح می‌کند که کاتب نسخ خطی باستانی بویژه در دوره اختلاف نظر بر روی مسیح‌شناسی و تثلیث، تغییراتی در متن یونانی به دلایل الهیاتی بوجود آورده است (قرن‌های سوم و چهارم).

■ "جاودانه" به وضوح این بخش به پادشاهی کوتاه مدت اشاره نداشته و بلکه نوید پادشاهی ابدی را می‌دهد (اشعیا ۹:۸؛ دانیال ۷:۱۴، ۱۸؛ لوقا ۱:۳۳؛ ۲ پتر ۱:۱۱؛ مکاشفه ۱:۱۵).

موضوع خاص: تا ابد (اصطلاحی یونانی) (Special Topic: Forever [Greek Idiom])

عبارتی در میان یونانیان مصطلح است که می‌گویند "بسوی عصرها یا دوران‌ها" (لوقا ۱:۳۳؛ رومیان ۱:۲۵؛ ۱۱:۳۶؛ ۲۷:۱۶؛ غلاطیان ۱:۵؛ ۱ تیموتائوس ۱:۱۷؛ در نسخه فارسی نوشته شده "تا ابد")، که به نوعی بازتاب دهنده لغت عبری آن *olam* است. به کتاب *Synonyms of the Old Testament* نوشته Robert B. Girdlestone صفحات ۳۱۹ تا ۳۲۱ و موضوع خاص تا ابد *olam* مراجعه فرمایید.

سایر عبارات مرتبط با "تا ابد" (متی ۱۹:۲۱؛ مرقس ۱۱:۱۴؛ لوقا ۱:۵۵؛ یوحنا ۶:۵۸؛ ۸:۳۵؛ ۱۲:۳۴؛ ۱۳:۸؛ ۴:۱۶؛ ۲ قرنتیان ۹:۹) و "دوره تمام دوران‌ها" (افسیان ۳:۲۱). اینطور بنظر می‌رسد که در رابطه با "تا ابد" هیچ برتری میان این اصطلاحات یونانی وجود ندارد. عبارت "دوران‌ها" ممکن است در معنای ظاهری ساختار گرامری ربانی، جمع بسته شده باشد که آن را *The Plural of Majesty* می‌نامند، یا ممکن است به مفهوم چندین "دوران" در چارچوب ادراک یهودیان، "دوران شرارت"، "دوران پیش رو" یا "دوران عدالت" باشد.

به موضوع خاص این دوران و دوران پیش رو مراجعه نمایید.

یکی از اصطلاحات یونانی در این مورد، لغت "unto the ages" که معادل فارسی آن "تا ابد" یا "تا تمام دوران‌ها" می‌باشد (لوقا ۱:۳۳؛ رومیان ۱:۲۵؛ ۱۱:۳۶؛ ۱۶:۲۷؛ غلاطیان ۱:۵؛ ۱ تیموتائوس ۱:۱۷)، که در اینجا بر واژه عبری *Olam* تأثیر می‌گذارد. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب *Synonyms of the Old Testament* نوشته Robert B. Girdlestone صفحات ۳۱۹ تا ۳۲۱ مراجعه فرمایید. فراهای دیگر مرتبط با این لغت (متی ۱۹:۲۱ [مرقس ۱۱:۱۴]؛ تسالونیکیان ۱:۵۵؛ یوحنا ۶:۵۸؛ ۸:۳۵؛ ۱۲:۳۴؛ ۱۳:۸؛ ۱۴:۱۶؛ ۲ قرنتیان ۹:۹) و لغت دیگر مشابه آن "عصر اعصار" (افسیان ۳:۲۱) می‌باشند. بنظر نمی‌رسد امتیاز خاصی میان این اصطلاحات برای تعریف لغت "تا ابد" وجود داشته باشد. واژه "اعصار" ممکن است در قالب ساختار دستوری روحانیون جمع بسته شده باشد که اصطلاحاً به آن "the plural of majesty" گفته می‌شود و یا ممکن اشاره به مفهوم "دوران‌ها" بصورتیکه یهودیان برای تعریف "دوران معصومیت"، "دوران شرارت"، "دوران پیش رو"، و یا "دوران عدالت" استفاده می‌کردند، باشد.

موضوع خاص: 'Olam (تا ابد) - (Olam Forever) Special Topic

واژه 'Olam (798, BDB 761) بسیار رایج بوده است (بیش از ۴۰۰ بار استفاده شده است). این واژه برای نشان دادن طول زمان در حالات مختلف استفاده می‌شود، هر یک از حالات آن باید مرتبط باشند به طبیعت وجودی که به آن اشاره می‌کنند.

A. گذشت زمان (فقط مثال‌ها)

۱. "پهلوانان روزگاران کهن" پیدایش ۴:۶

۲. "کوه‌ها و تپه‌ها"

۳. "نیاکان" تثنيه ۷:۳۲

۴. "اجداد" یوشع ۲:۲۴

۵. "زمان‌های قدیم" اشعیا ۹:۵۱

B. تداوم برای یک دوره زندگی (فقط مثال‌ها)

۱. "از آن به بعد تو (موسی) را باور خواهند کرد" خروج ۹:۱۹

۲. "خدمتکار همیشگی" تثنيه ۱۷:۱۵؛ اول سموئیل ۱۲:۲۷

۳. "تا زنده هستید" تثنيه ۶:۲۳

۴. "ساموئیل همیشه در آنجا بماند" اول سموئیل ۲۲:۱

۵. پادشاه "تا ابد زنده بماند" نحمیا ۳:۲؛ مزمور ۴:۲۱

۶. "خداوند را می‌ستاییم، از حال و تا ابدالآباد" مزمور ۱۱۵:۱۸؛ ۱۴۵:۱-۲

۷. "خواهم سرایید" مزمور ۸۹:۱؛ ۱۱۵:۱۸؛ ۱۴۵:۱-۲

۸. "همیشه آبستن" (استعاره)، ارمیا ۱۷:۲۰

۹. احتمالاً امثال ۲۵:۱۰

C. تداوم حیات (اما با محدودیت‌های محدود)

۱. تا ابد زنده، پیدایش ۲۲:۳

۲. زمین، مزمور ۷۸:۶۹؛ ۱۴۸:۵؛ جامعه ۱:۴؛ دوم پطرس ۳:۱۰

۳. کهانت هارون، خروج ۲۹:۹؛ ۵۰:۱۵ (اول سموئیل ۲:۳۰)

۴. شبات، خروج ۳۱:۱۶-۱۷

۵. روزهای جشن، خروج ۱۲:۱۴، ۱۷، ۲۴؛ لاویان ۱۶:۲۹، ۳۱، ۲۴؛ ۲۳:۱۴، ۲۱، ۴۱

۶. ختنه، پیدایش ۱۷:۱۳ (رومیان ۲۸-۲۹)

۷. سرزمین وعده داده شده، پیدایش ۱۳:۱۵؛ ۱۷:۱۸؛ ۴:۴۸؛ خروج ۳۲:۱۳ (تبعید)

۸. شهرهای ویران شده، اشعیا ۲۵:۲؛ ۳۲:۱۴؛ ۳۴:۱۰

D. پیمان مشروط

۱. ابراهیم، پیدایش ۱۷:۷، ۸، ۱۳، ۱۹

۲. اسراییل، تثنيه ۵:۲۹؛ ۱۲:۲۸

۳. داوود، دوم سموئیل ۷:۱۳، ۱۶، ۲۵، ۲۹؛ مزمور ۸۹:۲، ۴

۴. اسراییل، داوران ۲:۱ (غلاطیان ۳)

E. پیمان بدون قید و شرط

۱. نوح، پیدایش ۹:۱۲، ۱۶

۲. عهدی جدید، اشعیا ۵۵:۳؛ ارمیا ۳۲:۴۰؛ ۵:۵۰ (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶:۲۲-۳۰)

F. خداوند

۱. وجود خداوند، پیدایش ۲۱:۳۳؛ تثنيه ۳۲:۴۰؛ مزمور ۹۰:۲؛ اشعیا ۴۰:۲۸؛ دانیال ۷:۱۲

۲. نام خداوند، خروج ۳:۱۵؛ مزمور ۱۳۵:۱۳

۳. سلطنت خداوند، خروج ۱۵:۱۸؛ مزمور ۴۵:۶؛ ۶۶:۷؛ ارمیا ۱۰:۱۰؛ میکاه ۷:۴

۴. کلام خداوند، مزمو ۱۱۹:۸۹، ۱۶۰؛ اشعیا ۴۰:۸؛ ۵۹:۲۱
 ۵. مرحمت خداوند، مزمو ۲۵:۶؛ ۸۹:۲؛ ۱۰۳:۱۷؛ ۱۱۸:۱-۴؛ ارمیا ۳۳:۱
 G. مسیح او (خداوند)

۱. نام او، مزمو ۷۲:۱۷، ۱۹
 ۲. جاودانه مبارک، مزمو ۴۵:۲، ۱۷؛ ۸۹:۵۲
 ۳. پادشاهی، مزمو ۸۹:۳۶، ۳۷؛ اشعیا ۹:۷
 ۴. کاهن، مزمو ۱۱۰:۴
 ۵. ایام ازل، میکاه ۵:۲
- H. دوره جدید زندگی
۱. زندگی جاودان، دانیال ۱۲:۲
 ۲. حقارت جاودان، دانیال ۱۲:۲
 ۳. نشنیدن صدای گریه و شیون، اشعیا ۶۵:۱۹ (مکاشفه ۲۱:۴)
 ۴. بدون آفتاب، اشعیا ۶۰:۱۹-۲۰ (مکاشفه ۲۱:۲۳).
- به تعداد کلمات انگلیسی متفاوتی که برای ترجمه متن عبری استفاده شده توجه کنید

۱. تا ابد
۲. قدیمی
۳. جاودان
۴. ابدی
۵. انتها
۶. همیشه
۷. برای زندگی
۸. تداوم
۹. عادی
۱۰. همیشگی
۱۱. هر زمان
۱۲. باستان، دوران باستان
۱۳. بی انتها
۱۴. تا ابدالابد
۱۵. تا انتهایش
۱۶. زمانی طولانی
۱۷. زمان‌های دور

۹:۱ "تو پارسایی را دوست می‌داری و شرارت را دشمن" این بخش از آیه، از مزمو ۴۵:۷ کتب Septuagint برگرفته شده که به زندگی زمینی عیسی مسیح مربوط می‌شود.

موضوع خاص: عدالت (Special Topic: Righteousness)

"عدالت" یکی از موضوعات حساس است که هر دانشجوی انجیل باید مطالعات فردی جامعی در خصوص این مفهوم انجام دهد.

در عهد عتیق، شخصیت خدا به صورت "عادل" و "صالح" (فعل، BDB 842, KB 1003، اسم مذکر، BDB 841, KB 1004، اسم مونث، BDB 842, KB 1006) توصیف شده است. این اصطلاح بین‌النهرینی از "ساقه نی" می‌آید که از آن در ساختمان به عنوان ابزاری برای تشخیص صاف بودن سطح

افقی دیوارها و پرچینها استفاده می‌شد. خدا این اسم را برای استفاده استعاره‌ای برای ماهیت خودش انتخاب کرد. او یک سطح کاملا صاف است (مانند خطکش) که توسط آن همه چیز ارزیابی می‌شوند. این مفهوم عادل بودن و همچنین حق داوری او را تصریح می‌کند.

انسان با تصویری از خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۶: ۱ الی ۲۷، ۱: ۵ و ۳، ۹: ۶). نوع بشر برای دوستی با خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۸). کل خلقت مرحله‌ای است برای تعامل میان خدا و نوع بشر. خدا می‌خواست بالاترین مخلوقش، یعنی نوع بشر، او را بشناسد، دوستش داشته باشد، به او خدمت کند، و مانند او باشد! وفاداری نوع بشر آزمایش شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳) و اولین زوج در آزمایش شکست خوردند. این باعث شد رابطه خدا با انسان قطع شود (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۵ الی ۲۱).

خدا قول داد که این دوستی را مجدداً برقرار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۳، به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی بیهوده مراجعه شود). او این کار را با اراده خود و توسط پسرش انجام داد. انسانها توانایی مرمت این شکاف را نداشتند (مراجعه شود به رومیان ۱۸: ۱ الی ۲۰: ۳، مکاشفه ۵).

پس از خروج از بهشت، نخستین گام خدا برای برقراری مجدد این رابطه، مفهوم پیمان بر اساس دعوت انسان به توبه، وفاداری و پاسخ به اطاعت از وی بود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۲۲: ۳۶ الی ۳۸). به واسطه سقوط، انسانها فاقد توانایی دادن پاسخ مناسب بودند (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱، غلاطیان ۳). خدا خودش باید نخستین گام را برمی‌داشت تا پیمان شکنی انسانها را مرمت کند. او این کار را با اقدامات زیر انجام داد:

۱. از طریق کارهای مسیح نوع بشر را صالح اعلام کردن (عدالت قضایی)
۲. از طریق مسیح به رایگان صداقت را به نوع بشر دادن (عدالت محسوب شده)
۳. دادن روح به نوع بشر که صداقت را ایجاد می‌کند (مسیح گونه بودن، بازیابی تصویری از خدا)
۴. تجدید دوستی باغ عدن (کتاب پیدایش ۱ الی ۲ را با مکاشفه ۲۱ الی ۲۲ مقایسه کنید)

با این وجود، خدا می‌خواهد که به پیمانش پاسخ دهیم. خدا حکم می‌کند (به رایگان می‌دهد، مراجعه شود به رومیان ۸: ۵، ۶: ۲۳) و تامین می‌کند ولی انسانها باید پاسخ داده و آن را ادامه دهند با

۱. توبه
۲. ایمان
۳. پیروی شیوه زندگی
۴. استقامت

بنابراین، عدالت یک پیمان و اقدام دوجانبه میان خدا و بالاترین مخلوقش است، بر اساس شخصیت خدا، کار عیسی و فعال کردن روح القدس، که به آن هر فرد باید شخصاً و به صورت مداوم پاسخ مناسب بدهد. به این مفهوم "دادن حق با لطف و از طریق ایمان" گفته می‌شود (مراجعه شود به افسسیان ۸: ۲ الی ۹). این مفهوم در اناجیل فاش می‌شود، ولی نه با این کلمات. در ابتدا توسط پولس، که از اصطلاح یونانی صداقت به اشکال مختلف بیش از یکصد مرتبه استفاده شده مطرح شد.

پولس که یک روحانی آموزش دیده است، از اصطلاح dikaiosunē در مفهوم عبری کلمه tsaddiq که در نسخه عبری انجیل به کار رفته، استفاده می‌کند، نه از نسخه یونانی. در نوشته‌های یونانی این کلمه به کسی گفته می‌شود که توقعات خدا و جامعه را برآورده می‌کند (مانند نوح، یعقوب). در مفهوم عبری همیشه در قالب کلمات پیمان است (به موضوع خاص: پیمان مراجعه شود). بیهوه خدای عادل، با اخلاق و معنوی است. او می‌خواهد مردمش منعکس کننده شخصیتش باشند. انسان آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۷، غلاطیان ۶: ۱۵). این نازگی حاصلش نازگی شیوه جدید زندگی خداپسندانه است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۷، غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۴، یعقوب، اول یوحنا). از آنجا که اسرائیل یک حکومت مذهبی بود، هیچ تعریف واضحی میان سکولار و روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در قالب کلمات عبری و یونانی به کلمه "justice" (عدالت) (در رابطه با جامعه) و "صداقت" در رابطه با مذهب ترجمه شده است.

خبر خوب عیسی این است که رابطه انسان سقوط کرده با خدا تجدید می‌شود. این کار با عشق، رحم و لطف خدا انجام می‌شود، زندگی، مرگ و قیام از مردگان پسرش و با اظهار عشق روح القدس و جلب توجه به سوی خبر خوش. Justification یک حرکت آزاد از جانب خداست، ولی باید در قالب خداپسندانه باشد (وضعیت آگوستین، که منعکس کننده شکل بخشی مجدد که بر آزادی اناجیل و کلیسای کاتولیک رم تاکید بر زندگی تغییر یافته بر اساس عشق و وفاداری نسبت به خدا). برای اصلاح کنندگان کلمه "صداقت خدا" حالت اضافه عینی است (این عمل که انسان گناهکار برای قابل

پذیرش شود) [تقدیس موقعیتی]، در حالیکه برای کاتولیکها این یک مضاف الیه است، که فرایند بیشتر تبدیل شدن به خدا است [تقدیس تجربی در حال پیشرفت]. در واقعیت یقینا این هر دو است.

در دیدگاه من از تمام انجیل، از کتاب پیدایش ۴ گرفته تا مکاشفه ۲۰، حکایت از این دارد که خدا رابطه دوستی با بهشت را تجدید می کند. انجیل از دوستی خدا با انسان از همان ابتدا شروع می شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) و انجیل با همین شیوه خاتمه می یابد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر و هدف خدا باز یابی می شود.

برای مستندسازی بحث فوق به عبارتهای منتخب از عهد جدید در زیر بر اساس گروه کلمات یونانی را ملاحظه نمایید

۱. خدا صادق است اغلب با اینکه خدا قاضی است مرتبط می باشد)

a. رومیان ۳:۲۶

b. دوم تسالونیکیان ۱:۵ الی ۶

c. تیموتائوس ۴:۸

d. مکاشفه ۵:۱۶

۲. عیسی عادل است

a. اعمال رسولان ۱۴:۳، ۵۲:۷، ۱۴:۲۲ (عنوان مسیح)

b. انجیل متی ۱۹:۲۷

c. اول یوحنا ۱ و ۲:۲۹، ۷:۳

۳. اراده خدا برای مخلوقش صداقت است

a. لاویان ۲:۱۹

b. انجیل متی ۴:۵ (مراجعه شود به ۱۷:۵ الی ۲۰)

۴. ابزار خدا برای تامین و ایجاد صداقت

a. رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱

b. رومیان ۴

c. غلاطیان ۳:۶ الی ۱۴

d. رومیان ۵:۶ الی ۱۱

۵. داده شده توسط خدا

a. رومیان ۳:۲۴، ۳:۲۳، ۶

b. اول قرنتیان ۱:۳۰

c. افسسیان ۲:۸ الی ۹

۶. دریافت با ایمان

a. رومیان ۱:۱۷، ۳:۲۲، ۳:۲۶ و ۴:۳، ۵ و ۱۳، ۹:۳۰، ۴:۱۰ و ۶ و ۱۰

b. دوم قرنتیان ۵:۷ و ۲۱

۷. توسط کارهای پسر

a. رومیان ۵:۲۱

b. دوم قرنتیان ۵:۲۱

c. فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱

۸. اراده خدا این است که پیروانش صادق باشند

a. انجیل متی ۵:۳ الی ۴۸، ۲۴:۷ الی ۲۷

b. رومیان ۲:۱۳، ۵:۱ الی ۵، ۱:۶ الی ۲۳

c. افسسیان ۴:۱، ۱:۱۰، ۲

d. اول تیموتائوس ۶:۱۱

e. دوم تیموتائوس ۲:۲۲، ۳:۱۶

f. اول یوحنا ۷:۳

g. اول پطرس ۲:۲۴

۹. خدا جهان را با صداقت داوری میکند

a. اعمال رسولان ۱۷:۳۱

b. دوم تیموتائوس ۸:۴

۱۰. عدالت یک مشخصه خدا است، که آن را توسط مسیح به انسان گناهکار می‌دهد.

a. یک حکم خدا

b. هدیه‌ای از خدا

c. یک کار مسیح

d. زندگی که باید زندگی کرد

ولی عادل شدن هم فرایندی دارد که باید با نیرومندی و پایداری آن را طی کرد، که با فرارسیدن بازگشت دوم، به سرانجام خواهد رسید. دوستی با خدا در رستگاری تجدید می‌شود ولی تداوم و پیشرفت آن در طی زندگی و مواجهه رو در رو با او (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۳) در زمان مرگ انجام می‌شود.

برای جمع بندی این بحث، در اینجا نقل قول خوبی را از کتاب *Dictionary of Paul and His Letters* از انتشارات IVP بیان می‌کنم:

"کالوین بیش از لوتر بر جنبه رابطه‌ای صداقت و صالح بودن خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه لوتر از صداقت خدا در بردارنده جنبه برائت باشد. کالوین بر طبیعت حیرت‌انگیز ارتباط یا رساندن صداقت خدا به ما تاکید می‌کند" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه مومن با خدا شامل این سه جنبه است:

۱. انجیل یک فرد است (تاکید کلیسای شرقی و کالوین)

۲. انجیل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)

۳. انجیل زندگی تغییر یافته است (تاکید کاتولیک)

همه اینها درست هستند و باید برای مسیحیت سالم و انجیلی با همدیگر حفظ شوند. اگر هر کسی بیش از حد تاکید کرده یا مسامحه نماید، مشکلاتی به وجود می‌آیند.

ما باید عیسی را بپذیریم!

ما باید به انجیل ایمان داشته باشیم!

ما باید همچون مسیح بودن را ادامه دهیم!

موضوع خاص: پیمان (Special Topic: Covenant)

توضیح دادن عبارت عهد عتیق (berith (BDB 136)، پیمان، ساده نیست. در زبان عبری هیچ فعلی را برای تطابق آن نیافتم. تمام لغاتی که بعنوان ریشه آن معرفی شدند، مقبول واقع نگردید. با اینحال، مرکزیت روشن مفهوم آن، مفسرین را بر آن داشت تا لغاتی را برای آزمایش معنی اصلی امتحان کنند.

پیمان یعنی به هر صورت ممکن خدای حقیقی با مخلوق انسانی‌اش سر و کار داشته باشد. مفهوم پیمان، معاهده یا توافق نیازمند درک قاطع و مکاشفه انجیلی می‌باشد. تنش میان سلطه خداوند و آزادی انسان به وضوح در مفهوم پیمان دیده می‌شود. برخی معاهدات بر اساس شخصیت خداوند و کارهای او است

۱. نفس وجود آفرینش (پیدایش ۱-۲)

۲. دعوت ابراهیم (پیدایش ۱۲)

۳. پیمان با ابراهیم

۴. محافظت و وعده به نوح (پیدایش ۶-۹)

با این حال، طبیعت هر پیمانی نیازمند پاسخ است

۱. آدم قلباً باید از خدا اطاعت می‌کرد و از درخت میانی عدن میوه را نمی‌خورد
۲. ابراهیم قلباً باید خانواده‌اش را ترک می‌کرد، خدا را دنبال می‌کرد و به آینده نسل خود ایمان می‌داشت
۳. نوح قلباً باید کشتی عظیمی بدور از آب می‌ساخت و حیوانات را بدور هم جمع می‌کرد
۴. موسی قلباً باید اسرائیلیان را از مصر خارج کرده و به کوه سینا می‌برد تا راهنمایی‌های خاص را برای مقاصد مذهبی و زندگی اجتماعی دریافت کند. راهنمایی‌هایی همراه با برکت و نفرین (تثنیه ۲۷-۲۸).

تنش مشابهی ارتباط خداوند را با بشر در "پیمان جدید" درگیر کرده و نشانه می‌گیرد. این تنش را می‌توان به وضوح در مقایسه جزقیال ۱۸ و جزقیال ۳۶-۳۷:۲۷ دید (عمل یهوه). آیا این پیمان بر اساس فیض خداوند بوده یا پاسخ اجباری انسان؟ این بحث داغی است میان پیمان قدیم و جدید. هدف هر دو یکی است: (۱) بازسازی دوستی یهوه که در پیدایش ۳ گم شد و (۲) ساخت مردمی حق جو که بتوانند شخصیت خداوند را بازتاب دهند.

پیمان جدید در ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ این تنش را با حذف نقش انسان بعنوان ابزار دستیابی به پذیرش حقیقت، از میان بر می‌دارد. شریعت خداوند تبدیل به میل درونی می‌گردد. هدف مردمی حق جو و خداطلب همانگونه باقی مانده، اما روش دستیابی به آن تغییر می‌کند. انسان رانده شده از بهشت ثابت کرد که بخودی خود برای اینکه منعکس کننده تصویر خداوند باشد، ناکافی است. مشکل پیمان خداوند نبود، بلکه انسان گناهکار ضعیف بود (رومیان ۷؛ غلاطیان ۳). نمونه مشابه تنش میان پیمان غیر شرطی و شرطی عهد عتیق، در عهد جدید نیز ادامه می‌یابد. در کار تمام شده عیسی مسیح، نجات کاملاً امری بدون چشمداشت بوده، اما نیازمند توبه و ایمان می‌باشد (هم اجرایی و هم مداوم). این به مثابه یک اعلامیه رسمی و دعوتی به همچون مسیح بودن است، اعلامیه رسمی پذیرش و دستور به پذیرش قدوسیت خداوند! ایمانداران نه با کارهایشان، بلکه بوسیله سرسپردگی شان نجات می‌یابند (افسیان ۲: ۸-۱۰). زندگی در کنار خداوند به مثابه شاهی برای رستگاری و نجات می‌باشد، ولی خود نجات هنوز نیست. با اینحال، زندگی ابدی مشخصات قابل رویتی دارد! این تنش به وضوح در عبرانیان دیده می‌شود

" **تورا به روغن مسح کرده است**" واژه عبری برای "مسح یا تدهین کردن" (*mashiach*, BDB 603) از ریشه عبری لغت عهد عتیق برای مسایح (*masiah*) است. در عهد عتیق، پیامبران، کاهنان و شاهان بعنوان نشانه‌ای از انتخاب خدا و برای آمادگی جهت انجام وظایفی، با روغن زیتون مسح می‌شدند. در این زمینه همچنین به استفاده فرهنگی از روغن زیتون در زمان شادی و جشن اشاره می‌شود (اشعیا ۵۳: ۱۱).

موضوع خاص: مسح در انجیل (Special Topic: Anointing in the Bible)

(فعل عبری، BDB 602، KB 643 I، اسم BDB 603)

۱. برای زیبایی استفاده می‌شد (BDB 691 I)، مراجعه شود به تثنیه ۴۰:۲۸، روت ۳:۳، دوم سموئیل ۱۲:۲۰، ۱۴:۲، دوم تواریخ ۲۸:۱۵، دانیال ۳:۱۰، میکاه ۶:۱۵)
۲. برای میهمانان استفاده می‌شد (BDB 206)، مراجعه شود به مزمور ۲۳:۵، انجیل لوقا ۷:۳۸ و ۷:۴۶، انجیل یوحنا ۱۱:۲)
۳. برای درمان استفاده می‌شد (BDB 602)، مراجعه شود به اشعیا ۱:۶۱، انجیل مرقس ۶:۱۳، انجیل لوقا ۴:۳۴، یعقوب ۵:۱۴)
۴. برای آماده کردن جسد جهت دفن استفاده می‌شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۶، انجیل یوحنا ۳:۱۲ و ۷، ۱۹:۳۰ الی ۴۰)، یادداشت دوم تواریخ ۱۶:۱۴ ولی بدون فعل "تدهین"
۵. استفاده در مراسم مذهبی (BDB 602)، مراجعه شود به پیدایش ۲۸:۱۸، ۳۱:۱۳ [ستون]، خروج ۲۹:۳۶ [محراب]، خروج ۳۰:۳۰، ۹:۴۰ الی ۱۶، لاویان ۸:۱۰ الی ۱۳، اعداد ۷:۱ [جشن خیمه‌ها]
۶. برای انتصاب رهبران
a. کاهنان
i. آرون (خروج ۲۸:۴۱، ۲۹:۷، ۳۰:۳۰)
ii. پسران آرون (خروج ۴۰:۱۵، لاویان ۷:۳۶)
iii. عنوان یا عبارت استاندارد (اعداد ۳:۳، لاویان ۱۶:۳۲)
b. پادشاهان
i. توسط خدا (مراجعه شود به اول سموئیل ۲:۱۰، دوم سموئیل ۱۲:۷، دوم پادشاهان ۳:۹ و ۶ و ۱۲، مزمور ۴۵:۷، ۸۹:۲۰)

- ii. توسط پیامبران (مراجعه شود به اول سموئیل ۹:۱۶، ۱۰:۱، ۱۵:۱، ۱۷ و ۱۶:۳ و ۱۲ الی ۱۳، اول پادشاهان ۱:۴۵، ۱۹:۱۵ الی ۱۶)
- iii. توسط کاهنان (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱:۳۴ و ۳۹، دوم پادشاهان ۱۱:۱۲)
- iv. توسط بزرگان (مراجعه شود به داوران ۹:۸ و ۱۵، دوم سموئیل ۲:۷، ۵:۳، دوم پادشاهان ۲۳:۳۰)
- v. توسط عیسی به عنوان پادشاه مسیحی (مراجعه شود به مزمور ۲:۲، انجیل لوقا ۴:۱۸، [اشعیا ۱:۶۱]، اعمال رسولان ۴:۲۷، ۱۰:۳۸، عبرانیان ۱:۹ [مزمور ۷:۴۵])
- vi. پیروان عیسی (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱:۲۱، اول یوحنا ۲:۲۰ و ۲۷)
- c. احتمالاً پیامبران (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۶:۱۹، اشعیا ۱:۶۱)
- d. بی‌ایمانانی که ابزار الهی بودند
- i. کوروش (مراجعه شود به اشعیا ۱:۴۵)
- ii. پادشاه تیریبه (مراجعه شود به حزقیال ۲۸:۱۴، جایی که او از باغ عدن به عنوان استعاره استفاده می‌کند)
- e. اصطلاح "مسیح" یعنی "آن مسح شده" (BDB 603)، مراجعه شود به مزمور ۲:۲، ۸۹:۳۸، ۱۰:۸۹، ۱۰:۳۲

اعمال رسولان ۳۸:۱۰ آیه‌ای است که تمامی سه فرد خدا (تثلیث) در تدهین دخیل هستند. عیسی تدهین شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۸:۴، اعمال رسولان ۴:۲۷، ۳۸:۱۰). این مفهوم بسط یافت تا تمامی مومنین شامل تدهین شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۲۷). "آن تدهین شده" تبدیل "به آن تدهین شدگان" شد! این می‌تواند با ضد مسیح و ضد مسیحیان همسو باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۱۸). در عهد عتیق عمل نمادین تدهین با روغن (مراجعه شود به خروج ۷:۲۹، ۲۵:۳۰، ۳۷:۲۹) در رابطه با آنانی است که توسط خدا برای کارهای خاصی فراخوانده شده‌اند (یعنی پیامبران، کاهنان، و پادشاهان). کلمه مسیح ترجمه اصطلاح عبری "آن مسح شده" یا مسیح است.

■ "بیش از همقطاران" این بخش ادامه فراز آورده شده از مزمور ۶-۷ نسخه Septuagint است. هر جزء از مزمور نباید به تاکید الهی مرتبط با عیسی تحمیل شود. عبارت می‌تواند به ارجحیت عیسی بر (۱) فرشتگان، (۲) پادشاهان اسرائیل، (۳) قوائد دنیوی و یا (۴) بشرها یافته مربوط گردد.

■ ۱۰:۱ "تو ای خداوند" فقط ترجمه مزمور ۱۰۲:۲۵ نسخه Septuagint از لغت "سرور" استفاده کرده که اشاره به یهوه دارد، اما در این متن اشاره به عیسی دارد. این دلیل دیگری است مبنی بر این که عبرانیان ۹:۱ همچنین از عیسی بعنوان "خدا" یاد می‌کند.

■ "بنیان زمین را نهادی، و آسمانها صنعت دستان توست" این اشاره‌ای به ۱:۲ عیسی بعنوان نماینده پدر در آفرینش است. به موضوع خاص منشا مراجعه نمایید. پیدایش ۱ آفرینش Elohim را به صراحت تسریح می‌کند (پیدایش ۱:۳، ۶، ۹، ۱۴، ۲۰، ۲۴، ۲۶)، درحالیکه پیدایش ۲ نقش مستقیم یهوه را در هدایت این موضوع تاکید می‌دارد، به این مضمون که آدم و حوا را از رس ساخت (پیدایش ۲:۷، ۸، ۱۹، ۲۲). این بخش (مزمور ۱۰۲:۲۵) استعاره شخصی را به کلیت آفرینش فیزیکی تعمیم می‌دهد.

موضوع خاص: منشا (archē) - (Special Topic: archē)

کلمه یونانی archē به معنی "آغاز" یا "منشا" چیزی است.

۱. آغاز نظم خلقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۱، عبرانیان ۱:۱۰)
 ۲. آغاز بشارت (رجوع شود به انجیل مرقس ۱:۱، فیلیپیان ۴:۱۵، دوم تسالونیکیان ۲:۱۳، عبرانیان ۲:۳، اول یوحنا ۱:۱)
 ۳. آغاز شاهدان عینی (رجوع شود به انجیل لوقا ۱:۲)
 ۴. شروع نشانها (معجزات، رجوع شود به انجیل یوحنا ۲:۱۱)
 ۵. اصول ابتدایی (رجوع شود به عبرانیان ۵:۱۲)
 ۶. به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم (رجوع شود به عبرانیان ۳:۱۴)
 ۷. سرآغاز، رجوع شود به کولسیان ۱:۱۸، مکاشفه ۳:۱۴
- برای "حکمرانی" و "قدرت" هم استفاده شده است
۱. در مورد مقامات حاکم
 - a. انجیل لوقا ۱۲:۱۱
 - b. انجیل لوقا ۲۰:۲۰

c. رومیان ۱۳:۳ و تیتوس ۳:۱

۲. مسئولان مبلغین دینی

a. رومیان ۸:۳۸

b. اول قرن‌تینان ۱۵:۲۴

c. افسسیان ۱:۲۱، ۳:۱۰ و ۶:۱۲

d. کولسیان ۱:۱۶، ۲:۱۰ و ۱۵

e. یهودا ۱:۶

معلمین دروغین کتاب یهودا همه مقامات زمینی و بهشتی را نفرین کردند. آنها آزادیخواهان آنتینومی هستند. آنها خود و امیال خود را اول و مقابل از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی و سران کلیسا قرار می‌دهند.

۱۱:۱ "آنها از میان می‌روند، اما تو بر جا می‌مانی! آنها همه چون جامه‌مندرس خواهند شد!" این آیه دوباره ازلی بودن پسر را نشان می‌دهد. پیامبران عهد عتیق اغلب از صحنه دادگاهی برای نشان دادن نارضایتی یهوه از همسر سرکش خود، اسرائیل استفاده می‌کنند. وی او را (اسرائیل بصورت مؤنث شده است) به دادگاه طلاق برده و دو شاهد فرا می‌خواند (تثنیه ۱۹:۱۵)، ابدی‌ترین شهود، "آسمان و زمین"، تا شهادت خود را اثبات نماید. حتی این دو شاهد ابدی نیز از بین خواهند رفت. این گزاره دو سناریو را مطرح می‌کند: (۱) فعل اول (apollumi) دارای معنی مخرب و خشونت‌آمیز است (۲ پطرس ۳:۱۰) و (۲) دومی از پیر شدن و مردن همچون لباسی کهنه صحبت می‌کند.

این قیاس دیگری از بی‌ثباتی در نظم آفرینش (فرشتگان و خلقت) در مقابل ثبات و استحکام عرش خداوند و پسرش است!

۱۲:۱ "اما تو همان هستی" این بخش از مزمور ۲۷:۱۰۲ گرفته شده است. مفهوم مشابهی (تغییر ناپذیری) در عبرانیان ۸:۱۳ برای تعریف تعبیرناپذیری عیسی استفاده شده است. فرشتگان تغییر می‌کنند، آسمان (بهشت) و زمین تغییر می‌کند، ولی عیسی پابرجاست، چیزی که آرزوی بشریت است (ملاکیان ۶:۳؛ یعقوب ۱:۱۷).

■ "سال‌های تو را پایانی نیست" همانگونه که گزاره قبل پیرامون لایزالی شخصیت عیسی صحبت می‌کرد، این بخش به بقای شخص او می‌پردازد.

۱۳:۱ "به دست راست من بنشین" این بخش از نسخه Septuagint مزمور ۱۱۰:۱ آورده شده است. یک مزمور مسیحایی فوق‌العاده که به کرات در عبرانیان آورده شده است (عبرانیان ۳:۱، ۱۳:۵؛ ۶:۱۰؛ ۶:۲۰؛ ۷:۳، ۱۱، ۱۷، ۲۱؛ ۸:۱؛ ۱۰:۱۲-۱۳؛ ۱۲:۲). تلفیق جنبه شاهانه (عبرانیان ۱:۱-۳) و روحانی (عبرانیان ۴:۱-۷) مسیح می‌باشد (مثل دو درخت زیتون در زکریا ۴). به دو حالت "سرور" توجه نمایید، اولی یهوه است، و دومی Adon. خدای داوود (مسایاح) بر تخت پادشاهی یهوه نشسته است، در جایی که قدرت و اختیار از آن اوست. چنین چیزی هرگز برای فرشتگان رخ نداده است!

۱۴:۱ "مگر آنها جملگی روحهایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده نجات فرستاده می‌شوند" فرشتگان برای خدمت به خدا و بشریت به حیات خود ادامه می‌دهند. بشریت به لحاظ روحانی در مرحله بالاتری از آنان قرار دارد. ایمانداران فرشتگان را قضاوت خواهند کرد (۱ قرن‌تینان ۳:۶). عیسی برای رهایی فرشتگان جان خود را از دست نداد (عبرانیان ۲:۱۴-۱۶).

موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند (Special Topic: Salvation [Greek Verb Tenses])

رستگاری یک محصول نیست، بلکه رابطه روزانه فردی با خدا در مسیح است. با اعتماد کردن فرد به مسیح خاتمه نمی‌یابد، تازه شروع شده است (یک دروازه و سپس یک راه، مراجعه شود به انجیل متی ۷:۱۳ الی ۱۴). یک بیمه آتش سوزی نیست، و نه بلیط به بهشت، بلکه زندگی است که در شبیه مسیح بودن باید رشد کند (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۸ الی ۲۹، دوم قرن‌تینان ۳:۱۸، ۷:۱، غلاطیان ۴:۱۹، افسسیان ۱:۴، ۴:۱۳، اول تسالونیکیان ۳:۱۳، ۳:۳ و ۷:۲۳، ۵:۱۵). در آمریکا ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید هر چه یک زوج بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه به یکدیگر می‌شوند. این هدف رستگاری است!

رستگاری به عنوان عمل کامل شده (آئوریست)

• اعمال رسولان ۱۵:۱۱

• رومیان ۸:۲۴

• دوم تیموتائوس ۱:۱۹

• تیتوس ۳:۵

- رومیان ۱۱:۱۳ (زمان آئوریست با مسیر آینده ترکیب کرده است)

رستگاری به عنوان حالی از بودن (کامل)

- افسسیان ۲:۵ و ۸

رستگاری به عنوان فرایندی ممتد (حال)

- اول قرن‌تینان ۱:۱۸، ۲:۱۵

- دوم قرن‌تینان ۲:۱۵

- اول پطرس ۳:۲۱

رستگاری به عنوان آینده‌ای که تحقق خواهد یافت (حالت آینده در زمان فعل یا متن)

- رومیان ۵:۹ و ۱۰، ۹:۱۰ و ۱۳

- اول قرن‌تینان ۳:۱۵، ۵:۵

- فیلیپیان ۱:۲۸

- اول تسالونیکیان ۵:۸ الی ۹

- عبرانیان ۱:۱۴، ۹:۲۸

- اول پطرس ۱:۵

بنابراین رستگاری با تصمیم اولیه و ایمان آغاز می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱۲، ۳:۱۶، رومیان ۹:۱۰ الی ۱۳)، ولی این باید تبدیل به شیوه زندگی از روی ایمان شود (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۹، غلاطیان ۲:۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۱:۴، ۲:۱۰)، که روزی تحقق آن دیده خواهد شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۲). رستگاری وضعیت نهایی جلال یافتن نامیده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۸ الی ۳۰) می‌توان آن را به شیوه زیر به تصویر کشید:

۱. رستگاری اولیه – نجات یافتن از مجازات گناه)

۲. رستگاری در حال بسط یافتن – نجات یافتن از قدرت گناه)

۳. رستگاری نهایی – جلال یافتن (نجات یافتن از وجود گناه)

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. نقطه قوت عبرانیان ۱:۱ چیست؟

۲. تفاوت میان مکاشفه طبیعی و خاص چیست؟

۳. هفت جنبه شخصی و کاری عیسی را در آیات ۲-۳ فهرست نمایید.

۴. چرا توصیف عیسی برای دریافت‌کنندگان بسیار حائز اهمیت است؟

۵. فرشتگان چه ارتباطی با عیسی دارند؟

عبرانیان ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|-------------------------|---|-------------------------------|---|---|
| رستگاری بزرگ ۴-۱:۲ | از رستگاری غفلت مورزید ۴-۱:۲ | هشدار درباره دور شدن ۴-۱:۲ | رستگاری بزرگ ۴-۱:۲ | یک پند ۴-۱:۲ |
| پیشگام رستگاری ۹-۵:۲ | پسر پایین‌تر از فرشتگان آمد ۹-۵:۲ | تحقیر و جلال عیسی ۹-۵:۲ | کسی که ما را به سوی رستگاری می‌برد ۱۰-۵:۲ | آزادی بوسیله عیسی آورده شد نه فرشتگان ۸-۵:۲ |
| ۱۸-۱۰:۲ | پسران زیادی را جلال دهید ۱۸-۱۰:۲ | ۱۳-۱۰:۲ | ۱۳-۱۱:۲ | ۹-۸:۲ |
| | | ۱۸-۱۴:۲ | ۱۸-۱۴:۲ | ۱۳-۱۰:۲ |
| | | | ۱۸-۱۴:۲ | ۱۸-۱۴:۲ |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح‌القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی

A. فصل‌های یک و دو، واحد ادبی هستند. این واحد ارجحیت عیسی را بر مکاشفه عهد عتیق (عبرانیان ۱:۱-۳) و بر فرشتگان (عبرانیان ۱:۴-۴:۲) ادامه می‌دهد.

B. تاکید جدید فصل دو ارتباط عیسی با مردمش است (عبرانیان ۲:۱۰-۱۸). عیسی به درستی با آنها شناخته شده و آنها نیز در نتیجه، در جلال او سهیم هستند. مفهوم پیمان ارجح‌تر اینست که انسان رانده شده دوباره در مقامی که از زمان پیش از خلقت داشت، (عبرانیان ۲:۹-۱۱، ۱۴-۱۸) احیا گردد (مزمور ۸).

C. فصل دو در مجموعه هشدارها، صدر نشین است (عبرانیان ۲:۱-۴؛ ۳:۷-۱۱؛ ۵:۱۱-۱۱:۵؛ ۶:۱۲؛ ۱۰:۱۹-۱۹:۳۹؛ ۱۲:۱۲-۱۴:۲۹). این اولین هشدار توسط آنانی که ممکن است از مکاشفه جدید غافل بمانند، هدایت می‌گردد (انجیل). احتمالاً اشاره به مردم با پیش‌زمینه یهودی دارد که حرمت عمیقی برای پیمان موسایی، در عین نیاز به مقایسه شدن، قائل هستند.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۲: ۱-۴

ا^۱ پس بر ما ست که به آنچه شنیده‌ایم با دقت هر چه بیشتر توجه کنیم، مبادا از آن منحرف شویم. ^۲ زیرا اگر پیامی که به واسطه فرشتگان بیان شد الزام‌آور بود، آن گونه که هر سرپیچی و نافرمانی مجازاتی برحق می‌یافت، ^۳ پس ما چه راه‌گریزی خواهیم داشت اگر چنین نجاتی عظیم را نادیده بگیریم؟ این نجات در آغاز به واسطه خداوند بیان شد و سپس توسط آنان که از او شنیدند بر ما ثابت گردید، ^۴ در حالی که خدا نیز بر آن گواهی می‌داد، با آیات و عجایب و معجزات گوناگون، و عطایای روح القدس، که آنها را بنا به خواست خود تقسیم می‌کرد.

۱:۲ "به این دلیل" (این عبارت در نسخه انگلیسی آمده و در نسخه فارسی نوشته نشده است) این بخش به حقایق فصل ۱ اشاره می‌کند.

■ "برماست" این واژه از لغت عبری "dei" بمفهوم الزام اخلاقی گرفته شده است. این اولین (عبرانیان ۲: ۱-۴) مورد از هشدارهای متعدد در کتاب عبرانیان است که گروه مشخصی از ایمانداران یهود را که همواره به همراه بی‌ایمانان در کنیسه به پرستش مشغول هستند، مورد خطاب قرار می‌دهد. بعضی از هشدارهای این کتاب به مؤمنان را تشویق کرده تا به طور عمومی به کلیسا پیوسته و به بطور کامل در جهت مأموریت جهانی انجیل حرکت کنند (متی ۲۰-۲۸: ۱۹؛ لوقا ۲۴: ۴۷؛ اعمال رسولان ۸: ۱). هشدارهای دیگر بطور مستقیم خطاب به یهودیان بی‌ایمان است که کلام انجیل را شنیده و قدرتش را در زندگی دوستان ایماندار یهودی دیده‌اند، ولی از پذیرش مسیح بعنوان مسیح موعود سر باز می‌زنند و به ورای سنت‌های روحانیون می‌روند (عبرانیان ۶: ۱۰).

| | |
|---|------|
| "دقت بیشتری کنید" | NASB |
| "مراعات جدی‌تری کنید" | NKJV |
| "توجهی به مراتب بیشتر کنید به" | NRSV |
| "همه چیز را به مراتب محکم‌تر نگه دارید" | TEV |
| "ذهنمان را با دقت بیشتری معطوف کنیم" | NJB |

این یک صفت تفصیلی و مصدر قوی یونانی است که به معنای دادن توجه خاص و مراقبت کامل نسبت به چیزی یا کسی است (اعمال رسولان ۸: ۶، ۱۰؛ ۱۴: ۱۶). وعده جدید پسر (انجیل) هم با ارزش است و هم خطرناک! حقیقت خداوند باید به درستی مورد استفاده قرار گیرد.

■ "مبادا از آن منحرف شویم" این واژه فقط در اینجا، در عهد جدید استفاده شده است. معنی لغوی آن "روان شدن" یا "لغزیدن" است. در حالتی استفاده می‌شود که باد یا جریان آب باعث شود فرد از مکان امنی که در آن است دور شود.

این هشدار به لحاظ دستور زبانی آثوری، اول شخص جمع غیر معلوم شرطی اظهار شده است. عنصری احتمالی که ناشی از یک عامل بی‌اعتبار بیرونی (صدای منفعل) با حالت وجه شرطی است. عبور یا دور شدن از حقیقت، واقعاً امکان دارد. همچنین ممکن است که استعاره به دریافت‌کنندگانی هنوز باقی مانده‌اند هدایت شده باشد، این در حالی است که حقیقت ادامه پیدا می‌کند. این می‌تواند کنایه‌ای باشد به امثال ۳: ۲۱ در نسخه Septuagint جایی که فعل مشابه استفاده شده است.

سه راه برای مشاهده این هشدارها وجود دارد.

۱. در جایی که اشاره می‌شود به آنهایی که از پذیرش انجیل سر باز می‌زنند (عبرانیان ۲: ۳)
۲. در جایی که اشاره می‌شود به آنهایی که ایمان آورده بودند ("ما باید توجه بیشتری به آنچه که شنیده‌ایم داشته باشیم" نسخه ۱)، اما این کار را نکردند
۳. در جایی که اشاره می‌شود به آنانی که ایمان آورده بودند و در خطر از دست دادن ایمان به مسیح بودند.

اولی می‌تواند اشاره کند به غیر باورمندان یهود، در حالی که دومی و سومی می‌تواند اشاره به مومنان یهود داشته باشد.

بنظر می‌رسد نحوه استفاده اول شخص جمع به این معنی باشد که نویسنده خود را در گروهی قرار می‌دهد که مورد خطاب قرار گرفته‌اند و می‌تواند به این مفهوم باشد که آنان ایماندار بودند یا حداقل در کنیسه‌ای بودند که انجیل در اختیارشان قرار گرفت (عبرانیان ۲: ۳). با این حال، این مورد مشابه جمع از نظر دستور زبانی در عبرانیان ۱۰: ۲۶ مورد استفاده قرار گرفته است.

۲:۲ "اگر" این جمله شرطی درجه یک است که بنظر می‌رسد از نگاه نویسندگان درست باشد، یا به جهت مقاصد ادبیاتی وی استفاده شده باشد. در زبان انگلیسی اغلب به صورت "از آنجاییکه" یا "به این دلیل که" ترجمه می‌شود.

■ "پیامی که به واسطه فرشتگان بیان شد" این بخش به شریعت موسی اشاره می‌کند. یهودیان معتقد بودند که فرشتگان بصورت رابط میان یهوه و موسی در کوه سینا عمل می‌کردند (خروج ۳:۲؛ ۱۹:۱۴؛ ۲۳:۲۰-۲۳؛ ۳۲:۳۴؛ ۳۳:۲؛ مزمور ۶۸:۱۷؛ اعمال رسولان ۷:۳۸؛ ۵۳؛ غلاطیان ۳:۱۹).

| | |
|-------------------------------|------|
| "تغییر ناپذیر اثبات شد" | NASB |
| "پابرجای اثبات شد" | NKJV |
| "معتبر بود" | NRSV |
| "نشان داد که حقیقت دارد" | TEV |
| "ثابت کرد که قابل اعتماد است" | NJB |

خداوند به وعده‌ای که داد، وفادار است، هم برکاتش و/یا نفرین‌هایش (تثنیه ۲۷-۲۸).

موضوع خاص: ضمانت (Special Topic: Guarantee)

ضمانت از واژه یونانی *bebaios* گرفته شده که به سه مورد دلالت می‌کند.

۱. چیزی که قطعی، مطمئن و قابل اطمینان است (رومیان ۴:۱۶؛ ۲ قرن‌تبیان ۱:۷؛ عبرانیان ۲:۲۰؛ ۳:۶؛ ۱۴؛ ۱۹:۶؛ ۲ پطرس ۱:۱۰، ۱۹)
۲. مرحله‌ای که قابل اتکا بودن چیزی نشان داده شده یا تایید شود (رومیان ۸:۱۵؛ عبرانیان ۲:۲؛ رجوع شود به کتاب *English-Greek Lexicon of the New Testament*، نوشته Louw and Nida چاپ اول صفحات ۳۴۰، ۳۷۷؛ ۶۷۰).
۳. در *papyri* این واژه تبدیل به یک واژه فنی برای ضمانت شریعتی شده است (کتاب *The Vocabulary of the Greek New Testament*، نوشته Moulton and Milligan صفحات ۱۰۷-۱۰۸).

■ "هر سرپیچی و نافرمانی مجازاتی برحق می‌یافت" فرامین موسی بر مبنی فرمانبرداری بود! سرپیچی عمدی عواقب فوری و واضحی به همراه داشت (عبرانیان ۱۰:۲۸).

این دو واژه با یک حرف اضافه مشابه شکل گرفته شده: *parabasis* و *parakoē*، که می‌تواند یک حرف صدادار عمدی بوده باشد.

۳:۲ "ما چه راه گریزی خواهیم داشت" کتاب عبرانیان هشدارهای شدیدی درباره غفلت از حقیقت خداوند دارد (عبرانیان ۱:۲-۴؛ ۷:۳؛ ۱۱:۴؛ ۱۱:۵ - ۱۲:۶؛ ۱۹:۱۰؛ ۳۹:۱۲؛ ۱۴:۲۹).

■ "اگر چنین نجاتی عظیم را نادیده بگیریم" لغت "نادیده" (*ameleō*) یعنی "به چیزی یا کسی توجه نکردن" یا "در رابطه با چیزی یا کسی لاقید و بی توجه بودن". موارد استفاده آن در عهد عتیق برای (۱) تذکر به تیموتائوس بمنظور عدم توجه به هدیه روحانی (۱ تیموتائوس ۴:۱۴) و (۲) تایید نبود توجه از سوی یهوه نسبت به اسرائیل بدلیل زیر پا گذاشتن پیمان او (ایرانیان ۸:۹).

این نقطه برجسته جدلی است که اگر غفلت از پیمان موسی چنین عواقب سهمگینی به همراه داشت، پس عواقبی که ناشی از بی‌توجهی به پیمان جدیدتر و بهتر عیسای پسر چه خواهد بود. عواقب بی‌اعتنایی عمدی به پیام، از سوی خداوند تعیین خواهد شد (حکایت جشن عروسی پادشاه برای پسرش در متی ۲۲:۱-۱۴).

در اینجا سوال تفسیری به این شکل مطرح می‌گردد: "این بخش از آیه به کدام مورد اشاره می‌کند؟ (۱) عدم پذیرش پیمان جدید یعنی انجیل؟ و یا (۲) غفلت از پیمان جدید؟" روش استفاده در دوره‌ای که آیه نوشته شد، شماره ۲ را تایید می‌کند. برخی از مفسرین از "ما" به عنوان شواهدی استفاده می‌کنند تا بگویند مخاطب نویسنده گروه‌های باورمند بوده، اما در عبرانیان ۱۰:۲۶ نویسنده با استفاده از ضمیر اول شخص جمع گروه‌های غیر باورمند را خطاب می‌کند. این دریافت‌کنندگان منکر انجیل نبودند اما تأثیر آن را در زندگی روزمره تقلیل داده بودند.

■ "در آغاز به واسطه خداوند بیان شد" عیسی با عنوانی که یهوه در عهد عتیق به وی عطا کرد صدا زده می‌شود "هستم آن که هستم" (خروج ۳:۱۴، که بعدها بصورت "سرور" [adon] خوانده شد). به موضوع خاص در عبرانیان ۲:۷ رجوع کنید. این یکی از راه‌هایی است که نویسندگان عهد عتیق خدایی بودن عیسای ناصری را نشان داده‌اند. یهوه خود شهادت به حقیقت پیام عیسی را بعهده گرفت (عبرانیان ۲:۴). به موضوع خاص منشأ رجوع نمایید.

■ "توسط آنان که از او شنیدند" هم جان کلون و هم مارتین لوتر اذعان داشتند که این قسمت اشاره به نسل دوم مسیحیان دارد. روشن است که منظور پولس نیست (قلاطیان ۱:۱۱). پولس نویسنده عبرانیان نبود. به یادداشت عبرانیان ۱۳:۲۳ رجوع نمایید.

۴:۲ "خدا نیز بر آن گواهی می‌داد، با آیات و معجزات و معجزات عجایب و معجزات، سعی بر این بود تا علاوه بر تشویق ایمانداران، به غیر باورمندان نیز کمک شود تا حقیقت را بپذیرند (اعمال رسولان ۲:۲۲). خداوند همچنان (وجه وصفی حال معلوم) شاهد حصول حقیقت انجیل است. در دوران نخستین ورود عیسی، نشانه‌های روحانی و شیطانی شدید بود، همانگونه که در دور دوم ظهورش ادامه خواهد یافت.

■ "و با عطایای روح القدس" هر ایماندار در هنگام پذیرش عیسی حداقل یک هدیه روحانی از روح القدس دریافت می‌کند (۱ قرنتیان ۱۲:۷، ۱۱، ۱۸؛ افسسیان ۴:۱۱، ۱۲). این هدیه معنوی مؤمنان یکی از شواهد اعتبار انجیل است که بعضی از گیرندگان آن را انکار یا رد می‌نمودند!

■ "بنا به خواست خود" انتخاب این هدایا و توضیح آن با روح القدس است (۱ قرنتیان ۱۲:۷، ۱۱، ۱۸). این هدایا بر اساس شایستگی شخصی یا انتخاب ایمانداران عطا نمی‌شود! چنانچه هدیه روحانی عطا شده به استعداد طبیعی فرد مرتبط باشد، باعث تقویت شده و نه برای فرد مسیحی بلکه افتخار برای عیسی به‌مراه خواهد آورد. این هدایا در خدمت جسم هستند. هر ایماندار باید برای سلامت و رشد جسمانی خود نیز زندگی کند.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۹-۵:۲

۵:۲ "او جهان آینده را که از آن سخن می‌گوییم، زیر فرمان فرشتگان قرار نداد. اما شخصی در جایی شهادت داده، گفته است:

انسان چیست که در اندیشه‌اش باشی،

و بنی آدم، که به او روی نمایی؟

۷ "او را اندکی کمتر از فرشتگان ساختی،

و تاج جلال و اکرام را بر سرش نهادی

۸ "و همه چیز را زیر پاهای او نهادی

خدا با قرار دادن همه چیز زیر فرمان او، چیزی باقی نگذاشت که مطیع وی نباشد. اما در حال حاضر، هنوز نمی‌بینیم که همه چیز زیر فرمان او باشد. ^۹ اما عیسی را می‌بینیم که اندک‌زمانی پایینتر از فرشتگان قرار گرفت، ولی اکنون تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شده است، چرا که از رنج مرگ گذشت تا بر حسب فیض خدا برای همه طعم مرگ را بچشد.

۵:۲ "او جهان آینده را که از آن سخن می‌گوییم، زیر فرمان فرشتگان قرار نداد" حقیقت ایست که فرشتگان اکنون در والایی قرار دارند (تثنیه ۳۲:۸ در نسخه Septuagint و کتاب دانیال فصل ۱۰). با این حال، در دنیای پیش رو، این بشریت خواهد بود که بوسیله تجسم و منجی جلال یافته، در چنان مقامی جلوس خواهد کرد. این قیاس دیگری در ارتباط با ارجحیت عیسی و پیروانش بر فرشتگانی که در دوره موسی بعنوان موجوداتی که هر یک درگیر اموراتی بودند، دیده می‌شدند (عبرانیان ۱:۴-۱۴).

۶:۲ "اما شخصی در جایی شهادت داده، گفته است" این یک اصطلاح عبری برای الهام بخشیدن به تمامیت عهد عتیق است، نه برای اینکه عنوان شود این نقل قول‌ها از کجا آمده‌اند (عبرانیان ۴:۴). بدنبال آن مجموعه‌ای از نقل قول‌های عهد عتیق سرازیر می‌شود که در عبرانیان نیز رایج است.

■ "انسان چیست که در اندیشه‌اش باشی" این نقل قولی از مزمور ۸:۴-۶ نسخه Septuagint و بر اساس پیدایش ۱:۲۶، ۲۸ است. آیات ۶، ۷ و ۸ به مسیح (بعنوان پسر انسان) اشاره ندارند، بلکه اشاره آن‌ها به بشریت است. در مزمور واژه "پسر انسان" به موازات ارتباط با واژه "انسان" آورده شده و نباید با حروف بزرگ نوشته شوند (در زبان انگلیسی). این یک اصطلاح عبری برای بشریت است، ben adam، که در حزقیال نیز بسیار رایج است (حزقیال ۲:۱؛ ۳:۱، ۳، ۴، ۱۰، ۱۷ و غیره).

۷:۲ "او را اندکی کمتر از فرشتگان ساختی" این بخش در امتداد نقل قول مزمور ۸:۵-۶ از نسخه Septuagint است. در ارتباط با ترجمه و تفسیر این سوال مطرح است که واژه "الوهیم" چگونه باید درک شود؟

۱. نسخه Septuagint مزمور ۵:۸ را بعنوان "فرشتگان" ترجمه کرده است، همانگونه که در ترجمه‌های Araminic Targums، Pehsitta، Vugate و KJV آمده است.

۲. انجمن انتشاراتی یهودیان آمریکا آن را "کمی کمتر از خدا" ترجمه کرده است. در بسیاری از ترجمه‌ها "خدا" آورده شده است (ASV, NASB, RSV, NEB, NRSV, REB, JB, NJB, TEV). هنگامی که واژه‌ای در عهد عتیق بصورت فعل مفرد نوشته می‌شود، مثل پیدایش ۱:۱، اشاره به خدا دارد. به همین شکل عیسی در یوحنا ۱۰:۳۱-۳۹ استفاده شده است. در میان ملت‌های غیر مسیحی، از "خدایان" استفاده شده است. این می‌تواند به فرشتگان شورای آسمانی خداوند که شامل خدا و خادمین آسمانی است، اطلاق شده باشد (۱ پادشاهان ۲۲:۱۹؛ دانیال ۷:۱۰).

۳. این امکان نیز وجود دارد که اشاره آن به قضات اسرائیل است (خروج ۲۱:۶؛ ۲۲:۸-۹؛ مزمور ۸۲:۱، ۶).

در این متن، نکته الهیاتی این است که عیسی و پیروانش (عبرانیان ۱:۱۴) بر فرشتگان برتری دارند.

یک اختلاف در نوشتار یونانی در انتهای عبرانیان ۲:۷ وجود دارد. برخی نوشتارهای یونان باستان (D*, P 8, A, C,) همچنان از مزمور ۸:۷ نقل قول می‌آورند، اما بقیه پس از جمله "تاج جلال و اکرام را بر سرش نهادی" متوقف می‌شوند (P⁴⁶, B. Dc, K, L). اما با وجود تمام این اختلافات، در تفسیر متن هیچ تفاوتی بوجود نمی‌آید.

موضوع خاص: اسامی خداوند - (Special Topic: Names for Deity)

.A El (BDB 42, KB 48)

۱. معنی اصلی با ستانی برای خداوند مشخص نیست، با اینحال بسیاری از محققان معتقدند که از ریشه آکادیان سرچشمه می‌گیرد، بمعنی "قوی بودن"، یا "قدرتمند بودن" (پیدایش ۱۷:۱؛ اعداد ۲۳:۱۹؛ تثنیه ۷:۲۱؛ مزمور ۵۰:۱).

۲. خداوند عظیم در دوره کنعانیان El نام داشت (متون Ras Shamra)

۳. در انجیل معمولاً با واژه‌های دیگر تلفیق نمی‌گردد. اما این تلفیق‌ها به مرور زمان تبدیل به راهی شد برای شخصیت پردازی در نام خداوند.

a. El-Elyon (خدای متعال)، پیدایش ۱۴:۱۸-۲۲

b. El-Roi ("خدایی که می‌بیند" یا "خدایی که خود را عیان می‌کند")، پیدایش ۱۶:۱۳

c. El-Shaddai ("خدای قادر مطلق" یا "خدای رحیم" یا "خدای کوهستان" - [در انجیل فارسی همگی، خدای قادر مطلق ترجمه شده‌اند]). پیدایش: ۱۷:۱؛ ۳۵:۱۱؛ ۴۳:۱۴؛ ۴۹:۲۵؛ خروج ۶:۳

d. El-Olam (خدای سرمدی)، پیدایش ۲۱:۳۳. این واژه به لحاظ الهیاتی وصل است به وعده خداوند به داوود در دوم سموئیل ۷:۱۳، ۱۶

e. El-Berit (خدای میثاق)، داوران ۹:۴۶

۴. El برابر شده است با

a. YHWH در مزمور ۸۵:۸؛ اشعیا ۴۲:۵

b. Elohim در پیدایش ۴۶:۳؛ ایوب ۵:۸، "I am El, the Elohim of your father" (در انجیل فارسی نوشته شده است: "منم خدا، خدای پدرت").

c. Shaddai پیدایش ۴۹:۲۵

d. "غیور" در خروج ۳۴:۱۴؛ تثنیه ۴:۲۴؛ ۵:۹؛ ۱۵:۶

e. "رحیم" در تثنیه ۴:۳۱؛ نحما ۹:۳۱؛ "امین" تثنیه ۷:۹؛ ۳۲:۴

f. "عظیم و مهیب" در تثنیه ۷:۲۱؛ ۱۰:۱۷؛ نحما ۱:۵؛ ۹:۳۲؛ دانیال ۹:۴

g. "دانا" در اول سموئیل ۲:۳

h. "خدای دژ استوار من" در دوم سموئیل ۲۲:۳۳

i. "خدای انتقام‌گیر من" در دوم سموئیل ۲۲:۴۸

j. "خدای قدوس" در اشعیا ۵:۱۶

k. "خدای قدیر" در اشعیا ۱۰:۲۱

l. "خدای نجات" در اشعیا ۱۲:۲

m. "خدای عظیم و قادر" در ارمیا ۳۲:۱۸

n. "خدایی جزا دهنده" در ارمیا ۵۱:۵۶

۵. تلفیقی از تمام اسامی اصلی خداوند در عهد عتیق در یوشع ۲۲:۲۲ دیده می‌شود (El, Elohim, YHWH تکرار شده‌اند)

.B Elyon (BDB 751, KB 832)

۱. نام اولیه آن "بلند"، "بالا برده شده" یا "برداشته شده" می‌باشد (پیدایش ۴۰:۱۷؛ اول پادشاهان ۹:۸؛ دوم پادشاهان ۱۸:۱۷؛ نحما ۳:۲۵؛ ارمیا ۲۰:۲؛ ۳۶:۱۰؛ مزموز ۱۸:۱۳).

۲. این واژه در یک ردیف موازی با بسیاری از اسامی/القاب دیگر خداوند بکار برده شده است.

a. Elohim مزمور ۴۷:۱-۲؛ ۷۳:۱۱؛ ۱۰۷:۱۱

- b. YHWH پیدایش ۱۴:۲۲؛
- c. El-Shaddai مزمو ۹۱:۱، ۹
- d. El-Num ۲۴:۱۶
- e. Elah - اغلب در دانیال ۲-۶ و عزرا ۴-۷ بکار برده شده است که مرتبط هستند با illair (به زبان آرامی یعنی "خدای عظیم" در دانیال ۳:۲۶؛ ۴:۲؛ ۵:۱۸، ۲۱
۳. اغلب توسط غیر اسرائیلی ها استفاده می شود
- a. مَلِكِيصِدِّق ، پیدایش ۱۴:۱۸-۲۲
- b. بَلْعَام، اعداد ۲۴:۱۶
- c. موسی، از ملت ها سخن می گوید در تثنیه ۳۲:۸
- d. انجیل لوقا در عهد جدید که روی سخنش با غیر یهودیان است نیز از مشابه یونانی Hupsistos استفاده کرده است (۱:۳۲، ۳۵، ۷۶:۶؛ ۳۵:۸؛ ۲۸:۸؛ اعمال رسولان ۷:۴۸؛ ۱۶:۱۷)
- C. Elohim (جمع)، Elohah (مفرد)، در شعر بکار برده شده است
۱. این واژه در خارج از عهد عتیق یافت نشده است.
۲. این لغت می تواند خدای اسرائیل را تعریف کرده باشد و یا خدای ملت ها را (خروج ۱۲:۱۲؛ ۲۰:۳). خاندان ابراهیم چند قطبی بودند (یوشع ۲۴:۲)
۳. واژه Elohim همچنین درباره سایر موجودات غیر دنیوی نیز بکار برده شده است (فرشتگان، اشرار) تثنیه ۳۲:۸ (LXX)؛ مزمو ۸:۵؛ ایوب ۱:۶؛ ۳۸:۷. همچنین می تواند به قضات انسانی دلالت داشته باشد (خروج ۲۱:۶؛ مزمو ۸۲:۶)
۴. در انجیل اولین نام برای خداوند است (پیدایش ۱:۱). این واژه بطور اخص برای خدا استفاده شده تا پیدایش ۲:۴، جایی که با YHWH (بیهوه) ادغام می گردد. به لحاظ الهیاتی اشاره دارد به خداوند بعنوان خالق، نگهدارنده و هستی بخش زندگی بر روی این سیاره (مزمو ۱۰۴). مترادف است با EL (تثنیه ۳۲:۱۵-۱۹). همچنین به موازات YHWH بکار می رود، آنطور که در مزمو ۱۴ (Elohim) دقیقاً همچون مزمو ۵۳ (YHWH) استفاده شده است، به استثنا تغییرات اعمال شده در اسامی الهی.
۵. با اینکه اسامی جمع برای دیگر خدایان بکار رفته شده است، اما این واژه اغلب به خدای اسرائیل تخصیص داده می شود، اما معمولاً دارای فعلی مفرد برای استفاده در مفاهیم توحیدی است.
۶. این واژه توسط غیر اسرائیلی ها نیز جهت نام بردن از خداوند، استفاده شده است.
- a. مَلِكِيصِدِّق ، پیدایش ۱۴:۱۸-۲۲
- b. بَلْعَام، اعداد ۲۴:۲
- c. موسی، در هنگامی که از ملت ها سخن می گوید در تثنیه ۳۲:۸
۷. عجیب است که یک واژه مشترک برای خدای توحیدی اسرائیل، در حالت جمع بکار برده می شود! با اینحال اطمینانی هم وجود ندارد، به نظریه های زیر دقت فرمایید.
- a. عبری جمع های زیادی دارد که اغلب برای تاکید استفاده می گردند. شبیه این حالت، بعدها حالت دستوری دیگری نیز بوجود آمد که "The Plural of Majesty" نام گرفت، و زمانی است که برای بزرگنمایی کردن یک مفهوم بکار برده می شود.
- b. می تواند اشاره به شورای فرشتگان داشته باشد، جاییکه با خداوند محشور شده و وی در آنجا انتخاب خود را انجام می دهد (اول پادشاهان ۲۲:۱۹-۲۳؛ ایوب ۱:۶؛ مزمو ۸۲:۱؛ ۸۹:۵، ۷).
- c. حتی این امکان وجود دارد که بازتاب دهنده مکاشفه عهد جدید از یک خدا در سه بدن باشد. در پیدایش ۱:۱ خداوند خلق می کند؛ در پیدایش ۱:۲ روح بوجود می آید و از عهد جدید عیسی تبدیل به خدا، نماینده خدا در آفرینش می گردد (یوحنا ۱:۳، ۱۰؛ رومیان ۱۱:۳۶؛ اول قرنتیان ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۱:۲؛ ۱۰:۲).
- D. YHWH (BDB 217, KB 394)
۱. این نامی است که بازتاب دهنده خداوند با بعنوان خدای وعده داده شده می باشد؛ خدا بعنوان منجی، رستگار کننده! انسان ها پیمان شکن هستند، اما خداوند به کلامش، به قولش و به وعده ای که داده وفادار است. (مزمو ۱۰۳).

این نام ابتدا در تلفیق با Elohim در پیدایش ۲:۴ ذکر گردید. در آفرینش ۱-۲ دو دوره خلقت وجود ندارد، اما دو چیز تاکید شده است: (۱) خدا بعنوان آفریننده جهان (فیزیکی) و (۲) خدا بعنوان آفریننده ویژه بشریت. پیدایش ۲:۴ با مکاشفه ویژه‌ای آغاز می‌گردد که درباره نقش ویژه و پر افتخار بشریت، به‌مراه مشکل گناه و شورش که با این موقعیت خاص، گره خورده است. ۲. در پیدایش ۲۶:۴ گفته می‌شود که "انسان شروع به فریاد زدن نام خدا کرد" (YHWH). اما، خروج ۳:۶ می‌گوید که عهد زود هنگام مردم (ابراهیم و خانواده اش) خدا را فقط بعنوان El-Shaddai می‌شناختند. نام YHWH فقط یکبار در خروج ۳:۱۳-۱۶ و بخصوص ۷.14 توضیح داده شده است. با این حال، نوشته‌های موسی اغلب بصورت لغت به لغت ترجمه می‌گردند نه از جنبه ریشه شناسی (پیدایش ۱۷:۵؛ ۲۷:۳۶؛ ۲۹:۱۳-۳۵). نظریه‌های متعددی درباره معنی این نام وجود داشته (بر گرفته از IDB، جلد ۲، صفحات ۱۱-۴۰۹).

- a. از ریشه عربی، "عشقی پر حرارت نشان دادن"
 - b. از ریشه عربی، "دمیدن" (YHWH بعنوان خدای طوفان)
 - c. از ریشه Ugratic (کنعانی) "صحبت کردن"
 - d. بدنبال یک کتیبه فینیقی، معنی در قالب وجه وصفی معلوم "کسی که نگه می‌دارد" و یا "کیب که ایجاد می‌کند"
 - e. از قالب عبری Qal "کسی که هست"، یا "کسی که حاضر می‌باشد" (در حالت آینده، "کسی که خواهد بود")
 - f. از قالب عبری Hiphil "کسی که ایجاب می‌کند باشد"
 - g. از ریشه عبری "زندگی کردن" (پیدایش ۳:۲۰)، بمعنی "همواره زنده"، تنها کسی که زنده است"
 - h. از متن خروج ۳:۱۳-۱۶ داستانی با قالب ناقص و استفاده شده در حالتی کامل، "هستم آن که هستم" و یا "باید باشم همانطور که قبلا بودم" (رجوع شود به کتاب *A Survey of Syntax in the Old Testament*، نوشته J. Wash Watts ص. ۶۷)
- نام کامل YHWH اغلب بصورت اختصاری و یا احتمالا در یک قالب اصلی بیان می‌شده

(۱) Yah (Hallelu - yah)

(۲) Yahu (اسامی، همچون Isaiah)

(۳) Yo (اسامی، همچون Joel یا همان یوئیل)

۳. بعدها در یهودیت این نام جنبه مقدس پیدا کرد بگونه‌ای که یهودیان از بردن آن نام می‌هراسیدند تا مبادا باعث شکستن فرمان در خروج ۲۰:۷؛ تثنیه ۵:۱۱؛ ۱۳:۶ شوند. لذا آنان واژه عبری دیگری را جایگزین کردند که معنی "مالک"، "ارباب"، "شوهر"، "استاد" را می‌داد- adon یا Adonai (ارباب من یا سرور من). آنان در زمان خواندن متن عهد عتیق هنگامی که به نام YHWH می‌رسیدند، تلفظ می‌کردند "ارباب". به همین علت است که در ترجمه‌های انگلیسی YHWH را Lord یا ارباب نوشته شده است.
۴. به همین‌گونه با *El*، اغلب YHWH با واژه‌های دیگری تلفیق می‌گردد تا جنبه خاصی از خدای اسرائیل را پر اهمیت جلوه دهند. نمونه‌های فراوانی را در این مورد می‌شود یافت ولی در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

a. YHWH - Yireh (خداوند فراهم خواهد کرد)، پیدایش ۲۲:۱۴

b. YHWH - Rophekha (من بیهوش شفا دهنده شما هستم) خروج ۱۵:۲۶

c. YHWH - Nissi (خداوند بیرق من است) خروج ۱۷:۱۵

d. YHWH - Meqaddishkem (من خداوند هستم که شما را تقدیس می‌کنم) خروج ۳۱:۱۳

e. YHWH - Shalom (بیهوش صلح است) داوران ۶:۲۴

f. YHWH - Sabbaoth (عهد بیهوش) اول سموئیل ۱:۳، ۱۱:۴؛ ۴:۱۵؛ ۲: بیشتر در رسولان آمده است)

g. YHWH - Ro'I (بیهوش شبان من است) مزمو ۲۳:۱

h. YHWH - Sidqenu (بیهوش عدالت ما)، ارمیا ۲۳:۶

i. YHWH - Shammah (بیهوش آنجاست) حزقیال ۴۸:۳۵

■ "وتاج جلال و اکرام را بر سرش نهادی" به یادداشت عبرانیان ۱:۳ رجوع کنید.

۸:۲ این بخش از مزمو ۲:۶ گرفته شده است، اما اشاره‌ای هم به پیدایش ۱:۲۶، ۲۸-۳۰ است. بشریت ساخته شده از تصویر خداوند (پیدایش ۱:۲۶-۲۷) قرار بود نقش مدیریتی بر روی زمین ایفا کند (بعنوان نمایندگان خداوند). اما سقوط پیدایش ۳ این منظور را خنثی کرد (عبرانیان ۲:۹).

۹:۲ "اما عیسی را می بینیم" نسخه NASB در عبرانیان ۷:۲ و ۸ همه ضمائر را با حروف کوچک نوشته است (بویژه در جاهایی که نویسنده از مزمور نقل قول می آورد)، اما در عبرانیان ۹:۲ همگی با حروف بزرگ هستند (نویسنده اکنون مزمور را اعمال می کند)، بدینگونه بشر اخراج شده از بهشت با یک انسان ایده آل مقایسه می گردد. خداوند بشر را در موقعیت افتخارآمیز والایی قرار داد اما بشر با گناه خود آن موقعیت را از کف داد. عیسی، خدای زنده شده، سرنوشت بشریت را تکمیل کرد و با مرگش انسان باورمند را به موقعیت پرافتخاری برگرداند. عیسی به واقع یک انسان حقیقی بود! این یکی دیگر از جنبه های انسانی عیسی به لحاظ الهیاتی محسوب می گردد (رومیان ۵:۱۲-۲۱؛ ۱۵:۲۱-۲۲، ۴۵-۴۹؛ فیلیپیان ۲:۶-۱۱).

■ "عیسی را می بینیم که اندک زمانی پایینتر از فرشتگان قرار گرفت" این مقایسه آشکاری با آیات ۶ و ۷ است. این آیه سخن از تجسم و زندگی بر روی زمین عیسی می کند.

■ "عیسی" نویسنده عبرانیان از شخصیت عیسی بدون هیچ توضیح اضافی استفاده می کند (عبرانیان ۲:۹؛ ۳:۱؛ ۶:۲۰؛ ۷:۲۲؛ ۱۰:۱۹؛ ۱۲:۲؛ ۲۴:۱۳). ممکن است که نوعی گونه شناسی بر روی عیسی بوده باشد بعنوان یوشعی جدید. اسامی کاملاً یکسان هستند. نویسنده عبرانیان از مفاد خروج، بشکل وسیعی استفاده می کند. در حالیکه یوشع مردمان خدا را به مابقی سرزمین موعود برد، عیسی نیز آنها را به سوی بهشت می برد (هفتمین روز استراحت).

■ "از رنج مرگ گذشت" این بخش از آیه بازتاب دهنده پیدایش ۳:۱۵؛ مزمور ۲۲ و اشعیا ۵۳ است. او مامور خداوند در امر رستگاری بود!

■ "تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شد" این جمله وجه وصفی مجهول کامل است. او تاجگذاری شده و همچنان ادامه دارد. به عبرانیان ۱:۳ رجوع کنید.

■ "بر حسب فیض خدا" این ترجمه (*Chariti Theos*) در تمام نسخه های انجیل به زبان انگلیسی دیده می شود و شامل تمام دستنویس های یونان باستان می گردد (A, B, C, D, R, P⁴⁶). با اینحال، برداشت عجیبی از "جدا از خدا" (*chōris Theos*) بعدها در بسیاری از متون باستانی بدست آمد. Bruce M. Metzger در کتاب *A Textual Commentary On The Greek New Testament* می گوید که این در اصل یک یادداشت حاشیه ای مربوط به ۱ قرنیتیان ۱۵:۲۷ بود که به اشتباه بعنوان اصلاحیه "chariti Theos" تلقی گردید (صفحه ۶۶۴).

کتاب *A Handbook on the Letter to the Hebrews* به نوشته Paul Ellingworth و Eugene A. Nida چاپ انتشارات The United Bible Society نظر دیگری را در اینباره ارائه می کند. نویسنده معتقد است که عبارت "جدا از خدا" ممکن است کنایه ای به مزمور ۲۲ باشد که عیسی برای نشان دادن تنهایی اش بر روی صلیب از آن استفاده کرد (مرقس ۱۵:۳۴) صفحه ۳۷. نظر مشابهی نیز بوسیله Myles M. Bourke در کتاب *Biblical Commentary* صفحه ۳۸۵ ارائه گردید.

نظر سومی نیز وجود دارد که معتقد است کاتبین به عمد و به دلایل الهیاتی عبارت "جدا از خدا" را تغییر دادند (کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture* چاپ انتشارات آکسفورد پرس سال ۱۹۹۳ صفحات ۱۴۶-۱۵۰) بویژه تهدید الهیاتی که از جانب فلسفه عرفان وجود داشت. این مغایرت به نام *Origen and Jerome* شناخته می شد. همینطور لغت "جدا" (*chōris*) سیزده بار در عبرانیان استفاده شده، که گرایش نویسنده را به استفاده از این واژه نشان می دهد. همچنین مطابق نظر Ehrman (صفحه ۱۴۸)، همیشه بدنبال یک اسم *anarthrous* (دستور زبان یونانی) آورده می شود.

■ "طعم مرگ را بچشد" درک این نکته که عذاب برای عیسی مسیح توسط خداوند اهمیت دارد (پیدایش ۳:۱۵؛ اشعیا ۵۳:۴، ۱۰؛ مرقس ۱۰:۴۵؛ ۲ قرنیتیان ۵:۲۱). چنین مضمون عذابی در نوشته های عهد عتیق تداوم یافته و در فصل ۲ یافت می گردد.

■ "برای همه" این بخش اشاره به نیابت علی البدل و کفار عیسی مسیح دارد (اشعیا ۵۳:۶؛ رومیان ۵:۶، ۸، ۱۰، ۱۷-۱۹؛ ۱ قرنیتیان ۱۵:۲۲؛ ۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۴:۲؛ ۱۰:۴؛ تیتوس ۲:۱۱؛ ۲ پطرس ۳:۹). عیسی مرد تا مشکل گناه بشریت را رفع نماید. تنها چیزی که تمام بشریت را از نجات باز نگه می دارد، عدم تمایلش به پذیرش هدیه رایگان خداوند است که با ایمان به عیسی بدست می آید (یوحنا ۳:۱۷-۲۱).

موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه (Special Topic: YHWH's Eternal Redemptive Plan)

باید به شمای خواننده اذعان دارم که در این نقطه من متعصب هستم. نظام خداشناسی من بر پایه مکتب جان کالوین یا سایر مکاتب ریاکار نیست، بلکه ترویج قوی مسیحیت است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۶ و ۴۷، اعمال ۱:۸). من معتقدم خدا یک برنامه جاودانی برای رستگاری تمامی بشریت دارد (برای مثال پیدایش ۳:۱۵ و ۱۲:۳، خروج ۱۹:۵ و ۶، ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۱۸، ۳۶:۲۲ الی ۳۹، اعمال ۲:۲۳، ۳:۱۸، ۴:۲۸، ۱۳:۲۹، رومیان ۳:۹ الی ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ الی ۳۱)، تمامی آنها در تصور او به زیبایی خلق شدند (رجوع شود به پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷). تمامی آن وعده ها در عیسی جمع شده اند (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۲۸ و ۲۹، کولسیان ۳:۱۱). عیسی راز خداست، پنهان بود ولی اینک هویدا شده

است (رجوع شود به افسیسیان ۲:۱۱ و ۳:۱۳)! انجیل عهد جدید، و نه اسرائیل کلید کتاب مقدس است.

این درک مقدماتی، تمامی تفسیرهای مرا از کتاب مقدس رنگین می‌سازد. من تمامی متون را با این ذهنیت خواندم! یقیناً این تعصب است (در تمامی تفاسیر دیده می‌شود)، ولی این یک پیش‌فرض ناشی بر مبنای آگاهی به کتاب مقدس است.

تمرکز پیدایش ۱ الی ۲ بر آن است که یهوه مکانی را خلق می‌کند که او و بالاترین مخلوقش، نوع بشر می‌توانند با هم رفاقت کنند (رجوع شود به آفرینش ۱:۲۶ و ۲۷، ۳:۸). خلقت فیزیکی مرحله‌ای است برای این اقدام الهی.

۱. سنت آگوستین به این شخصیت حفره الهی شکل در انسان می‌دهد که فقط می‌تواند توسط خود خدا پر شود

۲. سی اس لویس به این سیاره نام "سیاره لمس شده" را می‌دهد (توسط خداوند برای بشر تهیه شده).

عهد عتیق اشارات زیادی بر این اقدام الهی دارد.

۱. آفرینش ۳:۱۵ نخستین وعده‌ای است که یهوه نوع بشر را در فاجعه و گناه و شورش رها نمی‌کند. به اسرائیل اشاره نمی‌کند زیرا اسرائیلی وجود ندارد، یا مردم تحت پیمان، تا زمانیکه ابراهیم در آفرینش ۱۲ ظهور می‌کند.

۲. پیدایش ۱۲:۱ الی ۳ اولین نام بردن یهوه از رستگاری توسط ابراهیم است که مردم پیرو، و اسرائیل را بوجود می‌آورد. ولی حتی در این نخستین یادآوری، خدا مجبور بود که مراقب تمام دنیا باشد. به پیدایش ۱۲:۳ توجه کنید!

۳. خروج ۲۰ (سفر تثنیه ۵) یهوه فرمان او (خدا) را به موسی داد تا مردم خاص خود را هدایت کند. توجه کنید که در خروج ۱۹:۵ و ۶، یهوه رابطه خاصی را که اسرائیل خواهد داشت افشا می‌کند. ولی همچنین توجه داشته باشید که آنها، همانند ابراهیم، منتخب بودند تا جهان را برکت دهند (رجوع شود به خروج ۱۹:۵ "تمامی زمین از آن من است"). اسرائیل باید مکانیزی می‌بود برای ملت‌ها تا یهوه را بشناسند و به خدا روی آورند. متأسفانه آنها موفق نشدند (رجوع شود به حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸).

۴. در اول پادشاهان ۸ سلیمان معبدی را اهدا می‌کند تا همه بتوانند بسوی یهوه بیایند (رجوع شود به اول پادشاهان ۸:۴۳ و ۶۰).

۵. در مزمور ۲۲:۲۷ و ۲۸، ۴۶:۴، ۸۶:۹ (مکاشفه ۱۵:۴)

۶. از میان پیامبران یهوه به طور مستمر برنامه‌های رستگاری او (خدا) را آشکار می‌کرد.

a. اشعیا – ۲:۲ الی ۴، ۱۲:۴ و ۵، ۲۵:۶ و ۹، ۴۲:۶ و ۱۰ الی ۱۲، ۴۵:۲۲، ۴۹:۵ و ۶، ۵۱:۴ و ۵، ۵۶:۶ الی ۸، ۶۰:۱ الی ۳، ۶۶:۱۸ و ۲۳

b. ارمیا ۳:۱۷، ۴:۲، ۱۶:۱۹

c. میکاه ۴:۱ الی ۳

d. مالاچی ۱:۱۱

تاکید کلی با به کارگیری "پیمان جدید" آسانتر می‌شود (ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸)، که بر بخشش یهوه تأکید دارد، نه بر عملکرد انسان انحطاط یافته. این "قوت قلب جدیدی" است، "تفکری جدید"، و "روحی جدید". اطاعت ضروری ولی درونی است، نه فقط اعمال ظاهری (رجوع شود به رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱).

عهد جدید به وضوح برنامه رستگاری جهانی را به راه‌های مختلف به اجرا می‌گذارد.

۱. کمیسیون عالی (انجیل متی ۲۸:۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۶ و ۴۷، اعمال ۱:۸)

۲. برنامه جاودانه خدا (یعنی از پیش تعیین شده) – انجیل لوقا ۲۲:۲۲، اعمال ۲:۲۳، ۳:۱۸، ۴:۲۸، ۱۳:۲۹

۳. خدا می‌خواهد تمامی انسانها نجات یابند – انجیل یوحنا ۳:۱۶، ۴:۴۲، اعمال ۱۰:۳۴ و ۳۵، تیموتائوس ۲:۴ الی ۶، تیتوس ۲:۱۱، دوم پطرس ۳:۹، اول یوحنا ۲:۲ و ۴:۱۴

۴. مسیح عهد قدیم و عهد جدید را متحد می‌سازد – غلاطیان ۳:۲۸ و ۲۹، افسیسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳، کولسیان ۳:۱۱. تمامی موانع و تمایزات در مسیح از بین می‌روند. عیسی "راز خداست"، که پنهان بود ولی اینک آشکار شده است (افسیسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳).

عهد جدید بر عیسی تمرکز دارد، نه اسرائیل. انجیل، نه منطقه‌ای و نه جغرافیایی، بلکه در مرکزیت است. اسرائیل اولین مکاشفه بود ولی عیسی آخرین است (رجوع شود به انجیل متا ۵:۱۷ الی ۴۸).

امیدوارم زمانی را نیز صرف خواندن این مقاله کنید: موضوع خاص: چرا به نظر می‌رسد که وعده‌ها و پیمانهای عهد عتیق با وعده‌ها و پیمانهای عهد جدید متفاوت هستند؟ می‌توانید آن را در www.freebiblecommentary.org بیابید

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۲: ۱۰-۱۳

۱۰ به‌جا بود خدا که همه چیز برای او و به واسطه او وجود دارد، برای اینکه پسران بسیار را به جلال برساند، قهرمان نجات ایشان را از راه تحمل رنج، کامل گرداند. ۱۱ زیرا او که مقدس می‌سازد و آنان که مقدس می‌شوند، همه از یک تبارند. از همین رو، عیسی عار ندارد ایشان را برادر بخواند. ۱۲ چنانکه می‌گوید:
نام تو را به برادرانم اعلام خواهم کرد؛
و در میان جماعت، تو را خواهم ستود.
و باز می‌گوید:
من بر او توکل خواهم کرد.
۱۳ و باز:
اینک من، و فرزندانم که خدا به من داده است.

۲: ۱۰ "به‌جا بود خدا که همه چیز برای او و به واسطه او وجود دارد" در اینجا ضمایر دوباره مبهم هستند. می‌تواند اشاره به خدای پدر داشته باشد (رومیان ۱: ۳۶) یا پسر (عبرانیان ۱: ۲، ۳؛ کولسیان ۱: ۱۵-۱۷). بدلیل اینکه عیسی در قسمت بعدی این آیه بعنوان "نویسنده" یاد شده است، لذا ضمیر قبلی باید اشاره به پدر باشد. با این وجود، عیسی مامور در آفرینش از سوی خداوند بود (عبرانیان ۱: ۲؛ یوحنا ۳: ۱؛ ۱ قرنتیان ۸: ۶؛ ۱۵: ۲۵-۲۷) در حالیکه وی رستگاری است همچنان در مقام قضاوت باقی می‌ماند.

■ "برای اینکه پسران بسیار را به جلال برساند" جنبه خانوادگی پیمان جدید در باقیمانده آیات فصل ۲ کاملاً نمود پیدا می‌کند. به تعداد واژه‌های خانواده که استفاده شده توجه نمایید. هدف از پیمان جدید رستگاری انسان مترود در تصویر خداوند است. واژه "بسیار" به معنی "برخی" نیست بلکه باید "همه" باشد (عبرانیان ۲: ۹ "همه"). واژه "همه" و "بسیار" در انجیل بصورت هم معنی استفاده شده است (اشعیا ۵۳: ۶ را با ۱۱، ۱۲ و رومیا ۹: ۱۸ را با ۱۹ مقایسه نمایید). لذا، مرقس ۱۰: ۴۵ و ۱۴: ۲۴ باید اشاره به "همه" داشته باشد و نه "برخی"! این موضوع نمی‌تواند به عنوان یک proof-text^۲ برای کالوینیسم تندرو عملی باشد.

| | |
|------|---|
| NASB | "نویسنده رستگاری‌شان را کامل نمایند" |
| NKJV | "برای کامل کردن نویسنده رستگاری‌شان" |
| NRSV | "باید برای تکمیل رستگاری‌شان پیشگام شوند" |
| TEV | "باید عیسی را کامل کنند" |
| NJB | "کامل کنید... رهبر رستگاری‌شان را" |

واژه "کامل" بمعنی "کامل شدن"، "بالغ شدن"، "مجهز شدن به ابزار تکمیل وظیفه محوله" می‌باشد (افسیان ۴: ۱۲). نویسنده عبرانیان سه بار از "کامل" برای تعریف عیسی (عبرانیان ۲: ۱۰؛ ۹: ۵؛ ۲۸: ۷) و سه بار نیز برای تعریف پیروان او استفاده کرده است (عبرانیان ۱۰: ۱۴؛ ۱۱: ۴۰؛ ۱۲: ۲۳). به موضوع خاص در عبرانیان ۱۱: ۷ مراجعه نمایید.

عیسی انسانی به مفهوم واقعی بود (لوقا ۲: ۴۰، ۵۲). وی با ایمان و فرمانبرداری رشد کرد (لوقا ۲: ۴۰، ۵۲). او فلاکت را آزمود (عبرانیان ۵: ۸-۹). او با هر گونه موانع الهیاتی مواجه و بر آنها غلبه کرد (عبرانیان ۴: ۱۵). وی تمثیل بزرگ بشریت گردید (۱ پطرس ۲: ۲۱).

موضوع خاص: نویسنده/رهبر (archgēos) (Special Topic: Author/Leader)

^۲ روشی است که از طریق آن فرد به یک متن کتاب مقدس برای اثبات یا توجیه یک موقعیت الهیاتی بدون در نظر گرفتن متن آیه اشاره می‌کند.

واژه "نویسنده" یا "رهبر" در اصل از واژه یونانی *archēgos* گرفته شده است. از ریشه یونانی "شروع" (*arche*) و "رفتن" یا "هدایت کردن" (*ago*) سرچشمه گرفته است. این ترکیب تبدیل به استفاده برای حکمرانان، شاهزادگان، و یا رهبران (آسمانی یا انسانی) گردید. این واژه فقط چهار بار دیگر در عهد جدید و برای اشاره به عیسی استفاده شده است:

۱. شاهزاده یا نویسنده زندگی در اعمال رسولان ۱۵:۳
 ۲. شاهزاده یا رهبر و منجی در اعمال رسولان ۳۱:۵
 ۳. نویسنده رستگاری در عبرانیان ۱۰:۲
 ۴. نویسنده (پیشگام) و مکمل ایمان در عبرانیان ۲:۱۲
- عیسی شروع کننده، فراهم آورنده و پایان دهنده رستگاری است.

■ "از راه تحمل رنج" از جنبه انسانی، عیسی با رنجی که کشید به تکامل رسید (عبرانیان ۵:۸-۹). عیسی اغلب از محکمه‌ها و آزارهایی که پیروانش با آن روبرو خواهند شد صحبت می‌کرد (متی ۵:۱۰-۱۲؛ یوحنا ۱۵:۱۸-۱۹؛ ۱۷:۱۴).

کلیسای اولیه با مخالفت از سوی یهودیان، کفار، دولت روم و اشرار روبرو بود، اما خداوند زمام امور را در دست گرفت و آن را به ابزاری برای معرفی اعتماد و عشق به مسیح تبدیل کرد (رومیان ۸:۱۷؛ فیلیپیان ۱:۲۹؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱۲؛ یعقوب ۱:۲-۴ و ۱ پطرس ۴:۱۲-۱۹). حقیقت می‌تواند به صورت‌های مختلفی ترسیم گردد، همچون (۱) عهد عتیق (عبرانیان ۱) و (۲) آموزه‌های پولس (۱ قرن‌تباران ۴:۹-۱۲؛ ۶:۴-۱۰؛ ۱۱:۲۴-۲۷).

۱۱:۲

NASB, NRSV

"برای هم آن که تقدیس می‌کند و هم آن که تقدیس شده است"

NKJV

"برای هم آن که تقدیس می‌کند و هم آن تقدیس می‌شود"

TEV

"آن که مردم را از گناهانشان پاک می‌کند، و هم او و هم آنان که پاک شده‌اند"

NJB

"برای دست‌گذاری و دست‌گذاری شده"

این یک نوع بازی با واژه "مقدس" یا "تقدیس شده" است (عبرانیان ۱۰:۱۰، ۱۴). این اولین استفاده وجه وصفی معلوم حال حاضر است (عیسی) و دومی وجه وصفی حال مجهول است (مردم او، یوحنا ۱۷:۱۹). عیسی بوسیله مردمش شناسایی می‌شود (عبرانیان ۱:۱۴ و ۲:۶-۸، ۹-۱۸).

ایمانداران بوسیله پدر تقدیس شده‌اند (یوحنا ۱۷:۱۷؛ اول تسالونیکیان ۵:۲۳)؛ آن هم از طریق پسر (۱ کولسیان ۱:۲؛ افسسیان ۵:۲۶؛ عبرانیان ۱۰:۱۰، ۱۴، ۲۹؛ ۱۳:۱۲)؛ این جنبه‌ها در عبرانیان ۲:۱۱ یکسان شده‌اند.

۱. پدری مقدس

۲. پسری مقدس

۳. ایماندارانی مقدس (۱ پطرس ۱:۱۳-۲۵)

این هم به لحاظ موقعیت و هم تجربی حقیقت دارد. ما از راه مسیح به تقدیس می‌رسیم و ما همچون مسیح نیز مقدس خوانده می‌شویم.

موضوع خاص: تقدیس / تقدس عهد جدید (Special Topic: NT Holiness / Sanctification)

عهد جدید تصریح می‌کند هنگامیکه گناهکاران در توبه و ایمان به مسیح روی می‌آورند (مرفس ۱:۱۵؛ اعمال رسولان ۳:۱۶، ۱۹؛ ۲۰:۲۱)، آنها بلافاصله توجیه و تقدیس می‌شوند. این جایگاه جدیدی است که از راه مسیح بدست می‌آورند. عدالت او به آنها نسبت داده می‌شود (پیدایش ۱۵:۶؛ رومیان ۴). آنها به حق و تقدیس اعلام گردیدند (مبحثی از اعمال خدا).

اما عهد جدید همچنین ایمانداران را به تقدیس و تقدس تشویق می‌کند. هم دارای جایگاه الهیاتی در پایان کار عیسی مسیح است و هم فراخوانی به اعمال مسیح‌گونه در زندگی روزانه. در حالیکه رستگاری هدیه رایگانی است و ارزش هر سبک زندگی را دارد، تقدیس نیز از جایگاه ویژه برخوردار است.

| واکنش اولیه | روند مسیح‌گونه بودن |
|--------------------------|---------------------|
| اعمال رسولان ۱۸:۲۶ | رومیان ۱۹:۶ |
| رومیان ۱۶:۱۵ | ۲ قرن‌تباران ۱:۷ |
| ۱ قرن‌تباران ۱:۲-۳؛ ۶:۱۱ | افسسیان ۱:۴؛ ۲:۱۰ |

۲ تسالونیان ۱۳:۲ ۱ تسالونیان ۱۳:۳، ۴-۳:۴، ۷:۵

عبرانیان ۱۱:۲؛ ۱۰:۱۰، ۱۴؛ ۱ تیموتائوس ۱۵:۲
۱۲:۱۳

۲ پطرس ۲:۱ ۲ تیموتائوس ۲۱:۲

۱ پطرس ۱:۱۵-۱۶

عبرانیان ۱۴:۱۲

■ "همه از یک تبارند" (در متن انگلیسی نوشته شده "همه از یک پدر هستند") "پدر" در متن یونانی نیست (NASB, NRSV, TEV). ضمیر "او" در بخش بعدی اشاره به عیسی دارد (NRSV, TEV, NIV). بنابراین، احتمالاً ترجمه NJB "تمام ذخایر همسان"، یا ترجمه NIV "همه از یک خانواده" به بهترین شکل با متن تناسب دارند. در اینصورت، تأکیدی بر جنبه انسانی عیسی محسوب می‌گردد (عبرانیان ۱۴:۲).

■ "عیسی عار ندارد ایشان را برادر بخواند" عیسی کاملاً خود را با بشر ایماندار می‌شناساند. او با زجری که کشید، تصویر خداوند در آنها تجلی دوباره یافت. سه نقل قول بعدی عهد عتیق (عبرانیان ۱۲:۲-۱۳) به نظر به شکلی از محتوای اصلی بدور هستند، اما آنها از آیات موسایی توسط بازی با لغات به شیوه روحانیون نشأت می‌گیرند. متن عبرانیان ۱۰:۲-۱۸ عیسی را بطور کامل با پیروانش معرفی می‌کند:

۱. هر دو آنها پدر را اعلان می‌دارند

۲. هر دو پدر را ستایش می‌کنند

۳. هر دو در ایمانشان به پدر توکل می‌کنند

۴. عیسی ("من" عبرانیان ۱۳:۲) و پیروانش ("کودکان" در عبرانیان ۱۳:۲) بوسیله هدیه پدر به پسر مرتبط می‌گردند

۵. هم عیسی و هم پیروانش در یک ذات انسانی مشترک هستند

۶. هم عیسی و هم پیروانش دچار وسوسه شدند

۱۳-۱۲:۲ این مجموعه نقل قول‌ها از عهد جدید تعریف می‌کنند که چگونه عیسی بوسیله استفاده از متون عهد جدید با پیروان ایمانداراش شناسایی می‌شوند.

۱۲:۲ "نام تو را به برادرانم اعلام خواهم کرد" این بخش از مزمو ۲۲:۲۲ گرفته شده که جنبه پیامبری را با عروج مرتبط می‌کند.

■ "جماعت"

موضوع خاص: کلیسا (ekklesia) - (Special Topic: Ekklesia)

کلمه یونانی ekklesia از دو کلمه می‌آید "خارج از" و "فرا خواند". این کلمه کاربرد دنیوی دارد (یعنی اتباع را به گردهمایی فرا خواندن، رجوع شود به اعمال ۱۹:۳۲ و ۳۹ و ۴۱) و به واسطه استفاده Septuagint این کلمه برای "حضر در کلیسای" اسرائیل (Qahal, BDB 874, KB 1078) رجوع شود به اعداد ۱۶:۳، ۲۰:۴، ۲۰:۳۰، به عنوان یک کاربرد دینی تلقی می‌گردد. کلیسای اولیه خود را به عنوان ادامه مردم خدا در عهد عتیق می‌دانستند. آنها اسرائیل جدید بودند (رجوع شود به رومیان ۲:۲۸ و ۲۹، غلاطیان ۳:۲۹، ۱۶:۶، اول پطرس ۵:۲ و ۹، مکاشفه ۱:۶)، تحقق ماموریت جهانی خدا (رجوع شود به پیدایش ۳:۱۵، ۱۲:۳، خروج ۱۹:۵ و ۶، متی ۱۸:۲۸ الی ۲۰، لوقا ۴۷:۲۴، اعمال ۸:۱، موضوع خاص: برنامه رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید).

این کلمه با چندین مفهوم در اناجیل و اعمال به کار برده شده است.

۱. دیدارهایی با جنبه غیر روحانی در شهر، اعمال ۱۹:۳۲ و ۳۹ و ۴۱

۲. مردم خدا در عیسی، متی ۱۶:۱۸ و افسسیان

۳. گردهمایی محلی مومنین در عیسی، انجیل متی ۱۸:۱۷، اعمال رسولان ۵:۱۱ (در این آیات، کلیسا در اورشلیم)، اعمال رسولان ۱۳:۱۱،

رومیان ۱۶:۵، اول قرنتیان ۱۶:۱۹، کولسیان ۴:۱۵، فیلمون آیه ۲

۴. کل مردم اسرائیل، اعمال ۷:۳۸ در مراسم استفتان

۵. مردم خدا در منطقه، اعمال رسولان ۸:۳، غلاطیان ۲:۱ (یهودا یا فلسطین)

کلیسا، یعنی مردمی که گرد هم آمده اند، نه یک ساختمان. برای صدها سال هیچ ساختمانی برای کلیسا وجود نداشت. در یعقوب (یکی از نخستین کتب مسیحی) کلیسا به کلمه *synagōgē* (انجمن) اطلاق می‌شد. این اصطلاح برای کلیسا فقط در کتاب یعقوب دیده می‌شود (رجوع شود به کتاب یعقوب ۲:۲ و ۱۴:۵).

۱۳:۲ "من بر او توکل خواهم کرد" این بخش از اشعیا ۸:۱۷ نقل قول شده است. در این مقطع اجازه دهید جمله‌ای را از تداوم نویسنده در استفاده از نسخه Septuagint اضافه کنم که متفاوت است، بعضی اوقات نسبت به متن عبری (Masoretic) بسیار متفاوت است. به نظر می‌رسد در روزگار ما نسبت به ترجمه‌های دیگر انگلیسی بسیار جدل برانگیز باشد. برخی آن را به سایر ترجمه‌ها ترجیح می‌دهند، بعضی اوقات حتی انگیزه‌ها و حتی مسیحیت مترجمان را نیز به زیر سوال می‌برند. اگر روح خدا می‌تواند از ترجمه یونانی برای برقراری ارتباط کلام انجیل با مردمان شرق نزدیک باستان استفاده نماید، پس از ترجمه‌های مختلف امروزی نیز می‌تواند بهره لازم را ببرد. این سوال مربوط به نظریه ترجمه نیست بلکه خواست خداست که انسان آن را شنیده و کلام خوش خدا درباره مسیح را باور نماید.

■ "و باز اینک من، و فرزندان من که خدا به من داده است" این بخش از آیه برگرفت از اشعیا ۸:۱۸ از نسخه Septuagint است. فحوای کلام اینست که از وحدانیت عیسی با باورمنداش بگوید (عبرانیان ۲:۱۷).

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۴:۲-۱۸

۱۴:۲ "از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند، او نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود، صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد،^{۱۵} و آنان را که همه عمر در بندگی ترس از مرگ به سر برده‌اند، آزاد سازد.^{۱۶} زیرا مسلمان است که او نه فرشتگان، بلکه نسل ابراهیم را یاری می‌دهد.^{۱۷} از همین رو، لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود تا بتواند در مقام کاهن اعظمی رحیم و امین، در خدمت خدا باشد و برای گناهان قوم کفاره کند.^{۱۸} چون او خود هنگامی که آزموده شد، رنج کشید، قادر است آنان را که آزموده می‌شوند، یاری رساند.

۱۴:۲ "از آن جا که" این گزاره شرطی تراز اول بوده که به نظر می‌رسد از دید نویسنده و به لحاظ مقاصد الهیاتی او، به درستی استفاده شده است.

■ "فرزندان از جسم و خون برخوردارند، او نیز در اینها سهیم شد" فعل "سهیم شد" (*koinonia* اخباری معلوم کامل) سخن از شروع و تداوم جنبه انسانی عیسی مسیح می‌گوید. آیات ۱۴ و ۱۷ این جنبه عیسی را که مشکل الهیاتی تشکیک‌کنندگان اولیه بود، تسریح می‌کنند (۱ یوحنا ۴:۱-۶).

این فراز در یونانی بمفهوم "گوشت و خون" است. دقیقاً متضاد حالت رایج استفاده از جمله. روحانیون یهود این از این بخش برای بی‌ثباتی انسان استفاده می‌کنند. نویسنده عبرانیان احتمالاً این بخش را معکوس کرده تا نشان دهد با وجود این که عیسی انسان بود، اما تحت تاثیر اخراج از بهشت بشر گناهکار قرار نگرفته است (رومیان ۸:۳؛ فیلیپیان ۲:۷-۸).

عبرانیان هم بر هر دو جنبه خدایی (عبرانیان ۱:۱-۳؛ ۱۴:۴) و انسانی عیسی تاکید می‌کند

۱. عبرانیان ۲:۱۴ سخن از طبیعت انسانی می‌گوید
۲. عبرانیان ۴:۱۵ از هر آنچه که بشر هست، اغوا شده است
۳. عبرانیان ۵:۷ با فریاد و شیون و اشک، بدرگاه خداوند دعا می‌کند
۴. عبرانیان ۵:۸-۹ بوسیله عذاب، به تکامل رسیده است.

■ "با مرگ خود" مرگ، فی‌نفسه با مرگ عیسی مُرد. الهیات قربانی کردن یهودیان (لاویان ۱-۷). یک بی‌گناه به جای همه مُرد (رومیان ۵:۱۲-۲۱؛ ۲ قزنتیان ۵:۱۴-۱۵، ۲۱).

موضوع خاص: باطل و بی‌اثر (*katargeō*) Special Topic

^۳ متن معتبر از زبان‌های عبری و آرامی برای یهودیان است. این متن اصلی کتاب مقدس عبری نیست. بین قرن هفتم و دهم توسط یک گروه از یهودیان معروف به علمای مسورات نسخه‌برداری، ویرایش و سپس پخش گردید.

لغت (*katargeō*) یکی از کلمات مورد علاقه پولس بود. در ابتدا وی بیست و پنج بار آن را تکرار کرد، اما دایره مفهومی آن بسیار وسیع تر است.

A. مبنای ریشه آن از لغت *argos* گرفته شده که بمعانی زیر است:

۱. غیر معلوم
۲. بی کار
۳. بلا استفاده
۴. بی مصرف
۵. غیر متعارف

B. ترکیب آن با *kata* برای ابراز حالات زیر استفاده می شود:

۱. عدم فعالیت
۲. بلا استفاده گی
۳. عملی که لغو شده باشد
۴. عملی که با کاری به انجام رسیده باشد
۵. کاری که کاملاً غیر عملی باشد

C. در لوقا یکبار برای نشان دادن بی حاصل بودن کاری نشان داده شد، بنابراین مگر اینکه منظور درخت بوده باشد (لوقا ۱۳: ۷):

D. پولس آن را به دو روش اصلی استفاده می کند

۱. خداوند ابزارهایی غیر عملی درست می کند که با انسان عداوت دارند

a. طبیعت گناهکار بشریت - رومیان ۶: ۶

b. قوانین موسی در ارتباط با وعده خداوند به "دانه" - رومیان ۱۴: ۴؛ غلاطیان ۳: ۱۷؛ ۴: ۵، ۱۱؛ افسسیان ۲: ۱۵

c. نیروهای آسمانی - ۱ قرن ۱۵: ۲۴

d. "مرد بی شریعت" - ۲ تسالونیکیان ۲: ۸

e. مرگ فیزیکی - ۱ قرن ۱۵: ۲۶؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰ (عبرانیان ۲: ۱۴)

۲. خداوند پیمان قدیم را با پیمان جدیدتر جایگزین می کند

a. هر آنچه که به قوانین موسی مربوط می شود - رومیان ۳: ۳، ۳۱؛ ۴: ۱۴؛ ۲ قرن ۳: ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴

b. قیاس ازدواج استفاده شده در شریعت - رومیان ۷: ۲، ۶

c. هر آنچه که در این عصر هست - ۱ قرن ۱۳: ۸، ۱۰، ۱۱

d. این بدن - ۱ قرن ۶: ۱۳

e. رهبران عصر امروزی - ۱ قرن ۱: ۲۸؛ ۲: ۶

این لغت به اشکال مختلف ترجمه شده است، اما معنی اصلی آن برای نشان دادن بی مصرفی چیزی است، باطل و بی اثر، غیر عملی، فاقد توان، اما نه الزاماً هر آنچه که وجود ندارد، نابود و یا نیست شده.

■ "صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس" شیطان در مقابل مرگ صاحب قدرت مطلق نیست (ایوب ۲: ۴-۶؛ ۱ قرن ۵: ۵)، اما قدرت القای وحشت از مرگ را دارد (عبرانیان ۲: ۱۵) که البته آن را همواره بر سر تمام بشریت نگه می دارد (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ ۱۴: ۳۰؛ ۱۶: ۱۱؛ ۲ قرن ۴: ۴؛ افسسیان ۲: ۲؛ ۱ یوحنا ۴: ۴؛ ۱۹: ۵). عیسی مرگ را منسوخ کرد (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰) و وی صاحب تمام کلیدهای هستی و نیستی است (مکاشفه ۱: ۱۸).

موضوع خاص: شیطان (Special Topic: Satan)

به دلایل متعددی این موضوع بسیار دشواری است.

۱. عهد عتیق به عنوان دشمن خوبی او را نشان نمی دهد، بلکه به عنوان بنده یهوه نشان می دهد (به OT Theology، A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰-۳۰۶ مراجعه کنید)، که جایگزینی را به بشریت ارائه می دهد و همچنین انسان را به نادرستی متهم می کند. تنها یک خدا وجود دارد (به موضوع ویژه: یکتاپرستی مراجعه کنید)، یک قدرت، یک علت در عهد عتیق، یعنی یهوه (مراجعه کنید به اشعیا ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶).

۲. مفهوم دشمن شخصی شخصی خداوند در ادبیات بین فرهنگی (غیر کانونی) تحت تاثیر ادیان دوالیسم پارسی (زرتشتیان) توسعه یافت.

این، به نوبه خود، به شدت تحت تاثیر یهودیت روحانیون و جامعه اسسن (به عنوان مثال، کنیبه بحرالمتیت).

۳. عهد جدید تم‌های عهد عتیق را به شکل شگفت انگیزی، اما انتخابی، دسته بندی می کند.

اگر کسی به مطالعه شر از دیدگاه الهیات کتاب مقدس (هر کتاب یا نویسنده یا ژانر به طور جداگانه مورد مطالعه و تعریف قرار گیرد) توجه کند، دیدگاه‌های بسیار مختلفی از شر بدست می‌آید.

با این حال، اگر کسی به مطالعه شر از رویکرد غیر کتاب مقدس یا کتاب مقدس ادیان جهانی یا ادیان شرقی توجه کند، در این صورت بیشتر توسعه عهد جدید در پیشگویی دوالیسم ایرانی و روح گرایی یونانی-رومی حاصل می‌شود.

اگر کسی به طور پیش شرطی به اقتدار الهی کتاب مقدس متعهد باشد (همانطور که من هستم)، پس توسعه عهد جدید باید به عنوان معرفت مترقی شناخته شود. مسیحیان باید در برابر نفوذ فولکلور یهودی یا ادبیات غربی (دانت، میلتون) از این مفهوم بیشتر جبهه گیری کنند. مطمئنا رمز و راز و ابهام در این زمینه وحی است. خدا خواسته است که تمام جنبه‌های شر و پلیدی، منشاء آن (موضوع خاص: لوسیفر)، توسعه آن، و هدف آن را فاش نکند، اما او شکست خود را نشان داده است!

در عهد عتیق اصطلاح "شیطان" یا "متهم کننده" (KB 1317, BDB 966) می‌تواند به سه گروه جداگانه مرتبط باشد.

۱. متهم کنندگان انسانی (به جز ۱ سموئیل ۴:۲۹، دوم سموئیل ۲۲:۱۹؛ اول پادشاهان ۱۴:۱۱، ۲۳، ۲۵؛ مزمور ۱۰۹:۶)

۲. فرشتگان متهم کننده (مراجعه شود به اعداد ۲۲:۲۲ الی ۲۳؛ یعقوب ۱-۲؛ زکریا ۱:۳)

۳. شیاطین متهم کننده (مراجعه شود به اول تواریخ ۱:۲۱، اول پادشاهان ۲۱:۲۱، زکریا ۲:۱۳)

تنها بعدا، در دوره مقدماتی، مار پیدایش ۳ به عنوان شیطان شناسایی شده است (مراجعه شود به کتاب خرد ۲:۲۳ الی ۲۴؛ دوم انوش ۳:۳۱)، و حتی بعدا این تبدیل به گزینه روحانیون می‌شود (مراجعه شو به Sot ۹ و سانهدرین ۲۹ الف). "فرزندان خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان در اول انوش ۶:۵۴ می‌شوند. من این را ذکر می‌کنم، نه به دقت کلامی آن، بلکه برای نشان دادن توسعه آن. در عهد جدید، این کارهای عهد عتیق به شرارت فرشتگی و شخصیتی شیطان نسبت داده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان به ۳:۱۱؛ مکاشفه ۹:۱۲).

منشا شرارت شخصیت (بسته به دیدگاه شما) در عهد عتیق دشوار یا غیرممکن است. یکی از دلایل این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (به موضوع ویژه: یکتاپرستی مراجعه کنید؛ همچنین به اول پادشاهان ۲۰:۲۲ الی ۲۲؛ جامعه ۷:۱۴؛ اشعیا ۷:۴۵؛ عاموس ۳:۶ مراجعه کنید). همه علیت (مراجعه شود به اشعیا ۴۵:۷؛ عاموس ۳:۶) به بیهوشی نسبت داده میشوند تا یکتا بودن و اولویت او را نشان دهند (مراجعه شود به اشعیا ۱۱:۴۳، ۶:۴۴ و ۸ و ۲۴، ۴۵:۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع اطلاعات احتمالی عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، جایی که شیطان یکی از "پسران خدا" است (یعنی، فرشتگان)؛ یا (۲) اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸، که در آن پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تایلر) احتمالا برای نشان دادن غرور شیطان به کار استفاده شده‌اند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳:۶). من احساسات مختلفی در مورد این رویکرد دارم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن، نه تنها برای پادشاه تایلر به عنوان شیطان (مراجعه شود به حزقیال ۱۲:۲۸ الی ۱۶) بلکه برای پادشاه مصر نیز به عنوان درخت آگاهی از خیر و شر (حزقیال ۳۱) استفاده می‌کند. با این حال، اشعیا ۱۴، به خصوص در آیات ۱۲ الی ۱۴، به نظر می‌رسد شورش فرشتگان را از روی غرور توصیف می‌کند. اگر خدا بخواهد ماهیت و منشا شیطان را به ما نشان دهد، این یک شیوه و مکان بسیار مبهم برای انجام آن است. ما باید علیه روند الهیات سیستماتیک در استفاده بخشهای کوچک و متضاد آیات مختلف، نویسندگان، کتاب‌ها و ژانرها و ترکیب آنها به عنوان قطعه یک پازل الهی محافظت کنیم.

من با Alfred Edersheim (*The Life and Times of Jesus the Messiah*)، جلد ۲، پیوست‌های XIII (صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳) و XVI (صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶) موافقم) که روحانیون یهودی به شدت تحت تأثیر حدس و گمان دوالیسم پارسی و اهریمنی قرار گرفته‌اند. روحانیون منبع خوبی برای حقیقت در این زمینه نیستند. مسیح عمدتا از آموزه‌های کنیسه در این حوزه دور می‌شود. من فکر می‌کنم که مفهوم دشمن قوی بیهوشی از دو خدای بزرگ دوالیسم ایرانی، اهریمن و اهورامزدا تشکیل شده است و سپس توسط روحانیون به دوالیسم بیهوشی و شیطان تبدیل شد.

یقینا مکاشفه مترقیانه‌ای در عهد جدید در خصوص شخصیت پردازی پلیدی وجود دارد، اما نه به آن دقت روحانیون. مثال خوبی از این تفاوت "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان ضرورت منطقی است، اما مشخص نیست (نگاه کنید به موضوع ویژه: سقوط شیطان و فرشتگان او). حتی آنچه که داده می‌شود، در سبک آخرالزمانی ظاهر شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۴:۱۲ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). اگر چه شیطان از عیسی مسیح شکست خورده و به

زمین فرستاده می‌شود، او همچنان به عنوان خادم یهوه عمل می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱:۴؛ انجیل لوقا ۳۱:۲۲ الی ۳۲؛ اول قرنتیان ۵:۵؛ اول تیموتائوس ۱:۲۰).

ما باید کنجکاویمان را در این زمینه محدود کنیم. یک نیروی شخصی از وسوسه و بدی وجود دارد، اما تنها یک خدا وجود دارد و ما هنوز در برابر انتخاب خود مسئول هستیم. یک جنگ معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروزی فقط با خدای سه گانه حاصل می‌شود و دوام می‌آورد. پلیدی شکست می‌خورد و از بین می‌رود (مراجعه شود به مکاشفه ۱۰:۲۰)!

۱۶:۲

NASB

"برای اطمینان"

NKJV

"فی الواقع"

NRSV, TEV

"چون روشن شود"

NJB

لغت در این نسخه حذف شده است.

نسخه‌های NRSV و TEV گویای بهترین حالت هستند.

■ "که او نه فرشتگان، بلکه نسل ابراهیم را یاری می‌دهد" هر دو بخش جمله، حال اخباری هستند. در نسخه یونانی، "نه" در ابتدای جمله و برای تاکید قرار گرفته است. فعل اصلی آن *epilambanō*، که از ریشه *lambanō* و معنی "برداشتن" یا "بچنگ آوردن" بوده که یا به حالت مثبت و یا منفی استفاده می‌شده است. در این متن اشاره به اعمال مثبت عیسی (عبرانیان ۸:۹) برای انسان‌های باورمندی که هرگز بسوی فرشتگان هدایت نشده‌اند، دارد. در اینجا دوباره عیسی و پیروانش در مقابل دنیای فرشتگان قرار گرفته‌اند.

■ "نسل ابراهیم" بطور مشخص 'اولاد ابراهیم' مد نظر است. یهوه به ابراهیم بی‌فرزند قول داد که او پدر قومی بزرگ با نوادگان فراوان خواهد بود (پیدایش ۱۲:۲؛ ۱۵:۲-۶؛ ۱۷:۴-۷؛ ۱۸:۱۰؛ ۸). واژه "اولاد" هم می‌تواند مفرد و هم جمع باشد. بنابراین، هم می‌تواند اشاره به قوم اسرائیل داشته باشد و هم مسیح موعود. از سایر متون عهد جدید می‌توان این استنباط را کرد که اشاره به ایمان دارد نه نژاد یا کارایی (یوحنا ۸:۳۱-۵۹؛ غلاطیان ۳:۷، ۹، ۲۹؛ رومیان ۲:۲۸، ۲۹). وعده‌های ابراهیمی بلا شرط نیستند (بخصوص در پیدایش ۱۵:۱۲-۲۱؛ رومیان ۴)، در حالیکه پیمان موسی مشروط و اجباری است.

۱۷:۲ "لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود" عیسی در کاری که برای نوع بشر انجام داد پایمرد بوده و این ارتباط به درک کامل او از طبیعت ما داشته (عبرانیان ۲:۱۱، ۱۸؛ ۴:۱۵) تا بتواند والاترین کاهن اعظم ما باشد.

■ "تا بتواند در مقام کاهن اعظمی رحیم و امین باشد"

موضوع خاص: عیسی بعنوان کاهن اعظم - (Special Topic: Jesus as High Priest)

کتاب عبرانیان در عهد جدید، در کاهن اعظم خطاب کردن عیسی بسیار منحصر بفرد است. مسیح موعود در عهد عتیق در دو جا با واژگان این چینی تعریف گردیده است (مزمور ۱۱۰:۴؛ زکریا ۳-۴).

این چارچوب در عبرانیان ۴:۱۴ - ۵:۱۰ و ۶:۱۳ - ۷:۲۸ بسط پیدا می‌کند.

عبرانیان کارهای کاهن گونه عیسی را به اشکال مختلف بیان می‌کند:

- ۱- کفارہ برای گناهان می‌دهد (عبرانیان ۲:۱۷؛ ۷:۲۷؛ ۹:۱۴)
- ۲- به کسانی که وسوسه گناه می‌شود، قوت قلب می‌بخشد (عبرانیان ۲:۱۸)
- ۳- در زمان نیاز جلال عطا می‌کند (عبرانیان ۴:۱۵-۱۶)
- ۴- حیات ابدی بهمراه می‌آورد (عبرانیان ۵:۹-۱۰)
- ۵- نزد خداوند شفاعت ایماندارنش را می‌طلبید (عبرانیان ۷:۲۵؛ ۹:۲۴)
- ۶- قوت قلب پیروانش در مواجهه با خداوند است (عبرانیان ۱۰:۱۹-۲۱)

■ "برای گناهان قوم کفارہ کند" (در نسخه انگلیسی لغت دلجویی بجای کفارہ استفاده شده است) واژه "دلجویی" در نسخه Septuagint برای جایگاه مرحمت (درپوش تابوت) بر روی تابوت عهد در قدیس قدوسان استفاده شده است. با اینحال، معنی این آن دلالت بر آرام کردن یک خدای

خشمگین دارد، و در نتیجه آن برداشتن مرزهای میان "خدایان" و نوع بشر. بخاطر نحوه استفاده این واژه، ترجمه‌های جدید در ارجاء آن به یهوه به شدت دستپاچه عمل کرده (RSV و NJB) و آن را به "کفار" تغییر دادند. عیسی رحمت و عدالت یهوه را با هم به ارمغان آورد (۱ یوحنا ۲: ۴؛ ۱۰: ۴). در عین حال، ما نباید به آن منظر یک خدای عصبانی و عیسی دوست داشتنی عهد عتیقی نگاه کنیم. پدر، پسر را فرستاد (یوحنا ۳: ۱۶). پسر، پدر را نمایندگی و تقلید می‌کند.

۱۸:۲ "چون او خود هنگامی که آزموده شد، رنج کشید" جمله "اورنج کشید" به لحاظ دستوری، اخباری معلوم کامل بوده که سخن از ادامه محکمه‌ای که عیسی با آن روبرو بود، می‌گوید. واژه "آزموده" (*peirazō*) دلالت به موقعیتی در مواجهه با خرابی دارد (عبرانیان ۴: ۱۵؛ متی ۴: ۱). شیطان سعی در نابودی عیسی داشت، اما خداوند آن را تبدیل به پیروزی بزرگی نمود.

موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها

(Special Topic: Greek Terms for Testing And their Connotations)

دو اصطلاح یونانی وجود دارند که به مفهوم "آزمودن کسی برای هدفی" هستند.

۱. *Dokimazō, Dokimion, Dokimasia*

این واژه یک اصطلاح متالورژیست است برای آزمودن اصل بودن چیزی (به صورت استعاره برای فردی) با استفاده از آتش (موضوع خاص: آتش را مطالعه کنید). آتش ماهیت واقعی فلز را نشان می‌دهد و مواد خارجی را می‌سوزاند (یعنی خالص می‌کند). این فرایند فیزیکی تبدیل به اصطلاحی قدرتمند برای خدا و یا شیطان و یا انسانها برای آزمودن دیگران شد. این اصطلاح فقط در مفهوم مثبت آزمایش و با دید پذیرش استفاده می‌شود (موضوع خاص: خدا مردمش را می‌آزماید [عهد عتیق] را مطالعه کنید).

در عهد عتیق برای آزمودن موارد زیر استفاده شده است:

a. گاوها، انجیل لوقا ۱۹: ۱۴

b. خودمان، اول قرنتیان ۲۸: ۱۱

c. ایمان ما، یعقوب ۳: ۱

d. حتی خدا، عبرانیان ۹: ۳

تصور می‌شد که حاصل این آزمونها مثبت باشد (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۸، ۲۲: ۱۴، ۱۰: ۱۶، دوم قرنتیان ۱۸: ۱۰، ۳: ۱۳ و ۷، فیلیپیان ۲: ۲۷، اول پطرس ۷: ۱)، بنابراین اصطلاح دربردارنده این عقیده در مورد کسی است که آزموده شده و پذیرفته می‌شود

a. ارزش دارد

b. خوب است

c. اصل است

d. ارزشمند است

e. قابل احترام است

۲. *Peirazō, Peirasmus*

این اصطلاح اغلب مفهوم آزمودن به منظور یافتن خطا و یا رد کردن دارد. در مورد وسوسه عیسی در بیابان استفاده شده است.

a. دربردارنده تلاش برای به دام انداختن عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، ۱۶: ۱، ۱۹: ۳، ۲۲: ۱۸ و ۳۵، انجیل مرقس ۱: ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۲، عبرانیان ۲: ۱۸)

b. این اصطلاح (*Peirazōn*) به عنوان لقبی برای شیطان در انجیل متی ۴: ۳، اول تسالونیکیان ۵: ۳ (یعنی "وسوسه") استفاده شده است

c. کاربرد

۱. توسط عیسی استفاده شد تا به انسانها هشدار دهد خدا را مورد آزمون قرار ندهند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۷، انجیل لوقا ۴: ۱۲، [یا مسیح مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۱۰])

۲. همچنین به تلاش برای انجام کاری است که شکست خورده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۲۹)

۳. در رابطه با وسوسه و محاکمه مومنین استفاده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۷: ۵، ۹: ۱۰ و ۱۳، غلاطیان ۱: ۶، اول

تسالونیکیان ۳: ۵، عبرانیان ۲: ۱۸، یعقوب ۲: ۱ و ۱۳ و ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۲، دوم پطرس ۲: ۹)

■ "فادر است آنان را که آزموده می‌شوند، یاری رساند" این حقیقتی است که در عبرانیان ۱۵:۴ نیز تکرار شده است. عیسی بطور کامل با مردم نیازمندش شناسایی می‌گردد (عبرانیان ۲:۱۷)!

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. فهرستی از راه‌هایی که پیمان جدید نسبت به پیمان موسایی قدیم ارجحیت دارند را بنویسد
۲. چرا نویسنده این بخش از پیمان موسی نقل قول زیادی آورده است؟
۳. هشدارهای فصل ۲ چه کسی را مخاطب قرار می‌دهد؟
۴. آیات ۲:۶-۸ اشاره به بشریت دارند یا عیسی؟
۵. چرا عیسی باید زجر می‌کشید و مسیحیان چگونه تحت تاثیر آن قرار گرفتند؟
۶. طبق آیه ۱۴ آیا شیطان در برابر مسیحیان قدرت مرگ دارد؟
۷. فهرستی را از علل ظهور عیسی بنویسید.

عبرانیان ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|------------------------|-------------------------|-------------------|------------------------|-----------------------------------|
| عیسی ارجح بر موسی | پسر وفادار بود | عیسی ارجح بر موسی | عیسی بزرگتر از موسی | عیسی بالاتر از موسی |
| ۱:۳-۶ | ۱:۳-۶ | ۱:۳-۶ | ۱:۳-۶ | ۱:۳-۶ |
| آرامشی برای مردمان خدا | وفادار باش | هشدار و نصیحت | آرامشی برای مردمان خدا | چطور به سرزمین موعود خداوند برسیم |
| (۱۳:۴-۷:۳) | | (۱۳:۴-۷:۳) | (۱۳:۴-۷:۳) | (۱۳:۴-۷:۳) |
| ۱۱-۷:۳ | ۱۵-۷:۳ | ۱۹-۷:۳ | ۱۱-۷:۳ | ۱۱-۷:۳ |
| ۱۹-۱۲:۳ | شکست سرگردانی در بیابان | | ۱۵-۱۲:۳ | ۱۹-۱۲:۳ |
| | ۱۹-۱۶:۳ | | ۱۹-۱۶:۳ | |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی: عبرانیان ۱:۳ - ۴:۱۳

- A. این بخش به ارجحیت عیسی بر دو رهبر پیمان موسایی، موسی و هارون که برادر و از لایوان بودند، می‌پردازد. این بخش ما را به مبحث ملکی صدق کاهن هدایت می‌کند، عبرانیان ۴:۱۴ - ۷:۲۸.
- B. این بخش نگرشی روحانیون یهودی بر دو مفهوم است: (۱) "خانه خدا" در عبرانیان ۱:۳-۶ (اعداد ۷:۱۲۰۸؛ ۲:۷؛ ۲:۷) و (۲) "بقیه" در عبرانیان ۳:۷-۴:۱۳ (مزمور ۷:۹۵-۱۱).
- C. جدل به شکل زیر گسترش می‌یابد:
 ۱. موسی از خانه و کاشانه خویش جدا بود، اما عیسی سازنده خانه و کاشانه بود
 ۲. موسی خدمتگذاری در خانه بود، در حالیکه عیسی عضوی از خانواده است
 ۳. موسی نتوانست آرامش خداوند را به همراه آورد، در حالیکه عیسی شکست نخورد
- D. جهت الهیاتی واحد ادبی، هشدار است درباره فرمانبرداری و وفاداری. عیسی هم مطیع بود و هم وفادار، اما اسرائیلیان اینگونه نبودند. پیامدهای سریچی از قوانین پیمان موسی بسیار شدید بود. پیامدهای ترمز یا سرباز زدن از پیمان جدید چقدر مهلک خواهد بود (عبرانیان ۲:۱-۴)؟
- E. این بخش جنبه گون‌شناسی داشته و عهد جدید را بعنوان مهاجرت معنوی مورد بررسی قرار می‌دهد!

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱:۳-۶

اِپس ای برادران مقدس که در دعوت آسمانی شریک هستید، اندیشه خود را بر عیسی معطوف کنید که او ستار سول و کاهن اعظمی که بدو معتزیم. او نسبت به کسی که او را برگماشت امین بود، همان گونه که موسی نیز در تمام خانه خدا امین بود. اما به همان اندازه که حرمت سازنده خانه از خود خانه بیشتر است، عیسی نیز لایق حرمتی بیش از موسی شمرده شد. زیرا هر خانه‌ای به دست کسی بنا می‌شود، اما بانی همه چیز خداست. موسی در مقام خادم در تمام خانه خدا امین بود تا بر آنچه می‌بایست در آینده گفته شود، شهادت دهد. اما مسیح، در مقام پسر صاحب‌اختیار بر خانه خدا، امین است. و خانه او ما هستیم، به شرطی که آزادگی خود را حفظ کنیم و در مباحثات به امید خود همچنان پایدار بمانیم.

۱:۳

NASB, NKJV "برادران مقدس"

NRSV "برادران و خواهران"

TEV "دوستان مسیحی من"

NJB "برادران مقدس"

مخاطب این کتاب چه کسی است؟ واژه "برادران" به کرات تکرار شده (عبرانیان ۱:۳، ۱:۱۲، ۱۰:۱۹، ۱۳:۲۲) که در کنار این موضوع مهم است منظور باورمندان یهودی است.

■ "در دعوت آسمانی شریک هستید" این مفهوم به روش‌های مختلف در انجیل استفاده شده است

۱. اسرائیل بوسيله خدا بمنظور سرزمین کاهنان انتخاب گردید تا دنیا را دوباره بسوی او بازگردانند (پیدایش ۱۲:۳؛ خروج ۱۹:۵). این امر در عهد عتیق رستگاری فردی محسوب نشده بلکه فراخوانی برای خدمت، و یکی شدن (قوم واحد اسرائیل) برای انجام مأموریت محوله، یعنی رساندن پیام انجیل به سرتاسر جهان بوده است.

۲. یوحنا ۶:۴۴، ۶:۶۵ هر فرد مؤمنی را دعوت به رستگاری ابدی کرده است

۳. هر فرد مسیحی دعوت به خدمت به مسیح و از طریق عطایای روحانی تفویض شده، گردیده است (۱ قرنتیان ۱۲:۷، ۱۱).

موضوع خاص: دعوت - (Special Topic: Called)

خداوند همیشه در فراخواندن، انتخاب کردن و جلب نظر مؤمنان به خود نقش شروع کننده را ایفا می‌کند (یوحنا ۶:۴۴، ۶:۵؛ ۱۶:۱۵؛ ۱ قرنتیان ۱:۱-۲؛ افسسیان ۱:۴-۵ و ۱۱). واژه "دعوت" چندین بار در قالب الهیاتی استفاده شده است.

A. در عهد عتیق "دعوت به نام افراد" همیشه یکی از موضوعات پرستش بوده است (پیدایش ۴:۲۶؛ ۸:۱۲؛ ۲۱:۳۳؛ ۲۶:۲۵؛ خروج ۴۳:۵).

B. گناهکاران با بخشش خداوند (خروج ۳۴:۶-۷) و توسط کار نهایی عیسی و ایمان به روح، دعوت به رستگاری شده‌اند (واژه *klētos* در رومیان ۱:۶-۷؛ ۹:۲۴، که به لحاظ الهیاتی بسیار شبیه به آیات ۱:۱-۲ و تیموتائوس ۱:۹؛ ۲ پطرس ۱:۱۰ می‌باشد).

C. گناهکاران به نام سرورشان (Lord) دعوت به نجات می‌شوند (*epikaleō* اعمال رسولان ۲:۲۱؛ ۲۲:۱۶؛ رومیان ۱۰:۹-۱۳). این جمله یکی از پرستش‌های معروف یهودی است.

D. گناهکاران به نام "او" و در زمان‌های بحرانی و پرتنش دعوت می‌شوند (اعمال رسولان ۷:۵۹).

E. ایمانداران دعوت می‌شوند تا همچون مسیح زندگی نمایند (*klēsis* ۱ قرنتیان ۱:۲۶؛ ۲۰:۷؛ افسسیان ۴:۱؛ فیلیپیان ۳:۱۴؛ ۲ تسالونیکیان ۱:۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۱:۹).

F. ایمانداران به فعالیت‌های بشارتی فراخوانده شده‌اند (اعمال رسولان ۲:۱۳؛ ۱ قرنتیان ۱۲:۴-۷؛ افسسیان ۱:۴).

■ "بر عیسی معطوف کنید" به لحاظ دستور زبانی آئوریستی، این یک جمله معلوم امری است. یعنی عمیقاً به این مسئله فکر شود (عبرانیان ۱۰:۲۴). در متن اینگونه بیان می‌گردد که شخص مورد نظر خداوند یعنی عیسی و کار او با رهبران پیمان موسایی مورد قیاس قرار داده شود.

■ "رسول و کاهن اعظم" این دو عنوان ارجح بودن عیسی را بر موسی بعنوان فرستاده رسمی و هارون بعنوان کاهن اعظم بیان می‌کند. فصل‌های ۳ و ۴ ارجحیت عیسی را بر هارون مورد بررسی قرار می‌دهد. از آنجاییکه واژه یونانی "پیام‌آور" و "فرشته" یکی هستند، "apostle"، که واژه‌ای یونانی برای "فرستادن" بود می‌تواند هم در ارتباط با فرشتگان که فرستاده خداوند برای خدمت به بشر نجات یافته بودند (عبرانیان ۱:۱۴) و هم به عیسی که فرستاده

خداوند برای بازیابی آنهایی که در حال نجات هستند (یوحنا ۳:۱۷) استفاده شود. این تنها جایی در عهد جدید است که عیسی را "The Apostle" یعنی فرستاده خطاب می‌کند، با اینکه یوحنا از این فعل مدام برای اشاره به عیسی بعنوان فرستاده از سوی پدر استفاده کرده است (یوحنا ۳:۱۷، ۳۴:۵؛ ۳۸، ۳۶:۶؛ ۲۹:۶؛ ۵۷، ۲۹:۷؛ ۴۲:۸؛ ۴۲:۱۰؛ ۳۶:۱۰؛ ۴۲:۱۱؛ ۱۷:۳، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵؛ ۲۰:۲۱).

■ "فرستاده Apostle" همانطور که در بالا گفته شد این واژه از فعل "فرستادن" گرفته شده و بوسیله روحانیون یهود برای تعریف کسی که بصورت رسمی از سوی جایی یا شخصی فرستاده شده، استفاده می‌شد. (به موضوع خاص: فرستاده apostellō در ادامه همین مطلب رجوع کنید). موسی در خانه خداوند خدمتگذاری می‌کرد در حالی که عیسی "پسر" خداوند و عضوی از خانواده بود. خداوند موسی را به خدمتگذاری فرا خواند، در صورتیکه عیسی را از بهشت فرستاد.

موضوع خاص: فرستاده (apostellō) (SPECIAL TOPIC: SEND (APOSTELLŌ))

این یک اصطلاح متداول یونانی برای فرستادن است (یعنی apostellō) که کاربردهای متفاوتی در الهیات دارد:

۱. در یونانی کلاسیک و در میان روحانیون به مفهوم فراخواندن و فرستادن یک نماینده رسمی از طرف شخص دیگری است، همانند سفیر در زبان انگلیسی (ambassador) (مراجعه شود به دوم قرنیتیان ۵:۲۰)
 ۲. اناجیل معمولاً از این فعل در مورد عیسی استفاده می‌کنند که از جانب پدر فرستاده شده است. در انجیل یوحنا این اصطلاح مفهوم مسیح گونه دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰:۴۰، ۱۵:۲۴، انجیل مرقس ۹:۳۷، انجیل لوقا ۹:۴۸ و به خصوص انجیل یوحنا ۵:۳۶ و ۳۸، ۶:۲۹، ۵۷ و ۷:۲۹، ۸:۴۲، ۱۰:۳۶، ۱۱:۴۲، ۱۷:۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۱:۲۱ - هم اصطلاح apostle و هم مترادف آن pempō در آیه ۲۱ استفاده شده‌اند). در مورد عیسی که مومنین را می‌فرستد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷:۱۸، ۲۰:۲۱ - هم اصطلاح apostle و هم مترادف آن pempō در آیه ۲۰:۲۱ استفاده شده‌اند) استفاده شده است.
 ۳. در عهد جدید حالت اسم apostle برای شاگردان به کار رفته است
 - a. دوازده شاگرد حلقه داخلی شاگردان (انجیل مرقس ۶:۳۰، انجیل لوقا ۶:۱۳، اعمال رسولان ۱:۲ و ۲۶)
 - b. گروه خاص شاگردان کمک کننده و همکارانشان
 - i. بارناباس (اعمال رسولان ۴:۱۴ و ۱۴)
 - ii. اندرونیوکوس و جانیکوس (KJV, Junia, مراجعه شود به رومیان ۱۶:۷)
 - iii. آپولس (اول قرنیتیان ۶:۴ الی ۹)
 - iv. یعقوب برادر خداوند (مراجعه شود به غلاطیان ۱:۱۹)
 - v. سیلوانوس و تیموتائوس (اول تسالونیکیان ۲:۶)
 - vi. احتمالاً تیتوس (دوم قرنیتیان ۸:۲۳)
 - vii. احتمالاً اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲:۲۵)
 - c. هدیه‌ای به کلیسا (اول قرنیتیان ۱۲:۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴:۱۱)
 ۴. پولس از این عنوان برای خودش برای تصریح اقتدارش به عنوان نماینده مسیح در اکثر مکاتباتش استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۱:۱، اول قرنیتیان ۱:۱، دوم قرنیتیان ۱:۱، غلاطیان ۱:۱، افسسیان ۱:۱، کولسیان ۱:۱، اول تیموتائوس ۱:۱، دوم تیموتائوس ۱:۱، تیتوس ۱:۱)
 ۵. مسئله‌ای که ما به عنوان مومنین مدرن با آن مواجه هستیم این است که عهد جدید هرگز مشخص نکرده است که این هدیه‌ای که از آن صحبت می‌کند چیست یا شامل چیست و چگونه مومن می‌تواند آن را شناسایی کند. بدیهی است فرد باید میان دوازده شاگرد اصلی (۳الف) و کاربرد بعدی (۳ب) بتواند تمایز قائل شود. اگر فرستادگان مدرن تحت الهام نباشند که کتب جدیدی بنویسند (مراجعه شود به یهودا آیه ۳) پس آنها چه کاری می‌کنند که متفاوت با پیامبران عهد جدید و یا مبشرین است (مراجعه شود به افسسیان ۴:۱۱)؟ اینها احتمالات من هستند
 - a. آغازگران کلیسای بشارتی در مناطقی که بشارت انجام نشده
 - b. رهبران شبانها در مناطق خاص
- من شماره ۱ را ترجیح می‌دهم.

■ "کاهن اعظم" عبرانیان تنها کتاب از انجیل است که عیسی را کاهن اعظم می‌خواند (عبرانیان ۲:۱۷؛ ۳:۱؛ ۴:۱۴؛ ۵:۵؛ ۵:۵؛ ۶:۲۰؛ ۷:۲۶، ۲۸؛ ۱:۱، ۳، ۹، ۱۱؛ ۱۰:۲۱). برای اینکه به یهودیان قرن اول قبولانده شود که عیسی، از تلاله یهودا، یک کاهن واقعی است، بحث شدیدی میان روحانیون

یهود لازم بود. مطابق کوزه‌های گلی دریای سیاه، دو مسیح موعود در انتظار عموم بود، یکی از میان نوادگان یهودا و دیگری یک کاهن (نسل لوی، مزمو ر ۱۱۰؛ زکریا ۳:۴).

■ **"بدو معترفیم"** از واژه یونانی *homologia* بوده که تلفیقی از "گفتن" و "یکسان" می‌باشد. خوانندگان به ایمانشان به عیسی مسیح اعتراف کرده‌اند. اکنون آنان باید فرایض آن را نیز بجای آورند (عبرانیان ۴:۱۴؛ ۱۰:۲۳). این یکی از موارد اصلی کتاب است.

موضوع خاص: اعتراف/اقرار (Special Topic: Confession)

- A. در زبان یونانی دو حالت متفاوت برای کلمه‌ای از یک ریشه برای "اعتراف" و "اقرار" به کار می‌رود، *exomologō / homologeō*. لفظ مرکب از *homo*. است مشابه *legō* به معنی صحبت کردن، یا *ex* به معنی بیرون از. معنی پایه گفتن یک مطلب مشابه یا موافق بودن است. حرف اضافه *ex* که اضافه شده دلالت بر اعلام عمومی است.
- B. ترجمه انگلیسی این کلمه مرکب اینها هستند:
۱. Praise - ستایش
 ۲. Agree - موافق
 ۳. Declare - اعلام (رجوع شود به انجیل متی ۷:۲۳)
 ۴. Profess - اقرار
 ۵. Confess اعتراف (رجوع شود به عبرانیان ۱۴:۴ و ۲۳:۱۰)
- C. این کلمه مرکب کاربردهای متضاد هم دارد
۱. ستایش کردن (خدا)
 ۲. اقرار به گناه
- اینها ممکن است نشات گرفته از احساسات انسانی نسبت به مقدس بودن خدا و گناهکار بودن خودش باشد. تأیید کردن حقیقت هرکدام تأیید کردن هر دو می‌باشد.
- D. کاربردهای این کلمه مرکب در عهد جدید به شرح زیر می‌باشند.
۱. وعده دادن (رجوع شود به انجیل متی ۷:۱۴، اعمال رسولان ۷:۱۷)
 ۲. موافقت کردن یا رضایت دادن به چیزی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲۰:۱، انجیل لوقا ۶:۲۲، اعمال ۱۴:۲۴، عبرانیان ۱۳:۱۱)
 ۳. ستایش کردن (رجوع شود به انجیل متی ۱۱:۲۵، انجیل لوقا ۸:۱۲، انجیل یوحنا ۲۲:۹، رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۱۱:۲، اول یوحنا ۲:۲۳، مکاشفه ۵:۳)
 ۴. موافق بودن با
- a. یک فرد (رجوع شود به انجیل متی ۳۲:۱۰، انجیل لوقا ۸:۱۲، انجیل یوحنا ۲۲:۹، ۴:۲۲، رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۱۱:۲، اول یوحنا ۲:۲۳، مکاشفه ۵:۳)
- b. حقیقت (رجوع شود به اعمال رسولان ۸:۲۳، اول یوحنا ۲:۴)
۵. اعلام عمومی کردن (مفهوم شریعتی و حقوقی در تأیید مذهبی وارد شده است، رجوع شود به اعمال رسولان ۱۴:۲۴، اول تیموتائوس ۶:۱۳)
- a. بدون اقرار به گناه (رجوع شود به اول تیموتائوس ۶:۱۲ و عبرانیان ۱۰:۲۳)
- b. با اقرار به گناه (رجوع شود به انجیل متی ۳:۶، اعمال رسولان ۱۸:۱۹، عبرانیان ۱۴:۴، یعقوب ۱۶:۵، اول یوحنا ۹:۱)

۲:۳ "او نسبت به کسی که او را برگماشت امین بود" تأکید متن بر روی (۱) انتخاب پدر و تجهیز عیسی برای انجام وظیفه محوله (مرقس ۳:۱۴) و (۲) تمرین عیسی در ایمان (وجه وصفی حاضر) به پدر بعنوان ایماندارانی که موظف به تمرین ایمان هستند، می‌باشد. وی بمفهوم واقعی یک انسان است. با اینحال، به لحاظ علم ریشه‌شناسی لغوی، یک احتمال برای لغت "گماشتن"، "آفریدن" است. آریوس فعل گماشتن را در مجادله فلسفی با آتاناسیوس به این منظور استفاده کرد که تسریع کند عیسی والاترین خلقت خداوند بوده (امثال ۸:۲۲)، اما خدا نبود (اعمال رسولان ۲:۳۶؛ رومیان ۱:۴؛ کولسیان ۱:۱۵). حاصل این جدل قرن چهارمی، آموزش جوهره یکتاشناسی بود، اما با سه بیانیه آسمانی، یعنی پدر، پسر و روح القدس (تثلیث). این چهار شخصیت آسمانی یک خدای واحد حقیقی را تشکیل دادند (یوحنا ۱:۱-۱۸). برای خواندن خلاصه‌ای مفید از بحث آریاییسم، به کتاب *Christian Theology* چاپ دوم، نوشته Millard J. Erickson صفحات ۷۱۱-۷۱۵ رجوع فرمایید.

- **"تمام خانه خدا"** این یک رجوع است به اعداد ۷:۱۲، ۸. مردم خدا که خانه خدا هستند، استعراهِی است که به کزات در استعراهِی های انجیلی استفاده شده است (عبرانیان ۳:۶، "خانواده"، غلاطیان ۶:۱۰؛ ۱ تیموتائوس ۳:۱۵؛ "خانه معنوی" ۱ پطرس ۲:۵؛ "خانواده خدا" ۴:۱۷). "خانه" شش بار در این پاراگراف استفاده شده، برخی اوقات با دلالت بر یک ساختمان و گاهی نیز یک خانواده مد نظر عنوان شده است. این بحث بنظر من اینگونه ادامه می یابد
 ۱. موسی عضوی از خانواده/خانه خداوند بود، اما عیسی سازنده آن خانه بود
 ۲. موسی خدمتگذار بود، اما عیسی عضوی از آن خانواده بود
 ۳. موسی در به استراحت رساندن خدا شکست خورد، ولی عیسی شکست نخورد

■ **۳:۳ "عیسی نیز لایق حرمتی بیش از موسی شمرده شد"** این جمله مجهول اخباری کامل است. احتمالاً غافلگیر کننده ترین اظهاریه یهودیان بوده است (۲قرنیتیان ۳:۷-۱۱).

■ **۴:۳ "زیرا هر خانه ای به دست کسی بنا می شود"** این آیه همواره در مبحث الهیاتی-فلسفی "انگیزه نهایی" در اثبات وجود خدا استفاده گردیده است (Thomas Aquinas). با اینحال، این سلسله دلایل (مسبب اولیه) هرگز نمی تواند در مکاشفه خدا بعنوان پدر سرورمان عیسی مسیح دخول نماید، نه حتی در مبحث خدا بعنوان دوستدار گناهکاران.

- **"اما بانی همه چیز خداست"** پدر خالق همه چیز است (رومیان ۱۱:۳۶؛ ۱ قرنیتیان ۱۵:۲۵-۲۷). عیسی نماینده پدر در خلقت بوده است (یوحنا ۱:۳؛ ۱ قرنیتیان ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۶؛ عبرانیان ۱:۲).

■ **۵:۳ - ۶ "اما مسیح، در مقام پسر صاحب اختیار بر خانه خدا، امین است"** عیسی پسری بود (عبرانیان ۱:۲؛ ۳:۶؛ ۵:۸؛ ۷:۲۸) که در تقابل با موسی خدمتکار بود (عبرانیان ۱:۲؛ ۳:۵؛ ۵:۸؛ ۷:۲۸؛ خروج ۳۱:۱۴؛ اعداد ۷:۱۲). موسی خدمتگذاری وفادار بود (اعداد ۷:۱۲)، اما عیسی عضو خانواده بود! **۵:۳** موسی در تثنیه ۱۸:۱۸-۱۹ (۱ پطرس ۱:۱۱) از عیسی سخن گفت. این نکته حقیقت عبرانیان ۱:۱ را تکرار می کند.

■ **۶:۳ "خانه او ما هستیم"** موضوع این آیه خانواده ایمانی است که در قالب یک خانه تعریف شده است (غلاطیان ۶:۱۰؛ ۱ تیموتائوس ۳:۱۵؛ ۱ پطرس ۲:۵؛ ۴:۱۷). این نوع مجموعه استعراهِی های جمع آوری شده هنگامی استفاده می گردند که کلیسا را به معبدی تشبیه می کنند (۱ قرنیتیان ۳:۱۶). تمرکز بر روی (۱) مالکیت عیسی و (۲) مردم خداوند بعنوان موجودیتی واحد می باشد.

غیر طبیعی نیست که اگر از کلیسا بعنوان خانه عیسی یاد کنیم. بدلیل همین موضوع، کنیبه هایی در یونان باستان ضماری را عوض کرده تا بتواند اشاره به خدا داشته باشد (MMS P⁴⁶ و D*).

- **"به شرطی که"** شرطی نوع سوم بوده و بمعنی عمل احتمالی می باشد. این کلمه به جمله، احتمال وقوع رویدادی را در آینده می دهد (عبرانیان ۳:۱۴؛ ۴:۱۴؛ رومیان ۱۱:۲۲؛ ۱ قرنیتیان ۱۵:۲).

■ **"آزادگی خود را حفظ کنیم و در مباحثات به امید خود همچنان پایدار بمانیم"** "حفظ کنیم" تداوم تاکید می باشد با پشتکار و مقاومت است (عبرانیان ۳:۱۴؛ ۴:۱۴) و همچنین به موضوعات خاص در عبرانیان ۴:۱۴ رجوع شود. بقیه این فصل و فصل ۴ ادامه یک هشدار است (۱) برای یهودیان مؤمن که به سمت کمال حرکت کنند و (۲) برای آنانی که کلام انجیل را شنیده و نیروی آن را در زندگی ایمانی دوستان یهودی خود دیده اند تا خود نیز بتوانند آن را بپذیرند.

- **"در مباحثات به امید خود"** این تأکید بر ایمان یکی از ویژگی های عبرانیان است (عبرانیان ۳:۶؛ ۶:۱۱؛ ۷:۱۹؛ ۱۰:۲۳؛ ۱۱:۱). امید اشاره به نتیجه قطعی ایمان ما دارد!

موضوع خاص: امید (Special Topic: Hope)

پولس این واژه را در قالب های مختلف اما مرتبط با یکدیگر استفاده کرد. اغلب با ماخصل ایمان مؤمنان مرتبط بود (۱ تیموتائوس ۱:۱). این واژه می تواند بعنوان جلال، زندگی ازلی، رستگاری عظیم، ظهور دوم مسیح و موارد دیگر، تجلی پیدا کند. این نتیجه گیری قطعی است، اما عنصر زمان در آن، آینده و نامعلوم است. امید اغلب وابسته است به "ایمان" و "عشق" (۱ کولسیان ۱۳:۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۳:۱؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۱۶). فهرست قسمت هایی که پولس از آن استفاده کرده به شرح زیر است:

۱. ظهور دوم مسیح، غلاطیان ۵:۵؛ افسسیان ۱:۱۸؛ ۴:۴؛ تیتوس ۲:۱۳
۲. عیسی امید ما است، ۱ تیموتائوس ۱:۱ (خدا امید ما است، ۱ تیموتائوس ۵:۵؛ ۱ پطرس ۳:۵)

۳. مؤمن باید به حضور خداوند معرفی گردد، کولسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۱ تسالونیکیان ۱۹: ۲
۴. بهشت در گرو امید است، کولسیان ۵: ۱
۵. به انجیل اعتماد کنید، کولسیان ۱: ۲۳؛ ۱ تسالونیکیان ۱۹: ۲
۶. رستگاری عظیم، ۱: ۵؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۳؛ ۸: ۵
۷. جلال خداوند، رومیان ۵: ۲؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۲؛ کولسیان ۱: ۲۷
۸. رستگاری غیر یهودیان بوسیله عیسی، کولسیان ۱: ۲۷
۹. تضمین به رستگاری، ۱ تسالونیکیان ۵: ۸
۱۰. زندگی ابدی، ۱: ۲؛ ۳: ۷
۱۱. نتایج بلوغ و کمال عیسی، رومیان ۵: ۵-۲
۱۲. رستگاری همه مخلوقات، رومیان ۸: ۲۰-۲۲
۱۳. تصدیق نتیجه نهایی، رومیان ۸: ۲۳-۲۵
۱۴. عنوانی برای خداوند، رومیان ۱۳: ۱۵
۱۵. آرزوی پولس برای مؤمنان، ۲ قرنتیان ۱: ۷
۱۶. عهد عتیق بعنوان راهنمایی برای عهد جدید، رومیان ۴: ۱۵

"پایدار بمانیم" (در نسخه انگلیسی نوشته شده: تا انتها پایدار بمانیم) این بخش از آیه در نسخه خطی یونانی P⁴⁶ یا B وجود ندارد، و بنابراین، احتمالاً اصل نیست. با اینحال، در سایر نسخه‌های یونانی همچون A، C، D، K و P دیده می‌شود. همچنین در عبرانیان ۱۴: ۳ و گنجانده شده و احتمالاً برای حفظ تعادل جمله‌بندی به اینجا جابجا شده است.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۳: ۷-۱۹ (پاراگراف کامل شامل ۳: ۷-۴: ۱۳ می‌گردد)

پس همان‌گونه که روح‌القدس می‌فرماید:

امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،

دل خود را سخت مسازید،

چنانکه در ایام تمرد کردید،

به هنگام آزمایش در بیابان.

^۹ آنجا پدران شما مرا آزمایش و امتحان کردند،

با اینکه چهل سال کارهای مرا دیده بودند.

^{۱۰} به همین سبب، از آن نسل خشمگین بودم

و گفتم: "اینان همواره در دل خود گمراهند، و راههای مرا نمی‌شناسند؛"

^{۱۱} پس در خشم خود سوگند خوردم

که به آسایش من هرگز راه نخواهند یافت».

^{۱۲} ای برادران، هوشیار باشید که از شما کسی دل شَرور و بی‌ایمان نداشته باشد که از خدای زنده رویگردان شود. ^{۱۳} بلکه هر روز، تا

آن زمان که هنوز امروز خوانده می‌شود، یکدیگر را پند دهید تا کسی از شما در اثر فریب گناه، سختدل نشود. ^{۱۴} از آن رو که در

مسیح شریک شده‌ایم، تنها به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم. ^{۱۵} چنانکه هم‌اکنون گفته شد:

امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،

دل خود را سخت مسازید،

چنانکه در ایام تمرد کردید».

^{۱۶} مگر آنان که شنیدند و با وجود آن سربپچی کردند، چه کسانی بودند؟ آیا همهٔ آنان نبودند که موسی از مصر به در آورد؟ ^{۱۷} و از

چه کسانی چهل سال خشمگین بود؟ مگر نه آنان که گناه کردند و اجسادشان در بیابان افتاد؟ ^{۱۸} و دربارهٔ چه کسانی سوگند خورد

که به آسایش او هرگز راه نخواهند یافت؟ مگر نه همانها که نافرمانی کردند؟ ^{۱۹} پس می‌بینیم به سبب بی‌ایمانی بود که نتوانستند

راه بیابند.

۷:۳ " پس همان گونه که روح القدس می فرماید " این آیه، الهام شدن عهد عتیق را به روح القدس اختصاص می دهد. در متن بسیار حائز اهمیت است زیرا کتاب مقدس در عبرانیان ۱:۵، ۱۳:۲، ۱۱:۴، ۳:۴، ۱۰:۹، ۱۳:۵ به پدر تخصیص شده است. بنابراین، این فرازی بسیار قوی درباره خداوند و شخصیت روح القدس محسوب می گردد (موضوع خاص زیر را درباره شخصیت روح مطالعه نمایید، عبرانیان ۹:۸؛ ۱۰:۱۵).

موضوع خاص: شخصیت روح - (Special Topic: Personhood of the Spirit)

در عهد عتیق " روح خدا" (ruach) نیرویی بود که هدف یهوه را تحقق می بخشید، ولی اشاره کوچکی هست که فردی بود (یکتاشناسی عهد عتیق، به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود). با این حال، در عهد جدید شخصیت کامل و فردیت روح افشا می شود:

۱. می توان به او توهین کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳۱، انجیل مرقس ۳:۲۹)
 ۲. آموزش می دهد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲:۱۲، انجیل یوحنا ۱۴:۲۶)
 ۳. شهادت می دهد (انجیل یوحنا ۱۵:۲۶)
 ۴. محکوم، هدایت می کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶:۷ الی ۱۵)
 ۵. می توان وی را "او" خطاب کرد (hos، مراجعه شود به افسسیان ۱:۱۴)
 ۶. می تواند ترسناک باشد (مراجعه شود به افسسیان ۴:۳۰)
 ۷. می تواند فرو بنشیند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵:۱۹)
 ۸. می تواند مقاومت کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷:۵۱)
 ۹. او حامی مومنین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۲۶، ۱۵:۲۶، ۱۶:۷)
 ۱۰. او پسر را جلال می دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۱۶)
- متون تثلیث (در اینجا به سه مورد از بسیار موارد اشاره می کنیم، موضوع خاص تثلیث را بخوانید) از سه فرد صحبت می کنند

۱. انجیل متی ۲۸:۱۹
۲. دوم قرنتیان ۱۳:۱۴
۳. اول پطرس ۱:۲

هر چند کلمه یونانی روح (*pneuma*) خنثی است، وقتی به روح القدس اشاره می شود، عهد جدید عمدتاً از صفت نشان دهنده مذکر استفاده می کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۱۶ و ۱۳ الی ۱۴)

روح به فعالیتهای انسان مرتبط است

- A. اعمال رسولان ۱۵:۲۸
- B. رومیان ۸:۲۶
- C. اول قرنتیان ۱۲:۱۱
- D. افسسیان ۴:۳۰

در ابتدای اعمال رسولان، بر نقش روح تاکید میشود (همانند انجیل یوحنا). پنتیکاست شروع کار روح نیست، بلکه فصل جدیدی است. عیسی همیشه روح داشت. تعمید او شروع کار روح نبود، بلکه فصل جدیدی بود. روح ابزار موثر هدف پدر برای احیای انسانها است که از تصویر او ساخته شده اند (به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود)!

موضوع خاص: تثلیث - (Special Topic: Trinity)

به فعالیت هر سه نفر در یک قالب متحدالشکل توجه کنید. کلمه "تثلیث" که نخستین بار توسط ترتولین ها به کار برده شد، یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن فراگیر است.

A. اناجیل

۱. انجیل متی ۳:۱۶ و ۱۷، ۲۸:۱۹ (و بقیه بطور موازی)
۲. انجیل یوحنا ۱۴:۲۶

B. اعمال رسولان - اعمال رسولان ۲:۳۲ و ۳۳، ۳۸ و ۳۹

C. پولس

اسرائیلیان در ابتدا ایمان داشتند، اما در ادامه، اعمالشان مطابق ایمانشان نبود (گزارش ۱۲ جاسوس در اعداد ۱۲). در نتیجه آنان اجازه ورود به سرزمین موعود را نیافتند.

موضوع خاص: قلب (Special Topic: The Heart)

اصطلاح یونانی *kardia* در نسخه یونانی انجیل استفاده شده است که منعکس کننده اصطلاح عبری *lēb* (BDB 523, KB 513) است. از این اصطلاح به چندین شیوه استفاده می شود (مراجعه شود به Bauer, Arndt, Gingrich and Danke, *A Greek-English Lexicon*, چاپ دوم، صفحات ۴۰۳ الی ۴۰۴).

۱. مرکز زندگی انسان، به صورت استعاره برای فرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۷:۱۴، دوم قرنتیان ۲:۳ الی ۳، یعقوب ۵:۵)
۲. مرکز زندگی معنوی (یعنی اخلاق)
 - a. خدا قلب را می شناسد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۵:۱۶، رومیان ۲۷:۸، اول قرنتیان ۱۴:۲۵، اول تسالونیکیان ۲:۴، مکاشفه ۲:۲۳)
 - b. در مورد زندگی معنوی نوع بشر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵:۱۸ الی ۱۹، ۱۸:۳۵، رومیان ۱۷:۶، اول تیموتائوس ۱:۵، دوم تیموتائوس ۲:۲۲، اول پطرس ۲:۲۲)
۳. مرکز تفکر زندگی (هوش، مراجعه شود به انجیل متی ۱۳:۱۵، ۲۴:۴۸، اعمال رسولان ۷:۲۳، ۱۶:۱۴، ۲۸:۲۷، رومیان ۱:۲۱، ۱۰:۶، ۱۶:۱۸، دوم قرنتیان ۴:۶، افسسیان ۱:۱۸، ۴:۱۸، یعقوب ۲:۶، دوم پطرس ۱:۱۹، مکاشفه ۷:۱۸، در دوم قرنتیان ۳:۱۴ الی ۱۵ و فیلیپیان ۴:۷ قلب مترادف با ذهن است).
۴. مرکز اراده (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵:۴، ۱۱:۲۳، اول قرنتیان ۴:۵، ۷:۳۷، دوم قرنتیان ۷:۷)
۵. مرکز احساسات (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۵، اعمال رسولان ۲:۲۶ و ۳۷، ۷:۵۴، ۱۳:۲۱، رومیان ۱:۲۴، دوم قرنتیان ۲:۴، ۷:۳، افسسیان ۶:۲۲، فیلیپیان ۱:۷)
۶. مکان منحصر به فرد فعالیت روح القدس (مراجعه شود به رومیان ۵:۵، دوم قرنتیان ۱:۲۲، ۱:۲۲، غلاطیان ۴:۶، عیسی در قلب ما، افسسیان ۳:۱۷)
۷. قلب یک شیوه استعاره ای برای اشاره به یک فرد کامل (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲:۳۷، نقل از تثنیه ۵:۶). افکار، انگیزه ها، و اعمال وابسته به قلب به صورت کامل ماهیت فرد را آشکار می کنند. عهد عتیق کاربردهای خاصی برای این اصطلاحات دارد
 - a. پیدایش ۶:۶، ۸:۲۱، "خدا قلبش اندوهگین شد"، همچنین به یوشع ۸:۱۱ الی ۹ توجه کنید
 - b. تثنیه ۴:۲۹، ۵:۶، ۱۰:۱۲، "با تمام روح و قلبت"
 - c. تثنیه ۱۰:۱۶، ۱۰:۲۶، "قلب غیر یهودی" و رومیان ۲:۲۹
 - d. حزقیال ۱۸:۳۱ الی ۳۲، "یک قلب نو"
 - e. حزقیال ۳۶:۲۶، "یک قلب نو" در مقابل "قلبی از سنگ" (مراجعه شود به حزقیال ۱۹:۱۱، زکریا ۷:۱۲)

"در ایام" این نمونه ایست از واژه "yom" بمعنی روز که در حالات مختلفی استفاده شده است (یوحنا ۸:۵۶؛ عبرانیان ۹:۸)، البته نه به معنی ۲۴ ساعت دوره زمانی.

موضوع خاص: روز - (Special Topic: Yom) BDB 398, KB 399

نظریه های پیرامون معنی *Yom* (روز، در پیدایش ۱) بر گرفته شده از کتاب OT Survey I Notebook نوشته دکتر جان هریس، ناظم مدرسه Christian Studies و پروفیسور الهیات عهد عتیق در (East Texas Baptist University):

۱. نظریه مفهومی دوره زمانی بیست و چهار ساعته
این رویکردی دقیق است (خروج ۲۰: ۹-۱۱). اما سوال های زیادی را برمی انگیزد:
 - a. چطور در روز اول نور وجود داشت در حالی که خورشید تا روز چهارم هنوز خلق نشده بود؟
 - b. چگونه تمامی حیوانات (حتی آن دسته ای که در دیگر نقاط دنیا بودند) در کمتر از یک روز نام گذاری شدند؟ (پیدایش ۲: ۱۹-۲۰)
۲. نظریه سن روز
این نظریه بنا دارد که بین علم و کلام خدا توازن برقرار کند. این نظریه تسریح می کند که "روزها" در درازا "سنین زمین شناسی" بودند. طول آنها با یکدیگر برابر نبوده، و لایه های مختلف تعریف شده در زمین شناسی را بصورت تقریبی محاسبه می کنند. دانشمندان بنا را بر

آن دارند تا با کلیات پیدایش ۱ موافقت کنند: بخار و یک توده آبی بزرگ پیش از جدا شدن زمین از دریا و پیش از ظهور حیات وجود داشت. زندگی گیاهی قبل از زندگی احشام بوجود آمد، و بشر معرف آخرین و پیچیده ترین شکل حیات است. از این بخش نیز سوالات متعددی مطرح می گردند:

a. گیاهان چگونه در طول "عصرهای" متمادی بدون خورشید دوام آورند؟

b. چگونه گیاهان گرده افشانی می کردند در حالیکه حشرات و پرندگان "عصر" های بعد از آن هنوز بوجود نیامده بودند؟

۳. نظریه روز-عصر ثانوی

روزها یک دوره بیست و چهار ساعته هستند، اما هر روز بوسیله دوره هایی جدا شده که بمنظور توسعه خلق شده بودند. باز هم سوال هایی مطرح می شود:

a. همین مشکلات در نظریه روز-عصر مطرح می شوند

b. آیا کلام، "روز" را هم بعنوان بیست و چهار ساعت و هم بعنوان یک دوره نشان می دهد؟

۴. نظریه پیشرفت آفرینش-فاجعه

این نظریه به این صورت مطرح می شود: میان پیدایش ۱:۱ و ۲:۱، دوره ای نامعلوم وجود داشت که عصرهای زمین شناسی اتفاق افتادند؛ در این برهه زمانی، موجودات ماقبل تاریخ به ترتیبی که فسیل ها نشان می دهند آفریده شدند؛ حدود ۲۰۰۰۰۰ سال قبل، فاجعه ای ماورالطبیعه اتفاق افتاد و بیشتر حیات روی این زمین را نابود و بسیاری از حیوانات را منقرض کرد؛ سپس عصر پیدایش ۱ ظاهر گردید. این روزها اشاره به خلقت دوباره دارند تا خلقت اصلی و اولیه.

۵. نظریه بهشت موعود

عصر آفرینش فقط به خلق و جنبه های فیزیکی باغ عدن می پردازد.

۶. نظریه شکاف

بر اساس پیدایش ۱، خداوند زمین را بی نقص آفرید. بر اساس پیدایش ۲:۱، لوسیفر (شیطان) مسئول جهان شد و شورش کرد. پس از آن خداوند، لوسیفر و دنیا محاکمه و به نابودی محکوم کرد. برای میلیون ها سال، دنیا رها شده بود و دوران های زیادی (به لحاظ زمین شناسی) گذشتند. بر اساس پیدایش ۱:۳-۲:۳، در ۴۰۰۴ سال پیش از وجود مسیح، شش دوره روزهای بیست و چهار ساعته از پیدایش مجدد زمین بوجود آمد. اسقف اعظم Ussher (۱۶۵۴) از یک سری شجره نامه برای پیدایش ۵ و ۱۱ برای محاسبه خلقت انسان استفاده کرد (۴۰۰۴ سال پیش از مسیح). با این حال، شجره نامه ها برنامه کاملی از مراحل وقوع ارائه نمی کنند.

۷. نظریه هفته مقدس

نویسنده کتاب پیدایش مفهوم روزها و یک هفته را بعنوان یک ابزار تحت الفظی برای قرار دادن پیام الهی کار خداوند در خلقت قرار داد. چنین ساختاری زیبایی و تقارن کار خلاقانه خداوند را نشان می دهد.

۸. گشایش معبد کیهانی

این نقطه نظر اخیر John H. Walton در کتاب *The Lost World of Genesis One* چاپ سال ۲۰۰۹ می باشد، که شش روز را بعنوان "هستی شناسی کاربردی، و نه هستی شناسی مادی" می بیند. آنها خداوند را بگونه ای تعریف می کنند که در حال دستور دادن یا تنظیم کردن کاربردی جهان هستی برای وجود بشریت است. این منظر با دیدگاه کیهان شناسان باستانی سازگاری دارد. بعنوان مثال، سه روز اول نشان دهنده خدای در حال فراهم کردن "فصول (زمان)" "آب و هوا (برای محصولات)" و غذا است. تکرار عبارت "خوب است" نشان دهنده عملکرد است.

روز هفتم خداوند را تعریف کرده که به "معبد کیهانی" در حال کار و قابل سکونت، بعنوان مالیک حقوقی خود وارد شده، کنترل کرده و هدایت می کند. پیدایش ۱ هیچگونه ارتباطی با آفرینش مواد نداشته، بلکه با ترتیب چیدمان آن مواد به منظور ایجاد مکانی برای خدا و انسان ها و دوستی آنها دارد.

"روزها" به ابزاری تحت الفظی برای برقراری ارتباط تبدیل شد:

a. هیچ تفاوتی میان "طبیعت" و "ما فوق طبیعت" نیست

b. خدا در هر جنبه ای زندگی مشغول به کار است. بجز موارد زیر، منحصر بفرد بودن اسرائیل جهان بینی کلی وی نبوده است:

۱. توحید وی

۲. آفرینش برای نوع بشر بوده، نه برای خدایان

۳. هیچ تعارضی نه میان خدا و نه خدایان و نوع بشر در دوران اسرائیل وجود نداشت.

وی دوران آفرینش خود را از دیگری به عاریه نگرفت ولی جهان بینی کلی خود را با همه به اشتراک گذاشت. واژه روز معمولاً اشاره به چرخش زمانی ۲۴ ساعته زمین دارد (خروج ۹:۲۰-۱۰)، اما در عین حال می‌تواند اشاره به زمانی نامشخص نیز داشته باشد (پیدایش ۲:۲؛ ۵:۲؛ روت ۱:۱؛ امثال ۱۵:۵۰؛ ۴:۹۰؛ جامعه ۷:۱۴؛ اشعیا ۴:۲؛ ۲:۱۱؛ زکریا ۴:۱۰).

۹:۳ "مرا آزمایش و امتحان کردند" واژه "دامن زدن" در عبرانیان ۸:۳ و عبارت "امتحان" در عبرانیان ۹:۳ در متن ماسورتی "مربیه" و "مسه" هستند، منطقه جغرافیایی که در خروج ۱۷:۱-۷ ذکر شده اند، جایی که اسرائیل بر علیه خدا شورید.

در ترجمه یونانی دو واژه متفاوت برای "امتحان" و "سعی" استفاده شده است. اولین آن (peirazō) معمولاً دلالت داشته بر "امتحان شدن چیزی از منظر تخریبی"، و دومین آن (dokimazō) "امتحان شدن چیزی برای تأیید یا رد"، اما در این متن آنها هم معنی هستند. به موضوع خاص در عبرانیان ۱۸:۲ رجوع کنید.

■ **"کارهای مرا دیده بودند"** برخورد شگفت‌انگیز خداوند با فرزندان اسرائیل در طول چهل سال سرگردانی در بیابان، باز هم برای آنان اعتماد به ارمغان نیاورد. تمثیل لوقا ۱۶ از ایلعازر و مرد ثروتمند که با متی ۲۴:۲۴ ادغام شده نشان می‌دهند که معجزه الزاماً نشانه‌ای خداوند نبوده و بهترین ابزار برای جلب اعتماد انسان (وسوسه شیطان برای عیسی در متی ۴:۳، ۶).

■ **"چهل سال"** این عدد در انجیل زیاد استفاده شده است. می‌تواند استعاره‌ای در زبان عبری برای نشان دادن زمان طولانی یا دوره زمانی نامعلوم بوده باشد. در حقیقت در این متن، اشاره به ۳۸ سال دارد (اعداد ۱۴:۳۴)

نویسنده عبرانیان این مزمور را (نقل قول پولس از مزمور ۱۸:۶۸ در افسسیان ۸:۴) هم در متن عبری و هم در متن یونانی بوسیله وصل کردن "چهل سال" با مشاهده معجزات یهوه در طول دوران سرگردانی در بیابان، اصلاح کرده است. با این وجود، متن ماسورتی و Septuahint این فراز را به خشم یهوه بر مردم در طول آن دوران ربط داده است (مزمور ۹۵:۱۰). نویسندگان تحت وحی عهد جدید غالباً عهد عتیق را با بازی با کلمات ویژه روحانیون یهود ترجمه می‌کنند. ما باید به نویسندگان عهد جدید این حق را بدهیم که از عهد جدید به شیوه‌ای استفاده کنند که برای مترجمین مترقی روال دارد. ما نمی‌توانیم رویکرد هرمنوتیک نویسندگان تحت وحی و الهام را بازتولید کنیم.

■ **۱۰:۳ "از آن نسل خشمگین بودم"** مثال خوبی از خشم یهوه و قضاوت در اعداد ۱۴:۱۱، ۲۲-۲۳، ۲۷-۳۰، ۳۵ یافت می‌شود.

■ **"شناختن"** واژه عبری یک عنصر برای روابط شخصی دارد (پیدایش ۱:۴؛ ارمیا ۵:۱)، نه فقط حقایق درباره چیزی یا شخصی. ایمان انجیلی دارای هر دو عنصر شناخت و شخصی می‌باشد.

■ **"راه‌های من"** لغات هم معنی زیادی در عبرانیان وجود دارند که اشاره به شریعت خدا می‌کنند (مزمور ۱۹:۶-۹؛ ۱۱۹). خواست خدا برای قوم اسرائیل در عهد عتیق روشن بود، اما آنان به عمد تمرد کردند. این مشکل یهودیان غیرباورمند در عبرانیان بود. پیام عیسی "راه‌های خداوند" را تغییر داد (متی ۵:۲۱-۴۸؛ مرقس ۷:۱۹؛ ۱۰:۵-۶). برای این پرستش‌کنندگان یهود دشوار بود تا موسی را رها کرده و کاملاً پیام فرستاده "جدید" را جدا از شخصیت انسانی او، بپذیرند (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸).

موضوع خاص: شروطی برای مکاشفه خداوند (با استفاده از تثنیه و مزمور) - (Special Topic: Terms for God's Revelation [Using Deuteronomy and Psalms])

- I. "قانون اساسی"، BDB349، "یک قانون، حکم یا امر".
- A. مذکر קב (KB346) - تثنیه ۱:۴، ۵، ۶، ۸، ۱۴، ۴۰، ۴۵؛ ۱:۵؛ ۱:۶؛ ۲۴؛ ۱۱:۷؛ ۱۱:۱۱؛ ۳۲:۱۱؛ ۱۲:۱۶؛ ۱۷:۱۷؛ ۱۷:۲۶؛ ۲۷:۱۰؛ مزمور ۷:۲؛ ۱۶:۵۰؛ ۱۶:۸۱؛ ۴:۹۹؛ ۷:۱۰۵؛ ۱۰:۴۵؛ ۱۴۸:۶
- B. مؤنث، קבָה (KB347) * تثنیه ۲:۶؛ ۱۱:۸؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۵:۲۸؛ ۴۵؛ ۱۰:۳۰؛ ۱۶؛ مزمور ۳۱:۸۹؛ ۳۱:۱۱۹؛ ۵:۸؛ ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۶، ۳۳، ۴۸، ۵۴، ۶۴، ۶۸، ۷۱، ۸۰، ۸۳، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۵۵، ۱۷۱
- II. "شرع" BDB 435, KB 1710 "دستورالعمل"
- تثنیه ۱:۵؛ ۴:۴؛ ۱۱:۱۷؛ ۱۸؛ ۱۹؛ ۳:۲۷؛ ۸؛ ۲۶؛ ۲۸:۵۸؛ ۶۱؛ ۲۹؛ ۲۱؛ ۳۱؛ ۹:۳۱؛ مزمور ۱:۲؛ ۷:۷؛ ۷۸؛ ۱۰:۷۸؛ ۱۲:۹۴؛ ۱۰:۵؛ ۴۵:۱۱۹؛ ۱۸؛ ۲۹؛ ۳۴؛ ۴۴؛ ۵۱؛ ۵۳؛ ۵۵؛ ۶۱؛ ۷۰؛ ۷۲؛ ۷۷؛ ۸۵؛ ۹۲؛ ۹۷؛ ۱۰۹؛ ۱۱۱؛ ۱۱۳؛ ۱۲۶؛ ۱۳۶؛ ۱۴۲؛ ۱۵۰؛ ۱۵۳؛ ۱۶۳؛ ۱۶۵؛ ۱۷۴
- III. "شهادت‌ها" BDB 730, KB 790 "قوانین آسمانی"

A. جمع لفظ - تثنيه ۴:۴۵؛ ۶:۱۷، ۲۰؛ مزمور ۲۵:۱۰؛ ۷۸:۵۶، ۹۳:۵؛ ۹۹:۷؛ ۱۱۹:۲۲، ۲۴، ۴۶، ۵۹، ۷۹، ۹۵، ۱۱۹، ۱۲۵،

۱۳۸، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۶۸

B. لفظات یا لفظ - مزمور ۱۹:۷؛ ۷۸:۵؛ ۸۱:۵؛ ۱۱۹:۲، ۱۴، ۳۱، ۳۶، ۸۸، ۹۹، ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۴۴، ۱۵۷،

IV. "مقررات" BDB 824, KB 959 "اتهام"

- مزمور ۱۹:۸؛ ۱۰۳:۱۸؛ ۱۱۱:۷؛ ۱۱۹:۴، ۱۵، ۲۷، ۴۰، ۴۵، ۵۶، ۶۳، ۶۹، ۷۸، ۸۷، ۹۳، ۹۴، ۱۰۰،

۱۰۴، ۱۱۰، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۵۹، ۱۶۸، ۱۷۳

V. "احکام" BDB 846, KB 622

- تثنيه ۴:۲، ۴۰؛ ۵:۲۹؛ ۶:۱، ۲، ۱۷، ۲۵؛ ۸:۱، ۲، ۱۱؛ ۱۰:۱۳؛ ۱۱:۱۳؛ ۱۵:۵؛ ۲۶:۱۳؛ ۱۷:۳۰؛ ۱۱:۳۰،

۱۶؛ مزمور ۱۹:۸؛ ۱۱۹:۶، ۱۰، ۱۹، ۲۱، ۳۲، ۳۵، ۴۷، ۴۸، ۶۰، ۶۶، ۷۳، ۸۶، ۹۶، ۹۸، ۱۱۵، ۱۲۷،

۱۳۱، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۷

VI. "داوری‌ها/امریه‌ها" BDB 1048, KB 651 "صدور احکام" یا "عدالت"

- تثنيه ۱:۱۷؛ ۴:۱۰، ۵، ۸، ۱۴، ۴۵؛ ۷:۱۲؛ ۱۶:۱۸؛ ۳۰:۱۶؛ ۳۳:۱۰، ۲۱؛ مزمور ۱۸:۵؛ ۲۲:۱۸؛ ۱۹:۹؛

۴۸:۱۱؛ ۸۹:۳۰؛ ۹۷:۸؛ ۱۰۵:۵؛ ۱۱۹:۷، ۱۳، ۲۰، ۳۰، ۳۹، ۴۳، ۵۲، ۶۲، ۷۸، ۸۴، ۱۰۲، ۱۰۶،

۱۲۰، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۷؛ ۱۹:۱۴۹

VII. "به روش‌های او" BDB 202, KB 231 دستورالعمل‌های یهوه برای زندگی مردم

- تثنيه ۸:۶؛ ۱۰:۱۲؛ ۱۱:۲۲؛ ۲۸:۹؛ ۱۹:۹؛ ۲۶:۱۷؛ ۲۸:۹؛ ۳۰:۱۶؛ ۳۲:۴؛ مزمور ۱۱۹:۳، ۵، ۳۷، ۵۹،

VIII. "کلام او"

A. BDB 182, KB 211 - تثنيه ۴:۱۰، ۱۲، ۳۶؛ ۹:۱۰؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۰:۴؛ ۱۷:۱۹؛ ۱۸:۹؛ مزمور ۱۱۹:۹، ۱۶، ۱۷، ۲۵، ۲۸، ۴۲، ۴۳، ۴۹،

۵۷، ۶۵، ۷۴، ۸۱، ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۹

B. BDB 57, KB 67

۱. "کلام" - تثنيه ۳۳:۹؛ مزمور ۱۱۹:۱۱، ۶۷، ۱۰۳، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۲

۲. "وعده" - مزمور ۱۱۹:۳۸، ۴۱، ۵۰، ۵۸، ۷۸، ۸۲، ۱۱۶، ۱۱۳، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۴

۳. "فرمان" - مزمور ۱۱۹:۱۵۸

تمام این موارد اشاره به افشای خداوند به اسرائیل دارد. اینها مترادف هستند. به موضوع خاص الهام بخش رجوع نمایید.

۱۱:۳ "پس در خشم خود سوگند خوردم" عشق خداوند همچون خشم او جنبه انجیلی دارد. باید تأکید شود که؛ در عین حال، این دو استعاره‌هایی به لحاظ علم انسان‌شناسی هستند که از احساسات و واژگان فنی انسانی استفاده می‌کنند. قطعاً هر دو از سوی خداوند هستند اما نهایی نیستند. خدا به اندازه کافی خود را به ما نشان داده است، اما در مورد خدا بحث زیاد است که ما به سادگی نمی‌توانیم کلامش را دریافت کنیم آن هم در حالی که هنوز بخشی از این واقعیت زمانی، فیزیکی و واقعیت گناه‌آلود هستیم.

موضوع خاص: خداوند بشکل انسان تعریف گردید (انسان‌انگاری) - (Special Topic: God Described as Human)

[Anthropomorphism]

I. این نوع زبان (یعنی توصیف خدا با اصطلاحات انسانی) در عهد عتیق بسیار متداول است. (چند مثال)

A. اندامهای فیزیکی بدن

۱. چشمها - کتاب پیدایش ۱:۴ و ۳۱:۸، خروج ۳۳:۱۷، اعداد ۱۴:۱۴، تثنيه ۱۲:۱۱، زکریا ۴:۱۰

۲. دستها - خروج ۱۵:۱۷، اعداد ۱۱:۲۳، تثنيه ۱۵:۲

۳. بازو - خروج ۶:۶، ۱۵:۱۶، تثنيه ۴:۳۴، ۵:۱۵

۴. گوشها - اعداد ۱۱:۱۸، اول سموئیل ۸:۲۱، دوم پادشاهان ۱۹:۱۶، مزمور ۱:۵، ۱۷:۱۰، ۱۸:۶

۵. صورت - خروج ۳۳:۱۱، لاویان ۳:۲۰ و ۵ و ۶، اعداد ۲۵:۶، ۱۲:۸، تثنيه ۳۱:۱۷، ۳۲:۲۰، ۳۴:۱۰

۶. انگشت - خروج ۸:۱۹، ۳۱:۱۸، تثنيه ۹:۱۰، مزمور ۳:۸

۷. صدا - پیدایش ۳:۹ و ۱۱ و ۱۳، خروج ۱۵:۲۶، ۱۹:۱۹، تثنيه ۱۷:۲۶، ۲۷:۱۰

۸. پاهای - خروج ۲۴:۲۰، حزقیال ۴۳:۷
۹. حالت انسانی - خروج ۲۴:۹ الی ۱۱، مزمور ۴۷، اشعیا ۱:۶، حزقیال ۱:۲۶
۱۰. فرشته خدا - پیدایش ۱۶:۷ الی ۱۳، ۲۲:۱۱ الی ۱۵، ۳۱:۱۱ و ۱۳، ۴۸:۱۵ الی ۱۶، خروج ۳:۴ و ۱۳ الی ۲۱، ۱۴:۱۹، داوران ۲:۱، ۶:۲۲، ۱۳:۳ الی ۲۲
- B. اعمال فیزیکی (چند مثال)
۱. صحبت در مورد مکانیزم خلقت (پیدایش ۱:۳ و ۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۶)
 ۲. قدم زدن (صدای قدم زدن) - پیدایش ۳:۸، لاویان ۲۶:۱۲، تثنیه ۲۳:۱۴، حبوق ۲۳:۱۴
 ۳. بسن درب کشتی نوح - پیدایش ۷:۱۶
 ۴. بوی قربانیان - پیدایش ۸:۲۱، لاویان ۲۶:۳۱، عاموس ۵:۲۱
 ۵. پائین آمدن - پیدایش ۱۱:۵، ۱۸:۲۱، خروج ۳:۸، ۱۹:۱۱ و ۱۸ و ۲۰
 ۶. دفن کردن موسی - تثنیه ۳۴:۶
- C. احساسات انسانی (چند مثال)
۱. پشیمانی/توبه - پیدایش ۶:۶ و ۷، خروج ۳۲:۱۴، داوران ۲:۱۸، اول سموئیل ۱۵:۲۹ و ۳۵، عاموس ۷:۳ و ۶
 ۲. عصبانیت - خروج ۴:۱۴، ۱۵:۷، اعداد ۱۱:۱۰، ۱۲:۹، ۲۲:۲۲، ۲۵:۳ و ۴، ۳۲:۱۰ و ۱۳ و ۱۴، تثنیه ۶:۱۵، ۷:۴، ۲۹:۲۰
 ۳. حسادت - خروج ۵:۲۰، ۳۴:۱۴، تثنیه ۴:۲۴، ۵:۹، ۶:۱۵، ۳۲:۱۶ و ۲۱، یوشع ۲۴:۱۹
 ۴. خحالت کشیدن - لاویان ۲۰:۲۳، ۲۶:۳۰، تثنیه ۳۲:۱۹
- D. اصطلاحات خانوادگی (چند مثال)
۱. پدر
 - a. پدر اسرائیل - خروج ۴:۲۲، تثنیه ۱:۱۴، اشعیا ۱:۲، ۱۶:۶۳، ۸:۶۴، ارمیا ۳۱:۹، یوشع ۱۱:۱
 - b. پدر پادشاه - دوم سموئیل ۷:۱۱ الی ۱۶، مزمور ۲:۷
 - c. استعاره‌های کارهای پدرانه - تثنیه ۱:۳۱، ۵:۸، ۳۲:۶ الی ۱۴، مزمور ۲۷:۱۰، امثال ۳:۱۲، ارمیا ۳:۴ و ۲۲، ۳۱:۲۰، یوشع ۱۱:۱ الی ۴، ملاکی ۳:۱۷
 ۲. والدین - یوشع ۱۱:۱ الی ۴
 ۳. مادر - اشعیا ۴۹:۱۵، ۶۶:۹ الی ۱۳ (منظور مادر پرستار)
 ۴. معشوق وفادار جوان - یوشع ۱ الی ۳
- II. دلایل استفاده از این نوع زبان
- A. لازم است که خدا خود را بر انسانها نشان دهد. هیچ واژگانی غیر از واژگان دنیای سقوط کرده وجود ندارد. مفهوم فراگیر خدا به عنوان مذکر مثالی است از تصور شخصیت انسانی زیرا خدا روح است!
 - B. خدا بامعنی‌ترین جنبه‌های زندگی نوع بشر را گرفته و از آنها استفاده می‌کند تا خود را به انسان سقوط کرده نشان دهد (پدر، مادر، والدین، معشوق).
 - C. هر چند در برخی مقاطع زمانی ممکن است لازم باشد (پیدایش ۳:۸)، ولی خدا نمی‌خواهد به هیچ قالب فیزیکی محدود گردد (خروج ۲۰، تثنیه ۵)
 - D. نهایت تصور شخصیت انسانی قیام عیسی از مردگان است! خدا تبدیل به کالبد فیزیکی و قابل لمس شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱:۱ الی ۳). پیام خدا تبدیل به کلام خدا شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱ الی ۱۸).
- III. برای مطالعه بیشتر به کتاب G. B. Caird, *The Language and Imagery of the Bible, chapter 10*, "Anthropomorphism," in *The International Standard Bible Encyclopaedia* صفحات ۱۵۲ تا ۱۵۴ مراجعه کنید.

۱۲:۳

NASB, NRSV,

”مراقب باشید برادران” NJB

”برادران و خواهران” NKJV

”برادران” NJB

رجوع شود به عبرانیان ۱:۳. به نظر می رسد که این تخصیص به یهودیان مؤومن اشاره داشته باشد، اگر چه می تواند اصالت قومی را نیز نشان دهد.

■ "دل بی ایمان" این فراز کسی را تعریف می کند که خدای زنده را انکار می نماید. یک قلب باورمند، قلبی است که تا انتها مصمم پیش می رود (عبرانیان ۱۴:۳ و فصل ۱۱). "دل بی ایمان" زبان خاص یهودی را منعکس می کند (عبرانیان ۴:۶)، همانطور که "سقوط کردن" بازتاب دهنده اصطلاح عبری Shuv (بمعنی "برگشتن" یا "رویگرداندن") است.

■ "از خدای زنده رویگردان شود" این یک مصدر معلوم آتوریستی است. فعل آن ریشه اصلی فعل ارتداد (برگشتن از دین) در زبان انگلیسی است. مخاطب آن بی ایمانی است (متضاد عبرانیان ۱۴:۳). به هر کسی که این پیام به او مربوط می شود: (۱) یهودیان مؤمن یا (۲) یهودیان ملحد؟ شیوه استفاده از "برادران" در عبرانیان ۱:۳ و اضافه کردن فراز "اشتراک در فراخوان آسمانی" و همچنین در عبرانیان ۱۲:۳ کلمه "برادران"، تسریح می کند که اشاره آن به مؤمنان می باشد.

سپس هشدار مرتبط با (۱) رستگاری و یا (۲) وفاداری چیست؟ بنظر می رسد در متن اشاره به وفاداری داشته باشد. عیسی وفادار بود، آنان نیز باید وفادار باشند. عبرانیان، زندگی یک مسیحی را از انتها بررسی می کند (عبرانیان ۱۴:۳) و نه از ابتدا (همچون پولس).

جدا شدن در عبرانیان ۱۳:۳ باید ارتباط با تداوم ایمان و وفاداری باشد. اسرائیلیان ایمان داشتند، اما ایمانی عملی و سرسپرده نبود. آنان وعده خداوند را به سرزمینی که در آن شیر و عسل جاریست، رد کردند و گزارش چند جاسوس (اعداد ۱۳-۱۴) را پذیرفتند. در این متن "رویگرداندن" به معنی "دور شدن از ایمان" نیست، بلکه "دور شدن از وفاداری و سرسپردگی به خداوند" است! با اینحال، برای یک ایمان سالم، به هر دو نیاز است. به تفسیر عبرانیان ۱۶-۱۸ رجوع کنید.

خداوند همیشه با عقد یک پیمان به ما نزدیک می شود. ما باید با ایمان و سرسپردگی پاسخ دهیم. خداوند به ما اجازه داده است تا در تصمیم اولیه و روند شاگردی وی مشارکت داشته باشیم. نویسنده عبرانیان را در این موارد به سختی می توان درک کرد:

۱. وی درک و منطق روحانیون یهودی را داشته است

۲. وی دو گروه را مخاطب قرار می دهد

a. یهودیان مؤمن

b. یهودیان بی ایمان

۳. وی تعهد و پیروزی مسیحی را از جنبه سرسپردگی و ایمان نگاه می کند

۴. وی بر روی سرسپردگی تا انتها تمرکز می کند (عبرانیان ۴:۱۴؛ فصل ۱۱). وی زندگی مسیحی را از بخش نتیجه آن نگاه می کند، نه آغازین.

عبارت "خدای زنده" در واقع همان نام وعده داده شده خداوند، یهوه است که از فعل عبری "بودن" (خروج ۳:۱۴) گرفته شده است. به موضوع خاص: اسامی برای خداوند در عبرانیان ۲:۷ رجوع نمایید. این خوانندگان از یهوه ترمذ نمی کردند، بلکه نکته سنگین آن اینست که ترمذ از انجیل عیسی مسیح، در حقیقت، ترمذ از یهوه می باشد (۱ یوحنا ۵:۹-۱۲).

موضوع خاص: ارتداد (Aphistēmi) - (Special Topic: Apostasy)

اصطلاح یونانی *aphistēmi* زمینه معنایی گسترده ای دارد. در زبان انگلیسی اصطلاح *apostasy* از این اصطلاح مشتق شده و کاربرد آن خوانندگان عصر مدرن را متعصب می کند. همیشه، متن کلید است نه مفهوم عصر حاضر.

این اصطلاح یک کلمه مرکب است که از پیشوند *apo* که به معنی "از" یا "به دور از" و *histēmi* به معنی "نشستن"، "ایستادن" یا "درست کردن" است. به کاربردهای غیر الهیاتی زیر توجه کنید.

۱. پاک کردن/حذف کردن به صورت فیزیکی

a. از معبد، انجیل لوقا ۲:۳۷

b. از خانه، انجیل مرقس ۱۳:۳۴

c. از فرد، انجیل مرقس ۱۲:۱۲، ۱۴:۵۰، اعمال رسولان ۵:۳۸

d. از همه چیز، انجیل متی ۱۹:۲۷ و ۲۹

۲. پاک کردن/حذف کردن به صورت سیاسی، اعمال رسولان ۵:۳۷

۳. پاک کردن/حذف کردن به صورت رابطه ای، اعمال رسولان ۵:۳۸، ۱۵:۳۸، ۱۹:۹، ۲۲:۲۹

۴. پاک کردن/حذف کردن به صورت شریعتی (طلاق)، تثنيه ۱:۲۴ و ۳ (LXX) و عهد جدید، انجیل متی ۳۱:۵، ۷:۱۹، انجیل مرقس ۴:۱۰، اول قرنتیان ۷:۱۱
۵. پاک کردن/حذف کردن بدهی، انجیل متی ۱۸:۷
۶. نشان دادن بی توجهی با ترک کردن، انجیل متی ۴:۲۰، انجیل یوحنا ۴:۲۸، ۱۶:۳۲
۷. نشان دادن توجه با ترک نکردن، انجیل یوحنا ۸:۲۹، ۱۴:۱۸
۸. اجازه دادن، انجیل متی ۳۰:۱۳، ۱۹:۱۴، انجیل مرقس ۶:۱۴، انجیل لوقا ۸:۱۳

در مفهوم الهیاتی این افعال معنی گسترده‌ای دارد

۱. لغو کردن، عفو کردن، بخشیدن از گناه، خروج ۳۲:۳۲ (LXX)، اعداد ۱۹:۱۴، یعقوب ۱۰:۴۲ و عهد جدید انجیل متی ۱۲:۶ و ۱۴ الی ۱۵، انجیل مرقس ۱۱:۲۵ الی ۲۶
۲. خودداری از گناه، دوم تیموتائوس ۲:۱۹
۳. بی توجهی کردن با دوری کردن از
- a. شریعت، انجیل متی ۲۳:۲۳، اعمال رسولان ۲۱:۲۱
- b. ایمان، حزقیال ۸:۲۰ (LXX)، انجیل لوقا ۱۳:۸، دوم تسالونیکیان ۳:۲، اول تیموتائوس ۴:۱، عبرانیان ۳:۱۲
- مومنین عصر مدرن سوالات الهیاتی بسیار زیادی می‌پرسند که نویسندگان عهد جدید هرگز راجع به آنها فکر نکرده بودند. یکی از این سوالات در رابطه با گرایش عصر مدرن نسبت به جدا کردن ایمان از وفاداری است.
- افرادی در انجیل هستند که جزو مردمان خدا هستند ولی اتفاقاتی می‌افتند و باعث می‌شوند که آنها بروند.

۱. عهد عتیق

- a. آنان که گزارش جاسوسی دوازده (ده) نفر را شنیدند، اعداد ۱۴ (مراجعه شود به عبرانیان ۱۶:۳ الی ۱۹)
- b. قورح، اعداد ۱۶
- c. پسران القانه، اول سموئیل ۲ و ۴
- d. شائول، اول سموئیل ۱۱ الی ۳۱
- e. پیامبران دروغین مرد
- i. تثنيه ۱:۱۳ الی ۵، ۱۸:۱۹ الی ۲۲ (راه‌های شناختن پیامبران دروغین)
- ii. ارمیا ۲۸
- iii. حزقیال ۱۳:۱ الی ۷
- f. پیامبران دروغین زن
- i. حزقیال ۱۷:۱۳
- ii. نحمیا ۱۴:۶
- g. رهبران شیطانی اسرائیل
- i. ارمیا ۵:۳۰ الی ۳۱، ۸:۱ الی ۲، ۲۳:۱ الی ۴
- ii. حزقیال ۲۳:۲۳ الی ۳۱
- iii. میکاه ۳:۵ الی ۱۲
۲. عهد جدید

- a. این فعل یونانی به مفهوم "مرتد شدن" (to aposasize) است. عهد عتیق و عهد جدید هر دو تشدید فعالیت شیطان و تعالیم دروغین قبل از آمدن دوم را تأیید می‌کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۲۴، انجیل مرقس ۱۳:۲۲، اعمال رسولان ۲۹:۲۰ و ۳۰، دوم تسالونیکیان ۲:۹ الی ۱۲، دوم تیموتائوس ۴:۴). این اصطلاح یونانی می‌تواند منعکس کننده حرفهای یهودیان در تمثیل خاک در انجیل متی ۱۳، انجیل مرقس ۴، و انجیل لوقا ۸ باشد. این معلمین دروغین بدیهی است که مسیحی نیستند، ولی از درون آمده‌اند (مراجعه شود به امثال ۲۰:۲۹ الی ۳۰، اول یوحنا ۲:۱۹). با این حال، آنان می‌توانند مومنینی را که از نظر معنوی به بلوغ معنوی نرسیده‌اند، اغوا و گمراه کنند (مراجعه شود به عبرانیان ۳:۱۲).
- i. سوال الهیاتی این است که اصولاً آیا این معلمین دروغین مومن بوده‌اند؟ به این سوال به سختی می‌توان پاسخ داد زیرا این معلمین دروغین در کلیساهای محلی بودند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۱۸ الی ۱۹). اغلب سنتها یا نگرش الهیاتی یا مذهبی

ما بدون استناد به متن خاصی در انجیل به این سوالات پاسخ می‌دهند (به استثنای روشهای شیوه بررسی و صحت مطلب که از نقل آیه و بطن محتوا می‌توان گرایش کسی را اثبات کرد).

b. ایمان بدیهی

- i. یهودا، انجیل یوحنا ۱۲:۱۷
- ii. شمعون جادوگر، اعمال رسولان ۸
- iii. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۷:۱۳ الی ۲۳ صحبت می‌شد
- iv. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۱۳ و انجیل مرقس ۴ و انجیل لوقا ۸ صحبت می‌شد
- v. یهودیان انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹
- vi. الکساندر و هیمنائوس، اول تیموتائوس ۱:۱۹ الی ۲۰
- vii. آنان که در اول تیموتائوس ۶:۲۱ در موردشان صحبت شد
- viii. هیمنائوس و فیلتوس، دوم تیموتائوس ۲:۱۶ الی ۱۸
- ix. داماس، دوم تیموتائوس ۴:۱۰
- x. معلمین دروغین، دوم پطرس ۲:۱۹ الی ۲۲، یهودا ۱:۱۲ الی ۱۹
- xi. ضد مسیحیان، اول یوحنا ۲:۱۸ الی ۱۹

c. ایمان بی ثمر

- i. اول قرنیتیان ۳:۱۰ الی ۱۵
- ii. دوم پطرس ۱:۸ الی ۱۱

به دلیل الهیات سیستماتیک (کالونیسم، ارنیسم، و غیره) ما به ندرت به این متون فکر می‌کنیم، زیرا اینها پاسخ مجاز را بر ما دیکته می‌کنند. لطفا در مورد من پیش داوری نکنید که این مطلب را مطرح می‌کنم. توجه من بر فرایند صحیح مطالعه انجیل است. ما باید اجازه دهیم که انجیل با ما صحبت کند و اینکه سعی نکنیم آن را در یک قالب الهیات از پیش آماده شده بگنجانیم. اغلب این کار به دلیل تعصبات فرهنگی، مذهبی و رابطه‌ای (والدین، دوستان، شبان) دردناک و ناراحت کننده است، نه به دلیل تعصبات انجیلی (موضوع خاص: دریافت کردن، ایمان آوردن اعتراف کردن یعنی چه؟ را مطالعه کنید). کسانی که جزو مردمان خدا هستند تبدیل به کسانی می‌شوند که جزو مردمان خدا نیستند (مراجعه شود به رومیان ۹:۶).

۱۳:۳ "یکدیگر را پند دهید" (در نسخه انگلیسی، "یکدیگر را تشویق کنید" نوشته شده است) حال دستوری معلوم است. ایمانداران باید روح و پسر را در تشویق ایمان و سرسپردگی تشویق کنند (عبرانیان ۱۰:۲۴). ریشه مشابه آن در زبان انگلیسی، *paraclete* است که بمعنی "کسی که برای کمک فراخوانده می‌شود" و در عبری برای روح القدس (یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۶؛ ۱۵:۲۶؛ ۷:۱۶) و عیسی (۱ یوحنا ۲:۱) استفاده می‌شود.

■ "امروز" این کلمه که در مزمور ۹۵ استفاده شده است، نشان می‌دهد که زمان برای اعتماد به خدا و یافتن آغوش او هنوز همچون زمان داوود، بسر نیامده است. نویسنده تأکید می‌کند که اکنون زمان برای تصمیم‌گیری است زیرا که زمانی فرا خواهد رسید که تداوم انکار خداوند منجر به کور شدن چشم‌ها خواهد گردید (گناه نابخشودنی اناجیل و گناه بسوی مرگ اول یوحنا).

هیچکس زمانی را که به نزد خدا می‌رود را انتخاب نمی‌کند (یوحنا ۶:۴۴، ۶۵). تنها انتخاب ما پاسخ است، آنهم خیلی سریع. تداوم رد کردن و بی‌ایمانی خودخواسته بانی سخت شدن روح در قبل انسان خواهد گردید (وجه شرطی مجهول در دستور زبان آئوریستی، "سخت شدن بوسیله فریبندگی گناه"). این خواست خدا است، اما نتیجه حتمی انکار اوست. مردم خداوند که مصر را با ایمان ترک کردند، از وعده خداوند در ارتباط به داشتن سرزمین موعود، امتناع ورزیدند. مؤمنان اغلب با بی‌ایمانی رفتار می‌کنند. مراقب باشید که ایمانی را که شروع کردید، آرام آرام از دست ندهید (عبرانیان ۳:۶، ۱۴).

■ "تا کسی از شما در اثر فریب گناه، سختدل نشود" وجه شرطی مجهول در دستور زبان آئوریستی است. گناه همچون دشمنی که قلب‌ها را سخت می‌کند، جنبه شخصیتی پیدا می‌کند. توجه داشته باشید که این حقیقت چگونه ارائه گردیده است:

۱. هوشیار باشید برادران (عبرانیان ۱۲:۳)

۲. مبادا کسی از شما

a. قلبی بی‌ایمان داشته باشد

b. از خدا دور شود

۳. یکدیگر را تشویق کنید (پند دهید) (عبرانیان ۱۳:۳)

۴. در اثر گناه سختدل نشوید (عبرانیان ۱۳:۳)

۵. ما شریک هستیم، تا انتها استوار بمانیم (عبرانیان ۳:۱۴)

این آیات عجب تشویق و هشدار قدرتمندی عرضه می‌کنند.

۱۴:۳ "در مسیح شریک شده‌ایم" این جمله اخباری حال کامل است. این بدان معناست که یک کار به پایان رسیده است.

■ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است که بمعنی عملی احتمالی است. این هشدار دیگری است که مسیحیان را متقاعد کرده تا اعترافات خود را قاطعانه برگزار کنند (عبرانیان ۳:۶؛ ۴:۱۴؛ ۱۰:۲۳).

| | |
|------|---|
| NASB | "اگر راسخانه تضمین محکم خود را تا انتها شروع کنیم" |
| NKJV | "اگر ما شروع اعتماد به نفس خود را تا پایان حفظ کنیم" |
| NRSV | "اگر ما فقط اعتماد به نفس خود را تا انتها حفظ کنیم" |
| TEV | "اگر ما بشدت و تا انتها اعتماد به نفسی را که در ابتدا داشتیم، حفظ کنیم" |
| NJB | "اگر ما اعتماد بنفس اولیه خود را تا انتها حفظ کنیم" |

این تاکید‌یست بر ثبات قدم. تأکید انجیلی آن به اندازه امنیت اعتبار دارد. باید به شدت به منظور حفظ توازن انجیلی، در کنار یکدیگر قرار بگیرند (۳:۶؛ ۴:۱۴؛ مرقس ۱۳:۱۳؛ رومیان ۱۱:۲۲؛ ۱ قرنتیان ۲:۱۵؛ ۲:۱۹؛ یوحنا ۲:۱۹؛ ۷:۶-۹؛ ۱۱، ۱۷، ۲۶:۳؛ ۵، ۱۲، ۲۱؛ ۲۱:۷). به موضوع خاص: ضمانت در عبرانیان ۲:۲ رجوع کنید. برای مطالعه بیشتر درباره "تا انتها" به موضوع خاص در عبرانیان ۷:۱۱ رجوع کنید. بیشتر دکنترین‌های انجیلی از بحث‌های دیالکتیکی یا جفت‌های مهم‌نما سرچشمه می‌گیرد. انجیل یک کتاب شریست که از زبانی استفاده می‌کند که حقیقت را به شکلی قوی بیان می‌دارد، اما بعد آن را با دیگر اظهارنظرات متناقض توازن می‌بخشد. بدین ترتیب بین دو افراط بیان شده حقیقت مشاهده می‌شود. روحانیون یهود بنا دارند تا یک طرف این تناقض را ویرایش کنند و با ادبی‌نگری و دگم‌اندیشی، حقیقت را رادیکالیزه نموده و بدون جستجو و دیدن سمت مخالف حقیقت، فقط یک جنبه آن را تفسیر نمایند. این منبع تنش میان مذاهب غربی، منبع اصلی تنش به اشکال گوناگون است! به موضوعات خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: تضمین مسیحیت - (Special Topic: Christian Assurance)

تضمین (۱) یک حقیقت انجیلی، (۲) تجربه‌ای در ایمان مومن، و (۳) شاهد شیوه زندگی است.

۱. مبنای انجیلی تضمین

a. شخصیت و هدف خدای پدر

i. خروج ۳۴:۶ الی ۷ (موضوع خاص: مشخصه خدای اسرائیل را مطالعه کنید)

ii. نحمیا ۱:۷

iii. انجیل یوحنا ۳:۱۶، ۳:۲۸ الی ۲۹ (موضوع خاص: برنامه رستگاری یهوه را مطالعه کنید)

iv. رومیان ۸:۳۸ الی ۳۹

v. افسسیان ۱:۳ الی ۱۴، ۲:۵ و ۸ الی ۹

vi. فیلیپیان ۱:۶

vii. دوم تیموتائوس ۱:۱۲

viii. اول پطرس ۱:۳ الی ۵

b. کار پسر خدا

i. دعای کاهن‌انه او، انجیل یوحنا ۱۷:۹ الی ۲۴، بخصوص آیه ۱۲، عبرانیان ۷ الی ۹

ii. قربانی شدن او بجای دیگران (مراجعه شود به اشعیا ۵۲:۱۳ الی ۵۳:۱۲)

۱. انجیل مرقس ۱۰:۴۵

۲. دوم قرنتیان ۵:۲۱

۳. اول یوحنا ۲:۲، ۴:۹ الی ۱۰

iii. نماز روحانی مستمر او

۱. رومیان ۸:۳۴

۲. عبرانیان ۷:۲۵

۳. اول یوحنا ۲:۱
- c. فعال کردن روح خدا
- i. فراخواندن او، انجیل یوحنا ۶:۴۴ و ۶۵
- ii. صحنه گذاشتن او
۱. دوم قرن‌تیاں ۱:۲۲، ۵:۵
۲. افسسیان ۱:۱۳ الی ۱۴، ۴:۳۰
- iii. تضمین شخصی او
۱. رومیان ۸:۱۶ الی ۱۷
۲. اول یوحنا ۵:۷ الی ۱۳
۲. پاسخ ضروری مبتنی بر پیمان مومن (موضوع خاص: پیمان را مطالعه کنید)
- a. توبه و ایمان اولیه و مستمر (موضوع خاص: دریافت کردن/ایمان/اعتراف یعنی چه؟ را مطالعه کنید)
- i. انجیل مرقس ۱:۱۵
- ii. انجیل یوحنا ۱:۱۲
- iii. اعمال رسولان ۳:۱۶ و ۲۰:۲۱
- iv. رومیان ۱۰:۹ الی ۱۳
- b. بخاطر داشتن اینکه هدف رستگاری شبیه عیسی بودن است
- i. رومیان ۸:۲۸ الی ۲۹
- ii. دوم قرن‌تیاں ۳:۱۸
- iii. غلاطیان ۴:۱۹
- iv. افسسیان ۱:۴، ۲:۱۰، ۴:۱۳
- v. اول تسالونیکیان
- vi. دوم تسالونیکیان ۳:۱۳، ۴:۳، ۵:۲۳
- vii. تیتوس ۲:۱۴
- viii. اول پطرس ۱:۱۵
- c. بخاطر داشتن اینکه شیوه زندگی، تأیید ضمانت است
- i. یعقوب
- ii. اول یوحنا
- d. به خاطر داشتن اینکه با ایمان و پایداری فعال تضمین می‌شود (موضوع خاص: استقامت را مطالعه کنید)
- i. انجیل مرقس ۱۳:۱۳
- ii. اول قرن‌تیاں ۱۵:۲
- iii. عبرانیان ۳:۱۴، ۴:۱۴
- iv. دوم پطرس ۱:۱۰
- v. یهودا ۱:۲۰ الی ۲۱

۱۵:۳ "اگر" این نیز یک شرطی نوع سوم، همچون عبرانیان ۱۴:۳ است، که بمعنی احتمال انجام عملی است. نقل قوتی است از مزموں ۷:۹۵-۸، که در کانون تمرکز فصل ۳ قرار داشته است.

۱۶:۳-۱۸ سه سوال لفظی در این آیات وجود دارند (عبرانیان ۳:۱۶، ۱۷، ۱۸). به نظر می‌رسد که اگر این قیاس به معنای واقعی کلمه برداشت شود، همه کسانی که در بیابان به از دنیا رفتند (اعداد ۱۴)، از جمله موسی، هارون و کاهنان وفادار در شورش کوره، همه از نظر معنوی تا ابد از دست رفته‌اند. چنین چیزی غیرممکن است. این بازی با لغات "آرامش" و "نافرمانی" است. این‌ها دو واژه کلیدی در این متن هستند. خداوند برای آنانی که به وی اعتقاد دارند (و به اعتقادشان ادامه می‌دهند)، آرامشی عطا می‌کند، با اینحال عواقبی برای "نافرمانی" بدنیا خواهد بود، هم برای ایمانداران و هم کافران!

۱۹:۳ بی‌ایمان عبرانیان ۱۹:۳ با امتداد بی‌ایمانی اسرائیل در زمان سرگردانی در بیابان، روبرو خواهد شد!

سوالات این مبحث

- این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.
- این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.
۱. چرا عیسی در عبرانیان ۱:۳ یک "فرستاده" نامیده می‌شود؟
 ۲. حالات مختلف استفاده از لغت "آرامش" را فهرست نمایید.
 ۳. "ثبات قدم قدیسان" را تعریف نمایید.

عبرانیان ۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|-----------------------|---------------------------------|-------------------|-----------------------|------------------------------------|
| آسایش برای مردمان خدا | | هشدار و پند | آسایش برای مردمان خدا | چگونه به سرزمین موعود خدا برسیم |
| (۱۳:۴ - ۷:۳) | وعده‌ی آسایش | (۱۳:۴ - ۷:۳) | (۱۳:۴ - ۷:۳) | (۱۳:۴ - ۷:۳) |
| ۱۱ - ۱:۴ | ۱۰ - ۱:۴ | ۱۱ - ۱:۴ | ۷ - ۱:۴ | ۱۱ - ۱:۴ |
| | جهان موقعیت ما را کشف می‌کند | | ۱۱ - ۸:۴ | |
| | ۱۳ - ۱۱:۴ | | | |
| ۱۳ - ۱۲:۴ | | ۱۳ - ۱۲:۴ | ۱۳ - ۱۲:۴ | ۱۳ - ۱۲:۴ |
| عیسی کاهن اعظم | | | | |
| | عیسی شفیق اعظم | عیسی کاهن اعظم ما | عیسی کاهن اعظم | عیسی شفیق اعظم |
| (۱۰:۵ - ۱۴:۴) | | (۱۴:۵ - ۱۴:۴) | (۱۰:۵ - ۱۴:۴) | (۱۰:۵ - ۱۴:۴) |
| ۱۶ - ۱۴:۴ | ۱۶ - ۱۴:۴ | ۱۶ - ۱۴:۴ | ۱۶ - ۱۴:۴ | ۱۶ - ۱۴:۴ |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی

A. نویسنده بین ارجحیت عیسی و هوشیاری برای حفظ ایمان راسخ به او، مدام تغییر مسیر می‌دهد

B. ارجحیت عیسی (پیمان جدید) بر پیمان قدیم

۱. وی والاتر از مکاشفه است (پیمبران، عبرانیان ۱: ۱-۳)
۲. وی والاترین میانجیگر خداوند و انسان است (فرشتگان، عبرانیان ۱: ۴ - ۲: ۱۸)
۳. وی والاترین خدمتگذار است (موسی، عبرانیان ۳: ۱-۶)
۴. وی والاترین کاهن است (هارون، عبرانیان ۴: ۱۴ - ۵: ۱۰؛ ۹: ۱۵-۲۲)
۵. وی پیمان ارجح است (عهد عتیق، عبرانیان ۸: ۱-۱۳؛ ۹: ۱۵-۲۲)
۶. وی والاترین پناه است (معبد، عبرانیان ۹: ۱-۱۱، ۲۳-۲۸)
۷. وی والاترین قربانی است (حیوانات، عبرانیان ۹: ۱۲-۱۴؛ ۱۰: ۱-۱۸)

۸. وی بلندترین کوه است (پیمان قدیم همچون کوه سینا و عهد جدید همچون کوه صیون، عبرانیان ۱۱:۱۸-۲۹)
 C. در زیر سایه مقام والای مسیح، در مقابل مجموعه‌ای از افرادی که انجیل او را انکار می‌کنند (پیمان جدید، ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ حزقیال ۲۲:۳۶-۳۸)، و یا رجوع به یهودیت (پیمان قدیم) باید هشیار بود.

۱. عبرانیان ۲:۱-۴
۲. عبرانیان ۳:۷-۴:۱۳
۳. عبرانیان ۵:۱۱-۶:۱۲
۴. عبرانیان ۱۰:۱۹-۳۹
۵. عبرانیان ۱۲:۱۴-۲۹

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱:۴-۱۳

۱ پس به هوش باشیم مبادا با اینکه وعده راه یافتن به آسایش او هنوز به قوت خود باقیست، آشکار شود که احدی از شما، از دست یافتن به آن بازمانده است. ۲ زیرا به ما نیز چون ایشان بشارت داده شد. اما پیامی که شنیدند، سودی برایشان نداشت، زیرا با آنان که گوش فرا دادند به ایمان متحد نشدند. ۳ اولی ما که ایمان آورده‌ایم، به آن آسایش راه می‌یابیم. چنانکه خدا فرموده است:

پس در خشم خود سوگند خوردم

که به آسایش من هرگز راه نخواهند یافت،»

و با این همه، کارهای او از زمان آفرینش جهان به پایان رسیده بود؛ ۴ زیرا در جایی راجع به روز هفتم بیان می‌کند که: «خدا در هفتمین روز، از همه کارهای خویش بیا سود،» ۵ و باز در قسمتی که در بالا نقل شد، می‌گوید: «به آسایش من هرگز راه نخواهند یافت.»

۶ بنابراین، از آنجا که این حقیقت به قوت خود باقی است که برخی می‌باید به آن آسایش راه یابند، و آنان که پیشتر بشارت یافتند، به سبب نافرمانی راه نیافتند، ۷ پس خدا دیگر بار روزی خاص را مقرر فرمود، و پس از گذشت سالهای بسیار، در مزامیر داوود، از امروز سخن گفت و آن گونه که پیشتر بیان شد، فرمود:

امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،

دل خود را سخت مسازید.»

۸ زیرا اگر یو شمع به آنها آسایش بخشیده بود، مدت‌ها بعد، خدا از روزی دیگر سخن نمی‌گفت. ۹ پس قوم خدا هنوز باید از آسایش شبات برخوردار شوند؛ ۱۰ زیرا هر کس که به آسایش خدا داخل می‌شود، او نیز از کارهای خود آسودگی می‌یابد، همان گونه که خدا از کارهای خود برآسود. ۱۱ پس بیایید به جد بکوشیم تا به آن آسایش راه یابیم، مبادا کسی از نافرمانی آنان سرمشق گیرد و در لغزد. ۱۲ زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و برنده‌تر از هر شمشیر دو دم، و چنان نافذ که نفس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می‌کند، و سنجشگر افکار و نیت‌های دل است. ۱۳ هیچ چیز در تمام آفرینش از نظر خدا پنهان نیست، بلکه همه چیز در برابر چشمان او که حساب ما با اوست، عریان و آشکار است.

۱:۴

NASB, NKJV "ترس"
 NRSV, TEV "مراقب باشید"
 NJB "هشیار باشید"

فعل در دستور زبان آنوریست، وجه شرطی مفعول است ("بهوش باشیم"). هشدارهای عبرانیان (عبرانیان ۲:۱-۴؛ ۳:۷-۱۳؛ ۴:۱۳-۵:۱۱؛ ۶:۱۰-۱۲؛ ۱۰:۲۶-۳۹؛ و ۱۲:۱۴-۱۷) حس وحشتی را القا می‌کند (عبرانیان ۱:۴). این هشدارها مشکلات عظیم رستگاری را نشان داده‌اند.

■ "وعده راه یافتن به آسایش او هنوز به قوت خود باقیست" این هم باز ادامه بازی با لغات بوده ("آسایش او"، عبرانیان ۱:۴، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱) که نویسنده از روش ریشه‌شناسی برای صحبت درباره چهار گروه از مردم خداوند به لحاظ تاریخی و امید به خداوند استفاده کرده است.

۱. پیدایش ۲:۲، استراحت خداوند در هفتمین روز آفرینش

۲. اعداد ۱۳-۱۴، استراحت یوشع که همان سرزمین موعود بود

۳. مزمو ۷:۹۵-۱۱، استراحت خداوند که هنوز در روزگاران داوود ادامه دارد

۴. عبرانیان ۱:۴، ۱۰-۱۱ روز استراحت بعنوان مرجعی برای صلح با خداوند و زندگی با خداوند (بهشت)

NASB, NKJV "به آن بازمانده است"

NRSV "دسترسی به آن میسر نگردید"

TEV "آرامشی که وعده داده شده بود، محقق نشد"

NJB "که او برای ورود به سرزمین موعودش برای استراحت، دیر رسید"

در اینجا واژه عبری *chatha* ("تاریکی را رد کردن") نمود پیدا کرده که بوسیله نسخه Septuagint بصورت *hamartia* ترجمه گردیده، تا معنی "محقق نشدن" یا "به حد نصاب نرسیدن" بدهد (عبرانیان ۱۲:۱۵؛ رومیان ۳:۲۳). یک معنی مرتبط با آن "دیر رسیدن" است (NJB).

۲:۴ "به ما نیز چون ایشان بشارت داده شد" اشاره این آیه به انجیل درباره عیسی مسیح است، که با امید خدا همگی به آن ایمان آورند. قبل از مسیح، اشاره آن به فرمان خدا بوده، که در عهد عتیق به اشکال مختلف داده شده بود ("از درخت نخورید"، کشتی بسازید"، "بدنبال من تا سرزمینی بیابید"، "شریعت را رعایت کنید"، به سرزمین موعود وارد شوید" و غیره). هر شخص یا گروهی باید خدا را باور می داشت و با ایمان نیز دعوت او را اجابت می کرد. در خروج، باورمندان یوشع و کالب یوفنا بودند. برخلاف بیشتر اسرائیلیان، آنان به قول خداوند درباره سرزمین موعود باور داشتند.

■ "چون ایشان" این بخش از آیه اشاره به اسرائیلیانی دارد که گزارش منفی جاسوسان را شنیدند. یوشع و کالب، با اینحال، تردیدی درباره وعده خداوند و فتح سرزمین موعود نداشتند (اعداد ۱۳-۱۴)، اما ایمان داشتند، لذا می توانستند به کنعان بروند، اما کافران آن زمان از این امکان برخوردار نبودند.

NASB "زیرا با آنان که گوش فرا دادند به ایمان متحد نشدند"

NKJV "با آنانی که پیام را شنیدند، ادغام نشدند"

NRSV "زیرا با آنان که شنیدند، به ایمان متحد نشدند"

TEV "آنان با ایمان نپذیرفتند"

NJB "زیرا ایمان را با آنانی که شنیدند، سهیم نشدند"

در نسخه خطی یونانی، این بخش تغییراتی دارد. بهترین قرائت تایید شده این متن، دارای یک جنبه کاملاً وجه وصفی مجهول جمع مذکر داشته که اشاره به ایمان یوشع و کالب دارد (NASB, NKJV, NRSV, REB). گزینه دیگر حالت وجه وصفی فاعل مجهول کامل مذکر بوده، که می تواند اشاره به ایمان در پیام شنیده شده داشته باشد (TEV, NJB, NIV).

این مشکل الهیاتی ایمان (رستگاری) یا نداشتن ایمان بزرگان قوم اسرائیل (۲۰ سال به بالا) را شامل شده که در زمان مهاجرت شرکت داشتند. آیا نداشتن ایمان به گزارش جاسوسان بمعنی این بود که (۱) آنان اجازه ورود به کنعان را نداشتند و یا (۲) آنان اجازه ورود به بهشت را نداشتند؟ پاسخ این سوال بدلیل باری که نویسنده بر روی لغت "استراحت" کرده آسان نیست. بنظر می رسد که باید بر ایمان اولیه آنان به یهوه تاکید داشته باشیم (رستگاری)، اما در عین حال باید قبول کنیم که آنان فاقد ایمانی بودند که به هر وعده خداوند اعتماد داشته باشند (انتخاب کنعان). این مهم ترین سوالی است که به خوانندگان قرن اول مربوط می شود. آیا عدم استقامت آنها نشانه ای نبود که آنها هرگز نجات نیافته و یا اینکه نشانه ایمان ضعیف آنها بوده است؟ F.F Bruce در تفسیر خود از عبرانیان در کتاب *The New International Commentary Series* می گوید: "مفهوم عملی واضح است؛ این به تنهایی شنیدن انجیل نیست که منجر به رستگاری می گردد، بلکه بطور اخص با ایمان بوده، و اگر ایمان واقعی باشد، آن ایمان پایدار خواهد بود" صفحه ۷۳.

۳:۴ "چنانچه خدا فرموده است" این جمله اخباری کامل است که مکرراً اشاره به متن الهام شده دارد (عبرانیان ۱:۱۳؛ ۳:۴؛ ۴:۱۰؛ ۹:۱۳؛ ۵:۵).

■ این جمله از مزمور ۹۵:۱۱ نقل شده است (همانطور که عبرانیان ۴:۵ و ۳:۱۱ نقل شده اند)، اما کنایه ای هم هست به پیدایش ۲:۲ از شباهت خداوند (هفتمین روز استراحت از آفرینش).

۴:۴ "زیرا در جایی بیان می کند" این بازتاب اعتقادات روحانیون یهود درباره تحت وحی بودن سراسر عهد عتیق است (عبرانیان ۲:۶). عبارت "در جایی" (مکان دقیق در متن) و "چه کسی" نویسنده انسانی متن، به اهمیت مالکیت تمام متن توسط خداوند نیستند. این مسئله بدین مفهوم نیست که نویسنده فراموش کرده که مرجع عهد عتیق در کجا باید یافت شود.

■ "روز هفتم" روحانیون یهود تسریح می کنند که شباهت خداوند ("روز استراحت") هرگز متوقف نگردید زیرا که فرمول رایج در پیدایش ۱، "عصر بود و صبح بود، روز..." هرگز در ارتباط با روز هفتم آفرینش در پیدایش ۲:۲، ۳ بیان نشده است (خروج ۲۰:۱۱).

۵:۴ این آیه از مزمور ۹۵:۱۱ نقل قول شده است.

۶:۴: "بسیب نافرمانی" بی‌ایمانی گواه نافرمانی است (عبرانیان ۳:۱۸؛ ۴:۶، ۱۱). هر چقدر متن فصل ۴ رویدادهای ثبت شده در اعداد ۱۳-۱۴ را بزرگتر جلوه دهند، ولی مرجع خاص مزمور ۷:۹۵-۱۱ می‌باشد، که ارتباط با تجربه اسرائیل در مریبه دارد.

واژه "نافرمانی" در نسخه‌های خطی یونانی A, B, D آورده شده است، در حالیکه "بی‌ایمان" در نسخه پاپیروس P46، و دستنوشته یونان باستان K وجود دارد.

۷:۴: "روزی خاص را مقرر فرمود، در مزامیر داوود، از 'امروز' سخن گفت" واژه یونانی "مقرر فرمود" در زبان انگلیسی "افق" گفته شده که بمعنی تنظیم حریم‌هایی است. "مزامیر داوود" در نسخه عبری متن از مزامیر ۷:۹۵-۸ وجود ندارد، اما نسخه Septuagint آن را به درستی ترجمه کرده و در نوشته قدیمی مزمور قرار داده است. بحث نویسنده بر اساس استراحت خداوند که هنوز در پابرجاست حتی در دوران داوود، می‌باشد.

از مزمور ۷:۹۵-۱۱ بارها در متن فصل‌های ۳ و ۴ نقل قول آورده شده است. هر بار یک بخش از عهد عتیق مورد تاکید قرار گرفته است.

۱. عبرانیان ۳:۷-۱۱ جمله "قلب‌هایتان را سخت نکنید" از مزمور ۸:۹۵ را تاکید می‌کند
۲. عبرانیان ۳:۱۵ جمله "هنگامیکه آنان مرا خشمگین کنند" از مزمور ۹:۹۵ را تاکید می‌کند
۳. عبرانیان ۴:۳، ۵ جمله "به آسایش من هرگز راه نخواهند یافت" را تاکید می‌کند
۴. عبرانیان ۴:۷ تاکید بر "امروز" از مزمور ۷:۹۵ دارد

۸:۴: "اگر" شرطی نوع دوم است، که اغلب "در تضاد با حقیقتی" نامیده می‌شود. یوشع تمام فرزندان اسرائیل را به استراحت نرساند. این شیوه استفاده از "استراحت" در قالب کنعان نیست، بلکه استراحت معنوی خداوند است (عبرانیان ۴:۹-۱۰). از عبرانیان ۴:۸-۱۰ روشن شده است که نویسنده عبرانیان از واژه "استراحت" در چهار شکل تاریخی/الهیاتی استفاده می‌کند:

۱. سرزمین موعود، یعنی کنعان (عبرانیان ۴:۸، دوران یوشع، اعداد ۱۳-۱۴)
۲. فرصتی برای اعتقاد به خداوند (عبرانیان ۴:۹؛ دوران داوود، مزمور ۹۵)
۳. پیدایش ۲ (عبرانیان ۴:۴) استراحت خداوند از آفرینش (عبرانیان ۴:۱۰)
۴. بهشت (عبرانیان ۴:۱ و ۱۱)

■ "قلب‌ها" رجوع شود به موضوع خاص در عبرانیان ۳:۸.

■ "یوشع" ترجمه King James از "عیسی" استفاده کرده، که دنباله‌روی از ترجمه انجیل‌های ژنو و Bishop می‌باشد، اما متن مؤکداً از "یوشع" در عهد عتیق می‌گوید. هر دوی این اسامی شبیه به هم هستند (Joshua به زبان عبری و Jesus به زبان آرامی)! کلیسای اولیه اغلب از یوشع به شیوه‌ای برای نشان دادن مسیح استفاده می‌کرد (اعمال رسولان ۷:۴۵؛ در جاییکه اشتباهات مشابه در ترجمه بوجود آمد).

■ "او" باید اشاره به آسمانی بودن نویسنده در مزمور ۹۵ داشته باشد.

۹:۴ این آیه خلاصه‌ای از شرح مزمور ۹۵ می‌باشد. وعده ابتدایی از آسایش در پیدایش ۲:۲ وجود داشت، دومین مکمل تاریخی آن، یوشع بود، سومین آن که فرصت بعدی را فراهم کرد (دوران داوود)، و هنوز فرصت چهارمی برای هر کسی که انتخاب کند تا وعده‌های خداوند را به معرض آزمایش قرار دهد، وجود دارد. توجه داشته باشید که نویسنده از عنوان "مردمان خدا" برای آنان که به مسیح باور دارند، استفاده کرده است (و نه یهودیان).

۱۰:۴، ۱۱ تمامی افعال عبرانیان ۴:۱۰، ۱۱ آئوریستی هستند، که یا (۱) به عملی تمام شده اشاره دارند و یا (۲) به تمام زندگی به شکل کلی نگاه می‌کنند. آیات ۱۰ و ۱۱ روشن می‌کنند که "استراحت" در عبرانیان ۴:۱۰ اشاره به بهشت دارد. بالاخره روزی فرا خواهد رسید که ایمانداران از پشتکار خود دست کشند (مکاشفه ۱۴:۱۳)، اما عبرانیان ۴:۱۱ به روشنی تسریح می‌کند تا زمانیکه زندگی فیزیکی وجود دارد، ایمانداران باید به ایمان خود ادامه داده، توبه کرده، فرمانبردار بوده و پشتکار داشته باشند. آیه ۱۱ هشدار محکمی دارد. رستگاری در نتیجه کار تمام شده عیسی، قطعی است. هدیه‌ای الهی بوده از پدر و کار تمام شده روح القدس. با اینحال، تثلیث پراقتدار خداوند، راه ارتباط با بشریت را در یک ارتباط پیمانی برگزیده است. انسان باید پاسخ داده و به این ارتباط ادامه دهد. رستگاری بلیطی برای بهشت نیست و کاری همچون بیمه آتش‌سوزی نیز ندارد، بلکه ارتباط ایمانی هر روزه با خداوند است که پیشرفت مسیح‌گونه را بوجود می‌آورد. این پیمان، فرایض و فوایدی به‌همراه خود دارد.

۱۱:۴

NASB, NKJV
NRSV
TEV
"پس بیایید به جدّ بکوشیم تا به آن آسایش راه یابیم"
"پس بیایید هر آنچه می‌توانیم انجام دهیم تا به آن آسایش وارد شویم"
"پس اجازه دهید نهایت تلاش را بکنیم تا آرامش را دریافت کنیم"

در زبان انگلیسی بنظر می‌رسد این آیه از کارایی انسان برای ورود به آسایش خداوند دفاع می‌کند، اما واژه یونانی معنی "مشتاق بودن" یا "شتاب کردن" می‌دهد (۲ تسالونیکیان ۲:۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۴:۹).

■ "مبادا کسی از نافرمانی آنان سرمشق گیرد و در لغزد" به عبرانیان ۳:۱۸ و ۴:۶ رجوع کنید.

۱۲:۴ "کلام خدا" آیات ۱۲ و ۱۳ یک جمله یونانی را تشکیل می‌دهند. واژه کلام (logos) اشاره به شخص عیسی ندارد، به آن شکل که در یوحنا ۱:۱ استفاده شد، بلکه اشاره آن به کلام بیان شده خداوند (عبرانیان ۳:۷) یا پیام نوشته شده در متن عهد عتیق یا مکاشفه عهد جدید، می‌باشد. مکاشفه خداوند به سه روش تعریف شده است:

۱. خداوند آنگونه که زندگی خود را دارد شکل گرفته شده است
۲. همچون نیروی شمشیری است که در بدن فرو رفته
۳. همچون یک قاضی مشهور است (عبرانیان ۴:۱۳)

نویسنده‌ای به نام H. E. Dana در کتاب Jewish Chirstianity توصیه‌هایی برای استفاده از "کلمه" (logos) بمعنی "روی چیزی حساب کردن" یا "بازخواست کردن کسی برای عمل خطایی که انجام داده"، بر اساس نسخه پایپروس مصری مطرح کرده است. وی تسریح می‌کند که وجود آزمون الهی برای پس دادن حساب آنچه که در این دنیا انجام داده ایم، با متن اصلی نویسنده تطابق دارد. (ص ۲۷۷). بنابراین، این متن توضیح کلام آشکار شده خداوند نیست، بلکه قضاوت روشن خداوند است. موضوع جالبی است، اما نویسنده عبرانیان اغلب از logos برای کلام خدا (عبرانیان ۲:۲؛ ۴:۲؛ ۵:۱۳؛ ۷:۲۸؛ ۱۳:۷) و همچنین واژه یونانی rhema برای کلام گفته شده (عبرانیان ۶:۵؛ ۱۱:۳) استفاده کرده است.

■ "زنده و مؤثر و بُرنده‌تر" این کلمات مفهوم قدرت کلام گفته شده خداوند را بازتاب می‌دهند (پیدایش ۱:۱، ۳، ۶، ۹، ۱۴، ۲۰، ۲۴، ۲۶؛ مزمور ۳۳:۶، ۹؛ اشعیا ۴۰:۸؛ ۴۵:۲۳؛ ۵۵:۱۱؛ ۵۷:۱۹-۱۷؛ متی ۵:۱۷-۱۹؛ ۲۴:۳۵؛ ۱ پطرس ۱:۲۳).

■ بُرنده‌تر از هر شمشیر دو دم" این دوگانگی هستی‌شناسی در بشر نیست، بلکه یک ارتباط دو طرفه با این سیاره و خداوند است. واژه عبری *nephesh* هم برای انسان و هم برای حیوانات در سفر پیدایش استفاده شده، در حالیکه "روح" (*ruah*) بطور اخص برای نسل بشر استفاده گردیده است. کلام خداوند تا نفس درونی انسان نفوذ می‌کند. این متنی ویرایش شده در رابطه با طبیعت انسان نیست (۱ تسالونیکیان ۵:۲۳). بشر در وحله اول بشکل واحد در انجیل معرفی گردیده است (پیدایش ۲:۷). برای مطالعه خلاصه‌ای از نظریه‌هایی درباره بشریت، بعنوان دو بخشی یا واحد، به کتاب Christian Theology چاپ دوم نوشته Millard J. Erickson صفحات ۵۳۸-۵۵۷ و هم‌بطنور کتاب *Polarities of Man's Existence in Biblican Prespective* نوشته Frank Stagg مراجعه نمایید.

■ "سنجشگر افکار و نیت‌های دل" در عقاید یهودیان، "قلب" معرف کلیت انسان و محرکه درونی وی است. به موضوع خاص قلب در عبرانیان ۳:۸ رجوع کنید. خداوند عالم به ایمان حقیقی و غیر واقعی است.

۱۳:۴ "همه چیز عریان و آشکار است" خداوند ما را تمام و کمال می‌شناسد (۱ ساموئیل ۱۶:۷؛ مزمور ۷:۹؛ ۳۳:۱۳-۱۵؛ ۱۳۹:۱-۴؛ امثال ۱۶:۲؛ ۲۱:۲۴؛ ۱۲:۲۰؛ ارمیا ۱۱:۲۰؛ لوقا ۱۶:۱۵؛ اعمال رسولان ۱:۲۴؛ ۸:۱۵؛ رومیان ۸:۲۷).

| | |
|------|------------------------------|
| NASB | "درچشمان او" |
| NKJV | "برهنه و آشکار" |
| NRSV | "برهنه و عریان" |
| TEV | "آشکار و باز قرار داده شده" |
| NJB | "برهنه و کاملاً در معرض دید" |

این استعاره بمعنی "گردن را نمایان کردن بوسیله بالا آوردن چانه" است. این استعاره عهد عتیقی هشدار می‌دهد که قضاوت، در اینجا اشاره به ملاقات رو در روی آنان با خداوند، که آگاه به تمام رفتارها و نیت‌های ما است، در روز قیامت دارد.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۴:۱۴-۱۶

۱۴ پس چون کاهن اعظمی و الامقام داریم که از آسمانها درگذشته است، یعنی عیسی پسر خدا، بیایید اعتراف خود را استوار نگاه داریم. ۱۵ زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعفهای ما همدردی کند، بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما وسوسه

شده است، بدون اینکه گناه کند.^{۱۶} پس آزادانه به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد.

۱۴:۴ "کاهن اعظمی والامقام" نویسنده در عبرانیان ۳:۱-۶ از عیسی بعنوان کاهن اعظم یاد می‌کند. پس از هشدارها و نصایح عبرانیان ۳:۷-۴:۱۳، اکنون وی به موضوع بازگشته است. بافت مشابهی در هشدارهای عبرانیان ۵:۱۱-۶:۱۲ دنبال شده و در بحث کاهن بودن عیسی در عبرانیان ۶:۱۳-۱۰:۳۹ عملی می‌گردد. به موضوع خاص در عبرانیان ۲:۱۷ رجوع کنید.

عبرانیان تنها کتاب در عهد جدید است که عیسی را "کاهن اعظم" خطاب می‌کند. قیاس نویسنده از عهد عتیق موسی و عهد جدید کماکان ادامه دارد. این باید برای قوم یهود بسیار سخت بوده باشد که درک کرده و آن را بپذیرند. عیسی از نسل کاهنان لوی نبود. با اینحال، عیسی در عبرانیان ۱:۳:۱، ۱۷:۲، ۱۸:۳، ۱:۳ "یک کاهن" خوانده شد. در عهد عتیق، فقط در دو متن از مسیح موعود بعنوان کاهن یاد شده: مزمور ۱۱۰ و زکریا ۴. هر دو نیز از جنبه‌های سلطنتی و کاهنی دیده شده‌اند.

■ "که از آسمانها درگذشته است" زمان این فعل کامل است. عیسی از میان آسمانها گذشته است (چه ۳ آسمان باشد چه ۷)، وی به حضور پدر بازگشت، و نتیجه بازگشت او (تجسم) و عروجش باقی مانده است. بنابراین، ایمانداران اکنون می‌توانند بوسیله وی، از آسمانها عبور کنند. در عقاید عرفانی، آسمانها مرزهای فرشتگان هستند (aeons)، اما در عهد عتیق آنان

۱. اتمسفر زمین است، در جایی که پرندگان پرواز می‌کنند
۲. پنجره آسمان است، جایی که باران از آن می‌بارد
۳. آسمان پر ستاره ماه و خورشید است
۴. حضور ازلی خداوند است

بحث‌های زیادی میان عالمان یهود بر سر وجود سه یا هفت بهشت، جریان داشته است (افسیان ۴:۱۰؛ ۲:۱۲). این فراز همچنین بوسیله روحانیون یهود برای تعریف عید آسمانی خیمه‌ها استفاده شده، که با متن تطابق کاملی دارد (عبرانیان ۹:۲۳-۲۸).

موضوع خاص: بهشت و بهشت سوم - (Special Topic: The Heavens And The Third Heaven)

عهد عتیق اصطلاح "بهشت" معمولا به صورت جمع به کار برده شده است (*shamayim*, BDB 1029, KB 1559). معنی عبری این کلمه "ارتفاع" است. خدا در ارتفاعات ساکن است. مفهوم این اصطلاح مقدس بودن و تعالی خدا است.

در کتاب پیدایش ۱:۱، حالت جمع، این طور نگاه شده که خدا "بهشتها و زمین"، (۱) اتمسفر بالای این سیاره یا (۲) راهی برای اشاره به تمامی واقعیت را خلق کرد (یعنی معنوی و فیزیکی). از این درک ابتدایی در سایر متون استفاده شده برای سطوح بهشت: "بهشت بهشتها" (مراجعه شود به مزمور ۶۸:۳۳) یا "بهشت و بهشت بهشتها" (مراجعه شود به تثنیه: ۱۰:۱۴، اول پادشاهان ۸:۲۷، نحما ۹:۶، مزموز ۴:۱۴۸). روحانیون چنین جمع بندی کرده‌اند که احتمال دارد:

۱. دو بهشت وجود داشته باشد (R. Judah, Hagigah 12b)
۲. سه بهشت (تست، لایوان ۲ الی ۳، اشعیا ۶ الی ۷، Midrash Tehillim در مزمور ۱۱۴:۱)
۳. پنج بهشت (III Baruch)
۴. هفت بهشت (R. Simonb. Lakish, اشعیا ۹:۷)
۵. ده بهشت (دوم انوش ۳:۲۰، ۲۲:۱)

تمامی اینها برای این هستند که جدایی خدا را از مخلوقات فیزیکی و متعالی بودن او نشان دهند. متداولترین تعداد بهشت در ربینی یهود هفت است. آ، کوهن در کتاب *Everyman's Talmud* صفحه ۳۰ می‌گوید "این متداولترین عددی بود که به سیارات فضایی مرتبط می‌شده است، ولی من فکر می‌کنم به دلیل این است که عدد هفت، عدد کاملی است (یعنی روزهای خلقت باضافه هفت که روز استراحت خدا در کتاب پیدایش ۲:۲ است).

پولس در کتاب دوم قرنتیان ۲:۱۲ می‌گوید که بهشت "سوم" (*Ouranos* در زبان یونانی) راهی برای شناسایی شخصیت و حضور والامنشانه خدا است. پولس خدا را شخصا دیده بود.

■ "عیسی" این نام ممکن است به لحاظ علم نوع‌شناسی، جدید شده یوشع باشد. اسامی آنان کاملاً شبیه به یکدیگر هستند (یوشع در عبری و عیسی در آرامی). نویسندگان عبرانیان به شکل گسترده‌ای به مطالب خروج اشاره دارد. همانگونه که یوشع قوم خدا را به سرزمین موعود رساند، عیسی نیز آنان را به بهشت خواهد برد.

■ "فرزند خدا" هم‌عنوانی آسمانی در عهد عتیق است که به عیسی ناصری اطلاق گردیده و همچنین ادامه تأکید نویسندگان بر "پسر" خدا بود است (عبرانیان ۲:۱؛ ۳:۶؛ ۵:۸؛ ۷:۲۸).

■ "بیابید اعتراف خود را استوار نگاه داریم" این جمله یک وجه شرطی حال معلوم بوده و ادامه تأکید بر نیاز به استقامت است (عبرانیان ۲:۱؛ ۳:۶، ۱۴). ما باید تعادل تصمیم اولیه خود را (یوحنا ۱:۱۲؛ ۳:۱۶؛ رومیان ۹:۱۰-۱۳) با ادامه شاگردی عیسی مسیح حفظ کنیم (متی ۷:۱۳-۲۷؛ ۲۸:۱۹-۲۰؛ افسسیان ۱:۴؛ ۲:۱۰). هر دو کاری بسیار سخت است! ایمان در وفاداری به خداوند شکل می‌گیرد. برای مطالعه بحثی پیرامون واژه "اعتراف"، به یادداشت عبرانیان ۳:۱ رجوع کنید.

موضوع خاص: استقامت - (Special Topic: Persevere)

توضیح دکترین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق (پارادوکس‌های انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر میرسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

A. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام‌العمر که شاگرد او باشیم؟
 B. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟
 C. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟
 در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد منازعه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می‌شود:

A. متون در ارتباط با اطمینان

۱. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۶:۳۷، ۱۰:۲۸ الی ۲۹)

۲. اظهارات پولس (رومیان ۸:۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱:۱۳، ۲:۵، ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱:۶، ۲:۱۳، دوم تسالونیکیان ۳:۳، دوم تیموتائوس ۱:۱۲، ۴:۱۸)

۳. اظهارات پطرس (اول پطرس ۱:۴ الی ۵)

B. متونی که میگویند استقامت نیاز است

۱. اظهارات عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۱۰:۲۲، ۱۳:۱، ۱۳:۹، ۲۴ الی ۳۰، ۲۴:۱۳، انجیل مرقس ۱۳:۱۳)

۲. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۸:۳۱، ۸:۴، ۱۵:۴ الی ۱۰)

۳. اظهارات پولس (رومیان ۱۱:۲۲، اول قرنتیان ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۱۳:۵، غلاطیان ۱:۶، ۳:۴، ۵:۴، ۶:۹، فیلیپیان ۲:۱۲، ۳:۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱:۲۳، دوم تیموتائوس ۳:۲)

۴. اظهارات نویسندگان عبرانیان (۲:۱، ۳:۶، ۱۴، ۴:۱۴، ۶:۱۱)

۵. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲:۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲:۷ و ۱۷ و ۲۶، ۳:۵ و ۱۲ و ۲۱، ۲۱:۷)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی‌تواند نجات یابد بدون شروع با روح‌القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴:۴ و ۶:۶۵). الهیت ابتدا می‌آید و دستور کار را تعیین می‌کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه از ابتدا و تداوم آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می‌کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیت‌هایی!

رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می‌خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمائید

۱. The Word of Truth, Eerdmans, اثر Dale Moody, چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵

۲. Kept by the Power of God از انتشارات Bethany Fellowship, اثر Howard Marshall, چاپ ۱۹۶۹

۳. Life in the Son, انتشارات Westcott, اثر Robert Shank, چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می‌کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بی‌شمر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت میکند و سیستم

های الهیات انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا میکند. برخی مسیحیان ناامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

۱۵:۴ " با ضعفهای ما همدردی کند" A. T. Robertson احتمال ترجمه دیگری را در این مورد می‌دهد، "با ضعفهای ما رنج کشد" (عبرانیان ۲: ۱۷-۱۸). عیسی هرگز دارای طبیعت گناه‌آلود نبود و هرگز نیز تسلیم گناه نگردید، اما بخاطر گناه بشر، درب وسوسه گناه بروی او باز شد.

■ "وسوسه شد" واژه (*peirazō*) دلالت بر "وسوسه با دیدی در راستای تخریب" دارد (عبرانیان ۲: ۱۸؛ ۳: ۹؛ ۱۱: ۳۷). یک وجه وصفی مجهول کامل، که بر اساس یک عامل بیرونی، مانند شیطان، بر حالت کامل پایان می‌دهد. این واژه عنوانی برای شیطان است ("وسوسه کننده") در متی ۳: ۴ (همینطور به مرقس ۱: ۱۳ توجه کنید). موضوع خاص عبرانیان ۲: ۱۸ را مطالعه کنید.

■ "از هر حیث همچون ما بدون اینکه گناه کند" عیسی هم بطور کامل خدا بود و هم بطور کامل انسان، و لذا او ما را درک می‌کند! با اینحال، وی شریک انسان شورش‌ی اخراج شده از بهشت و مستقل از پدر نمی‌شود (بی‌گناه، آن گناه نکرده، عبرانیان ۲: ۱۷ - ۱۸؛ ۷: ۲۶؛ لوقا ۲۳: ۴۱؛ یوحنا ۸: ۴۶؛ ۱۴: ۳۰؛ ۲: ۲۱؛ ۵: ۲۱؛ فیلیپیان ۲: ۷-۸؛ ۱ پطرس ۱: ۱۹؛ ۲: ۲۲؛ ۳: ۱۸؛ ۱ یوحنا ۳: ۵).

۱۶:۴ "پس آزادانه نزدیک شویم" این یک وجه شرطی حال میانی است، که تأکید بر تداوم درگیری در یک موضوع داشته، اما با عنصری احتمالی. این یک واژه فنی در نسخه Septuagint (LXX) برای تشریح حالتی که کاهن به نزد خداوند می‌رود، است. در عبرانیان این واژه برای شایستگی انسانی بکار برده می‌شود که از بهشت رانده شده و بخاطر فداکاری عیسی، به نزد خدا آورده می‌شود (عبرانیان ۴: ۱۶؛ ۷: ۲۵؛ ۱: ۱۰؛ ۲۲؛ ۶: ۱۱). عیسی از پیروانش یک "پادشاهی کاهنان" بوجود آورده است (خروج ۱۹: ۵، ۶؛ ۱ پطرس ۲: ۵، ۹؛ مکاشفه ۱: ۶).

■ "به تخت فیض نزدیک شویم" (در نسخه انگلیسی نوشته شده "با اعتماد بنفس به تخت فیض نزدیک شویم") واژه "اعتماد بنفس" بمعنی "آزادی با شهامت سخن گفتن" است، و بنابراین، شهامت حضور به درگاه خداوند بوسیله عیسی مسیح منظور می‌باشد (عبرانیان ۱۰: ۱۹، ۳۵). این بسیار شبیه به نماد پرده پاره شده معبد هرود در اورشلیم در روزی است که عیسی مسیح درگذشت (متی ۲۷: ۵۱؛ مرقس ۱۵: ۳۸؛ لوقا ۲۳: ۴۵). بوسیله عیسی، مردمان گناهکار می‌توانند به حضور خداوند برسند، آن هم در جایی که برکت و شفقت دریافت می‌کنند و نه نفرین.

■ "تخت فیض" این در حقیقت بیان غیر مستقیم به خداوند است، همچون استفاده در یک جمله مجهول. نویسندگان عبرانیان بهشت را بصورت خیمه روحانی می‌نگرد (عبرانیان ۹: ۱۱، ۲۴) در عین این که عرش آسمانی است (عبرانیان ۱: ۸؛ ۴: ۱۶؛ ۸: ۱؛ ۱۲: ۲).

■ "یاری به هنگام نیاز" متن سخن از هشدارهایی برای سست شدن اعترافاتمان می‌گوید. خداوند بطور قطع در زمان محکمه و یا وسوسه‌ها (۱) بوسیله عیسی، و یا (۲) با شخصیت خود، به یاری ما خواهد آمد.

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا درک این فصل برای ما دشوار است؟
۲. چرا تأکید بر "حفظ کردن" چندین بار در عبرانیان تکرار می‌شود؟
۳. آیا در عبرانیان ۴: ۴ نکته شگفت‌انگیز الهیاتی برای عیسی وجود دارد که هم "عیسی" نامیده می‌شود و هم "پسر خدا"؟
۴. جمله "عیسی از آسمان‌ها عبور کرد" چه معنی دارد؟
۵. استقامت چگونه به امنیت ایمانداران مرتبط می‌گردد؟

عبرانیان ۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|---------------------|-----------------------------|--------------------------|--------------------------------|----------------------|
| عیسی کاهن اعظم | عیسی کاهن اعظم | موضوع عیسی، کاهن اعظم ما | عیسی کاهن اعظم | عیسی کاهن اعظم دلسوز |
| (۱۴:۴ - ۱۰:۵) | صلاحیت‌هایی برای کاهنی اعظم | (۱۴:۴ - ۱۴:۵) | (۱۴:۴ - ۱۰:۵) | (۱۴:۴ - ۱۰:۵) |
| ۴ - ۱:۵ | ۴ - ۱:۵ | ۶ - ۱:۵ | ۶ - ۱:۵ | ۱۰ - ۱:۵ |
| | کاهنی برای همیشه | | ۱۱ - ۸:۴ | |
| ۱۰ - ۵:۱ | ۱۱ - ۵:۱ | ۱۰ - ۷:۵ | ۱۰ - ۷:۵ | |
| هشدار درباره ارتداد | | | هشدار درباره از دست دادن ایمان | زندگی مسیحی و الهیات |
| (۱۱:۵ - ۱۲:۶) | | | (۱۱:۵ - ۱۷:۶) | |
| ۱۱:۵ - ۸:۶ | نارسایی روحی | ۱۴ - ۱۱:۵ | ۱۴ - ۱۱:۵ | ۱۴ - ۱۱:۵ |
| | ۱۴ - ۱۲:۵ | | | |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس ")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی

A. در عبرانیان ۱:۳ دو واژه برای تعریف عیسی معرفی گردید: "فرستاده" و "کاهن اعظم". واژه دوم در عبرانیان بشکل منحصر بفردی گسترش پیده کرده است (عبرانیان ۱۷:۲؛ ۳:۳؛ ۱۴:۴-۱۵:۵؛ ۱۰:۶؛ ۲۰:۷؛ ۲۶:۸؛ ۱:۳؛ ۱۱:۹؛ ۱۰:۲۱)

B. نویسنده عبرانیان می‌دانست که درک مفهوم عیسی بعنوان کاهن اعظم در ردیف ملک‌یصّدق، برای مسیحیان یهودی دشوار خواهد بود.

C. نکته ادبی، آیات ۱۱:۵ - ۶:۲۰ هستند که در واقع بحث نویسنده را درباره ملک‌یصّدق داخل پراگندگی قرار داده تا هشدار باشد هم برای یهودیان باورمند و هم می‌ایمان.

D. در عبرانیان ۱۱:۵ - ۶:۲۰ سه ضمیر کلیدی وجود دارد: "ما" (۱۱:۵)، "شما" (۱۱:۵-۱۲) که سه بار تکرار شده، و "آنان" (۴:۶-۸). این سه ضمیر سه گروه را منعکس می‌کنند:

۱. "ما" و "به ما"، ۱۱:۵؛ ۱:۶-۳، نویسنده و تیم بشارتی او
۲. "شما"، ۱۱:۵-۱۲؛ ۶:۹-۱۲، ایمانداران یهودی که نویسنده برای آنان می‌نویسد

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۵: ۱-۴

۱ هر کاهن اعظم از میان آدمیان انتخاب می‌شود و به نمایندگی آدمیان در امور الهی منصوب می‌گردد تا هدایا و قربانیها به جهت گناهان تقدیم کند. ۲ او می‌تواند با آنان که ناآگاهانه به راه خطا می‌روند، به نرمی رفتار کند، زیرا خود نیز دارای ضعف است. ۳ از همین رو، باید نه تنها برای گناهان مردم، بلکه برای گناهان خود نیز قربانی تقدیم کند. ۴ هیچ‌کس خود این افتخار را از آن خویش نمی‌سازد، بلکه این افتخار زمانی نصیب شخص می‌شود که خدا او را همانند هارون فرا خواند.

۱: ۴ - آیات ۱-۴ کاهنان پیرو لاوی در عهد عتیق را تعریف می‌کنند.

۱. از یکی از خاندان‌های لاوی می‌آیند
۲. بخاطر بشریت، در برابر خداوند می‌ایستند
۳. از بابت گناهان خود هدایا و قربانی می‌دهند (عبرانیان ۸: ۳؛ ۹: ۹)
۴. با ملایمت با گناهکاران برخورد می‌کند زیرا خود گناهکار است (لاویان ۱۶: ۳، ۶)
۵. این افتخار را از آن خود نمی‌داند، با اینکه مفتخر است که منتخب خداوند است

۵:۲

NASB, NRSV "با ملایمت"

NKJV "ترحم"

TEV "قادر به ملایمت"

NJB "همدردی می‌کند با"

برخلاف سایر نسخه‌های Septuagint، واژه یونانی فقط اینجا در عهد جدید استفاده شده است. این واژه در Aristeas 256 و بمنظور اشاره به فلسفه اعتدال استفاده شده است (کتاب The Vocabulary of the Greek New Testament، نوشته Moulton and Milligan، صفحه ۴۰۶).

■ "ناآگاهانه بخطا" در عهد عتیق گناهی چون ناآگاهی با دادن قربانی قابل بخشش بوده (لاویان ۴: ۲، ۲۲، ۲۷؛ ۵: ۱۵-۱۸؛ ۲۲: ۱۴؛ اعداد ۱۵: ۲۲-۳۱)، اما گناهی که از روی عمد بوده باشند شامل بخشش نمی‌شدند (تثنیه ۱: ۴۳؛ ۱۷: ۱۲، ۱۳؛ ۱۸: ۲۰؛ مزمور ۵۱).

در کتاب Word Pictures in the New Testament، جلد ۵، نوشته A. T. Robertson، نویسنده ارتباطی الهیاتی میان گناهان عمدی در عهد جدید که شامل بخشش با قربانی دادن نیز نمی‌شدند، و هشدارهای عبرانیان ۳: ۱۲ و ۱۰: ۲۶ برقرار می‌کند. وی اینچنین می‌گوید: "برای برگشتن از دین (۳: ۱۲؛ ۱۰: ۲۶) هیچ عذری پذیرفته نیست" (ص. ۳۶۸).

پولس رسول معتقد بود که خداوند نه به دلیل انکار انجیل به عمد، بلکه بخاطر نادیده گرفتن حقیقت به وی رحم کرده است.

۵: ۳ "از همین رو، باید نه تنها برای گناهان مردم، بلکه برای گناهان خود نیز قربانی تقدیم کند" این اشاره به روند کفاره‌ای دارد که کاهن اعظم در لاویان ۷: ۹-۱۷ برای خود تعریف کرد (محکومیت اولیه؛ ۱۶: ۶-۱۹ روز کفاره؛ و عبرانیان ۹: ۷. ما از عبرانیان ۷: ۲۶، ۲۷ یاد گرفتیم که عیسی هرگز برای گناهان خودش کفاره‌ای قائل نشد، اما او نیازهای ما را درک می‌کند (عبرانیان ۴: ۱۵).

۵: ۴ "هیچ‌کس خود این افتخار را از آن خویش نمی‌سازد" خداوند خاندان خاصی (لاوی) و خانواده خاصی را (خانواده هارون، خروج ۱: ۲۸؛ ۱: ۱ قرنتیان ۱۳: ۲۳) مورد عنایت خویش قرار داد تا بعنوان کاهن فعالیت کنند (اعداد ۱۶: ۴۰؛ ۱۸: ۷؛ ۱: ۱ ساموئیل ۹: ۱۲-۱۴؛ ۲: ۱۶: ۱۸).

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۵: ۵-۱۰

۵ مسیح نیز خود جلال کهنات اعظم را از آن خویش ساخت، بلکه آن را از همان کسی دریافت کرد که به او گفت:
«تو پسر من هستی؛
امروز، من تو را مولود ساختم ام.»
و در جای دیگر می‌گوید:

«تو جاودانه کاهن هستی،

در رتبهٔ مَلْکِیْصِیْق.»

او در ایام زندگی خود بر زمین، با فریادهای بلند و اشکها به درگاه او که قادر به رهنیدنش از مرگ بود، دعا و استغاثه کرد و به خاطر تسلیمش به خدا مستجاب شد. ^۸ هرچند پسر بود، با رنجی که کشید اطاعت را آموخت. ^۹ و چون کامل شد، همهٔ آنان را که از او اطاعت می‌کنند، منشاء نجات ابدی گشت. ^{۱۰} و از جانب خدا تعیین شد تا کاهن اعظم باشد، از مرتبهٔ مَلْکِیْصِیْق.

۵:۵: «مسیح خود را جلال نداد» به یوحنا ۸: ۵۰، ۵۴ رجوع کنید.

■ «تا کاهنی اعظم شود» (در نسخه انگلیسی آیه بدین صورت نوشته شده «و مسیح نیز خود را جلال نداد تا کاهنی اعظم گردد...») قانع کردن گروهی از یهودیان برای پذیرفتن عیسی بعنوان کاهنی اعظم، آن هم کاهنی که از نسل لاوی نیامده است، بسی دشوار بود. همین موضوع جدل سخت مبتنی بر نقل قول‌های عهد عتیقی می‌باشد (عبرانیان ۴: ۱۴ - ۵: ۱۰؛ ۶: ۱۳ - ۷: ۲۸).

■ «به او گفت» نویسنده با آوردن نقل قولی کلیدی از مزمور ۷: ۲، جایگاه متعالی تایید شده توسط پدر را تایید می‌کند. پدر مشابه همین نقل قول مزمور را که با اشعیا ۱: ۴۲ ادغام شده بود، در مراسم تعمید عیسی (عبرانیان ۳: ۱۷) و تغییر شکلش (متی ۱۷: ۵) نقل می‌کند.

آریوس (در حدود ۴ قرن پیش از میلاد مسیح) در اختلاف نظر الهیاتی که با آتاناسیوس درباره خدایی بودن کامل عیسی داشت، از قسمت دوم این نقل استفاده کرد تا تسریح کند که عیسی اولین و والاترین خلقت خداوند بوده (امثال ۸: ۲۲-۳۱)، اما جهت آن نقل قول حول محور فرزندی عیسی است (عبرانیان ۲: ۱۰؛ ۳: ۶؛ ۵: ۸؛ ۷: ۲۸). مزمور اصلی، مراسم تجدید دوره سالانه‌ای بود برای پادشاه اسرائیل، یا یهودا.

۶:۵: «تو جاودانه کاهن هستی،

در رتبهٔ مَلْکِیْصِیْق» این نقل قولی است از مزمور ۴: ۱۱۰. این مزمور در این حقیقت که بخصوص به مسیح موعود جایگاه پادشاهی و کاهنی اعظم را همزمان اعطا می‌کند، منحصر بفرد است (دو درخت زیتون در زکریا ۴: ۳، ۱۱ - ۱۴؛ و یوشع بعنوان یک شاخه در عبرانیان ۶: ۱۳). از طومارهای دریای مرده چنین فرا گرفتیم که آسینیون‌ها در انتظار دو منجی بودند، یکی از خاندان سلطنتی و دیگری از سلاله کاهنان. عیسی هر دو جایگاه رو پر کرد. در حقیقت، او تمام مناسب مطهر الهی را از آن خود کرد: پیامبر، کاهن و پادشاه (عبرانیان ۱: ۱-۳).

■ «مَلْکِیْصِیْق» مضمون تکامل این بخش در فصل ۷ است. دید کلی از پیدایش ۱۴: ۱۷-۲۰ برداشت شده، در جایی که او کاهن/پادشاهی کنعانی از سالیام بود (اورشلیم).

۷:۵: «او در ایام زندگی خود بر زمین» منظور این آیه عیسی است، نه مَلْکِیْصِیْق. این آیه نمی‌گوید که عیسی هنوز انسان نیست. عیسی دارای جسم شد و همیشه هم به همین‌صورت باقی خواهد ماند.

■ «با فریادهای بلند و اشکها» این قسمت باید به تجربه عیسی در باغ جتسیمانی مربوط باشد (متی ۲۶: ۳۷ و لوقا ۲۲: ۴۴). احتمالاً مربوط می‌شود به سه مرحله نیایش توسط ربی، برای نشان دادن شدت احساسات عیسی در آن باغ و یا دعای ویژه کاهن اعظم در یوحنا ۱۷ در شب شام شاگردان پیش از داستان آن باغ.

■ «به درگاه او که قادر به رهنیدنش از مرگ بود» آیا عیسی از مرگ می‌هراسید؟ هراس از مرگ برای انسان طبیعی است و عیسی نیز انسان کاملی بود. در نهایت من معتقدم که او ترس از دست دادن ارتباط با پدر را داشت (مرقس ۱۵: ۳۴؛ نقل قول از مزمور ۲۲). وی می‌دانست که چه کسی است و در آینده چه کسی خواهد شد (مرقس ۱۰: ۴۵؛ متی ۱۶: ۲۱).

هر سه ضلع تثلیث در قیام عیسی از مردگان دخالت داشتند، نه فقط پدر، (روح‌القدس، رومیان ۸: ۱۱؛ و عیسی، یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸). معمولاً عهد عتیق تسریح می‌کند که این پدر بود که عیسی را بزرگ کرد (اعمال رسولان ۲: ۲۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷: ۳۱؛ رومیان ۶: ۴؛ ۹: ۱؛ ۱۴: ۶؛ ۲: ۱۴؛ ۴: ۱۴؛ غلاطیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۲۰؛ کولسیان ۲: ۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۱۰).

این جمله می‌تواند بازتاب دهنده چندین متن عهد عتیق باشد که تسریح می‌کنند یهوه مسیح را از مرگ جسمی نجات خواهد داد (مزمور ۳۳: ۱۹؛ ۵۶: ۱۳ یا هوشع ۱۳: ۱۴) و یا او را از مرگ بلند خواهد کرد (مزمور ۱۶: ۱۰؛ ۴۵: ۱۵؛ ۸۶: ۱۳). چنانچه این متن، دعای عیسی را در باغ جتسیمانی بازتاب دهد، پس می‌توان گفت که گزینه اول بهترین گواه می‌تواند باشد.

NASB "وی بواسطه تقوایش شنیده شد"

NKJV "و او بخاطر ترسش از خدا شنیده شد"

NRSV "او بواسطه تسلیمش بخدا، شنیده شد"

این جمله همچون رومیان ۱: ۴، بمنظور پشتیبانی از مفهوم "adoptionism" (دکترین الهیات مبتنی بر عدم اعتقاد به تثلیث) قرار گرفت، که تسریح کند خداوند مسیح انسانی، بواسطه زندگی طبیعی که داشت، مورد رحمت قرار داد. عهد جدید به طور کلی پارادوکسی را نشان می‌دهد که عیسی مسیح، تجسم الهی است و برای خدمات خوبی که انجام داد پاداش داده شده است! به هر حال، هر دو درست هستند.

تفاوت در ترجمه‌های انگلیسی از ابهام واژه‌عبری "ترس" نشأت گرفت شده، به خصوص به این دلیل که از رابطه انسان با خدا استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که این به معنای "احترام گذاشتن" یا "تقوا است، نه «وحشت از چیزی»". معنی اصلی آن "حفظ امنیت" به صورت انجام دادن خواست خداوند است.

۸:۵ "هرچند پسر بود" واژه پسر در زبان انگلیسی نباید با حروف درشت نوشته شوند. این کلمه قیاس دیگریست از یک عضو خانواده در مقابل خدمتکار خانواده (عبرانیان ۱: ۲؛ ۳: ۶؛ ۵: ۸؛ ۷: ۲۸).

■ **"او با رنجی که کشید اطاعت را آموخت"** کل این بخش بر عیسی بعنوان "پسر" (عبرانیان ۴: ۱۴) و در عین انسان بودن ("در روزگاری که انسان بود" عبرانیان ۵: ۷) تأکید می‌کند. او وسوسه شد؛ دعا کرد؛ گریست؛ زجر کشید؛ اطاعا را فرا گرفت! به لحاظ الهیاتی خیلی سخت می‌توان عیسی را بعنوان خدای حقیقی و انسان حقیقی، بصورت واحد (دارای یک طبیعت) در کنار هم قرار داد. در طول تاریخ کلیسا، بدعت‌ها زمانی گسترش یافتند که هر دو طرف مستهلک شده بودند (۱ یوحنا ۴: ۱-۳).

درک این موضوع برای ایمانداران که باید پیرو مثال‌های عیسی باشند، دشوار است. این مشکلی بوده که ایمانداران با آن روبرو هستند. آیا آنان همچون عیسی، تا انتهای راه را خواهند رفت، حتی اگر مجبور به تحمل رنج شوند؟ رنج بخشی از مسیحیت است (عبرانیان ۲: ۱۰؛ ۵: ۱۰-۱۲؛ یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱؛ ۱۶: ۱-۲؛ ۱۷: ۱۴؛ رومیان ۲: ۱۷؛ ۲: ۱۷-۱۸؛ ۴: ۱۶-۱۸؛ ۱ پطرس ۴: ۱۲-۱۹).

اگر عیسی خدا بود، چطور توانست تکمیل شود؟ این باید به تکامل بخش انسانی و برگردد (لوقا ۲: ۴۰-۵۲). کاری که رنج او در طول ارتقای ایمانی وی انجام داد، هیچ کس و چیز دیگری نتوانست انجام دهد. اگر این نکته که هدف نهایی خداوند برای هر فرد مؤمن، شبیه به مسیح زندگی کردن است، صحت داشته باشد (رومیان ۸: ۲۹؛ افسسیان ۴: ۱۳)، پس چرا مسیحیان مدرن غربی از مکانیزمی که منجر به تولید بلوغ می‌گردد، گریزانند؟

۹:۵ "و چون کامل شد" ضمیر مجهول آتوریستی است. لغت "کامل" یعنی "بالغ" یا "کاملاً تجهیز شده برای انجام ماموریت". کامل بودن یا بلوغ عیسی و پیروانش مفهوم کلیدی عبرانیان است (عبرانیان ۲: ۱۰؛ ۵: ۹؛ ۱۴: ۶؛ ۱۱: ۷؛ ۱۹، ۲۸؛ ۹: ۹؛ ۱۱، ۱۰؛ ۱۴، ۱۱؛ ۴۰: ۱۲؛ ۲: ۳۳). به موضوع خاص در عبرانیان ۷: ۱۱ مراجعه کنید.

■ **"همه آنان را که از او اطاعت می‌کنند"** اطاعت گواهی است بر شاگردی کامل (لوقا ۶: ۴۶). عیسی نمونه بارزی در این زمینه است. اطاعت و فرمانبرداری مدرکی قوی برای رستگاری واقعی است!

۱۰:۵ "و از جانب خدا تعیین شد تا کاهن اعظم باشد" تا اینجا سه عنوان برای عیسی ذکر گردیده است: (۱) پسر، (۲) فرستاده، و (۳) کاهن اعظم. به موضوع خاص عیسی بعنوان کاهنی اعظم در عبرانیان ۲: ۱۷ رجوع کنید.

■ **"از مرتبهٔ ملکِیَصِدِّق"** به ملکِیَصِدِّق به این دلیل اشاره شده که او تنها فرد در عهد عتیق است که هم کاهن و هم پادشاه نامیده می‌شود، و ضمن اینکه اوست که ملزومات بحث الهیاتی عالمین یهود را فراهم کرده است. ملکِیَصِدِّق در پیدایش ۱۴: ۱۷-۲۰ و مزمو ۱۱۰: ۴ عمدتاً شخصیتی در سایه است که برای توصیف برتر بودن کاهنیت عیسی بر هارون استفاده می‌شود. بحث کامل در فصل ۷ را مطالعه بفرمایید.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۵: ۵-۱۰

^{۱۱} در این باره، مطالب بسیار برای گفتن داریم، اما شرح آنها دشوار است، چرا که گوشه‌های شما سنگین شده است. ^{۱۲} براستی که پس از گذشت این همه وقت، خود می‌بایست معلم باشید. و با این حال نیاز دارید کسی اصول ابتدایی کلام خدا را دیگر بار از آغاز به شما بیاموزاند. شما محتاج شیرید، نه غذای سنگین! ^{۱۳} هر که شیرخوار است، با تعالیم پارسایی چندان آشنا نیست، زیرا هنوز کودک است. ^{۱۴} اما غذای سنگین از آن بالغان است که با تمرین مداوم، خود را تربیت کرده‌اند که خوب را از بد تشخیص دهند.

۱۱: ۵ - ۱۲: ۶ این آیات یک واحد هستند. فصل و بخش‌های آیه تحت وحی نبوده و مدت‌ها بعد اضافه گردیدند. به بینش‌های متنی فصل ۶ رجوع کنید.

۱۱:۵ "او" این ضمیر می‌تواند مذکر یا خنثی باشد. من تصور می‌کنم در این متن، خنثی بهتر می‌گنجد (NRSV, TEV, NJB, NIV). بنابراین، به دوران کاهنیت ملکصدقی عیسی باز می‌گردد. عبرانیان ۵:۱۱ - ۶:۲۰ در واقع به لحاظ الهیاتی موضوعاتی هستند که داخل پراوتز باید به آنان پرداخت. نویسنده در عبرانیان ۷ دوباره به ملکصدق باز می‌گردد.

■ "ما" این حرف جمع اشاره به یک نویسنده دارد.

■ "گوش‌های شما سنگین شده است" این متن در عبرانیان با سه ضمیر استفاده شده است: "شما" (عبرانیان ۵:۱۱، ۱۲:۹-۱۲)، "ما" و "به ما" (عبرانیان ۵:۱۱؛ ۱:۳-۹)، و "آنانکه" (عبرانیان ۶:۴-۸). به بینش‌های متنی مراجعه نمایید. به نظر می‌رسد که این موضوع از بازسازی فرضی تاریخی پشتیبانی می‌کند که کتاب عبرانیان بوسیله گروهی از یهودیان ایماندار نوشته شده که هنوز در کنیسه و در کنار یهودیان بی‌ایمان قرار داشته، و هرگز نیز به طور کامل انجیل را نپذیرفته‌اند.

این جمله، از نوع خبری کامل بوده که بر روی حالتی روی داده شده تأکید می‌کند. واژه "سنگین" دو بار در عهد عتیق استفاده شده است، یکی اینجا و دیگری در عبرانیان ۶:۱۲. نویسنده نه بدلیل موضوعیت آن، بلکه بخاطر نارسایی خوانندگان بسختی توانسته تا آن را توضیح دهد. آنان دچار نارسایی شنوایی و تنبلی در موضوعات روحی شده بودند.

۱۲:۵ "پس از گذشت این همه وقت، خود می‌بایست معلّم باشید" با وجودی که این ایمانداران مدت مدیدی بود که مسیحی شده بودند اما هنوز به بلوغ لازم نرسیده بودند. طول زمان به طور مستقیم ارتباطی با بلوغ ندارد. بنظر می‌رسد که آنان همنشینی با کافران یهودی را بر اساس موضوعات غیر قابل بحث یهودی، ادامه می‌دادند (عبرانیان ۶:۱-۲). این ممکن است که (۱) بمنظور پرهیز از آزارهای حکومتی و / یا (۲) پرهیز از تعهدات الزامی "فرامین بزرگ" مسیحیان بوده باشد.

| | |
|------|----------------|
| NASB | "اصول اولیه" |
| NKJV | "اولین اصل" |
| NRSV | "اصول مقدماتی" |
| TEV | "دروس اول" |
| NJB | "عناصر اصول" |

این واژه معانی احتمالی متعددی دارد (به لحاظ معنایی، حوزه وسیعی را شامل می‌شود).

۱. اولین آموزه‌های یک موضوع

۲. ریشه یک موضوع

۳. نیروهای آسمانی (غلاطیان ۴:۳، ۹؛ کولسیان ۲:۸)

در این متن، شماره ۱ بنظر بهترین گزینه است. نویسنده تسریح می‌کند که این ایمانداران کم تجربه، نیازمند آموزش مقدمات مسیحیت هستند (شماره ۱ کاربرد پیدا می‌کند)، اما در عبرانیان ۶:۱، مفهوم شماره ۲ بیشتر نمود پیدا می‌کند زیرا آیات ۶:۱-۲ مرتبط با آموزه‌های یهودی هستند و نه بتنهایی آموزه‌های مسیحی، زیرا که این آموزه‌ها بنا دارند که زمان‌های بسیار جلوتر را شامل شوند. لغت یونانی آن *Stoichea* است، در حالیکه در عبرانیان ۶:۱ از لغت *archē* استفاده شده است (به موضوع خاص: *Archē* در عبرانیان ۳:۱۴ رجوع کنید).

■ "کلام خدا" (در متن انگلیسی از "وحی خدا" استفاده شده است) این واژه درباره حقایق عهد عتیق در اعمال رسولان ۷:۳۸ و رومیان ۳:۲ بکار برده شده است.

■ "شیر...غذای سنگین" اینان هر دو موضوعات خدادادی بوده و در زمان‌های مشخصی رواج داشتند. با اینحال، در اینجا استفاده از شیر برای یک انسان بالغ غیر طبیعی بنظر می‌رسد (۱ قرنتیان ۳:۲؛ ۱ پطرس ۲:۲).

۱۳:۵ "تعالیم پارسایی" سوال تفسیری اینگونه مطرح می‌شود که این بخش چگونه با "نیک و شیر" در عبرانیان ۵:۱۴ مرتبط می‌گردد؟ ترجمه NJB ابتدا به ساکن آن را در ارتباط با "دکترین عدالت نجات" ترجمه می‌کند. نسخه TEV آنها را بموازات "درست و اشتباه" (عبرانیان ۵:۱۳) و "نیک و شر" (عبرانیان ۵:۱۴) ترجمه کرده است. جمله اول به مسئله عدم بلوغ، در حالیکه جمله دوم به موضوع نداشتن تجربه و عمل می‌پردازد. این امکان نیز وجود دارد که این بخش در تضاد با "قوانین اولیه" در عبرانیان ۵:۱۲؛ ۶:۱ باشند. در نتیجه اشاره خواهد داشت به انجیل بعنوان مخالف با دکترین‌های یهود در عبرانیان ۶:۱-۲.

برای مطالعه بیشتر درباره لغات استفاده شده در موضوع پارسایی، به موضوع خاص عبرانیان ۱:۹ رجوع نمایید.

۱۴:۵ "بالغان" این واژه از ریشه مشابه یونانی "کامل" در عبرانیان ۹:۵ ترجمه شده است. *Telos* بمعنی بالغ و پخته، و با آمادگی کامل برای انجام امور محوله است. به موضوع خاص در عبرانیان ۱۱:۷ رجوع کنید. جنبه انسانی عیسی نمونه‌ای است از ایمان و رشد بسمت بلوغ (عبرانیان ۵:۸-۹)، درست همانگونه که زندگی خوانندگان باید باشد. این ایمانداران یهودی تجربیاتی داشته و برخی نیز مورد آزار قرار گرفته بودند (عبرانیان ۱۲:۴)، ولی مصمم بودند که به پناه امنیتی که در یهودیت داشتند، عقب نشینی کنند (۳۸:۱۰).

■ "با تمرین مداوم، خود را تربیت کرده‌اند" این وجه وصفی مجهول کامل است که در مورد اقدامات مکرری که به یک روند ثابت در حال انجام تبدیل شده اشاره دارد- تمرین باعث تکامل می‌شود! فعل مشابه درباره شاگردان خدا در عبرانیان ۱۱:۱۲ استفاده شده است.

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا برای قوم یهود دشوار بود که عیسی را بعنوان کاهنی اعظم بپذیرند؟
۲. رنج بردن چه ارتباطی با بلوغ دارد؟ هم برای عیسی و هم برای ایمانداران.
۳. چه عواملی باعث شدند که این خوانندگان به بلوغ لازم برسند؟

عبرانیان ۶

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|--|-------------------|------------------------|--------------------------------|---------------------------------|
| هشدار درباره ارتداد | | | هشدار درباره از دست دادن ایمان | نویسنده نیت خود را تشریح می‌کند |
| (۱۲:۶ - ۱۱:۵) | | | (۱۲:۶ - ۱۱:۵) | |
| ۱۱:۵ - ۸:۶ | بیم از عدم پیشرفت | پند و اظهار مقصود اصلی | | |
| | ۸-۱:۶ | ۸-۱:۶ | ۳-۱:۶ | ۸-۱:۶ |
| | تخمینی بهتر | | ۸-۴:۶ | کلامی برای تشویق و امید |
| ۱۲-۹:۶ | ۱۲-۹:۶ | ۱۲-۹:۶ | ۱۲-۹:۶ | ۱۲-۹:۶ |
| مقصود عاری از خطای وعده قطعی خداوند خداوند درباره مسیح | | | وعده قطعی خداوند | زندگی مسیحی و الهیات |
| ۲۰-۱۳:۶ | ۲۰-۱۳:۶ | ۲۰-۱۳:۶ | ۲۰-۱۳:۶ | ۲۰-۱۳:۶ |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس ")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳. تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی

A. تصور می‌کنم که به دلیل وجود ضمائر "ما/به ما" در عبرانیان ۱:۶-۳، "آنها/به آنها" در عبرانیان ۴:۶-۸، و "شما" در عبرانیان ۶:۹-۱۲ و ۱۱:۵-۱۲، دو گروه خاص مورد خطاب در فصل ۶ قرار گرفته باشند: باورمندان و غیر باورمندان یهودی. همچنین، طبیعت دکترین‌های مقدماتی یهودیان (غیر مسیحی) در عبرانیان ۶:۱-۲ باید حقایق مورد اشتراک با یهودیت را نشانه گرفته باشد. در اینصورت بنظر سه گروه مد نظر باشند.

۱. نویسنده و گروه بشارتی وی ("ما" و "به ما" در عبرانیان ۱:۶-۳، ۹؛ ۱۱:۵)
۲. یهودیان غیر باورمند ("آنها" و "به آنها" در عبرانیان ۴:۶-۸)
۳. یهودیان باورمند ("شما" در عبرانیان ۶:۹-۱۲ و ۱۱:۵-۱۲)

B. درباره اینکه چه کسی مورد خطاب فصل قرار دارد، نظریه‌های متعددی مطرح شده

۱. فرضی است (که اغلب در عبرانیان ۶:۶ یک "اگر" بهمراه دارند)
۲. اشاره به غیر باورمندان یهود دارد
۳. اشاره به ارتداد واقعی دارد (باورمندان یهودی بجای تداوم ایمانشان به مسیح، قصد بازگشت به امیدهای عهد عتیق را داشتند)
۴. فقط اشاره به اوضاع قرن اول دارد (که چیدمان رویدادهای تاریخی را بصورت چیدمان یک کنیسه برای باورمندان و غیر باورمندان یهود درک می‌کند)

۵. اشاره به نمونه‌هایی از بی‌ایمانی در عهد عتیق دارد، البته ایمانداران فعلی مد نظر نیستند

C. هشدارهایی که در عبرانیان ۱:۶-۱۲ داده شده باید در ارتباط با هشدارهای پیشین باشد:

۱. هشیاری در برابر انحراف، عبرانیان ۲:۱

۲. هوشیاری در برابر بی‌ایمانی (همچون اسرئیلیان عهد عتیق)، عبرانیان ۳:۱۲-۱۹

۳. هشیاری در برابر ایمانداران نابالغ

D. مبارزه فعلی در کلیسا بر سر "کسی که یکبار نجات یابد، همیشه نجات داده شده است"، "نجات داده شده، گم شده، و دوباره نجات داده شده" و

"کسی که یکبار خارج شود، برای همیشه رفته است" حول محورهای زیر می‌گردد:

۱. استفاده از متون مجزا (ویرایش شده)

۲. استفاده از برداشته‌های منطقی (ارجحیت استدلال بر متن)

۳. استفاده از چارچوب‌های سیستماتیک الهیاتی (Calvinism, Arminianism, Dispensationalism و غیره)

E. مثال‌های زیادی وجود دارد از افرادی که با ایمانشان دچار مشکل هستند (به موضوع خاص در عبرانیان ۶:۵ رجوع نمایید)، ولی جواب ساده‌ای برای

پاسخ به همه آنها وجود ندارد.

۱. ایمانداران صلاحیت برای فعالیت‌های دینی را ندارند

a. مسیحیان تنبل و یا رهبران مسیحی تنبل (۱ قرن‌تیا ۳:۱۰-۱۵)

b. کودکان مسیحی (عبرانیان ۵:۱۱-۱۴)

c. مسیحیان فاقد صلاحیت (۱ قرن‌تیا ۹:۲۷)

d. مسیحیان غیر اورتدکس (۱ تیموتائوس ۱:۱۹-۲۰)

e. مسیحیانی که کارهای بی‌ثمر انجام می‌دهند (۲ پطرس ۱:۸-۱۱)

۲. حرفه‌های مبتنی بر ایمان دروغین

a. حکایت خاک‌ها (متی ۱۳، مرقس ۴)

b. ثمره‌هایی بدون داشتن ارتباط شخصی (متی ۷:۲۱-۲۳)

c. معلمین دروغین (۱ یوحنا ۲:۱۸-۱۹؛ ۲ پطرس ۲:۱-۱۹)

۳. احتمال ارتداد

a. شائول (عهد عتیق)

b. یهودا (عهد جدید)

c. معلمین دروغین (۲ پطرس ۲:۲۰-۲۲)

d. مترجمینی که سال‌ها بعد ظاهر شدند (مکاشفه ۲:۱۹)

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱:۶-۸

۱ پس بیایید تعالیم ابتدایی دربارهٔ مسیح را پشت سر نهاده، به سوی کمال پیش برویم، و دیگر بار توبه از اعمال منتهی به مرگ، و ایمان به خدا،^۲ و آموزشِ تعمیدها، و دستگذاری‌ها، و رستاخیز مردگان و مجازات ابدی را بنیان ننهیم.^۳ و چنین نیز خواهیم کرد، هرگاه خدا اجازه دهد.

۴ زیرا آنان که یک بار منور گشتند و طعم آن موهبت آسمانی را چشیدند و در روح القدس سهیم شدند^۵ و طعم نیکویی کلام خدا و نیروهای عصر آینده را چشیدند،^۶ اگر سقوط کنند، ممکن نیست بتوان ایشان را دیگر بار به توبه آورد، چرا که به زیان خویش، پسر خدا را باز بر صلیب می‌کنند و او را در برابر چشم همگان بی‌حرمت می‌سازند.

۷ اگر زمینی، بارانی را که بارها بر آن می‌بارد جذب کند و برای کسانی که به خاطر آنها کشت شده است محصول مفید بار آورد، از خدا برکت می‌یابد.^۸ اما زمینی که خار و خس بار می‌آورد، بی‌ارزش است و در خطر لعنت قرار دارد، و سرانجام نیز سوزانده خواهد شد.

۱:۶ - ۲ در حقیقت این آیات فهرست دکترین‌هایی که در ارتباط با مشکلات مشترک میان یهودیت و مسیحیت وجود دارد، هستند. با اینحال، آنها ابتدا به ساکن یهودی هستند. اینها می‌توانستند دکترین‌هایی باشند که ایمانداران و کافران یهودی براحتی قبول می‌کردند. چنین اشکالات الهیاتی در ارتباط با عیسی ناصری که آنها را پیشگویی کرده بود، فاقد اهمیت هستند.

این نظریه محتمل است که اولین بخش آن باید *archē* (تعالیم اولیه) و بعنوان "اصالت جغرافیایی عیسی" ترجمه می‌شد (کتاب *The Epistle to the Hebrews* نوشته A. B. Bruce، صفحه ۱۹۷). آیا این امکان وجود دارد که گروهی از یهودیان، که بواسطه رایحه مسیحیت از وهم رها شده بودند، با طرح این سوال که چگونه عیسی توانسته بود پیشگویی عهد عتیق و انتظارات آن را بر آورده کند، وی را مورد مواخذه قرار می‌دادند؟ آیا فهرست دکترین‌های یهودی توانست بر روی مبحث چگونگی امکان بازگشت دوران عهد موسی بجای عیسی به رستگاری، تمرکز کند؟

۱:۶

NASB, NJB "تعالیم اولیه در رابطه با مسیح"
NKJV "مبحث اصول اولیه مسیح"
NRSV "تعالیم اولیه درباره مسیح"
TEV "اولین دروس پیام مسیحیت"

واژه یونانی *archē* حوزه معنایی گسترده‌ای دارد (به موضوع خاص در عبرانیان ۱۴:۳ رجوع کنید). جهت اولیه آن، شروع بعضی چیزها است (علت اولیه بوجود آمدن شریعت). به لحاظ متنی درست نقطه مخالف *telios* قرار دارد ("بلوغ" در عبرانیان ۱:۶).

مشکل درک این بخش اینست که اصول ذکر شده در عبرانیان ۱:۶-۲ ارتباطی با مسیح موعود بعنوان آموزه سنتی یهودیت ندارد. این یکی از دلایل متنی برای مفروض داشتن این نکته است که کتاب توسط یکی از یهودیان شرکت کننده در کنیسه (عبرانیان ۱۰:۲۵) برای هر دو گروه ایمانداران و بی‌ایمانان یهودی نوشته شده بود (بر گرفته از کتاب *No Easy Salvation* نوشته R. C. Graze).

■ **پس بیایید ... پیش برویم** "این وجه شرطی حال مجهول است، "بگذارید ما را ببرند". تمرکز بر روی تداوم شرط توسط نیرویی الهی است! چنانچه اجازه دهند که روح القدس این آزادی را داشته باشد که مشوق آنها باشد، به سمت کمال پیش می‌روند. این لغت کاملاً یونانی توسط فیلسوفان فیثاغورثی برای پیشرفت به بالاترین درک، مورد استفاده قرار گرفته شد (کتاب *Word Pictures in the New Testament* نوشته A. T. Robertson، صفحه ۳۷۳).

NASB, TEV "بلوغ"
NKJV, NRSV "کمال"
NJB "تکمیل"

این یکی از اشکال واژه یونانی *teleios* بوده، که فقط اینجا در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است. به موضوع خاص در عبرانیان ۱۱:۷ رجوع کنید. به لحاظ متنی، نقطه مقابل *archē* در عبرانیان ۱:۶ می‌باشد (اصول مقدماتی). این ایمانداران باید فراتر از مباحث الهیاتی حرکت کنند که وجه مشترک آنها با دوستان و یاران پرستشی یهودی است.

■ **"توبه ... ایمان"** این دو از وظایف دو عهد جدید و قدیم هستند، یکی منفی و دیگری مثبت. توبه به دلیل سردرگمی بر سر معنای آن، بحث دشوار است. واژه عبری آن منعکس کننده تغییری در عمل است در حالی که واژه یونانی آن از تغییر در ذهن سخن می‌گوید. توبه بازگشت از یک زندگی خودمحور و خود-رأی به سوی زندگی خدامحور و خدا-رأی است.

۱. عیسی نبود توبه را با مرگ مرتبط کرد (مرقس ۱۳:۳، ۵ و ۲ پطرس ۳:۹)

۲. توبه به عنوان يك تعهد همراه با ایمان مرتبط است (مرقس ۱:۱۵؛ اعمال رسولان ۲:۳۸، ۴۱؛ ۱۶:۳؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۱)

۳. خداوند حتی بعنوان منبع اصلی توبه مورد تایید قرار گرفته است (اعمال رسولان ۵:۳۱؛ ۱۱:۱۸؛ ۲ تیموتائوس ۲:۲۵)

۲:۶ **"تعمیدها"** فعل این لغت بجز برای غسل‌های تشریفاتی عهد عتیق، در تعمیم مسیحیت بصورت جمع استفاده نمی‌شود (مرقس ۷:۴؛ عبرانیان ۹:۱۰). این سه دکترین، منحصرأ مسیحی نیستند. بنظر می‌رسد که این موضوع با دکترین‌های یهودیت اشتراک داشته باشد، بخصوص نقاط مشترکی که میان فریسیان با مسیحیت بودند.

■ **"دستگذاری‌ها"** در حالات مختلفی در عهد قدیم و جدید استفاده شده است. دستگذاری نشان‌دهنده تجمیع با:

۱. چیزی را در کنار وظیفه منتخب خداوند قرار دادن (اعداد ۲۷:۱۸، ۲۳؛ تثنیه ۳۴:۹؛ اعمال رسولان ۶:۶؛ ۱۳:۳؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱۴؛ ۵:۲۲؛ ۲ تیموتائوس ۱:۶)

۲. شناخته شدن با قربانی

a. کاهن (خروج ۲۹:۱۰، ۱۵، ۱۹؛ لایوان ۱۶:۲۱؛ اعداد ۸:۱۲)

b. اعضای روحانی کلیسا (لایوان ۱:۴؛ ۲:۳؛ ۸:۴؛ ۱۵:۴؛ ۲ توراخ ۲۹:۲۳)

۳. شناخته شدن با سنگسار قربانیان (لاویان ۲۴:۱۴)

۴. دعا برای برکت (متی ۱۹:۱۳، ۱۵)

۵. دعا برای شفا (متی ۹:۱۸؛ مرقس ۵:۲۳؛ ۷:۳۲؛ ۸:۲۳؛ ۱۶:۱۸؛ لوقا ۴:۴۰؛ ۱۳:۱۳؛ اعمال رسولان ۹:۱۷؛ ۲۸:۸)

۶. دعا برای دریافت روح (اعمال رسولان ۸:۱۷-۱۹؛ ۱۹:۶)

■ "رستاخیز مردگان و مجازات ابدی" فریسیان و اسنیان (مجمع طومارهای دریای مرده) این دکتربین‌های موعودگرایانه را در اشتراک با مسیحیت نگاه داشتند.

موضوع خاص: جاودانی (Special Topic: Eternal)

Robert B. Girdleston در کتاب خود *Synonyms of the Old Testament*، تفسیر بسیار جالبی در مورد کلمه "جاودانی" دارد: "صفت *aiōnios* بیش از چهل بار در عهد جدید، در رابطه با زندگی ابدی، که تا حدودی به عنوان یک هدیه حاضر به شمار می‌رود، تا حدودی به عنوان وعده‌ای برای آینده است، استفاده شده است. همچنین به وجود بی پایان خدا در رومیان ۱۶:۲۶ دلالت می‌کند؛ و تا کارایی بی پایان تظهير مسیح در عبرانیان ۹:۱۲، ۲۰:۱۳ و تا اعصار بعدی در رومیان ۲۵:۱۶، ۲ تیموتائوس ۹:۱ و تیتوس ۲:۱ اشاره می‌کند.

این کلمه با اشاره به آتش ابدی، در انجیل متی ۸:۱۸، ۲۵:۴۱، ۲۵:۷، ۱:۷، مجازات ابدی، انجیل متی ۴۶:۲۵، داوری یا محکومیت ابدی، انجیل مرقس ۲۹:۳، عبرانیان ۲:۶، تخریب ابدی، دوم تسالونیکیان ۹:۱۱ استفاده شده است. کلمه‌ای که در این قسمت‌ها استفاده شده به نهایت اشاره می‌کند، و ظاهراً نشان می‌دهد که زمانیکه این قضاوت‌ها اعمال می‌شود، زمان آزمایش، تغییر، یا احتمال بازیابی شانس، به طور مطلق و برای همیشه گذشته است. ما در مورد آینده، در مورد رابطه زندگی انسانی با مابقی حیات، و در مورد وزن اخلاقی بی‌ایمانی، در نگاه ابدی، درک بسیار اندکی داریم. اگر، از یک طرف، اشتباه به کلام خدا اضافه کردن اشتباه باشد، از سوی دیگر ما نباید از آن روی برگردانیم؛ و اگر ما تحت دکتربین مجازات‌های ابدی متلاشی شویم، همانطور که در کتاب مقدس مطرح شده است، ما باید محتاط باشیم و صبر کنیم، به عشق خداوند از طریق مسیح ببینیم و در عین حال تصدیق کنیم که زمینه تاریکی وجود دارد که ما قادر به درک آن نیستیم" (صفحات ۳۱۸ الی ۳۱۹).

۳:۶ "اگر" در یک جمله سوم شخص شرطی قرار می‌گیرد که بمعنی عملی احتمالی است. خداوند اجازه خواهد داد، اگر آنان همکاری کنند!

۴:۶ - ۶ "یک بار گشتند ... طعم را چشیدند ... سهیم شدند... چشیدند" تمامی این وجوه وصفی، آئوریستی هستند، در حالیکه عبرانیان ۶:۶ با یک سری افعال زمانی حال شروع می‌گردند. اینان اظهارات نیرومندی هستند. معانی آن بنظر واضح می‌باشند: آنان با خداوند به اشکال مختلف آشنایی داشتند، اما ایمان کامل به مسیح را رد کردند. با اینحال، دو اشکال متنی لازم است که بررسی شوند: (۱) حضور سه گروه "به ما" [3-1 vv. 7-8]، "شما" [12-9 vv. 7] و (۲) طبیعت دکتربین‌های عبرانیان ۶:۱-۲. اینان به کنیسه‌ای اشاره دارند که ایمانداران و غیر ایمانداران یهودی در کنار هم در آن پرستش کرده و درس می‌خواندند. غیر ایمانداران یهودی قدرت و جلال و حقیقت انجیل را در متن و در شهادت به روشنی دیده و زندگی دوستان با ایمان خود را تغییر دادند.

در عبرانیان به نظر دو هشدار وجود دارند: (۱) هشدار به یهودیان با ایمان که در کنار کلیسای رنج کشیده ایستادند و به یهودیت باز نگشتند، و (۲) هشدار به بی‌ایمانان یهودی که به آغوش مسیح آیند. در بسیاری از موارد اولین هشدار در این کتاب جلب توجه می‌کند، اما دومین هشدار بسیار شبیه گناهان نابخشودنی فریسیان در اناجیل و گناه در مقابل مرگ معلمان دروغین در اول یوحنا، می‌باشد.

۵:۶ "نیروهای عصر آینده" مثال دیگری از گمشدگان در نیروهای عصر آینده، در متی ۷:۲۱-۲۳. آنان بدون داشتن روابط انسانی لازم، نیرومند بودند. مشابه همین مورد را می‌توان درباره یهودا اسخریوطی (در اناجیل)، سیمون مجوسی (در اعمال رسولان)، و معلمان دروغین (در ۱ یوحنا ۲:۱۸-۱۹) نام برد. به موضوع خاص در عبرانیان ۱:۲ رجوع کنید.

■ "سقوط کنند" این وجه وصفی معلوم فعال است. این اوج الهیاتی در جمله یونانی است که در عبرانیان ۴:۶ شروع می‌شود. به موضوع خاص ارتداد در عبرانیان ۳:۱۲ رجوع کنید.

۶:۶
NASB "و سپس"
NKJV "اگر"
NRSV, TEV "و بعد"
NJB "و هنوز با وجود این"

بین مفسرین یونانی اختلاف نظری وجود دارد مبنی بر اینکه آیا این یک ساختار شرطی معتدل است یا یک ساختار موازی همتراز با آیه ۴. آنانی که بر ساختار شرطی اصرار می‌ورزند، بر روی مقاصد الهیاتی که تصریح دارند آیه ۶ وضعیتی فرضی دارد نیز اصرار دارند. با اینحال، تمام این قابلیت‌های دستور زبانی نشان می‌دهند که هر دوی این نظرات محقق شده است.

۱. بافت تکراری برخی وجوه وصفی آئوریستی (که روشن شده‌اند، یا آزموده شده‌اند، یا به اشتراک گذاشته شده‌اند، یا آزموده و به خطا رفته‌اند)
۲. استفاده مکرر از "kai" (و) با سه مورد آخر
۳. مورد جمع مذکر معفولی در عبرانیان ۴:۶ که به تمام ضمائر آیات ۴-۶ ارتباط پیدا می‌کند

NASB, TEV

"غیر ممکن"

NJB

"عیر ممکن"

NKJV, NRSV

این واژه در عبرانیان ۴:۶ ظاهر می‌شود، اما متن بزرگتر شامل عبرانیان ۶:۶ می‌شود. این واژه یونانی *dunatos* (توانستن) با پیشوند منفی (نتوانستن). این دو واژه با دلالت ضمنی که خداوند چه کار می‌تواند و چه کاری نمی‌تواند بکند، استفاده می‌شوند! این واژه در نسخه پاپیروس یونانی در مصر یافت شد که (۱) مردانش توان کافی برای کار نداشتند و (۲) شهود قادر به شهادت نبودند. در عبرانیان چهار بار استفاده شده است:

۱. امکان تجدید دوباره آنها بمنظور توبه غیر ممکن بود (۴:۶)
۲. خداوند غیر ممکن است که دروغ بگوید (۱۸:۶)
۳. نجات برای قربانیان عهد عتیق غیر ممکن بود (۴:۱۰)
۴. غیر ممکن است که بدون ایمان، خداوند را راضی نگاه داشت (۶:۱۱)

در هر یک از این موارد، واژه معنی غیر ممکن می‌دهد. بنابراین، شگفت انگیز است که Nida و Lowe در کتاب *Greek English Lexicon of the New Testament* می‌گویند: "بنظر می‌رسد استفاده از واژه *adunaton* در عبرانیان ۴:۶ برای نگاه به هشدار بر علیه ارتداد، مثال مبالغه‌آمیزی باشد (به عبرانیان ۵، ۱۱-۱۲ و رجوع شود). بنابراین ممکن است مترجمی، این لغت را در عبرانیان ۴:۶ "بی‌نهایت سخت است که" ترجمه کرده باشد (ص ۶۶۹)". این مورد بیشتر الهیاتی بنظر می‌رسد تا لغوی، آن هم هنگامی که دیگران در عبرانیان از واژه "غیر ممکن" استفاده می‌کنند.

بی‌میلی به استفاده از این واژه به دلیل اینست که اگر این لغت اشاره به ایماندارانی باشد که از ایمان خارج شدند، فرد را به نظریه الهیاتی "کسی که یکبار خارج شد، برای همیشه خارج می‌ماند" هدایت می‌کند. نمونه آن گروه‌های شیطنانی هستند که علاوه بر موعظه درباره توبه و بازگشتن به ایمان، آموزش ارتداد می‌دهند. بنظر می‌رسد که این متن، موقعیت مذکور را کم‌بها می‌کند.

در بسیاری از موارد، موقعیت تاریخی کلید اصلی ترجمه و تفسیر می‌باشد.

۱. دو گروه مخاطب قرار گرفتند (ایمانداران و بی‌ایمانان یهودی)
 ۲. یک گروه (ایمانداران یهودی که به بلوغ ایمانی نرسیده و مدت مدیدی است که در فکر بازگشت به موسی هستند)
- این مسئله شبیه بدعت یهودی کنندگان در غلاطیان می‌باشد که وسوسه اعتماد به ریشه‌های عهد عتیق را داشتند (بانضمام عیسی). پولس تسریح می‌کند که آنان از فیض خداوند دور شده بودند (غلاطیان ۵:۴).

■ "تجدید" موضوع خاص زیر را مطالعه فرمایید.

موضوع خاص: تجدید (anakainōsis) (Special Topic: Renew)

در میان تمامی شکل‌هایی که این لغت دارد (*anakainōō, anakainizō*)، دو معنای مقدماتی دارد.

۱. "مسبب چیزی تازه و متفاوت شدن (بهتر شدن آن)" - رومیان ۱۲:۲؛ کولسیان ۳:۱۰
۲. "تغییری بوجود آوردن در موقعیت قبل" ۲ قرن‌تیان ۴:۱۶؛ عبرانیان ۶:۴-۶

(بر گرفته از کتاب *Greek-English Lexicon* نوشته Louwe and Nida جلد ۱ صفحات ۱۵۷، ۵۹۴)

Moulton and Milligan در کتاب *The Vocabulary of the Greek Testament* می‌گویند که این واژه (*anakainōsis*) در ادبیات یونان باستان در پیش از زمان پولس یافت نمی‌شود. این احتمال می‌رود که پولس این لغت را اختراع کرده باشد (ص. ۳۴).

Frank Stagg تفسیر جالبی در کتاب *New Testament Theology* دارد. وی می‌گوید:

"تجدید نسل و تجدید هر چیزی فقط از آن خداوند است. واژه استفاده شده برای تجدید *Anakainōsis*، اسم مصدر بوده، و در عهد جدید، در کنار حالات فعل، بمنظور تعریف تداوم تجدید چیزی، همچون در رومیان ۲:۱۲ "با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید" و ۲ قرنتیان ۴:۱۶ "انسان باطنی روز به روز تازه‌تر می‌گردد" بکار برده شده است. کولسیان ۳:۱۰ "انسان جدید" را بعنوان شخصی که بوسیله دانش بر طبق تصویر کسی که او را خلق کرده در حال نو شدن است، تعریف کرده است. با این وجود، این "انسان تازه"، "تازگی زندگی" و یا "تجدید نسل" از پیش مشخص شده و به یک محرک اولیه و تداوم عمل خداوند به عنوان "عطا کننده و ادامه دهنده حیات ابدی متصل است" (ص. ۱۱۸).

■ "باز بر صلیب می‌کنند" ترکیب مرکب یونانی (*anastauroō*) می‌تواند بمعنی "به صلیب کشیدن" (یا "میخکوب کردن"، حالت تشدید شده در نسخه‌های JB, NEB و ترجمه‌های Moffatt می‌باشد) یا دوباره "بصلیب کشیدن" (ترجمه‌های NASB, NKJV, NRSV, TEB, NJB, NIV) باشد. کتاب *The Greek-English-Lexicon of the New Testament* نوشته Bauer, Arndt Gignrich و Danker در اینبار می‌نویسد: "در دوره فرا-انجیلی یونان، این واژه همیشه به معنی به صلیب میخکوب کردن است (ص. ۶۱). Tertullian از این متن برای بیان این مطلب که پس از تعمید، گناهان بخشوده نمی‌شدند استفاده کرده است.

کاهنان اولیه یونان این متن را درک کرده بودند و آن را با *ana* ترکیب کرده تا "مصلوب کردن دوباره" را خواهان باشند، که این رویه توسط اکثر مترجمین انگلیسی مدرن نیز دنبال گردید. به لحاظ الهیاتی این نکته چه ارتباطی با ارتداد پیدا می‌کند؟ به این شکل که عنوان می‌کند چنانچه ایمانداران بدنبال مصلوب کردن دوباره، آن هم در حالت تشدید شده آن باشند، پس این امکان وجود خواهد داشت که بی‌ایمانان ترجیح داده شوند. مفسرین باید اجازه دهند که متن حرف خود را بگویند، نه هر آنچه که تمایلات یا سیستم‌های الهیاتی آنها ایجاب می‌کند ترجمه و تفسیر شود. این متن برای تفسیر بسیار دشوار است. قبل از اینکه با:

۱. کتاب بطور کلی

۲. بطور مشخص با چهار هشدار

۳. متن خاصی

درگیری ذهنی پیدا کنیم، اغلب فکر می‌کنیم که می‌دانیم آن متن چه معنی باید بدهد یا ندهد.

با اینحال، کسی که این متون را تفسیر می‌کنید، بدانید که هشدارها جدی هستند!

■ "او را در برابر چشم همگان بی‌حرمت می‌سازند" این واژه در متی ۱۹:۱ برای یوسف که نمی‌خواست به مریم در ملاء عام بی‌حرمتی شود، استفاده شده بود. چگونه به متن اصلی ارتباط پیدا می‌کند؟ خیلی ساده اشاره به شروع مصلوب شدن مسیح بعنوان "مایه شرم در ملاء عام" دارد، بدون اینکه از "تکرار" آن بگویند.

۸:۶ این آیه می‌تواند تصویر برداشته شده از پیدایش ۳:۱۷-۱۹ یا اشعیا ۵:۱-۲ بوده و یا حتی ممکن است حکایت خاک‌ها در متی ۱۳ باشد. ثمره هر کاری گواه بر اعتبار یا عدم اعتبار هر حرفه‌ای است! میوه دادن (یوحنا ۱۵:۵-۶)، نه جوانه زدن، گواهی است از یک ارتباط حقیقی با مسیح. میوه یا عبارتی حاصل کار، گواه اصلی است.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۹:۶-۱۲

ای عزیزان، هرچند این چنین سخن می‌گوییم، اما در مورد شما یقین داریم که چیزهای بهتر که با نجات همراه است، نصیبتان خواهد شد. زیرا خدا بی‌انصاف نیست که عمل شما و محبتی را که به خاطر نام او در خدمت به مقدسین نشان داده و می‌دهید فراموش کند. آرزوی ما این است که هریک از شما همین جدیت را برای تحقق امیدتان تا به آخر نشان دهید،^{۱۲} و کاهل نباشید، بلکه از کسانی سرمشق گیرید که با ایمان و شکیبایی وارث وعده‌ها می‌شوند.

۹:۶ "عزیزان" این پاراگراف نشان دهنده عشق اهمیت شدیدی بوده که نویسنده برای خوانندگان قائل است. آیه ۱۱ تذکر دهنده (۱) "اشتیاق"، که می‌توانست بصورت "اشتیاق شگرف" ترجمه گردد و (۲) "هر یک از شما" که نشان دهنده احساس مسئولیت نسبت به تک تک افراد است.

■ "یقین داریم که چیزهای بهتر که با نجات همراه است، نصیبتان خواهد شد" این جمله، جمع کامل مجهول اخباری است. نویسنده اطمینان داشت که این گروه از خوانندگان مسیحی بوده و عمل به ایمان خود را به درستی انجام خواهند داد.

برای درک بهتر به یادداشت عبرانیان ۷:۷ رجوع کنید.

متن یونانی دقیقاً نوشته است "داشتن نجات (اسم مصدر میانی)" که "چیزهای بهتر" را در عبرانیان ۹:۶ مشخص می‌کند.

۱۰:۶ "که عمل شما را فراموش کند" خداوند بر اساس موارد زیر منصفانه قضاوت خواهد کرد

۱. کتاب زندگی (خروج ۳۲-۳۳؛ مزبور ۲۸:۶۹؛ دانیال ۱:۱۲؛ لوقا ۱۰:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۴؛ عبرانیان ۲۳:۱۲؛ مکاشفه ۵:۳؛ ۸:۱۳؛ ۸:۱۷؛ ۱۲:۲؛ ۱۵:۲۱؛ ۲۷:۲)

۲. کتاب اعمال (مزبور ۸:۵۸؛ ۱۶:۱۳۹؛ اشعیا ۶:۶۵؛ ملاکی ۱:۳، ۱۶:۳؛ متی ۲۵:۳۱-۴۶؛ غلاطیان ۷:۶).

■ "محبتی را که به خاطر نام او در خدمت به مقدسین نشان داده و می‌دهید" با وجودیکه این یهودیان هنوز بطور کامل توسط کلیسا به رسمیت شناخته نشده بودند، اما حقیقتاً کلیسا را در زمان رنجی که متحمل شده بودند، کمک کردند (عبرانیان ۱۰:۳۲-۳۴). یادآوری می‌کنم که در آن زمان کلیسه شریعتی شمرده می‌شد، در حالیکه در همین دوره در قوانین یونان، کلیسا غیرشریعتی بود!

واژه "مقدسین" (*hagioi*) به لحاظ الهیاتی مرتبط است با واژه عهد عتیقی "مقدس" (*kadash*)، بمعنی "برای خدمت بخداوند کنار گذاشته شده" (۱ قرنیتیان ۱:۲؛ ۲ قرنیتیان ۱:۱؛ رومیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۱؛ فیلیپیان ۱:۱). این واژه همیشه در عهد جدید بصورت جمع استفاده می‌شود بجز یکبار در فیلیپیان ۴:۲؛ که حتی آنجا هم بصورت مشترک با متن آمده است. برای نجات باید بخشی از جامعه ایمانی آن عهد بود، یعنی خانواده‌ای از ایمانداران.

مردمان خداوند بواسطه عدالت مطلق عیسی مسیح، مقدس هستند (رومیان ۴ و ۲ قرنیتیان ۵:۲۱). این خواست خداوند است که آنان مقدس زندگی کنند (افسسیان ۱:۴؛ ۲:۱۰؛ ۴:۱؛ ۵:۲۷؛ یعقوب ۲:۱۴-۲۶؛ ۱ پطرس ۱:۱۶). ایمانداران هم مقدس اعلام شده‌اند (تقدیس بر اساس موقعیت) و هم به زندگی همچون قدیسان فراخوانده شده‌اند (تقدیس در حال رشد). این نمونه‌ای است از تش الهیاتی عهد جدید میان "کسانی که اکنون عضوی از پادشاهی خدا هستند" و "هنوز به پادشاهی خداوند وارد نشده‌اند".

موضوع خاص: مقدسین [*hagios*] (Special Topic: Saints)

این یک لغت هم عرض با واژه عبری *kadosh* می‌باشد (اسم، BDB871؛ فعل BDB872, KB 1066-1067؛ به موضوع خاص مقدس مراجعه کنید)، که معنی اولیه آن، "شخصی را، چیزی را، مکانی را برای استفاده انحصاری یهوه کنار گذاشتن (بمفهوم ذخیر کردن)" است. در زبان انگلیسی این لغت بعنوان "مقدس" استفاده می‌شود. اسرائیل "قوم مقدس" یهوه بود (۱ پطرس ۲:۹؛ که نقل قولی از خروج آیه ۱۹:۶ است). یهوه برای بشریت به واسطه ذاتش (ابدی و خلق نشده) و شخصیتش (غایت کمال) کنار گذاشته شد. او استانداردی است که هر آنچه که وجود دارد بر مبنی او قیاس و سنجیده می‌شوند. او والاتر و بالاتر از هر چیز است، ذاتی مقدس که دیگران را تقدیس می‌کند.

او آدمیزاد را برای دوستی آفرید، اما اخراج آنان از بهشت (پیدایش ۳) مسبب بوجود آمدی مرزهای دوستی و اخلاقی با خالق عظیم و بشریت گنهکار گردید. خواست خدا بوده که مخلوقات را هشیارانه بیافریند، لذا، مردمش را به تقدیس فرا خواند (لاویان ۱۱:۴۴؛ ۲:۱۹؛ ۲۰:۷؛ ۲۶:۲۱؛ ۸:۱). بوسیله ارتباطی مبتنی بر ایمان با خدای یهوه و با وعده او، مردمان او مقدس می‌شوند، اما در عین حال به ادامه چنین زندگی نیز فراخوانده می‌شوند (به موضوع خاص تقدیس و همینطور متی ۵:۴۸؛ افسسیان ۴:۱، ۱۷؛ ۵:۲-۳، ۱۵؛ ۱ پطرس ۱:۱۵ رجوع شود).

چنین زندگی ممکن است زیرا ایمانداران کاملاً پذیرفته شده و بواسطه (۱) زندگی عیسی و (۲) کار و حضور روح القدس در ذهن و قلب آنان، بخشیده شده‌اند.

این موضوع باعث بوجود آمدن تناقضی میان ایمانداران می‌گردد:

۱. مقدس بودن بخاطر حقانیت ذاتی عیسی (رومیان ۴)
 ۲. فراخوانده شدن به زندگی این چنینی بخاطر حضور روح القدس (به موضوع خاص تحکیم مراجعه شود)
- ایمانداران "قدیس" هستند (*hagioi*) به دلیل:

۱. خواست روح اقدس (پدر، یوحنا ۶:۲۹، ۴۰؛ ۱ پطرس ۱:۱۵-۱۶)
۲. کار پسر مقدس (عیسی، ۲ قرنیتیان ۵:۲۱؛ ۱ پطرس ۱:۱۸-۲۱)

۳. حضور دائمی روح القدس (رومیان ۸: ۹-۱۱، ۲۷)

عهد جدید این کلمه را بصورت جمع بکار می برد، قدیسان (بجز یک جا در فیلیپیان ۴: ۲۱، اما حتی در متن آن را تبدیل به جمع می کند). نجات یافتن بخشی از یک خانواده است، یک بدن و یک ساختمان! ایمان انجیلی با دریافت شخصی شروع می گردد، اما در دوستی مشکلاتی بوجود می آورد. همه ما بواسطه سلامتی، رشد و بدن نیکی که از عیسی داریم، یعنی کلیسا (۱ قرنتیان ۱۲: ۷) دارای نعمتی خدادادی هستیم (۱ قرنتیان ۱۲: ۱۱). ما نجات یافتیم که خدمتگذار باشیم! "تقدس" ساختار خانواده است!

این نام برای ایمانداران بصورت لقب (اعمال رسولان ۹: ۱۳، ۳۲، ۴۱، ۲۶: ۱۰؛ رومیان ۱: ۷؛ ۱ قرنتیان ۲: ۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ فیلیپیان ۱: ۱؛ کولسیان ۲: ۱) و راهی برای خدمت به دیگران تبدیل شد (رومیان ۱۲: ۱۳؛ ۱۶: ۲؛ افسسیان ۱: ۱۵؛ کولسیان ۱: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۵: ۱۰؛ عبرانیان ۶: ۱۰). پولس فقط یک بار چیزی را از کلیساهای بی ایمانان فراگرفت و آن را برای کلیسای مادر در اورشلیم استفاده کرد (رومیان ۲۶-۱۵: ۲۵؛ ۱ قرنتیان ۱: ۱۶؛ ۲ قرنتیان ۸: ۴؛ ۱: ۹).

۱۱: ۶ "همین جدیت" به فعالیت‌های انواع مختلف زندگی (در یعقوب، ۱ پطرس و ۱ یوحنا) توجه کنید. اطمینان در درجه اول یک دکترین برای تأیید موضوع نیست، بلکه حیاتی برای زندگی است (متی ۷).

■ "تا به آخر" استقامت بعنوان امنیت، دکترین حقیقی الهیاتی است. اما مهم است که ثمره آن را بدانید (متی ۷؛ یعقوب ۲: ۱۴-۲۶). به یادداشت استقامت در عبرانیان ۴: ۱۴ و همینطور موضوع خاص در عبرانیان ۷: ۱۱ رجوع کنید.

۱۲: ۶ "کاهل" واژه مشابهی که در زبان انگلیسی برای آن بکار برده شده است، "کند" به لحاظ جسمی است. این واژه در عبرانیان ۱۱: ۶ در نقطه مقابل "سخت‌کوش" استفاده شده است. ایمانداران نه در زندگی مسیح‌وار رشد کرده بودند و نه در جامعه بزرگ مسیحیان آنگونه که باید می بودند (عبرانیان ۱: ۱۲-۳).

■ "کسانی که با ایمان و شکیبایی وارث وعده‌ها می‌شوند" این می‌تواند اشاره به نقش ایمان در فصل ۱۱ داشته باشد. ایمانداران عهد عتیق مورد بحث در میان درگیری‌ها و محاکمات بزرگی که اغلب نیز به مرگ فیزیکی منجر می‌شد، ایمان خود را حفظ کردند (بیشتر در فصل ۱۱ و احتمالاً در عبرانیان ۴: ۱۲). وعده خداوند مرکز توجه پاراگراف در آیات ۶: ۱۳-۲۰ هستند. آنان مطمئن و وفادار هستند زیرا که خداوند مطمئن و وفادار است!

موضوع خاص: وراثت ایمانداران - (Special Topic: Believers' Inheritance)

در عهد عتیق، تمام خاندان‌ها بجز لاوی، زمینی بعنوان سهم الارث دریافت کرد (یوشع ۱۴-۲۲). لاویان بعنوان خاندان کاهنان، معبد خدمتگذاران و معلمین محلی، به گونه‌ای دیده می‌شدند که گویی خدای یهوه ارث آنان است (مزمور ۱۶: ۵؛ ۷۳: ۲۳-۲۶؛ ۱۱۹: ۵۷؛ ۱۴۲: ۵؛ مراثی ارمیا ۳: ۲۴). نویسندگان عهد جدید اغلب از حقوق و مزایای لاویان بهره‌برداری کرده و به سود سایر ایمانداران استفاده می‌کردند. این شیوه آنها بود تا تسریح کنند که پیروان عیسی مردمان واقعی خداوند بوده و اکنون همه ایمانداران بعنوان کاهنین خداوند برای خدمت فرا خوانده شده‌اند (۱ پطرس ۲: ۵، ۹؛ مکاشفه ۱: ۶)، همانگونه که در عهد عتیق درباره تمام اسرائیل تسریح شده بود (خروج ۱۹: ۴-۶). تأکید عهد جدید بر روی اشخاص بعنوان کاهن با اختیارات خاص نیست، بلکه می‌گوید همه ایمانداران کاهنینی هستند که تقاضای خدمت دارند (۱ قرنتیان ۲: ۷). مردمان خداوند در عهد جدید وظیفه بشارت جهانی را که در عهد عتیق به آنها تعلق گرفته بود، دارند (پیدایش ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵؛ متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ لوقا ۲۴: ۴۶-۴۷؛ اعمال رسولان ۱: ۸؛ و به موضوع خاص برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه نمایید.

این مفهوم عیسی بعنوان صاحب خلقت است زیرا او نماینده پدر در آفرینش بود (یوحنا ۱: ۳، ۱۰؛ غلاطیان ۴: ۷؛ کولسیان ۳: ۲۴). متون از میراث‌گذاری بسیار چیزها توسط ایمانداران (اعمال رسولان ۲۰: ۳۲؛ ۲۶: ۱۸؛ افسسیان ۴: ۱؛ کولسیان ۱: ۱۲؛ ۳: ۲۴) بواسطه ارتباط خانوادگیشان با عیسی که وارث همه چیز است، سخن می‌گویند (عبرانیان ۲: ۱). بنابراین، آنها وارث موارد زیر هستند (رومیان ۸: ۱۷؛ غلاطیان ۴: ۷):

۱. پادشاهی (متی ۲۵: ۳۴؛ ۱ قرنتیان ۶: ۹-۱۰؛ ۱۵: ۵۰؛ افسسیان ۵: ۵)
۲. زندگی ابدی (متی ۱۹: ۲۹؛ عبرانیان ۵: ۱۵)
۳. وعده‌های خداوند (عبرانیان ۶: ۱۲)
۴. محافظت از وعده‌های خداوند (۱ پطرس ۴: ۵)

^{۱۳} هنگامی که خدا به ابراهیم وعده داد، چون بزرگتری از خودش نبود که به او سوگند خورد، پس به خود سوگند خورد ^{۱۴} و فرمود: «به یقین تو را برکت خواهم داد و تو را کثیر خواهم ساخت.» ^{۱۵} و بدین گونه، ابراهیم پس از آنکه با شکیبایی انتظار کشید، وعده را یافت.

^{۱۶} آدمیان به کسی بزرگتر از خود سوگند می‌خورند و سوگند، سخن شخص را تضمین می‌کند و به همه بحثها پایان می‌بخشد. ^{۱۷} به همین سان، چون خدا خواست تغییرناپذیر بودن قصد خود را بر وارثان وعده‌ها هر چه آشکارتر سازد، آن را با سوگند تضمین کرد، ^{۱۸} تا به واسطه دو امر تغییرناپذیر، که ممکن نیست خدا درباره آنها دروغ بگوید، ما از دلگرمی بسیار برخوردار شویم، ما که گریخته‌ایم تا امیدوی را که پیش روی ما قرار داده شده است، به چنگ گیریم. ^{۱۹} این امید، به منزله لنگری محکم و ایمن برای جان ماست، امیدی که به محراب درون حجاب راه می‌یابد، ^{۲۰} جایی که عیسی چون پیشرو ما، و به نمایندگی از ما، داخل شد؛ همان که جاودانه کاهن اعظم شده است، در رتبه ملکیصدیق.

۲۰-۱۳:۶ چنانچه ما بدرستی واکنش نشان دهیم، در اینجا وعده امنیت و امیدی که توسط خداوند داده می‌شود بسیار نیرومند است (عبرانیان ۶: ۱۸).

۱۳:۶ "هنگامی که خدا به ابراهیم وعده داد" ابراهیم به این دلیل در اینجا ذکر شده زیرا که او پدر قوم یهودی در نظر گرفته شده که خدای یهوه وعده‌های زیادی به آنان داده بود (پیدایش ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲)، و نیز به دلیل ارتباطش با ملکیصدیق (پیدایش ۱۴). ایمان او به خدا در صدر شریعت قرار داشته و بنابراین خاص و عامی بود که در عهد جدید ایمان را تجربه کرده بودند (رومان ۴).

همچنین به لحاظ الهیاتی این امکان وجود دارد که انتخاب ابراهیم و وعده‌هایی که خداوند به او داده بود به دلیل کیفیت کار او نبود، بلکه به دلیل وعده‌های بی‌قید و شرط خداوند بوده است (پیدایش ۱۵: ۱۲-۲۱؛ همچنین در عهد جدید، ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۸)، در حالیکه پیمان با موسی بر اساس سرسپردگی و اطاعت او بود، پیمانی بر مبنای شرط (تثنیه ۲۷-۲۸).

■ "او به خود سوگند خورد" این بخش از آیه به لحاظ تاریخی برمی‌گردد به پیدایش ۲۲: ۱۶-۱۷ (پیشنهاد ابراهیم به اسحاق) یا به لحاظ متنی به مزمور ۴: ۱۱۰ (عبرانیان ۱۷: ۷، ۲۱). بر روی سوگندها و وعده‌های خداوند می‌توان حساب کرد (عبرانیان ۶: ۱۶-۱۷). این سمت و سوی الهیاتی در پاراگراف است. امید ما اینست که ماهیت شخصیت‌ها (مزمور ۱۰۲: ۲۷؛ ملاکی ۳: ۶؛ عبرانیان ۸: ۱۳) و وعده‌های خداوند (اشعیا ۴۰: ۸؛ ۵۵: ۱۱) دستخوش تغییرات نشوند. این‌ها "دو چیز تغییرناپذیر" در عبرانیان ۶: ۱۸ هستند!

۱۴:۶ این بخش از عبرانیان شامل استفاده نویسنده از نقل قول‌های عهد عتیق به ابراهیم است. خداوند وعده نسل‌های زیادی را بوسیله اسحاق به او داد. مشکل الهیاتی این است که تمام نسل‌های بجا مانده از ابراهیم، پیروان باوفای یهوه نبودند. آنها مردمان منتخب پیمان بودند، اما همگی آنها تمرین ایمان شخصی نکرده بودند (عبرانیان ۶: ۱۸).

۱۵:۶ این آیه در وصف ایمان کامل ابراهیم (وی از چندین زن دارای فرزند بود، وی برای نجات زندگی خویش قصد از دست دادن ساره را داشت) در ارتباط با قول خداوند نیست، بلکه بخاطر دل باوفا و تمکین او از خداوند بود. ابراهیم، همچون همه انسان‌ها، تلفیق عجیبی از ایمان و ترس و نیکی و شرارت است.

۱۸:۶ "دو امر تغییرناپذیر" به قسم خداوند (نقل قول مزمور ۴: ۱۱۰ که در عبرانیان ۵: ۶؛ ۶: ۲۰؛ ۷: ۱۷ آورده شده) و قول خداوند (عبرانیان ۶: ۱۴) باز می‌گردد. حرفی که خداوند می‌زند، ملاک تضمین برای ما است (اشعیا ۵۵: ۱۱؛ متی ۵: ۱۷-۱۸).

■ "که ممکن نیست خدا درباره آنها دروغ بگوید" این بخش می‌تواند اضافه‌ای به اعداد ۱۹: ۲۳ یا ۱ ساموئیل ۲۹: ۱۵ باشد. این نمونه مشابه، تاییدیه‌ای بوسیله پولس در ۲ تیموتائوس ۱۳: ۲ و تیتوس ۱: ۲ می‌باشد. یادداشت کامل را در عبرانیان ۶: ۶ مطالعه نمایید.

■ "ما از دلگرمی بسیار برخوردار شویم" این بخش می‌تواند مربوط به موارد زیر باشد

۱. شهرهای عهد عتیق برای پناه (اعداد ۳۵: ۶؛ تثنیه ۴: ۴۱-۴۳؛ یوشع ۲۰)

۲. استعاره‌ای برای حاشیه‌های امن در مقابل طوفان (عبرانیان ۲: ۱۴؛ ۶: ۱۹)

۳. استعاره‌ای در ارجاع به خداوند بعنوان دژی نیرومند که مردمانش به آن پناه می‌برند (مزمور ۱۸: ۱-۲؛ ۳۱: ۳؛ ۹۱: ۲، ۹؛ ۹۴: ۲۲؛ ۱۴۴: ۲؛ اشعیا ۱۷: ۱۰؛ ۲۵: ۴؛ ارمیا ۱۶: ۱۹؛ یوئیل ۳: ۱۶؛ نحما ۱: ۷).

■ "ما که گریخته‌ایم تا امیدوی را که پیش روی ما قرار داده شده است، به چنگ گیریم" در آیه ۱۸ ما شاهد توازنی از پادشاهی خداوندی قابل اطمینان و نیرومند هستیم (عبرانیان ۶: ۱۸) که انسان‌ها باید او را اجابت کرده و تا انتها این اجابت را بوسیله ایمانشان ادامه دهند (عبرانیان ۶: ۱۸).

۱۹:۶ "لنگر" این واژه بعنوان نشان باستانی مسیحیان برای آرامش، امنیت و امید استفاده می‌شود. شکل آن بر روی دیوارهای صومعه‌های زیرزمینی یونان یافت شده است. این واژه سرود گاترها را به یاد می‌آورد

”لنگر روحم را در پناهی امن، انداخته‌ام
دیگر دریا‌های خروشان را در نمی‌وردم
سهمگین‌ترین توفان ممکن است توفان‌های عمیق دیگر را جارو کند
اما در کنار عیسی من در پناهی امن هستم تا ابد.”

■ **”محکم”** به موضوع خاص: ضمانت در عبرانیان ۲:۲ رجوع کنید.

■ **”امیدی که به محرابِ درون حجاب راه می‌یابد”** در اینجا لنگر امید به مساوات عیسی کاهن اعظم استفاده شده که وارد خیمه بهشتی می‌شود (عبرانیان ۸:۵؛ ۹:۲۳)، حتی به درون قدیسانی مقدس، که نشانه حضور خداوند هستند. امید ایمانداران به شخصیت و قول‌های خداوند و کار تمام شده عیسی مسیح است.

این فلسفه افلاطون‌نیم نیست (فلسفه آشکال زمینی در مقابل افکار آسمانی)، بلکه بافت آسمانی خیمه است که به موسی در کوه سینا نشان داده شد (عبرانیان ۸:۵؛ خروج ۲۵-۴۰). این نوع دوگانگی در طومارهای دریای مرده نیز یافت شده است. این نوع استدلال (نسخه‌ای زمینی از چیزی آسمانی) به پیش از دوره فیلسوف یونانی افلاطون باز می‌گردد. از بخش نامرئی ما می‌گوید اما مطمئناً ایمان آن به مسیح است (عبرانیان ۹:۲۳).

۶:۲۰ **”چون پیشرو ما”** این واژه یونانی در ارتباط با (۱) یک پیشاهنگ که جلوتر از سایرین رفته، مسیر درست را شناسایی و علامتگذاری می‌کند (پیشگام) یا (۲) کشتی کوچکی که یک کشتی بزرگ‌تر را به بنادر امن هدایت می‌کند، استفاده می‌شده است. عیسی در هر جا که لازم بود، جلوتر از ایمانداران رفته، بعنوان کسی که غلبه می‌کند، وفادار است، منجی است، کاهن است، و فداکاری کامل است!

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا آیات ۲-۴ فهرستی از ملزومات مسیحی هستند یا حقایق یهودیت؟
۲. آیا کتاب عبرانیان ”جدا شدن از فیض” را آموزش می‌دهد؟ چرا بله یا چرا خیر؟
۳. چرا رویدادهای زمانی و مکانی تاریخی در این کتاب برای تفسیر صحیح حائز اهمیت هستند؟
۴. آیا کتاب مقدس می‌آموزد که افرادی که واقعاً نجات یافتند تا پایان پایدار می‌مانند، و یا آنهایی که تا انتها به ایمانشان پایبند هستند، نجات یافته‌اند؟
۵. کسانی که در آیات ۴-۶ از آنان سخن گفته شده ایمانداران هستند یا بی‌ایمانان؟ چرا؟
۶. ”شما” در عبرانیان ۹:۶ چگونه به ”آنانکه” در عبرانیان ۴:۶ ارتباط دارند؟
۷. آزارهایی را که ایمانداران با آن روبرو بودند را تعریف کنید
۸. دو چیز تغییر ناپذیر در عبرانیان ۱۸:۶ چه بودند؟
۹. چگونه پادشاهی خدا و اراده آزاد انسان در عبرانیان ۱۸:۶ توازن می‌یابند؟
۱۰. چگونه شخصیت خداوند و کار تمام شده عیسی در عبرانیان ۶:۱۳-۲۰ به یکدیگر مربوط می‌شوند؟

عبرانیان ۷

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|-----------------------|----------------|--|---------------------|---|
| فرامین مُلْکِیْصِدِیق | سلطان عدالت | مقایسه مقام کاهنی مُلْکِیْصِدِیق و لاوی | مُلْکِیْصِدِیق کاهن | مُلْکِیْصِدِیق |
| ۳-۱:۷ | ۳-۱:۷ | ۳-۱:۷ | ۳-۱:۷ | ۳-۱:۷ |
| | | | | مُلْکِیْصِدِیق از ابراهیم ده یک قبول کرد |
| ۱۰-۴:۷ | ۱۰-۴:۷ | ۱۰-۴:۷ | ۱۰-۴:۷ | ۱۰-۴:۷ |
| | | | | از کاهنیت لاوی تا مُلْکِیْصِدِیق |
| ۱۹-۱۱:۷ | ۱۹-۱۱:۷ | ۱۴-۱۱:۷ | ۱۴-۱۱:۷ | ۱۲-۱۱:۷ |
| | | | | ۱۴-۱۳:۷ |
| | | | | لغو شریعت قدیم |
| | | ۱۹-۱۵:۷ | ۱۹-۱۵:۷ | ۱۹-۱۵:۷ |
| | عظمت کاهن جدید | | | کاهنیت عیسی تغییر ناپذیر است |
| ۲۵-۲۰:۷ | ۲۸-۲۰:۷ | ۲۵-۲۰:۷ | ۲۲-۲۰:۷ | ۲۵-۲۰:۷ |
| | | | ۲۵-۲۳:۷ | تکمیل کاهن اعظم آسمانی |
| ۲۸-۲۶:۷ | | ۲۸-۲۶:۷ | ۲۸-۲۶:۷ | ۲۸-۲۶:۷ |

تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است.

در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها (را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه .

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس ") "

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳. (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱:۷-۳

۱ این ملکیصدق، پادشاه سالیم و کاهن خدای متعال بود. او به ابراهیم که از شکست دادن پادشاهان باز می‌گشت، برخورد و او را برکت داد. ۲ و ابراهیم به همین شخص از همه چیز ده یک داد. نام او نخست به معنی 'پادشاه پارسایی' و بعد 'پادشاه سالیم'، یعنی 'پادشاه صلح' است. ۳ او به لحاظ اینکه نه پدر و نه مادر و نه نسب‌نامه‌اش معلوم است، و نه آغاز ایام یا پایان زندگی‌اش، شبیه پسر خدا بوده، همیشه کاهن باقی می‌ماند.

۱:۷ "ملکیصدق" وی یک پادشاه یا کاهن غیر یهودی از شهر کنعان بود که آن زمان سالیم نامیده می‌شد، و بعدها تبدیل شد به جبوس و بعد هم اورشلیم. معنی نام وی "سلطان پارسای من" است (که بسیار شبیه نام پادشاه اورشلیم در Jos 10:1، "ارباب من پارسا است") می‌باشد. تبار وی هرگز مشخص نگردید، اما ابراهیم احترام ویژه‌ای برای وی قائل است. بهمین دلیل است که وی مدل عهد عتیقی مناسبی برای عیسی مسیح می‌باشد. به وی فقط در پیدایش ۱۴:۱۸-۲۰ و مزمور ۴:۱۰ اشاره شده است. درباره هویت وی بحث‌های زیادی مطرح بوده است.

۱. برای افلاطون، وی شخصیتی دارای روح انسانس است

۲. برای اوریگن، وی فرشته است

۳. برای امبروس، وی فرشته خدا است

۴. برای دیگران، وی فرشته ملی اسرائیل، میکائیل است

۵. برای افیفانیوس، وی تجسم دوباره روح القدس است

۶. برای ملکیصدقیان، وی بزرگتر از مسیح موعود بوده و تمام نیایش‌ها بسوی او می‌رود

۷. برای یهودیان، جروم و لوتر، وی سام است، پسر نوح

به چهار دلیل ملکیصدق بعنوان کاهنیت عیسی استفاده شده است:

۱. ابراهیم به وی ده یک می‌دهد (رده‌های پایین‌تر همیشه به رده‌های بالاتر ده یک می‌دهند) و بر طبق تفاسیر روحانیون یهود، لاوی نیز ده یک داد (عبرانیان ۹:۷-۴)

۲. والدین او مشخص نیستند، لذا الهیات روحانیون یهود می‌گویند که او پدر و مادری نداشت و بنابراین فناپذیر بود (عبرانیان ۳:۷؛ مزمور ۱۱۰:۴).

۳. او رهبری در شهر مقدس، اورشلیم بود (سالیم، پیدایش ۱۴:۱۸)

۴. وی کاهن خداوند منان بود (El Elyon، پیدایش ۱۴:۱۸)

۵. وی به نویسنده اجازه می‌دهد تا جدای از کاهنیت لاویان، کاهنیتی شرعی تاسیس کند

■ "پادشاه... کاهن" وی تنها فرد در عهد عتیق است که هر دو مقام کهنات و سلطنتی را با هم دارا است (مزمور ۱۰).

■ "او را برکت داد" مقام بزرگ‌تر همیشه پایین‌تر را برکت می‌دهد، بنابراین، ابراهیم (و بدنبال خاندان او، لاوی)، بوسیله ملکیصدق برکت داده شده بود (پیدایش ۱۴:۱۹)، که همین امر مقام بالاتر او را نسبت به کاهنیت هارونی نشان می‌دهد. این امر همچنین نشان می‌دهد که عیسی، که از تبار یهودا بود، می‌توانست درجه دیگری از کاهنی را داشته باشد.

۲:۷ "ده یک" توجه داشته باشید که ده یک (۲۰:۱۴) قدیمی‌تر از قوانین موسایی است. بنوعی شبیه شبات و اولین میوه‌ها که نشان دهنده تملک خداوند بر همه چیز است، می‌باشد (پیدایش ۱۴:۱۹).

■ "معنی نام او" ریشه‌شناسی خاص عبارت "پادشاه پارسایی" مشخص نیست اما عنوان مشابهی برای مسیح موعود در ارمیا ۶:۲۳ استفاده شده است (ارباب ما پارسایی) و ۳۳:۱۶ (ارباب ما پارسا است). همچنین، مسیح موعود پارسا خواهد بود و صلح را به ارمغان خواهد آورد (اشعیا ۹:۶؛ ۳:۲۶، ۱۲:۳۲ و ۱۷:۵۴).

■ "پادشاه پارسایی" برای پارسایی به موضوع خاص در عبرانیان ۹:۱ رجوع کنید.

■ "سالیم" نام این شهر ممکن است از واژه عبری "شالوم" بمعنی "صلح" گرفته شده باشد. برخی مفسرین تصور می‌کنند که این نام اشاره به یکی از خدایان بیوسی داشته باشد. این شهر در پیدایش ۱۴ سالیم نامیده شده، اما مزمو ۲:۷۶ آن را به اورشلیم وصل می‌کند (صیون)، که در دوره کنعانیان بیوس نامیده می‌شده است.

۳:۷ این آیه مربوط به علوم تفسیری یهود (Midrash) و بر اساس این حقیقت بوده که تبار ملک‌یصق در پیدایش ۱۴:۱۸-۲۰ نوشته نشده است. ملک‌یصق نیز همچون سایر انسان‌ها دارای والدینی بوده است، اما وی مسیح را به گونه‌ای دیگر خدمت کرده است (عبرانیان ۸:۷). این امر در عبرانیان ۷:۸، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۸ ذکر شده است.

■ "آغاز ایام" به موضوع خاص نویسنده در عبرانیان ۱۴:۳ رجوع کنید.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۷:۴-۱۰

۴: بن‌گرید که او چه شخص بزرگی بود که حتی ابراهیم پاتریازک از غنایم به او ده‌یک داد! ^۵ حال، بنا بر حکم شریعت، فرزندان لاوی که کاهن می‌شوند، می‌باید از قوم که برادران ایشانند ده‌یک بگیرند، هر چند آنها نیز از نسل ابراهیم‌اند. ^۶ اما این شخص که از نسل لاوی نبود، از ابراهیم ده‌یک گرفت و او را که صاحب وعده‌ها بود، برکت داد. ^۷ و بدون شک، کوچکتر است که از بزرگتر برکت می‌یابد. ^۸ در یکی، کسانی ده‌یک می‌گیرند که می‌میرند؛ اما در دیگری، کسی که درباره‌اش شهادت داده شده که زنده است. ^۹ حتی می‌توان گفت که خود لاوی هم که دریافت‌کننده ده‌یک بود، به واسطه ابراهیم ده‌یک داد. ^{۱۰} زیرا هنگامی که ملک‌یصق به ابراهیم بر خورد، لاوی در همان وقت نیز در صلب جَدش وجود داشت.

۵:۷ هر چند آنها نیز از نسل ابراهیم‌اند "منطق روحانیون یهود اینطور می‌گوید که لاوی در رنگ‌های ابراهیم وجود دارد (عبرانیان ۷:۱۰). این تفسیر تاویلی یهودی است نه یک حقیقت علمی.

۷:۷ "بزرگتر" قلب کتاب عبرانیان، مقایسه عهد موسی و پیمان جدید عیسی است. این تضاد اغلب بوسیله واژه "بزرگتر" (*kreittōu/kreissōu*) که بمعنی "بهتر"، "ارجحتر"، "بهترین"، "باززشتتر" و "با درجه بالاتر" می‌باشد، نشان داده شده است. این شکل اغلب در عبرانیان رایج است.

۱. بمراتب بهتر از فرشتگان (عبرانیان ۴:۱)

۲. چیزهای بهتر برای شما (عبرانیان ۹:۶)

۳. کوچکتر از بزرگتر برکت می‌گیرد (عبرانیان ۷:۷)

۴. امیدی تازه (عبرانیان ۱۹:۷)

۵. پیمانی بهتر (عبرانیان ۷:۲۲؛ ۸:۶)

۶. با فداکاری بهتر (عبرانیان ۲۳:۹)

۷. تعلقی بهتر (عبرانیان ۱۰:۳۴)

۸. تجسمی بهتر (عبرانیان ۱۱:۳۵)

۹. کشوری بهتر (عبرانیان ۱۱:۱۶)

۱۰. خداوند چیز بهتری را فراهم کرده است (عبرانیان ۱۱:۴۰)

۱۱. خون او بهتر سخن می‌گوید (عبرانیان ۱۲:۲۴)

۸:۷ "زنده است" این بخش به لازلی ملک‌یصق اشاره می‌کند زیرا که (۱) والدینش در پیدایش ۱۴ لحاظ نشده‌اند و مرگ وی نیز به ثبت نرسیده و همچنین (۲) تفسیر خاص مزمو ۴:۱۱۰ ("تا ابد").

۹:۷-۱۰ این نیز یک تفسیر روحانیون یهودی است. از آنجایی که لاوی از نسل هاروی، از نوادگان ابراهیم است، با تطابق این موضوع، کهانت یهودی (حتی بعنوان کاهنی اعظم) به ملک‌یصق ده‌یک اعانه داده است. بنابراین ملک‌یصق ارجح‌تر بوده و عیسی از کاهنان یهود ارجح‌تر.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۷:۱۱-۲۲

۱۱ اگر دستیابی به کمال، از طریق نظام کهانت لاوی میسر بود - چرا که قوم قوانینی در خصوص آن دریافت کرده بودند - چه لزومی داشت کاهنی دیگر، نه از رتبه هارون، بلکه از رتبه ملک‌یصق ظهور کند؟ ^{۱۲} زیرا اگر نظام کهانت تغییر کند، ناگزیر شریعت نیز می‌باید تغییر یابد. ^{۱۳} زیرا کسی که این مطالب درباره او گفته شده، به قبیله‌ای دیگر تعلق دارد که از آن قبیله کسی هرگز خدمت مذبح را نکرده است؛ ^{۱۴} چون کاملاً روشن است که خداوند ما از نسل یهودا بود و موسی در مورد آن قبیله چیزی راجع به کهانت نگفت. ^{۱۵} و از این هم روشنتر آنکه هر گاه کاهنی دیگر

همانند ملکیصدق ظهور کند،^{۱۶} او نه بر پایه حکم شرعی مربوط به نَسَب خود، بلکه بر پایه نیروی حیاتی فناپذیر، کاهن می‌شود.^{۱۷} زیرا دربارهٔ او چنین شهادت داده شده که:

«تو جاودانه کاهن هستی،

در رتبهٔ ملکیصدق.»

^{۱۸} حکم پیشین منسوخ شد، چون سست و بی‌فایده بود،^{۱۹} زیرا شریعت هیچ چیز را کامل نکرد. در مقابل، امیدی بهتر ارائه شد که از طریق آن به خدا نزدیک می‌شویم.

^{۲۰} و این بدون سوگند نبود! دیگران بدون هیچ سوگندی کاهن شدند،^{۲۱} اما کاهن شدن او با سوگند همراه بود، آنگاه که خدا به وی گفت:

«خداوند سوگند خورده

و نظرش را تغییر نخواهد داد که:

”تو جاودانه کاهن هستی.“

^{۲۲} به خاطر این سوگند، عیسی ضامن عهدی بهتر شده است.

۱۱:۷ ”اگر“ شرطی نوع دوم است که در مقابل حقیقتی، شرط و تضاد می‌گذارد. برای اثبات نکته‌ای، حالت خطایی بوجود آمده است. کهانت لای کمال روح و بلوغ را به ارمغان نیاورد.

■ ”کمال“ واژه یونانی برای این لغت از خانواده telos گرفته شده که معنی ”چیزی را به پایان آوردن“، ”تکمیل کردن چیزی“، و یا ”به بلوغ رسیدن“ است. در اینجا اشاره به چیزی یا کسی متناسب و نماینده یا میانجی‌گری اثرگذار دارد.

موضوع خاص: تمام یا کامل - (Telos) (Special Topic: End or Full)

این موارد رده بالای معنوی، قالبی است که دوباره در عبرانیان باز گشته است

۱. Telos پایان، تحقق چیزی (عبرانیان ۳:۶، ۱۴:۸، ۸:۱۱)

۲. Teleiōo ”چیزی را تکمیل کردن“

a. (عیسی) برای کامل کردن نویسنده رستگاری بوسیله رنج (عبرانیان ۲:۱۰)

b. (عیسی) بوسیله رنجی کشید به کمال رسید (عبرانیان ۵:۸-۹)

c. شریعت باعث کامل شدن چیزی نگردید (عبرانیان ۷:۱۹)

d. یک پسر، چیزی را برای ابد تکمیل کرد (عبرانیان ۷:۲۸)

e. پرستش کننده را تکمیل کنید (عبرانیان ۹:۹)

f. کسانی که نزدیک می‌آیند را کامل کنید (عبرانیان ۱۰:۱)

g. وی برای همیشه آنانی را که تقدیس شده‌اند را تکمیل کرده است (عبرانیان ۱۰:۱۴)

h. آنان جدای از ما نباید کامل شوند (عبرانیان ۱۱:۴۰)

i. روح پارسایی مردان به کمال رسید (عبرانیان ۱۲:۲۳)

۳. teleios، بالغ (عبرانیان ۵:۱۴)

۴. teleios، خیمه کامل‌تر (عبرانیان ۹:۱۱)

۵. teleiostēs، فشار بر بلوغ (عبرانیان ۶:۱)

۶. teleiōsis، چنانچه تکامل از درون کاهنیت لای بوده باشد (عبرانیان ۷:۱۱)

۷. Teleiōtēs، نویسنده و تکمیل کننده ایمان (عبرانیان ۱۲:۲)

عیسی بلوغ و تکاملی را به ارمغان آورد که پیمان موسایی هرگز نتوانست آن را به انجام برساند!

■ ”از طریق نظام کهانت لای“ به وضوح این بخش اشاره دارد به (۱) از تبار لای و فرستاده خدا بودن موسی در ایجاد نظام قربانی در اسرائیل یا (۲) لویان و کاهنانی که به مردم قوانین را تدریس می‌کردند.

۲:۷ ”نظام کهانت تغییر کند“ قصد قوانین موسایی هرگز این نبود که پارسایی برای مردم بوجود آورد، بلکه این بود که تداوم نتایج حاصل از رانده شدن بشر از بهشت و ناتوانی وی را در خوشحال کردن خداوند نشان دهد غلطیان (۳:۲۴-۲۵). این حقیقت بزرگی است تا بتوان علت بوجود آوردن قوانین موسی را توسط خداوند، دریافت.

این متن باید اشاره به "عهد جدید" داشته باشد.

۱۳:۷ "از آن قبیله کسی هرگز خدمت مذبح را نکرده است" این جمله خبری کامل بوده، که می‌تواند بگوید نظام قربانی کردن کماکان ادامه داشته است. اگر چنین باشد، کتاب عبرانیان قبل از تخریب اورشلیم در سال ۷۰ نوشته شده است.

هیچ کس خارج از ایل لاوی و خانواده هارون بعنوان کاهن در عهد عتیق خدمت نکرده است. علت تسخیر فلسطین در دوره رومیان این نبوده است (Annas, Caiphas).

۱۴:۷ "خداوند ما از نسل یهودا بود" (در متن انگلیسی نوشته شده: "ارباب ما از نسل یهودا بود") این نیز یک جمله خبری کامل است. فعلی که در نسخه انگلیسی برای نسل استفاده شده، "Descend" بمعنی "فرود آمدن" یا "از جایی پایین پریدن" بوده و برای موارد زیر استفاده شده است:

۱. طلوع خورشید (متی ۴:۴۵)

۲. حرکت سیارات

۳. شاخه‌های گیاه

۴. به صورت استعاره، برای نسل بشر (زکریا ۶:۱۲؛ اشعیا ۱۱:۱؛ ارمیا ۲۳:۵-۶)

در اینجا اشاره به پیشگویی‌های یعقوب درباره فرزندان در پیدایش ۴۹ دارد (بخصوص ۴۹:۱۰)

■ "یهودا" عیسی از خاندان سلطنتی داوودی یهودا بود (پیدایش ۴۹:۸-۱۲؛ ۲ ساموئیل ۷:۱۲-۱۶؛ اشعیا ۹:۶، ۷). متقاعد کردن یهودیان برای پذیرفتن عیسی بعنوان کاهن اعظم بسیار دشوار بود زیرا که او از تبار کاهنان لاوی همچون موسی و هارون نبود.

۱۵:۷ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که تصور می‌شود از دیدگاه نویسنده صحت داشته و یا برای مقاصد ادبی استفاده شده است. کاهنی دیگر آمده که از تبار ملک‌یصداق است.

۱۶:۷

NASB "نه بر پایه حکم الزامات انسانی"

NKJV "نه بر اساس احکام انسانی"

NRSV "نه بوسیله ملزومات شرعی در رابطه با نسل انسانی"

TEV "نه بوسیله قوانین انسانی و مذهبی"

NJB "نه بموجب احکامی انسانی"

اختیارات کاهنیت عیسی در آنچه که از تبار/خانواده اش به او رسیده است، قرار نمی‌گیرد، بلکه بخاطر بهره بردن از زندگی ابدی و فناپذیر می‌باشد (از خانواده ملک‌یصداق در پیدایش ۱۴ نامی آورده نشده و لغت "تا ابد" در مزمور ۴:۱۰۴ استفاده شده است). عیسی دارای زندگی ازلی خداوند است (مطابق قسم و قول خداوند).

NASB, NRSV,

NJB "زندگی فناپذیر"

NKJV "یک زندگی بی‌پایان"

TEV "زندگی‌ای که پایانی ندارد"

این بخش بنظر می‌رسد مربوط به تفاسیر روحانیون یهود (midrash) از مزمور ۴:۱۱۰ که می‌گوید ملک‌یصداق دارای پدر و مادر نبود، و بنابراین زندگی ازلی داشت، باشد (عبرانیان ۷:۶، ۸).

۱۷:۷ "زیرا درباره او چنین شهادت داده شده" این نقلی است از مزمور ۴:۱۰۴ نسخه Septuagint (همانند عبرانیان ۷:۲۱).

۱۸:۷

NASB "حکم کنار گذاشته شد"

NKJV "حکم خنثی شده است"

NRSV "ملغی"

TEV "کنار گذاشته شده"

NJB "پس لغو شده است"

این واژه در نسخه پاپيروس مصری یافت شده و در اشکال (۱) "کنار گذاشتن" (۲) "تو خالی درست کردن" و یا (۳) "بطور کامل پرداخت شدن" استفاده شده است.

این آیه از کنار گذاشتن فرمانی صحبت می کند (احتمالاً از سلاله کاهنی اعظم). بیشتر تعجب برانگیز است که یک گذاره الهام شده از عهد عتیق (متی ۱۷: ۱۹) می تواند به کنار گذاشته شود، با اینحال، این دقیقاً نکته ای است که پولس در غلاطیان ۳ در ارتباط با هدف رستگاری در شریعت کنار گذاشته شده، به آن اشاره کرد. پولس، با اینحال، تسریح می کند که بدلیل ضعف انسان رانده شده (رومیان ۷) بود، نه عهد عتیق. نویسنده عبرانیان ارجحیت عیسی را به موسی نشان داده و شریعت را ضعیف و بی فایده می خواند (عبرانیان ۸: ۱۳).

■ "حکم پیشین" اشاره به نظام لایوانی یا پیمان قدیم که توسط نظام شریعتگذاری موسی تنظیم شده دارد.

■ "چون سست و بی فایده بود" رومیان ۷ و غلاطیان ۳ در ترجمه این متن بسیار مفید هستند. بخاطر شریعت خدا نبود، بلکه طبیعت بشر رانده شده بود که ضعیف بوده و شریعت نمی توانسته وظیفه خود را بدرستی انجام دهد!

۱۹:۷ "زیرا شریعت هیچ چیز را کامل نکرد" غلاطیان ۳ و موضوع خاص در عبرانیان ۷: ۱۱ را مطالعه فرمایید.

■ "بهتر" یادداشت کامل را در عبرانیان ۷: ۷ مطالعه فرمایید.

■ "از طریق آن به خدا نزدیک می شویم" این یک مفهوم کلیدی است (عبرانیان ۷: ۲۵؛ ۴: ۱۶؛ ۱۰: ۱). نویسنده تسریح می کند که شریعت موسی، با قوانین کاهنانه و قربانی لایوانی، بشریت را به خدا نزدیک نکرد، اما عیسی، کاهن اعظم ما، شکست نخورده و نخواهد خورد (عبرانیان ۱۰: ۲۲؛ یعقوب ۷: ۴).

توجه داشته باشید که عیسی پیمان بهتری را به ارمغان آورد، اما هنوز این انسان ها هستند که باید به آن واکنش نشان دهند، همانگونه که کاهنان انجام دادند (ایمانداران اکنون به نوعی پیمان جدید کاهنان هستند ۲ پطرس ۲: ۵، ۹؛ مکاشفه ۱: ۶).

۲۰:۷ "و این بدون سوگند نبود" وعده های خداوند قابل اطمینان هستند زیرا که شخصیت و قدرت او پشت آن ها است (اشعیا ۴۶: ۱۰). این قسم مرجعی است برای مزمور ۴: ۱۱۰، که در عبرانیان ۶: ۱۳-۱۷ درباره آن بحث شده است.

۲۱:۷ این نقل قول دیگرست از مزمور ۴: ۱۱۰ نسخه Septuagint (عبرانیان ۷: ۱۷).

۲۲:۷

NASB, NRSV,

TEV, NJB

NKJV, ASV

"تضمین"

"ضامن"

پیش زمینه عبرانیان "وثیقه ای در دست" است، که از یک ضامن می گوید که به عنوان وثیقه در زبان یونانی برای اوراق قرضه یا قرار وصیقه در زندان مورد استفاده قرار می گرفت. همچنین، در قوانین یونان بمعنی تضمین قانونی بود. عیسی ضامن پدر برای قابل اجرا بودن عهد جدید است.

■ "عهدی بهتر" ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ سخن از این "عهد جدید" می گوید (حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۶) در جایی که تمرکز بر روی شریعت داخلی که بوسیله روح القدس فراهم شده است، نه قواعد خارجی که مبتنی بر کارهای انسانی است.

برای "بهتر"، یادداشت کامل در عبرانیان ۷: ۷ را مطالعه فرمایید.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۲۳: ۷-۲۵

۲۳ شمار کاهنان پیشین بس زیاد بود، زیرا مرگ مانع از ادامه خدمت آنها می شد. ۲۴ حال آنکه عیسی چون تا ابد زنده است، کهنات بی پایان دارد. ۲۵ پس او قادر است آنان را که از طریق وی نزد خدا می آیند، جاودانه نجات بخشد، زیرا همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند.

۲۳:۷ این مقایسه دیگرست میان عیسی و کاهنان عهد عتیق. در این مورد به روزها و زمانی که بکار مشغول بودند پرداخته شده است.

۲۴:۷ این آیه نتیجه گیری روحانیون یهود بر مبنی پیدایش ۱۴ می باشد، جایی که خاندان ملکصدق مشخص نشده اند، و مزمور ۱۱۰، که اشاره ای به ملکصدق دارد و از واژه "تا ابد" استفاده می کند (مزمور ۱۱۰: ۴).

| | |
|-------------------------------|------|
| "جاودانه نجات بخشد" | NASB |
| "تا حداکثر نجات بخشد" | NKJV |
| "برای تمام زمان‌ها نجات بخشد" | NRSV |
| "اکنون و همیشه، برای نجات" | TEV |
| "توان نجات دادن... قطعی است" | NJB |

همانطور که ترجمه‌های انگلیسی در بالا نشان می‌دهد، این لغت معانی متعددی دارد. وی قادر است که کاملاً نجات دهد، همه را، برای همیشه (عبرانیان ۱۰:۱۴) زیرا که وی برای "همیشه" بعنوان کاهنی بهتر بکار ادامه خواهد داد. به موضوع خاص ضمانت در عبرانیان ۳:۱۴ رجوع نمایید.

■ "آنان را" این دعوتنامه‌ای جهانی است! برای هر کسی که اجابت کند (یوحنا ۱:۱۲؛ رومیان ۹:۱۰-۱۳؛ ۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۲ پطرس ۳:۹).

■ "آنان را که از طریق وی نزد خدا می‌آیند" عیسی برنامه خداوند برای رستگاری است (یوحنا ۱۰:۹؛ ۶:۱۴). هر کسی خواهد آمد، اما باید از طریق ایمان به او و ادامه این ایمان بیاید (مصدر حاضر).

■ "او همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند" کار عیسی بر صلیب به پایان نرسید، بلکه حتی امروز وی برای ایمانداران دعا کرده و طلب شفاعت می‌کند (عبرانیان ۹:۲۴؛ اشعیا ۵۳:۱۲؛ رومیان ۸:۳۴؛ ۱ یوحنا ۲:۱).

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۷:۲۶-۲۸

^{۲۶} ما به چنین کاهن اعظمی نیاز داشتیم، کاهنی قدوس، بی‌عیب، پاک، جدا از گناهکاران، و فراتر از آسمانها. ^{۲۷} برخلاف دیگر کاهنان اعظم، او نیازی ندارد هر روز، نخست برای گناهان خود و سپس برای گناهان قوم، قربانی تقدیم کند. بلکه آنگاه که خود را تقدیم کرد، یک بار برای همیشه برای گناهان ایشان قربانی داد. ^{۲۸} زیرا شریعت، انسانهایی ضعیف را به کهانت اعظم برمی‌گمارد، اما سوگندی که پس از شریعت آمد، پسر را برگماشت، که جاودانه کامل شده است.

۲۶:۷ این آیه احتمالاً از شعر یا سرودی قدیمی است (همچون فیلیپیان ۲:۶-۱۱؛ ۱ تیموتائوس ۳:۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۲:۱۱-۱۳؛ و احتمالاً ۱ تیموتائوس ۱:۱۷؛ ۱۶:۶-۱۵). واژه "مقدس" می‌تواند در اینجا معنی "رحیم" داشته باشد از LXX (مزمور ۱۶:۱۰). واژه "بی‌عیب" از یک عبارت ویژه قربانی کردن گرفته شده که معمولاً در عهد عتیق بصورت "کامل و یا بدون هیچ اشکالی" ترجمه شده است. این آیات خلاصه‌ای شگفت‌انگیز هستند.

موضوع خاص: منزّه و بی‌گناه، بدون تقصیر

(Special Topic: Blameless, Innocent, Guiltless, Without Reproach)

A. آغاز کلام

۱. این مفهوم از منظر الهیاتی، اصالت بشریت را تعریف می‌کند (پیدایش ۱، باغ عدن).
۲. گناه و شورش علیه خداوند، وضعیت یک دوستی کامل را از بین برده است
۳. انسان‌ها (مرد و زن) در حسرت برگرداندن این دوستی با خداوند هستند زیرا که آنان از تصویر او ساخته شده و شبیه او هستند (پیدایش ۱:۲۶-۲۷)
۴. خداوند با مسئله گناه بشر به اشکال مختلف کنار آمده است
 - a. با فرستادن رهبران خدا پرست (ابراهیم، موسی، عیسی)
 - b. نظام قربانی کردن (لاویان ۱-۷)
 - c. بوجود آوردن مثال‌های فراوان (نوح و ایوب)
۵. در نهایت خداوند عیسی را فرستاد
 - a. بصورت مکاشفه‌ای کامل از خودش (یوحنا ۱:۱-۱۴؛ کولسیان ۱:۱۳-۱۷؛ عبرانیان ۱:۲-۳)
 - b. بصورت قربانی کاملی برای گناه (مرقس ۱۰:۴۵؛ ۲ قرنتیان ۵:۲۱)
۶. مسیحیان منزّه هستند
 - a. بشکلی شرعی از طریق پارسایی عیسی (رومیان ۳:۴، ۶، ۸، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴؛ یعقوب ۲:۲۳)

- b. بتدریج از طریق کار روح القدس (یوحنا ۱۶: ۸-۱۱)
- c. هدف مسیحیت، شبیه شدن به مسیح است (رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱۳: ۴؛ تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۳؛ ۵: ۲۳؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ تیتوس ۲: ۱۴؛ ۱ پطرس ۱: ۱۵)، که در واقعیت، ترمیم تصویر خداوند است که پس از اخراج آدم و حوا گم شد.
۷. بهشت ترمیم دوستی کامل باغ عدن است. بهشت اورشلیم جدیدی است که از حضور خداوند به پایین می‌آید (۲ پطرس ۳: ۱۰). کتاب مقدس با همین مضمون شروع و پایان می‌یابد.
- a. یک ارتباط شخصی و صمیمی با خداوند
- b. در یک باغ (پیدایش ۱-۲ و مکاشفه ۲۱-۲۲)
- c. با اظهارات نبوی، حضور و همراهی حیوانات (اشعیا ۱۱: ۶-۹)
- B. عهد عتیق
۱. در زبان عبری لغات فراوانی وجود دارند که دارای مفهوم کمال، منزه و بی‌گناه هستند که نام بردن از همه آنها و ارتباط پیچیده‌ای که با یکدیگر دارند، دشوار است.
۲. واژگان اصلی که حاوی مفهوم کمال، منزه یا بی‌گناه هستند (مطابق کتاب Synobyns of the Old Testament نوشته Rober B. Girdlestone صفحات ۹۴ تا ۹۹ عبارتند از:
- a. Shalom (BDB1022, KB 1532)
- b. Thamam (BDB1070, KB 1743)
- c. Calah (BDB478, KB 476)
۳. نسخه Septuagint (انجیل کلیسای اولیه) این مفاهیم عبری را به واژه‌های یونانی کوبین ترجمه کرده که در عهد جدید استفاده شده است (به بخش C در ادامه توجه کنید).
۴. مفهوم کلیدی به نظام قربانی وصل شده است.
- a. Amōmos (BDB1071)، خروج ۱: ۲۹؛ لاویان ۳: ۱، ۱۰؛ ۱: ۳، ۶؛ اعداد ۶: ۱۴)
- b. amiantos و aspilus هر دو دارای معانی مترفقه هستند
- C. عهد جدید
۱. مفهوم شرعی
- a. مفاهیم شرعی عبری بوسیله amōmos ترجمه می‌گردد (BDB 1071 افسسیان ۵: ۲۷؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ ۱ پطرس ۱: ۱۹)
- b. مفاهیم شرعی یونانی (۱ قرنتیان ۸: ۱؛ کولسیان ۱: ۲۲)
۲. مسیح بی‌گناه، منزه و معصوم بود (amōmos عبرانیان ۱۴: ۹؛ ۱ پطرس ۱: ۱۹)
۳. پیروان مسیح باید وی را شبیه‌سازی کنند (amōmos افسسیان ۴: ۱؛ ۲۷: ۵؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ کولسیان ۱: ۲۲؛ ۲ پطرس ۳: ۱۴؛ داوران ۱: ۲۴؛ مکاشفه ۱۴: ۵)
۴. این مفهوم برای رهبران کلیسا نیز بکار برده شده است
- a. Aneklētos "بدون اتهام" (۱ تیموتائوس ۳: ۱۰؛ تیتوس ۱: ۶-۷)
- b. Anepileptos "فرا تر از نقد" و یا "جنبه سرزنش نداشتن" (۱ تیموتائوس ۳: ۲؛ ۵: ۷؛ ۶: ۱۴؛ تیتوس ۲: ۸)
۵. مفهوم "طاهر" (amiantos) برای موارد زیر استفاده شده است
- a. شخص عیسی مسیح (عبرانیان ۷: ۲۶)
- b. میراث مسیحیان (۱ پطرس ۴: ۱)
۶. مفهوم "تمامیت" یا "صحت" (holoklēria) (اعمال رسولان ۳: ۱۶؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ یعقوب ۴: ۱)
۷. مفهوم "بدون تقصیر"، "معصومیت بی‌گناه" از لغت amemptos منتقل شده است (لوقا ۱: ۶؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ ۳: ۶؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۰؛ ۳: ۱۳؛ ۵: ۲۳)
۸. مفهوم "موضوعیت سرزنش نداشتن" از واژه amōmētos منتقل شده است (۲ پطرس ۳: ۱۴)
۹. مفهوم "بی‌عیب"، "بدون شبهه" اغلب در عباراتی استفاده شده است که دارای یکی از واژه‌های بالا هستند (۱ تیموتائوس ۶: ۱۴؛ یعقوب ۱: ۲۷؛ ۱ پطرس ۱: ۱۹؛ ۲ پطرس ۳: ۱۴)

D. تعداد کلمات یونانی و عبری که به این مفهوم منتقل شده اند نشان دهنده اهمیت آن است. خداوند نیازهای ما را بوسیله عیسی فراهم کرده و اکنون ما را فرا می خواند که شبیه او شویم. ایمانداران بصورت موضعی بوسیله عمل عیسی، "محق"، "منصف" و "منزه" اعلام شده اند. اکنون ایمانداران باید این موقعیت را تسخیر نمایند. "در نور قدم گذارید زیرا که او در نور است" (۱ یوحنا ۱: ۷). "به شایستگی دعوتی که بعمل آمده" (افسسیان ۱: ۴، ۱۷؛ ۲: ۵، ۱۵). عیسی تصویر خداوند را ترمیم کرد. رابطه صمیمی اکنون امکان پذیر است، ولی بیاد داشته باشید که خداوند مردمانی را می خواهد که شخصیت او را برای دنیای گمشده منعکس نمایند، همانگونه که پسرش انجام داد (قومها). ما برای چیزی کمتر از تقدیس فرا خوانده نشده ایم (متی ۵: ۲۰، ۴۸؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱ پطرس ۱: ۱۳-۱۶). تقدس خداوند نه تنها مشروع بوده، بلکه جنبه وجودی نیز دارد!

■ "جدا از گناهکاران" ضمیر مجهول کامل است. منعکس کننده جنبه انسانی عیسی نبوده (فیلیپیان ۲: ۶-۷)، بلکه از جنبه عاری از گناه وی را منعکس می کند (عبرانیان ۴: ۱۵؛ ۹: ۱۴؛ ۲: ۲۱؛ ۵: ۲۱؛ ۱ پطرس ۲: ۲۲؛ ۱ یوحنا ۲: ۱؛ ۳: ۵).

■ "فرا تر از آسمانها" این می تواند اعلام برتری (۲) اشاره به دیدگاه آموزگاران دروغین عرفانی نسبت به نجات که از حوزه های آسمانی بهره می گیرند (عبرانیان ۴: ۱۴)، و یا (۳) راهی برای اشاره به رستگاری و معراج، باشد.

۲۷:۷ این آیه بنظر مرتبط است با روز کفاره (لاویان ۶)، اما در اینجا به صورت پیشکش های روزانه استفاده شده است (رسوم عهد عتیق). به لحاظ تاریخی و روحانیون یهودی تایید می کند که در دوران بعد یهودیت، کاهن اعظم بطور مستقیم در مراسم قربانی کردن ها حضور داشته اما احتمالاً نه در طول روزهای خیمه. به موضوع خاص: عیسی بعنوان کاهن اعظم در عبرانیان ۲: ۱۷ رجوع کنید.

■ "تقدیم کرد" این لغت مشابهی است که در اشعیا ۵۳: ۱۱ در نسخه Septuagint استفاده شده (LXX)، "تحمل کردن". برخی معتقدند که این کنایه ای است به دود حاصل از قربانیانی که به سوی خدا بلند می شوند.

■ "یک بار برای همیشه برای گناهان ایشان قربانی داد" عبرانیان بر عظمت فداکاری که عیسی با مرگ خویش کرد، تاکید دارد. این رستگاری یک مرتبه ای و بخشش حاصل از آن، کار را برای همیشه تمام کرد ("یکبار" [ephapax]، عبرانیان ۷: ۲۷؛ ۹: ۱۲؛ ۱۰: ۱۰ و "یکبار برای همیشه" [hapax]، عبرانیان ۶: ۴؛ ۷: ۹؛ ۲۶، ۲۷، ۲۸؛ ۲: ۱۰؛ ۱۲: ۲۶، ۲۷). این تصدیق به سرانجام رسیدن عمل فداکارانه است.

■ "خود را تقدیم کرد" عیسی هم کاهن اعظم است (مزمور ۴: ۱۱۰) و هم قربانی (اشعیا ۵۳: ۱۰) محراب آسمانی (عبرانیان ۹: ۲۴). این یک رکن عهد جدید است که تاکید بر جایگزینی کفاره گناهان دارد (مرقس ۱۰: ۴۵؛ رومیان ۳: ۸، ۲؛ ۲: ۲؛ ۲: ۲۱؛ ۵: ۲۱).

۲۸:۷ "زیرا شریعت، انسانهایی ضعیف را به کهانت اعظم برمی گمارد، اما سوگندی که پس از شریعت آمد" این بخش از آیه تضاد میان مراحل مکتوب موسی و "قسم" مزمور ۱۰۴: ۴ است.

■ "پسر را برگماشت" عیسی کاهنی با مقام ارشدتر است زیرا که وی عضوی از خانواده خداوند است ("یک پسر"، عبرانیان ۱: ۲؛ ۳: ۶؛ ۵: ۸). این مرجع بنظر می رسد که با مزمور ۲ و ۱۱۰ که مربوط به مزامیر سلطنتی و کاهنی است، تلفیق شده باشد. وی هر دو جایگاه های تدهین شده در عهد عتیق را بوسیله خود با قسم پدر تلفیق می کند.

■ "جاودانه کامل شده است" این جمله وجه وصفی کامل مجهول است. او بوسیله رنجی که متحمل شد کامل شده است (بزبان انسانی گفته می شود) و این تکامل ادامه دارد (عبرانیان ۲: ۱۰؛ ۵: ۸-۹). به موضوع خاص در عبرانیان ۷: ۱۱ رجوع نمایید.

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا نویسنده برای تعریف مفهوم عیسی بعنوان کاهنی اعظم، زمان زیادی را صرف کرد؟
۲. لاوی چگونه به ملکید صدق مرتبط می شود؟
۳. مزمور ۱۱۰ چگونه به پیدایش ۱۴: ۱۸-۲۰ مرتبط می شود؟
۴. چرا ملکید صدق به نوعی شبیه عیسی استفاده شده است؟
۵. ملکید صدق که بود؟

عبرانیان ۸

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|---------------------------------------|----------------------------|-------------------------------------|--|---------------------------------------|
| کاهن اعظم جدید و پیمانی بهتر ۶-۱:۸ | خدمات کاهنیت جدید ۶-۱:۸ | صومعه‌ای آسمانی و عهد جدید ۷-۱:۸ | عیسی، کاهن اعظم ما ۲-۱:۸ | کاهنیتی جدید و صومعه‌ای جدید ۵-۱:۸ |
| | | | عیسی واسطه پیمانی عظیم‌تر است ۶-۳:۸ | |
| | پیمانی جدید ۱۳-۷:۸ | | | ۱۳-۶:۸ |
| ۱۳-۷:۸ | | | ۱۳-۷:۸ | |
| | | ۱۳-۸:۸ | | |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی: عبرانیان ۱:۸-۱۳

A. این بخشی از متن یکپارچه شده است که مرتبط با نیاز خوانندگان به بلوغ روحانی می‌باشد. این بخش از عبرانیان ۵:۱۱-۱۰:۱۸ و با حاشیه‌ای از هشدادهای عبرانیان ۵:۱۲-۶:۲۰ می‌باشد.

B. در حالیکه عبرانیان ۲ در بهره‌وری از مزمور ۸ به پیش می‌رود، فصل‌های ۳ و ۴ از مزمور ۱۱۰ و فصل ۸ نیز از ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ استفاده می‌کنند (عبرانیان ۱۰ از مزمور ۴۰ استفاده خواهد کرد).

C. خیمه حقیقی در بهشت که در عبرانیان ۶:۱۹-۲۰ و ۸:۲ به آن اشاره شد، تا فصل ۹ بطور کامل به آن پرداخته نخواهد شد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده: عبرانیان ۱:۸-۱۳)

^۱ جان کلام در آنچه می‌گوییم این است که ما چنین کاهن اعظمی داریم که بر جانب راست تختِ مقام کبریا در آسمان نشسته^۲ و خدمتگزار مکان اقدس یعنی آن خیمه حقیقی است که خداوند بر پا کرده، نه انسان.

^۳ هر کاهن اعظم برای تقدیم هدایا و قربانیها منصوب می‌شود. از همین رو، این کاهن نیز می‌بایست چیزی برای تقدیم کردن داشته باشد. ^۴ اگر او بر زمین بود، کاهن نمی‌بود، زیرا کاهنانی دیگر هستند که بنا بر شریعت هدایا تقدیم می‌کنند. ^۵ اما آنها تنها شبیه و سایه چیزهای آسمانی را

خدمت می‌کنند. به همین سبب، هنگامی که موسی می‌خواست خیمه را بسازد، به او هشدار داده شد: «آگاه باش که همه چیز را مطابق نمونه‌ای بسازی که در کوه به تو نشان داده شد.»^۷ اما خدمتی که عیسی یافته، به مراتب برتر از خدمت آنهاست، به همان میزان که او واسطه‌ی عهدی به مراتب بهتر از عهد قدیم است، عهدی که بر وعده‌های نیکوتر بنا شده است.

^۸ زیرا اگر عهد نخست نقصی نداشت، نیازی به طلب کردن عهدی دیگر نبود. اما خدا نقصی یافت و بدیشان فرمود:

«خداوند می‌گوید، همان روزهایی فرا می‌رسد

که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا

عهدی تازه خواهم بست.

^۹ نه مانند عهدی که با پدرانشان بستم،

آن روز که دست ایشان را گرفتم

تا از سرزمین مصر به در آورم؛

زیرا، خداوند می‌گوید، آنان به عهد من وفادار نماندند.

پس، از ایشان روی گرداندم.

^{۱۰} اما خداوند چنین اعلام می‌کند:

این است عهدی که پس از آن ایام

با خاندان اسرائیل خواهم بست.

احکام خود را در ذهن ایشان خواهم نهاد،

و بر دلهای ایشان خواهم نگاشت.

من خدای ایشان خواهم بود،

و ایشان قوم من خواهند بود.

^{۱۱} دیگر کسی به همسایه خود تعلیم نخواهد داد

و یا کسی به برادر خود نخواهد گفت،

«خداوند را بشناس!»

زیرا همه از خرد و بزرگ، مرا خواهند شناخت،

^{۱۲} از آن رو که شرارت ایشان را خواهم آمرزید

و گناهانشان را دیگر هرگز به یاد نخواهم آورد.»

^{۱۳} خدا با سخن گفتن از عهدی 'جدید'، آن عهد نخست را کهنه می‌سازد؛ و آنچه کهنه و قدیمی می‌شود، زود از میان خواهد رفت.

۱:۸

NASB, NKJV

"جان کلام"

NRSV

"نکته کلی"

TEV

"کلام اصلی"

NJB

این نوعی از واژه یونانی "سر"، (*kephalē*) می‌باشد که بصورت استعاره برای جمع نهایی مبالغ پولی استفاده می‌شود (اعمال رسولان ۲۲:۲۸). باستانیان اعداد خود را از پایین به بالا جمع می‌بستند بجای بالا به پایین. این واژه حالت اضافی دیگری نیز دارد (۱) مهمترین نکته بحثی در کتاب (۲) خلاصه‌ای از مبحث مورد مباحثه.

■ "کاهن اعظم" این عنوان برای عیسی فقط در کتاب عبرانیان یافت می‌شود (عبرانیان ۱۷:۲؛ ۳:۱؛ ۴:۱۴-۱۵؛ ۵:۱۰؛ ۶:۲۰؛ ۷:۲۶؛ ۸:۱؛ ۹:۳؛ ۱۱:۹، ۲۵). ذات مقام کاهنی عیسی مسیح در مزمور ۱۱۰ و زکریا ۳ و ۴ روشن می‌گردد. وی هم کاهن است و هم قربانی (اشعیا ۵۳). وی برای نوع بشر در مقابل خداوند ایستاد و خودش را بعنوان راه حل مشکل گناه، تقدیم و فدا کرد.

■ "کسی که در آسمان نشسته است" این ادامه استفاده از مزمور ۱۱۰ است (عبرانیان ۸:۲). اشاره به کار پایان یافته خداوند دارد. با اینحال، دلالتی ضمنی بر جنبه سلطنتی عیسی دارد نه کاهنیتی. هیچ کاهنی هرگز بر تخت سلطنت جلوس نکرده، این عمل مختص پادشاهان است (عبرانیان ۱:۳).

■ **"بر جانب راست"** این بخش به لحاظ اینکه از مکانی که مختص قدرت و اختیار صحبت می‌کند، جنبه انسانی دارد (عبرانیان ۱:۳، ۱۳:۸؛ ۱۰:۱۲-۱۳). اعمال رسولان ۲:۳۳-۳۵).

■ **"تخت مقام کبریا در آسمان"** خداوند دارای تخت سلطنتی به لحاظ فیزیکی نیست، زیرا که او یک روح است. این متن جنبه انسانی داشته و خداوند را با معیارها، واژگان و دسته‌بندی‌های انسانی تعریف می‌کند. استعاره و کلمات حاشیه‌ای بوده بدون اینکه قصد نام بردن مستقیم از خداوند را داشته باشند (عبرانیان ۲:۱۲).

واژه "آسمان" در نسخه عهد عتیق و نسخه انگلیسی، بصورت جمع استفاده شده است. به این دلیل که به چندین طبقه از آسمان اشاره دارد:

۱. اتمسفر پایینی زمین، جایی که پرنده‌ها پرواز می‌کنند و ابرها شکل می‌گیرند (پیدایش ۱:۱)
۲. فضای بیرون سیاره زمین، جایی که قلمرو نورهای آسمانی است، خورشید، ماه، ستارگان و سیارات (پیدایش ۱:۱۴)
۳. قلمرو حضور شخص خدا و فرشتگان

میان عالمین یهود اغلب بحث است که آیا سه آسمان وجود دارد (۲ قرن‌تیا ۲:۱۲) یا هفت آسمان (در کتاب مقدس نیامده، اما مرجع آن مباحث کاهنان یهودی قرن اول می‌باشد). تصویری کلی از هفت آسمان را در تثنیه ۱۰:۱۴؛ ۱ پادشاهان ۸:۲۷؛ و مزمو ۶۸:۳۳؛ ۴:۱۴۸ می‌توان دید. عارفان از این مفهوم آسمان چند طبقه برای تفسیر لایه‌های مقامات آسمانی استفاده کرده‌اند. با اینحال، عیسی از همه این‌ها عبور کرده است (عبرانیان ۴:۱۴). جمع آسمان (*Ouranos*) در مقابل مفرد آن، هیچ اهمیت ویژه‌ای در عبرانیان ندارد (عبرانیان ۹:۲۳ در مقابل ۹:۲۴).

۸:۲ **"خیمه"** اشاره‌ای است به خیمه ایده‌آل در بهشت (عبرانیان ۶:۱۹-۲۰)، همان‌که در کوه سینا بر موسی ظاهر گردید و در طول دوره آوارگی در بیابان شکل گرفت (خروج ۲۵-۴۰).

■ **"خداوند بر پا کرده، نه انسان"** این می‌تواند اشاره‌ای باشد به ترجمه خروج ۳۳:۷ نسخه *Septuagint (LXX)* (مکانی ویژه برای ملاقات با خدا^۴) یا می‌تواند صرفاً راه دیگری باشد برای اشاره به خیمه ساخته شده توسط خداوند در آسمان (عبرانیان ۱۱:۱۰).

۸:۳ **"برای تقدیم"** این بخش تأکید بر جایگزینی فدیه عیسی دارد. فدیه‌ای که او می‌دهد، زندگی خود است.

۸:۴ **"اگر او بر زمین بود، کاهن نمی‌بود"** این جمله شرطی نوع دوم است که در مقابل حقیقت قرار می‌گیرد (عبرانیان ۴:۸؛ ۷:۱۱؛ ۷:۱۰؛ ۱۵:۱۱). عیسی کاهنی از تبار لاویان نبود، بلکه از خاندان سلطنتی یهودا بود. کاهنیت عیسی در بالاترین مرتبه آسمان شکل گرفته بود.

۸:۵ **"شبیبه و سایه چیزهای آسمانی"** استفاده از واژه‌های "شبیبه" و "سایه" یادآور نوشته‌های فیلسوف آکساندریه است، نویسنده و فیلسوف یهودی که پیرو افلاطون بوده و از سال ۲۰ پیش از میلاد تا سال ۴۲ زندگی می‌کرد. وی عهد عتیق را برای روشن کردن فلسفه یهود و بمنظور مطابقت دادن آن با جامعه یونان و در دفاع از فلسفه افلاطون، بصورت تمثیل درآورده بود.

■ **"آگاه باش"** این بخش از خروج ۲۵:۴۰ نقل قول شده است. برنامه موسی، خیمه نبود بلکه مکاشفه خداوند بود.

۸:۶ **"اما خدمتی که عیسی یافته، به مراتب برتر از خدمت آنهاست"** این یک جمله اخباری معلوم کامل است. جزئیات کامل تری از عظمت عیسی در ارتباط با فرشتگان در عبرانیان ۱:۴ استفاده شده است.

■ **"او واسطه عهدی به مراتب بهتر از عهد قدیم است"** تمام افعالی که در عبرانیان ۸:۶ استفاده شده کامل هستند. این مورد نیز همچون مورد قبل می‌باشد.

واژه "واسطه" در اینجا یک عبارت شرعی برای میانجیگری چیزی است. در حالیکه یک کاهن میان خدایی مقدس و بشری گناهکار می‌ایستد، لذا عیسی بعنوان یک واسطه و میانجی (عبرانیان ۹:۱۵؛ ۱۲:۲۴؛ ۱ تیموتی ۲:۵) عمل می‌کند. این راه دیگری برای نشان دادن کار یک کاهن اعظم است.

■ **"عهدی که بر وعده‌های نیکوتر بنا شده است"** این یک جمله مجهول کامل اخباری می‌باشد. نویسنده معرفی اختیارات عیسی در عبرانیان در مقابل عهد موسایی بوسیله استفاده از عبارت "بهتر" خود را نشان می‌دهد (به یادداشت عبرانیان ۷:۷ مراجعه نمایید).

برای مطالعه بیشتر به موضوع خاص پیمان مراجعه نمایید.

^۴ در زمان‌های قدیم، رؤسای قبایل، فرماندهان نظامی یا پادشاهان برای ملاقاتهای خود، در فضایی سرسبز خیمه بر پا می‌کردند.

۷:۸ "اگر" این نیز نوع دیگری از جمله شرطی نوع دوم است که در مقابل حقیقت نامیده می‌شود (عبرانیان ۸:۴). این بخش نکته اصلی مبحث است. بروشنی نکته خطایی به منظور وجود آوردن یک نکته الهیاتی، عنوان شده است. اولین عهد برای ترمیم رابطه و پارسایی، نتیجه مطلوب را حاصل ساخت.

۸:۸ "اما خدا نقصی یافت" منظور شریعت نیست بلکه مشکل نقص و ضعف بشر بود (رومیان ۷:۱۲، ۱۶؛ غلاطیان ۳).

■ "بدیشان فرمود" آیات ۸ تا ۱۲ تقویت کننده نقل قول از ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ است. توجه داشته باشید که این بیهوه است که به ایشان می‌فرماید؛ با اینحال، در عبرانیان ۱۰:۱۵ مشابه همین عبارات در رابطه با روح القدس عنوان شده است. الهام عهد عتیق برخی اوقات وابستگی به روح و برخی اوقات به پدر دارد.

■ "عهد جدید" این گذار در ارمیا (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴) تنها مرتبه‌ای است که درباره عهدی "جدید" ذکر شده، اما در حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸ تشریح شده است. همین مسئله برای یهودیان شوک بزرگی بوده است.

■ "خاندان اسرائیل" اشاره به بهم پیوستن دوباره مردم با خداوند دارد. پس از اینکه اتحاد سلطنتی (شاول، داوود و سلمیان) در سال ۹۲۲ پیش از میلاد از بین رفت، قبایل شمالی زیر Jerubam اسرائیل خوانده شده و قبایل جنوبی زیرین آن، یهودا (Judah) نامیده شد.

۹:۸ "نه مانند عهدی که..." تفاوت در ماهیت یا هدف نیست، بلکه در علم روش‌شناسی است.

■ "آن روز که دست ایشان را گرفتیم" این بخش از آیه اشاره به بیهوه بعنوان پدر دارد (هوشع ۱۱:۱-۴).

■ "از ایشان روی گرداندم" این بخش از آیه خط ترجمه نسخه Septuagint (LXX) را دنبال می‌کند. متن باستانی عبری عهد عتیق اینگونه نوشته است: "با اینکه من درست همانند شوهری برای آنان بودم".

۱۰:۸ "ذهن" این نیز خط ترجمه نسخه Sptuagint (LXX) را دنبال می‌کند اما نسخه عبری عهد عتیق بجای "ذهن" نوشته است "در میان آنها". به این صورت است که عهد عتیق از عهد جدید تفاوت پیدا می‌کند. شخصیت پردازی عهد قدیم بوسیله حزقیال ۱۸:۳۱ انجام شده و عهد جدید توسط حزقیال ۱۹:۱۱؛ ۲۶-۲۷.

■ "دل‌ها" اشاره به یک شخص کامل دارد (تثنیه ۶:۶؛ ۱۱:۱۸؛ ۳۰:۶؛ ۱۴). به موضوع خاص در عبرانیان ۳:۸ رجوع کنید.

■ "من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود" این فرمول پیمانی عهد عتیق است.

۱۱:۸ در نسخه خطی یونانی یک اختلاف در واژه "همسایه" در تقابل با "همشهری" وجود دارد. البته اگر نسخه عبری را در نور خدای بیهوه درک کنیم، این اختلاف هیچ تفاوتی در ماهیت ترجمه و تفسیر بوجود نمی‌آورد. تا جاییکه نسخه قدیمی‌تر و قابل اطمینان‌تر یونانی عنوان می‌دارد، استفاده از کلمه "شهروند" بهترین انتخاب برای ترجمه این آیه خواهد بود (P⁴⁶, A, B, D, K, L, X, و نسخه‌های کوچک‌تری که بعدها منتشر شد).

۱۲:۸ جنبه کیفی عهد جدید در اینجا نمود پیدا می‌کند (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴). این نکته در عهد جدید، لوقا ۲۲:۲۰؛ ۱۱:۲۵؛ ۲۲:۳۱-۳۲ و عبرانیان ۸:۸؛ ۹:۱۵ ذکر شده است. هیچ نیازی به رهبران نخواهد بود. همه مردم با راه و منش سرورمان آشنا خواهند شد. گناهان را خداوند می‌بخشد و فراموش می‌کند. وعده‌های بخششی که عهد عتیق می‌دهد شگفت‌انگیز هستند (مزمور ۱۰۳:۳، ۸-۱۴؛ اشعیا ۱:۱۸؛ ۳۸:۱۷؛ ۴۳:۲۵؛ ۴۴:۲۲؛ میکاه ۱۹:۷).

۱۳:۸

NASB "اما هر آنچه منسوخ و قدیمی می‌شود، آمادگی از بین رفتن دارد"

NKJV "اکنون آنچه که کهنه و منسوخ می‌شود، آماده از بین رفتن است"

NRSV "و هر چیزی که کهنه و قدیمی شود ناپدید خواهد شد"

TEV "هر چه پیر و فرسوده شود سریع ناپدید خواهد شد"

NJB "و هر چیزی که پیر شده و پا به سن بگذارد آماده ناپدید شدن می‌شود"

این بخش مستلزم چندین تفسیر است. اول، ظرف زمانی را بخاطر داشته باشد. گروهی از مردمان هنوز به شریعت موسایی چنگ زده و گروهی دیگر در اندیشه بازگشت به دوران شریعت موسایی هستند.

دوم، این مورد کاملاً ارتباط با شریعت بعنوان مفهوم رستگاری دارد. مطمئناً عهد عتیق مکاشفه خداوند بوده و هست (متی ۵:۱۷-۱۹). شریعت موسی هنوز دلیل وجودی برنامه خداوند است (غلاطیان ۳). آن شریعت مردم را بوسیله نشان دادن گناهان بشریت و نیاز آنها به رستگاری، بسوی عیسی آورد. به ما

کمک کرد تا خدا و راه‌های او را بشناسیم. به عهد جدید و بعنوان وعده تکامل، ارتباط مستقیم دارد. و در نهایت، ناتوان بود در به ارمغان آوردن رستگاری، زیرا که بشرانده شده از بهشت، ضعیف و گناهکار بود.

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا نویسنده عبرانیان تأکید زیادی بر ارجحیت مقام کاهنی اعظم عیسی دارد؟
۲. آیا کتاب عبرانیان تحت تأثیر فلسفه افلاطونی یونان قرار دارد؟
۳. چرا از ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ نقل قول آمده است؟
۴. به چه دلیل آیه ۱۲ چنین وعده با ارزشی است؟
۵. پیمان موسایی چگونه با پیمان جدید مسیحیان مرتبط می‌گردد؟

عبرانیان ۹

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|---|-----------------------------|---|--|---|
| خیمه‌های زمینی و آسمانی ۵-۱:۹ | خیمه زمینی ۵-۱:۹ | صدارت لای گونه کاهنان ۵-۱:۹ | پرستش آسمانی و زمینی ۵-۱:۹ | عیسی وارد محرابگاه آسمانی می‌شود ۵-۱:۹ |
| | محدودیت‌های زمینی ۱۰-۶:۹ | | | |
| | محرابگاه ۱۰-۶:۹ | | | |
| | خیمه آسمانی ۱۴-۱۱:۹ | فداکاری عیسی به لحاظ شخصیتی (۱۱:۹-۱۸:۱۰) | | |
| | ۱۵-۱۱:۹ | ۱۴-۱۱:۹ | ۱۴-۱۱:۹ | ۱۴-۱۱:۹ |
| | الزام مرگ میانجی ۲۲-۱۵:۹ | ۲۲-۱۵:۹ | ۱۵:۹ | عیسی با خون خود پیمان جدید را مهر می‌زند ۲۸-۱۵:۹ |
| | ۲۲-۱۶:۹ | | ۲۲-۱۶:۹ | |
| بوسیله قربانی شدن عیسی، گناه کنار گذاشته می‌شود (۱۸:۱۰-۲۳:۹) | عظمت قربانی شدن عیسی | | قربانی شدن عیسی گناه را می‌زداید (۱۸:۱۰-۲۳:۹) | |
| ۲۸-۲۳:۹ | ۲۸-۲۳:۹ | ۲۸-۲۳:۹ | ۲۸-۲۳:۹ | |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس ")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

متن NASB (ویرایش شده): عبرانیان ۹: ۱-۱۵

عهد نخست، قوانینی برای عبادت داشت و نیز از محرابگاهی زمینی برخوردار بود. ^۲خیمه‌ای بر پا شده بود که در اتاق نخست آن، چراغدان، میز و نان حضور قرار داشت؛ این مکان 'قُدس' خوانده می‌شد. ^۳پشت پردهٔ دَوَم نیز اتاقی بود که 'قُدس الاقداس' نام داشت؛ ^۴در این اتاق، مذبح زَرینِ بخور و صندوق عهد قرار داشت که با طلا پوشانیده شده بود. در این صندوق، ظرف زَرینِ 'مَنّا'، عصای هارون که شکوفه آورده بود، و الواح سنگی عهد قرار داده شده بود. ^۵بر بالای صندوق، کروبیانِ 'جلال' بر جایگاه کفاره سایه‌گستر بودند. اکنون جای آن نیست که به شرح جزئیات پردازیم.

۹: ۱ "نخست" قواعد برای عبادت و قربانی متصل است با جشن خیمه در دوره لاویان.

■ "پیمان" برخلاف تصور اکثر مترجمین، اصل این واژه یونانی نیست. با اینحال، H. E. Dana در کتاب *Jewish Christianity* صفحه ۲۵۵ اینگونه باور دارد که این واژه باید "اولین بشارت" ترجمه می‌شد زیرا فصل ۹ گواه دیگریست از ارجحیت بشارت عیسی (عبرانیان ۸: ۶). وی همچنین قیاسی را در صفحه ۲۵۵ ترسیم می‌کند.

بشارت دوم

بشارت اول

خدمتی زمینی -
"زمینی"

خدمتی آسمانی -
"نه از این آفرینش"

ابزار انسان -

ابزاری از جانب خداوند -

"خیمه‌ای بر پا شد"

"بوسیله دست ساخته نشده است"

اثرات خارجی -

اثرات داخلی -

"نمی‌تواند همچون وجدان آسوده، عبادت را تکمیل نماید"

"وجدان را برای خدمت به خدای زنده، از کارهای بیپوده پاک می‌کند"

موقتی در طبیعت -

دائمی در طبیعت -

قواعد نفسانی، زمان موقتی را برای ساخت و ساز آماده می‌کنند"

"وعده میراث ابدی"

۹: ۲ "خیمه‌ای" اشاره به خیمه سیار در بیابان داشته که جزئیات آن در خروج ۲۵-۲۷ تعریف شده و در آیات ۳۶-۳۸، ۴۰ آورده شده است. نویسنده عبرانیان اشاره به درون چادر بعنوان اولین (خارج) خیمه (مکان مقدس) و دومین (داخلی) خیمه (قُدس الاقداس) دارد.

■ "چراغدان" اشاره به یک چراغ که شامل هفت مخزن روغن زیتون بود، داشته که در مکان مقدس قرار گرفته بود. اشاره به خروج ۲۵: ۳۱-۴۰ و لاویان ۲۴: ۱-۴ دارد. آن را *Menorah* می‌نامیدند که لغت استفاده شده در زبان عبری برای چراغدان می‌باشد. سلیمان به این چراغدان ۱۰ بازوی نگهدارنده اضافه کرد (۱ پادشاهان ۷: ۴۹؛ ۲ قرتیان ۴: ۷). این چراغدان نشاندهنده نور حقیقت و مکاشفه است.

■ "میز و نان" این میز در مکان مقدس بوده و بر روی آن دوازده قرص نان (تقریباً هفت کیلوگرم) قرار داشته است. این نان‌ها خوراک کاهنان بوده و هر هفته نان‌های تازه جایگزین می‌شده است (خروج ۲۵: ۲۳-۳۰؛ ۳۷: ۱۰-۱۶؛ لاویان ۲۴: ۵-۹). این میز نمایانگر وعده تدارکات خداوند برای دوازده قبیله یعقوب بوده است.

■ "مکان قدس" اینجا خارج از خیمه و جایی بود که کاهنان روزانه بشارت می‌دادند. این فضا دارای ابعاد ۲۰ در ۲۰ ذراع بوده است (خروج ۲۵-۲۷). نویسنده عبرانیان معمولاً از این واژه (*hagia*) در آیاتی (عبرانیان ۹: ۸، ۲۵؛ ۱۳: ۱۱) استفاده می‌کرده و ضمن اینکه برای بخش داخل یا قسمت دوم خیمه بنام قدس الاقداس (عبرانیان ۹: ۳) در جایی که صندوق عهد قرار گرفته بود نیز استفاده شده، اما در این آیه، این بخش وجود ندارد و عبارت اشاره به دو سوم بخش خارجی خیمه به نام مکان مقدس اشاره دارد.

۳:۹ "پرده دوم" این پرده خیمه را به دو بخش تقسیم می‌کرد (خروج ۲۶:۳۱-۳۵). یهودیان دو نام خاص داشتند، یکی برای پرده جلویی که معمولاً نیمه باز بود، و دیگری برای پرده درونی که بسته بود. فقط کاهن اعظم روزانه دو بار وارد آن بخش می‌شد (لاویان ۱۶).

■ "قدس‌الاقداس" این مکان کامل‌ترین اندازه از ۱۰ ذراع بود. شامل عرشه‌ای بوده که در آنجا خدای یهوه بصورت سمبلیک میان بال‌های فرشته‌ای آرمیده بود. این مکان نشانه فیزیکی خدای نامرئی بود (پس از آنکه به سرزمین موعود وارد شدند).

۴:۹ "مذبح زرین بخور" این بخشی از مبلمان شبیه مذبح بود، جایی که دود غلیظ تعداد زیادی بخور در روز کفاره، حضور خدای یهوه را می‌پوشاند. نویسنده ما ظاهراً سعی دارد این مکان را داخل قدس‌الاقداس قرار دهد. این امر باعث گردید تا مفسرین اینگونه برداشت کنند که این قسمت اشاره به "عود سوز" دارد، به همین دلیل نسخه Septuagint اینگونه ترجمه گردیده است (لاویان ۱۶:۱۲؛ ۲ تواریخ ۲۶:۱۹؛ حزقیال ۸:۱۱؛ IV Mac. 7:11). با اینحال، فیلو و ژوزفوس مشابه همین کلمه را برای مذبح بخور استفاده کردند. در عهد عتیق مذبح یا محراب تقریباً با قدس‌الاقداس شناسایی می‌شود (خروج ۳۰:۱-۱۰، ۳۷؛ بویژه ۱ پادشاهان ۶:۲۲).

ذغال‌ها از کنار درب خیمه‌ی مذبح اعظم جمع‌آوری و بر روی پایه کوچکی قرار داده می‌شد. سپس بخور را بر روی ذغال‌ها قرار داده تا دود غلیظ تولید کنند. رایحه معطر حاصل از دود در قدس‌الاقداس باعث تاری چشمان کاهن اعظم گردیده تا نتواند یهوه را که بر روی صندوق عهد میان بال‌های فرشته آرمیده بود، مشاهده کند.

■ "صندوق عهد" درباره این صندوق در خروج ۲۵:۱۰-۲۲ و ۳۷:۱۰ توضیح داده شده است.

موضوع خاص: صندوق عهد - (Special Topic: The Ark of the Covenant)

I. طرح آن (خروج ۲۵:۱۰-۲۲)

- A. سرپوش چوبی طلا اندود (خروج ۲۵:۲۰-۱۱)
- B. ۲/۵ ذرع در ۱/۵ ذرع (خروج ۲۵:۱۰؛ برای اطلاع بیشتر از ذرع، به موضوع خاص: ذرع مراجعه کنید).
- C. قابل حمل با چرخ و دسته (خروج ۲۵:۱۲-۱۶)
- D. درپوش صندوق جدا بوده است (خروج ۲۵:۱۷-۲۱)
 ۱. ساخته شده از طلا که بر روی صندوق چوبی قرار می‌گرفت (خروج ۲۵:۱۰، ۲۱)
 ۲. دو فرشته بالدار کروی بر روی درپوش قرار داشت که رو در روی یکدیگر بودند (خروج ۲۵:۱۸-۲۰)

II. مکان آن و مقصود

- A. محل ملاقات با اسرائیل (خروج ۲۵:۲۲)
- B. مکان آن جایی بود که یهوه (کرسی زیر پای، ۱ تواریخ ۲۸:۲؛ مزمور ۱۳۲:۷؛ اشعیا ۶۶:۱) با مردمش ملاقات می‌کرد، بر صندوق عهد میان بال‌های کروی (به موضوع خاص: کروی‌باز مراجعه کنید)
- C. محل بخشش گناهان (صندلی ترحم)، برای همه مردمان (اسرائیل، لاویان ۱۶ و ۱ پادشاهان ۸:۲۷-۳۰؛ برای خارجی‌ان، ۱ پادشاهان ۸:۴۱، ۴۳، ۶۰)
- D. تنها مبلمان در اقدس‌الاقداس، پشت پرده

III. محتوای آن

A. سنت روحانیون یهود

۱. دو لوح سنگی که یهوه بر روی آن ده فرمان را مکتوب کرده بود (خروج ۳۱:۱۸؛ ۳۲:۱۵-۱۶)
۲. دو ستون نقره‌ای که لوح را نگه داشته بودند (هیچ مرجع انجیلی برای آن وجود ندارد)
۳. قطعات دو لوح اصلی توسط موسی شکسته شده بودند زیرا اسرائیل (هارون) گوساله طلایی را ساخته و پرستش می‌کردند (خروج ۳۲:۱۹؛ تثنیه ۹:۱۷؛ ۱۰:۲)
۴. نسخه‌ای کامل از تورات (خروج ۲۵:۱۶)
۵. اسامی خدا (۱ پادشاهان ۸:۲۹) که در قباله، عرفان یهودی تشکیل گردید
- B. مرجع انجیلی در ارتباط محتوای آن وجود دارد (البته مشخص نیست که این مراجع اشاره به درون صندوق دارند یا کناره‌های آن)
 ۱. یک شیشه‌نا (ترنجبین) - (خروج ۳۱:۱۶-۳۶)

۲. عصای هارون که جوانه زد (اعداد ۱۷:۴، ۱۰؛ عبرانیان ۹:۴)
 ۳. پیشکش‌های فلسطینیان (پنج تمثال زرین دُمَل و پنج تمثال زرین موش، ۱ ساموئیل ۶:۳-۴، ۸)
 ۴. نسخه‌ای از ده فرمان (خروج ۲۵:۱۶، ۱۷؛ تثنیه ۱۰:۴-۵؛ ۳۱:۲۶)
- C. در ارتباط با معبد سلیمان در ۱ پادشاهان ۸ گفته می‌شود که صندوق فقط حاوی دو لوح سنگی بوده است (ده کلام، ۱ پادشاهان ۸:۹)
- IV. اکنون کجاست؟
- A. گزینه‌های تاریخی
۱. بوسیله شیشاک به مصر برده شد (۹۳۵-۹۱۴ پیش از میلاد) هنگامی که وی پادشاهی یهودا را در سال پنجم (۹۲۶ پیش از میلاد) سلطنت Rehoboam (پسر سلیمان) فتح کرد (۱ پادشاهان ۱۴:۲۵-۲۶؛ ۲ تواریخ ۱۲:۹)
 ۲. به مصر برده شد (زوان، تانیس، آواریس، اسامی مختلف برای پایتخت Seti اول) بوسیله فرعون نکو دوم، که پهواحاز (پسر یوشا) را در ۵۹۷ پیش از میلاد تبعید کرد (۲ پادشاهان ۲۳:۳۱-۳۵؛ ۲ تواریخ ۳۶:۱-۴)
 ۳. بوسیله نبوکدنصر دوم به معبد مردوک در بابل برده شد، هنگامی که زدکیا تبعید (۵۸۶ پیش از میلاد) و معبد سوزانده شده بود (۲ پادشاهان ۲۵:۹، ۱۳-۱۷؛ ۲ تواریخ ۳۶:۱۸)
- B. سنت‌های یهود
۱. در کوه نبو/پیسگاه بوسیله ارمیا پیش از سقوط اورشلیم پنهان گردید (2 Macc. 2:4-5)
 ۲. کتاب جعلی II Baruch می‌گوید که یک فرشته آن را پنهان کرده است
 ۳. بدلائل نامشخص پنهان شده، اما بوسیله ایلیای نبی و درست پیش از ظهور مسیح، بازگردانده خواهد شد (ملاکی ۴:۵)
 ۴. در کوه جرزیم پنهان است (Shechem)، جایی که سامری‌ها معبد خود را برای یهوه ساختند
 ۵. پیش از تصرف اورشلیم توسط نبوکدنصر، در زیر معبدی در کوهستان موریه دفن گردید

موضوع خاص: ذرع - (Special Topic: Cubit)

دو نوع ذرع در کتاب مقدس استفاده شده است (BDB 52, KB 61). ذرع رایج عبارت است از فاصله میان آرنج تا بلندترین انگشت انسان، که تقریباً معادل ۴۵/۷۲ سانتیمتر است (پیدایش ۶:۱۵؛ خروج ۲۵:۱۰، ۱۷، ۲۳؛ ۲۶:۲، ۸، ۱۳، ۱۶؛ ۲۷:۱، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸؛ اعداد ۳۵:۴، ۵؛ تثنیه ۳:۱۱). نوع دیگری نیز از ذرع وجود دارد که ذرع اشرافی نامیده شده و در ساخت و ساز از آن استفاده می‌گردید (معبد سلیمان)، که در مصر (۲۱ انگشت)، فلسطین (۲۴ انگشت)، و برخی اوقات در بابل (۳۰ انگشت) رواج داشت. طول آن ۵۳/۳۴ سانتیمتر بود (۲ تواریخ ۳:۳؛ حزقیال ۴:۵؛ ۱۳:۴۳).

در دوران باستان از بدن انسان برای سنجش فواصل استفاده می‌کردند. بعنوان مثال روش‌های زیر میان مردمان شرق نزدیک رایج بود:

۱. استفاده از بازوان بصورت باز به اطراف
۲. فاصله طول آرنج تا انگشت میانه (ذرع)
۳. پهنای انگشت شصت تا انگشت کوچک دست بصورت کاملاً باز (در ایران نیز به نام وَجَبُ رواج داشت) - (خروج ۲۸:۱۶؛ ۳۹:۹؛ ۱ ساموئیل ۴:۱۷)
۴. اندازه کف دست (خروج ۲۵:۲۵؛ ۳۷:۱۲؛ ۱ پادشاهان ۷:۲۶؛ ۲ تواریخ ۴:۵)
۵. فاصله انگشت اشاره (ارمیا ۵۲:۲۱)

موضوع خاص: کروبیان (Special Topic: Cherubim)

- A. یکی از چندین نوع فرشتگان آسمانی. این نوع خاص وظیفه محافظت از مناطق مقدس را بر عهده دارد (خروج ۲۵:۱۸-۲۲؛ اول پادشاهان ۸:۶-۷)
- B. ریشه این نام مشخص نیست:
۱. در آکادیان معانی "میانجی" میان خدا و انسان را دارد
 ۲. در عبری احتمالاً بازی با کلمات است، "Chariot" معنی ارابه و "Cherub" یا همان کروب، معنی کودک فرشته بالدار می‌دهد (جزقیال ۱:۱۰)
 ۳. برخی می‌گویند معنی "ظهور درخشان" می‌دهد
- C. حالت فیزیکی-اثبات این امر بسیار دشوار است زیرا توصیفات بسیار متفاوتی درون انجیل و در شرق نزدیک باستان پیرامون شکلی میان حیوان و انسان یافت شده است. برخی آن را وصل می‌کنند به:
۱. گاو بالدار بین النهرین
 ۲. شیر-عقاب‌های بالدار مصر بنام "غرفین"^۵
 ۳. موجودات بالدار بر تخت سلطنتی هیرام، پادشاه فینقی
 ۴. ابوالهول مصر و شکل‌های مشابه آن که در قصر شاه احب در صامره یافت شده است
- D. شرح فیزیکی
۱. شکل این فرشته (کروب) مرتبط شده است با سرافین در اشعیا ۶.
 ۲. نمونه‌هایی از اشکال مختلف
 - a. تعداد چهره‌ها
 - ۱) دارای دو چهره - جزقیال ۱۸:۴۱
 - ۲) دارای چهار چهره - جزقیال ۱:۶، ۱۰:۱۰، ۱۴:۱۰، ۱۶، ۲۱، ۲۲
 - ۳) دارای یک چهره - مکاشفه ۷:۴
 - b. تعداد بال‌ها
 - ۱) دارای دو بال - اول پادشاهان ۶:۲۴
 - ۲) دارای چهار بال - جزقیال ۱:۶، ۱۱:۲۳؛ ۱۰:۷، ۸:۲۱
 - ۳) دارای شش بال (همچون سرفین در اشعیا ۲:۶) - مکاشفه ۸:۴
 ۳. سایر امکانات
 - a. دارای دست همچون انسان - جزقیال ۸:۱؛ ۸:۱۰، ۲۱
 - b. پاها
 - ۱) صاف، بدون زانو - جزقیال ۷:۱
 - ۲) پای گوساله - جزقیال ۷:۱
 ۴. Flavius Josephus تصدیق می‌کند که هیچکس نمی‌دانست کروبیان دارای چه شکلی بودند (کتاب *Antiquities of the Jews*, VIII:3:3)
- E. مکان‌ها و علل یافت شده در انجیل
۱. محافظ درخت زندگانی، پیدایش ۳:۲۴ (احتمالاً بصورت استعاره درباره شیطان بکار رفته است - جزقیال ۱۴:۲۸، ۱۶)
 ۲. محافظ Tabernacle
 - a. بر روی جایگاه کفاره در خروج ۲۵:۱۸-۲۰؛ اعداد ۷:۸۹؛ اول ساموئیل ۴:۴

^۵ به انگلیسی Griffin و بفارسی "شیردال" که در تخت جمشید نیز موجود است/ مترجم.

b. نقش بر روی پرده‌ها و چادرها: خروج ۲۶: ۱، ۳۱؛ ۳۶: ۸، ۳۵

۳. محافظ معبد سلمیان

a. دو کروی بزرگ در قدس الاقداس در اول پادشاهان ۶: ۲۳-۲۸؛ ۸: ۶-۷؛ دوم قرنطیان ۳: ۱۰-۱۴؛ ۵: ۷-۹

b. بر روی دیواره‌های درونی معبد، اول پادشاهان ۶: ۲۹، ۳۵؛ دوم قرنطیان ۳: ۷

c. بر روی قاب‌هایی که به چندین دیواره وصل بودند، اول پادشاهان ۷: ۲۷-۳۹

۴. محافظ معبد جزقیال

a. حک شده بر روی دیوارها و درب‌ها، جزقیال ۴۱: ۱۸-۲۰، ۲۵

۵. وصل است به شیوه‌های حمل و نقل الهی

a. استعاره‌ای است برای باد، دوم ساموئیل ۲۲: ۱۱؛ مزمور ۱۸: ۱۰؛ ۱۰۴: ۳-۴؛ اشعیا ۱۹: ۱

b. محافظ تخت خداوند، مزمور ۸۰: ۱؛ ۹۹: ۱؛ اشعیا ۳۷: ۱۶

c. محافظ ارابه سلطنتی خداوند، جزقیال ۱: ۴-۲۸؛ ۱۰: ۳-۲۲؛ اول قرنطیان ۲۸: ۱۸

۶. معبد هیروود

a. نقاشی شده بر روی دیوارها (محافظ تلمود "Yoma" 54a)

۷. صحنه تخت مکاشفه (محافظ، مکاشفه ۴-۵)

■ "ظرف زَرَبین مَنّا" نسخه Septuagint و فیلو از صفت "طلایی" برای این آیه استفاده کرده‌اند، اما چنین چیزی در متن عبری ماساروتی وجود ندارد (خروج ۳۱: ۱۶-۳۶). ژوزفوس می‌گوید که این ظرف معادل ۴ پیمانۀ ظرفیت داشت. معجزه بود که منا گندیده نمی‌شد (خروج ۱۶: ۱۸-۲۱، ۲۲-۲۵).
■ "عصای هارون که شکوفه آورده بود" این عصا نشان یهوه بود که رهبری موسی و هارون را در دوره مواجهه با طغیان‌گران صحنه می‌گذاشت (اعداد ۱: ۱۷-۱۱؛ ۲۰: ۸-۱۱).

■ "الواح سنگی عهد" اشاره به دو لوح سنگی حاوی ده فرمان دارد که خداوند بوسیله انگشتانش نوشته بود (خروج ۲۵: ۱۶؛ تثنیه ۹: ۹، ۱۱، ۱۵؛ ۳: ۱۰-۵؛ ۱۸: ۳۱؛ ۱۵: ۳۲). کتاب تثنیه و یوشع ۲۴ بافت معادلات مردمان هیتی را دنبال می‌کنند (قرن دوم پیش از میلاد). پیمان‌های آنان همیشه شامل دو نسخه می‌شد، یک نسخه برای پادشاه بعنوان گزارش سالانه و دیگری برای نگهداری در معبد خداوند. بنابراین احتمالاً وجود دو نسخه از ده فرمان به همین دلیل بوده است.

■ ۵: ۹ "کروبیان جلال" اشاره به دو موجود شبیه فرشته بر روی درپوش صندوق داشته، که بال‌های خود را همچون سایه بر روی صندوق گسترده‌اند (پیدایش ۳: ۲۴؛ خروج ۲۵: ۱۸-۲۲؛ حزقیال ۱۰: ۱۴، اما توجه شما را به حزقیال ۱۸: ۴۱ جلب می‌کنم که آن‌ها را با دو صورت به تصویر کشیده نه چهار تا). از یک کانال تلویزیونی تاریخی، احتمال جدیدی مطرح شده است. این کانال در برنامه‌ای با نام "رمزگشایی از خروج"، تسریع می‌کند که فرشتگان بر روی صندوق، سیمرغ بودند. کتاب مقدس اطلاعات زیادی درباره دنیای فرشتگان افشا نمی‌کند. کنجکاوی ما اغلب فراتر از واقعیات حرکت می‌کنند. برای واژه "جلال" به یادداشت عبرانیان ۱: ۳ رجوع نمایید.

■ "جایگاه کفاره" اشاره به درپوش طلایی "صندوق عهد" دارد. این جایگاه مکانی بود برای پوشاندن گناهان. بنظر می‌رسد نشانه‌های آن به شرح زیر باشد:

۱. قرار گرفتن یهوه میان بال‌های دو فرشته (روحانیون یهود می‌گویند که جاپایی بوده است)

۲. جعبه شامل ده کلمه بود (ده فرمان)

۳. کاهن اعظم در روز کفاره (لاویان ۱۶)، دو بار به قدس الاقداس می‌رفت تا خون در جایگاه کفاره بگذارد، یکبار برای گناه خودش و بار دیگر برای

گناهان ناخواسته قومش، بطور کلی (عبرانیان ۹: ۷).

به این ترتیب، با ریختن خون یک حیوان، الزامات شریعت به جای آورده شده و گناهان از چشم خدای یهوه دور می‌ماند (زندگی در خون است، گناه نیاز به زندگی دارد).

■ "اکنون جای آن نیست که به شرح جزئیات پردازیم" این به نوعی سلب مسئولیت است. نویسنده کتاب از جزئیات خیمه باستانی می‌گوید که اکنون ناشناخته هستند.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۹:۶ - ۱۰

پس از آنکه همه چیز بدین صورت نظام یافت، کاهنان مرتب به اتاق نخست داخل می شدند تا خدمت خود را به انجام رسانند. اما تنها کاهن اعظم به اتاق دوم داخل می شد، آن هم تنها سالی یک بار، و همیشه نیز خون به همراه داشت تا برای خود و برای گناہانی که قوم ناآگاهانه کرده بودند، تقدیم کند. ^۸ روح القدس بدین گونه نشان می دهد که تا زمانی که اتاق نخست برقرار است، راه ورود به مکان اقدس هنوز ظاهر نشده است. ^۹ این نمادی است از زمان حاضر که در آن، هدایا و قربانیهایی تقدیم می شود که قادر نیست وجدان عبادت کننده را کاملاً پاک سازد، ^{۱۰} بلکه تنها به کار خوردن و نوشیدن و انجام آداب مختلف شستشوی آیینی می آید. اینها تنها تشریفاتی است ظاهری که تا فرارسیدن زمان اصلاح امور ابلاغ شده بود.

۹:۶ "مرتب به اتاق نخست داخل می شدند" کاهنان مخازن چراغ‌ها را باید پر کرده (خروج ۲۷: ۲۰-۲۱)، هر هفته نان را جایگزین نموده (لاویان ۲۴: ۸-۹)، و مقدار کمی نیز بخور در مذبح بخور قرار می دادند (خروج ۳۰: ۷-۸).

۹:۷ "کاهن اعظم... سالی یک بار" وی فقط در روز کبپور، روز کفاره وارد می شد (لاویان ۱۶). کبپور یا کبپر (Kipper) بمعنی پوشاندن است. در گویش آکادیانی بمفهوم "زدودن" است. عبرانیان ۹ بر روی تشریفات مذهبی روز کفاره بیشتر از سایر فصل‌های عهد عتیق تمرکز دارد.

■ "ناآگاهانه" فقط گناہانی که در آنها عمدی وجود نداشت امکان ورود به نظام قربانی را داشتند. برای گناہان عمدی، یا گناہان سطح بالا (KJV) امکان کفاره دادن وجود نداشت (لاویان ۴: ۲؛ اعداد ۱۵: ۲۴، ۲۷، ۳۰، ۳۱؛ مزمور ۵۱: ۱۷). روز کفاره ابتدا به ساکن با مراسمی به آلودگی‌های قوم می پرداخت.

۸:۹-۱۰ این آیات در حله اول طبیعت اولیه پیمان موسایی، و سپس ارجحیت پیمان جدید را نشان می دهند. چگونه پیمان جدید بوسیله عیسی بهتر است؟

۱. در قدیم فقط کاهن اعظم سالی یکبار برای گناہان خود و گناہان غیر عمدی قوم اسرائیل وارد پرده می شد (که نشان از محدودیت در دسترسی و بخشش دارد)
۲. در پیمان جدید بواسطه بی گناہی عیسی و از بین رفتن مرز میان عمدی و غیر عمدی، تمام ایمانداران به حضور خداوند آورده می شوند (که نشان از دسترسی کامل و بخشش کامل دارد).

پیمان جدید (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴) بر اساس ایمان و کار تمام شده عیسی، و نه عملکرد انسان بر اساس یک دستورالعمل خارجی، به ایمانداران اعتماد بنفس عطا کرد (قلب جدید، روح جدید، حزقیال ۳۶: ۲۰-۲۷) تا انسان بتواند به نزد خداوند بزرگ، نه از طریق دستورالعمل‌های دینی و مراسم عبادی (عبرانیان ۶: ۱-۲)، بلکه مستقیماً بوسیله انجیل برود.

۸:۹

| | |
|------|-------------------|
| NASB | "بخش بیرونی خیمه" |
| NKJV | "اولین خیمه" |
| NRSV | "اولین چادر" |
| TEV | "بخش بیرونی چادر" |
| NJB | "چادر قدیمی" |

نویسنده عبرانیان بخش بیرونی چادر را "اولین خیمه" نامیده، که اشاره به "مکانی مقدس" دارد. این نکته می تواند معرف پرستش پیمان موسایی بوده که بطور کامل به خداوند دسترسی ندارد. هنگامی که عیسی مرد، پرده معبد هرود از بالا تا پایین شکافته شد (متی ۲۷: ۵۱) که نشان از این دسترسی بوسیله عیسی دارد.

۹:۹ "که قادر نیست وجدان عبادت کننده را کاملاً پاک سازد" پیمان قدیم قادر نبود که گناه را از وجدان بشر بشوید (عبرانیان ۹: ۱۴). وجدان در عهد جدید (برخلاف عهد قدیم) راهنمای اخلاقی است (۱ پطرس ۳: ۲۱). نکته خطرناک درباره وجدان این است که احتمال دارد بوسیله شرایط فرهنگی دستخوش تغییر جهت شده یا در خفا مورد سو استفاده قرار گیرد (متی ۲۳: ۲۵-۲۶). عهد جدید نقطه مقابل "بگوش رسیدن نجوای آرام" یا "صدای کوتاه" در ۱ پادشاهان ۱۹: ۱۲ است.

درباره این واژه بحث بسیار جالبی در کتاب *Synonyms of The Old Testament* نوشته Robert B. Girdlestone مطرح شده است.

"مطالب عنوان شده در نامه به عبرانیان که واژگانی را در خود دارد، بسیار جالب و مهم است. از عبرانیان ۹: ۹، ما مطالب را تحت عهد عتیق گردآوری کرده ایم که انسان را "در رابطه با وجدانش" کامل نکرده، عبارتی نتوانسته احساس گناه را از او دور کند که این موضوع مانع یکی شدنش با خدا می گردد. آنها گناه را از ذات آدمی نمی زدایند، در حقیقت توانش را هم ندارند، زیرا که اگر قواعد اختیاری لای گونه تأثیری بر کامل شدن انسان می داشت، دیگر برای ارائه آن نیازی به تکرار نبود. چنانچه پرستش کنندگان یکبار برای همیشه پاک می شدند، دیگر فاقد ضمیر ناخودآگاه گناه بودند

(عبرانیان ۱۰:۲). اما "خون عیسی" ضمیر انسان را از کارهای عبث شسته، و او را قادر به خدمت به خدای زنده می‌نماید (عبرانیان ۹:۱۴). و لذا قلب نیز از یک ضمیر شیطانی شسته می‌گردد (۲۲:۱۰). عبارت دیگر، وفادار بودن به پذیرش این اصل که قربانی شدن عیسی، حس گناه را که حصری میان انسان و خدا بود برداشته، و انسان را قادر می‌سازد که دیگر همچون برده زندگی نکرده بلکه همانند پسر باشد" (ص. ۷۳).

■ "کاملاً" به موضوع خاص در عبرانیان ۷:۱۱ رجوع نمایید.

| | |
|------|--|
| ۱۰:۹ | |
| NASB | "زمانی برای اصلاح امور" |
| NKJV | "زمان اصلاح امور" |
| NRSV | "زمان برای مرتب کردن اوضاع فرا می‌رسد" |
| TEV | "هنگامی که خداوند فرامین جدیدی را وضع خواهد کرد" |
| NJB | "زمان برای درست شدن کارها فرا می‌رسد" |

اشاره به تنفیض پیمان جدید به عیسی دارد. این فراز توسط روحانیون یهود در آخرین "Jubilee" بکار برده شد، هنگامی که مسیح موعود می‌آید. همینطور در قالب اخلاقی در ارمیا ۷:۳، ۵ نیز بکار برده شده است.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۹:۱۱ - ۱۴

۱۱ اما چون مسیح در مقام کاهن اعظم آن امور نیکو ظاهر گشت که هم‌اکنون واقع شده‌اند، به خیمه‌ای بزرگتر و کاملتر داخل شد که به دست انسان ساخته نشده است و به دیگر سخن، به این خلقت تعلق ندارد. ۱۲ و به خون بزها و گوساله‌ها داخل نشد، بلکه یک بار برای همیشه به خون خود به قدس الاقداس داخل شد و رهایی ابدی را حاصل کرد. ۱۳ زیرا اگر خون بزها و گاوها و پاشیدن خاکستر گوساله بر آنان که به لحاظ آیینی ناپاکند، ایشان را تقدیس می‌کند تا به ظاهر پاک باشند، ۱۴ چقدر بیشتر، خون مسیح که به واسطه آن روح جاودانی، خویشتن را بی‌عیب به خدا تقدیم کرد، وجدان ما را از اعمال منتهی به مرگ پاک خواهد ساخت تا بتوانیم خدای زنده را خدمت کنیم!

۹:۱۱ "اما چون مسیح در مقام کاهن اعظم ظاهر گشت" این ظهور چه موقع روی داد:

۱. پیش از خلقت (مکاشفه ۱۳:۸)
۲. در خیمه‌ای بزرگتر و کامل‌تر (عبرانیان ۹:۱۲)
۳. پس از ارتقای منزلت به دست راستی پدر (ورود به بهشت، عبرانیان ۹:۲۴ - ۲۵)

آیا عیسی خود را دو مرتبه فدا کرد؟ اگر چنین است، چرا بر روی "یکبار برای همیشه" تاکید شده است؟ این احتمال هست که یکبار خود را بعنوان قربانی در خیمه بزرگ تقدیم کرد، اما پس از اینکه منزلتش فزونی یافت جامه عمل به تن کرد و یا شاید (۱) این تصورات الهیاتی یا (۲) فقط عرفان ربانی الهام شده باشد.

■ "امور نیکو که هم‌اکنون واقع شده‌اند" متون یونانی متفاوتی در اینباره وجود دارد: (۱) [در نسخه انگلیسی نوشته شده: "آنچه که در پیش رو است"] در نسخه‌های ۸، A (NASB, NKJV, NJB) نوشته شده "آنچه که در پیش رو است" و (۲) در نسخه‌های P⁴⁶, B, D* (RSV, NEB, TEV, NIV) عبارت "آنچه که هم‌اکنون مهیاست" نوشته شده است.

■ "به دست انسان ساخته نشده است" این بخش از آیه را بعنوان مرجعی در نظر بگیرید برای بدن ایمانداران برخواسته از مردگان (۲ قرن‌تیا ۵:۱) و بدن عیسی (مرقس ۱۴:۵۸). با وجود این، متن ظاهراً اشاره به معبد آسمانی دارد (عبرانیان ۸:۲؛ ۹:۲۴).

۹:۱۲ "به خون بزها و گوساله‌ها داخل نشد" بزها برای گناهان مردم (لاویان ۱۶:۱۱) و گوساله‌ها برای گناهان کاهنان اعظم بود (لاویان ۱۶:۱۱). سیستم قربانی کردن در عهد عتیق (لاویان ۱-۷) به نوعی مجوز خداوند بخشنده (و بعنوان خبر رسانی پیشاپیش درباره مرگ عیسی) برای قربانی کردن حیوانی بعنوان خونبهای گناه بشر بود (لاویان ۱۷:۱۱).

■ "به خون خود" حرف اضافه یونانی "dia" می‌تواند دو معنی داشته باشد. (۱) "از طریق" (NASB, NIV) و یا (۲) "با" (NKJV, NRSV, NJB).

■ "قدس الاقداس" استفاده از این واژه در اینجا نشان از خیمه آسمانی دارد نه زمینی.

■ "یک بار برای همیشه" این تاکید اغلب تکرار شده است (عبرانیان ۷:۲۷؛ ۹:۲۸؛ ۱۰:۱۰). استفاده از آن تاکید بر فدایی شدن کامل عیسی دارد. به یادداشت عبرانیان ۷:۲۷ رجوع نمایید.

NRSV "به رستگاری ابدی دست یافت"

TEV "به رهایی ابدی دست یافت"

NJB "رستگاری ابدی را فتح کرد"

این یک صفت میانی آئوریستی است که از تاکید بر عمل انجام شده موضوع مورد بحث می گوید. لغت "ابدی" می تواند ارتباط با (۱) کیفیت محتوایی آن، (۲) "زندگی عصری جدید" و یا (۳) کمیت آن یعنی "زندگی بدون پایان" داشته باشد. با توجه به هشدارهای تکان دهنده در فصل عبرانیان، احتمالاً گزینه اول بهترین حالت ممکن است. به موضوع خاص: ابدی در عبرانیان ۲:۶ رجوع نمایید.

■ **رهای** " این لغت اشاره به خون بهای پرداخت شده برای آزادی شخصی توسط یکی از نزدیکان وی دارد. واژه عهد عتیقی آن "go'el" می باشد (روت ۴، اشعیا ۴۳:۱؛ ۴۴:۲۲، ۴۸:۲۳؛ ۴۸:۲۰؛ ۱۲:۹؛ ۶۳:۹؛ هوشع ۱۳:۱۴).

■ **۱۳:۹** "اگر" جمله آن شرطی نوع اول است که گمان می رود درست باشد. خداوند نظام قربانی کردن موسایی را بعنوان پوشاندن گناهان پذیرفت، ولی تا زمان آمدن عیسی!

■ " **خاکستر گوساله**" خاکستر گوساله برای مراسم تطهیر استفاده می شد (اعداد ۱۹).

■ **"پاشیدن"** این عمل در زمان موسی شامل مایعاتی می شد (خون یا خاکستر گوساله مخلوط با آب). این عمل روشی بود برای انتقال نیروی تقدس یا پاکی. Robert G. Girdleston در کتاب خود بنام *Synonyms of the Old Testament* تفسیر جالبی در اینباره دارد:

"اشاره به عمل پاشیدن (*Shantismo*) بویژه در پیام به عبرانیان و اجرای آن به دو شکل بود - که یکی با پاشیدن خاکستر گوساله ماده بر روی افرادی که متهم به آلودگی های اخلاقی خاص بودند (عبرانیان ۱۳:۹)، و دیگری پاشیدن آغشته به خون بر روی مردم؛ همچنین در ارتباط با موضوع خیمه، ریشه های زیادی را می توان مرتبط با آیین های مقدس یافت (عبرانیان ۱۹:۹، ۲۱). بطور خلاصه، همه این ها سایه های پاشیدن خون مسیح هستند که خون قائل در مقایسه با آن هیچ است (عبرانیان ۱۲:۲۴)" (صفحه ۱۵۲).

■ **۱۴:۹** "چقدر بیشتر" مقایسه دو عهد، تم کتاب می باشد (عبرانیان ۲:۱-۳؛ ۳:۳؛ ۸:۶؛ ۱۰:۲۸-۲۹).

■ " **که به واسطه آن روح جاودانی**" منظور از این جمله یا حضور روح عیسی، و یا روح القدس است.

کتاب *A Handbook on The Letter to the Hebrews* نوشته Ellingworth and Nida چاپ انجمن های انجیل واحد (UBS)، فهرستی از دلایل متعددی را منتشر کرده که بهتر بود کلمه روح در نسخه انگلیسی باید بجای حرف بزرگ S، با حرف کوچک (s) نوشته می شد، در حالیکه اکثر ترجمه های جدید (NASB, NKJV, NRSV, TEV, NJB, NIV) از حرف بزرگ استفاده کرده اند.

۱. هیچ سند قطعی در اینباره وجود ندارد

۲. نویسنده اغلب از "روح القدس" صحبت کرده و شخص عیسی را بوسیله این عنوان مورد خطاب قرار می دهد

۳. عبارت می تواند به موازات "نیروی یک زندگی فنا ناپذیر" در عبرانیان ۷:۱۶ ارزیابی شود (ص. ۱۹۶).

وی در تفسیر خود درباره عبرانیان در مجموعه *New International Commentary Series* نوشته F. F. Bruce می گوید که مفهوم روح، کنایه ای به بخش اشعیا است که حاوی "شعرهای خدمتگزار" می باشد (فصل های ۴۰-۵۴). در این فصل، آیه ۱:۴۲ می گوید "من روح خود را بر او می نهم" (ص. ۲۰۵). در کتابی همچون عبرانیان، که در فراق بال از عهد عتیق بهره می جوید، چنین تعبیری با منطبق پیدا می کند.

■ **"خویشتن را تقدیم کرد"** این کار عیسی داوطلبانه است (یوحنا ۱۰:۱۷-۱۸؛ ۲ قرن تیان ۵:۲۱؛ فیلیپیان ۲:۸؛ اشعیا ۵۲:۱۳-۵۳:۱۲). به موضوع خاص: عیسی بعنوان کاهن اعظم در عبرانیان ۲:۱۷ رجوع نمایید.

■ **"بی عیب"** به موضوع خاص در عبرانیان ۷:۲۶ رجوع کنید.

■ **"اعمال منتهی به مرگ"** نمونه همین عبارت در عبرانیان ۱:۶ در اشاره به آیین های عهد عتیق بمنظور رسیدن به رستگاری، دیده می شود. معنی اصلی آن، کفار جاننشین بره خداوند است (یوحنا ۱:۲۹؛ ۱ یوحنا ۳:۵). من حقیقتاً تفسیر M. R. Vincent را در کتاب *Word Studies in the New Testament* تحسین می کنم. این تفسیر اعمال منتهی به مرگ را با شرعی دانستن عدالت خدا ارتباط می دهد.

" این عمل، شخصیت کارها را با حذف آنها از عنصر مرگ تغییر می دهد. این عنصر نه تنها به کارهایی تعلق دارد که بعنوان گناه و انجام شده توسط انسان گناهکار به رسمیت شناخته شده اند، بلکه حتی کارهایی که تحت عنوان مذهب و بنام فقط یک روح شرعی انجام می پذیرند نیز پوشش داده می شوند. با این وجود، به دلیل اینکه ایمان از اهمیت بیشتری در دین برخوردار است، مسیحیت شدیدترین و رادیکال ترین تدابیر را برای این کارها

اعمال می‌کند. پروفیسور بروس به درستی می‌گوید که "شدیدترین آزمون توان مسیح برای رستگاری، توانایی او در از بین بردن ضوابط از یک دین قانونی است، که بوسیله آن کسانی محکوم شده‌اند از سلطه عادات غلط گناهکارانه رهایی یافته‌اند بودند" (ص. ۱۱۳۹-۱۱۴۰).

■ **"خدای زنده را خدمت کنیم"** توجه داشته باشید که ایمانداران از خدمتگذاری رهایی یافته‌اند (رومیان ۶). رستگاری نوعی آزادی است از شر گناه ستمگر، به سوی اربابی خداوند! رستگاری یک محصول نیست (همچون یک بلیط از پیش خریداری شده برای بهشت یا بیمه صوانج)، بلکه رابطه ایمان، اطاعت و خدمت است. تمام ایمانداران دارای عطیه برای بشارت (افسیسیان ۴: ۱۱-۱۲) و خدمت به بدنه عیسی هستند (۱ قرن تیان ۱۲: ۷، ۱۲). صفت "زنده" نوعی بازی با کلمات در عهد عتیق است برای خداوند، یهوه، که از ریشه "بودن" گرفته شده است. یهوه تا ابد زنده و تنها زنده این جهان است! به موضوع خاص: اسامی برای خداوند رجوع نمایید.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۹: ۱۵-۲۲

^{۱۵} از همین رو، مسیح واسطه عهدی است جدید، تا فراخواندگان بتوانند میراث جاودانی موعود را دریافت کنند. زیرا اکنون مرگی رخ داده که آنان را از گناهانی که در متن عهد نخست واقع شد، رهایی می‌بخشد. ^{۱۶} زیرا در هر عهدی، لازم است مرگ عاملی که عهد را رسمیت می‌بخشد به میان آید، ^{۱۷} زیرا هر عهدی تنها بر اساس چنین مرگی ارزش قانونی می‌یابد؛ چون تا زمانی که عامل رسمیت بخشنده به عهد زنده است، آن عهد اعتباری ندارد. ^{۱۸} از همین رو، حتی عهد نخست نیز بدون خون، قابل اجرا نبود. ^{۱۹} آن هنگام که موسی هر یک از احکام شریعت را به تمامی قوم اعلام کرد، خون گوساله‌ها را گرفته، همراه با آب و پشم قرمز و شاخه‌های زوفا، بر طومار و همه قوم پاشید ^{۲۰} و گفت: «این است خون عهدی که خدا شما را به نگاه داشتنش حکم فرموده است.» ^{۲۱} همچنین آن خون را بر خیمه و بر هر آنچه در آیینهای آن به کار می‌رفت، پاشید. ^{۲۲} در حقیقت، بنا بر شریعت، تقریباً همه چیز به وسیله خون پاک می‌شود و بدون ریختن خون، آمرزشی نیست.

نکته مهم: خواننده محترم توجه داشته باشد که در آیه انگلیسی بجای گوساله، بز نوشته شده است. لذا مفسر در نوشته خود بر اساس "بز" و با استناد به متون اصلی عبری و یونانی نگارش نموده است. بجز کتاب مقدس نسخه مژده برای عصر جدید که از "بز" و "گوساله" نام برده است، بقیه ترجمه‌های فارسی فقط از گوساله استفاده کرده‌اند.

مترجم/

۱۵:۹ "واسطه" به تفسیر عبرانیان ۶: ۸ رجوع کنید (عبرانیان ۱۲: ۲۴؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۵).

■ **"عهدی جدید"** این واژه اولین بار در عبرانیان ۸: ۸، ۱۳ استفاده شد، اما اشاره به عبرانیان ۷: ۲۲ داشت. این واژه شگفت‌آور فقط در یک متن عهد عتیقی یافت می‌شود (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴) و در حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۸ نیز تشریح گردیده است. آیات ۱۵-۱۸ بازی با لغت "پیمان" بوده، با دو مفهوم پیمان‌نامه شرعی یا قرار داد (در زبان عبری) و وصیت‌نامه و شهادت‌نامه (در زبان یونانی و لاتین).

■ **"تا فراخواندگان بتوانند میراث جاودانی موعود را دریافت کنند. زیرا اکنون مرگی رخ داده که آنان را از گناهانی که در متن عهد نخست واقع شد، رهایی می‌بخشد"** بخاطر داشته باشید که فصل عبرانیان، مقایسه میان عهدهای قدیم و جدید است. پیمان موسایی منجر به محکومیت به مرگ (افسیسیان ۲: ۱۴-۱۶؛ کولسیان ۲: ۱۴) والاترین خلقت خداوند (بشریت) گردید زیرا پس از پیدایش ۳ آنان قادر به اطاعت و اجرای فرامین خداوند نبودند. اولین پیمان گفت "انجام دهید و زندگی کنید"، اما هیچکس نتوانست بطور کامل ملزومات آن را بجا آورد. عهد عتیق اظهار می‌دارد که "روحی که گناه کند، خواهد مرد" (۲ پادشاهان ۱۴: ۶؛ حزقیال ۱۸: ۴، ۲۰). پاسخ خداوند، قول اسرائیلی فاقد گناه و ایده‌عال بود که بتواند هزینه‌ای را برای همه و برای همیشه بپردازد (اشعیا ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲).

مفهوم "وراثت" مرتبط است با ارتباط خاص لاویان با یهوه. آنان میراث او بودند و او میراث آنان (نه سرزمین و یا سایر قبایل). ایمانداران پیمان جدید اکنون بسان کاهنان عهد عتیق هستند (۲ پطرس ۳: ۵، ۹؛ مکاشفه ۱: ۶). ایمانداران دارای میراثی ابدی هستند که مسیح برایشان مهیا نموده و توسط خداوند محافظت می‌گردد (۱ پطرس ۳: ۵).

موضوع خاص: بها/بازخرید (Special Topic: Ransom/Redeem)

۱. عهد عتیق

a. اساساً دو اصطلاح عبری وجود دارند که دربردارنده این مفهوم می‌باشند.

i. *Ga'al* (BDB 145 I, KB 169 I) که به معنی "بهای آن پرداخت شده و آزاد است" می‌باشد. حالت دیگر این اصطلاح

go'el مفهوم واسطه انسانی را به آن اضافه می‌کند که معمولاً عضو خانواده است (سرپرست خانواده). این جنبه فرهنگی حق

بازخرید اشیا، حیوانات، زمین (مراجعه شود به لاویان ۲۵ و ۲۷) یا اقوام (مراجعه شود به روت ۴: ۱۴، اشعیا ۲۲: ۲۹) از دید

- الهیاتی به تحویل اسرائیل از مصر توسط یهوه منتقل می‌شود (مراجعه شود به کتاب خروج ۶:۶، ۱۳:۱۵، مزبور ۲:۷۴، ۱۵:۷۷، ارمیا ۱۱:۳۱).. او تبدیل به ناجی می‌شود (مراجعه شود به یعقوب ۱۹:۲۵، مزبور ۱۴:۱۹، ۳۵:۷۸، امثال ۱۱:۲۳، اشعیا ۱۴:۴۱، ۱۴:۴۳، ۶:۴۴ و ۲۴:۴۷، ۱۷:۴۸، ۷:۴۹ و ۲۶:۵۴، ۸:۵۹، ۱۶:۶۰، ۱۶:۶۳، ارمیا ۳۴:۵۰).
- ii. *Padah* (BDB 804, KB 911) که به معنی "تحویل دادن" یا "نجات دادن" است.
۱. رستگاری تنها مولود (کتاب خروج ۱۳:۳۵ الی ۱۵ و اعداد ۱۸:۱۵ الی ۱۷)
 ۲. رستگاری فیزیکی برابر رستگاری معنوی (مزبور ۷:۴۹ و ۸ و ۱۵)
 ۳. یهوه اسرائیل را از گناهانشان و شورشیان نجات خواهد داد (مزبور ۷:۱۳۰ الی ۸)
- b. مفهوم الهیاتی آن در بردارنده چندین رابطه است
- i. یک نیاز، تعهد، مجازات و زندانی شدن وجود دارد
 ۱. فیزیکی
 ۲. اجتماعی
 ۳. معنوی (مراجعه شود به مزامیر ۸:۱۳۰)
 - ii. برای آزادی، رهایی و احیا بهایی باید پرداخت شود
 ۱. در ارتباط با قوم اسرائیل (مراجعه شود به تثبیه ۸:۷)
 ۲. در رابطه با فرد (مراجعه شود به یعقوب ۱۹:۲۵ الی ۲۷، ۲۸:۳۳، اشعیا ۵۳)
 - iii. شخصی باید به عنوان واسطه و ذینفع عمل کند. در *ga'al* این شخص معمولاً یکی از اعضا خانواده یا نزدیکان است (*go'el*, BDB 145)
 - iv. یهوه معمولاً خود را با اصطلاحات خانوادگی معرفی می‌کند.
 ۱. پدر
 ۲. شوهر
 ۳. یک ناجی از نزدیکان خانواده/ناجی رستگاری از طریق یهوه رها می‌شود، بهایش پرداخت می‌گردد و رستگاری حاصل می‌گردد.
۲. عهد جدید
- a. از چندین اصطلاح که در بر دارنده مفهوم الهیاتی بحث هستند، استفاده شده است.
- i. *Agorazō* (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۶:۲۰، ۷:۲۳، دوم پطرس ۱:۲، مکاشفه ۹:۵، ۳:۱۴ الی ۴). این یک اصطلاح تجاری است که منعکس کننده بهای پرداخت شده برای چیزی است. ما مردمانی هستیم که خون‌ها می‌گیریم که بر زندگی خود کنترلی نداریم. ما به مسیح تعلق داریم.
 - ii. *Exagorazō* (مراجعه شود به غلاطیان ۱۳:۳) ۴:۵، افسسیان ۱۶:۵، کولسیان ۵:۴). این نیز یک اصطلاح تجاری است. این اصطلاح منعکس کننده مرگ جایگزین عیسی از جانب ما است. عیسی نفرینی که بر بر مبنای شریعت بر ما بود و انسان‌های گناهکار نمی‌توانستند آن را تحقق بخشند، تحمل کرد (شریعت موسی، مراجعه شود به افسسیان ۲:۱۴ الی ۱۶، کولسیان ۲:۱۴). او نفرینی را که بر ما بود (مراجعه شود به تثبیه ۲۳:۲۱) برای همه ما (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴۵:۱۰، دوم قرن‌تین ۲۱:۵) تحمل کرد! از طریق عیسی عدالت و عشق خدا در هم آمیخت و تبدیل به بخشش کامل و پذیرش شد!
 - iii. *Luō* (آزاد کردن/رها کردن)
۱. *Lutron* "بهای پرداخت شده" مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۲۰، انجیل مرقس ۴۵:۱۰). اینها کلمات قدرتمندی هستند که از دهان خود عیسی بیرون آمده اند و در رابطه با هدف آمدنش می‌باشند، برای اینکه ناجی جهان باشد، برای اینکه بدهی گناهی را که مرتکب نشده است، بپردازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۲۹).
 ۲. *Lutroō*
 - a. که ناجی اسرائیل باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴:۲۱)
 - b. تا خودش را قربانی کند که مردم را نجات دهد و پاک سازد (تیتوس ۲:۱۴)
 - c. برای اینکه جایگزین بدون گناه باشد (اول پطرس ۱:۱۸ الی ۱۹)
 ۳. *Lutrōsis*، "رستگاری"، "آزادی"

- a. نبوت زکریا در مورد عیسی، انجیل لوقا ۱:۶۸
- b. دعای آنا با خدا برای عیسی، انجیل لوقا ۲:۳۸
- c. عیسی بهتر است، قربانی برای یک مرتبه، عبرانیان ۹:۱۲
- iv. *Apolytrōsis*
- v. رستگاری در آمدن دوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹:۳ الی ۲۱)
۱. انجیل لوقا ۲۱:۲۸
 ۲. رومیان ۸:۲۳
 ۳. افسسیان ۱:۱۴، ۴:۳۰
 ۴. عبرانیان ۹:۱۵
- vi. رستگاری در زمان مرگ عیسی
۱. رومیان ۳:۲۴
 ۲. اول قرنتیان ۱:۳۰
 ۳. افسسیان ۱:۷
 ۴. کولسیان ۱:۱۴
- vii. *Antilytron* (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲:۶). این یک متن مهم است (همانند تیتوس ۲:۱۴) که رهایی را با مرگ عیسی بر بالای صلیب به عنوان جایگزین مرتبط می‌کند. او تنها قربانی قابل قبول است، کسی که به خاطر "همه" مرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۲۹، ۱:۱۶، ۳:۱۷، ۴:۲۴، اول تیموتائوس ۲:۴، ۴:۱۰، تیتوس ۲:۱۱، دوم پطرس ۳:۹، اول یوحنا ۲:۲، ۴:۱۴).
- b. مفهوم الهیاتی در عهد جدید
- i. انسان برده گناه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۳۴، رومیان ۳:۱۰ الی ۱۸ و ۲۳، ۲:۲۳)
 - ii. وابستگی انسان به گناه در قانون عهد عتیقی موسی آشکار شده است (مراجعه شود به غلاطیان ۳) و مؤظله عیسی بر بالای کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷). عملکرد انسان تبدیل به مجازات ممرگ برای او شده است (مراجعه شود به کولسیان ۲:۱۴)
 - iii. عیسی، بره معصوم خدا، آمد و بجای ما مرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰:۴۵، انجیل یوحنا ۱:۲۹، دوم قرنتیان ۵:۲۱). ما را از گناه خریدند تا به خدا خدمت کنیم (مراجعه شود به رومیان ۶).
 - iv. به طور ضمنی هم یهوه و هم عیسی "نسبت نزدیک" دارند که از طرف ما عمل می‌کنند. این استعاره‌های خانوادگی (یعنی پدر، شوهر، پسر، برادر، نزدیکان) تداوم می‌یابند.
 - v. رستگاری بهایی نیست که به شیطان (یعنی الهیات قرون وسطی) پرداخت شده باشد، بلکه آشتی با خدا و عدالت خداوند با عشق خدا و کامل بودن در مسیح است. در صلیب صلح بازگردانده شد، شورش بشر آموزش داده شد، تصویر خدا در بشریت در حال حاضر به طور کامل در همکاری صمیمانه عمل می‌کند!
 - vi. هنوز یک جنبه آینده نگرانه ای در رستگاری وجود دارد (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۳، افسسیان ۱:۱۴، ۴:۳۰)، که شامل احیا کالبد ما و صمیمیت فردی با تثلیث خدا است (موضوع خاص: تثلیث را مطالعه کنید). کالبدهای احیا شده ما همانند او خواهند بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳:۲). او یک بدن فیزیکی دارد، ولی با یک بعد اضافی. به سختی می‌توان پارادوکس اول قرنتیان ۱۵:۱۲ الی ۱۹ را با اول قرنتیان ۱۵:۳۵ الی ۵۹ توصیف کرد. بدینی است یک کالبد فیزیکی و زمینی وجود دارد و همچنین یک کالبد معنوی و بهشتی. عیسی هر دو را داشت.

■ "قابل اجرا" به تفسیر عبرانیان ۲۰:۱۰ رجوع نمایید.

۱۹:۹ "گو ساله‌ها بهمراه با آب و پشم قرمز و شاخه‌های زوفا" بنظر می‌رسد که نویسنده پاکسازی جذامی را بوسیله پا شیدن خون در لایوان ۶-۷ با تقدیس ده فرمان در کوه سینا در خروج ۹-۱:۲۴ تلفیق کرده است. در فصل ۲۴ جشن خیمه وجود نداشت (خروج ۴۰). ژورفوس بما می‌گوید که خون پاشیدن بخشی از آیین خروج ۴۰ بوده است.

غافلگیر کننده است که می‌بینیم نویسندگان عبری از سه واژه هم معنی استفاده کرده است.

۲۵:۹ این آیه ادامه تأکید الهیاتی کتاب عبرانیان است که عیسی "یکبار" را در آن بکار برد (عبرانیان ۷:۲۷؛ ۹:۱۱، ۲۵-۲۸؛ ۱۰:۱۰)، در نتیجه، کاهنیت وی، فدا شدن وی و مکان مقدس در مقابل اجزای عهد عتیق از ارجحیت برخوردار می‌باشد.

۲۶:۹

| | |
|------|--|
| NASB | "در این صورت، او می‌بایست اغلب رنج کشیده باشد" |
| NKJV | "او پس باید اغلب رنج کشیده باشد" |
| NRSV | "زیرا پس او باید دوباره رنج کشیده باشد" |
| TEV | "زیرا پس او باید بارها رنج کشیده باشد" |
| NJB | "یا اینکه او می‌بایست بارها و بارها دوباره رنج کشیده باشد" |

A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament* تفسیر می‌کند که این جمله شرطی نوع دوم می‌باشد (Vol V ص. ۴۰۴)، که حکایت از امری اشتباه منتج به نتیجه‌گیری اشتباه می‌باشد. عیسی فقط یکبار قربانی شد، نه همچون سایر قربانیان رایج.

NASB "در نتیجه‌گیری تمامی اعصار"

NKJV "در پایان تمامی اعصار"

NRSV "در پایان عصر"

TEV "اکنون در زمانی که تمام دوران‌ها رو به پایان دارند"

NJB "در پایان آخرین عصر"

چندین واژه یونانی در ارتباط با "زمان"، "ابدیت" و "عصر" وجود دارد. در فصل ۹ سه مرجع زمانی استفاده شده است:

۱. عبرانیان ۹:۹، "زمان حاضر"، عهد عتیق

۲. عبرانیان ۹:۱۰، "زمان اصلاحات"، عهد جدید (شروع دوران جدید)

۳. عبرانیان ۹:۲۶، "پایان عصرها"، دوران جدید رستگاری (پایان دوران جدید، متی ۱۳:۳۹، ۴۰، ۴۹؛ ۲۴:۳؛ ۲۸:۲۰)

روحانیون یهود و نویسندگان عهد عتیق دو عصر را متصور بودند (دو گانگی افقی): (۱) عصر شیاطانی کنونی که بوسیله انسان سرکش و نفرین خداوند شخصیت پردازی شده و (۲) عصر پیش رو که در تسخیر مسیح موعود می‌باشد، روزی برای رستگاری.

تمرکز عهد عتیق بر روی ورود قدرتمند و سحرآمیز مسیح بعنوان قاضی و حاکم می‌باشد، اما آنگونه که عهد جدید آشکار می‌کند، وی دو بار ظاهر خواهد گردید، یکبار بعنوان خادمی رنج دیده، بره خداوند؛ و دیگری آنگونه که در عهد عتیق پیش‌بینی شده است. این دو دیدگاه باعث روی هم قرار گرفتن دو عصر یهود شده است. پادشاهی خداوند با تولد عیسی آمده است اما تا زمان بازگشت شکوهمند او، از بین نخواهد رفت. ایمانداران شهروندان دو حوزه هستند: پادشاهی ابدی و یک پادشاهی موقت.

۲۷:۹ این آیه قطعاً هر مفهومی از انتقال روح، چرخه کارما *Kharma*، یا زندگی‌های گذشته، که دکترین‌های دهشتناکی برای انسان رانده شده از بهشت و بشر گناهکار است را رد می‌کند! "یک زندگی، سپس قضاوت"، جهان‌بینی مسیحی است که سوخت فوریتی بشارت مسیحیت بوده؛ که مفهوم الهیاتی دنیاگرایی را از بین می‌برد (در نهایت همه انسان‌ها نجات خواهند یافت)؛ که ماموریت عظیمی را طلب می‌کند (متی ۱۹:۲۸-۲۰) نه اینکه فقط در حد یک توصیه خوب یا گزینه عالی به آن نگرسته شود!

۲۸:۹ "تا گناهان بسیاری را بر دوش کشد" این بخش از آیه می‌تواند اشاره به اشعیا ۵۳:۱۲ (۱ پطرس ۲:۲۴) داشته باشد. عبارت "بسیاری" مختص (برخی) نیست، اما موازی است با "همه" ۵۳:۶ (رومیان ۵:۱۸، "همه" ۱۹:۵، "بسیاری").

عبارت "بر دوش" همچنین می‌تواند در اشاره به اشعیا ۵۳:۴، ۱۱، ۱۲ باشد. فعل عبری آن بمعنی "به دوش کشیدن" یا "از میان بردن" (۱ پطرس ۲:۲۴) دارد. "عیسی هزینه‌ای را پرداخت که بدهکار آن نبود؛ ما یک بدهی داشتیم که توان پرداخت آن را نداشتیم."

■ "دیگر بار ظاهر خواهد شد" این بخش از آیه احتمالاً اشاره به بازگشت دوم عیسی دارد، مضمونی مکرر در عهد جدید (متی ۲۴:۳، ۲۷، ۳۰، ۳۷، ۳۹، ۴۲، ۴۴؛ ۲۶:۶۴؛ مرقس ۱۳:۲۰؛ لوقا ۲۱:۲۷؛ یوحنا ۱۴:۳؛ اعمال رسولان ۱:۱۱؛ ۱ قرنتیان ۷:۱؛ ۲۳:۱۵؛ فیلیپیان ۳:۲۰-۲۱؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۱۹؛ ۱۳:۳؛ ۱۵:۴-۱۶؛ ۲۳:۵؛ ۲ تسالونیکیان ۱:۷، ۱۰؛ ۲:۸؛ ۱ تیموتائوس ۶:۱۴؛ ۲ تیموتائوس ۱:۴، ۸؛ تیتوس ۲:۱۳؛ عبرانیان ۹:۲۸؛ یعقوب ۵:۷-۸؛ ۱

پطرس ۱:۷، ۱۳؛ ۲ پطرس ۱:۱۶؛ ۳:۴، ۱۲؛ ۱ یوحنا ۲:۲۸). به موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شده‌اند، در عبرانیان ۱:۱۴ رجوع نمایید.

با اینحال، این احتمال وجود دارد که به لحاظ متنی، اشاره به خروج عیسی از خیمه آسمانی پس از فداکاری موفقیت‌آمیزش داشته باشد (کتاب *New Testament Transline* نوشته Michael Magill، صفحه ۸۴۶، ۳۵، ۳۲). چیزی مشابه با کاهن اعظم عهد عتیق که از قدوس الاقداس در روز کفاره خارج می‌شود.

| | |
|---|-----------|
| ”برای رستگاری بدون رجوع به گناه“ | NASB |
| ”بدور از گناه، برای رستگاری“ | NKJV |
| ”نه برای درگیر گناه شدن، بلکه برای نجات“ | NRSV, TEV |
| ”دیگر گناهی نخواهد بود... بمنظور آوردن رستگاری“ | NJB |

این بخش ظاهراً گواه آن است که عیسی ابتدا به ساکن آمد تا مشکل گناه بشر را بر دوش کشد، اما او دوباره خواهد آمد تا همه را از آن خود نماید (۱ تسالونیکیان ۱۸-۴:۱۳)، آنان که به او اعتماد کردند و در انتظار بازگشت او هستند (رومیان ۸:۱۹، ۲۳؛ ۱ قرنتیان ۱:۷؛ فیلیپیان ۳:۲۰؛ تیتوس ۲:۱۳).

■ **”آنان را که مشتاقانه چشم به راه اویند“** این بخش از آیه می‌تواند اشاره دیگری به مراسم روز کفاره باشد، جایی که اسرائیلیان مشتاقانه در انتظار زنده بیرون آمدن کاهن اعظم از قدس الاقداس هستند، که این امر نماد پذیرش صدارت او توسط یهوه می‌باشد.

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا نویسنده عبرانیان درباره خیمه باستانی در سحر را مورد بحث قرار می‌دهد؟

۲. چرا آیه ۹:۹ به لحاظ الهیاتی دارای اهمیت است؟

۳. آیا در بهشت خیمه فیزیکی وجود دارد که عیسی به آن وارد شده و قربانی را تقدیم کرده باشد؟

۴. نویسنده در آیات ۱۵-۱۸ از کدامین دو توارد ضمنی ”پیمان“ استفاده کرده است؟

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|--|---------------------------------------|--|--|------------------------------------|
| با قربانی شدن عیسی گناه از بین می‌رود (۱۸:۱۰ - ۲۳:۹) | قربانی شدن حیوانات کفایت نمی‌کرد | جنبه‌های شخصیتی قربانی شدن عیسی (۱۸:۱۰ - ۱۱:۹) | قربانی شدن عیسی گناهان را می‌شوید (۱۸:۱۰ - ۲۳:۹) | قربانی کردن‌های قدیم بی‌اثر است |
| ۴-۱:۱۰ | ۴-۱:۱۰ | ۱۰-۱:۱۰ | ۴-۱:۱۰ | ۱۰-۱:۱۰ |
| | مرگ عیسی خداوند را به آرزویش رساند | | | |
| ۱۰-۵:۱۰ | ۱۰-۵:۱۰ | | ۱۰-۵:۱۰ | میزان اثرگذاری قربانی شدن عیسی |
| | مرگ عیسی، تقدس را به کمال رساند | | | |
| ۱۴-۱۱:۱۰ | ۱۸-۱۱:۱۰ | ۱۸-۱۱:۱۰ | ۱۴-۱۱:۱۰ | ۱۸-۱۱:۱۰ |
| ۱۸-۱۵:۱۰ | | | ۱۸-۱۵:۱۰ | |
| هشدار و اخطار | به اعتراف خود ادامه دهید | اخطارها و هشدارها | بگذارید به خداوند نزدیک شویم | فرصت مسیحیت |
| ۲۵-۱۹:۱۰ | ۲۵-۱۹:۱۰ | ۲۵-۱۹:۱۰ | ۲۵-۱۹:۱۰ | ۲۵-۱۹:۱۰ |
| | زندگی فقط با ایمان | | | خطر ارتداد |
| ۳۱-۲۶:۱۰ | ۳۹-۲۶:۱۰ | ۳۱-۲۶:۱۰ | ۳۱-۲۶:۱۰ | ۳۱-۲۶:۱۰ |
| | | | | انگیزه‌هایی برای استقامت |
| ۳۹-۳۲:۱۰ | | ۳۹-۳۲:۱۰ | ۳۹-۳۲:۱۰ | ۳۹-۳۲:۱۰ |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی

- A. واحد ادبی در عبرانیان ۸:۱ شروع و تا عبرانیان ۱۸:۱۰ ادامه می‌یابد.
- B. به سه روش این کنایه را دارد که برنامه صدرات عیسی ارجح به کاهنان لایوی است
 ۱. ارجحیت فدا شدن عیسی (با خون او، عبرانیان ۹:۱۲-۱۴)
 ۲. پیشنهاد یکبار برای همیشه عیسی (تفسیر کامل در عبرانیان ۹:۲۷)
 ۳. مکان مقدس آسمانی، و نه زمینی عیسی (عبرانیان ۹:۱۱)
- C. فعل teleioō مکرراً در عبرانیان تکرار شده است
 ۱. عبرانیان ۲:۱۰، عیسی با رنج، به کمال رسید
 ۲. عبرانیان ۵:۹، عیسی به کمال رسیده و منبع رستگاری ابدی گردید

۳. عبرانیان ۱۹:۷، شریعت موسایی هیچ چیزی را به کمال نرساند
۴. عبرانیان ۲۸:۷، عیسی به کمال رسانید
۵. عبرانیان ۹:۹، آیین موسایی قادر به کمال رساندن وجدان پرستش‌گندگان نمی‌باشد
۶. عبرانیان ۱:۱۰، آیین موسایی توانایی به کمال رساندن پرستش‌گندگان را ندارد
۷. عبرانیان ۱:۱۰، هدیه عیسی ایمانداران را تا ابد کامل کرد
۸. عبرانیان ۴۰:۱۰، قدیسان عهد قدیم و جدید با هم به تکامل رسیدند
۹. عبرانیان ۲۳:۱۲، روح مردان رستگار به تکامل رسید

مطالعه لغات و عبارات

متن (NASB) بروز شده: عبرانیان ۱:۱۰-۱۰

۱ شریعت فقط سایهٔ چیزهای نیکوی آینده است، نه صورت واقعی آنها. از همین رو، هرگز نمی‌تواند با قربانیهایی که سال به سال پیوسته تکرار می‌شود، آنان را که برای عبادت نزدیک می‌آیند، کامل سازد. ۲ وگرنه آیا تقدیم آنها متوقف نمی‌شد؟ زیرا در آن صورت، عبادت‌کنندگان یک بار برای همیشه پاک می‌شدند و از آن پس دیگر برای گناهان خود احساس تقصیر نمی‌کردند. ۳ اما آن قربانیها هر سال یادآور گناهانند، چرا که ممکن نیست خون گاوها و بزها گناهان را از میان بردارد.

۴ از این رو، هنگامی که مسیح به جهان آمد، فرمود:

«به قربانی و هدیه رغبت نداشتی،

اما بدنی برای من مهیا ساختی؛

۵ از قربانیهای تمام‌سوز و قربانیهای گناه خشنود نبودی.

۶ آنگاه گفتیم: «اینک من می‌آیم،

تا ارادهٔ تو را ای خدا به جای آورم؛

در طومار کتاب درباره‌ام نوشته شده است.» ۷

۸ نخست می‌گوید: «به قربانی و هدیه، قربانیهای سوختنی و قربانیهای گناه رغبت نداشتی و از آنها خشنود نبودی»، هرچند شریعت خواهان انجام‌شان بود. ۹ سپس می‌فرماید: «اینک من می‌آیم تا ارادهٔ تو را به جای آورم.» پس اولی را باطل می‌کند تا دومی را برقرار سازد. ۱۰ به واسطهٔ همین اراده، ما یک بار برای همیشه، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس شده‌ایم.

۱:۱۰ "سایه" قوانین موسایی ("شریعت") و آیین‌های آن به نوعی خبر رسانی از قبل پیرامون صدارت کاهنیت اعظم عیسی در خیمه آسمانی بوده، که ساخت دست بشر نیز نمی‌باشد (عبرانیان ۸:۵؛ ۹:۲۳-۲۸).

The Jerome Biblical Commentary تفسیر جالبی در این زمینه دارد:

"نویسنده آنگونه که در عبرانیان ۸:۵ واژه "سایه" را بکار برده، در اینجا استفاده نمی‌کند. آنهم در جایی که تضاد آسمانی-زمینی افلاطونی نمود پیدا می‌کند، اما از دیدگاه دینی، از پیش خبردادن چیزی است که بوسیله عیسی بدست آمد (کولسیان ۲:۱۷). ... تکرار مراسم سالانه روز کفار و قربانی کردن‌های فراوان قادر به از بین بردن گناهان نگردید؛ آن‌ها فقط خبر قربانی شدن عیسی را از پیش اعلام می‌کردند" (ص. ۳۹۹).

■ "چیزهای نیکوی آینده" در عبرانیان ۱۱:۹ اشاره به کاهنیت اعظم عیسی دارد.

NASB "نه به شکل همه چیزها"

NKJV "نه تصویر همه چیزها"

NRSV "نه به شکل همه این واقعیات"

TEV "نه یک نمونه کامل و وفادار چیزهای واقعی"

NJB "بدون هیچ تصویر درستی از آنها"

Icon اصطلاح یونانی است که به معنی بازتولید چیزی با جزئیات کامل که منطبق با واقعیت می‌باشد (۲ قرن‌تیا ۴:۴، کولسیان ۱:۱۵). در اینجا بصورت منفی و به لحاظ دستور زبانی، وصل شده به "یک سایه" می‌باشد.

■ "قربانیهایی که سال به سال پیوسته تکرار می‌شود" عیسی یک قربانی مؤثر ارائه کرد. کاهنان هر بار در حال تکرار هستند.

■ **"کامل سازد"** این واژه بمعنی "چیزی را تکمیل کردن" و یا "کاملاً به مرحله اجرا رساندن" است. این لغت (*teleioō*) و اشکال مختلف آن) تم ثابت در طول کتاب گشته‌اند. به موضوع خاص در عبرانیان ۱۱:۷ رجوع نمایید.

واژه *telos* دارای معانی و مفاهیم زیر است

۱. معانی "یک نتیجه‌گیری"، "به هدفی رسیدن"، و یا "پایان" (عبرانیان ۳:۶، ۱۴:۶؛ ۱۱:۶)
۲. در عبرانیان ۱۴:۵ *teleios* برای یک فرد با اخلاق استفاده شده است
۳. در عبرانیان ۱:۶ *teleiotes* ندای اخلاقیات است
۴. واژه‌های استفاده شده در ارتباط با صدارت ملک‌یصدق و خیمه آسمانی در عبرانیان ۱۱:۷ و ۱۱:۹

■ **"آنان را که برای عبادت نزدیک می‌آیند"** در عهد عتیق این اشاره به کاهنانی داشت که به حضور خدای یهوه برای عبادت یا صدارت می‌رفتند. اما اینجا، تحت لوای پیمان جدید (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴)، اشاره به تمام ایماندارانی دارد (یعقوب ۴:۸) که بوسیله عیسی دسترسی نزدیک به خداوند دارند (عبرانیان ۴:۱۶؛ ۷:۱۹؛ ۲۵؛ ۱۰:۱، ۲۲)

۲:۱۰

NASB, NRSV

NJB "در غیر اینصورت"

NKJV "زیرا سپس"

TEV "اگر"

این یک جمله شرطی نوع دوم بوده که اغلب از آن بعنوان "متضاد یک حقیقت" نام برده می‌شود. یک اظهار نظر اشتباه منجر به برداشتی الهیاتی گردیده است (عبرانیان ۴:۸؛ ۷:۱۱؛ ۸:۴، ۷؛ ۱۰:۲؛ ۱۱:۱۵).

آیه ۲ می‌تواند به صورت‌های زیر ترجمه شود

۱. سوالی که در انتظار پاسخ "بلی" باشد، آنطور که در NASB, NRSV, NAB آمده است
۲. سوالی جزئی، آنطور که در NKJV, NIV آمده است
۳. یک بیانیه، آنطور که در TEV, NJB, REB آمده است

■ **"آیا تقدیم آنها متوقف نمی‌شد"** این بخش از آیه (عبرانیان ۱۰:۱۱؛ ۷:۲۸) احتمالاً به ما می‌گوید که پرستشگاه هنوز کاربرد خود را داشته، بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کتاب عبرانیان ۷۰ سال پس از مرگ مسیح، در زمانی که پرستشگاه (اروشلیم) بوسیله ژنرال رومی (آخرین امپراتور) تیتوس، بطور کامل نابود گردید، به رشته تحریر درآمده بود.

■ **"زیرا در آن صورت، عبادت‌کنندگان یک بار برای همیشه پاک می‌شدند و از آن پس دیگر برای گناهان خود احساس تقصیر نمی‌کردند"** این یکی از مشکلات آیین موسایی بود: توان شستن قلب و ذهن فرد از گناه وجود نداشت (عبرانیان ۹:۹، ۱۴). عهد جدید بوسیله عیسی با جسارت فراوان، دسترسی به خداوند را فراهم آورد (یعنی وجدانی پاک)!

۳:۱۰ **"هر سال یادآور گناهانند"** بنظر می‌رسد که این بخش اشاره به روز کفار در لایوان ۱۶ داشته باشد، از آنجایی که این نکته، مرکز تمرکز فصل ۹ بود، اما می‌تواند اشاره به تمام نظام قربانی کردن داشته باشد. این حقیقت که هر سال باید خیمه و قوم را پاکسازی کرد، برای یادآوری اسرائیلیان ادامه یافت تا همواره جدی بودن و تکرار شدن گناه بشر را بیاد داشته باشند.

۴:۱۰ **"چرا که ممکن نیست"** واژه غیر ممکن چندین بار در عبرانیان استفاده شده است (به تفسیر عبرانیان ۶:۶ رجوع نمایید).

۱. عبرانیان ۴:۶ (در زبان یونانی، اما عبرانیان ۶:۶ در نسخه NASB دوباره ساختار بندی شد). بازسازی آنان برای توبه ممکن نیست
۲. عبرانیان ۱۸:۶، ممکن نیست که خداوند دروغ بگوید
۳. عبرانیان ۴:۱۰، غیرممکن است که خون حیوانات، گناهان را بزداید
۴. عبرانیان ۶:۱۱، بدون ایمان امکان راضی کردن خدا وجود ندارد

برای نویسنده عبرانیان، واژه یونانی "غیر ممکن" نمی‌تواند معنی "سخت" در بر داشته باشد!

۵:۱۰

NASB "هنگامی که او به جهان آید، می‌گوید"

| | |
|--|------|
| "هنگامی که او به جهان آمد، گفت" | NKJV |
| "هنگامی که مسیح به جهان آمد، گفت" | NRSV |
| "هنگامی که مسیح می خواست به جهان آید، به خداوند گفت" | TEV |
| "و به این دلیل بود که در زمان آمدنش به جهان، گفت" | NJB |

این آیه، نقل قولی را (عبرانیان ۱۰: ۵-۷) از مزمور ۴۰: ۶-۸ بازگو می کند، که یهوه از قربانی کردن های عهد عتیق ناخوشنود بود، زیرا که روش زندگی آنان بر اساس با ایمان نبود. نویسنده ما از مزمور ۴۰: ۷ بعنوان کنایه ای به آمدن مسیح موعود که کاملاً خداوند را راضی می کند، استفاده کرده است. این نقل قول حکایت از وجود عیسی از پیش دارد (یوحنا ۱: ۱-۲: ۸؛ ۵۷-۵۸، ۲ قرن تیان ۸: ۹؛ فیلیپیان ۲: ۶-۷؛ ۱ یوحنا ۱: ۱). زمانی نبوده که عیسی وجود نداشته باشد! جوهره وجودی او با خداوند را می توان از آیات یوحنا ۵: ۱۸؛ ۱۰: ۳۰؛ ۹: ۱۴؛ ۱۰: ۲۸ بصورت مستند مکتوب کرد.

■ "بدنی برای من مهیا ساختی" این نقل قول، خط مشی مزمور ۴۰: ۶ نسخه Septuagint را دنبال می کند. متن ماسروتی اینگونه نوشته است "گوشی که برای من نهاده ای". ذکر خاص بدن فیزیکی آماده شده برای مسیح نیز در اواخر قرن اول برای مبارزه با فلسفه عرفانی کاربرد پیدا کرد. عیسی یک انسان حقیقی بود.

۶: ۱۰ آیات متعددی را همچون این مورد می توان در عهد عتیق یافت (۱ ساموئیل ۱۵: ۲۲؛ اشعیا ۱۱: ۱-۱۷؛ هوشع ۶: ۶؛ آموس ۵: ۲۱-۲۷؛ میکاه ۶: ۶-۸). این آیات نباید بعنوان عدم پذیرش نظام قربانی کردن توسط خداوند ترجمه شوند، زیرا که این رحمت وی بود که خود را درگیر گناه و معضل دوستی بشر بمدت کوتاهی نماید. اما بشر رانده شده از بهشت از این فرصتی که برایش فراهم شد سو استفاده کرده و بجای توبه و ایمان قلبی، به آیین ها و مناجات های مکانیکی بازگشت. خداوند مناجات ها و آیین های نمایشی را که بازتابی بر روی قلب و ایمان نداشته باشند، مورد عنایت خویش قرار نخواهد داد (اشعیا ۱).

۷: ۱۰ "در طومار کتاب درباره ام نوشته شده است" این جمله مجهول کامل است که اشاره به پیمان قدیم دارد. عهد عتیق در اصل بر روی طومارهای چرمی نوشته شده بود. طومارهای دریای مرده که در سال ۱۹۴۷ یافت شدند، نسخه ای از اشعیا را نیز در بر داشتند که بر روی یک طومار ۹ متری چرمی نوشته شده بود.

■ "تا اراده تو را ای خدا به جای آورم" اراده خداوند پیمانی جدید با انسان بود که بوسیله مرگ و قیام عیسی محقق گردید (مرقس ۱۰: ۴۵؛ ۲ قرن تیان ۵: ۲۱؛ عبرانیان ۱۰: ۹). حیواناتی که قربانی می شدند، هیچ اختیاری از خود نداشتند. اما عیسی با میل خود زندگی خود را تقدیم کرد (یوحنا ۱۰: ۱۷-۱۸).

۸: ۱۰ "قربانیهای" این بخش چهار واژه را در آیه ۸ فهرست می کند که بنظر می رسد هرگونه قربانی تقدیمی را شامل می گردد (لاویان ۱-۷). واژه "قربانیها" به لحاظ ادبی معنی قطعات تقدیمی داوطلبانه را می دهد.

■ "هدیه" اشاره به "هدیه دادن خوراک" بصورت داوطلبانه دارد.

■ "قربانیهای سوختنی" این هدایا کاملاً بصورت داوطلبانه بود، بگونه ای که قربانی را کامل می کرد.

■ "قربانیهای گناه" این نیز یکی دیگر از ملزومات ذکر شده برای قربانی بود که در لاویان فصل های ۴-۵ به آن اشاره شده است.

■ "(شریعت خواهان انجامشان بود)" نیت نویسنده نشان دادن ارجحیت قربانی شدن عیسی بر قربانیان لاوی بوده است. حتی هنگامی که مراسم قربانی کردن در عهد عتیق با حالات و روش های مناسب انجام می شد، در نهایت باز هم خیر از کار عیسی می دادند.

۹: ۱۰ "می فرماید" استفاده از تقدم این ضمیر، مبهم است. می تواند اشاره به پدر بعنوان شخصی که پیمان را گشوده، باشد. همچنین عبارت "بدن عیسی مسیح" در عبرانیان ۱۰: ۱۰ اینطور می گوید که منظور از می فرماید، خداوند نیست. با اینحال، تمام افعال در این نقل قول از مزمور ۴۰: ۶-۸ (عبرانیان ۱۰: ۵-۷)، عیسی را بعنوان موضوع مطرح کرده اند.

■ "اولی" اشاره به پیمان موسایی دارد (کولسیان ۲: ۱۴)

NASB, NKJV "می بزد"

NRSV "باطل می کند"

TEV "کاملاً خارج می کند"

NJB "باطل می کند"

واژه استفاده شده در زبان یونانی برای "نابود کردن" بسیار قوی است (*anaireō*). اکنون سوال این است که چگونه ارتباط آن را با عهد عتیق درک کنیم؟ بعنوان مکاشفه ای از جانب خداوند، ابدی است (متی ۵: ۱۷-۱۹). پولس رسول اغلب نقل قول هایی را از عهد عتیق بعنوان نصیحتی برای ایمانداران می آورد. با اینحال، بعنوان

معانی رستگاری یا بخشش گناهان، تازه شروع و مقدمه کار بود (غلاطیان ۳). این کار توسط مسیح در عهد جدید به اتمام رسیده و فراتر نیز رفت. متن باید تعیین کند که آیا این واژه باید "بردن" (بلحاظ تکمیل شدن) ترجمه شود یا "باطل شده" (نابود شده).

■ "دومی" اشاره به پیمان جدید در زمان عیسی دارد (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴، حزقیال ۳۶-۲۲:۳۶).

۱۰:۱۰

NASB, NKJV

"به واسطه همین اراده، ما یک بار برای همیشه، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس شده ایم"

NRSV

"و به اراده خداوند است که ما یک بار برای همیشه، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس شده ایم"

TEV

"چون عیسی خواست خداوند را انجام داد، همه ما از طریق قربانی شدن بدن عیسی مسیح یک بار برای همیشه از گناه پاک شده ایم"

NJB

"و اراده او بخاطر ما بود که تقدیس شویم، از طریق قربانی شدن بدن عیسی مسیح ما یک بار برای همیشه"

آیا منظور از "اراده"، اراده عیسی است (عبرانیان ۷:۱۰، ۹) یا اراده خداوند (NRSV, TEV)؟ از آنجایی که این عیسی است که در عبرانیان ۵:۱۰ سخن می گوید (عبرانیان ۹:۱۰)، لذا متن اینگونه می رساند که منظور اراده عیسی است.

■ "تقدیس شویم" این یک وجهه وصفی مجهول کامل است. هدف مسیحیت، رستگاری مردم است. چنین چیزی هدف عهد عتیق نیز رود. تقدس و یا تقدیس ابتدا به ساکن حذف کننده نفرین و پی آمدهای اخراج انسان از بهشت است (پیدایش ۳)، تصویر از بین رفته خداوند در بشریت. پیمان جدید این نیاز را به دو صورت نشان می دهد: (۱) بوسیله یک اعلام شرعی، موقعیت عطا شده (اخباری) و (۲) بوسیله فراخواندن به تقدیس (دستوری). ایمانداران بوسیله توبه و ایمان در پاسخ به قربانی خداوند، عیسی مسیح، محق و تقدیس شده اند. بمحض نجات در حضور روح القدس، بوسیله قوانین داخلی و مشوق های داخلی (قلب و روح جدید) تشویق می شویم با شبیه عیسی شویم (رومیان ۸:۲۹؛ غلاطیان ۴:۱۹؛ افسسیان ۴:۱). تقدیس هم بر روی حضور ما در برابر خداوند اثر می گذارد و هم بر روی شخصیت های خانوادگی ما در زندگی روزمره ای که داریم. به موضوع خاص در عبرانیان ۲:۱۱ رجوع نمایید.

■ "از طریق قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس شده ایم" انسان ترد شده، از خداوند پیروی نکرد (اشعیا ۵۳:۶؛ رومیان ۳:۱۰-۱۸)؛ بلکه خداوند بود که تابع انسان شد! این خداوند بود که برای انسان راهی فراهم کرد تا دوباره بسوی هم نشینی با او باز گردد (مقرس ۱۰:۴۵؛ ۲ قرنتیان ۵:۲۱؛ اشعیا ۵۳).

■ "یکبار برای همیشه" این قالب تکراری است (عبرانیان ۷:۲۷؛ ۹:۱۲؛ ۲۸؛ ۱۰:۱۰، به تفسیر کامل عبرانیان ۷:۲۷ رجوع نمایید). این عبارت نشان دهنده ارجحیت قربانی شدن عیسی بر قربانیان تکراری پیمان موسایی است (عبرانیان ۱۱:۱۰-۱۲). همه چیز برای رستگاری بشر مهیا است. تنها کاری که باید انجام دهیم، پاسخ به دعوت خداوند از طریق ایمان به کار پایان یافته عیسی است. "هر کسی که بیاید" رومیان ۱۰).

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۱:۱۰-۱۸

۱۱ "هر کاهن، هر روز به خدمت می ایستد و همان قربانیها را که هرگز نمی توانند گناهان را از میان بردارند، بارها می گذرانند. ^{۱۲} اما این کاهن، چون برای همیشه یک قربانی به جهت گناهان تقدیم کرد، به دست راست خدا بنشست. ^{۱۳} از آن هنگام، در انتظار است که دشمنانش کرسی زیر پایش گردند، ^{۱۴} زیرا با یک قربانی، تقدیس شدگان را تا ابد کامل ساخته است. ^{۱۵} روح القدس نیز در این خصوص به ما گواهی می دهد. ابتدا می فرماید: ^{۱۶} «خداوند اعلام می کند، این است عهدی که پس از آن ایام با ایشان خواهیم بست. احکام خود را در دل های ایشان خواهیم نهاد، و بر ذهن ایشان خواهیم نگاشت.» ^{۱۷} سپس می افزاید: «گناهان و نافرمانی های ایشان را دیگر هرگز به یاد نخواهم آورد.» ^{۱۸} آنجا که اینها آرزیده شده باشند، دیگر جایی برای قربانی گناه باقی نمی ماند.

۱۱:۱۰ "هر کاهن" متن یونانی با خطوط باستانی A، آیه را با "کاهن اعظم" آغاز کرده است. نویسنده اغلب هر دو واژه را برای عیسی بکار می برد.

■ "می ایستد" هر سال کاهن برای ارائه قربانیان می ایستد، اما عیسی "می نشیند" (عبرانیان ۱۰:۱۲)، کار وی تمام شده است!

۱۲:۱۰ "یک قربانی به جهت گناهان" عیسی مشکل گناه انسان را حل کرد. دیگر هیچکس بخاطر "گناه" آواره نگردد. تنها مرز برای تمام جهان رها گشته، بی ایمانی است. خداوند راهی برای همه و همه زمان‌ها پیش رو قرار داده است.

واژه یونانی *diēnekēs* که "تا ابد"، یا "برای همه دوران‌ها" ترجمه شده، سه مرتبه در عبرانیان ظاهر گردیده است (عبرانیان ۷:۳؛ ۱۰:۱۲، ۱۴). این واژه معمولاً با واژه یا عبارتی مرتبط گردیده که به لحاظ زمانی قبل از آن اتفاق افتاده، که می‌توان آن را مرتبط با "یک قربانی برای تمام گناهان" دانست. این واژه بخشی از نقل قول مزبور ۱:۱۰ که در ادامه خواهد آمد، نیست.

■ "به دست راست خدا بنشست" این استعاره باز در اشاره به مزبور ۱:۱۰ است (عبرانیان ۱:۳؛ ۸:۱؛ ۱۲:۲). عبارت "دست راست" یک استعاره انسانی برای نشان دادن جایگاه قدرتمند پادشاهی، جایگاهی پر نفوذ و یا والا می‌باشد. همینطور مفری است برای شفاعت (رومیان ۸:۳۴؛ عبرانیان ۷:۲۵؛ ۱ یوحنا ۲:۱). عیسی کاهن (مزبور ۱۱:۴) و پادشاه (مزبور ۱۱:۳-۱) می‌باشد، همچون ملک‌یصداق (فصل ۷) که جلوتر از ما رفته و هر آنچه را که نیاز داریم، برایمان آماده کرده است.

۱۳:۱۰ "از آن هنگام، در انتظار است که دشمنانش کرسی زیر پایش گردند" این نقل قولی دیگر از مزبور ۱:۱۰ است. نبرد روحانی برنده گردیده (کولسیان ۲:۱۵)، اما هنوز به سرانجام نرسیده است.

۱۴:۱۰ این آیه نشان دهنده تنش در باب امنیت، در تمام کتاب است. قربانی شدن یکبار برای همیشه عیسی ایمانداران را تا ابد (اخباری معلوم کامل) به تکامل رسانده است (موضوع خاص عبرانیان ۷:۱). همین قربانی برای تکمیل وظیفه رستگاری بخش، کافی است (برخلاف پیمان موسایی، عبرانیان ۷:۱۱، ۱۹؛ ۹:۹).

ایمانداران باید در ارتباط با ایمانشان واکنش نشان دهند، زیرا که این امر باعث تقدیس شدن آنان می‌گردد (ضمیر حال مجهول). تداوم ایمان کلید بیمه رستگاری هر شخص است. قلبی جدید و ذهنی جدید (حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸) که موتور محرکه ایمانداران به سوی زندگی الهی در پاسخی قدرشناسانه برای رستگاری آزاد، کامل و از هر نظر جامع می‌باشد. در این کتاب هرگز سوالی درباره شایستگی قربانی شدن عیسی مطرح نگردیده، اما یک سوال برای واکنش هر فرد ایماندار مطرح است، کار یک گروه شروع و گروه دوم ادامه دادن آن کار.

۱۵:۱۰ "روح القدس" این دیدگاه نویسنده را در الهام از عهد عتیق نشان می‌دهد (متی ۵:۱۷-۱۹؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱۶).

۱۶:۱۰-۱۷ این آیات نقل قول‌هایی از ارمیا ۳۱:۳۳-۳۴ بوده، اما ترتیب نگارش آنها معکوس گردیده است. بنظر می‌رسد که نویسنده آنچه را که به یاد داشته نوشته زیرا آنچه که نقل شده با متن باستانی عبری ماسورتی و Septuagint تفاوت داشته، و همچنین نوشته عبرانیان ۸:۱۰-۱۲ نیز همین شباهت را دارد (مگر اینکه چنین شیوه نگارشی دلیل خاصی داشته باشد).

۱۸:۱۰ این آیه اوج جدل ایمانداران و امید بزرگ ما است (اولین آن از بین رفته است، عبرانیان ۸:۱۳).

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۹:۱۰-۲۵

۹ پس ای برادران، از آنجا که به خون عیسی می‌توانیم آزادانه به مکان اقدس داخل شویم،^۱ یعنی از راهی تازه و زنده که از میان آن پرده که بدن اوست، بر ما گشوده شده است،^۲ و از آنجا که کاهنی بزرگ بر خانه خدا داریم،^۳ بیایید با اخلاص قلبی و اطمینان کامل ایمان به حضور خدا نزدیک شویم، در حالی که دل‌هایمان از هر احساس تقصیر زدوده و بدن‌هایمان با آب پاک شسته شده است.^۴ بیایید بی‌تزلزل، امیدی را که به آن معترفیم همچنان استوار نگاه داریم، زیرا وعده‌دهنده امین است.^۵ و در فکر آن با شیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم.^۶ و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم - بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید.

۱۹:۱۰

NASB, NRSV "از آنجا که اطمینان داریم"

NKJV "جسارت آن را داریم که"

NJB "ما... اطمینان کامل داریم"

واژه *parrhēsia* یعنی "جسارت" یا "آزادی بیان داشتن" (عبرانیان ۳:۶؛ ۴:۱۶؛ ۱۹:۱۰، ۳۵). این واژه حس پذیرش و قرابت با خداوند را توسط ایمانداران منعکس می‌نماید. این همان چیزی است که شریعت موسی نتوانست فراهم نماید (عبرانیان ۹:۹). اعتماد بنفس باید با شدت تمام توسط ایمان حفظ گردد (عبرانیان ۳:۶، ۱۴؛ ۴:۱۴). این اعتماد مبتنی است بر کاری که قربانی شدن عیسی به سرانجام رساند (افسسیان ۲:۸-۹)، نه نقشی که بشر ایفا کرد! اعتماد بنفس از زندگی با خدا بدست می‌آید (افسسیان ۲:۱۰).

موضوع خاص: جسارت (parrhēsia) – (Special Topic: Boldness)

این اصطلاح یونانی از ترکیب "همه" (*pan*) و "سخن گفتن" (*rhēsis*) درست شده است. این آزادی یا جسارت در سخن گفتن اغلب مفهوم جسارت در میان مخالفان و طردکنندگان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷:۱۳، اول تسالونیکیان ۲:۲). در نوشته‌های یوحنا (۱۳ مرتبه استفاده شده است) اغلب به مفهوم اعلام عمومی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸:۲۰، همچنین در نوشته‌های پولس، کولسیان ۲:۱۵). با این حال، گاهی اوقات فقط به معنی "به روشنی" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰:۲۴، ۱۱:۱۴، ۱۶:۲۵ و ۱۶:۲۹).

در اعمال رسولان، شاگردان از پیامی در باره عیسی صحبت می‌کنند، به همان شیوه (با جسارت) که عیسی درباره پدر و برنامه‌ها و وعده‌هایش صحبت می‌کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۲۹، ۴:۱۳ و ۲۹ و ۳۱ و ۹:۲۷ و ۲۸ و ۱۳:۴۶، ۱۴:۱۳، ۱۸:۲۶، ۱۹:۸، ۲۶:۲۶، ۲۸:۳۱). پولس همچنین درخواست کرد برایش دعا شود که بتواند با جسارت انجیل را موعظه کند (مراجعه شود به افسسیان ۶:۱۹، اول تسالونیکیان ۲:۲) و انجیل را زنده نگاه دارد (مراجعه شود به فیلیپیان ۱:۲۰).

امید اسکاتولوژیک پولس در مسیح به او جسارت و اعتماد به نفس داد تا انجیل را در این عصر شیطانی موعظه کند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳:۱۱ و ۱۲). او همچنین اطمینان داشت که پیروان عیسی به صورت مناسب عمل خواهند کرد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۷:۴).

یک جنبه دیگر در این اصطلاح وجود دارد. کتاب عبرانیان از آن به مفهومی منحصر به فرد جسارت مومن در مسیح برای نزدیک شدن به خدا و صحبت کردن با او استفاده می‌کند (مراجعه شود به عبرانیان ۳:۶، ۴:۱۶، ۱۰:۱۹ و ۳۵). مومنین به طور کامل با صمیمیت پدر از طریق پسر مورد استقبال قرار گرفته و پذیرفته می‌شوند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵:۲۱) به چندین شیوه در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است

۱. اطمینان، جسارت یا اعتماد نسبت به

a. انسانها (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۲۹، ۴:۱۳ و ۳۱، دوم قرنتیان ۳:۱۲، افسسیان ۶:۱۹)

b. خدا (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۲۸، ۳:۲۱، ۴:۱۲، ۵:۱۴، عبرانیان ۳:۶، ۴:۱۶، ۱۰:۱۹)

۲. آزادانه، شفاف یا غیر مبهم سخن گفتن (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸:۳۲، انجیل یوحنا ۷:۴ و ۱۳، ۱۰:۲۴، ۱۱:۱۴، ۱۶:۲۵، اعمال رسولان ۲۸:۳۱)

۳. در ملا عام صحبت کردن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷:۲۶، ۱۱:۵۴، ۱۸:۲۰)

۴. حالت مرتبط (*parrhēsiazomai*) برای با جسارت موعظه کردن در شرایط سخت استفاده می‌شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸:۲۶، ۱۹:۸، افسسیان ۶:۲۰، اول تسالونیکیان ۲:۲)

■ "به مکان اقدس داخل شویم" بخاطر داشته باشید، یکی از موضوعات کلیدی کتاب، دسترسی به خداوند بوسیله بخشش ما توسط زندگی و مرگ عیسی آن هم بخاطر ما می‌باشد. کاهن اعظم عهد عتیق دو بار در یک روز از سال وارد خیمه قدس الاقداس شد (عبرانیان ۹:۲۵)، در روز کفاره (لاویان ۱۶). اما با قربانی شدن عیسی تمام ایمانداران می‌توانند دسترسی مداوم و نزدیک به خداوند داشته باشند (یک استعاره دیگر برای دسترسی، پاره شدن پرده از بالا به پایین است، متی ۲۷:۵۱، مرقس ۱۵:۳۸).

■ "به خون عیسی" این خون، جادویی نیست، بلکه خون آدمیزاد است. نمایانگر مرگ ناشی از قربانی شدن بخاطر بشر گناهکار می‌باشد (اعمال رسولان ۲۰:۲۸؛ رومیان ۳:۲۵؛ ۵:۹؛ افسسیان ۱:۷؛ ۲:۱۳؛ کولسیان ۱:۲۰؛ عبرانیان ۹:۱۲، ۱۴؛ ۱۲:۲۴؛ ۱۳:۱۲؛ ۱ پطرس ۱:۳، ۱۹؛ مکاشفه ۵:۱؛ ۵:۹).

۱۰:۲۰ "تازه" واژه *prosphatos* یعنی "تازه (به لحاظ زنده بودن) سلاخی شده" و فقط در این قسمت از عهد عتیق استفاده شده است.

■ "زنده" این عبارت در حقیقت تأییدیه قیام است. وی کشته شد، اما اکنون زنده است (مکاشفه ۵:۶) برای همیشه!

NASB "افتتاح شده"

NKJV "برای ما تخصیص داده شده"

NRSV, TEV "او برای ما باز کرد"

NJB "برای ما باز شده است"

این یک ضمیر اشاره در دستور زبان آئوریستی است. "تازه و زنده" یک واقعیت تاریخی، معنوی و به سرانجام رسیده است.

کتاب *The Greek-English Lexicon* نوشته Walter Bauer، و به روز شده توسط Arndt, Gingrich و Danker، دو ترجمه متفاوت برای این واژه در همین متن را فهرست کرده است.

۱. باز کردن یک راه (عبرانیان ۱۰: ۲۰)

۲. افتتاح یا اختصاص دادن با تشریفات رسمی (عبرانیان ۹: ۱۸) - (ص. ۲۱۵)

من از متن اینگونه برداشت می‌کنم که ارتباط نزدیکی میان این دو رویداد که در دوران عهد جدید کم سابقه نیز هستند، وجود دارد. دوباره تأکید می‌کنم، مقایسه دو عهد در یک کلام: عیسی بوسيله خون خود راه بسیار بهتری را برای حضور نزد خداوند و ایجاد رابطه قرابت با وی باز کرده است.

■ "از میان آن پرده" این پرده مرتبط است با پرده داخلی خیمه میان مکان مقدس و قدس الاقداس (متی ۲۷: ۵۱). اما اینجا پرده "بدن" عیسی بود. لذا اشاره به بدن عیسی که بخاطر گناهان ما خورد شده تا دسترسی به خداوند بر ایمان فراهم گردد، دارد (اشعیا ۵۲: ۱۳ - ۵۳: ۱۲). نویسنده عبرانیان دیگر سوی مکان مقدس را نیز بعنوان قلمر فیزیکی و بخش داخلی مکان مقدس (قدس الاقداس) یعنی قلمر روحانی، می‌بیند. در چنین نوری، تضاد خیمه آسمانی و بافت زمینی روشن می‌گردد.

۱۰: ۲۱ "کاهنی بزرگ" به موضوع خاص: عیسی کاهن اعظم در عبرانیان ۲: ۱۷ رجوع نماید.

■ "خانه خدا" اشاره به ایمانداران (افسیسیان ۲: ۱۱ - ۳: ۱۳) عهد عتیق (عبرانیان ۳: ۵) و عهد جدید (عبرانیان ۳: ۶؛ ۱ تیموتائوس؛ ۱ پطرس ۴: ۱۷) دارد. در حالی که موسی خدمتکار خانه خداوند بود، عیسی کاهن اعظم و پسر آن خانه بود!

۱۰: ۲۲ "بیایدید ... نزدیک شویم" این وجه شرطی میانمی (از فعل لاتین بویژه در یونانی) می‌باشد. اعتماد بنفس ایمانداران مبتنی بر کار به اتمام رسیده عیسی است، اما سود و افتخار حاصل از آن باید پذیرفته شود! "نزدیک شویم" در عبادات مومنان برای حضور به نزد خداوند استفاده می‌شود. به پیشرفت آن دقت نمایید:

۱. بیایدید با اخلاص قلبی و اطمینان کامل ایمان به حضور خدا نزدیک شویم

۲. بیایدید بی‌تزلزل، امیدی را که به آن معترفیم همچنان استوار نگاه داریم

۳. در فکر آن باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم

پیمان جدید (ارمیا ۳۱: ۳۱ - ۳۴) قلب و روحی جدید است؛ عشقی درونی و شریعتی بیرونی؛ هدیه‌ای رایگان حاصل کار پایان یافته عیسی، اما در عین حال، ملزوماتی را نیز نیاز دارد، انتظار یک محصول می‌رود، پی آمدهای عیان و قابل رویت طلب می‌کند! اعتقاد به رستگاری، زندگی کردن در راه خداوند را به ارمغان می‌آورد! این امر در وحله اول نه یک باور است که آن را بخواهیم تایید کنیم، و نه یک الهیات است که آن را در بر گیریم، بلکه موضوع اصلی شبیه شدن به عیسی است (نه بی‌گناه شدن) که برای همه روشن است!

به فهرستی از ملزومات برای "نزدیک شدن" توجه فرمایید

۱. با قلبی خالص

۲. با اطمینان ایمان کامل

۳. با شستن و پاک کردن قلب از وجدان و ضمیری شرور

۴. با شستشوی بدن با آب پاک

■ "اطمینان کامل ایمان" اطمینان کامل مرتبط است با ایمان! اطمینان مبتنی است بر:

۱. زندگی با ایمان بعنوان شاهدهی بر تغییر (یعقوب ۲: ۱۴ - ۲۶)

۲. کار پایان یافته عیسی (۲ قرن تیان ۵: ۲۱)

۳. شاهد روح (رومیان ۸: ۱۶)

تلاش انسان منجر به رستگاری یا ضمانت آن نمی‌شود. با اینحال، زندگی تغییر کرده و در حال تغییر از روی ایمان، شاهدهی است که شخص واقعاً نجات یافته است. نتیجه طبیعی ملاقات با خداوند بزرگ، یک زندگی مقدس در خدمت اوست.

ضمانت انجیلی هرگز بنا نداشت تا تبدیل به دکترین اثبات چیزی شود، بلکه منظور یک زندگی برای زندگی کردن بود! برای آنان که مدعی شناخت عیسی بوده اما دارای یک زندگی بی‌احساس، بی‌روح، بی‌تفاوت، دنیایی، خود-محور بین، بی‌حاصل، بی‌ثمر و بی‌خدا هستند، هیچ تضمینی وجود ندارد! به موضوع خاص در عبرانیان ۳: ۱۴ رجوع نمایید.

■ "دل‌هایمان از هر احساس تقصیر زدوده" این یک وجه وصفی مجهول کامل است که اشاره‌ای به آیین افتتاحیه پیمان اول است (خروج ۲۴: ۸؛ ۱ پطرس ۱: ۲). خون ریخته شده در پیمان جدید بمراتب در پاک کردن گناه انسان رانده شده از بهشت، مؤثرتر است (عبرانیان ۹: ۹، ۱۴).

■ "از هر احساس تقصیر زدوده" این چیز است که عهد عتیق نتوانست بزاید (عبرانیان ۹: ۹؛ ۲: ۱۰). با اینحال، ۱ پطرس ۳: ۲۱ ارتباط مشابهی را بین تعمید و وجدان پاک ترسیم می‌کند.

■ **بدنهایمان با آب پاک شسته شده است** "بدنهایمان با آب پاک شسته شده است" این بخش از آیه، وجه وصفی مجهول است. این امکان هست که اشاره دیگری به اعمال کاهنان اعظم در روز کفاره، که قیاس تاریخی با عهد عتیق برای شستشو است، باشد (لاویان ۸: ۶؛ ۱۶: ۴؛ خروج ۲۹: ۴؛ ۳۰: ۱۷-۲۱؛ اعداد ۱۹: ۷-۸). این آیه ارتباطی با تعمید در مسیحیت ندارد.

در واقع اشاره دیگری به مراسم شستشو در عهد عتیق می‌باشد. این بخش به روشنی نشان می‌دهد که آیین، آب می‌تواند اشاره داشته باشد به (۱) مرگ، خاکسپاری و قیام (رومیان ۶: ۱-۱۱ و کولسیان ۲: ۱۲) و (۲) روشی برای شستشوی گناه (اعمال رسولان ۲۲: ۱۶؛ ۱ قرنیتیان ۶: ۱۱؛ افسسیان ۵: ۲۶؛ تیتوس ۳: ۵؛ ۱ پطرس ۳: ۲۱). آب مکانیزم کار نیست بلکه یک استعاره است. از آنجایی که کلیسای اولیه دارای ساختمان خاصی نبود، آنگونه که امروزه در کلیساها رایج است، مردم برای ابراز اعتماد عمومی به عیسی، به جلونمی‌آمدند. اعتراف عمومی آنها فقط تعمید آنان بود. فرصتی بود برای به تصویر کشیدن بخشش گناهان و دریافت روح (اعمال رسولان ۲: ۳۸)، نه به مفهوم کلمه.

۱۰: ۲۳ "بیایید بی‌تزلزل، امیدی را که به آن معترفیم همچنان استوار نگاه داریم" این وجه شرطی زمان حال است که برای امری شرطی استفاده می‌شود. دومین وجه شرطی حال از سه تایی است که واکنش به ایمان را نشان می‌دهد.

■ "امید" نسخه KJV کتاب مقدس کلمه "ایمان" را نوشته است، اما هیچ نسخه باستانی یونانی چنین چیزی را تایید نمی‌کند. واژه "امید" اغلب اشاره به جلال ما در بازگشت دوم عیسی دارد (عبرانیان ۳: ۶؛ ۶: ۱۱، ۱۸؛ ۷: ۱۹؛ ۱ یوحنا ۳: ۲).

| | |
|--|------|
| "زیرا وعده‌دهنده امین است" | NASB |
| "زیرا وعده‌دهنده امین است" | NKJV |
| "زیرا او که وعده داده امین است" | NRSV |
| "برای اینکه می‌توانیم به خدا اعتماد کنیم که وعده خود را نگه می‌دارد" | TEV |
| "زیرا کسی که وعده داده، قابل اطمینان است" | NJB |

تنها فعل "وعده داده" یک آئوریست میانی (در زبان لاتین و یونانی) می‌باشد. این یک توازن الهیاتی با سه اعلام "بیایید..." عبرانیان ۱۰: ۲۲-۲۴ می‌باشد. پارادوکس یک رستگاری آزاد، فراهم آورده شده، تولید شده و محافظت شده توسط خداوند، باید پاسخ تعهدآوری نیز توسط انسان داشته باشد! پادشاهی خداوند و آزادی اراده بشر هر دو حقیقتی انجیلی بوده و باید به شدت از آن نگهداری کرد.

قابل اعتماد بودن خداوند قوی‌ترین اعتماد بنفیس ایمانداران است (عبرانیان ۱۱: ۱۱). وعده‌های خداوند قطعیت دارند؛ قول خداوند حقیقی است!

۱۰: ۲۴ "در فکر آن باشیم" این نیز وجه شرطی حال حاضر است. نویسندگان از لغت‌های مختلف متعددی در ارتباط با نقطه نظر ما پیرامون مشکلات الهیاتی استفاده می‌کند.

۱. در فکر بودن، *katanoēō*، عبرانیان ۱: ۱؛ ۱۰: ۲۴ (لوقا ۱۲: ۲۴، ۲۷)

۲. نگرستن، *theōreō*، عبرانیان ۷: ۴

۳. در اندیشه بودن، *analogizomai*، عبرانیان ۱۲: ۳

۴. به یاد داشتن، *anatheōreō*، عبرانیان ۷: ۱۳

ایمانداران باید بوسیله ایمانشان فکر کنند که:

۱. چرا درست است

۲. چگونه اعمال کنند

۳. چگونه به دیگران کمک کنند

۴. علت اصلی چه می‌باشد

■ "چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم" این عبارت قوی یونانی معمولاً با یک توارد ذهنی منفی همراه است. فقط دو بار در عهد جدید بکار برده شده است. بخش بعدی در جایی است که پطرس و بارناباس در اعمال رسولان ۱۵: ۳۹ بحث می‌کنند. این آیه می‌تواند منعکس کننده تنش میان یهودیان با ایمان و بی‌ایمانی که در کنیسه عبادت می‌کردند، بوده که در این صورت گروه‌های ("ما"، "شما" و "آنان") در عبرانیان ۶ را منطقی جلوه می‌دهد.

■ "به محبت و انجام اعمال نیکو" این‌ها حاصل حقیقی مسیحیت هستند!

۱۰: ۲۵ آیات ۲۴-۲۵ سه چیزی را که ایمانداران باید انجام دهند، ذکر کرده است

۱. یکدیگر را برای محبت و انجام اعمال نیکو تشویق کنید

۲. بدور یکدیگر جمع شوید (ریشه معنی "کنیسه"، فقط در عهد جدید استفاده شده است)

۳. یکدیگر را تشویق کنید زیرا که ظهور دوم عیسی نزدیک است

این تنها متن در عهد جدید است که ایمانداران را برای عبادت تشویق به تشکیل اجتماع می‌کند. این امر می‌تواند بازتاب دهنده رویداد تاریخی آزار رومیان در مقابل مسیحیان (مذهبی که تأیید نشد) در مقابل پذیرش یهودیت باشد (مذهب تأیید شده). همینطور می‌تواند روزهای دیگر عبادت را نیز منعکس کند. در دوران اولیه پس از اینکه کلیسا شروع به گسترش در میان یهودیت کرد، روحانیون یود (مخالفان یهودیت فریسی در جمنای در حدود سال ۹۰ پس از مرگ مسیح) نفرینی را تعریف کردند که هر یک از اعضای کنیسه موظف بود به آن قسم بخورد، که شامل انکار عیسی ناصری بعنوان مسیح موعود می‌گردید. در این مقطع بیشتر ایمانداران کنیسه را با برنامه شبت ترک کرده اما به عبادات خود در روزهای یکشنبه در کلیسا ادامه دادند. یعقوب ۲: ۲ از واژه "کنیسه" برای اشاره به مکان پرستش مسیحیان استفاده کرده است، همینطور عبرانیان ۱۰: ۲۵.

■ "آن روز" این اشاره به دومین ظهور دارد. در پرتو راه این آیات، "آن روز" اشاره به روز قیامت نیز دارد.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۰: ۲۶-۳۱

۲۶ زیرا اگر پس از بهره‌مندی از شناخت حقیقت، عمداً به گناه کردن ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند؛
۲۷ آنچه می‌ماند، انتظار هولناک مجازات و آتشی مهیب است که دشمنان خدا را فرو خواهد بلعید.^{۲۸} هر که شریعت موسی را رد می‌کرد، بنا بر گواهی دو یا سه شاهد، بدون ترحم کشته می‌شد.^{۲۹} حال به گمان شما چقدر بیشتر کسی که پسر خدا را پایمال کرده و خون عهدی را که بدان تقدیس شده بود، ناپاک شمرده و به روح فیض، بی‌حرمتی روا داشته است، سزاوار مجازاتی بس سخت‌تر خواهد بود؟^{۳۰} زیرا او را می‌شناسیم که فرموده است: «انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد»، و نیز: «خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد.»^{۳۱} آری، افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است.

۱۰: ۲۶ "اگر... ادامه دهیم" این یک جمله شرطی معمولی نیست. احتمالاً حالت مضاف الیه قطعی (*hamartanontōn hēmōn*) بعنوان مقدمه کارایی پیدا می‌کند (در صورتیکه جزعی از جمله باشد).

شگفت‌آور است که نویسندگان به لحاظ دستور زبانی، خود را با گروه گناهکاران شناسایی می‌نمایند، اما این امر می‌تواند یک تکنیک ادبی باشد (جمع ویرایشی) مشابه عبرانیان ۲: ۳. اولین شخص بصورت خودکار خود را با گروه مورد بحث در عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۹ معرفی نمی‌نماید. این گونه تکنیک ادبی که از اول شخص استفاده کرده را می‌توان در ۱ قرن تیان ۱۳: ۳-۱ یافت.

■ "عمداً به گناه کردن" کلمه در نسخه یونانی "عمداً" برای تأکید در ابتدای جمله قرار گرفته است. این لغت احتمالاً مشابه "دست بالا گرفته شده" گناه در عهد عتیق است (به یادداشت عبرانیان ۵: ۲ رجوع نمایید. قالب دستوری فعل (وجه وصفی مضاف الیه اول شخص جمع مذکر) توسط برخی مترجمین برای اشاره به ایماندارانی که به گناه خود ادامه می‌دهند استفاده شده است. چنانچه آنان دست از گناه می‌شستند، از قضاوت نیز مصون می‌ماندند. با اینحال، این نکته در متن نامیمون عبرانیان ۶: ۱-۶ و عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۹ نمی‌گنجد. این هشدار برای مرگ و زندگیت، هشدار برای آنکه یکبار که از مسیر خارج شد، همیشه خارج خواهد ماند! انکار عیسی در حضور نور پاک وحی، تاریک‌ترین شب روحانی را رقم خواهد زد.

■ "پس از بهره‌مندی از شناخت حقیقت" فعل استفاده شده در زبان انگلیسی، "دریافت" بوده که مصدر معلوم آنوریستی می‌باشد. این معمای مشکل تفسیر می‌باشد. اگر آنان یکبار دانش تجربی (*epignōskō*) کامل (قطعی) حقیقت را دریافت می‌کردند؛ در اینصورت همچون ایمانداران بودند! این مشابه مشکل الهیاتی عبرانیان ۶: ۴-۶ است.

باید پذیرفت که هیچ راه روشن و ساده‌ای برای ترجمه وجود ندارد. نگرانی شخصی من اینست که تمایلات من ممکن است بر روی وضوح متن اثر گذارد. مشکل گناه کردن ایمانداران نیست. مشکل ایماندارانی است که از ایمان دست می‌کشند! من نمی‌توانم الهیاتی را بپذیرم که (۱) رستگاری را مبتنی به کارایی بشر می‌داند و یا (۲) تضمین‌های خداوند را تبدیل به اظهار نظرهای متعصب و دگمی می‌کند که هیچ ارتباطی هم با زندگی میسحی ندارند. من الهیات مبتنی بر گم شده، نجات داده شده، گم شده، نجات داده شده را مردود می‌دانم! همینطور الهیاتی را که می‌گوید کسی که یکبار نجات یافت، همیشه نجات داده شده است" را رد می‌کنم زیرا که ارتباطی با تداوم ایمان در زندگی ایمانی ندارد. بنابراین چه باید کرد؟ من متن را تحت‌اللفظی تفسیر می‌کنم: در آن دوره تاریخی خاص، در مفهوم ادبی خاص خود متن، در بیان خاص دستور زبانی آن متن، در نحوه انتخاب واژگان، موضوع و پاراگراف‌های موازی. من باید بپذیرم که چنانچه هر آنچه که باید انجام می‌دادم، با عبرانیان ۶: ۴-۶ و ۱۰: ۲۶-۲۹ بود، احتمال کمی بود که ایمانداران از جلال خداوند دور شوند. با اینحال،

۱. دوره تاریخی، یهودیت کتاب، و وضعیت آزار و فشارهای آن زمان از معضلات بزرگ هستند

۲. ادبیات متن (عبرانیان ۵: ۱۱ - ۱۲: ۶) و سه گروه ("ما"، "شما" و "آنها که") بنظر ماهیت عبادت "یهودیان مؤمن" و "یهودیان بی‌ایمان" را در کنیسه

آن مقطع روشن می‌کند

۳. استفاده واژه‌های متعدد درباره خیمه، استفاده از عبارت کنیسه (عبرانیان ۱۰:۲۵)، و نقش فراخوان به ایمان، همه اشاره به خواننده‌ای آشنا با عهد عتیق دارند.

بنابراین، پس از ترجمه متن باستانی یونانی، تصور می‌کنم بهترین توضیح کلی (با توجه به مشکلات و نتیجه‌گیری‌های آن) را می‌توان در بازسازی تاریخی کتاب *No Easy Salvation* نوشته R.E. Glaze, Jr چاپ انتشارات Insight Press, 1996 یافت.

بنظر می‌رسد کتاب عبرانیان برای گروه خاصی کاملاً تخصصی نوشته شده باشد. آیا این بدین مفهوم است که کتاب مختص زمان حاضر نیست؟ هشدارهایی که این نویسنده (در کنار یعقوب، پطرس و نویسندگان اول و دوم یوحنا) داده است، باید مشوق ایمانداران برای ادامه این مسابقه باشد (به کتاب *Answers to Questions* نوشته F.F. Bruce صفحات ۱۲۴ و ۱۲۵ رجوع نمایید)! جواب را نمی‌توان در ایمان سست یافت، و نه حتی در شریعتی که با جبر حاکم شده باشد، بلکه جواب در ایمانی است که از بدنه خداوند، از تکاپو برای رسیدن به تقدس، و بوسیله رستگاری حاصل از گرایش حق‌شناسانه بوسیله عیسی و با ایمان به وی (عبرانیان ۱۰:۴) بوجود آمده است.

۱۰:۲۷ "مجازات" نویسنده دوباره بر ایمان شگفت‌انگیزی تأکید می‌کند که ایمانداران به عیسی دارند، اما جنبه منفی آن اینست که: روز قیامت در راه است و همگی در برابر خدای بزرگ خواهیم ایستاد (عبرانیان ۹:۲۷؛ غلاطیان ۶:۷).

■ "انتظار هولناک مجازات و آتشی مهیب است که دشمنان خدا را فرو خواهد بلعید" این بخش از آیه اشاره به اشعیا ۲۶:۱۱ دارد. آتش اغلب با تقدس و پاکسازی عجیب است. خداوند خالقی عظیم است؛ خلقت وی واقعیتی مبتنی بر اخلاقیات است. بشر قوانین وی را زیر پا نمی‌گذارند، آنان اخلاقیات خود را تحت شریعت خداوند به زیر پا می‌گذارند.

موضوع خاص: آتش - (Special Topic: Fire) (BDB 77, KB 92)

در کتاب مقدس، آتش هم مفهوم مثبت و هم مفهوم منفی دارد.

۱. مثبت

- a. گرما (مراجعه شود به اشعیا ۴۴:۱۵، انجیل یوحنا ۱۸:۱۸)
- b. نور (مراجعه شود به اشعیا ۵۰:۱۱، انجیل متی ۲۵:۱ الی ۱۳)
- c. آشپزی (مراجعه شود به خروج ۱۲:۸، اشعیا ۴۴:۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۹:۲۱)
- d. پاک کننده (مراجعه شود به اعداد ۳۱:۲۲ الی ۲۳، امثال ۱۷:۳، اشعیا ۱:۲۵، ۶:۶، ۸، ارمیا ۶:۲۹، ملاکی ۳:۲ الی ۳)
- e. تقدس خدا (مراجعه شود به پیدایش ۱۵:۱۷، خروج ۳:۲، ۱۹:۱۸، حزقیال ۱:۲۷، عبرانیان ۱۲:۲۹)
- f. رهبری خدا (خروج ۱۳:۲۱، اعداد ۱۴:۱۴، اول پادشاهان ۱۸:۲۴)
- g. قدرت بخشیدن خدا (اعمال رسولان ۲:۳)
- h. محافظت کردن (مراجعه شود به زکریا ۵:۵)

۲. منفی

- a. سوزاندن (مراجعه شود به یوشع ۶:۲۴، ۸:۸، ۱۱:۱۱، انجیل متی ۲۲:۷)
 - b. نابود کردن (مراجعه شود به پیدایش ۱۹:۲۴، لاویان ۱۰:۱ الی ۲)
 - c. خشم (مراجعه شود به اعداد ۲۱:۲۸، اشعیا ۱۰:۱۶، زکریا ۱۲:۶)
 - d. مجازات (مراجعه شود به پیدایش ۳۸:۲۴، لاویان ۲۰:۱۴، ۲۱:۹، یوشع ۷:۱۵)
 - e. نشانه‌های اسکاتولوژی دروغین (مراجعه شود به مکاشفه ۱۳:۱۳)
۳. خشم خدا اغلب با تصویری از آتش مجسم می‌شود
- a. خشم او می‌سوزاند (مراجعه شود به هوشع ۸:۵، صغیا ۳:۸)
 - b. او آتش می‌زند (مراجعه شود به نحمیا ۱:۶)
 - c. آتش جاودانی (مراجعه شود به ارمیا ۱۵:۱۴، ۱۷:۴، انجیل متی ۲۵:۴۱، یهودا آیه ۷)
 - d. داوری اسکاتولوژیک (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۰، ۵:۲۲، ۱۳:۴۰، انجیل یوحنا ۱۵:۶، دوم تسالونیکیان ۱:۷، دوم پطرس ۳:۷ الی ۱۰، مکاشفه ۸:۷، ۱۶:۸، ۲۰:۱۴ الی ۱۵)
۴. آتش اغلب در قالب تجلی خدا بر انسان نمایان می‌شود
- a. پیدایش ۱۵:۱۷

b. خروج ۳:۲

c. خروج ۱۸:۱۹

d. مزمور ۱۸:۷ الی ۱۵، ۲۹:۷

e. حزقیال ۱:۴ و ۲۷، ۱۰:۲

f. عبرانیان ۱:۷، ۱۲:۲۹

۵. همانند بسیاری از استعاره‌ها در انجیل (یعنی خمیر مایه، شیر)، آتش می‌تواند بسته به متن، برکت یا نفرین باشد.

۲۸:۱۰

”هر که شریعت موسی را کنار گذاشته است“ NASB

”هر که شریعت موسی را رد کرده است“ NKJV

”هر که شریعت موسی را به زیر پا گذاشته است“ NRSV

”هر که در شریعت موسی نافرمانی کرده است“ TEV

”هر که به شریعت موسی بی‌توجهی کند“ NJB

بعنوان انکار خودخواسته، این لغتی قوی می‌باشد. Ellingworth و Nida در کتاب *A Handbook on the Letter to the Hebrews* می‌نویسد:

”واژه‌ای که برای نافرمانی استفاده می‌شود، بسیار پر معنی است، لغتی است که برای گناهان ناخواسته استفاده نمی‌شود، بلکه برای زیر پا گذاشتن کل عهد بکار می‌رود (حزقیال ۲۶:۲۲)، بعنوان مثال، با بت پرستی (تثنیه ۱۷:۲-۷)، نبوت دروغین (تثنیه ۱۸:۲۰)، و یا توهین به مقدسات (لاویان ۲۴:۱۳-۱۶)“ (صفحه ۲۳۶).

■ ”بنا بر گواهی دو یا سه شاهد بدون ترجم کشته می‌شد“ دادگاه‌های عهد عتیق همیشه نیاز به دو شاهد داشتند (تثنیه ۱۷:۶؛ ۱۹:۱۵). ترمذ از فرامین پی‌آمدهای سختی در پی داشت!

■ ۲۹:۱۰ ”چقدر بیشتر“ از زمان پیمان موسی تا پیمان عیسی، این امر همواره مورد بحث بوده است. این قیاس از موضوعات عبرانیان بوده است.

■ ”پایمال کرده“ این تشبیه به معنی رفتاری اهانت‌آمیز است (عبرانیان ۶:۶). وجه وصفی معلوم آتوریستی، که حکایت از عملی انجام شده داشته و وجه وصفی بعدی نیز به همین شکل است.

■ ”پسر خدا“

موضوع خاص: پسر خدا - (Special Topic: The Son of God)

این یکی از القاب اصلی عیسی در عهد جدید است. مطمئناً مفهومی الهی دارد. این لقب عیسی ”پسر“ یا ”پسرم“ را هم شامل می‌کند، همچنین خدا به عنوان ”پدر“ خطاب می‌شود (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه کنید). بیش از ۱۲۴ مرتبه این لقب در عهد جدید تکرار شده است. حتی وقتی عیسی خودش را ”پسر انسان“ معرفی می‌کند، بر طبق دانیال ۷:۱۳ الی ۱۴، باز هم مفهوم الهی دارد. در عهد عتیق اصطلاح ”پسر“ به چهار رده خاص اشاره می‌کند (به موضوع خاص: پسر... مراجعه شود).

۱. فرشتگان (معمولاً به صورت جمع به کار می‌رود، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲:۶، ایوب ۶:۱، ۱:۲)

۲. پادشاه اسرائیل (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷:۱۴، مزمور ۷:۲۶، ۸۹:۲۷)

۳. مردم اسرائیل به صورت کل (مراجعه شود به کتاب خروج ۴:۲۲ الی ۲۳، تثنیه ۱:۱۴، هوشع ۱:۱۱، ملاکی ۱:۲)

۴. داوران اسرائیلی (مراجعه شود به مزمور ۶:۸۲)

مفهوم دوم که به عیسی مرتبط است. بدین ترتیب، ”پسر داوود“ و ”پسر خدا“ هر دو با دوم سموئیل ۷، مزمور ۲ و ۸۹ مرتبط می‌شوند. در عهد عتیق ”پسر خدا“ هرگز به صورت مشخص و صریح در مورد مسیح به کار نرفته است، به جز بصورت پادشاه اسکاتولوژیک به عنوان یکی از ”تدهین شدگان“ اسرائیل. با این وجود، در کتیبه بحر المیت، لقب مسیح یک دلالت عمومی دارد (به مراجع خاص در *Dictionary of Jesus and the Gospels* مراجعه شود. همچنین، ”پسر خدا“ یک لقب مسیحی در دو اثر یهودی بنیادی در مورد مکاشفه یوحنا است (مراجعه شود به دوم اسداریس ۷:۲۸، ۱۳:۳۲ و ۳۷ و ۵۲، ۱۹:۱۴ و اول انوش ۲:۱۰۵).

زمینه عهد جدیدی آن، چنان که به عیسی اشاره می‌کند را می‌توان به بهترین شکل در چند گروه خلاصه کرد:

۱. از قبل وجود داشتن او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱۵ الی ۳۰، ۵۶:۸ الی ۵۹، ۱۶:۲۸، ۱۷:۵، دوم قرنتیان ۸:۹، فیلیپیان ۲:۶ الی ۷، کولسیان ۱:۱۷، عبرانیان ۱:۳، ۱:۵ الی ۸)
 ۲. تولد منحصر به فرد بودنش (از یک باکره) (مراجعه شود به اشعیا ۷:۱۴، انجیل متی ۱:۲۳، انجیل لوقا ۱:۳۱ الی ۳۵)
 ۳. تعمیدش (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۷، انجیل مرقس ۱:۱۱، انجیل لوقا ۳:۲۲، صدای خدا از بهشت که پادشاه مزمور ۲ را با خدمتگزار رنج دیده اشعیا ۵۳ متحد میسازد)
 ۴. وسوسه های شیطان (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱ الی ۱۱، انجیل مرقس ۱:۱۲ و ۱۳، انجیل لوقا ۴:۱ الی ۱۳. او وسوسه شد تا نسبت به فرزندی خود تردید کند یا حداقل ماموریت خود را به شیوه دیگری غیر از مصلوب شدن انجام دهد)
 ۵. تأیید او توسط اعتراف کنندگان غیر قابل قبول
 - a. شیاطین (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۲۳ الی ۲۵، انجیل لوقا ۴:۳۱ الی ۳۷ و ۴۱، انجیل مرقس ۳:۱۱ و ۱۲، ۵:۷، به موضوع خاص: شیطان (روح ناپاک) مراجعه شود)
 - b. بی ایمانان (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۴۳، انجیل مرقس ۱۴:۶۱، انجیل یوحنا ۱۹:۷)
 ۶. تأیید او توسط شاگردانش
 - a. انجیل متی ۱۴:۳۳، ۱۶:۱۶
 - b. انجیل یوحنا ۱:۳۴ و ۶:۶۹، ۴۹ و ۱۱:۲۷
 ۷. تأیید او توسط خودش
 - a. انجیل متی ۱۱:۲۵ الی ۲۷
 - b. انجیل یوحنا انجیل یوحنا ۳:۳۶ الی ۱۰
 ۸. استفاده های استعاره ای او در مورد خدا به عنوان پدر
 - a. استفاده او از *abba* برای خدا
 - i. انجیل مرقس ۱۴:۳۶
 - ii. رومیان ۸:۱۵
 - iii. غلاطیان ۴:۶
 - b. استفاده مکرر او از پدر (*patēr*) برای توصیف رابطه خودش با خدا
- به طور خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای آنان که عهد عتیق و وعده هایش و طبقه بندی هایش را می دانند، مفهوم الهیاتی عظیمی دارد، ولی نویسندگان عهد جدید نسبت به استفاده آن توسط پیروان سایر ادیان به واسطه سابقه شرک آنان در مورد "خدایان" که با زنان صحبت می کردند که نتیجه آن تیتان ها و غول ها بودند، ابراز نگرانی می کردند.

■ "شمرده" این نشان از بررسی واقعیات در نتیجه یک انتخاب است.

■ "ناپاک" اشاره به هر چیز ناپاک به لحاظ شرعی، که در قالب منظور وجودی خود نیز نگنجد.

■ "خون عهدی را که بدان تقدیس شده بود" سوالی که اینجا مطرح می شود در ارتباط فعل آئوریستی است (ضمیر اشاره مجهول). آیا این جمله اشاره به شروع انکار پیمان جدید است و یا روی گرداندن از آن؟ وجوه وصفی آئوریستی در پاراگراف های قبل و بعد حکایت از شروع انکار دارند. مشکل ترجمه این متن در این است که هر بخش کتاب عبرانیان که در آن لغت "تقدیس" استفاده شده، اشاره به ایمانداران دارد (عبرانیان ۲:۱۱؛ ۹:۱۳؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۴:۱۳). مشکل من با آن بخشی است که از حفظ پیمان توسط فرد می گوید. خداوند مقتدر پیمانی را در ارتباط با رستگاری تعریف کرده است. کاملاً رایگان بوده، برای عموم مردم است، اما باید توسط انسان (با آزادی رای) پذیرفته شود، نه بوسیله عکس العمل های احساسی (متی ۲۰:۲۰-۲۲)، و نه در اتحاد با یک کلیسا (۱ یوحنا ۲:۱۹). کلید این موضوع، باورمندی است. آنان که باور دارند/ایمان دارند/اعتماد دارد (تمام ترجمه های ممکن از لغت *pisteuō*) نجات یافته و ضمانت آن را نیز دارند. هشدار دوگانه عبرانیان اینست (۱) پذیرش خبر خوش و (۲) قدم گذاشتن در راه آن. اگر کسی در پذیرش آن شکست بخورد مورد قضاوت قرار خواهد گرفت؛ اگر کسی از ایمان خود دست کشد، مورد قضاوت قرار خواهد گرفت!

■ "و به روح فیض، بی حرمتی روا داشته" او به گناه محکوم می کند، ما را به نزد عیسی می آورد، ما را برای عیسی تعمیم داده و بعنوان یک مسیحی، عیسی را در قالب ما شکل می دهد (یوحنا ۸:۱۶-۱۱). هنگامی که کافران عشق و کار او را پس زنند، روح مورد اهانت یا بی عدالتی قرار می گیرد. برخی دریافت کنندگان کتاب در حضور افشاسازی روشن و واضح از سوی سایر اعضای کنیسه، عیسی را انکار کردند (به بخش مقدمه، دریافت کنندگان رجوع شود).

- "انتقام" این بخش نقل قول از تثنیه ۳۲:۳۵ و ۳۶ نسخه Septuagint است. استفاده از این لغت نشان از خشم نیست، بلکه معرف عدالت مطلق است برای هر آنکس که دخیل می‌باشد.
- "خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد" این هم نقل قول دیگری از تثنیه ۳۲:۳۶ نسخه Septuagint می‌باشد. متن عبری بجای لغت "داوری" از واژه "پشتیبانی" استفاده کرده است. آیا این جمله به ما می‌گوید کسانی که بعمد گناه می‌کنند روزی قوم خدا بودند؟ معمولاً یک جنبه نقل قول عهد عتیقی، عمدی است. احتمالاً "داوری" مرکز توجه این نقل قول است، نه اینکه متن اصلی اشاره به بت پرستان اسرائیلی داشته باشد. نویسنده از انکار خداوند توسط قوم خود استفاده کرده تا در طول کل کتاب، داوری را بعنوان یک هشدار مطرح نماید.
- "افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است" این عبارات (عبرانیان ۱۲:۳) نام پیمانی خداوند یعنی "یهوه" را (خروج ۳:۱۴)، از فعل عبری "بودن" (متی ۱۶:۱۶) منعکس می‌نمایند. به موضوع خاص در عبرانیان ۷:۲ رجوع نمایید. بی‌ایمانی، پیامد ابدی بدنبال خواهد داشت!

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۰:۳۲-۳۹

آن روزهای پیشین را به یاد آورید، زمانی را که تازه منور شده بودید؛ در آن روزها، با تحمل رنج و زحمت، در مبارزه‌ای عظیم ایستادگی به خرج دادید.^{۳۲} گاهی در برابر چشم همگان مورد اهانت و آزار قرار می‌گرفتید و گاهی دوش به دوش کسانی می‌ایستادید که با ایشان چنین رفتار می‌شد.^{۳۳} با آنان که در زندان بودند، همدردی می‌کردید و تراج اموال خود را با شادی می‌پذیرفتید، زیرا می‌دانستید از داراییهای بهتر که جاودانی است، برخوردارید.^{۳۴} پس این آزادگی خود را ترک مگویید، زیرا پاداشی عظیم در پی خواهد داشت.^{۳۵} چون لازم است پایداری کنید تا آنگاه که اراده خدا را به انجام رساندید، وعده را بیاورید.^{۳۶} زیرا پس از اندک زمانی «او که باید بیاید، خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد.^{۳۷} اما شخصی پارسای من به ایمان زیست خواهد کرد. و اگر عقب نشیند، از او خشنود نخواهم شد.»^{۳۸} لیکن ما از کسانی نیستیم که به عقب برمی‌گردند و هلاک می‌شوند، بلکه از آنانیم که ایمان دارند و حیات می‌یابند.^{۳۹}

۱۰:۳۲ "آن روزهای پیشین را به یاد آورید" این جمله دستوری حال میانه است، احتمالاً اشاره به عبرانیان ۵:۱۲ دارد.

- "زمانی را که تازه منور شده بودید" این بخش در اشاره به گروه بی‌ایمان در عبرانیان ۶:۴ بود. البته من باور دارم که در اینجا دو گروه مورد خطاب قرار گرفته‌اند.
 ۱. یهودیانی نیروی خداوند را در زندگی و شهادت‌های دوستان ایماندار خود دیده بودند
 ۲. یهودیان با ایمانی که هنوز در چارچوب آموزه‌های کنیسه عبادت می‌کردند
 نحوه خطاب کردن "شما" در آیه (به یاد آورید، منور شده بودید) عبرانیان ۱۰:۳۲-۳۶ در تضاد است با عبرانیان ۱۰:۲۶-۳۱ (همینطور آیات ۶:۹-۱۲ با ۴:۸).

■ "مبارزه‌ای عظیم" این استعاره‌ای است از یک مبارزه ورزشی (عبرانیان ۱۲:۱، ۲، ۳، ۷).

■ "رنج و زحمت" احتمالاً منظور آزار در کلیسا است و نه کنیسه، زیرا برخلاف مسیحیت، یهودیت در دوران روم باستان دین مجاز شمرده می‌شد. بنظر می‌رسد که این پاراگراف از کمک به کسانی که به آنها ظلم روا شده بود می‌گوید (عبرانیان ۱۰:۳۳-۳۴؛ ۱۰:۶).

۱۰:۳۴ "در زندان" برخی مسیحیان زندانی شده بودند ولی نه دریافت کنندگان نامه. آنان ایماندار بودند، اما کاملاً توسط کلیسا برسمیت شناخته نمی‌شدند. این نکته می‌تواند این دیدگاه را تقویت کند که آنان ایمانداران یهودی بودند که هنوز در کنیسه حضور پیدا می‌کردند (به بخش مقدمه، دریافت کنندگان رجوع شود).

متن ترجمه شده KJV عبارت "با ضمانت من" را نوشته، که این امر باعث گردیده تا بسیاری مفسرین از آن بعنوان شاهی برای نویسندگی پولس استفاده نمایند. با اینحال، تغییرات احتمالی زیادی متصور است: (۱) "با ضمانت" (P¹³, A, D*) و ترجمه‌های Vulgate and Peshitta؛ "بر طبق تضمین" P46, Ψ و متن یونانی ترجمه شده توسط Origen؛ و (۳) "با ضمانت من" (P, L, K, D2, 8 و متن یونانی بکار برده شده توسط کلمنت اسکندریه).

■ "تاراج اموال خود را با شادی می پذیرفتید" یقیناً این گواه ما برای عیسی و میراث اوست (عبرانیان ۹:۱۵؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۳:۱۴؛ متی ۵:۱۲؛ لوقا ۶:۲۲-۲۳؛ رومیان ۵:۳؛ ۸:۱۷).

■ "بهتر" به تفسیر عبرانیان ۷:۷ رجوع نمایید.

۳۵:۱۰-۳۶ این آیات نیازهایی را مستند می کنند. (۱) گروه های باورمند اعتماد بنفسشان را از دست نداده (عبرانیان ۳:۶؛ ۴:۱۶؛ ۱۰:۱۹) و (۲) صبر و تحمل پیشه کنند (عبرانیان ۱۲:۱-۳). به اشکال گوناگون این موضوع شباهت با پیام هفت کلیسا در مکاشفه ۲-۳ دارد (مکاشفه ۲:۳، ۵، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۵، ۲۶؛ ۲:۵، ۳:۵، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۲۰). ایمان واقعی، ایمانی با دوام است (یوحنا ۲:۱۹). وعده های پیمان خداوند باید دریافت و حفظ گردند. به موضوع خاص در عبرانیان ۴:۱۴ رجوع شود.

مشکل واقعی امنیت، ایماندارانی که تقلا می کنند نیست، بلکه جمعیت کثیر اعضای کلیسای غرب امروزی است که در زندگی روزمره آنها هیچ نشانه ای از ایمان دیده نمی شود. ایمان سست، با تأکید بیش از حد بر روی امنیت یکی شده و کلیساها را با کودکان مسیحی اشباع نموده که در بهترین حالت ممکن مردمان گم شده هستند و در بدترین حالت آن، مردمانی که لباس مسیحیت به تن دارند. شاگردی و فراخواندن به تقدس رادیکال در جامعه مادی گرای کاپیتالیستی رو به فساد گم شده است. رستگاری تبدیل بجای ارتباط روزانه رو به رشد با خداوند، تبدیل به یک محصول شده است (بلیط به بهشت در انتهای یک زندگی خود محور یا همچون بیمه آتش نشانی در برابر گناه). هدف مسیحیت فقط رفتن به بهشت پس از مرگ نیست (محصول)، بلکه زندگی کردن همچون مسیح در زمان حال حاضر است! خداوند می خواهد تصویر خود را در بشر دوباره زنده نموده تا وی بتواند با رستگاری از طریق مسیح که به بشر رانده شده از بهشت تقدیم کرده، دوباره به او دست یابد. ما نجات داده شدیم تا خدمت نماییم! امنیت حاصل یک زندگی شامل خدمت و شاگردی می باشد.

موضوع خاص: استقامت - (Special Topic: Perseverance)

توضیح دکترین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق (پارادوکس های انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر میرسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

A. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام العمر که شاگرد او باشیم؟

B. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟

C. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟

در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد منازعه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می شود:

A. متون در ارتباط با اطمینان

۱. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۶:۳۷، ۱۰:۲۸ الی ۲۹)

۲. اظهارات پولس (رومیان ۸:۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱:۱۳، ۲:۵، ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱:۶، ۲:۱۳، دوم تسالونیکیان ۳:۳، دوم تیموتائوس

۱:۱۲، ۴:۱۸)

۳. اظهارات پطرس (اول پطرس ۱:۴ الی ۵)

B. متونی که میگویند استقامت نیاز است

۱. اظهارات عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۱۰:۲۲، ۱۳:۱ الی ۹، ۲۴ الی ۳۰، ۲۴:۱۳، انجیل مرقس ۱۳:۱۳)

۲. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۸:۳۱، ۱۵:۴ الی ۱۰)

۳. اظهارات پولس (رومیان ۱۱:۲۲، اول قرنتیان ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۵:۱۳، غلاطیان ۱:۶، ۳:۴، ۵:۴، ۶:۹، فیلیپیان ۲:۱۲، ۳:۱۸ الی ۲۰،

کولسیان ۱:۲۳، دوم تیموتائوس ۳:۲)

۴. اظهارات نویسندگان عبرانیان (۲:۱، ۳:۶ و ۱۴، ۴:۱۴، ۶:۱۱)

۵. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲:۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲:۷ و ۱۷ و ۳:۵، ۲۶ و ۱۲ و ۲۱:۷)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی تواند نجات یابد بدون شروع با روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶:۴۴ و ۶۵). الهیت ابتدا می آید و دستور کار را تعیین می کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه از ابتدا و تداوم آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیتهایی!

رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمایید

۱. The Word of Truth, Eerdmans. اثر Dale Moody، چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵

۲. Kept by the Power of God از انتشارات Bethany Fellowship. اثر Howard Marshall، چاپ ۱۹۶۹

۳. Life in the Son، انتشارات Westcott، اثر Robert Shank، چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می‌کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بیثمر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت میکند و سیستم‌های الهیات انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا میکند. برخی مسیحیان نامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

یک جدل الهیاتی تاریخی میان اگوستین در مقابل پلاگیوس و کالوین و در مقابل آرمینیوس (نیمه پلاگیان‌ها) وجود دارد. این بحث شامل این سوال در مورد رستگاری است: اگر کسی واقعا نجات یابد، آیا باید در ایمان و مفید بودن محکم باشد؟

کالوینیست‌ها در پشت آیاتی صف می‌بندند که بر پادشاهی خدا و حفظ قدرت (انجیل یوحنا ۲۷:۱۰ الی ۳۰، رومیان ۸:۳۱ الی ۳۹، اول یوحنا ۵:۱۳ و ۱۸، اول پطرس ۱:۳ الی ۵) و زمانهای معلوم و مصدر کامل مجهول افسسیان ۲:۸ و تصریح دارد.

ارامنه پشت متونی که به ایمانداران هشدار می‌دهد صبر کنید، دست نگاهدارید یا ادامه دهید صف بسته‌اند (انجیل متی ۲۲:۱۰، ۲۴:۹ الی ۱۳، انجیل مرقس ۱۳:۱۳، انجیل یوحنا ۴:۱۵ الی ۶، اول قرنتیان ۱۵:۲، غلاطیان ۶:۹، مکاشفه ۲:۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳:۵ و ۱۲ و ۲۱، ۲۱:۷). من به شخصه باور ندارم که عبرانیان ۶ و ۱۰ مصداق داشته باشند، ولی بسیاری از ارامنه از آن به عنوان هشدار علیه ارتداد استفاده می‌کنند. تمثیل بذر در انجیل متی ۱۳ و مرقس ۴ بر ایمان بدیهی تصریح دارند، همانند انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹ چنین تصریح می‌کند. کالوینیست‌ها میگویند که افعال زمان کامل برای توصیف رستگاری استفاده شده است، و ارامنه عبارتهای با زمانهای حال کامل را نقل می‌کنند مانند اول قرنتیان ۱:۱۸، ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۲:۱۵.

این یک مثال کامل است از اینکه چطور سیستم‌های الهیاتی با روشهای تفسیری اثبات از صحت متون سوا استفاده می‌کنند. معمولا اصول راهنما یا متن اصلی استفاده می‌شود تا یک شبکه الهیاتی برپا شود که توسط آن به تمامی دیگر متون نگاه شود. مراقب این چهارچوبها از هر منبعی باشید. آنها از منطق غربی می‌آیند نه از مکاشفه. انجیل یک کتاب شرقی است. حقیقت را در شرایط پر از تنش ارائه می‌دهد، ظاهرا به صورت دو پارادوکس. مسیحیان باید هر دو را بپذیرند و قبول کنند و در این تنش زندگی کنند. عهد جدید هم امنیت به ایمان آورنده ارائه می‌دهد و هم تقاضا بر تداوم ایمان و در کنار خدا بودن را دارد. مسیحیت پاسخ اولیه توبه و ایمان است که در پی آن باید تداوم پاسخ به توبه و ایمان باشد. رستگاری یک محصول نیست (یک بلیط به بهشت یا بیمه آتش سوزی)، بلکه یک رابطه است. یک تصمیم و شاگردی است. در عهد جدید با تمامی زمانهای افعال توصیف شده است.

• آئوریست (عمل کامل شده)، اعمال رسولان ۱۵:۱۱، رومیان ۸:۲۴، دوم تیموتائوس ۱:۹، تیتوس ۳:۵

• کامل (عمل کامل شده و نتایج آن ادامه دارد)، افسسیان ۲:۵ و ۸

• حال (عمل در حال انجام)، اول قرنتیان ۱:۱۸، ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۲:۱۵

آینده (رخدادهای آتی یا رخدادهای قطعی)، رومیان ۵:۸ و ۱۰، ۱۰:۹، اول قرنتیان ۳:۱۵، فیلیپیان ۱:۲۸، اول تسالونیکیان ۵:۸ الی ۹، عبرانیان ۱:۱۴، ۹:۲۸

۱۰:۳۶ این آیه با مضمون محتمل الوقوع بودن نوشته شده است!

■ "اراده خدا" به موضوع خاص در عبرانیان ۱۳:۲۱ رجوع شود.

■ "وعده را بیابید" اشاره به وعده‌های پیمان جدید بوسیله عیسی دارد (عبرانیان ۹:۱۵)!

۱۰:۳۷-۳۸ این نقل قول برگرفته شده از عبرانیان ۲:۳-۴ نسخه Septuagint داشته، اما با دو شرط معکوس برای تأکید.

■ "او که باید بیاید" متن عبری ماسوری "او" را بصورت شیء نوشته است، اما متن یونانی Septuagint حالت انسانی به آن داده که منظور مسیح موعود را می‌رساند.

۱۰:۳۸ "به ایمان زیست خواهد کرد"

(Special Topic: Believe, Trust, Faith, and Faithfulness in the Old Testament) (מאן)

۱. مقدمه

لازم به ذکر است که استفاده از این مفهوم الهیات، در عهد جدید بسیار حیاتی است، و به این وضوح در عهد عتیق تعریف نشده است. یقیناً در آنجا نیز هست، ولی در قالب افراد و شخصیت‌های کلیدی به نمایش گذاشته شده است.

عهد عتیق اینها را در هم ادغام می‌کند

a. فرد و جامعه

b. برخورد شخصی و اطاعت فرد با ایمان

ایمان هم برخورد شخصی است و هم شیوه زندگی روزانه! راحتتر می‌توان زندگی یک مرید مومن را توصیف کرد تا در قالب کلمات (یعنی مطالعه کلمات) نوشت. ویژگی شخصی در این موارد به بهترین وجه به تصویر کشیده شده است:

a. ابراهیم و فرزندانش

b. داوود و اسرائیل

این افراد با خدا دیدار می‌کنند و زندگی آنها برای همیشه تغییر می‌یابد (نه زندگی کامل، بلکه زندگی از روی ایمان و وفاداری). آزمایش ضعف‌ها و قوت‌ها را در ایمان به خدا در مواجهه با او آشکار کرد، ولی رابطه صمیمی و ناشی از اعتماد در طول زمان تداوم یافت. آزمایش شد و بهبود داده شد، ولی با وقف کردن خود و شیوه زندگی خود به اثبات رسید و تداوم یافت.

۲. استفاده از ریشه اصلی

a. מאן (آمین) (KB 63, BDB 52)

i. فعل

۱. ریشه *qal* - پشتیبانی، تغذیه (دوم پادشاهان ۱۰:۱ و ۵، استر ۲:۷، کاربرد غیر دینی)

۲. ریشه *Niphal* - اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن، سخت شدن، بنا کردن، تأیید کردن، وفادار و یا قابل اعتماد بودن

a. انسانها، اشعیا ۲:۸، ۵۳:۱، ارمیا ۱۴:۴۰

b. چیزها، اشعیا ۲۳:۲۲

c. خدا، تثنیه ۷:۹، اشعیا ۴۹:۷، ارمیا ۴۲:۵

۳. ریشه *Hiphil* - سخت ایستادن، باور داشتن، اعتماد کردن

a. ابراهیم به خدا ایمان داشت، پیدایش ۱۵:۶

b. اسرائیلی‌ها در مصر ایمان آوردند، خروج ۴:۳۱، ۱۴:۳۱ (در تثنیه ۱:۳۲ نفی شده)

c. اسرائیلی‌ها به یهوه ایمان آوردند و توسط موسی با او صحبت کردند، کتاب خروج ۱۹:۹، مزامیز ۱۲:۱۰۶ و ۲۴

d. آهاز به خدا اعتماد نکرد، اشعیا ۷:۹

e. هر کس که به او ایمان آورد، اشعیا ۱۶:۲۸

f. حقایق نسبت به خدا را باور کرد، اشعیا ۴۳:۱۰ الی ۱۲

ii. اسم (مذکر) - وفاداری (تثنیه ۳۲:۲۰، اشعیا ۱:۲۵ و ۲۶:۲)

iii. قید - صادقانه، به راستی، موافقم، شاید این طور باشد (رجوع شود به تثنیه ۱۵:۲۷ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱:۳۶، اول قرن‌تیان

۱۶:۳۶، اشعیا ۱۶:۶۵، ارمیا ۱۱:۵ و ۶ و ۲۸). این کاربرد ادبی "آمین" در عهد عتیق و عهد جدید است.

۳. מאן (حقیقت) (KB 68, BDB 54) - اسم مونث، سختی، وفاداری، حقیقت

a. انسانها (اشعیا ۲۰:۱، ۴۲:۳، ۴۸:۱)

b. خدا - خروج ۳۴:۶، مزمور ۱۱۷:۲، اشعیا ۳۸:۱۸ و ۱۹، ۶۱:۸

c. حقیقت - تثنیه ۳۲:۴، اول پادشاهان ۲۲:۱۶، مزمور ۳۳:۴، ۹۸:۳، ۱۰۰:۵، ۱۱۹:۳۰، ارمیا ۵:۹، زکریا ۱۶:۸

۴. מאן (ایمان) (KB 62, BDB 53), - سختی، استقامت، وفاداری

a. دستان - خروج ۱۷:۱۲

b. زمان - اشعیا ۳۳:۶

c. انسانها - ارمیا ۳:۵، ۷:۲۷، ۹:۲

- c. *epi* یعنی "این" یا "براساس" مانند انجیل متی ۲۷:۴۲، اعمال ۹:۴۲، ۱۱:۱۷، ۱۶:۳۱ و ۲۲:۱۹، رومیان ۴:۵ و ۲۴، ۹:۳۳، ۱۰:۱۱، اول تیموتائوس ۱:۱۶، اول پطرس ۲:۶
- d. به صورت دلخواه و بدون حرف اضافه در غلاطیان ۳:۶، اعمال ۱۸:۸، ۲۷:۱۵، اول یوحنا ۳:۲۳ و ۵:۱۰
- e. *hoti* که به معنی "باور کرد که" در متن می‌گوید که به چه باید باور کرد
- i. عیسی محبوب مقدس و اول خداست (یوحنا ۶:۶۹)
 - ii. عیسی همان من هستم است (یوحنا ۸:۲۴)
 - iii. عیسی در پدر و پدر در عیسی است (یوحنا ۱۰:۳۸)
 - iv. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۲۰:۳۱)
 - v. عیسی پسر خدا است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۲۰:۳۱)
 - vi. عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱:۴۲، ۱۷:۸ و ۲۱)
 - vii. عیسی آن است که با پدر است (یوحنا ۱۴:۱۰ الی ۱۱)
 - viii. عیسی از جانب پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۶:۲۷ و ۳۰)
 - ix. عیسی در چهارچوب یک پیمان در خدا خود را معرفی می‌کند، "منم" (یوحنا ۸:۲۴ و ۱۳:۱۹)
 - x. با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶:۸)
 - xi. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالونیکیان ۴:۱۴)

۸. جمع بندی

۱. ایمان انجیلی پاسخی است به کلام/وعده الهی. خدا همیشه نخستین گام را برمی‌دارد (یعنی انجیل یوحنا ۴:۴۴ و ۶:۵، ولی بخشی از این ارتباط الهی نیازمند پاسخ انسان است (رجوع شود به موضوع خاص: پیمان).
 - a. توبه (موضوع خاص: توبه را ببینید)
 - b. ایمان/اعتماد (موضوعات خاص را ببینید)
 - c. اطاعت
 - d. استقامت (موضوع خاص: استقامت را ببینید)
 ۲. ایمان انجیلی
 - a. یک رابطه فردی است (ایمان اولیه)
 - b. تأیید حقیقت انجیلی است (ایمان به مکاشفه خدا، یعنی کتاب مقدس)
 - c. پاسخ به صورت پیروی درست از آن (وفاداری روزانه)

ایمان انجیلی بلیط به بهشت یا یک بیمه‌نامه نیست. یک رابطه فردی است. هدف خلقت است، انسان با هدف و با دوست داشتن خدا خلق می‌شود (پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷). مسئله "صمیمیت" است. خدا خواهان دوستی است، نه یک مواجهه الهی خاص. ولی دوستی خدال نیازمند فرزندان است که ویژگی "خانواده" را نشان می‌دهند. (یعنی تقدس، لایوان ۲:۱۹، متی ۵:۴۸، اول پطرس ۱:۱۵ و ۱:۱۶). سقوط (پیدایش ۳) بر پاسخ مناسب ما تأثیر گذاشت. در نتیجه خدا از جانب ما عمل کرد (رجوع شود به حزقیال ۲۷:۲۷ الی ۳۸)، به ما "قلبی جدید" و "روحی جدید" داد، که ما را قادر می‌سازد از طریق ایمان و توبه با وی دوستی و از وی اطاعت کنیم!

هر سه اینها مهم و حیاتی هستند. هر سه باید انجام شوند. هدف شناخت خداست (با هر دو مفهوم عبری و یونانی) تا شخصیت او را در زندگی‌مان منعکس کنیم. هدف ایمان روزی به بهشت رفتن نیست، بلکه هر روز همانند مسیح بودن است!
 ۳. وفاداری انسان نتیجه (عهد جدید) است، نه پایه (عهد عتیق) برای یک رابطه با خدا: ایمان انسان به وفاداری او، اعتماد انسان به قابل اعتماد بودن او. قلب نگرش عهد جدید به رستگاری این است که انسان باید با برداشتن اولین گام پاسخ دهد و دائماً به لطف و رحمت خدا که در عیسی است، پاسخ دهد. او دوست داشته است، او فرستاده است، او فراهم کرده است، ما باید با ایمان و وفاداری پاسخ دهیم (اشعیا ۲:۸ و ۹ و ۱۰)!
- خداوند وفادار، به مردم وفادار نیاز دارد تا خود را به جهان بی‌ایمان نشان دهد و آنها را با ایمان فردی بسوی خود آورد.

"من" سردرگمی در متن یونانی مربوط به پیشینه این ضمیر شخصی است. این موضوع مرتبط است با موضوع "رستگاری" یا "ایمان". نویسنده ما از ابهام موجود در ترجمه‌های MT و LXX استفاده کرده تا بر روی دو موضوع تأکید کند؛ (۱) آمدن مسیح موعود و (۲) لزوم ایمان باورمندان.

در متون خطی یونانی باستانی A و C، "من" مرتبط با رستگاری است. در نسخه‌های Lxx, Peshitta و ms D*، کلمه "من" به ایمان مربوط می‌شود. نسخه‌های P, K, H^C, D^C, P¹³ و نسخه Textus Receptus کلمه "من" از قلم افتاده است (همانگونه که در نقل قول خود از عبرانیان ۴:۲ در رومیان ۱۷:۱؛ غلاطیان ۳:۱۱ حذف کرده است).

"اگر" در قسمت دوم آیه، جمله را شرطی نوع سوم می‌نماید که بمعنی احتمال وقوع عملی است.

۳۹:۱۰ "کسانی که به عقب برمی‌گردند" این کنایه‌ای است به حبقوق ۴:۲ در نسخه LXX "اگر او عقب نشیند، روح من هیچ معاشرتی با او نخواهد داشت". موضوع عبرانیان برای ایمانداران، وفاداری تا انتها است. خطر بزرگ "به عقب برگشتن است". (لغت انگلیسی استفاده شده بجای عقب برگشتن، کوچک شدن است).

سوال تفسیری در این آیه مربوط مورد خطاب هر کسی قرار می‌گیرد که موضوع آیه به وی مربوط می‌گردد "آنان که به عقب بر می‌گردند".

۱. اسرائیلیان در دوران حبقوق

۲. دو گروه از عبرانیان ۶:۱-۱۲، یکی یهودی و دیگری ایمانداران یهودی؛ گروه بی‌ایمان از پیام روشن انجیل عقب نشسته و به هلاکت رسیدند.

۳. ایمانداران و در کل آنانی که به ایمان خود تا انتها وفادار نماندند.

بطور کلی متن کتاب و عبرانیان ۶:۹-۱۲ از شماره ۲ صحبت می‌کنند.

■ "هلاکت" این واژه اغلب برای کسانی استفاده می‌شود که زندگی ابدی ندارند (متی ۷:۱۳؛ فیلیپیان ۱:۲۸؛ ۳:۱۹؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۳؛ ۱ تیموتائوس ۶:۹؛ ۲ پطرس ۲:۱، ۳؛ ۷:۳). این بمعنی هلاکت بزرگ یک فرد بی‌ایمان نیست، بلکه منظور از دست دادن زندگی فیزیکی است. نظیر این استعارات در عهد عتیق به وفور استفاده شده است. یکی از رموز درد بزرگ جهنم، جنبه ابدی آن است (دانیال ۲:۱۲؛ متی ۲۵:۴۶).

NASB "بلکه از آنانیم که ایمان داشته تا روح را نجات دهیم"

NKJV "بلکه از آنانیم که به نجات روح اعتقاد دارند"

NRSV "بلکه از میان آن گروهیم که ایمان داشته و لذا نجات یافته‌اند"

TEV "در عوض، ما ایمان داشته و نجات یافته‌ایم"

NJB "ما از گروهی هستیم که تا زمانی که روحمان نجات بیابد، ایمان خود را حفظ می‌کنیم"

نقطه مقابل "کوچک شدن" یا "به عقب برگشتن"، وفاداری است. این نقل قول از حبقوق به شیوه‌های مختلف استفاده گردیده، بر خلاف پولس که از آن برای تأکید بر لزوم شروع ایمان جدا از عمل استفاده می‌کرد (رومیان ۱:۱۷؛ غلاطیان ۳:۱۱)، در حالیکه عبرانیان از آن برای تداوم ایمان استفاده می‌کند. این نظر، صحنه را برای نقش فراخوان به وفاداری در فصل ۱۱ آماده می‌کند. این فراخوان کلیدی نشان می‌دهد که ایمان اغلب سبب آزار و حتی مرگ می‌گردد. و تأکید می‌کند که این ایمانداران عهد عتیق، حتی در میان بزرگترین مشکلات و دشواری‌ها (عبرانیان ۱۰:۳۲-۳۳) دست از ایمان خود نشستند! نویسنده عبرانیان با اطمینان تسریح می‌کند که خوانندگان مؤمن وی نیز ایمان خود را تا انتها حفظ خواهند کرد.

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. اهمیت اینکه عیسی خود را "یکبار برای همیشه" فدا کرد، چیست؟

۲. چه چیز و چه زمانی نهایت است، رستگاری نهایی؟

۳. لغت عهد جدیدی "کامل" (telos) را تعریف کنید؟

۴. مقصود از روز کفار چه بود؟ قربانی‌های عهد عتیق چه ارتباطی با عبرانیان ۸:۱۰ دارند؟

۵. چرا نویسنده کلام عهد عتیق را به عیسی و روح اختصاص داده است؟

۶. آیا تقدیس، عملی یکبار برای همیشه است (عبرانیان ۱۰:۱۰) یا یک مرحله از عمل (عبرانیان ۱۰:۱۴)؟

۷. چرا عبرانیان ۱۸:۱۰ پرمعنی است؟

۸. کارهای عملی که به دلیل دسترسی ما به خدا و بوسیله عیسی، مشوق ما در زندگی هستند را فهرست‌وار بیان کنید.

۹. آیا آیات ۲۶-۲۹ ارتداد را آموزش می‌دهند؟

۱۰. به چه دلیل "جمع شدن با یکدیگر" مشکل بزرگی برای دریافت کنندگان نامه بود؟

۱۱. آیا خواست خداوند، رنج است؟ (عبرانیان ۱۰:۳۲-۳۶).

عبرانیان ۱۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|------------------|---|---------------------------------|-----------------|---------------------------------------|
| ایمان ۲-۱:۱۱ | بوسیله ایمانمان درک می‌کنیم ۳-۱:۱۱ | نقش زنان و مردان شجاع ۳-۱:۱۱ | ایمان ۲-۱:۱۱ | ایمان شایان تقدیر نیاکان ما ۲-۱:۱۱ |
| ۳:۱۱ | ایمان در طلوع تاریخ ۷-۴:۱۱ | ۷-۴:۱۱ | ۳:۱۱ | ۳:۱۱ |
| ۷-۴:۱۱ | ۷-۴:۱۱ | ۷-۴:۱۱ | ۴:۱۱ | ۴:۱۱ |
| | | | ۶-۵:۱۱ | ۶-۵:۱۱ |
| | ابراهیم وفادار ۱۲-۸:۱۱ | ۱۲-۸:۱۱ | ۷:۱۱ | ۷:۱۱ |
| ۱۲-۸:۱۱ | ۱۲-۸:۱۱ | ۱۲-۸:۱۱ | ۱۰-۸:۱۱ | ۱۰-۸:۱۱ |
| | امید آسمانی ۱۶-۱۳:۱۱ | ۱۶-۱۳:۱۱ | ۱۲-۱۱:۱۱ | ۱۲-۱۱:۱۱ |
| ۱۶-۱۳:۱۱ | ۱۶-۱۳:۱۱ | ۱۶-۱۳:۱۱ | ۱۶-۱۳:۱۱ | ۱۶-۱۳:۱۱ |
| | ایمان پطریارخ ۲۲-۱۷:۱۱ | ۲۲-۱۷:۱۱ | ۱۹-۱۷:۱۱ | ۱۹-۱۷:۱۱ |
| ۲۲-۱۷:۱۱ | ۲۲-۱۷:۱۱ | ۲۲-۱۷:۱۱ | ۲۰:۱۱ | ۲۲-۲۰:۱۱ |
| | | | ۲۱:۱۱ | |
| | ایمان موسی ۲۹-۲۳:۱۱ | ۲۸-۲۳:۱۱ | ۲۲:۱۱ | |
| ۳۱-۲۳:۱۱ | ۲۹-۲۳:۱۱ | ۲۸-۲۳:۱۱ | ۲۳:۱۱ | ۲۹-۲۳:۱۱ |
| | | | ۲۶-۲۴:۱۱ | |
| | | | ۲۸-۲۷:۱۱ | |
| | بوسیله ایمان آنان چیره شدند ۴۰-۳۰:۱۱ | ۳۱-۲۹:۱۱ | ۲۹:۱۱ | |
| | ۴۰-۳۰:۱۱ | | ۳۱-۳۰:۱۱ | ۳۱-۳۰:۱۱ |
| ۳۸-۳۲:۱۱ | | ۳۸-۳۲:۱۱ | ۳۵-۳۲:۱۱ | ۴۰-۳۲:۱۱ |
| | | | ۳۸-۳۵:۱۱ | |
| ۴۰-۳۹:۱۱ | | ۴۰-۳۹:۱۱ | ۴۰-۳۹:۱۱ | |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس ")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی

A. فصل ۱۱ شامل یک سری نمونه‌های عهد عتیقی از کسانی است که در شرایط دشوار به ایمان خود وفادار بودند (بر خلاف ۲ پطرس ۲ و داوران). همه اینها برای تشویق خوانندگان اصیل و ایمانداران در هر دوره زمانی بوده تا به ایمانشان تحت هر شرایطی که ممکن است با آن روبرو شوند، وفادار بمانند (عبرانیان ۱۰:۳۹-۳۲).

B. همینطور توجه داشته باشید که همه اینها به منظور شروع ایمان بعنوان یک حرفه نبوده، بلکه زندگی ایمانی تحت پیمان قدیم می‌باشد. زمانی که تا انتها همچنان وفادار باشیم نشان دهنده اینست که به درستی آغاز کردیم. ایمانداران با ایمان شروع می‌کنند، با ایمان ادامه داده و با ایمان نیز از دنیا می‌روند. نویسنده عبرانیان زندگی ایمانداران را بر اساس جمع‌بندی وفاداری آنها از ابتدا تا انتها می‌سنجد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱:۱۱-۷

^۱ایمان، ضامن چیزهایی است که بدان امید داریم و برهان آنچه هنوز نمی‌بینیم. ^۲به سبب ایمان بود که دربارهٔ پیشینیان به نیکویی شهادت داده شد.

^۳به ایمان درمی‌یابیم که کائنات به وسیلهٔ کلام خدا شکل گرفت. بدان‌گونه که آنچه دیده می‌شود از چیزهای دیدنی پدید نیامد.

^۴به ایمان بود که قائل قربانی‌ای نیکوتر از قربانی قائل به خدا تقدیم کرد، و به سبب همین ایمان دربارهٔ او شهادت داده شد که پارساست، زیرا خدا دربارهٔ هدایای او به نیکویی شهادت داد. به همین سبب، هرچند چشم از جهان فرو بسته، هنوز سخن می‌گوید.

^۵به ایمان بود که خنوخ از این جهان منتقل شد تا طعم مرگ را نچشد و دیگر یافت نشد، چون خدا او را برگرفت. زیرا پیش از برگرفته شدن، دربارهٔ او شهادت داده شد که خدا را خشنود ساخته است. و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می‌شود، باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می‌دهد.

^۶به ایمان بود که نوح هنگامی که از جانب خدا دربارهٔ اموری که تا آن زمان دیده نشده بود هشدار یافت، آن را با خداترسی به جد گرفت و برای نجات خانوادهٔ خویش کشتی ساخت. او به ایمان خود دنیا را محکوم کرد و وارث آن پارسایی شد که بر ایمان استوار است.

۱:۱۱ "ایمان" این لغت مفهوم الهیاتی ایمان نیست، بلکه تصویری از سرانجام عملی آن است. این واژه بیست و چهار بار در این فصل استفاده شده است. از آغاز عهد عتیق نظر اولیه "وفاداری" یا "اعتماد" بوده است. این نکته کاملاً متضاد ارتداد می‌باشد. واژه یونانی برای "ایمان" (*distis*) بوده که با سه لغت در زبان انگلیسی ترجمه گردیده است، "ایمان"، "باور" و "اعتقاد". ایمان پاسخی است از سوی انسان به وفاداری به خداوند و وعده‌هایش. بر خلاف خودمان، ما به قابل اعتماد بودن خداوند باور داریم. شخصیت خداوند کلید اصلی است.

NASB, NRSV "ضامن چیزهایی است که بدان امید بسته شده"

NKJV "جوهره چیزهایی که بدان امید بسته شده"

TEV "از چیزهایی که بدان‌ها امید بسته‌ایم مطمئن باشیم"

NJB "برکاتی که امیدشان را داریم تضمین شده"

واژه یونانی برای لغت "تضمین" (*hupostasis*) در اصل معنی "زیر چیزی قرار دادن" یا "زیر چیزی گذاردن" می‌دهد، لذا مفهومی معادل مبنا یا اساس چیزی را محکم کردن دارد. بنابراین، در دنیای باستان معانی گسترده‌ای را شامل می‌شد. بویژه کاربرد آن در نوشته‌های فلسفی یونانی بمنظور روشن کردن معنی چیزی بسیار رایج بوده است. این آن چیزی بود که واقعی و درست بود و نقطه مقابل آن چیزی بود که تشخیص داده نشده بود.

۱. در عبرانیان ۱:۳ اشاره به ذات دارد

۲. در عبرانیان ۱۴:۳ اشاره به واقعیت اعتراف ایمانداران دارد

۳. در عبرانیان ۱:۱۱ اشاره به وعده انجیل برای زندگی تا به امروز داشته، اما در آینده به پایان نمی‌رسد

این واژه در نسخه پاپیروسی مصری یافت شده که بمعنی "عنوان سند" است (NJB). در این حالت، شیوه استفاده پولس را از روح بعنوان یک "مشوق" بازتاب می‌دهد (۲ قرنطیان ۱:۲۲؛ ۵:۵؛ افسسیان ۴:۱).

واژه‌های یونانی استفاده شده در نسخه LXX نشان می‌دهند که این لغت اغلب *tōhelet* ترجمه شده (The Cambridge History of the Bible). که بمعنی "در حالتی از صبر و اطمینان منتظر چیزی بودن، حالتی از مصرا نه منتظر بودن" (امید). بخاطر داشته باشید که نویسندگان عهد جدید یهودیان متفکری بودند که به زبان یونانی کوبین مطالب خود را نوشته و از سنت‌های ترجمه Septuagint بهره می‌بردند.

برخی دیده‌اند که روشن‌ترین مفهوم این متن در نقل قول عهد عتیق در عبرانیان ۱۰:۳۸ منعکس شده است (عبرانیان ۲:۲-۴). فصل ۱۱ فهرستی از نمونه‌های ایماندارانی است که "عقب نشینی نکرده" و خود را "کوچک نکردند". این متن نقطه مقابل خوانندگان اولیه‌ای است که در خطر بودند.

■ "محکومیت"^۶ این لغت فقط در اینجا در عهد جدید ظاهر شده و اشاره به "اثبات بوسیله آزمایش" دارد. دو عبارت در عبرانیان ۱:۱۱ به موازات هم استفاده شده اند (هر دو وجه وصفی حال مجهول)؛ بنابراین، "ضمانت" و "محکومیت" هر دو با مفهوم یکدیگر عجین بوده و نتیجه حاصل از آنها وفاداری در زندگی مان خواهد بود.

■ "آنچه هنوز نمی بینیم" در ادامه مثال هایی از مردمانی آورده می شود که (۱) با امید به کارهای خدا در امروز و آینده و (۲) اطمینان به وعده های معنوی خداوند زندگی کرده اند (عبرانیان ۱۰:۲۳). آنان با جهان بینی خود، در تصمیمات روزمره، و نه در شرایط، مادیات یا خودمحوری هدایت شدند.

واقعیت فیزیکی تابع واقعیت معنوی نادیده است (عبرانیان ۳:۱۱). حقیقت فیزیکی بوسیله حواس پنجگانه شناخته شده، ابدی نبوده، اما گذرا هستند. درست است، واقعیت ابدی را کسی نمی تواند ببیند (عبرانیان ۱۱:۲۷) و؛ بنابراین، باید بوسیله ایمان حفظ گردد و نه قوه باصره. با اینحال، آنقدر برای ایمانداران واقعی و درست می نماید که تمام خواست ها و ارجمیت های زندگی آنها را تحت کنترل خود می گیرد.

۲:۱۱

NASB "پذیرش کسب کرد"

NKJV "شهادت خوبی دریافت کرد"

NRSV "پذیرفته شد"

TEV "تایید خداوند را بدست آورد"

NJB "شناسایی شدند"

این بخش مشابه کاربرد کلمه "ایمان" است که پولس در رومیان ۱۷:۱؛ غلاطیان ۳:۱۱ بکار برده است. زندگی ایمانی آنان را نجات داد، بلکه شواهد نشان می دهد که حضور روح خداوند در آنان باعث نجاتشان شد.

۳:۱۱

NASB, NKJV,

NRSV "جهان ها"

TEV, NIV "عالم هستی"

NJB "عصرها"

این یکی از دو واژه یونانی (*kosmos* عبرانیان ۶:۱ و *aiōn* در همینجا) بکار برده شده برای تعریف قلمرو فیزیکی حاضر می باشد. واژه "*aiōn*" اشاره به فصول و زمان های معنوی شامل قلمروهای فیزیکی و آسمانی دارد (عبرانیان ۲:۱؛ ۵:۶؛ رومیان ۲:۱۲؛ ۱ قرنیتیان ۱:۲۰؛ ۲:۲؛ ۸:۳؛ ۱۸:۳؛ ۲ قرنیتیان ۴:۴؛ افسسیان ۱:۲۱؛ ۱۲:۶). به موضوع خاص در عبرانیان ۲:۱ رجوع شود.

■ "کلام خدا" این واژه یونانی *logos* نبوده بلکه *rhēma* می باشد که برای سخن گفته شده استفاده می شود. بنابراین اشاره به خلقت بوسیله کلام گفته شده *fiat* دارد (پیدایش ۱:۳، ۶، ۹، ۱۴، ۲۰، ۲۴؛ مزمور ۳۳:۶، ۹). از عبرانیان ۲:۱ ما یاد گرفتیم که *logos* خداوند نماینده آفرینش پدر بود (یوحنا ۱:۱، ۱۰؛ ۱ قرنیتیان ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۶).

تایید شدن این ایمان، تبدیل می شود به جهان بینی که باعث می شود ایمانداران زندگی زمینی خود را ادامه دهند. چنین مسئله ای تحقیقات علمی را رد نمی کند، اما باعث می گردد که از جنبه ایمانی به آن ها نگریسته شود. ایمانداران اجازه می دهند تا علم ترتیب مکانیسم آفرینش را کشف کنند (مکاشفه طبیعی)، اما اثبات نهایی فقط از آن خداوند است (به کتاب *The Lost World of Genesis* نوشته John L. Walton رجوع شود) که در انجیل و عیسی مسیح، عیان شده است.

■ "آنچه دیده می شود از چیزهای دیدنی پدید نیامد" در وحله اول این آیه اثبات آفرینش *ex nihilo* نیست (شروع خلقت از هیچ)، بلکه مثالی است از واقعیت در برابر عدم آن در عبرانیان ۱:۱۱. ایمانداران هر آنچه را که ندیده و یا بر اساس مکاشفه خداوند تجربه نکرده اند را اظهار می کنند. بعنوان یک زندگی بر اساس ایمان و امید، این موضوع چندان باور الهیاتی نمی باشد.

۴:۱۱ "هابیل" فرزند دوم آدم و حوا بوده که توسط برادر خویش، قاتل کشته شد (پیدایش ۴:۳).

^۶ در ترجمه فارسی چنین لغتی وجود ندارد و مفسر بر اساس لغت استفاد شده در نسخه لاتین و انگلیسی متن خود را نوشته است.

- **"قربانی ای نیکوتر"** نوع قربانی که فائز و هابیل ارائه دادند سبب رجحان نگردید، بلکه نوع نگرش (ایمان) بود که تاثیر گذارد. این موضوع نباید بعنوان برتری یک قربانی خونی در ترجمه نهایی اعمال گردد.
- **"هرچند چشم از جهان فرو بسته، هنوز سخن می گوید"** این نکته در پیدایش ۱۰:۴ و عبرانیان ۲۴:۱۲ ثبت گردیده است. در متن، این موضوع اثبات ایمان است که با مرگ و پیروزی روبرو می گردد. خوانندگان از آزار موجود عقب می نشستند. آنان باید همچون هابیل، ایمان داشته باشند.
- **۵:۱۱ "خنوخ"** اولین مردی بود که پس از اخراج از بهشت، مرگ را تجربه نکرد (پیدایش ۵:۲۴). عهد عتیق به شرح جزئیات نمی پردازد اما تسریح می کند که وی با خداوند "قدم زد".
- **" او را برگرفت"** بمعنی "بردن به نقطه ای دیگر" است. این لغت به معنی "قیام پس از مرگ" نیست بلکه یک "حرکت انتقالی" است همچون ایلیا (۲ پادشاهان ۲:۱۱). در انجیل فرق آشکاری هست میان
 ۱. مردمانی که به زندگی باز گردانده شدند (بهوش آوردن)
 ۲. مردمانی که بدون مرگ فیزیکی به بهشت برده شدند (حرکت انتقال)
 ۳. عیسی در زمان بدست آوردن بدن آسمانی (قیام)
- **"خدا را خشنود ساخت"** این بخش، خط نسخه Septuagint را پیروی می کند، اما نسخه MT عبارت "با خداوند راه رفت" را ثبت کرده است.
- **۶:۱۱ "بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت"** این نکته کلید اثبات واحد ادبی است. فقط بحث شروع ایمان نیست، بلکه تداوم ایمان است که خداوند را خشنود می سازد. تمامی این مثال ها تا پایان زندگی باید باعث وفاداری شوند، مهم نیست که این پایان چگونه اتفاق می افتد. ایمان راهنی است برای بشر که وعده های خداوند را باور داشته باشد، دریافت کند و بپذیرد. رستگاری و شاگردی بدون ایمان غیر ممکن هستند. ایمان به کارهای خداوند در گذشته (آفرینش، مکاشفه)؛ ایمان به حضور خداوند در زمان حال (آزار، رنج و حتی مرگ)؛ ایمان به کارهای وعده داده شده خداوند برای آینده (رستگاری، بهشت).
برای مطالعه درباره "غیر ممکن" به تفسیر عبرانیان ۶:۶ مراجعه نمایید.
- **"باید ایمان داشته باشد"** واژه یونانی *pistis* با سه کلمه در زبان انگلیسی ترجمه شده است: "ایمان"، "باور" و "اعتماد". تمرکز بر روی حقایق شناخته شده به تنهایی نیست، بلکه به اعتماد شخصی به قابل اعتماد بودن خداوند و ایمان به وفاداری او است! مسئله تایید نیست، سبک زندگی است. عبارت "باید" ضمیر اشاره حال است که بمعنی "الزام آور است"، "ضروری است" می باشد. داشتن ایمان ضروری است!
- **"او جویندگان خود را پاداش می دهد"** اشاره دارد به شروع ایمان و تداوم آن.
- **۷:۱۱ "درباره اموری که تا آن زمان دیده نشده بود هشدار یافت"** بافت ایمان در همین بخش نهفته است. این قدیسان عهد عتیق بر اساس آنچه که از خداوند دریافت کرده بودند وارد عمل شدند. اعمال آنان ثابت کرد که ایمانشان تو خالی و لفظی نیست! آیا می توانید تصور کنید که نوح در زمان ساخت چنان کشتی بزرگی، بدور از آب و برای نگهداری از حیوانات، چه توهینی را متحمل گردید؟!
- **"کشتی"** این یک قایق کوچک با قابلیت مانور نبود، بلکه یک کشتی بود که باید روی آب شناور می شد. این واژه برای "صندوقچه" نیز استفاده شده بود، همچون صندوقچه پیمان.
- **"او به ایمان خود دنیا را محکوم کرد"** چگونه نوح دنیا را محکوم کرد؟ دو امکان وجود دارد: (۱) با کارهایش که از روی ایمان بود و (۲) با موعظه (۲ پطرس ۵:۲).
- **"وارث آن پارسایی شد"** در پیدایش ۶-۸ نوح اولین مردیست که "پارسیا" نامیده شده است (۲ پطرس ۵:۲). این مسئله به معنی بی گناهی نیست اما نوح در نوری که به ایمان و باوری که بخدا داشت، حرکت می کرد. همانطور که ایمان ابراهیم بعدها بحساب رستگاری او گذاشته شد (پیدایش ۱۵:۶)، نوح هم به همین وضع بود. برای مطالعه درباره رستگاری، به موضوع خاص در عبرانیان ۹:۱ رجوع نمایید.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۸:۱۱-۱۲

^۸ به ایمان بود که ابراهیم هنگامی که فرا خوانده شد، اطاعت کرد و حاضر شد به جایی رود که بعدها به میراث می یافت؛ و هر چند نمی دانست کجا می رود، روانه شد. ^۹ به ایمان بود که در سرزمین موعود، همچون بیگانه ای در دیار غریب خانه به دوش گردید و همانند اسحاق و یعقوب که با او وارث همان وعده بودند، در خیمه ها ساکن شد. ^{۱۰} زیرا چشم انتظار شهری بود با بنیاد، که معمار و سازنده اش خداست.

۱۱ به ایمان بود که ابراهیم توانایی یافت نسلی داشته باشد، با اینکه سارا نازا و خود او نیز سالخورده بود؛ چرا که وعده‌دهنده را امین شمرد.
 ۱۲ این گونه، از یک تن، آن هم از کسی که تقریباً مرده بود، نسلی کثیر همچون ستارگان آسمان، و بی‌شمار مانند شنهای کناره دریا، پدید آمد.

۸:۱۱ " ابراهیم ... اطاعت کرد" چنین عباراتی برای معرفی این زندگی این مردان همچون گوهر است. ادبیات باستانی عهد عتیق در ثبت جنبه‌های مثبت و منفی شخصیت‌هایش منحصر بفرد است. ابراهیم تلفیق عجیبی از ترس و ایمان بود

۱. ترس
 - a. خداوند به او گفت خانواده‌اش را ترک کند، وی پدرش و لوت را به‌همراه خود برد
 - b. خداوند وعده یک فرزند به او داد، او سعی کرد که بوسیله خدمتکارش، سارا صاحب فرزند شود و سپس سعی کرد برای نجات زندگی خود، سارا را به پادشاه مصری و فلسطینی بدهد
۲. ایمان
 - a. وی او را ترک کرد
 - b. وی واقعا باور داشت که خداوند به وی نواذگانی عطا خواهد کرد
 - c. وی مترصد بود تا به اصحاب پیشنهاد دهد (پیدایش ۲۲)

خداوند بدنبال "آبرقدیس" نیست، بلکه بدنبال انسان‌هایی است تا به دعوت او برای توبه، ایمان و زندگی برای وی تحت هر شرایطی پاسخ دهند.

۹:۱۱ "در سرزمین موعود، همچون بیگانه‌ای در دیار غریب خانه به دوش گردید" واژه‌ای که برای این آیه بکار رفته "سکنای موقت" است که این معنی را می‌رساند که او از حقوق یک شهروند برخوردار نبود (عبرانیان ۱۱:۱۳).

■ "شهری" این استعاره رایجی در کتاب مقدس می‌باشد (عبرانیان ۱۱:۱۶؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۳:۱۴؛ یوحنا ۱۴:۲؛ غلاطیان ۴:۲۶؛ مکاشفه ۳:۱۲؛ ۲:۲۱)، که اشاره به محل سکونت دوباره خداوند با بشر، همچون عدن می‌باشد.
 ابراهیم در زندگی خود با ایمان زندگی کرد، بدون اینکه به واقعیات زمان خود نگاه کند، اما وعده واقعیت را داد. ایمان می‌گوید "این دنیا خانه من نیست"، ایمان می‌گوید "وعده‌های خداوند مطمئن هستند"؛ ایمان می‌گوید "واقعیت آن چیزی نیست که در ظاهر می‌بینیم، بلکه چیزیست که خداوند می‌گوید!"

موضوع خاص: دو شهر در اشعیا - (Special Topic: Two Cities in Isaiah)

- A. اشعیا ۲۴-۲۷ یک واحد ادبی است که در نتیجه یک سری داورهای الهام شده علیه ملت‌های اطراف که در اشعیا ۱۳-۲۳ آمده، قرار دارد. داورهای آخرین کلام نیست! خداوند مهربان و بخشنده یک برنامه ویژه ابدی برای همه دارد (به موضوع خاص: برنامه ابدی خداوند رجوع نمایید)!
- B. کل این بخش بر اساس دو شهر به تصویر کشیده شده است.
 ۱. شهرها توسط دو فرزند بیرون رانده شده قائل بوجود آمده، که سعی داشتند تمام نیازهای خود را با توجه به منابعی که در اختیار داشتند برآورده نمایند (پیدایش ۴:۱۰-۱۱)
 ۲. شهر صهیون، جایی که خداوند زندگی می‌کرد (بر بالای بال‌های دو فرشته کروی بر روی صندوق پیمان در بخش داخلی پرستشگاه در اورشلیم) و در جایی که رهروان وفادار او (اعم از یهودی و غیر یهودی) به سوی او آمده و او را پرستش نمودند (اشعیا ۲:۲؛ ۴:۱۹؛ ۱۸:۲۵؛ عبرانیان ۱۱:۱۰؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۳:۱۴؛ مکاشفه ۲۱:۱-۲).
- C. شهرها معرف ملیت‌ها/گروه‌های مردمی بودند

شهرهای آدمیزاد

اشعیا ۱:۷، ۸ شهرهای سوخته یهودیه

اشعیا ۱:۲۱، شهری امین که فاحشه شد

اشعیا ۶:۱۱، شهرهای یهودیه ویران گشتند

اشعیا ۱۴:۱۷، ۲۱، تمامی شهرها ویران گشتند

اشعیا ۱۴:۳۱ شهرهای فلسطین

اشعیا ۱۷:۱-۳، ۹ شهرهای سوریه از بین رفتند

اشعیا ۱۹:۲ شهرهای مصر یکدیگر را نابود کردند

شهر خداوند

اشعیا ۱:۲۶، شهرهای رستگاری، شهری امین

اشعیا ۱۸:۱۹-۲۲، شهرهای مصریان خداوند را پرستش می‌کردند

اشعیا ۱۹:۲۳-۲۵، تمام مصریان و آشوریان از مردمان خدا بودند

اشعیا ۲۲:۲، ۹، شهر خوشحال، اورشلیم سقوط می کند

اشعیا ۲۳، صور تخریب شد

اشعیا ۲۴:۱-۵:۲۵، تخریب جهانی شهرها

اشعیا ۲۵:۱۰-۱۲، موآب و قصرش استحکام یافتند

اشعیا ۲۵:۶-۹، ضیافت در کوه‌های خداوند (اورشلیم تخریب شده)

اشعیا ۲۶:۱، شهری قوی، اورشلیم بازسازی شد

اشعیا ۲۶:۵، شهر غیرقابل تحمل (احتمالاً موآب)

اشعیا ۲۷:۱۰، سقوط شهرهای تخریب شده

اشعیا ۲۹:۱، "ارینیل" (اورشلیم)

اشعیا ۳۳:۲، ۱۹، شهر فرخنده (اورشلیم)

اشعیا ۴۵:۱۳، شهر من (اشعیا ۴۴:۲۳)

اشعیا ۴۸:۲، شهر مقدس، اما فقط در نام

اشعیا ۵۲:۱-۶، شهر مقدس

اشعیا ۶۰:۱۴، شهر ارباب

اشعیا ۶۲:۱۲، شهری که رها نشد

اشعیا ۶۶:۶، آواز غوغا از شهر، صدایی از معبد

۱۱:۱۱ "سارا" در برخی متون خطی یونانی (D, P⁴⁶) کلمه "نازا" اضافه شده است. شگفت‌انگیز است که هیچیک از همسران پطریارخ (بجز لیه) بدون کمک خداوند توانستند باردار شوند. همچنین هیچیک از فرزندان ارشد میراثدار عهد نشدند. خداوند نشان داد که کنترل امور در دستان اوست! سارا همچون ابراهیم تلفیقی از ترس و ایمان بود. وی خدمتکار خود را به ابراهیم داد؛ همچنین وعده‌های خداوند را نیز مورد مضحکه قرار داد (پیدایش ۱۲:۱۸).

۱۲:۱۱ "همچون ستارگان آسمان، و بی‌شمار مانند شنهای کناره دریا، پدید آمد" این بخشی از وعده‌های خداوند به ابراهیم، اسحاق و یعقوب بود (پیدایش ۱۵:۵؛ ۱۷:۲۲؛ ۱۲:۳۲). بیاد داشته باشید که همگی همسران آنان (بجز لیه) نازا بودند.

■ "سارا) وعده‌دهنده را امین شمرده" وی (سارا) مطابق وعده‌ای که خداوند داده بود کار می‌کرد، نه بر اساس واقعیات موجود. این عبارات شبیه عبرانیان ۲۳:۱۰ است (عبرانیان ۶:۱۷-۱۸). خوانندگان نیز باید همین‌گونه عمل کنند.

متن NASB (بروز شده): ۱۱:۱۳-۱۶

۱۳ اینان همه در ایمان درگذشتند، در حالی که وعده‌ها را هنوز نیافته بودند، بلکه فقط آنها را از دور دیده و خوشامد گفته بودند. ایشان تصدیق کردند که بر زمین، بیگانه و غریبند. ^۴ آنان که چنین سخن می‌گویند، آشکارا نشان می‌دهند که در جستجوی وطنی هستند. ^۵ اگر به سرزمینی می‌اندیشیدند که ترکش کرده بودند، فرصت بازگشت می‌داشتند. ^۶ اما مشتاق سرزمینی نیکوتر بودند، مشتاق وطنی آسمانی. از همین رو، خدا عار ندارد خدای ایشان خوانده شود، زیرا شهری برایشان مهیا کرده است.

۱۱:۱۳ "اینان همه در ایمان درگذشتند، در حالی که وعده‌ها را هنوز نیافته بودند" این قلب مقایسه مردمان ایماندار عهد عتیق در فصل ۱۱ با دریافت‌کنندگان یهودی باورمندی که در شرف "کوچک شدن" یا "عقب‌نشستن" بودند (عبرانیان ۱۰:۳۸؛ همچنین ۲ پطرس ۱:۲۰-۲۲).

■ "از دور دیده... خوشامد گفته... تصدیق کردند" توجه داشته باشید که این سه عبارت به موازات با یکدیگر هستند.

■ "ایشان ... بر زمین، بیگانه و غریبند" دقیقاً، شهروندان خارجی فاقد هرگونه حق شهروندی بودند (نسخه LXX پیدایش ۲۳:۴؛ مزمور ۱۲:۳۹؛ فیلیپیان ۳:۲۰؛ ۱ پطرس ۲:۱۱). بر خلاف واقعیات ابدی، واقعیات دنیوی صحت ندارند. این جهان خانه آنها نیست.

۱۱:۱۵ "اگر" جمله شرطی نوع دوم است که "متضاد یک واقعیت" نامیده می‌شود. آنان بیرون رفته و باز نگشتند!

۱۶:۱۱ واقعیت دست، واقعیت معنوی است، همانگونه که در داستان استعاره‌ای شهر آسمانی که سازنده آن خدا است، دیده شد (عبرانیان ۱۱: ۱۰). خداوند به اعتماد و ایمان ما پاسخ می‌دهد (عبرانیان ۲: ۱۱؛ ۱۱: ۲؛ ۳۹: ۱۳؛ ۱۴). "کشور" و "شهر" (عبرانیان ۱۱: ۱۰) بلحاظ الهیاتی در راستای مکان‌هایی قلمداد می‌شوند که خداوند برای فرزندان با ایمان خود آماده کرده است!

متن NASB (بروز شده): ۱۷:۱۱-۲۲

^{۱۷} به ایمان بود که ابراهیم هنگامی که آزموده شد، اسحاق را به عنوان قربانی تقدیم کرد؛ و او که وعده‌ها را پذیرفته بود حاضر شد پسر یگانه خود را قربانی کند،^{۱۸} همان را که درباره‌اش گفته شده بود: «نسل تو از اسحاق خوانده خواهد شد.»^{۱۹} ابراهیم چنین اندیشید که خدا قادر است حتی مردگان را زنده کند، و می‌توان گفت که به نوعی اسحاق را از مرگ بازیافت.
^{۲۰} به ایمان بود که اسحاق، یعقوب و عیسو را در خصوص امور آینده برکت داد.^{۲۱} به ایمان بود که یعقوب به هنگام مرگ، هر یک از پسران یوسف را برکت داد و در حالی که بر سر عصای خود تکیه زده بود، سجده کرد.^{۲۲} به ایمان بود که یوسف چون به پایان عمر خود نزدیک شد، از خروج بنی‌اسرائیل سخن گفت و درباره استخوانهای خود دستورهایی داد.

۱۷:۱۱ "ابراهیم آزموده شد" هنگامی که پیدایش ۲۲: ۱ را با متی ۱۳: ۶ و یعقوب ۱۳: ۱-۱۴ مقایسه می‌کنیم، می‌توانیم تناقضی ظاهری را مشاهده کنیم. با اینحال، دو کلمه برای "آزمودن" در زبان یونانی با دلالت‌های ضمنی متفاوت وجود دارد. یکی آزمایش در مقابل تخریب است (*peirazō*) و دیگری آزمایش به منظور استقامت و تایید نهایی (*dokimazō*). به موضوع خاص در عبرانیان ۱۸: ۲ رجوع نمایید.

خداوند برای فرزندان فرصت‌هایی را بمنظور نشان دادن رشد ایمانشان فراهم نموده است (پیدایش ۲۲: ۱؛ خروج ۱۵: ۲۵؛ ۱۶: ۴؛ ۲۰: ۲۰؛ تثنیه ۸: ۲، ۱۶؛ داوران ۲: ۲۲؛ ۲: ۳۲؛ ۳۱. آزمایش‌هایی که یا باعث بوجود آوردن پله‌های ترقی برای ما می‌شوند، و یا مانع پیشرفت.

■ "تنها پسرش را بعنوان قربانی تقدیم کرد" حد ایمان ابراهیم را می‌توان در پیشکش کردن پسری که وی خداوند وعده او را داده و وی سیزده سال در انتظارش بود، مشاهده کرد (یعقوب ۲: ۲۱).

استفاده از واژه "تنها پسرش" (*monogenēs*) در ارتباط با اسحاق نمی‌تواند به مفهوم واقعی کلمه معنی کرد زیرا ابراهیم فرزندان دیگری نیز داشت. لذا معنی اصلی آن را باید "فرزند وعده داده شده" یا "فرزند نور چشمی" قلمداد کرد. مفهوم یوحنا ۳: ۱۶ نیز همین است.

۱۸:۱۱ این آیه نقل قولی است از پیدایش ۲۱: ۱۲، که پیش از آزمون آمده است.

۱۹:۱۱ "مردگان را زنده کند" ابراهیم انتظار داشت که اسحاق با وی برگردد (پیدایش ۲۲: ۵). متن مشخص نمی‌کند که چطور این اتفاق افتاد. عبرانیان تسریح می‌کند که وی احتمالاً در انتظار بهوش آمدن بوده است.

■ "به نوعی" نویسنده از عهد عتیق بعنوان یک مثال و یا شاید هم پیشبینی واقعیت امروزی استفاده کرده است (عبرانیان ۹: ۰؛ ۱۰: ۱؛ ۱۱: ۱۹). در اینجا بنظر می‌رسد که نوع می‌تواند بعنوان تقدیم کردن پسر وعده داده شده ابراهیم باشد، در اینصورت، آیا خداوند پسر خود را بعنوان نشان دادن عشق، رحمت و شفقت خود پیشکش نکرد!

۲۰:۱۱ دعای خیر پسر توسط اسحاق را در پیدایش ۲۷: ۲۷ می‌توان دید، در حالیکه اولین دعای خیر یعقوب در پیدایش ۴۸: ۱۴ برای فرزندان یوسف بود و بعدها دومین دعای خیرش در پیدایش ۴۹ برای دیگر فرزندان. دعایی که خوانده شود دیگر قابل فسخ نمی‌باشد. این نمونه‌ای است برای نشان دادن چگونگی برخورد نویسنده تاریخ عهد عتیق در یک چارچوب انتخابی (همچون تواریخ). در اینجا او فقط جنبه‌های مثبت را متذکر می‌شود.

۲۱:۱۱ "که بر سر عصای خود تکیه زده بود" این نقل قولی است پیدایش ۴۷: ۳۱ نسخه Septuagint. در متن عبری ماسروتی جمله "در بالای تخت خم گردیده بود" را نوشته است. کلمات عبری برای "تخت" و "عصا" معنای مشابه دارند، (*math*)، فقط سرکش‌های لغات متفاوت هستند. از متن عبری، یعقوب به نوعی برآورده شدن آرزوی یوسف را پذیرفت (پیدایش ۳۷: ۵-۱۱)، در نتیجه به رسمیت شناختن اختیارات مدنی یوسف از طریق نبوت و یا اذعان به یوسف به عنوان "پیام‌رسان" مردم، آنگونه که موسی و یوشع و مسیح موعود بودند.

۲۲:۱۱ "درباره استخوانهای خود دستورهایی داد" این استخوان‌ها باید به بیرون از مصر انتقال داده شده و در سرزمین موعود پس از خروج دفن می‌شدند (پیدایش ۵۰: ۲۴-۲۵؛ خروج ۱۳: ۱۹؛ یوشع ۲۴: ۳۲).

متن NASB (بروز شده): ۲۳:۱۱-۲۹

^{۲۳} به ایمان بود که والدین موسی او را پس از تولد به مدت سه ماه پنهان کردند، زیرا دیدند کودکی است بی‌نظیر؛ و از حکم پادشاه نهراسیدند.

^{۲۴} به ایمان بود که موسی هنگامی که بزرگ شد، نخواست پسر دختر فرعون خوانده شود. ^{۲۵} او آزار دیدن با قوم خدا را بر لذت زودگذر گناه ترجیح داد. ^{۲۶} و رسوایی به خاطر مسیح را بارزتر از گنجهای مصر شمرد، زیرا از پیش به پاداش چشم دوخته بود. ^{۲۷} به ایمان بود که او بی آنکه از خشم پادشاه بهراسد مصر را ترک گفت، زیرا آن نادیدنی را همواره در برابر چشمان خود داشت. ^{۲۸} به ایمان بود که او بسخ و پاشیدن خون را به جا آورد تا هلاک کننده نخست زادگان، بر نخست زادگان اسرائیل دست دراز نکند. ^{۲۹} به ایمان بود که قوم از میان دریای سرخ همچون زمینی خشک گذشتند؛ اما چون مصریان کوشیدند همان کار را انجام دهند، غرق شدند.

۲۳:۱۱ "والدین موسی" نسخه Septuagint واژه "والدین" را نوشته در حالیکه نسخه عبری ماسروتی فقط از کلمه "مادر" استفاده کرده است.

■ "زیرا دیدند کودکی است بی نظیر است" (در نسخه اصل، کودکی زیبا نوشته است) / سنت یهودی می گوید که موسی به لحاظ فیزیکی کودکی زیبا بود. کدام پدر و مادری فکر می کنند که کودکشان زشت است؟ اما این نکته الهیات نیست. این کودک خاص و فرستاده خدا بود.

■ "از حکم پادشاه نهرا سیدند" نویسنده این عبارات را با نگاه خاصی برای خوانندگان متذکر می شود (عبرانیان ۱۱: ۲۷).

۲۴:۱۱ "پسر دختر فرعون" این عنوانی رسمی و نشان از قدرت در مصر بود.

۲۵:۱۱-۲۶ در اینجا نویسنده دوباره با وسوسه خوانندگانش ارتباط برقرار می کند. آنان باید با چشمان باز به آینده نگاه کرده و بجای تکیه بر شرایط امروزی، به وعده های خداوند برای آینده اطمینان داشته باشند. وفاداری به عیسی از اهم واجبات است!

۲۷:۱۱ "مصر را ترک گفت" بنظر می رسد متن اشاره به زمانی داشته باشد که موسی مصر را به مقصد مدین ترک گفت نه به کنعان در زمان مهاجرت (خروج ۱۴-۱۵). نویسنده دوباره چیزی را به تصویر کشیده که بیشتر مقصود موسی را نشان می دهد.

■ "آن نادیدنی را همواره در برابر چشمان خود داشت" اسرائیلیان بر این باور بودند که دیدن یهوه بدلیل تقدس آن، منجر به مرگ می شود (پیدایش ۱۶: ۱۳؛ ۳۲: ۳۰؛ خروج ۳: ۶؛ ۳۳: ۱۷-۲۳؛ داوران ۶: ۲۲-۲۳؛ پادشاهان ۱۹: ۱۱-۱۳؛ اعمال رسولان ۷: ۳۲).

■ "نخست زاده" (فرزند ارشد)، به موضوع خاص در عبرانیان ۱: ۶ رجوع نماید.

■ "هلاک کننده" اشاره به فرشته مرگ دارد (LXX، خروج ۱۲: ۲۳؛ ۲ ساموئیل ۲۴: ۱۶-۱۷).

۲۹:۱۱ این آیه یک خلاصه از آنچه که در خروج ۱۴: ۲۱ گذشته می باشد.

متن NASB (بروز شده): ۳۱-۳۰: ۱۱

^{۳۰} به ایمان بود که دیوارهای آریحا پس از اینکه قوم هفت روز دور آن گشتند، فرو ریخت.

^{۳۱} به ایمان بود که راحاب فاحشه همراه با نامطیعان کشته نشد، زیرا جاسوسان را به سلامت پذیرا گردید.

۳۰: ۱۱ "اریحا فرو ریخت" (یوشع ۶: ۲۰؛ ۲ قرن تیان ۱۰: ۴)

۳۱: ۱۱ "راحاب فاحشه" کنعانی ایمان آورد (یعقوب ۲: ۲۵). غیر ممکن است که او کسی باشد که در در متی ۵: ۱ در خط مسیح نامش آورده شده است.

متن NASB (بروز شده): ۳۸-۳۲: ۱۱

^{۳۲} دیگر چه گویم؟ زیرا فرصت نیست درباره جدعون و باراق و شمشون و یفتاح و داوود و سموئیل و پیامبران سخن گویم، ^{۳۳} که به ایمان، ممالک را فتح کردند، عدالت را برقرار نمودند، و وعده ها را به چنگ آوردند؛ دهان شیران را بستند، ^{۳۴} شعله های سوزان آتش را بی اثر کردند و از دم شمشیر رهایی یافتند؛ ضعفشان به قوت بدل شد، در جنگ توانمند شدند و لشکریان بیگانه را تارومار کردند. ^{۳۵} زنان، مردگان خود را قیام کرده باز یافتند. اما گروهی دیگر شکنجه شدند و رهایی را نپذیرفتند، تا به رستاخیزی نیکوتر دست یابند. ^{۳۶} بعضی استهزا شدند و تازیانه خوردند، و حتی به زنجیر کشیده شده، به زندان افکنده شدند. ^{۳۷} سنگسار گشتند، با ازه دو پاره شدند و با شمشیر به قتل رسیدند. در جامه هایی محقر از پوست گوسفند و بز در هر جا گذر کرده، تنگ دست، ستم دیده و مورد آزار بودند. ^{۳۸} اینان که جهان لایقشان نبود، در بیابانها و کوهها، و غارها و شکافهای زمین، آواره بودند.

۳۲: ۱۱ "جدعون" (داوران ۶-۸)

■ "باراق" (داوران ۴-۵)

■ "یفتاح" (داوران ۱۱-۱۲)

■ "داوود" (ساموئیل ۱:۱۶)

■ "سموئیل" (ساموئیل ۱:۲۰)

۳۳:۱۱ "عدالت" به موضوع خاص در عبرانیان ۱:۹ رجوع شود

■ "دهان شیران را بستند" این می تواند اشاره به شمشون، داوود و دانیال یا یک رویداد ناشناخته داشته باشد.

۳۴:۱۱ "شعله های سوزان آتش را بی اثر کردند" نجات از آتش می تواند اشاره به دانیال ۳ یا برخی رویدادهای تاریخی ناشناخته دیگر داشته باشد. این احتمال نیز می رود که این نجات در ۱۳ قرن در ۳:۱۳ ذکر شده باشد. نسخه های دستنویس یونانی P^{46} , α , B , A , عبارت "که باید خودستایی کنم" (*kauchēsōmai*) یا نسخه های L , C , D , F , G , K عبارت "که باید سوزانده شوم" (*kauthēsomai*) را نوشته اند. اولین عبارت (۱) دارای دستنویس بهتر و (۲) واژگان استفاده شده اغلب توسط پولس بکار برده می شد.

■ "ضعفشان به قوت بدل شد" (۲ قرن ۱۲:۹).

۳۵:۱۱ "زنان، مردگان خود را قیام کرده باز یافتند" به لحاظ الهیاتی این قیام از مردگان نیست، بلکه بیداری پس از بیهوشی است (۱ پادشاهان ۱۷:۱۷-۲۳:۲ پادشاهان ۴:۳۱-۳۷). قیام از مردگان که منتج به یک بدن ابدی گردید، فقط شامل حال مسیح بوده است.

NASB, NKJV

NRSV "قیامی بهتر"

TEV, NJB "زندگی ای بهتر"

مرجع، مایه مباحثات و پیروزی مرگ یک شهید است. در راز برنامه و اراده خداوند برای این سیاره دور شده از بهشت، بر خلاف سایرین، برخی انسان ها به لحاظ فیزیکی باز گردانده شده اند ("زنانی که مردگان خود را قیام کرده باز یافتند"). اولین قیام بسیار خوب و شگفت انگیز بود ولی دومی حتی قدرتمندترین شهادت ایمان محسوب می گردد، ایمان تا انتها.

این موضوع می تواند مرتبط با پادشاهان معنوی باشد، اما اگر چنین باشد کلید آن مرکزیت ایمان است نه شرایط منتهی به مرگ یک شخص. ایمانداران برای زندگی با ایمان فرا خوانده شده اند (زندگی در راه یهوه و مسیح). پیروزی از آن وفاداری آنها است. یهوه به وعده هایی که داده وفادار است؛ عیسی به کارهایی که انجام می دهد متعهد است؛ ایمانداران باید در راهی که قدم گذارده اند وفادار باشند. برای مطالعه بیشتر درباره "بهتر"، به یادداشت عبرانیان ۷:۷ مراجعه نمایید.

۳۶:۱۱ "استهزا شدند و تازیانه خوردند" این بخش احتمالاً مربوط به دوره مکابیان می گردد (۱ مکابیان ۱:۶۲-۶۴:۷؛ ۲ مکابیان ۶:۱۸-۲۰:۷؛ ۱:۴۲).

۳۷:۱۱ "سنگسار گشتند" روایت است که ارمیا در مصر توسط یهودیان سنگسار شد. مستندات در ۲ قرن ۲۴:۲۰-۲۱ و لوقا ۱۱:۵۱ نشان می دهند که یک کاهن (که از نویسندگان عهد عتیق نبود) نیز بنام زکریا سنگسار گردیده بود.

■ "با اژه دو پاره شدند" روایت است (عروج اشعیا ۵:۱-۱۴) که اشعیا در داخل یک درخت تو خالی قرار داده شده و به دستور منسی به دو شق اژه گردید.

■ "اغوا شدند" (این کلمه در نسخه فارسی نوشته نشده است) بنظر می رسد که در میان اظهارات فراوانی که با ذکر جزئیات مکتوب گردیده، این اظهار نظر درباره آزار و شکنجه خیلی کلی گفته شده باشد. نسخه خطی پاپیروسی باستانی P^{46} این قسمت را حذف کرده است. مفسرین متنی گمان می کنند که از آنجایی که اتصال آن به جمله "با اژه دو پاره شدند" (*epristhēsan*) خیلی شبیه به جمله "آنها اغوا شده بودند" (*epeirasthēan*) می باشد، احتمالاً اضافه ای است که در ابتدای سنت های متنی منظور گردیده است. ناپایداری های زیادی در نسخه خطی یونانی وجود دارد (ترتیب واژگان، نوع حس هر واژه). نسخه چهارم متن یونانی مؤسسه The United Bible Societies این جمله را حذف کرده است.

■ "با شمشیر به قتل رسیدند" (۱ پادشاهان ۱۹:۱۰، ۱۴:۱۰؛ ارمیا ۲۰:۳۰؛ ۲۳:۲۶)

۳۸:۱۱ این آیه آزار تاریخی وحشتناک پیروان خداوند را تعریف می کند. خوانندگان امروزی چرا باید از ادبیت هایی که امروزه مشاهده می کنند متعجب باشند؟

۳۹ اینان همه به سبب ایمانشان به نیکویی یاد شدند. با این حال، هیچ یک آنچه را که بدیشان وعده داده شده بود، نیافتند. ۴۰ زیرا خدا از پیش چیزی بهتر برای ما در نظر داشت تا ایشان بدون ما به کمال نرسند.

۳۹:۱۱ "به نیکویی یاد شدند" این بخش از آیه بر می‌گردد به عبرانیان ۲:۱۱. زندگی با ایمان حتی در شرایط وحشتناک، خداوند را رحم کن.

۴۰:۱۱ "خداوند قول داد تا ایمانداران از تمام گروه‌های سنی، از هر نژاد، از هر موقعیتی جغرافیایی و یا سطح تحصیلی را با یکدیگر محشور دارد (غلاطیان ۲۸:۳؛ کولسیان ۱۱:۳). تمام این مردمان عهد عتیق چشم انتظار راه جدید خداوند بودند. این راه توسط عیسی در بیت‌الهم روشن گردید و در راه عیسی با به انتها خواهد رسید! قیام وی از مردگان امیدی است که تمام ایمانداران، از عهد عتیق تا جدید، با ایمان چشم به راه آن هستند (۱ یوحنا ۳:۲).

■ "بهتر" به تفسیر عبرانیان ۷:۷ مراجعه نمایید.

■ "کمال" به تفسیر عبرانیان ۱:۱۰ مراجعه نمایید.

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. لغات عبری و یونانی برای ایمان را تعریف نمایید

۲. دو کلمه *ex nihilo* و *fiat* به چه معنی هستند؟

۳. آیا خداوند ایمانداران را مورد آزمایش قرار می‌دهد (عبرانیان ۱۷:۱۱ در مقابل یعقوب ۱:۱۳-۱۴)؟

۴. آیا مورد آزار و اذیت قرار گرفتن، مایه مباهات است؟ آیا همه مسیحیان مورد اذیت قرار گرفته‌اند؟

۵. نویسنده عبرانیان به چه دلیل این فراخوان برای ایمان را به نوشته تحریر درآورد؟

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|-------------------------------------|-------------------------------|---------------------------|-------------------------|-------------------------------------|
| نظم و ترتیب خداوند ۳-۱:۱۲ | نسل ایمان ۲-۱:۱۲ | پندها و هشدارها ۲-۱:۱۲ | پدر ما خداوند ۲-۱:۱۲ | مثال‌های عیسی مسیح ۴-۱:۱۲ |
| | نظم و ترتیب خداوند ۱۱-۳:۱۲ | | ۱۱-۳:۱۲ | |
| ۱۱-۴:۱۲ | | | | دستورالعمل پدرانه خداوند ۱۳-۵:۱۲ |
| ۱۳-۱۲:۱۲ | ۱۷-۱۲:۱۲ | ۱۳-۱۲:۱۲ | ۱۳-۱۲:۱۲ | |
| هشدار علیه انکار خداوند ۱۷-۱۴:۱۲ | | ۱۷-۱۴:۱۲ | ۱۷-۱۴:۱۲ | بی‌وفایی تنبیه می‌شود ۱۷-۱۴:۱۲ |
| | گروهی عظیم | | | دو پیمان ۱۹-۱۸:۱۲ |
| ۲۴-۱۸:۱۲ | ۲۴-۱۸:۱۲ | ۲۴-۱۸:۱۲ | ۲۱-۱۸:۱۲ | |
| | ندای آسمانی را بشنوید | | ۲۴-۲۲:۱۲ | |
| ۲۹-۲۵:۱۲ | ۲۹-۲۵:۱۲ | ۲۹-۲۵:۱۲ | ۲۷-۲۵:۱۲ | |
| | | | ۲۹-۲۸:۱۲ | |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس ")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۲-۱:۱۲

۱ پس چون چنین ابری عظیم از شاهدان را گرداگرد خود داریم، بیایید هر بار اضافی و هر گناه را که آسان به دست و پای ما می‌پیچد، از خود دور کنیم و با استقامت در مسابقه‌ای که برای ما مقرر شده است، بدویم. ۲ و چشمان خود را بر قهرمان و مظهر کامل ایمان یعنی عیسی بدوزیم که به خاطر آن خوشی که پیش رو داشت، صلیب را تحمل کرد و ننگ آن را ناچیز شمرد و اکنون بر جانب راست تخت خدا نشسته است.

۱:۱۲ "پس" آیه ۱ سه ترکیب غیر معمولی است (*toigaroun*) فقط در اینجا و ۱ تسالونیکیان ۴:۸ یافت می شود. بر اساس مثال های قبل درباره بی وفایی، بنا است که خوانندگان دارای یک زندگی الهی بوده که به دیگران یاری رسانده و مشوق آنان باشند.

■ "ابر" در ادبیات یونان از "ابر" بیشتری برای اشاره به گروهی از مردم، بصورت استعاره استفاده می شود (تاریخ هرودوت جلد ۸ صفحه ۱۰۹).

■ "شاهدان" این واژه می تواند دارای معانی زیر باشد

۱. شاهدهی حقوقی در دادگاه

۲. کسی که دیده ها، شنیده ها، دانش یا تجربیات خود را با دیگران به اشتراک می گذارد

۳. کسی که بخاطر ایمانش به مسیح کشته شده باشد (به شهادت رسیده باشد)

۴. بیانی به صورت استعاره از مثال هایی درباره ایمان در عبرانیان ۱۱

بخاطر متن عبرانیان ۱۱، بنظر می رسد که بهترین را برای مشاهده این آیه، اینست که تصور کنیم کسی قصد این را ندارد که به ما تلقین کند که ما را کسی در خفا نگاه می کند، بلکه این ما هستیم که به زندگی پر از صمیمیت و وفای آنان بعنوان نمونه ای برای دنبال کردن، نگاه می کنیم (NASB Study Bible ص. ۱۷۹۸). تصور می کنم این آیه اغلب باشتباه با این دیدگاه که عزیزان ایماندار مرده ما از بهشت به زندگی ما در زمین نگاه می کنند، استفاده شده است. مطمئناً ایمانداران یکدیگر را می شناسند و در همزیستی در روز قیامت با یکدیگر محشور می شوند، اما انجیل درباره محشور شدن در زمان مرگ یا قادر بودن آنها به مشاهده عزیزانشان بر روی زمین، سکوت اختیار کرده است.

کتاب *The Handbook on The Letters to the Hebrews* نوشته Ellingworth and Nida از موسسه United Bible Society ترجمه ای دیگری دارد، "فکر اینست که قهرمانان عهد عتیق مشغول تماشای نویسندگان عبرانیان و خواندگانش هستند که مسابقه خود را در زندگی مسیحیت ادامه می دهند، با عنایت به این موضوع که رستگاری خود آنان با همان مسیحیان گره خورده است (عبرانیان ۱۱:۴۰)" (صفحه ۲۸۷).

■ "بیابید" این لغت بشکل وجه شرطی ترجمه شده، اما فعل اولیه آن صفت مفعولی حال معلوم بوده است. وجه شرطی تا جایکه عبارت "بیابید بدویم" شروع می شود، ظاهر نمی گردد.

توجه داشته باشید که ایمانداران باید در نور شاهدان وفادار عهد عتیق کارهای زیر را انجام دهند:

۱. هر قید و بندی را کنار گذارند، عبرانیان ۱:۱۲

۲. هرگونه گناهی که باعث به زنجیر کشیده شدن ما می گردد را از خود دور کنند، عبرانیان ۱:۱۲

۳. با صبر و طاقت در این مسابقه شرکت کنند، عبرانیان ۱:۱۲

۴. نگاه خود را به عیسی مسیح معطوف دارند، عبرانیان ۲:۱۲

■ "دور کنیم" وجه شرطی میانه در دستور زبان آئوریستی می باشد بمعنی "کنار گذاشتن یک لباس" (اعمال رسولان ۷:۵۸). این حالت دستور زبانی از یک تصمیم شخصی (صدای میانی)، قطعی (زمان فعل آئوریستی) صحبت می کند. با اینحال، پولس از این واژه در حالات اخلاقی استفاده می کرد (رومیان ۱۳:۱۲؛ افسسیان ۴:۲۲، ۲۵؛ کولسیان ۳:۸-۹ و "پوشیدن" در افسسیان ۲:۲۴؛ کولسیان ۳:۱۰، ۱۲، ۱۴). مسیحیان باید در امر رستگاری رایگانی که نصیبشان شده بصورت فعال دخیل باشند (فیلیپیان ۲:۱۲-۱۳). مسابقه ای برای دوییدن در پیش رو است، برای این منظور شاهدهی نیاز است، نبردی در پیش رو داریم (فیلیپیان ۳:۱۲-۱۴).

NASB "هر بار اضافی"

NKJV, NRSV "هر چیز سنگینی"

TEV "هر چیزی که بر سر راه آید"

NJB "هر باری که بر دشمنان سنگینی کنند"

این واژه در یک شکل ادبی یعنی "چاق" یا "سنگین". آنانی که در مسابقات ورزشی یونان شرکت داشتند، تقریباً برهنه شرکت می کردند. برای موارد زیر استفاده می شد:

۱. چربی بدن

۲. وزنه های تمرین های ورزشی

۳. بصورت استعاره در ادبیات یونان بعنوان غرور

۴. بصورت فلسفی برای اصطلاح، مراقب باشید که "خوب بودن"، دشمن "بهترین بودن" است

■ **گناه** در اینجا یا (۱) اشاره به طبیعت گناه دارد، یا (۲) بستوه آمدن از گناه، یا (۳) ناباوری و یا (۴) همین کلمه منحصر بفرد ممکن است باعث بوجود آمدن عبارت "کوچک شدن" یا "عقب نشستن" که قبلاً پیرامون آن صحبت کرده بودیم، شده باشد (عبرانیان ۱۰:۳۸). این نامه/کتاب/خطابه یهودیان ایماندار و بی ایمان را مورد خطاب قرار داده است.

NASB "آسان به دست و پای ما می پیچد"
NKJV "براحتی ما را به دام می اندازد"
NRSV, NJB "که به ما می چسبید"
TEV "که محکم به ما آویزان می شود"

در نسخه دستنویس پایپروس باستانی P⁴⁶ عبارت "آسان پریشانمان می کند" نوشته شده است. این مرجع برای کمک کردن به ایماندارانی است که می خواهند در مسابقه زندگی سعود کنند. بخاطر هر ناهمگونی در مشوق ها یا حتی با وجود همه چیزهای خوب، و یا هر چیزی که باعث گردد برکات خداوند مورد غفلت قرار گیرند، گناه ممکن است دوباره عود کند.

■ **"بدویم"** وجه شرطی معلوم، که از تداوم عملی می گوید اما با توجه به احتمال وقوع رخدادی در آینده. این کلمه تاکیدات کلی چهار هشدار که به یهودیان ایماندار داده شده بود را در بر می گیرد. یهودیانی که در حال عقب نشینی از مسیح و کلام انجیل بودند.

■ **"تحمل کرد"** این فصل بازی عالمان یهود بر روی کلمه "تحمل کردن" می تواند باشد (اسم، عبرانیان ۱۰:۳۲، ۳۶)، که بمعنی "داوطلب، پرخاشگر (فعال)، صبور (مجهول) و پایداری و تحمل می باشد. فعل در عبرانیان ۱۲:۲، ۳ و ۷ و اسم آن در عبرانیان ۱۰:۱۲ استفاده شده است. این موضوع کتاب و بویژه همین فصول آخر می باشد، تحمل بفرمایید.

■ **"مسابقه"** کلمه یونانی *agōna* یک واژه ورزشی بوده که ما واژه انگلیسی "agoný" (بمعنی درد، رنج، جان کندن) را از آن گرفته ایم. این لغت اغلب بعنوان یکی از دوره های مسابقه استفاده می شده است.

■ **"برای ما مقرر شده است"** اسم مصدر حال مجهول است. زندگی مسیحیان اغلب بصورت یک مسابقه ورزشی شخصیت پردازی شده است (۱ قرن تیان ۹:۲۵؛ فیلیپیان ۱:۳۰؛ ۲ تیموتائوس ۲:۵؛ مسابقه ۱ قرن تیان ۹:۲۴، ۲۶؛ غلاطیان ۲:۲؛ ۷:۵؛ فیلیپیان ۲:۱۶؛ بوکس ۱ قرن تیان ۹:۲۶؛ ۱ تیموتائوس ۱:۱۸؛ ۶:۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۴:۷؛ کشتی افسسیان ۶:۱۲).

۲:۱۲ **"چشمان خود را بر ... عیسی بدوزیم"** این وجه مفعولی بمعنی "با قصد و دقت به چیزی نگاه کردن" است. توجه داشته باشید که ما "او" را نگاه می کنیم، نه جمعیت را، نه وضعیت موجود را، نه خودمان را. این کلام می تواند تمثیلی باشد برای تمرکز پایدار بر روی پیمان جدید (انجیل).

NASB "خالق و تکمیل کننده ایمان"
NKJV "خالق و پایان دهنده ایمان ما"
NRSV "پیشگام و کامل کننده ایمان ما"
TEV "کسی که ایمان ما از ابتدا تا انتها به او وابسته است"
NJB "کسی که ما را در راه ایمانمان هدایت کرده و به آن تکامل می بخشد"

اولین واژه (*archēgos*) در عبرانیان ۲:۱۰ درباره عیسی بعنوان مؤلف رستگاری؛ در اعمال رسولان ۳:۱۵ از عیسی بعنوان شاهزاده (خالق) زندگی و در همان کتاب آیه ۵:۳۱ از وی با عنوان شاهزاده (رهبر) و منجی نام برده شده است. به موضوع خاص در عبرانیان ۲:۱۰ رجوع نمایید.

دومین واژه، کلمه (*teleiōtēs*) یعنی "کسی که چیزی را تکمیل می کند". اشاره به عیسی بعنوان تکمیل کننده وظیفه رستگاری که توسط خداوند به وی داده شده می باشد. به نوعی شبیه مفهوم آلفا و امگا (مکاشفه ۱:۸)، اولین و آخرین (مکاشفه ۱:۱۷؛ ۲:۸) است. این مؤلف از مفهوم "تکمیل کردن" بارها در کتاب استفاده کرده است (عبرانیان ۲:۱۰؛ ۵:۹؛ ۶:۱؛ ۷:۱۱، ۱۹، ۲۸؛ ۹:۹؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۱:۱۴؛ ۱۱:۴۰ و در همین آیه). به موضوع خاص در عبرانیان ۷:۱۱ رجوع نمایید.

■ **"ایمان"** کلمه *Pistis* می تواند به موارد زیر اشاره داشته باشد:

۱. یک رابطه ایمانی شخصی با عیسی
۲. یک زندگی پاینده همچون مسیح
۳. دکترین مسیحیت (یهودا ۱:۳، ۲۰)

مسیحیت، شخصی است که باید مورد خوش آمدگویی قرار بگیرد، حقیقتی است که هر فرد باید آن را باور کند (انجیل)، و یک زندگی است همچون آن شخص خاص که مطابق آن باید زندگی کرد (همچون مسیح).

■ **"پیش رو داشت"** این کلمه در عبرانیان ۱۲:۱ و در اشاره به مبارزه (مسابقه) زندگی مسیحی دیده می‌شود. اکنون دوباره این واژه در ارتباط مبارزه مسیح برای فدا کردن زندگی‌اش بخاطر ما، تکرار شده است. این روشی بود که خالق، ایمانداران یهودی را تشویق به استقامت می‌کرد. عیسی سهم خود را انجام داد، اکنون آنان باید به وظیفه خود عمل کنند. هنگامی که او به پایان رسانید، شادی عظیمی بوجود آمد، همین اتفاق خواهد افتاد، چنانچه آنان به وظیفه خود انجام دهند.

■ **"تنگ آن را ناچیز شمرد"** صلیب شاهد عینی عشق پدر و پسر است (یوحنا ۳:۱۶ و رومیان ۵:۸). لغت یونانی آن بسیار قوی است. عیسی به نتیجه شکوهمند بی‌حرمتی که به وی روا می‌شد، می‌نگریست (اشعیا ۵۳:۱۰-۱۲). صلیب مسئله ساده‌ای نبود، رستگاری نیز ارزان بدست نیامد!

■ **"بر تخت خدا نشست"** ضمیر اشاره کامل است که تأکید بر عملی به انجام رسیده با تحمل نتایج آن دارد. این بخش ادامه اشاره به مزمور ۱۱۰:۱ است (۱:۳، ۱۳:۸؛ ۱۰:۱۲).

■ **"دست راست"** این عبارت کنایه بوده و واقعی نیست. کنایه‌ای است به "محلی قدرتمند"، "دارای اختیارات فراوان" و یا "مقام برجسته و والا" (اعمال رسولان ۲:۳۳-۳۶).

■ **"تخت خدا"** انسان رانده شده از بهشت فقط می‌تواند تصور جلال و اقتدار سلطان معنوی را نماید. مثل اینست که چنین تصویری از این دنیا داشته باشیم (خیابان‌های ساخته شده از طلا، دروازه‌های ساخته شده از مروارید، یا دریایی از شیشه). خداوند دارای موجودیتی معنوی، آسمانی، ابدی، حاضر در همه جا و بمراتب عظیم‌تر از دارا بودن هرگونه تخت سلطنتی است (۱ پادشاهان ۸:۲۷). به موضوع خاص موضوع خاص: توصیف خدا با زبان انسانی توجه فرمایید.

متن NASB (بروز شده): ۱۲:۳-۱۱

^۳ به او بیندیشید که چنان مخالفتی را از سوی گناهکاران تحمل کرد، تا خسته و دل‌سرد نشوید.

^۴ هنوز در نبرد خود با گناه تا پای جان ایستادگی نکرده‌اید^۵ و آن سخن تشویق‌آمیز را از یاد برده‌اید که شما را پسران خطاب کرده، می‌گوید:

«ای پسر، تأدیب خداوند را خوار مشمار،

و چون توبیخت کند، دل‌سرد مشو.

زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند،

و هر فرزند خود را که می‌پذیرد، تنبیه می‌نماید.»

^۷ سختیها را به منزله تأدیب تحمل کنید؛ خدا با شما همچون پسران رفتار می‌کند. زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟^۸ اگر شما تأدیب نشده‌اید، در حالی که همه از آن سهمی داشته‌اند، پس حرامزاده‌اید، نه فرزندان حقیقی.^۹ به علاوه، همه ما پدران زمینی داشته‌ایم که تأدیبمان می‌کردند، و ما به آنها احترام می‌گذاشتیم. حال، چقدر بیشتر باید پدر روح‌هایمان را اطاعت کنیم تا حیات داشته باشیم.^{۱۰} پدران ما کوتاه‌زمانی بنا بر صلاحدید خود، ما را تأدیب کردند. اما خدا برای خیریت خودمان ما را تأدیب می‌کند تا در قدوسیت او سهیم شویم.^{۱۱} هیچ تأدیبی در حین انجام شدن، خوشایند نیست، بلکه دردناک است. اما بعد برای کسانی که به وسیله آن تربیت شده‌اند، میوه آرامش و پارسایی به بار می‌آورد.

۱۲:۳ "به او بیندیشید" این فعل دستوری آئوریستی متوسط (مجهول در زبان یونانی) است. معنی اصلی آن "اضافه کردن" است و برای تأکید بر تحلیل چیزی استفاده می‌گردد. باستانیان اعداد را از پایین با بالا می‌نوشتند و با کشیدن خطی در بالا، آنها را جمع می‌بستند.

■ **"تحمل کرد"** وجه وصفی کامل معلوم. عیسی چنین رفتار شرم‌آوری را برای رستگار شدن ایمانداران متحمل شد، لذا آنان باید بخاطر او و سایر ایمانداران زندگی را ادامه دهند (۱ یوحنا ۳:۱۶).

■ **"چنان مخالفتی را از سوی گناهکاران تحمل کرد"** این ضمیر مفرد در ترجمه‌های مدرن دیده می‌شود. با اینحال، اکثر نسخ خطی یونان باستان و نقل قول‌های آسمانی آن را بصورت جمع بکار برده‌اند. اگر چه این یک تصور رایج و پذیرفته شده از انتقاد متنی است (به اپندیکس ۲ رجوع شود) که متن غیر معمول و دشوارتر، احتمالاً اصلی است، اما استفاد اخیر بصورت جمع در این مورد مناسب بنظر نمی‌رسد. روشن است که موضوع آن عیسی مسیح است. این امر باید یک خطای تحریری باستانی از یکصد یا دویست سال پیش از زمانی باشد که اکثر نسخه پاپیروسی نوشته شده بودند.

■ **"تا خسته و دل‌سرد نشوید"** اینها واژگانی هستند که برای دوندگانی که پس از یک مسابقه طولانی به نفس افتاده و از حال می‌روند، استفاده می‌شوند. نویسنده ما این ایمانداران یهودی را تشویق می‌کند تا حتی در سخت‌ترین شرایط خسته نشده و راهشان را ادامه دهند.

۴:۲ "هنوز... تا پای جان ایستادگی نکرده‌اید" خوانندگان اصلی عذاب کشیده، اما هنوز زنده بودند (عبرانیان ۱۰:۳۲). عیسی بخاطر آنان هنگام مرگ عذاب کشید، آنان باید بخواست خود برای او زندگی کرده و از دنیا بروند.

- **“در نبرد خود با گناه”** این نیز یکی دیگر واژگان ورزشی مؤلف که در عبرانیان ۱:۱۲ استفاده کرده است. این لغت عیناً در زبان انگلیسی “agony” بمعنی درد و رنج، ترجمه شده است. “گناه” در تمام قسمت‌های کتاب اشاره به موارد زیر دارد:
۱. گناه کسی که باورمند نیست، در ارتباط با گروهی دیگر از غیرباورمندان یهودی
 ۲. گناه ارتداد (عقب نشینی، عبرانیان ۱۰:۳۸) در ارتباط با گروه‌های باورمند یهودی
- ۵:۱۲ **“از یاد برده‌اید”** ضمیر اشاره میانی کامل در زبان یونانی یا لاتین است. این عبارت فقط اینجا در عهد جدید برای منظوره‌های زیر استفاده شده است:
۱. یک فراموشی کامل (با تأکید بر زمان فعل)
 ۲. یک فراموشی عمدی (با تأکید بر صدای فعل)
- **“خوار مشمار... و چون توبیخت کند، دل‌سرد مشو”** این نقل قولی است از نسخه Septuagint امثال ۳:۱۱-۱۲. هر دوی این جملات دستوری حال با بار منفی بوده، که معمولاً بمعنی توقف عملی که در حال انجام است، می‌باشد.
- **“تأدیب خداوند”** این واژه اشاره به “تعلیم کودکان” دارد. در عبرانیان ۱۲:۵-۱۱ با این واژه بازی شده است. یک استعاره آشنای دیگر. خداوند نیز همچون والدین کودکان، پیروان خود را تأدیب می‌کند (۱ قرن‌تیان ۱۱:۳۲؛ مکاشفه ۳:۱۹).
- ۶:۱۲ **“زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند”** این یکی از دلایلی است که ایمانداران برای ایمانشان در عذاب هستند (متی ۵:۱۰-۱۲؛ اعمال رسولان ۸:۱، ۴:۱۴؛ ۲۲:۲؛ تسالونیکیان ۱:۴-۱۰).
- **“و هر فرزند خود را که می‌پذیرد، تنبیه می‌نماید”** این تداوم نقل قول نسخه Septuagint امثال ۳:۱۱-۱۲ است. خیلی مهم است. عیسی بارها “فرزند” خوانده شده است، در حالیکه شخصیت‌های عهد عتیق “خادمین” خوانده شده‌اند. اکنون ایمان داران عهد جدید “فرزندان” خوانده می‌شوند (عبرانیان ۷:۱۲-۸). پدر، فرزندانش را تأدیب می‌کند:
۱. برای نیات پدر
 ۲. برای منفعت فرزند
 ۳. برای منفعت کل خانواده
- ۷:۱۲ **“تحمل کنید”** حالت اخباری معلوم یا دستوری معلوم حاضر است (مشابه واژه‌شناسی یونانی). از عبرانیان ۵:۱۲ که دو فعل دستوری حاضر داشت، این نیز احتمالاً دستوری می‌باشد. معنی اصلی لغت یعنی “داوطلبانه چیزی را تحمل کردن” (عبرانیان ۱:۱۲، ۲، ۳؛ ۱۰:۳۲، ۳۶). نتیجه این آزمایش منتهی به ایمانی قوی خواهد گردید.
- **“خدا با شما همچون پسران رفتار می‌کند”** موضوع خدا بعنوان والدین تأدیب کننده می‌تواند کنایه‌ای باشد به تثنیه ۸:۵ و هوشع ۱۱:۱-۴.
- فعل آن ضمیم اشاره مجهول بوده که بمعنی “چیزی را به نزد عیسی یا خداوند آوردن”، اغلب معنی یک قربانی می‌دهد؛ اما در اینجا صدای منفعل آن، اراده خداوند را برای حضور انسان گناهکار در نزد خود توسط التزام به قربانی کردن در راه مسیح، مشخص می‌کند.
- ۸:۱۲ **“اگر”** جمله شرطی نوع اول بوده که تصور می‌شود استفاده از آن برای مقاصد مؤلف، صحیح بوده باشد. تمام فرزندان خداوند تأدیب را تجربه کرده‌اند (ضمیر اشاره کامل منفعل).
- ۹:۱۲ **“پدر روح‌ها”** این عبارت هیچ ارتباطی با نظریه منشأ “روح” ندارد. استفاده از آن نشان دهنده منشأ حقیقی زندگانی است. در اینجا خداوند در تضاد با پدران اولیه قرار گرفته است (عبرانیان ۹:۱۲-۱۰).
- **“تا حیات داشته باشیم”** تأدیب خداوند برای ما زندگی به ارمغان می‌آورد، نه مرگ.
- ۱۲:۱۰ **“خدا برای خیریت خودمان ما را تأدیب می‌کند تا در قدوسیت او سهیم شویم”** هر ایمان‌داری در زمان رستگاری تقدیس شده (بسته به موقعیت) و سپس به قدوسیت فرا خوانده می‌گردد (به موضوع خاص در عبرانیان ۲:۱۱ رجوع نمایید). این خواست خداوند برای هر ایماندار است (متی ۵:۴۸؛ رومیان ۸:۲۸-۳۰؛ ۲ قرن‌تیان ۳:۱۸؛ ۱:۷؛ غلاطیان ۴:۱۹؛ افسسیان ۴:۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۳:۱۳؛ ۴:۳، ۷؛ ۱ پطرس ۱:۱۵). خداوند مقدر کرده است که ایمانداران به قدوسیت برسند (افسسیان ۴:۱). این موضوع اغلب فقط در مراحل تأدیب نمود پیدا می‌کند (عبرانیان ۵:۸ و رومیان ۸:۱۷).
- ۱۱:۱۲ **“میوه آرامش و پارسایی به بار می‌آورد”** زندگی در مسیحیت از ایمان تا ایمان است، از قطعیت (اعتراف ایمانی) تا شخصیت (زندگی ایمانی، رومیان ۵:۳-۵؛ یعقوب ۱:۲-۴).
- برای مطالعه درباره پارسایی و رستگاری به موضوع خاص در عبرانیان ۹:۱ رجوع نمایید.

متن NASB (بروز شده): ۱۲:۱۲-۱۳

^{۱۲} پس دسته‌های سست و زانوان لرزان خود را قوی سازید! ^{۱۳} برای پاهای خود راه‌های هموار بسازید، تا پای لنگ بیشتر صدمه نبینند، بلکه شفا یابد.

۱۲:۱۲ این آیه کنایه‌ای است به اشعیا ۵۳:۳، که می‌تواند پیشزمینه تمام مبحث فصل ۱۲ تلقی گردد. بلوغ باید فرد ضعیف را قدرتمند نماید (آنانی که به عقب نشینی نزدیک می‌گردند). "قوی" بمعنی "استوار کردن" بوده، که در آیه بعدی با لغت آن بازی گردیده است.

۱۳:۱۲ "برای پاهای خود راه‌های هموار بسازید" این بخش نیز می‌تواند کنایه‌ای باشد به امثال ۴:۲۶ در نسخه Septuagint (LXX) و یا به یک تمثیل شناخته شده که در آن از عبارت "راه هموار" بعنوان استعاره‌ای برای رستگاری و پارسایی استفاده شده است.

■ "بیشتر صدمه نبینند" این عبارت بصورت‌های زیر می‌تواند درک گردد

۱. در حس دوران عهد عتیق (۱ پادشاهان ۱۸:۲۱) بصورت یک استعاره برای تناوب میان دو نظر، همچون مردمان اسرائیل که بین بیهوشی و بعل در حال عوض و بدل شدن بودند

۲. در ادبیات یونانی که از ترمیم جاده‌ای می‌گوید که باعث زمین خوردن افراد لنگ و صدمه دیدنشان نگردد (کتاب *Word Studies in the New Testament*، نوشته M.R. Vincent صفحه ۱۶۸).

■ "بلکه شفا یابد" تشویق یکدیگر باعث ترمیم می‌گردد (غلاطیان ۶: ۱؛ یعقوب ۵: ۱۶).

متن NASB (بروز شده): ۱۲:۱۴-۱۷

^{۱۴} سخت بکوشید که با همه مردم در صلح و صفا به سر برید و مقدّس باشید، زیرا بدون قدّوسیت هیچ کس خداوند را نخواهد دید. ^{۱۵} مواظب باشید کسی از فیض خدا محروم نشود، و هیچ ریشه تلخی نمو نکند، مبدا موجب ناآرامی شود و بسیاری را آلوده کند. ^{۱۶} هوشیار باشید که هیچ‌یک از شما فاسد یا همچون عیسو دنیوی نشود که به خاطر کاسه‌ای آش، حق پسر ارشد بودن خود را فروخت. ^{۱۷} و چنانکه می‌دانید، بعد که خواهان به میراث بردن آن برکت بود، مقبول واقع نشد. و هرچند با زاری در پی آن بود، جای توبه پیدا نکرد.

۱۲:۱۴-۱۷ این آخرین هشدارها است (عبرانیان ۲: ۱-۴؛ ۳: ۷-۱۱؛ ۵: ۱۱-۱۲؛ ۶: ۱۰-۱۲؛ ۱۹: ۳۹-۴۰؛ ۱۲: ۱۲-۱۴).

۱۲:۱۴ "در صلح و صفا به سر برید" این جمله دستوری است. در متن مربوط به

۱. کسانی که از هر طرف آزار دیده‌اند

۲. ناباوران در میان دوستان (بی‌ایمانان یهودی که به‌همراه یهودیان ایماندارای هنوز عبادت می‌کنند)

۳. در میان نشان تردید وجود دارد (خطر عقب برگشتن [عبرانیان ۱۰: ۲۸] مبحث صلح خیلی مهم می‌باشد.

در رابطه با "صلح" آیات متعددی وجود دارد

۱. مزمور ۳۴: ۱۴ "آرام بجوی و در پی صلح باش"

۲. مرقس ۹: ۵۰ "با یکدیگر در صلح و صفا به سر برید"

۳. رومیان ۱۲: ۱۸ "اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید"

۴. ۱ قرنتیان ۱۵: ۷ "ولی خدا ما را به صلح و آشتی خوانده است"

۵. تیموتائوس ۲: ۲۲ "از امیال جوانی بگریز، و به همراه آنان که با دلی پاک خداوند را می‌خوانند، در پی پارسایی و ایمان و محبت و صلح باش"

■ "و مقدّس باشید" این واژه مرتبط است با عبرانیان ۱۲: ۱۰ و وصل است به "تأدیب". خداوند بمنظور مقدس شدن، ایمانداران را تربیت می‌کند. هدف رستگاری، شبیه شدن به مسیح است. این امر وابستگی به مقام قدّوسیت ندارد (از جنبه فوریت)، بلکه قدّوسیت تجربی است (در حال رشد). انجیل رستگاری و زندگی مسیحیان را در دو راه معرفی می‌نماید. در یک حالت، کار را تمام شده قلمداد کرده، آزاد و هدیه‌ای را یکبار برای همیشه از جانب خداوند عطا کرده است (اخباری)، اما در عین حال یک زندگی مبتنی بر ایمان، اطاعت، خدمت و عبارت نیز می‌باشد (الزامی). بسیاری از ایمانداران برای صرف نظر کردن از یک جنبه، بر دیگری تأکید می‌ورزند (آگوستین در مقابل پلاگیوس؛ کالوین در مقابل آرمینیوس). روابط ایمانداران با خداوند در یک مقطعی شروع می‌گردد، در مقطع به قطعیت رسیدن، در زمان توبه و ایمان به اوج رسیده، اما همچنان باید در طول زمان و تا لحظه مرگ در اوج نیز بماند، و تا زمان آمدن دوم مسیح؛ ایمان، پارسایی، پشتکار و استقامت مهم بوده و شواهد قطعی یک رستگاری حقیقی می‌باشند.

بسته به موقعیت یا مقام (الزامی)**مترقی و در حال رشد (اخباری)**

| | |
|-----------------------------|------------------------------------|
| رومیان ۱۹:۶ | اعمال رسولان ۱۸:۲۶ |
| ۲قرننتیان ۱:۷ | رومیان ۱۶:۱۵ |
| افسسیان ۱:۴؛ ۲:۱۰ | ۱قرننتیان ۱:۳-۲؛ ۶:۱۱ |
| ۱تسالونیکیان ۳:۱۳؛ ۴:۳؛ ۵:۷ | ۲تسالونیکیان ۲:۱۳ |
| ۱تیموتائوس ۲:۱۵ | عبرانیان ۲:۱۱؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۴:۱۳؛ ۱۲:۱۳ |
| ۲تیموتائوس ۲:۲۱ | ۱پطرس ۱:۲ |
| عبرانیان ۱۴:۱۲ | |
| ۱پطرس ۱:۱۵-۱۶ | |

■ "زیرا بدون قدوسیت هیچ کس خداوند را نخواهد دید" این عبارت در ظاهر نادرست ولی در باطن درست است. (۱) ایمانداران روزی خداوند را خواهند دید (ایوب ۱۹:۲۵-۲۷؛ مزور ۱۷:۱۵؛ متی ۵:۸؛ ۱یوحنا ۳:۲؛ مکاشفه ۲۲:۴) و (۲) ایمانداران اکنون قادر به دیدن خداوند نیستند (خروج ۳۳:۲۰؛ یوحنا ۱:۱۸؛ ۱تیموتائوس ۶:۱۶؛ ۱یوحنا ۴:۱۲).

این آیه در عین حال می‌تواند اشاره به چشم معنی فرد در زمان پاسخ به کلام انجیل داشته باشد. ممکن است در این متن به صورت استعاره معنی "درک کردن" داشته باشد.

۱۵:۱۲ "مواظب باشید" معنی اصلی آن "پاییدن یا مراقب بودن" (*episkopountes*) وجه وصفی معلوم حال که در حالت ضرورت استفاده می‌شود. این عبارت بر روی قالب یکی از عبارات مشتق شده برای "واعظ" ساخته شده است (اسقف، *episkopos*، فیلیپیان ۱:۱؛ ۱تیموتائوس ۳:۲؛ تیتوس ۱:۷ و از عیسی در ۱پطرس ۲:۲۵). اینجا می‌تواند اشاره داشته باشد به رهبران کلیسا یا به ایمانداران بالغی که برای سایرین اهمیت قائل شوند. در برابر ارتداد از دین باید با بلوغ کامل مواجه شد. این گروه از ایمانداران بشدت نیازمند این هستند که در نهایت بلوغ با آنان رفتار گردد (عبرانیان ۵:۱۱-۱۴).

مسیحیان همچون جزیره دور افتاده تنها نیستند (۱قرننتیان ۷:۱۲). مسیحیت همچون یک تیم ورزشی است! واژه "قدیس" همیشه بصورت جمع استفاده می‌گردد (بجز یکبار در فیلیپیان ۴:۲۱، در جایی که بشکل مشارکت استفاده گردید). ما حامیان برادرانمان هستیم. ما نباید از هیچ تشویقی برای برادران خود کوتاهی نماییم. همه ما برای حفظ سلامتی سایرین، از خداوند برکاتی را دریافت کرده ایم.

■ "کسی از فیض خدا محروم نشود" این وجه وصفی معلوم زمان حال در یک امری ضروری استفاده گردیده که معنی "افول از رحمت خداوند" دارد. این کلمه در عبرانیان ۴:۱ در حالت "ناموفق بودن" استفاده شده بود، اما در نسخه یونانی این آیه ضمیر (*apo*) عبارت پیشفرضی را تعریف می‌کند که سخن از "دور شدن از چیزی که قبلاً به تملک آن در آمده بودیم" می‌گوید (عبرانیان ۶:۴-۴؛ ۱۰:۲۳، ۳۸-۳۹؛ ۱۲:۲۵). در شرایط فرهنگی آن زمان، ارتداد امری کاملاً محتمل بود. به موضوع خاص: ارتداد (*Aphistēmi*) در عبرانیان ۳:۱۲ رجوع شود.

یا، تا جاییکه من متوجه شده‌ام، دو گروه در اینجا مورد خطاب هستند: (۱) یهودیان ایمانداری که در خطر عقب نشینی بودند (عبرانیان ۱۲:۱۵) و (۲) یهودیان کافری که به روشنی انجیل را در زندگی خود درک کرده، و شهادت‌های دوستان خود را در کنیسه شنیده بودند، اما عیسی را انکار می‌کردند (عبرانیان ۱۲:۲۵). هر کدام از این نظریه‌ها که درست باشد، حقیقت اینست که پارسایی و رستگاری یک محصول نبوده بلکه یک رابطه است. رستگاری چیزی فراتر از یک پاسخ اولیه است. هشدارها جدی، چالش برانگیز و واقعی هستند. این هشدارها در این متن، ندای کمک به ایماندارانی هستند که در خطر عقب نشینی، یا همان ارتداد قرار دارند (عبرانیان ۱۰:۳۸).

■ "هیچ ریشه تلخی نمو نکند" این بخش کنایه‌ای است به تشبیه ۱۸:۲۹ در نسخه Septuagint، که به قوم خدا درباره خطر بت‌پرستی هشدار داد، هم شخصی و هم مشارکتی. اسرائیل هرگز با خداوند درست برخورد نکرد، بلکه فقط گروهی از ایمانداران وفادار باقی ماندند. عبارت "ریشه تلخ" در تشبیه به موازات "کسانی که امروز قلبشان از اربابمان خداوند دور گشته" استفاده شده است.

■ "بسیاری را آلوده کند" حضور یک شخص ناراضی می‌تواند بر کل گروه تاثیرگذار گردد. عقاید، اعمال و گرایشات ما بطور قطع بر روی دیگران اثرگذار است. عجب مسئولیت شگفت‌انگیزی!

۱۶:۱۲ "عیسو" وی در سنت‌های روحانی یهودیت تبدیل به فردی شریر گردیده است (*Jubilees 25:1,8 and Genesis Rabba 70d,72a*). با این حال، این متن به دلیل اینکه وی به وعده‌های خداوند آشنایی داشته اما به آنها عمل نمی‌کرده استفاده کرده است.

۱۷:۱۲ "برکت" امکان فراهم آوردن برکت شاهانه نبود. این امر شامل مفهوم قدرت کلام گفته شده در عبرانیان می‌گردد (پیدایش ۱ و اشعیا ۵۵:۱۰-۱۲).

■ "جای توبه پیدا نکرد" در متن عهد عتیق، این جمله اشاره به اندوه وی پس از اسحاق، پدرش، برادر کوچکش یعقوب و برکتی که بدست نیامد. مؤلف از این عبارت بعنوان هشدار استفاده می کند برای دریافت کنندگان نامه. او می خواهد که آنان درباره عیسی تصمیمی گرفته در حالیکه هنوز زمان باقیست و سپس در آن رابطه با مسیح پشتکار بخرج داده زیرا شانس دومی در اختیار آنان قرار نخواهد گرفت (عبرانیان ۶: ۶؛ ۱۰: ۲۶).

موضوع خاص: توبه در عهد عتیق - (Special Topic: Repentance In The Old Testament)

این مفهوم بسیار حساس بوده و در عین حال تعریف آن سخت است. بیشتر ما تعریفی داریم که از تفکرات دینی ما ناشی می شود. با این وجود، معمولاً یک مجموعه تعاریف مذهبی بر چندین کلمه عبری (و یونانی) اعمال می شوند که معمولاً دلالت بر این مفهوم ندارند. باید به خاطر داشت که نویسندگان عهد جدید (به استثنای لوقا) با تفکر عبری اصطلاحات یونانی کوبین را استفاده می کردند، بنابراین جایی که باید شروع کنیم خود اصطلاحات عبری هستند که اساساً دو اصطلاح می باشند:

۱. *nacham* (BDB 636, KB 688)

۲. *shub* (BDB 996, KB 1427)

کلمه نخست، *nacham*، که در اصل به معنی "نفس عمیق کشیدن" است، در چندین مفهوم استفاده شده است:

۱. "استراحت"، "راحتی" (برای مثال، کتاب پیدایش ۲۹: ۵، ۶۷: ۲۴، ۴۲: ۲۷، ۳۵: ۳۷، ۱۲: ۳۸، ۲۱: ۵۰، اغلب به صورت اسم استفاده شده، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۴: ۱۵، اول تواریخ ۱۹: ۴، نحما ۱: ۱، ۷: ۷، ناحوم ۱: ۱)
۲. "اندوهگین"، "مغموم" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۶ و ۷)
۳. "تغییر یافتن عقیده" (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۷: ۱۳، ۳۲: ۱۲ و ۱۴، اعداد ۱۹: ۲۳، یعقوب ۵: ۴۲ الی ۶)
۴. "رحم و شفقت" (مراجعه شود به تثنیه ۳۶: ۳۲)

توجه داشته باشید که تمامی اینها در بردارنده احساسات عمیق هستند. نکته کلیدی اینجاست: احساسات عمیقی که منجر به عمل می شوند. تغییر عمل معمولاً به سوی افراد دیگری، و همچنین خدا، هدایت می شود. این تغییر گرایش و عمل به سوی خدا است که به این اصطلاح چنین اهمیت الهیاتی می دهد. ولی در اینجا محبت و توجه را نیز باید آزموید. خدا گفت که باید توبه کرد (مراجعه شود به پیدایش ۶: ۶ و ۷، خروج ۱۴: ۳۲، داوران ۱۸: ۲، اول سموئیل ۱۱: ۱۵ و ۳۵، مزمور ۴۵: ۱۰۶)، ولی این نتیجه اندوه به خاطر گناه و یا خطا نیست، بلکه یک شیوه مفهومی برای نشان دادن رحم و شفقت خدا و توجه خدا است (مراجعه شود به اعداد ۱۹: ۲۳، اول سموئیل ۲۹: ۱۵، مزمور ۴: ۱۱۰، ارمیا ۲۷: ۴ الی ۲۸، حزقیال ۱۴: ۲۴). اگر گناهکار واقعاً به سوی خدا روی آورد، مجازات گناه و شورش او بخشیده می شود. این یک تغییر مسیر زندگی است.

اصطلاح دوم، *shub*، یعنی "چرخیدن" (چرخش از، به عقب چرخیدن، چرخیدن به طرف). فعل *shub* (BDB 996, KB 1427) اساساً به معنی به عقب برگشتن یا "بازگشتن" است. در موارد زیر استفاده شده است:

۱. روی گرداندن از خدا، اعداد ۴۳: ۱۴، یوشع ۱۶: ۲۲ و ۱۸ و ۲۳ و ۲۹، داوران ۱۹: ۲، ۳۳: ۸، اول سموئیل ۱۱: ۱۵، اول پادشاهان ۶: ۹، ارمیا ۱۹: ۳، ۴: ۸
۲. روی آوردن به سوی خدا، اول پادشاهان ۳۳: ۸ و ۴۸، دوم تواریخ ۱۴: ۷، ۴: ۱۵، ۹: ۳۰، مزمور ۱۳: ۵۱، اشعیا ۱۰: ۶، ۱۰: ۲۱ و ۲۲، ارمیا ۷: ۳ و ۱۲ و ۱۴ و ۲۲، ۱: ۴، ۳: ۵، هوشع ۵: ۳، ۱: ۵، ۶: ۱، ۱۰: ۷ و ۱۶، ۱۱: ۵، ۱۴: ۱ و ۲، عاموس ۶: ۴ و ۸ الی ۱۱ (به خصوص به ارمیا ۷ و عاموس ۴ توجه کنید)
۳. بیهوشه در ابتدا به اشعیا می گوید که قوم یهود نمی تواند توبه کند و نخواهد کرد (مراجعه شود به اشعیا ۱۰: ۶)، ولی نه برای نخستین بار در کتاب، او آنان را فرا می خواند تا به سمت او بازگردند.

توبه آنقدر که گرایش به سمت خدا است، احساسی نیست. تغییر مسیر زندگی است از خود به سمت او. نشان دهنده تمایل به تغییر در زندگی و تغییر کردن است. توقف کامل گناه نیست، بلکه توقف روزانه شورش آگاهانه است! حالت معکوس نتایج خود-محوری سقوط در پیدایش ۳ است. نشان دهنده تصویر و شباهت خدا (پیدایش ۲۶: ۱ الی ۲۷)، هر چند آسیب دیده، ولی احیا شده است. رفاقت با خدا مجدداً توسط انسان گمراه ممکن است.

توبه در عهد عتیق اساساً به معنی "تغییر اعمال" است، در حالیکه در عهد جدید به معنی "تغییر فکر" است (موضوع خاص: توبه در عهد جدید را مطالعه کنید). هر دوی اینها برای توبه واقعی انجیلی ضروری هستند. همچنین ضروری است که تشخیص دهیم توبه هم عمل اولیه و هم یک فرایند ممتد است. عمل اولیه را می توان در انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۱۶: ۳ و ۱۹، ۲۱: ۲۰ مشاهده کرد، در حالیکه فرایند در حال انجام را می توان در اول یوحنا ۱: ۹، ۱: ۱۰، مکاشفه ۲ و ۳ دید. توبه یک گزینه نیست (مراجعه شود به انجیل لوقا ۳: ۱۳ و ۵).

اگر این درست باشد که دو پیش نیاز پیمان جدید توبه و ایمان باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۳، ۱۷: ۴، انجیل مرقس ۴: ۱ و ۱۵، ۱۷: ۲،

انجیل لوقا ۳:۳ و ۸، ۵:۳۲، ۱۳:۳، ۵:۷، ۱۵:۳، ۱۷:۳)، پس *nacham* اشاره به احساسات شدید تشخیص دادن گناه فرد و روی برگرداندن از آن است، در حالیکه *shub* اشاره به روی برگرداندن از گناه و بعد روی آوردن به سمت خدا است (یکی از مثالهای این دو عمل معنوی عاموس ۴:۶ الی ۱۱ است، "به سمت من نخواهید آمد" [پنج مرتبه] و عاموس ۵:۴ و ۶ و ۱۴ "مرا بجوئید... خدا را بجوئید... خدا را بجوئید نه شیطان را). بزرگترین مثال در مورد قدرت توبه گناه داوود با بت‌شبا است (مراجعه شود به دوم سموئیل ۱۲، مزمور ۳۲ و ۵۱). عواقب دنباله داری برای داوود، خانواده اش و اسرائیل وجود داشت، ولی داوود دوستی اش با خدا را تجدید نمود! حتی مناسح ضعیف می تواند توبه کند و بخشیده شود (مراجعه شود به دوم تواریخ ۳۳:۱۲ الی ۱۳).

هر دو این اصطلاحات به صورت همسو در مزمور ۱۳:۹۰ استفاده شده اند. باید گناه تشخیص داده شود و از روی عمد و به صورت فردی باید از آن روی برگرداند، همچنین باید تمایل به جستجوی خدا و پارسایی او وجود داشته باشد (مراجعه شود به اشعیا ۱:۱۶ الی ۲۰). توبه جنبه شناختی، جنبه فردی و جنبه اخلاقی دارد. هر سه مورد نیاز و ضروری هستند، دو تا برای شروع رابطه با خدا و برقراری رابطه جدید. احساس عمیق تاسف و پشیمانی به اطاعت و پیروی و وقف خدا شدن منتهی می شوند.

■ "بازاری" این عبارت از پیدایش ۲۷:۳۴ و ۳۸ گرفته شده است.

متن NASB (بروز شده): ۱۸:۱۲-۲۴

^{۱۸} زیرا به کوهی نزدیک نیامده‌اید که بتوان لمس کرد، کوهی که مشتعل به آتش باشد؛ و نه به تاریکی و تیرگی و باد شدید؛ ^{۱۹} و نه به نفیر شیپور و یا به آواز کلامی که شنوندگان التماس کردند دیگر با ایشان سخن نگوید. ^{۲۰} زیرا تحمل آن فرمان را نداشتند که می گفت، «حتی اگر حیوانی کوه را لمس کند، می باید سنگسار شود.» ^{۲۱} آن منظره چنان هراسناک بود که موسی گفت: «از ترس به خود می لرزم.»

^{۲۲} بلکه به کوه صهیون نزدیک آمده‌اید، به اورشلیم آسمانی که شهر خدای زنده است. به جمع شادمانه هزاران هزار فرشته آمده‌اید، ^{۲۳} به کلیسای نخست‌زادگانی که نامهایشان در آسمان نوشته شده است. به خدا نزدیک شده‌اید، به خدایی که داور همه آدمیان است، و به روحهای پارسایانی که کامل شده‌اند، ^{۲۴} و به عیسی که واسطه عهدهی جدید است، و به خون پاشیده‌ای که نیکوتر از خون هابیل سخن می گوید.

۱۸:۱۲ - این بخش جزئیات ارائه شریعت موسایی در کوه سینا می باشد (خروج ۱۹:۱۶-۲۵، تثنیه ۴:۱۱-۱۴).

■ "به تاریکی و تیرگی" این عبارات احتمالاً اشاره‌ای است به تثنیه، آیه ۵:۲۲.

۱۹:۱۲ "نفیر شیپور" صدای خداوند همچون شیپور بوده است (خروج ۱۹:۱۶، ۱۹:۲۰؛ ۱۸:۲۰)

■ "شنوندگان التماس کردند دیگر با ایشان سخن نگوید" نیروی شگفت‌انگیز خدای یهوه در کوه سینا مردم را وحشتزده کرده بود (خروج ۲۰:۲۰؛ تثنیه ۲۲:۵-۱۶:۱۸).

۲۰:۱۲ "حتی اگر حیوانی کوه را لمس کند، می باید سنگسار شود" این جمله شرطی نوع سوم است. یکی دیگر از کنایه‌های قدوسیت شگفت‌انگیز فرود خداوند در کوه سینا (خروج ۱۹:۱۲-۱۳).

۲۱:۱۲ "از ترس به خود می لرزم" این نقل قولی است از تثنیه ۹:۱۹ که اشاره به گوساله طلایی هارون دارد. هرمنوتیک‌های روحانی یهودیان از این عبارات برای نشان دادن خدا ترسی موسی در کوه سینا.

۲۲:۱۲ "نزدیک آمده‌اید" این تضاد شدیدی است. این خوانندگان مؤمن به پیمانی در کوه سینا اعتقاد ندارند، بلکه اعتقاد آنان به پیمانی جدید است، به اورشلیمی آسمانی، کوه صهیونی جدید، شهری جدید. در غلاطیان ۴:۲۱-۳۱ پولس از منطق مشابهی در استفاده از دو کوه عهد عتیق بکار برده است (کوه سینا در مقابل کوه صیحون).

■ "کوه صیهون" نویسنده در اینجا به مقایسه پیمان اول در کوه سینا و پیمان جدید با شهر آسمانی می‌پردازد (عبرانیان ۱۱:۱۰، ۱۶:۱۳؛ مکاشفه ۳:۱۲؛ ۲:۲۱، ۱۰).

■ "خدای زنده" این به نوعی بازی با نام پیمانی خداوند، یعنی یهوه است که از فعل "بودن" در زبان عبری شکل گرفته است. یهوه بی‌پایان و همیشه زنده است. در عهد عتیق او به خود قسم می خورد، "خدای زنده". به موضوع خاص: اسامی خداوند در عبرانیان ۲:۷ رجوع نمایید.

۲۳:۱۲ "کلیسای نخست‌زادگان" به دلیل متن خروج آیه ۲۲:۴، برخی مفسرین این عبارات را به اسرائیلیان عهد عتیق ارجاع می‌دهد، ولی متن به صراحت از همه مردمانی که ایمان داشتند سخن می‌گوید (عبرانیان ۱۱:۴۰). "نخست‌زاده" یک نقطه عطف است برای عیسی، "فرزند ارشد"

۱. بسیاری از برادران (تصویر خداوند در رومیان ۸:۲۹)

۲. همه آفرینش (تصویر خدا، کولسیان ۱:۱۵)

۳. مرگ (کولسیان ۱:۱۸ و ۱۰:۲۰، ۲۳ [اولین ثمره])

به تمامی نشانه‌هایی که پیمان جدید در این پاراگراف نمود پیدا می‌کنند، توجه نمایید:

۱. کوه صهیون

۲. شهر خدای زنده

۳. اورشلیم بهشتی

۴. شمار زیادی از فرشتگان

در رابطه با کلیسا، به موضوع خاص در عبرانیان ۱۲:۲ و برای "فرزند ارشد" به موضوع خاص در عبرانیان ۱:۶ رجوع نمایید.

■ "نامهایشان ... نوشته شده است" انجیل از دو کتاب خداوند صحبت می‌کند (دانیال ۷:۱۰ و مکاشفه ۱۲:۲۰). کتاب اول، کتاب زندگانی است (خروج ۳۲:۳۲؛ مزمور ۲۸:۶۹؛ دانیال ۱۲:۱؛ لوقا ۱۰:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۴؛ مکاشفه ۳:۵؛ ۸:۱۷؛ ۱۲:۲۰؛ ۱۵:۲۱؛ ۲۷:۲۱). دیگری کتاب خاطرات است (مزمور ۸:۵۶؛ ۱۶:۱۳۹؛ اشعیا ۶:۶۵؛ ملاکی ۳:۱۶). کتاب اول برای ایمانداران و دومی برای هر دو گروه ایمان دار و بی‌ایمان (مکاشفه ۱۴:۱۳). این‌ها استعاره‌هایی هستند برای خاطراتی از خداوند.

موضوع خاص: دو کتاب خداوند - (Special Topic: The Two Books of God)

A. خداوند خود را به روش نشان داده است

۱. طبیعت (خلقت، مزمور ۱۹:۱-۶؛ که "مکاشفه طبیعی" نامیده می‌شود)

۲. کتاب مقدس (مزمور ۱۹:۷-۱۴؛ که "مکاشفه ویژه" نامیده می‌شود)

به همین دلیل است که به گمان من نباید در نهایت تضادی میان علم و ایمان وجود داشته باشد، زیرا که حقیقت همه چیز، حقیقت خداوند است. لطفاً برای اطلاعات بیشتر به تفسیر من بر سفر پیدایش ۱-۱۱ در وبسایت www.freebiblecommentary.org رجوع نمایید.

B. دو کتاب در دانیال ۷:۱۰ و مکاشفه ۱۲:۲۰ ذکر گردیده است.

۱. "کتاب اعمال" که شامل تمامی نیروهای محرک و رفتار انسان‌ها، هم خوب و هم بد می‌باشد. به نوعی یک استعاره است برای حافظه خداوند و این که بالاخره روزی فرا خواهد رسید تا تمامی انسان‌ها درباره هدیه زندگانی که به آنان عطا شده بود به خداوند پاسخ خواهند داد.

a. مزمور ۸:۵۶؛ ۱۶:۱۳۹

b. اشعیا ۵۶:۶

c. ملاکی ۳:۱۶

d. مکاشفه ۱۲:۲۰ - ۱۳

۲. "کتاب زندگانی" که فهرستی است از تمام کسانی که دارای ارتباط مبتنی بر ایمان/توبه/اطاعت با یهوه/عیسی هستند. این نیز یک استعاره از حافظه خداوند برای آنانی که نجات یافته و ارتباطی آسمانی دارند، می‌باشد.

a. خروج ۳۲-۳۳

b. مزمور ۲۸:۶۹

c. اشعیا ۴:۳

d. دانیال ۱۲:۱

e. فیلیپیان ۳:۴

f. عبرانیان ۲۳:۱۲

g. مکاشفه ۳:۵؛ ۸:۱۳؛ ۸:۱۷؛ ۱۲:۲۰؛ ۱۵:۲۱؛ ۲۷:۲۱

h. علاوه بر این‌ها در کتاب I Enoch آیات ۳:۴۷؛ ۸۱:۱-۲؛ ۱۰۸:۳ نیز ذکر گردیده است

هر دوی این کتب معرف وفاداری خداوند به وعده اش است. وی گناهان کسانی را که شورش کرده و انکار می‌کنند، فراموش نمی‌کند؛ و گناهان کسانی که توبه کرده، باور داشته، مطیع و خادم بوده و استقامت می‌کنند، فراموش می‌گردد (مزمور ۱۰۳: ۱۱-۱۳؛ اشعیا ۱: ۱۸؛ ۱۷: ۳۸؛ ۲۵: ۴۳؛ ۲۲: ۴۴؛ میکاه ۷: ۱۹). این امر باعث تضمین فراوان و اعتماد به نفس به شخصیت ثابت و رحیم خداوند، وعده‌ها و احکام او می‌گردد. خداوند قابل اعتماد است! چیزی که وی از خود عیان کرده حقیقت دارد!

■ **"خدایی که داور همه آدمیان است"** عهد عتیق اغلب خداوند را بصورت قاضی به تصویر می‌کشد (پیدایش ۱۸: ۲۵؛ مزمور ۵۰: ۶؛ ۱۳: ۹۶؛ ۹: ۹؛ اشعیا ۲: ۴؛ ۵: ۵۱؛ ۵: ۱۱؛ ۲۰: ۲؛ مراثی ارمیا ۱۱: ۳؛ حزقیال ۷: ۳، ۲۷). مسیح موعود هم بصورت قاضی به تصویر کشیده شده است (اشعیا ۱۱: ۳-۴؛ ۱۶: ۵). پدر همه داوری‌ها را در دستان پسر قرار داده است (یوحنا ۵: ۲۲-۲۳، ۲۷؛ اعمال رسولان ۱۰: ۴۲؛ ۱۷: ۳۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱؛ ۱ پطرس ۴: ۵).

■ **"به روحهای پارسایانی که کامل شده‌اند"** این عبارت وجه وصفی مجهول بوده که "از تکمیل کردن چیزی توسط خداوند و ادامه نتیجه آن" سخن می‌گوید. با توجه به عبرانیان ۱۱: ۴۰، این عبارات می‌توانند به قدیسان عهد عتیق و تمام ایمانداران پیش از آمدن عیسی اشاره داشته باشند که در فصل ۱۱ از آنان سخن گفته شده بود.

برای "کمال" به یادداشت عبرانیان ۱: ۱۰ رجوع نمایید.

■ **۲۴: ۱۲ "عیسی واسطه عهدی جدید" عیسی، کاهن و قربانی اعظم (۱) بخاطر ما در پیشگاه خداوند می‌ایستد و (۲) پیمان بهتری را ارائه می‌کند (عبرانیان ۷: ۲۲؛ ۸: ۶، ۹-۱۰؛ ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶-۲۲: ۳۶).**

■ **"به خون پاشیده‌ای که"** پیمان‌های عهد عتیق به این شیوه آغاز گردیدند (عبرانیان ۹: ۱۹؛ ۱۰: ۲۲؛ ۱ پطرس ۱: ۲).

■ **"نیکوتر"** به یادداشت کامل در عبرانیان ۷: ۷ رجوع شود.

■ **"خون هایبل"** خون هایبل بدنبال کینه‌جویی و انتقام بود؛ اما خون عیسی فریاد رحمت، بخشش و عشق می‌باشد.

متن NASB (بروز شده): ۲۵: ۱۲-۲۹

۲۵ به هوش باشید که از گوش فرا دادن به آن که سخن می‌گوید، سر باز مزینید. اگر آنان که به آن که بر زمین بدیشان هشدار داده بود گوش فرادادند، راه گریزی نیافتند، پس ما چه راه گریزی خواهیم داشت اگر از گوش فرا دادن به آن که از آسمان به ما هشدار می‌دهد، سر باز زنیم. ^{۲۶} در آن زمان، صدای او زمین را به لرزه درآورد، اما اکنون وعده داده است که «یک بار دیگر نه تنها زمین بلکه آسمان را نیز به لرزه در خواهیم آورد.» ^{۲۷} عبارت 'یک بار دیگر' به از میان برداشته شدن چیزهایی اشاره دارد که به لرزه درمی‌آیند - یعنی چیزهای آفریده شده - تا آنچه تزلزل‌ناپذیر است، باقی بماند.

^{۲۸} پس چون پادشاهی‌ای را می‌یابیم که تزلزل‌ناپذیر است، بیایید شکرگزار باشیم و خدا را با ترس و هیبت عبادتی پسندیده نماییم، ^{۲۹} زیرا «خدای ما آتش سوزاننده است.»

۲۵: ۱۲ **"به هوش باشید"** این یک جمله دستوری حال کامل است. در اینجا و لغت یونانی بکار برده شده، لغتی متفاوت با آنچه که در عبرانیان ۱۲: ۱۵ استفاده شده بود، می‌باشد. مشابه این هشدار در عبرانیان ۳: ۱۲ یافت می‌شود. پس از روشنگری توسط ارجحیت پیمان جدید بوسیله مسیح، الزامیست که شخص اکنون واکنش مناسبی نشان دهد. این خطر در شناخت حقیقت و عدم عمل به آن، هم برای ایماندار و هم برای بی‌ایمان وجود دارد.

■ **"سر باز مزینید"** این یکی از دو هشدار اصلی می‌باشد. هشدار دیگر "عقب نشینی نکنید" بود. این عبارت وجه شرطی (در زبان لاتین) ائتوریستی می‌باشد. ما باید به خواست خود تصمیم بگیریم. با مؤلف کتاب مقدس، عیسی و پایان دهنده راه ایمان چه خواهید کرد؟

■ **"اگر"** شرطی نوع اول است که استفاده از آن توسط مؤلف برای مقاصد ادبی وی، کاملاً بجا بنظر می‌رسد. دوباره می‌گوییم، مسئولیت شگفت‌انگیز انکار پیمانی والا تر و شخص مؤلف آن در مرکز توجه قرار دارد.

۲۶: ۱۲ **"صدای او زمین را به لرزه درآورد"** این جمله مرجعی است برای مشروعیت بخشیدن بر کوه سینا که پیش‌تر در همین فصل به آن اشاره شد (خروج ۱۹: ۱۸-۱۹)، اما در عین حال نقل قول آزادی نیز می‌باشد از Haggai 2: 6 نسخه Septuagint. این پیشبینی سخن از لرزش زمین و آسمان در ارتباط با معبد دوره جدید پس از خروج می‌گوید (Haggai 2: 6-9). معبد جدید دارای جلال گردید. معبد جدید بهتر از پیش خواهد شد. معبد جدید صلح به ارمغان خواهد آورد. این جزئیات پیشگویی پیمان جدید توسط عیسی است.

۲۷:۱۲ "یکبار دیگر" این دنیا گذراست. من واقعاً تصور می‌کنم که خداوند دوباره (۲ پطرس ۳: ۱۰) بیش از پیش بهتر آن را خواهد ساخت، ولی اینبار بدون نفرین سفر پیدایش ۳: ۱۴، ۱۷؛ زکریا ۱۱: ۱۴؛ مکاشفه ۲۲: ۳. کتاب مقدس با خداوند، انسان و حیوانات (اشعیا ۱۱: ۶-۹) در باغ عدن (پیدایش ۱-۲) آغاز گردیده و بهمین صورت نیز پایان خواهد رسید (مکاشفه ۲۱-۲۲).

۲۸:۱۲ "پادشاهی ای را می‌یابیم که تزلزل‌ناپذیر است" این جمله اشاره دارد به ذات معنوی پیمان جدید. این آخرین عهد میان خداوند و مردمش است.

■ "بیایید شکرگزار باشیم و خدا را با ترس و هیبت عبادتی پسندیده نماییم" این جمله واکنش مناسب ایمانداران به پیمان جدید می‌باشد: یک زندگی سرشار از خدمت بخاطر قدردانی از الطاف بی‌پایان تثلیث خداوند (عبرانیان ۱۳: ۱۵، ۲۱؛ رومیان ۱۲: ۱-۲). ما نجات داده شدیم تا خدمتگذار باشیم، خدمتگذار خانواده ایمانی خود (۱ قرن‌تیا ۱۲: ۷؛ افسسیان ۴: ۱۲).

موضوع خاص: پادشاهی خدا - (Special Topic: The Kingdom of God)

در عهد عتیق یهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می‌شد (اول سموئیل ۷: ۸، مزمور ۱۰: ۱۶؛ ۲۴: ۷-۹؛ ۲۹: ۱۰؛ ۴۴: ۴؛ ۸۹: ۱۸؛ ۹۵: ۳؛ اشعیا ۴۳: ۱۵؛ ۴۴: ۶) و مسیح به عنوان پادشاه ایده‌آل معرفی می‌گشت (مراجعه شود به مزمور ۲: ۶؛ اشعیا ۹: ۶-۷؛ ۱۱: ۵-۱۱). با تولد عیسی در بیت‌الحم (۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید و رستگاری ("پیمان جدید"، ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۷-۳۶) وارد تاریخ انسانی شد.

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی خدا را اعلام کرد (متی ۳: ۲، انجیل مرقس ۱: ۱۵).
۲. عیسی به وضوح تعلیم می‌داد که پادشاهی در او و در تعالیم او هستند (متی ۴: ۱۷، ۲۳؛ ۷: ۱۰؛ ۲۸: ۱۲؛ لوقا ۹: ۱۰، ۱۱؛ ۱۱: ۲۰؛ ۱۷: ۲۱؛ ۲۱: ۳۱-۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده است (متی ۱۶: ۲۸؛ ۲۴: ۱۴؛ ۲۶: ۲۹؛ مرقس ۹: ۱؛ لوقا ۲۱: ۳۱؛ ۲۲: ۱۶، ۱۸). در سایر اناجیل همسو در انجیل مرقس و انجیل لوقا عبارت "پادشاهی خدا" را می‌بینیم. این موضوع متداول در تعالیم عیسی بود که شامل قلمرو حال حاضر در قلب انسان، که روزی در تمامی زمین تحقق خواهد یافت بود. این در دعای عیسی در انجیل متی ۶: ۱۰ منعکس شده است. متی، در نوشته‌هایش برای یهودیان ترجیح داد که از نام خدا استفاده نکند و به جای آن عبارت "پادشاهی بهشت" را استفاده کرد، در حالیکه مرقس و لوقا که برای پیروان سایر ادیان و کفار می‌نوشتند، از عنوان متداول، که نام خدا بود استفاده کردند.

این یک عبارت کلیدی در سایر اناجیل است. عیسی در اولین و آخرین موعظه‌اش، و بیشتر تمثیلهایش، روی این موضوع صحبت می‌کرد. اشاره به قلمرو حکومت خدا در حال حاضر در قلب انسانها دارد! حیرت انگیز است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی نیآورده است). در انجیل یوحنا، حیات جاویدان استعاره کلیدی است.

دو بار آمدن عیسی در این عبارت تنش ایجاد می‌کند. عهد عتیق فقط بر یک مرتبه آمدن مسیح تمرکز دارد - یک آمدن نظامی، داوری‌کننده و باشکوه - ولی عهد جدید آمدن او را در مرحله اول به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹: ۹ نشان می‌دهد. دو عصر یهود (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه کنید) عصر شرارت و عصر پارسایی و صداقت همپوشانی می‌شوند. عیسی در حال حاضر در قلبهای مومنین حکومت می‌کند، ولی روزی بر تمامی مخلوقات حکومت خواهد کرد. او همان گونه که عهد عتیق پیش‌گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! مومنین در پادشاهی خدا که از "قبل وجود داشته" در برابر "هنوز نیامده" زندگی می‌کنند (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas Stuart's *How to Read The Bible For All Its Worth* صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

۲۹:۱۲ "آتش سوزاننده" این کنایه می‌تواند ارجاعی به ماجرای کوه سینا باشد (تثنیه ۴: ۲۴). ما حتی نباید فراموش کنیم که به چه کسی واکنش نشان می‌دهیم (عبرانیان ۱۰: ۳۱). آتش می‌تواند هم پاک و تلخیص‌کننده و هم می‌تواند باعث تخریب کامل گردد. خداوند پدر آسمانی ما خواهد بود و یا داوری از بهشت برای اعمال ما. کاری که ما با عیسی شروع کرده و ادامه می‌دهیم، تعیین‌کننده نهایی خواهد بود. باور کرده و تحمل داشته باشید!

سوالات این مبحث

- این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.
- این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.
۱. فهرستی از ویژگی‌های انسان‌ها را در فصل ۱۱ و ۱۸-۲۹ که ما باید دنبال نماییم را نام ببرید.
 ۲. آیا آیه ۱ به ما اینگونه یاد می‌دهد که مردگان بر زندگی افراد زنده نظارت دارند؟
 ۳. چرا نویسنده انجیل استعاره‌های متعدد ورزشی در این فصل بکار برده است؟
 ۴. مقصود این فصل در ارتباط با کلیت کتاب مقدس چیست؟
 ۵. مقصود نهایی خداوند برای زندگی ما چه می‌باشد؟ (عبرانیان ۱۲: ۱۰، ۲۸)

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

| UBS ⁴ | NKJV | NRSV | TEV | NJB |
|--|-------------------------------------|----------------------------|---|---|
| خدمت در راه رضای خدا ۶-۱:۱۳ | نتیجه راهنمایی‌های اخلاقی ۶-۱:۱۳ | تذکرات نهایی ۶-۱:۱۳ | چگونه خدا را راضی نگه داریم ۳-۱:۱۳ ۴:۱۳ | آخرین توصیه‌ها ۶-۱:۱۳ |
| ۱۶-۷:۱۳ | نتیجه راهنمایی‌های مذهبی ۱۷-۷:۱۳ | ۱۶-۷:۱۳ | ۶-۵:۱۳ ۹-۷:۱۳ | ۱۶-۷:۱۳ |
| ۱۷:۱۳ | درخواست دعا | پیام‌های شخصی ۱۷:۱۳ | ۱۶-۱۰:۱۳ ۱۷:۱۳ | عطاعت از رهبران دینی ۱۹-۱۷:۱۳ |
| ۱۹-۱۸:۱۳ | نیایش، مشوق‌های پایانی، خداحافظی | ۱۹-۱۸:۱۳ | ۱۹-۱۸:۱۳ | اخبار، آرزوهای خوب و خوش‌آمدگویی ۲۱-۲۰:۱۳ |
| نیایش و برنامه خداحافظی ۲۱-۲۰:۱۳ | ۲۵-۲۰:۱۳ | نیایش ۲۱-۲۰:۱۳ | دعای پایانی ۲۱-۲۰:۱۳ | ۲۱-۲۰:۱۳ |
| ۲۵-۲۲:۱۳ | | یادداشت پایانی ۲۵-۲۲:۱۳ | وعده‌های پایانی ۳۳-۲۲:۱۳ | ۲۲:۱۳ ۲۵-۲۳:۱۳ |
| | | | ۲۴:۱۳ ۲۵:۱۳ | |

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش‌های متنی

- A. بسیاری موارد وجود دارند که در دوره‌های تاریخی "مفروض" نمی‌گنجند.
 ۱. رهبران مسیحی
 ۲. موعظه برای مشرکین، منظور یهودیان نیست.
- B. فصل آخر دارای ویژگی‌های متعدد پالینی می‌باشد.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱:۱۳-۶

۱ محبت برادرانه همچنان برقرار باشد. ۲ از میهمان نوازی نسبت به غریبان غافل مباشید، چرا که با این کار، بعضی نادانسته از فرشتگان پذیرایی کردند. ۳ آنان را که در زندانند به یاد داشته باشید، چنانکه گویی خود نیز با ایشان در بندید؛ همچنین به یاد کسانی باشید که آزار می بینند، چنانکه گویی خود نیز جسماً رنج می کشید.

۴ زناشویی باید در نظر همگان محترم باشد و بسترش پاک نگاه داشته شود، زیرا خدا بی عفتان و زناکاران را مجازات خواهد کرد. ۵ زندگی شما بری از پولدوستی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید، زیرا خدا فرموده است:

«تو را هرگز و نخواهم گذاشت،

و هرگز ترک نخواهم کرد.»

پس با اطمینان می گوئیم:

«خداوند باور من است، پس نخواهم ترسید.

انسان به من چه تواند کرد؟»

۱:۱۳

| | |
|------|--|
| NASB | "بگذارید محبت برادران ادامه داشته باشد" |
| NKJV | "بگذارید محبت برادران ادامه یابد" |
| NRSV | "بگذارید محبت دو جانبه ادامه یابد" |
| TEV | "همچون مسیحیان به یکدیگر عشق بورزید" |
| NJB | "محبت به یکدیگر را همچون برادران ادامه دهید" |

این جمله امری حال معلوم (نه همچون ترجمه NASB، وجه شرطی) بوده، و بمعنی "ایستادگی کردن" و "ادامه دادن" است. چیزی که خوانندگان باید آن را ادامه دهند، "محبت برادرانه" است (فیلاولفیا، رومیان ۱۲:۱۰؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۹؛ ۱ پطرس ۳:۸). آنان در گذشته نیز اینکار را انجام داده (عبرانیان ۱۰:۶؛ ۱۰:۳۲-۳۵) و اکنون نیز به ادامه آن تشویق می گردند. برای کسی که خداوند را می شناسد، این یک نشانه آشکار است (یوحنا ۱۳:۳۴-۴۵؛ ۱۲:۱۵، ۱۷؛ ۱ یوحنا ۲:۱۰؛ ۱۱:۳؛ ۱۴، ۱۷-۲۴؛ ۲۱-۷:۴؛ ۲ یوحنا ۵، به موضوع خاص: پایداری در نوشته های یوحنا در زیر توجه نمایید).

موضوع خاص: پایداری در نوشته های یوحنا - (Special Topic: "Abiding" In John's Writings)

انجیل یوحنا رابطه خاص میان خدای پدر و عیسی پسر را توصیف می کند. یک صمیمیت دوجانبه بر اساس پیروی و برابری عیسی است. در طول انجیل عیسی آنچه را که پدر می گوید و می شنود می گوید، آنچه را که پدر انجام می دهد، انجام می دهد. عیسی خودسرانه عمل نمی کند، بلکه بر اساس اراده پدر عمل می کند (یعنی انجیل یوحنا ۱۹:۵ و ۳۰، ۸:۲۸، ۱۲:۴۹، ۱۰:۱۴ و ۲۴).

این دوستی صمیمانه و خدمتگزارانه الگوی رابطه میان او و پیروانش است. این دوستی و همکاری صمیمانه، برای جذب فرد نیست (مطابق آنچه که در اسطوره های شرقی آمده)، بلکه مشابه سازی یک سبک زندگی معنوی و اخلاقی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳:۱۵، اول پطرس ۲:۲). دوستی وی بر این اساس است:

۱. شناخت (جهان بینی پیام خوش به عنوان کلام خدا)

۲. رابطه (عیسی، همان مسیح وعده داده شده خدا است که باید به او اعتماد و تکیه کرد)

۳. اخلاق (شخصیت او در مومنان خدا به وجود آمده)

عیسی یک انسان ایده آل است، اسرائیلی واقعی، استاندارد انسانیت. او آنچه را که آدم باید می داشت و می توانست (از نظر انسانی) داشته باشد، فاش می کند. عیسی اوج تصویر خداست. او تصویر الهیت سقوط کرده در نوع بشر را احیا می کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷) با:

۱. مکاشفه کامل، منحصر به فرد و والای خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱۱۸، ۱۴:۷ الی ۱۰، کولسیان ۱:۱۵، عبرانیان ۱:۱ الی ۲)

۲. به جای ما مردن (به جای ما کفاره دادن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰:۴۵، دوم قرنتیان ۵:۲۱)

۳. ارائه یک نمونه به انسانها برای پیروی و اطاعت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳:۱۵، اول پطرس ۲:۲۱، اول یوحنا ۱:۷)

اصطلاح "پایداری" (*menō*) منعکس کننده هدف شبیه مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۸ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳:۱۸، غلاطیان ۴:۱۹، افسسیان ۱:۴، اول تسالونیکیان ۳:۱۳، ۴:۳، ۵:۲۳، دوم تسالونیکیان ۲:۱۳، تیتوس ۲:۴، اول پطرس ۱:۱۵)، احیا "سقوط" (مراجعه شود

به کتاب پیدایش ۳). تجدید رابطه خدا و اشرف مخلوقاتش، نوع بشر، با هدف دوستی را پولوس شاگرد "در عیسی" و یوحنا‌ی شاگرد آن را "پایداری در من" می‌نامند (متن اصلی در انجیل یوحنا ۱۵ است).
به استفاده‌های یوحنا توجه کنید:

۱. پایداری میان پدر و پسر
 - a. پدر در پسر (انجیل یوحنا ۳۸:۱۰، ۱۰:۱۴ و ۱۱، ۱۷:۲۱ و ۲۳)
 - b. پسر در پدر (انجیل یوحنا ۳۸:۱۰، ۱۰:۱۴ و ۱۱، ۱۷:۲۱)
۲. پایداری میان خدا و مومن
 - a. پدر در مومن (انجیل یوحنا ۲۰:۱۴ و ۲۳، اول یوحنا ۲۴:۳، ۴:۱۲ الی ۱۳ و ۱۵)
 - b. مومن در پدر (انجیل یوحنا ۲۰:۱۴ و ۲۳، اول یوحنا ۲۴:۲ و ۲۷، ۴:۱۳ و ۱۶)
 - c. پسر در مومن (انجیل یوحنا ۵۶:۶، ۲۰:۱۴ و ۲۳، ۴:۱۵ و ۵، ۱۷:۲۳)
 - d. مومن در پسر (انجیل یوحنا ۵۶:۶، ۲۰:۱۴ و ۲۳، ۴:۱۵ و ۵ و ۷، اول یوحنا ۲:۶ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۸)
۳. سایر عناصر پایداری (مثبت)
 - a. کلام خدا
 - i. به صورت منفی (انجیل یوحنا ۳۸:۵، ۳۷:۸، اول یوحنا ۱۰:۱، دوم یوحنا ۹)
 - ii. به صورت مثبت (انجیل یوحنا ۳۱:۸، ۲:۱۵، اول یوحنا ۱۴:۲ و ۲۴، دوم یوحنا ۹)
 - b. عشق خدا (انجیل یوحنا ۹:۱۵ و ۱۰، ۱۷:۲۶، اول یوحنا ۳:۱۷، ۴:۱۶)
 - c. روح خدا
 - i. در پسر (انجیل یوحنا ۳۲:۱)
 - ii. در مومن (انجیل یوحنا ۱۷:۱۴)
 - d. اطاعت پایداری است (انجیل یوحنا ۱۵:۱۴ الی ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۱۰:۱۵، انجیل لوقا ۴:۶، اول یوحنا ۳:۲۴)
 - e. عشق پایداری در نور است (اول یوحنا ۱۰:۲)
 - f. انجام دادن اراده خدا پایداری است (اول یوحنا ۱۷:۲)
 - g. تدهین پایداری است (اول یوحنا ۲۷:۲)
 - h. درستی پایداری است (دوم یوحنا ۲)
 - i. پسر پایداری است (انجیل یوحنا ۳۵:۸، ۳۴:۱۲)
۴. سایر عناصر پایداری (منفی)
 - a. خشم خدا پایدار است (انجیل یوحنا ۳۶:۳)
 - b. پایداری در تاریکی (انجیل یوحنا ۴۶:۱۲)
 - c. به دور انداختن... سوزاندن (عدم پایداری، انجیل یوحنا ۶:۱۵)
 - d. گناه کردن (عدم پایداری، اول یوحنا ۶:۳)
 - e. دوست نداشتن (عدم پایداری، اول یوحنا ۱۴:۳)
 - f. قاتل نبودن (پایداری زندگی غیر ابدی، اول یوحنا ۱۵:۳)
 - g. آن که زندگی نمی‌کند در مرگ پایدار است (اول یوحنا ۱۴:۳)

ترکیبات متعددی از *philoō* وجود دارد.

۱. عشق برادرانه، عبرانیان ۱:۱۳
۲. عشق غریبه، عبرانیان ۲:۱۳
۳. عشق پول، ۵:۱۳

۱۳:۲ "از میهمان‌نوازی نسبت به غریبان غافل مباشید" این جمله حال دستوری میانی (از فعل لاتین) می‌باشد. ترکیبی است از دو لغت "*phileō*" و "نآشنا" یا "غریبه"، همچون عبارت "عشق غریبه‌ها". در آن دوران هیچ مُثلی در میان راه وجود نداشت بجز کاروانسراهای فاسد که خیلی هم گران قیمت

بودند. مسیحیان به باز کردن درب‌های منزل خود بر روی بشارت دهندگان سیار فراخوانده شده‌اند (متی ۲۵:۳۵؛ رومیان ۱۲:۱۳؛ تیموتائوس ۳:۲؛ تیتوس ۱:۸؛ ۱ پطرس ۴:۹؛ ۲ یوحنا؛ دیداخره ۶:۱۱-۴).

■ **«بعضی نادانسته از فرشتگان پذیرایی کردند»** این بخش از آیه، کنایه‌ای است به سفر پیدایش ۱۸، جایی که ابراهیم با سه فرشته‌ای روبرو گردید که شبیه آدمیان بودند (همینطور *Tobit* فصل‌های ۴ الی ۷). فرشتگان همچنین بر جدعون (داوران ۶)، مانوخ (داوران ۱۳)، لوت (پیدایش ۱۹)، هاجر (پیدایش ۲۱) ظاهر گردیدند. این بدان معنی نیست که مسیحیان ممکن است فرشتگان را ملاقات نمایند، همانگونه که مردان پیر به غریبه‌ها کمک کرده و برکتی گرفتند، پس ایمانداران نیز باید همان کار را انجام دهند.

■ **۳:۱۳ «آنان را که در زندانند به یاد داشته باشید»** این جمله حال دستوری میانی (از فعل لاتین) است. این ایمانداران از کلام عیسی در متی ۲۵:۴۴-۴۵ پیروی کرده، زیرا که در عبرانیان ۱۰-۳۲:۳۶ آنان به سایر ایمانداران کمک کرده بودند. زندانی شدن آنان به دلایل شیطانی نبود، بلکه برای ایمانشان به مسیح بود (۱ پطرس ۴:۱۴-۱۵). زندانی شدن برای همه ایمانداران اولیه از احتمالات بود، همانطوری که برای بسیاری از ایمانداران دنیای امروزی این احتمال وجود دارد.

■ **«چنانکه گویی خود نیز با ایشان در بندید»** (ترجمه آیه انگلیسی: «چنانکه شما نیز از یک پیکرید») این بخش می‌تواند اشاره به (۱) بدن انسان آماده برای شکنجه یا زندانی شدن داشته باشد (۲قرن‌تیا ۱۲:۲، مشابه همین ساختار نیز در کتاب مقدس به زبان یونانی وجود دارد)، و یا (۲) بدن عیسی (در عین حال متن یونانی حاوی آنچه را که انتظار می‌رود نیست)، یا کلیسا که همواره موضوع شکنجه بودند.

■ **۴:۱۳ «زنا شویی باید در نظر همگان محترم باشد»** در متن انگلیسی، فعل وجود ندارد. چنانچه «باید» را اخباری در نظر بگیریم، می‌توان نتیجه گرفت که این اظهار بر ضد تعالیم دروغین می‌باشد (۱قرن‌تیا ۷:۳۸، که بلحاظ اخلاقی ازدواج را در درجه دوم تجرد قرار داده است و یا ۱ تیموتائوس ۴:۳). اما اگر را دستوری در نظر گرفته شود، «باید...باشد...» آنگونه که در متن ترجمه NASB عبرانیان ۱۳:۱ وجود دارد، پس نتیجه گرفته می‌شود که آیه، تشویق به عمل برخلاف گرایش‌های غیر اخلاقی فرهنگ بشری است (عبرانیان ۱۳:۴ نیز در جهت تأیید این گزینه است).

■ **«بسترش پاک نگاه داشته شود»** ازدواج هدیه‌ای خدادادی و یک هنجار برای همه انسان‌ها است (پیدایش ۱:۲۸؛ ۱:۹، ۷). ازدواج گناه و شرمساری نیست. فلسفه یونانی مفهوم ریاضت، شدت کلیسای اولیه را تحت تأثیر قرار داده بود! مطابق دیدگاه این فلسفه، بدن انسان شریر بوده و باید تمام خواست‌ها و نیازهای آن را به منظور دستیابی به روح والاتر، نادیده گرفت. هنوز هم در برخی کلیساها شاهد اثرات این فلسفه هستیم. واژه «پاک» در عبرانیان ۷:۲۶ برای تعریف پاک‌ی جنسی عیسی، کاهن اعظم ما استفاده شده است. در نسخه Septuagint اما برای اشاره به زنا بکار برده شده بود. چنانچه این کتاب توسط یهودیان نوشته شده باشد، پس این هشدار در برابر بی‌قیدی در امور جنسی را باید غافلگیر کننده تلقی کرد. فرهنگ غیر کلیمیان، برخلاف جامعه یهود، در قرن اول بر پایه استثمار جنسی شکل گرفته بود. مطلب درباره این دوره تاریخی و دریافت‌کنندگان عبرانیان زیاد و نامعلوم است.

■ **«بی‌عفتان»** واژه بکار برده شده در زبان انگلیسی در عهد عتیق، به معنی ارتباط جنسی بین نفر که ازدواج نکرده‌اند می‌باشد، اما در عهد جدید این واژه دارای معنی و سیع‌تری بوده و هرگونه بی‌اخلاقی جنسی را شامل می‌گردد. واژه پورنوگرافی در زبان انگلیسی نیز از ریشه یونانی همین لغت گرفته شده است.

■ **«زناکاران»** این واژه بمعنی ارتباط جنسی بین دو نفر بوده که یکی از آنها با شخص دیگری ازدواج کرده باشد. بدلیل شیوع بی‌عفتی و تمرین‌های پرستشی توسط غیرمسیحیان و غیر یهودیان، گناهان جنسی دغدغه کلیسای اولیه بوده است (غلاطیان ۵:۱۹-۲۱).

■ **«خدا مجازات خواهد کرد»** مجازات خداوند برای اعمال جنسی غیرطبیعی انسان را می‌توان در رومیان ۱:۲۴-۳۲؛ غلاطیان ۵:۱۹-۲۱؛ افسسیان ۴:۱۹؛ کولسیان ۳:۵؛ مکاشفه ۲۱:۸؛ ۱۵:۲۲ مشاهده کرد. با اینحال، آیات دیگری نیز در ۱قرن‌تیا ۵:۵ و ۱ تیموتائوس ۱:۹-۱۱ وجود دارند که در ارتباط با ایماندارانی که به چنین اعمال غیراخلاقی دست می‌زنند، می‌باشد. کلیسای اولیه باید به منظور تعریف چارچوب‌های راهنما، با مشکل بی‌عفتی در زندگی ایمانداران برخورد می‌کرد.

۱. آنان باید توبه نمایند

^۷ آموزه دوازده پیام‌آور، از رساله‌های اولیه و کوتاه مسیحی است که بیشتر پژوهندگان، آن را متعلق به اواخر سده یکم یا اوایل سده دوم میلادی می‌دانند. دیداخره قدیمی‌ترین دستورالعمل موجود در مورد انضباط کلیسایی است که برای مسیحیان نوکیش نگارش شده است.

۲. سایر ایمانداران باید به آنان کمک کنند (غلاطیان ۶: ۱؛ یعقوب ۵: ۱۶، ۱۹-۲۰)
۳. ایمانداران نباید بهترین دوستان خود را از میان ایمانداران بی‌عفت و اخلاق انتخاب نمایند (۱ قرنتیان ۵: ۹-۱۳)
- امروزه اخلاق مسیحیان، ازدواج‌های پایدار، میهمان‌نوازی و محبت برادرانه در حد دوران کلیسای اولیه، وخیم است.

۵:۱۳

NASB "اطمینان حاصل کنید که زندگی شما بری از پولدوستی باشد"

NKJV "بگذارید تا رفتار شما عاری از حرص و طمع باشد"

NRSV, TEV "زندگی خود را بری از پولدوستی نمایید"

NJB "زیاده‌جویی را از زندگی خود بیرون کنید"

در اینجا دوباره فعلی بکار برده نشده، لذا امر دستوری برداشت می‌گردد. موصوف آن تلفیقی است از:

۱. یک آلفای سلبی
 ۲. *Phileō* (از عبرانیان ۱۳: ۱ این سومین تلفیق با واژه *Phileō* می‌باشد)، بمعنی عشق وریدن
 ۳. یک سکه نقره‌ای
- معنی آن "عاشق پول نبودن" است. در اینجا پول مشکل اصلی نبود، بلکه دوست داشتن پول اهمیت داشت (لوقا ۱۲: ۱۵؛ ۱۴: ۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۳؛ ۶: ۱۰، ۱۹-۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۲).

■ "به آنچه دارید قناعت کنید" این جمله وجه و صفی حال مجهول بوده که در یک حالت دستوری استفاده می‌شود. نکته نهفته در این عبارات مشکل کلیدی برای خوشحالی هستند. این موضوع یک دیدگاه جهان شمول است که بر موضوعات فیزیکی و ضروری تمرکز نمی‌کند. قناعت عطیه‌ای بسیار عالی از سوی خداوند بوده که باید آن را بوسیله ایمان پذیرفت و در زندگانی از آن استفاده کرد ۲ قرنتیان ۹: ۸؛ فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۲؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۶-۱۰).

■ "تورا هرگز و نخواهم گذاشت و هرگز ترک نخواهم کرد" این یک نقل قول با دو تأکید منفی است که از وعده خدا به رهبران و مردمش برداشت شده است. خداوند با ما و از برای ما است (تثنیه ۳۱: ۶-۷؛ یوشع ۱: ۵؛ ۱ قرنتیان ۲۸: ۲۰؛ اشعیا ۴۱: ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷). ایمانداران هرگز نباید نگران توشه روزمره‌شان باشند (متی ۶: ۱۹-۳۴).

■ ۶: ۱۳ "خداوند" (در متن اصلی "ارباب" استفاده شده است) این نام از مزمور ۱۱۸: ۶ نسخه Septuagint گرفته شده، اما مشابه همین حقیقت را می‌توان در مزمور ۴: ۵۶، ۱۱ یافت.

■ "خداوند یاور من است" مزمور ۱۱۸ حاوی کلمات اطمینان بخش قدرتمندی درباره محبت خداوند، بخشش، حضور و کمک می‌باشد. موصوف "یاور" فقط اینجا در عهد جدید بکار برده شده است (اما فعل آن در عبرانیان ۲: ۱۸ بکار برده شده است)، البته در نسخه LXX اغلب از آن استفاده شده بود. معنی آن "یاری رساندن" یا "به نجات کسی شتافتن" است.

■ "انسان به من چه تواند کرد؟" این حقیقت بزرگ (مزمور ۵۶: ۴، ۱۱؛ ۱۱۸: ۶) نیز تقریباً با واژگانی متفاوت در رومیان ۸: ۳۱ بکار برده شده و بعد در عبرانیان ۸: ۳۲-۳۹ به تصویر کشیده شده است.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۷: ۱۳-۱۶

۷ رهبران خود را که کلام خدا را برای شما بیان کردند، به یاد داشته باشید. به ثمره شیوه زندگی آنها توجه کنید و از ایمانشان سرمشق گیرید. ۸ عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است.

۹ با تعالیم مختلف و عجیب از راه به در مشوید؛ زیرا نیکوست که دل انسان از فیض تقویت یابد، نه از خوراکیهایی که برای معتقدان به آنها نفعی ندارد. ۱۰ ما مذبحی داریم که خدمتگزاران خیمه حق ندارند از آنچه بر آن است بخورند.

۱۱ کاهن اعظم، خون حیوانات را به عنوان قربانی گناه به قدس‌الاقداص می‌برد، اما لاشه‌ها بیرون از اردوگاه سوزانیده می‌شوند.

۱۲ به همین‌سان، عیسی نیز بیرون دروازه شهر رنج کشید تا با خون خود، قوم را تقدیس کند. ۱۳ پس بیابید در حالی که همان ننگ را که او متحمل شد، بر خود حمل می‌کنیم، نزد او بیرون از اردوگاه برویم. ۱۴ زیرا در اینجا شهری ماندگار نداریم بلکه مشتاقانه در انتظار آن شهر آینده هستیم.

۱۵ پس بیایید به واسطه عیسی قربانی سپاس را پیوسته به خدا تقدیم کنیم. این قربانی، همان ثمره لبهایی است که به نام او معتقدند. ۱۶ از نیکویی کردن و سهیم نمودن دیگران در آنچه دارید غفلت مورزید، زیرا خدا از چنین قربانیها خشنود است.

۷:۱۳ "به یاد داشته باشید" حال افعالی دستوری می باشد. این عبارات دلالت دارند بر دعا برای رهبران و احترام گذاردن به آنان. این جمله با عباراتی که در عبرانیان ۳:۱۳ آمده شبیه، اما متفاوت است. ایمانداران ملزم به هو شیار بودن درباره دعا و تکریم خدمات به جسم عیسی (عبرانیان ۳:۱۳) و رهبران او هستند (عبرانیان ۷:۱۳، ۱۷، ۲۴؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱۲-۱۳).

■ "رهبران خود را" آیات ۱۷ و ۲۴ به رهبران فعلی می پردازند، لذا عبرانیان ۷:۱۳ باید اشاره به آن رهبرانی داشته باشد که اولین بار انجیل را وعظ کرده، اما اکنون از دنیا رفته اند.

■ "کلام خدا را برای شما بیان کردند" این وظیفه رهبران کلیسا است. آنها کشفیات یا تجربیات شخصی/فرهنگی خود را تدریس یا وعظ نمی کنند، بلکه خبر خوش عیسی مسیح را بشارت می دهند. به همین منظور آنان را تکریم کرده، محترم شمرده و برایشان دعا می کنیم.

■ "به ثمره شیوه زندگی آنها توجه کنید" این جمله وجه وصفی معلوم بوده که بصورت دستوری استفاده گردیده است. این رهبران، همچون آنان که در فصل ۱۱ به نقش آنان اشاره گردید، در تمام طول زندگی و تا لحظه مرگ وفادار باقی ماندند. زندگی آنان شاهد اعتبار پیام آنان بوده است.

■ "از ایمانشان سرمشق گیرید" این جمله (در دستور زبان لاتین) حال دستوری میانی است. مؤلف کتاب ما خوانندگان را فرا می خواند تا از ایمان رهبرانشان پیروی کنند. پولس رسول اغلب ایمانداران را تشویق می کرد تا از ایمان وی سرمشق بگیرند (۱ قرنتیان ۴:۱۶؛ ۱۱:۱-۲؛ فیلیپیان ۳:۱۷؛ ۹:۴؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۶؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۷، ۹).

۸:۱۳ "عیسی... همان است" شخصیت های فصل ۱۱ نمونه های خوبی بودند؛ رهبران پیشین و فعلی نمونه های خوبی بودند؛ عیسی بهترین نمونه ما است. شخصیت و وفاداری وی هرگز تغییر نکرد (مزمور ۱۰۲:۲۶-۲۷، که در عبرانیان ۱۲:۱ نیز نقل گردید). مشابه همین اظهارات الهیاتی در رابطه با یهوه در ملاکی ۳:۶ ثبت گردیده است. شخصیت و رأفت خداوند با ثبات بوده و همینطور این موضوع درباره عیسی مصداق دارد.

۹:۱۳ "از راه به در مشوید" این جمله مجهول دستوری با یک لفظ منفی است که معمولاً بمعنی توقف امری در حال اجرا می باشد. برخی از رهبران در حال "عقب نشستن" بودند (عبرانیان ۲:۱۰؛ ۱۰:۳۸). صدای منفی این جمله حکایت از فعال بودن شیطان یا موجودات شریر دارد.

■ "با تعالیم مختلف و عجیب از راه به در مشوید" مشخص نیست که در این جمله چه عواملی دخیل هستند، اما نمونه مشابهی از تعالیم تلفیقی یهودی و غیریهودی در کولسیان ۲:۱۶-۲۳ مورد نكوهش قرار گرفته است.

به نظر من اینگونه می رسد که بخش هایی از فصل ۱۳ نزدیک به پالین بوده که در نامه به یک کنیسه اضافه گردیده است. بخش هایی از این فصل (عبرانیان ۴:۱۳-۵) در قالب یک کلیسا با مخلوطی از مردم گنجانده می شود نه یک کنیسه.

| | |
|------|---|
| NASB | "زیرا نیکوست که دل انسان از فیض تقویت یابد" |
| NKJV | "زیرا نیکوست که دل انسان بوسیله فیض شکل گیرد" |
| NRSV | "زیرا برای دل انسان خوب است که توسط فیض تقویت یابد" |
| TEV | "نیکو است که نیروی درون بوسیله فیض دریافت شود" |
| NJB | "برای نیروی درونی بهتر است که به فیض اتکا شود" |

مصدر این جمله حال مجهول است. این شنوندگان نیازمند پایه گذاری محکم بودند، نه بر رسوم مذهبی و تشریفات، قربانی کردن حیوانات و یا غذاهای شرعی، بلکه بر عشق خداوند به عیسی مسیح (انجیل، عبرانیان ۷:۱۳). آنان میان موسی و عیسی دچار تردید بودند. عیسی، پیمان لامتغیر پدر، بمراتب ارجح تر از مراحل و کلمات اولین پیمان است.

درک شخصیت و محتب تغییرناپذیر خداوند، بوضوح در زندگی، تعالیم و مرگ عیسی بیان شده است (انجیل)، و این چیز است که ایمانداران را تشویق می کند. قلب و ذهن ایمانداران بسبب دانش کلام خدا و ارتباط شخصی با شبان بزرگ، قوی می گردد نه بوسیله رسوم متفرقه (پیمان قدیم موسایی). نویسنده کتاب اغلب مسائل روحانی "قلب یا دل" را مورد خطاب قرار می دهد (به موضوع خاص در عبرانیان ۳:۸ رجوع شود). وی ده ها نقل قول در متون عهد عتیق می آورد.

۱. عبرانیان ۳:۸، ۱۵؛ ۴:۷ "دل خود را سخت مسازید"، (مزمور ۹۵:۸)

۲. عبرانیان ۳:۱۰ "دل خود گمراهند" (مزمور ۹۵:۱۰)

۳. عبرانیان ۸:۱۰ "بر دلهای ایشان خواهم نگاشت"

نویسنده سپس این حقایق را در عبرانیان ۱۲:۳؛ ۱۲:۴ و ۲۲:۱۰ خلاصه می‌کند. دل معرف جنبه‌های روانی، احساسی و اختیاری بشر می‌باشد. مسیحیت با نیازهای درونی انسان رانده شده از بهشت سر و کار دارد، در جایی که یهودیت توان آن کار را نداشت.

■ "قلب" به موضوع خاص در عبرانیان ۸:۳ رجوع شود.

■ "نه از خوراکی‌هایی که برای معتقدان به آنها نفعی ندارد" این ارجاع روشنی به لایوان ۱۱ می‌باشد. خوراک‌های شرعی از عیسی گذر کردند (متی ۱۱:۱۵؛ مرقس ۷:۱۸-۲۳؛ اعمال رسولان ۱۰؛ کولسیان ۲:۱۶-۲۳). این موضوعات دیگر دغدغه ایمانداران برای رسیدن به رستگاری نبودند (غلاطیان ۳؛ اعمال رسولان ۱۵)، بلکه در چارچوب کلیسا، ایمانداران همچنان موظف به هشیاری در برابر "برادران ضعیف‌تر" خود بودند (اعمال رسولان ۱۵:۱۹-۲۰؛ رومیان ۱:۱۴-۱:۱۵؛ ۶؛ ۱۰؛ ۱۱:۱۴-۱۰:۲۳) و باید سعی می‌کردند تا ضمیر باطن آنان را تضعیف نکنند.

۱۰:۱۳ "ما مذبحی داریم" این عبارات از لحاظ علم ریشه‌شناسی بنظر می‌رسد که اشاره به یک خیمه روحانی (آسمانی) داشته باشد، نه یک مذبح واقعی بر روی زمین، لذا اشاره آن به کار خاص قربانی شدن عیسی بخاطر ایماندارانش می‌باشد. این عبارات استعاره بسیار قوی برای نشان دادن دستیابی ما به خداوند از طریق عیسی می‌باشد.

■ "حق ندارند... بخورند" این نیز کنایه دیگری است به لایوان ۱۶.

۱۱:۱۳ "به عنوان قربانی گناه... بیرون از اردوگاه سوزانیده می‌شوند" این کنایه دیگری است به روند آنچه که در لایوان ۱۶:۲۷ در روز کفاره جریان داشت.

۱۲:۱۳ "عیسی... بیرون دروازه شهر رنج کشید" این بازی با کلمات ربیانی روحانی یهود برای انتقال قربانیان به بیرون از دروازه‌های شهر در عهد عتیق می‌باشد، همانطور که عیسی را برای مصلوب کردن به خارج از اورشلیم انتقال دادند.

۱۳:۱۳ "نزد او بیرون از اردوگاه برویم" این آیه در کتاب، آیه کلیدی می‌باشد. جمله وجه شرطی حال میانی (در لاتین) بوده که سخن از تداوم عمل و اضافه کردن عنصر احتمال وقوع رویدادی در آینده دارد (این آخرین تذکر و هشدار در برابر "عقب نشینی" است). لازم است ایمانداران به طور عمومی با او برسمیت شناخته شده سرزنش‌های وی را بدون توجه به عواقب آن تحمل کنند. این دعوت برای تمامی آن ایماندارانی که در کنیسه "پناه گرفته بودند" بوده تا تحت روشنایی کامل جامعه بزرگ مسیحیت حرکت کنند (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ اعمال رسولان ۱:۸).

۱۵:۱۳ "به واسطه عیسی" (در نسخه انگلیسی "به واسطه او" نوشته شده است) این اشاره به عیسی با ذکر نام در عبرانیان ۱۳:۱۲ که بوسیله قربانی کردن خون خودش در خارج از دروازه‌های اورشلیم، مردمش را تقدیس کرد. همه فواید معنوی بوسیله او بدست می‌آیند!

■ "پس بیایید به واسطه عیسی قربانی سپاس را پیوسته به خدا تقدیم کنیم" این جمله وجه شرطی حال فعال است. نظام قربانی کردن که برای ترویج دوستی با خدا بوسیله یافتن راه حلی برای معضل گناه به اسرائیل داده شده بود، با پنج گونه قربانی سر و کار داشت.

A. دو مورد الزامی بودند

۱. قربانی "تقدیم شده برای گناه"

۲. قربانی "تقدیم شده برای عبور غیر مجاز به حریم‌های اشخاص و بزه"

B. سه مورد داوطلبانه بودند

۱. قربانی‌های کاملاً سوزانده شده

۲. صدقات بصورت غله/گوشت

۳. پیشکشی‌هایی در قالب دوستی یا صلح

در رابطه با سه مورد آخر است که مفاهیمی چون پرستش و شکرگذاری ذکر گردیده‌اند (لایوان ۷:۱۲). این قربانیان با جزئیات در لایوان ۱-۷ توضیح داده شده‌اند. در مزامیر اغلب این جنبه از پرستش را ذکر کرده است (مزمور ۲۷:۶؛ ۵۰:۱۴؛ ۶۹:۳۰؛ ۱۰۷:۲۲؛ ۱۱۶:۱۷). عبارت "قربانی جبران" از نسخه Septuagint گرفته شده است (لایوان ۷:۲، ۳، ۵؛ ۲۹:۳۱؛ ۳۱:۳۳؛ ۱۶:۳۳؛ مزمور ۴۹:۱۴، ۲۳؛ ۱۰۶:۲۲).

■ "ثمره لبها" این عبارات در اشعیا ۵۷:۱۹ و هوشع ۱۴:۳ نسخه Septuagint منعکس شده‌اند. بخش‌های همچون این مورد توسط اسرائیلیان در تبعید مورد استفاده قرار گرفت تا عبادات کلامی را جایگزین حیوانات قربانی نمایند، چرا که معبد در سال ۵۸۶ پیش از میلاد، توسط نبوکدنصر دوم، پادشاه بابلی جدید کاملاً تخریب گردیده بود. این معبد دوباره در سال ۷۰ پس از مصلوب شدن عیسی توسط روم باستان نابود گردید. تاریخ نگارش این کتاب مشخص نیست.

| | |
|------|-----------------------------------|
| NASB | "به شکر می‌کنند به نام او" |
| NKJV | "به نام او شکر می‌کنند" |
| NRSV | "که به نام او معترفند" |
| TEV | "که به خدایی او معترفند" |
| NJB | "آنان که او را با نامش می‌شناسند" |

برای ایمانداران، شکرگذاری ما به خداوند، همانا اعتراف ما (*homologēō*) به عیسی (آنگونه که نام وی در متی ۱۹:۲۸-۲۰ یا رومیان ۹:۱۰-۱۳ بکار برده شده) بعنوان خدا (ترجمه TEV، که فیلیپیان ۲:۶-۱۱ را منعکس می‌کند) است.

۱۶:۱۳ "از نیکویی کردن ... غفلت مورزید" این یک جمله دستوری متوسط با بار منفی بوده که معمولاً به معنی توقف یک عمل در حال اجرا می‌باشد. خداوند هنگامی که فرزندانش به یکدیگر محبت و کمک می‌کنند، خوشنود خواهد بود (فیلیپیان ۴:۱۸).

در متون یهود، "کارهای نیک" (*koinōnia*) احتمالاً اشاره به صدقه (متی ۶:۱) دارد، و جوهی که بوسیله اعضای کنیسه بصورت هفتگی اهدا می‌گردید تا خوراک لازم تهیه شود. یهودیان این عمل را کاری در راه پارسایی و رستگاری می‌دانستند.

■ "سپهیم نمودن"

موضوع خاص: معاشرت – Special Topic: Koinōnia (Fellowship)

واژه معاشرت (*koinōnia*) یعنی

۱. همنشینی صمیمی با یک شخص

a. با پسر خداوند (۱قرننتیان ۱:۹؛ ۱یوحنا ۱:۶)

b. با روح القدس (۲قرننتیان ۱۳:۱۴؛ فیلیپیان ۲:۱)

c. با پدر و پسر (۱یوحنا ۱:۳)

d. با سایر خواهران و برادران هم‌پیمان (اعمال رسولان ۲:۴۲؛ ۲قرننتیان ۸:۲۳؛ غلاطیان ۲:۹؛ فیلمون ۱۷؛ ۱یوحنا ۱:۳، ۷)

e. بجز با شیطان (۲قرننتیان ۶:۱۴)

۲. همنشینی صمیمی با گروه‌های مختلف

a. با انجیل (فیلیپیان ۱:۵؛ فیلمون ۶)

b. با خون مسیح (۱قرننتیان ۱۰:۱۶)

c. بجز با تاریکی (۲قرننتیان ۶:۱۴)

d. با رنج (۲قرننتیان ۱:۷؛ فیلیپیان ۳:۱۰؛ ۱۴:۴؛ ۱پطرس ۴:۱۳)

۳. هدیه یا اعانه بسیار سخاوتمندانه (رومیان ۱۲:۱۳؛ ۱۵:۲۶؛ ۲قرننتیان ۸:۴؛ ۱۳:۹؛ فیلیپیان ۴:۱۵؛ عبرانیان ۱۳:۱۶)

۴. برکت خداوند از طریق مسیح، که همنشینی بشر را با خداوند و خواهران و برادران بازگرداند.

این امر یک رابطه افقی (انسان با انسان) را تسریح کرده که از طریق یک رابطه عمودی (انسان با خالق) بوجود می‌آید. همچنین بر ضرورت نیاز شاری برای جامعه مسیحی تأکید دارد.

■ "خدا از چنین قربانیها خشنود است" توجه داشته باشید که در عبرانیان ۱۳:۱۵ قربانی قابل پذیرش بوسیله ایمان به عیسی شناخته می‌شد، اکنون بوسیله زندگی همچون مسیح شناسایی می‌گردد. خبر خوش هر دوی این موارد هستند!

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۷:۱۳

از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیدبانی می‌کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما خواهد بود.

۱۷:۳ "اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید" این دو جمله حال دستوری و حال دستوری افعالی است (A.T. Robertson آن را با لفظ متوسط تشخیص داده است). با وجود اینکه هر فرد در راه مسیح به آزادی می‌رسد، ولی ما باید خودمان را آماده کنیم تا حاصل کار ما رشد معنوی و خدمت به روح القدس باشد (عبرانیان ۱۳:۷؛ ۱قرننتیان ۱۶:۱۶؛ ۱تسالونیکیان ۵:۱۲-۱۳).

چنین کلام تشویق کننده ای برای تفویض به رهبران دینی در چنین روزهایی که بی احترامی به مقامات در هر رده ای رایج است، امری لازم بوده و تأکید فراوانی است بر حقوق فردی. خداوند در میان مردمش، رهبرانی قرار داده است (اعداد ۱۶: ۳-۵). آنان بواسطه تعالیم، تعهد و خدماتی که ارائه می دهند مورد احترام و تکریم ما هستند. این توازن، احترامی دو طرفه و وجود روح همکاری میان مردمان خدا و رهبران او باید برقرار باشد. تمام ایمانداران فراخوانده شده اند تا برای احترام به مسیح، برای یکدیگر موضوعیت و اهمیت قائل باشند (افسیسیان ۵: ۲۱).

■ **"بر جانهای شما دیدبانی می کنند"** معنی این عبارت "بیدار بودن" و "گوش بزننگ بودن" است (مرقس ۱۳: ۳۳؛ لوقا ۲۱: ۳۶؛ افسسیان ۶: ۱۸)، که استعاره ای برای پشتکار در پاسداری و خدمت می باشد (اشعیا ۲۶: ۶؛ حزقیال ۱۷: ۳؛ ۳۳: ۷-۹).

■ **"و باید حساب بدهند"** رهبران در برابر بشارتی که می دهند مسئول هستند و باید در مقابل خداوند پاسخگو باشند (۱ قرنیتیان ۳: ۱۰-۱۵). آنان همچون میهمانداران هواپیما و کشتی هستند!

■ **"بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله"** طرز برخورد جماعت کلیسا نشاندهنده بشارت آنان نیست، بلکه زمان حضور در آن محیط را نشاط آور یا دردآور و کسل کننده می کنند.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۳: ۱۸-۱۹

۱۸ برای ما دعا کنید، زیرا مطمئنیم که وجدانمان پاک است و می خواهیم از هر جهت با سربلندی زندگی کنیم. **۱۹** بخصوص از شما استدعا دارم دعا کنید که بتوانم هر چه زودتر نزدتان بازگردم.

۱۳: ۱۸ **"برای ما دعا کنید"** دعا برای رهبری و توسط رهبران امری دشوار است (افسیسیان ۶: ۱۸-۱۹؛ فیلیپیان ۴: ۶؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۵؛ تیموتائوس ۲: ۱-۲، ۸). استفاده از "ما" می تواند نشاندهنده بشارت گروهی شامل تیموتائوس باشد (عبرانیان ۱۳: ۲۳).

■ **"زیرا مطمئنیم که وجدانمان پاک است و می خواهیم از هر جهت با سربلندی زندگی کنیم"** شیوه برخورد اجتماعی و مدل زندگی شخصی، بنیان رهبری را تشکیل می دهد. نویسندگان عبرانیان بارها درباره "باطن" رهبران تذکر داده است (عبرانیان ۹: ۹، ۱۴؛ ۲: ۱۰؛ ۲۲؛ ۱۳: ۱۸). نیروی رستگاری مسیح و حضور حضور دائمی روح باعث از میان برداشته شدن ترس از خداوند و شرم از گناهان گذشته شده و آنها را با شادی، صلح و اعتماد بنفس جایگزین نموده است، البته نه در بوسیله رفتار انسان، بلکه توسط کلام انجیل! دانش انجیل همچون کلاه ضد ضربه رستگاری. نجات است (افسیسیان ۶: ۱۷؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۸).

برخی از مفسرین این آیه را نوعی تهمت برای هم سطح پنداری با نویسنده کلام برداشت کرده اند (شبهه موقعیت پولس در اول قرنیتیان و غلاطیان).

۱۳: ۱۹ این آیه قدری مرموز است. به نوعی آمدن نویسنده با دعای آنان مرتبط شده است. این موضوع خیلی شبیه داستان پولس رسول است (رجوع شود به فیلمون ۲۲). دعا باعث می گردد تا نیروی مؤثر توسط خداوند برای بشارت فراهم گردد. دعاها ی ایمانداران خداوند و سایرین را تحت تأثیر قرار می دهد.

برخی از مفسرین (همچون H.E. Dana در کتاب *Jewish Christianity* صفحه ۲۶۸) تصور کرده اند که این آیه اشاره به بیماری نویسنده، و یا حتی زندانی بودن وی دارد (عبارت "زودتر" توسط تیموتائوس در عبرانیان ۱۳: ۲۳ استفاده شده است).

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱

۲۰ حال، خدای سلامتی که شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون آن عهد ابدی از مردگان برخیزانید، **۲۱** شما را به هر چیز نیکو مجهز گرداند تا اراده او را به انجام ر سائید. با شد که او هر آنچه را که موجب خشنودی او ست به واسطه عیسی مسیح در ما به عمل آورد، که او را جلال جاودانه باد. آمین.

۱۳: ۲۰ **"حال، خدای سلامتی"** این عنوان برای خدای پدر فقط در اینجا و در نوشته های پولس بکار برده شده است (رومیان ۱۵: ۳۳؛ ۲۰: ۱۶؛ ۱ قرنیتیان ۱۴: ۳۳؛ ۲ قرنیتیان ۱۳: ۱۱؛ فیلیپیان ۴: ۹؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ "خدای سلامتی" ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۶).

■ **"از مردگان برخیزانید"** معمولاً عهد جدید خدای پدر را در حال برخیزاندن عیسی از مرگ به تصویر می کشد (اعمال رسولان ۲: ۲۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰؛ ۳۳: ۳۴؛ ۳۷؛ ۳۱: ۱۷؛ رومیان ۴: ۶؛ ۹؛ ۱۰: ۹؛ ۱ قرنیتیان ۶: ۱۴؛ ۲ قرنیتیان ۴: ۱۴؛ غلاطیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۲۰؛ کولسیان ۲: ۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۱۰). این امر نشاندهنده پذیرش زندگی، آموزه ها و قربانی شدن عیسی توسط خداوند است. با اینحال، متون دیگری وجود داشته که تسریح می کنند قیام از مردگان با وساطت روح القدس (رومیان ۸: ۱۱) و یا شخص پسر، یعنی عیسی (یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸)

روی داده بود. اگر از منظر الهیاتی به این موضوع بنگریم، متوجه خواهیم شد که هر سه نفر دخیل در تثلیث در کلیه مراحل رستگاری نقش ایفا کرده‌اند.

■ **"شبان اعظم"** واژه "شبان" یک استعاره در عهد عتیق است برای:

۱. یهوه (پیدایش ۴۹:۲۴؛ مزمور ۲۳:۱؛ ۵۲:۷۸؛ ۸۰:۱؛ جامعه ۱۲:۱۱؛ اشعیا ۴۰:۱۱؛ ۶۳:۱۱؛ ارمیا ۳۱:۱۰؛ حزقیال ۳۴)

۲. رهبر و مردم وی (ارمیا ۱۰:۲۱؛ ۵۰:۶-۷؛ حزقیال ۳۴:۲-۳؛ زکریا ۱۱:۳، ۵، ۱۵، ۱۷)

۳. مسیح موعود، پسر داوود (مزمور ۷۸:۷۰-۷۲؛ حزقیال ۳۴:۲۳-۲۴؛ ۳۷:۲۴؛ میکاه ۵:۴؛ ۷:۱۴؛ زکریا ۱۳:۷؛ یوحنا ۱۰:۲، ۱۱، ۱۴؛ اپطرس ۲:۲۵؛ ۴:۵).

در بسیاری موارد در عهد عتیق (اعداد ۱۷:۲۷؛ ۱ پادشاهان ۲۲:۱۷؛ ۲ قرن‌تینان ۱۸:۱۶؛ حزقیال ۳۴:۵؛ زکریا ۱۰:۲) مردمان خداوند بصورت پراکنده و بدون هیچ شبانی تشریح شده‌اند، اما اکنون شبان اعظم آمده است. وی برای ما فراهم گردیده و با ما است.

■ **"به خون او"** اشاره دارد به از دست دادن زندگی عیسی که سرآغاز پیمان جدید گردید (زکریا ۹:۱۱؛ مرقس ۱۴:۲۴؛ ۱ قرن‌تینان ۱۱:۲۵).

■ **"عهد ابدی"** بسیار دشوار است که عهدهای "ابدی" را به ترتیب عنوان کنیم زیرا، آنگونه که عبرانیان نشان می‌دهد، عهد موسایی شرطی بود و بخاطر

ضعف انسان، ابدی نگردید. عهد عتیق پیمان‌های شرطی و غیرشرطی را ثبت کرده است (خروج، سفر پیدایش ۱۵:۱۷-۲۱). عهد با ابراهیم، در جایی

که همه ملت‌ها مورد برکت خداوند قرار گرفتند، بدون قید و شرط بود (عهد جاودان)، و در نتیجه، ابدی محسوب می‌گردد (همچون پیدایش ۱۷:۷، ۱۳،

۱۹؛ مزمور ۹۱:۱۰-۱۰۵). عهد با داوود، اولین بار در ۲ ساموئیل ۷ نمایان گردید که به نوعی پیشبینی مسیح موعود، پسر داوود بود، که بدون قید و شرط

بوده و در نتیجه، ابدی محسوب می‌شود (مزمور ۸۹:۳-۴). همانگونه که ذکر گردید، پیمان جدید وعده روز جدیدی در رستگاری و نجات را (عصر جدید

روح) برای مردمان خدا داد (اشعیا ۵۵:۳؛ ۵۹:۲۱؛ ۶۱:۸؛ ارمیا ۳۱:۳۳؛ ۳۲:۴۰؛ ۵۰:۵؛ حزقیال ۱۶:۶۰؛ ۳۷:۲۶). می‌توان تصور کرد که یهودیان

دوران عیسی از پیام وی تا چه حد دچار شگفتی گردیدند. وی همیشه برنامه خداوند برای رستگاری بوده، اما شکست قوم اسرائیل برای حفظ شریعت

خداوند که به موسی عطا شده بود، نشان داد که برای رسیدن انسان به نجات و رستگاری راه دیگری نیاز است (غلاطیان ۳). برای مطالعه بیشتر به

موضوع خاص: ابدی در عبرانیان ۲:۶ رجوع نمایید.

موضوع خاص ابدی (Olam) را نیز مطالعه نمایید.

۲۱:۱۳

NASB "شما را به هر چیز نیکو مجهز گرداند"

NKJV "شما را با هر کار نیکی کامل گرداند"

NRSV "شما را با هر چیز نیکی کامل نماید"

TEV "هر چیز نیکی را برای شما فراهم آورد"

NJB "شما را با هر چیز نیکو مجهز گرداند"

این فعل (katartizo)، یک تمنای فاعل بسیار نادر در دستور زبان آتوریستی، که آرزو یا اشتیاق به چیزی را بیان می‌کند (بمعنی کسی یا چیزی را مکفی

کردن، یا قانع کردن و یا کاملاً دارای شایستگی کامل نمودن است (لوقا ۶:۴۰؛ ۱ قرن‌تینان ۱:۱۰؛ ۲ قرن‌تینان ۱۱)؛ ۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۳:۱۰؛ ۱ پطرس ۵:۱۰).

به لحاظ الهیاتی این فعل به موازات افسسیان ۲:۱۰ ارزیابی می‌شود. اراده خداوند اینست که ایمانداران از ذهنیت عیسی پیروی نموده (رومیان ۸:۲۹)، و

زندگی خداپسندانه‌ای را که هر فرد گمراهی را به راه عیسی راهنمایی کند، بوجود آورند.

■ **"اراده او را به انجام رسانید"** عیسی با خواست و اراده خداوند در قالب یک خدمتگذار رنج‌دیده آمد (عبرانیان ۱۰:۷)، اکنون پیروان او به منظور عمل

به خواست او فرا خوانده شده‌اند (عبرانیان ۱۰:۳۶).

موضوع خاص: اراده خدا (Thelēma) - (Special Topic: The Will of God)

اراده خدا شامل طبقه‌بندی‌های بسیاری می‌شود

انجیل یوحنا

• عیسی آمد که خواست خدا را انجام دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴:۳۴، ۵:۳۰، ۶:۳۸)

• در روز آخر تمام کسانی که پدر به پسر داده برمی‌خیزند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶:۳۹)

• تمام آنان که به پسر ایمان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶:۲۹ و ۴۰)

• دعا‌های پاسخ داده شده در رابطه با اراده خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹:۳۱ و اول یوحنا ۵:۱۴)

سایر اناجیل

- انجام خواست خدا که مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۷:۲۱)
- انجام اراده خدا فرد را با عیسی خواهر یا برادر می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۵۰، انجیل مرقس ۳:۳۵)
- خدا برای هیچکس آرزوی نابودی نمی کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴:۱۸، اول تیموتائوس ۲:۴، دوم پطرس ۳:۹)
- کالواری ارائه خدا برای عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶:۴۲، انجیل لوقا ۲۲:۴۲)

نامه های پولس

- خدمت به تمامی مومنین (مراجعه شود به رومیان ۱۲:۱ الی ۲)
- مومنینی که از این عصر شیطانی می روند (مراجعه شود به غلاطیان ۱:۲)
- اراده خدا برنامه رستگاری او بود (مراجعه شود به افسسیان ۵:۱ و ۹ و ۱۱)
- مومنینی که زندگی سرشار از روح را تجربه می کنند (مراجعه شود به افسسیان ۵:۱۷ الی ۱۸)
- مومنینی که سرشار از آگاهی نسبت به خدا هستند (مراجعه شود به کولسیان ۱:۹)
- مومنینی که کامل شده اند (مراجعه شود به کولسیان ۴:۱۲)
- مومنینی که تقدیس شدند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴:۳)
- مومنینی که بابت همه چیز شکرگزار هستند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵:۱۸)

نامه های پطرس

- مومنینی که کار درست را انجام می دهند (مثلا به مقامات ارجاع می دهند) و بدینوسیله کارهای احمقانه افراد را متوقف می کنند، بنابراین فرصتی برای بشارت فراهم می سازند (مراجعه شود به اول پطرس ۲:۱۵)
- مومنینی که رنج می کشند (مراجعه شود به اول پطرس ۳:۱۷، ۴:۱۹)
- مومنینی که زندگیشان خود-محورانه نیست (مراجعه شود به اول پطرس ۴:۲)

نامه های یوحنا

- مومنینی که برای همیشه اطاعت می کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۱۷)
- کلید مومنین در دعاها مستجاب شده (مراجعه شود به اول یوحنا ۵:۱۴)

- "که او را جلال جاودانه باد. آمین" این پاراگراف که در نوشته های پولس و پطرس بسیار رایج است، دو پهلو و گنگ نوشته شده است. بعضی اوقات اشاره به خدای پدر داشته (رومیان ۱۱:۳۶؛ افسسیان ۳:۲۱؛ ۱ پطرس ۴:۱۱؛ ۵:۱۱؛ یهودا ۲۵؛ مکاشفه ۱:۶؛ ۷:۱۲)، گاهی اشاره به عیسی پسر (۲ تیموتائوس ۴:۱۸؛ ۲ پطرس ۳:۱۸) و گاهی نیز هر دو (رومیان ۱۶:۲۷؛ ۱ تیموتائوس ۱:۱۷؛ مکاشفه ۵:۱۳ و در همین آیه). اغلب در عهد عتیق نویسندگان عناوین، اعمال و عبارات مشابهی را به منظور تشریح هم پدر و هم پسر بعنوان راهی برای تشریح نقش کیفی و خدایی عیسی ناصری بکار می برند.
- "آمین" واژه اصلی عبری این لغت به معنی "محکم بودن" است. بعدها این لغت در یک قالب استعاره ای، تبدیل شد به وفاداری، توکل پذیری و قابل اعتماد بودن (عبرانیان ۲:۴). سپس این واژه در حالت "من تصدیق می کنم" یا "من موافق هستم با" در اظهار نظرات مختلف بکار برده شد.

موضوع خاص: آمین - (Special Topic: Amen)

I. عهد عتیق

- A. اصطلاح آمین در زبان عبری برای موارد زیر به کار می رود
 ۱. حقیقت (BDB 49, emeth)
 ۲. راستی (BDB 53, emunah, emun)
 ۳. ایمان یا باوفا بودن
 ۴. اعتماد (BDB 52, dmn)
- B. ریشه یابی این واژه دلالت بر ثبات فیزیکی فرد دارد. مخالف آن فردی است که ثبات ندارد، می لغزد (مراجعه شود به مزمور ۳۵:۶، ۴۰:۲، ۷۳:۱۸، ارمیا ۲۳:۱۲) یا تکان می خورد (مراجعه شود به مزمور ۷۳:۲). از این کاربرد مفهومی مفهوم استعاره ای برای وفاداری، قابل اعتماد بودن، صداقت و قابل اتکا بودن مشتق می شود (مراجعه شود به عبرانیان ۲:۴).
- C. کاربردهای خاص (موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).

۱. ستون، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۸:۱۶ (اول تیموتائوس ۳:۱۵)
 ۲. تضمین، مراجعه شود به خروج ۱۷:۱۲
 ۳. ثبات، مراجعه شود به خروج ۱۷:۱۲
 ۴. پایداری، مراجعه شود به اشعیا ۳۳:۶
 ۵. راستی، مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۰:۶، ۱۷:۲۴، ۲۲:۱۶، امثال ۱۲:۲۲
 ۶. محکم، مراجعه شود به دوم تواریخ ۲۰:۲۰، اشعیا ۷:۹
 ۷. قابل اعتماد (تورات)، مراجعه شود به مزمور ۱۱۹:۴۳ و ۱۴۲ و ۱۵۱ و ۱۶۰
- D. در عهد عتیق دو کلمه عبری دیگر برای ایمان/فعال/جدی استفاده شده است

۱. Bathach، (BDB 105)

۲. yra (BDB 431)، ترس، احترام، پرستش (مراجعه شود به پیدایش ۱۲:۲۲)

- E. از مفهوم اعتماد یا قابل اعتماد بودن مفهوم خاصی مشتق شد که برای تأیید صحت یا قابل اعتماد بودن اظهارات دیگری به کار می‌رفت (مراجعه شود به اعداد ۵:۲۲، تثنیه ۲۷:۱۵ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱:۳۶، اول تواریخ ۱۶:۳۶، نحما ۵:۱۳، ۸:۶، مزمور ۴۱:۱۳، ۷۲:۱۹، ۸۹:۵۲، ۱۰۶:۴۸، ارمیا ۱۱:۵، ۲۸:۶)
- F. کلید الهیاتی این اصطلاح وفاداری انسان نیست، بلکه یهوه است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۴:۶، کتاب تثنیه ۳۲:۴، مزمور ۱۰۸:۴، ۱۱۵:۱، ۱۱۷:۲، ۱۳۸:۲). تنها امید انسان سقوط کرده ترحم، وفاداری، پیمان وفاداری یهوه و قول او است. آنها که یهوه را می‌شناسند باید مانند او باشند (مراجعه شود به حبقوق ۲:۴). انجیل تاریخ و ثبت بازیابی تصویر خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷) در نوع بشر است. رستگاری توانایی نوع بشر را برای اینکه رابطه صمیمانه با خدا داشته باشد، احیا می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شده‌ایم.

II. عهد جدید

- A. استفاده کلمه "آمین" در عهد جدید برای کلام پایانی و تأیید اظهارات قابل اعتماد متداول است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۴:۱۶، مکاشفه ۱:۷، ۵:۱۴، ۷:۱۲).
- B. استفاده از این اصطلاح برای پایان بخشیدن به دعا در عهد جدید مرسوم است (مراجعه شود به رومیان ۱:۲۵، ۹:۵، ۱۱:۳۶، ۱۶:۲۷، غلاطیان ۱:۵، ۶:۱۸، افسسیان ۳:۲۱، فیلیپیان ۴:۲۰، دوم تسالونیکیان ۳:۱۸، اول تیموتائوس ۱:۱۷، ۶:۱۶، دوم تیموتائوس ۴:۱۸).
- C. عیسی تنها کسی بود که از این اصطلاح (به صورت دوبار تکرار در انجیل یوحنا ۲۵ مرتبه، انجیل یوحنا ۱:۵۱، ۳:۳، ۵ و ۱۱، و غیره) برای معرفی بیانات مهم استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۲۴، ۱۲:۳۷، ۱۸:۱۷ و ۲۹، ۲۱:۳۲، ۲۳:۴۳).
- D. به عنوان عنوانی برای عیسی در مکاشفه ۳:۱۴ استفاده شده است (همچنین به دوم قرن‌تین ۱:۲۰، و احتمالاً عنوان یهوه در اشعیا ۶۵:۱۶ توجه کنید).
- E. مفهوم وفاداری، ایمان، قابل اعتماد یا اعتماد در یونانی با اصطلاح *pistos* یا *pistis* بیان می‌شود که در انگلیسی *faith, trust, believe* ترجمه می‌گردد (موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۲۲:۱۳-۲۴

^{۲۲}ای برادران، از شما می‌خواهم این کلام نصیحت‌آمیز مرا تحمّل کنید، زیرا به اختصار به شما نوشته‌ام.^{۲۳} بدانید که برادر ما تیموتائوس آزاد شده است. اگر او زود بیاید، با او به دیدارتان خواهیم آمد.^{۲۴} به همه رهبران خود و به تمام مقدسین سلام برسانید. آنان که از ایتالیا هستند، به شما سلام می‌گویند.

۲۴-۲۲:۱۳ آیات پایانی، ۲۲-۲۴، شبیه به شیوه‌ای است که پولس مکاتبات خودش را به قلم کاتب به پایان می‌رساند، در جایی که قلم را برداشته و یک یادداشت شخصی یا دعای خیر کوچک به آن اضافه می‌کرد.

۲۲:۱۳ "از شما می‌خواهم" نویسنده این کتاب را "کلام نصیحت‌آمیز" می‌خواند. وی اغلب خوانندگان را تشویق می‌کند (عبرانیان ۳:۱۳؛ ۱۰:۲۵؛ ۱۵:۱۲؛ ۱۵:۱۳؛ ۲۲). آنان برادران (و خواهران) در راه مسیح هستند، اما همواره باید به او توسل کرده، پیروی و خدمت نمایند!

■ " این کلام نصیحت‌آمیز مرا تحمّل کنید" این جمله وجه وصفی حال متوسط است، که تأکید بر پیگیری موضوع و دستور تداوم شنیدن آن دارد. عبارت "کلام نصیحت‌آمیز" در اعمال رسولان ۱۳: ۱۵ و در رابطه با مرا سم کنیسه بکار برده شده بود. بسیاری بر این باورند که این همان چیز است که عبرانیان در ابتدا بود، اما به مرور تغییر یافته و تبدیل به یک نامه گردید.

۲۳: ۱۳ "برادر تیموتائوس" هنگامی که پولس از لفظ "برادر" برای کسی استفاده می‌کند، همیشه نام آن شخص را در ابتدا قرار می‌دهد (رومیان ۱۶: ۲۳؛ ۱ قرنیتیان ۱: ۱؛ ۱۶: ۱۲؛ ۲ قرنیتیان ۱۱: ۱؛ ۲: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۲۵). این یک شاهد کلیدی در تضاد با نویسنده بودن پولس است. ذکر نام تیموتائوس چارچوب زمانی برای انشاء کتاب را مشخص می‌کند، در زمان حیات پولس یا کمی پس از مرگ وی (سال ۶۸ پس از مصلوب شدن مسیح)، پیش از مرگ تیموتائوس.

■ "آزاد شده است" وجه وصفی مجهول کامل است. ما از متون مختلف یا منابع دیگر اطلاعی در دست نداریم که آیا تیموتائوس در زندان بوده یا خیر. A.T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament* صفحه ۴۵۱ تشریح می‌کند که تیموتائوس هنگامی که به ملاقات پولس رفت به زندان افکنده شد، که در ۲ تیموتائوس ۴: ۱۱، ۲۱ اشاره شده است. کلمه "آزاد شد" (وجه وصفی مجهول کامل) در آیات (۱) متی ۲۷: ۱۵؛ یوحنا ۱۹: ۱۰؛ اعمال رسولان ۳: ۱۳؛ ۴: ۲۱، ۲۳؛ ۵: ۴۰ برای آزاد شدن از زندان و (۲) در اعمال رسولان ۱۳: ۳ بصورت استعاره برای رها شدن از وظایف بشارتی بکار برده شده است، که احتمالاً اینجا هم همین معنی را می‌دهد.

■ "اگر او زود بیاید، با او به دیدارتان خواهیم آمد" می‌توان اینگونه برداشت کرد که نویسنده عبرانیان با تیموتائوس کار کرده و همسفر بوده است.

۲۴: ۱۳ "مقدسین" به موضوع خاص در عبرانیان ۶: ۱۰ رجوع نمایید.

■ "آنان که از ایتالیا هستند، به شما سلام می‌گویند" این عبارات می‌توانند به این معنی باشند:

۱. نویسنده در ایتالیا است
۲. نویسنده اهل ایتالیا است
۳. بخشی از گروه بشارتی نویسنده از اهالی ایتالیا بوده‌اند
۴. نویسنده به زبان ایتالیایی مطالب خود را می‌نوشت

H.A. Dana در کتاب *Jewish Christianity* می‌نویسد که این آیه گوینده این مطلب است که نامه انجمن یهودیان کلیسای روم نوشته شده بود. اولین تذکر کتاب عبرانیان توسط کلمنت روم در حدود سال ۹۷ پس از مصلوب شدن مسیح داده شد (صفحه ۲۷۰). با اینحال، من فکر می‌کنم که آن نامه به یک کنیسه یهودی (احتمالاً در روم) که اعضای ایماندارای داشت، ارسال شده بود. هشدارها به دو گروه داده شده بود، گروه یهودیان ایماندار (کلمه "شما" در فصل ۶)، که عقب نشینی نکنند (عبرانیان ۱۰: ۳۸) و گروه ناباوران (کلمه "آنان" در فصل ۶) تا شهادت به عیسی دهند که وی مسیح موعود بوده و هر دو گروه مسیحیت را بطور کامل پذیرا باشند.

متن NASB (بروز شده): عبرانیان ۱۳: ۲۵
۲۵ فیض با همه شما باد.

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. اگر عبرانیان یک نامه است، که از فصل ۱۳ چنین استنباطی بر می‌آید، پس چرا با هیچ سرآغازی شروع نگردیده است؟
۲. آیا فصل ۱۳ بی‌ایمانان یهودی را نشان می‌دهد یا معلمان دروغین؟
۳. این فصل در ارتباط "زهبران" مسیحی چه می‌گوید؟
۴. آیه ۲۳ تاریخ کتاب عبرانیان را چگونه مشخص می‌کند؟

موضوع خاص: نقد متنی

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رئوس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

۱. منابع انگلیسی انجیل

a. عهد قدیم

b. عهد جدید

۲. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

۳. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

۱. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

a. عهد قدیم

i. منبع مازراتی (Masoretic Text - MT) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (Rabbi Aquiba) در سال ۱۰۰ پس از میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی‌نویسها، علامتگذاریها و نشانه‌گذاریها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه همان فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پشیتا و والگیت استفاده شد.

ii. سپتواگینت (Septuagint - LXX) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (Ptolemy) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. LXX عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی آکویبا (MT) هستند.

iii. کتیبه دریای سیاه (Dead Sea Scrolls - DSS) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک فرقه یهودی بنام "اسنس" (Essenes) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارشهای مختلف متن عبری MT و LXX در پی هم نشان می‌دهد.

iv. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

۱. LXX به مترجمین و اساتید کمک کرده است تا MT را درک کنند

a. LXX اشعیا ۱۴:۵۲، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

b. MT اشعیا ۱۴:۵۲ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

c. در اشعیا ۱۵:۵۲ تمایز ضمیر در LXX تأیید می‌شود.

i. LXX پس بسیاری از ملتها از او در حیرت خواهند شد

ii. MT پس او ملتهای زیادی را شگفت زده می‌کند

۲. DSS به مترجمین و اساتید کمک کرد که MT را درک کنند

a. DSS اشعیا ۸:۲۱ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده‌ام..."

b. MT اشعیا ۸:۲۱ "و من فریاد زدم، شیر! خداوند، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

۳. هر دو DSS و MT به روشن شدن اشعیا ۱۱:۵۳ کمک کرده‌اند

a. DSS و LXX "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

b. MT "او خواهد دید.... مصیبت روحش را، او اقناع خواهد شد"

b. عهد جدید

i. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصر به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنویس حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ نسخه از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوییم.

ii. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی باز می‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این MSSها متن کامل کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین نسخه‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که انواع دیگری وجود نداشته باشد. از روی

بسیاری از اینها برای استفاده داخلی نسخه برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.

- iii. Codex Sinaiticus که با حرف \aleph (الف) یا (۰۱) شناخته می شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه ای" است.
- iv. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.
- v. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه ای" است.
- vi. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.
- vii. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنج یا شش میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می شود. حاوی اضافات بسیاری بوده و شاهد اصلی است برای ترجمه King James.

viii. NT MSS را می توان در سه یا شاید چهار گروه / خانواده تقسیم بندی کرد که در مشخصه های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.

۱. متن اسکندریه ای از مصر

- a. P⁶⁶, P⁷⁵ (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می کند
- b. P⁴⁶ (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه های پطرس را ثبت می کند
- c. P⁷² (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهوذا را ثبت می کند
- d. Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و عهد جدید است
- e. نقل قول اورینگن از این نوع متن
- f. سایر MSSها که این نوع متن را نشان می دهند: \aleph , C, L, W, 33

۲. متن غربی از آفریقای شمالی

- a. نقل قولهای پدران کلیسای آفریقای شمالی ترتولیان، ساییریان، و ترجمه قدیمی به لاتین
- b. نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)
- c. نقل قولهایی از تائیان و ترجمه قدیمی سیریاک
- d. Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده

۳. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه

- a. این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است
- b. نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم (Chrysostom) و تروودورت (Theodoret)
- c. Codex A فقط در انجیل
- d. Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید

۴. نوع احتمالاً چهارم سزاری از فلسطین

- a. عمدتاً فقط در انجیل مرقس دیده می شود
- b. برخی از اقرارها به آن در P⁴⁵ و W هستند

۲. مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"

a. تنوعات چگونه به وجود آمدند

i. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)

۱. خطای چشمی در زمان نسخه برداری و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را ناخودآگاه حذف می کند (homoioteleuton)
 - a. خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات
 - b. خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی
۲. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای نسخه بردار می خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می گیرد. اغلب غلطهای املائی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته اند.

۳. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله‌ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد

عمدی .ii

۱. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن نسخه‌برداری شده بهبود یابد
۲. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
۳. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
۴. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۲۷:۱۱ و اول یوحنا ۷:۵ و ۸)
۵. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخداد‌های تاریخی یا تفسیر مناسب متن به صورت پی‌نویس توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴:۵)

b. فرضیه‌های اولیه نقد متنی (راهنمای‌های منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی وقتی تنوع زیادی موجود است خوانده شود)

- i. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالا اصل است
- ii. کوتاهترین متن احتمالا اصل است
- iii. به متن قدیمتر بهای بیشتری داده می‌شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
- iv. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولا خوانندگان اصل دارند
- v. متونی که از نظر دکتربین ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحث‌های اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۷:۵ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
- vi. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه‌های متفاوت را توضیح دهد
- vii. دو نقل قول که می‌توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه‌های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند

۱. کتاب Introduction to New Testament Textual Criticism اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکتربین مسیحی نمی‌تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی‌تر یا از نظر دکتربین باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).

۲. W. A. Criswell به Greg Garrison از The Birmingham News گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حداقل نه تمامی کلماتی که طی قرن‌ها مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده‌اند". کریسول گفت: "من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب فکر می‌کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویس‌های بسیار قدیمی را مقایسه می‌کنیم، چنین جمع‌بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است...."

بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان ۱). کریسول می‌گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است." "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می‌کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت‌انگیزی است. زودگذر نیست، بی‌ربط نیست، پویا و مرکز...."

۳. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

a. Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual, اثر آر. اچ. هریسون

b. The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration اثر بروس ام متزگر

c. Introduction to New Testament Textual Criticism اثر جی. اچ. گرینلی

واژه نامه

Adoptionism/پذیرش/فرزندخواندگی - این یکی از نخستین دیدگاه‌ها نسبت به رابطه عیسی با خدا بود. اساسا این دیدگاه می‌گفت که عیسی از هر جنبه یک انسان معمولی بود و به مفهومی خاص، در زمان تعمید فرزند خدا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۷، انجیل مرقس ۱:۱) و یا در زمان قیامش از مردگان (مراجعه شود به رومیان ۱:۴). عیسی آنچنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا در مقطعی، (تعمید، قیام)، او را به عنوان "پسر" خود قبول کرد (مراجعه شود به رومیان ۱:۴، فیلیپیان ۲:۹). این دیدگاه کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. بجای اینکه خدا تبدیل به انسان شود، عمل عکس صورت گرفته و انسان تبدیل به خدا می‌شود!

سخت است بیان اینکه چگونه عیسی، خدای پسر، با وجود از پیش وجود داشتن الهی، به خاطر زندگی نمونه‌اش پاداش می‌گیرد. اگر او خدا بوده و از قبل وجود داشته، چگونه می‌تواند پاداش بگیرد؟ اگر او شکوه و جلال از قبل وجود داشتن را داشته، چگونه می‌تواند بیشتر مورد تقدیر قرار بگیرد؟ هر چند درک و هضم این برای ما مشکل است، ولی به نوعی پدر به شیوه‌ای خاص به دلیل تحقق بخشیدن کامل به اراده‌اش او را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

Alexandrian School/مکتب اسکندرون. این شیوه ترجمه و تفسیر انجیل در اسکندریه، مصر در قرن دوم میلادی توسعه یافت. این مکتب از اصول ترجمه و تفسیر فیولا، که از پیروان افلاطون بود استفاده می‌کند. به این شیوه اکثرا روش مجازی گفته می‌شود. این روش تا دوران اصلاحات در کلیسا رواج داشت. اورینگن و اگوستین از طرفداران این مکتب و شیوه بودند. جهت اطلاعات بیشتر به *Moises Silva, Has The Church Misread The Bible? (Academic, ۱۹۸۷)* مراجعه کنید.

Alexandrinus/الکساندرینوس. این نسخه دستنویس یونانی قرن پنجم از اسکندریه، مصر شامل عهد عتیق، آپوکریفا، و بیشتر عهد جدید بوده و یکی از شواهد اصلی برای کل نسخه یونانی عهد جدید است (به استثنای انجیل متی، یوحنا و دوم قرنتیان). این دستنویس، رتبه A دریافت کرده، و دستنویس اطلاق شده به آن رتبه B (*Vaticanus*) در خواندن مطابقت دارد، و از جانب اکثر اساتید در بیشتر بخشها اصل تلقی می‌شود.

Allegory/قیاس. این نوعی تفسیر انجیلی است که در ابتدا توسط یهودیسم اسکندریه توسعه یافت. این روش توسط فیولا از اسکندریه محبوبیت یافت. قدرت پایه آن در میل به ساختن کتاب مقدس در رابطه با فرهنگ فرد یا سیستم فلسفی با نادیده انگاشتن ترتیبات تاریخی و یا مفهوم واقعی متن است. این روش در جستجوی مفاهیم پنهان یا معنوی در فراسوی هر متن کتاب مقدس است. باید اذعان داشت که عیسی، در انجیل متی ۱۳، و پولس در غلاطیان ۴، از تمثیل برای بیان حقیقت استفاده کرده‌اند. با این وجود، روش قیاس در قالب نوع‌شناسی است نه فقط تمثیل.

Analytical Lexicon/تحلیل واژگانی. این یک شیوه ابزار تحلیل است که اجازه می‌دهد فرد هر حالت کلمه یونانی را در عهد جدید شناسایی کند. در ترتیب الفبای یونانی، تلفیقی است از حالت و مفهوم پایه کلمه. با ترکیب ترجمه سطری، اجازه می‌دهد مومنینی که متن یونانی را نمی‌خوانند بتوانند اصطلاحات دستور زبانی یونانی و صرف و نحو آنها را تحلیل کنند.

Analogy of Scripture/نشابه در کتاب مقدس. این عبارتی است که برای توصیف دیدگاهی که تمام انجیل تحت الهام خدا است و بنابراین متناقض نبوده بلکه مکمل یکدیگر هستند، به کار می‌رود. این تصریح پیش فرض پایه‌ای است برای استفاده متون همسو در تفسیر متون انجیلی.

Ambiguity/ابهام. این اشاره به عدم قطعیت در نتایج حاصله در متن دارد، زمانی که دو یا چند مفهوم وجود دارند و یا وقتی که همزمان دو معنی یا مفهوم خاص به یک موضوع اشاره کند. احتمال دارد که یوحنا از روی عمد از ابهام استفاده کرده باشد (دو مفهومی).

Anthropomorphic/انسان شناسی. به معنی "داشتن مشخصه‌هایی که به انسان‌ها اطلاق می‌شود" است، از این اصطلاح برای توصیف زبان مذهبی ما درباره خدا استفاده می‌شود. این عبارت از اصطلاح یونانی که برای نوع بشر استفاده می‌شود آمده است. به این معنی است که ما به شیوه‌ای درباره خدا صحبت می‌کنیم که گویی انسان است. خدا در قالب اصطلاحات فیزیکی، اجتماعی و فیزیولوژیکی توصیف می‌شود که مربوط به انسانها است (مراجعه شود به پیدایش ۳:۸، اول پادشاهان ۱۹:۲۲ الی ۲۳). البته این فقط قیاس است. هیچ طبقه‌بندی یا اصطلاحی غیر از اصطلاحات انسانی وجود ندارند که بتوان از آنها استفاده کرد. بنابراین، دانش ما در مورد خدا، هر چند درست است، ولی محدود می‌باشد.

Antiochian School/مکتب آنتیوخیا. این روش تفسیر انجیل در آنتیوخ سوریه در قرن سوم میلادی به عنوان واکنشی در برابر روش قیاس اسکندریه مصر بسط یافت. فشار اولیه آن بر روی تمرکز بر معانی تاریخی انجیل است. این روش انجیل را به صورت متن معمولی و انسانی ترجمه و تفسیر می‌کند. این مکتب وارد جدل بر سر این شد که آیا عیسی دارای دو ماهیت است (*Nestorianism*) یا یک ماهیت (تماما الهی و تماما انسانی). توسط کلیسای کاتولیک رم این به مکتب برجسب تاریخی زده شد و به پاس منتقل شد و اهمیت چندانی ندارد. اصول پایه ای تفسیر این مکتب بعدها تبدیل به اصول تفسیر اصطلاح طلبان کلاسیک پروتستان شد (اوتر و کالوین).

Antithetical/ضد و نقیض. این یکی از سه اصطلاحی است که در مورد رابطه میان ابیات اشعار عبری استفاده می‌شود. در رابطه با ابیات شعر است که معنی تضاد دارند (مراجعه شود به امثال ۱۰:۱، ۱۵:۱)

Apocalyptic literature/ادبیات آخر زمانی. این یک بحث غالب و حتی احتمالا منحصر به فرد در موضوعات یهودی است. این یک شیوه نگارش رمزی بود که در دوران تهاجم و اشغال یهودیان توسط قدرتهای جهانی استفاده می‌شد. تصور می‌کند که خدا رخدادها را ایجاد کرده و کنترل می‌کند، و اینکه اسرائیل یکی از علائق خاص او است. این ادبیات وعده پیروزی نهایی از طریق تلاش خاص خدا را می‌دهد.

این ادبیات شدیداً نمادین و تخیلی است و اصطلاحات رمزی زیادی دارد. اغلب حقیقت را در قالب رنگها، اعداد، نگرش، رویا، فرشتگان واسطه، کلمات رمزی و دوگانگی شدید میان خوب و بد نمایش می‌دهد.

برخی از مثالهای این موضوع (۱) در عهد عتیق، حزقیال (فصلهای ۳۶ الی ۴۸)، دانیال (فصلهای ۷ الی ۱۲)، زکریا، و (۲) در عهد جدید، انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، دوم تسالونیکیان و مکاشفه دیده می‌شوند.

Apologist (Apologetics)/دفاعی. این اصطلاح از ریشه یونانی برای "دفاع قانونی" است. مبحث خاصی در الهیات وجود دارد که در جستجوی شواهد و مباحثات مربوطه برای ایمان مسیحی است.

A priori/استقرا. این اصطلاح مترادف با "پیش فرض" است. شامل دلیل آوردن برای مفاهیم، اصول یا موقعیتهایی است که پیش‌تر صحت آنها پذیرفته شده است. حالتی است که بدون آزمایش یا تحلیل پذیرفته شده است.

Arianism/آریانیسم. آریوس شبان کلیسا در اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. او تصریح کرده بود که عیسی از پیش وجود داشت ولی الهی نبود (نه در مفهوم پدر)، احتمالاً از امثال ۸:۲۲ الی ۳۱ ایده گرفته بود. او توسط اسقف کلسیای اسکندریه به چالش کشیده شد که از سال ۳۱۸ میلادی جدلی آغاز شد و سالهای زیادی ادامه یافت. آریانیسم تبدیل به فرقه‌ای در کلیسای شرق شد. شورای نیکا در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم کرد و یکسان بودن الهی و انسانی بودن پسر را تصریح کرد.

Aristotle/ارسطو. او یکی از فلاسفه یونان باستان و شاگرد افلاطون و معلم اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز، بر زمینه‌های گسترده‌ای از مطالعات مدرن حاکم است. این امر به دلیل آن است که او بر دانش بر پایه مشاهده و طبقه‌بندی تأکید داشت. این یکی از گرایش‌ها و روشهای علمی است.

Autographs/دستخط/دست‌نوشته. این نامی است که به نسخه اولیه نوشته‌های انجیل داده شده است. این نسخ اصل و دست‌نویس همگی از بین رفته‌اند. فقط نسخه‌ای از کپی آنها موجود است. این منشا بسیاری از متون متنوع دست‌نویس عبری و یونانی باستانی است.

Beza/بزا. این نسخه دست‌نویس یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به این نسخه رتبه D داده شده است. حاوی اناجیل، اعمال رسولان و برخی نامه‌های عمومی است. از مشخصه‌های آن اضافات حاشیه‌ای دست‌نویس بسیار زیاد است. این نسخه مبنای Textus Receptus، نسخه دست‌نویس قدیمی یونانی است که در ورای نسخه شاه جیمز قرار دارد.

Bias/تعصب. از این اصطلاح برای توصیف آمادگی و گرایش شدید نسبت به یک موضوع یا دیدگاه استفاده می‌شود. ذهنیتی است که توسط آن بی‌طرفی نسبت به یک موضوع یا دیدگاه غیر ممکن است. این یک موضع‌گیری متعصبانه است.

Biblical Authority/اقتدار کتاب مقدس. این اصطلاح در یک مفهوم خیلی خاص استفاده می‌شود. این اصطلاح به شکل درک آنچه نویسنده اصلی در روزگار خودش گفته و اعمال این حقیقت در روزگار امروز تعریف می‌شود. اقتدار کتاب مقدس یا اقتدار انجیلی معمولاً به صورت نگرش به خود انجیل به عنوان تنها راهنمای مجاز ما تعریف می‌شود. با این وجود، در نور تفاسیر و ترجمه‌های نامناسب جاری، من این مفهوم را به انجیل به آن طور که توسط اعتقادات مذهبی و شیوه‌های دستور زبان قدیم تفسیر می‌شود، محدود کرده‌ام.

Canon/مجموعه کتب. این اصطلاح برای توصیف نوشته‌هایی که باور بر این است به صورت انحصاری تحت وحی نوشته شده‌اند، استفاده می‌شود. این اصطلاح در مورد هم عهد عتیق و هم عهد جدید استفاده می‌شود.

Christocentric/کریستوسنتریک. این اصطلاح برای توصیف مرکزیت و محوریت مسیح استفاده می‌شود. من از این اصطلاح در رابطه با مفهوم "عیسی سرور کل انجیل است"، استفاده می‌کنم. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او تحقق و هدفش است (مراجعه شود به متی ۵:۱۷ الی ۴۸).

Commentary/تفسیر. این یک نوع کتاب تخصصی در زمینه تحقیق است. یک زمینه کلی در مورد کتب انجیل ارائه می‌دهد. سپس تلاش می‌کند معانی هر بخش کتاب را توضیح دهد. برخی بر کاربرد تمرکز می‌کنند، در حالی که دیگران در ارتباط با متن به شیوه تخصصی‌تر هستند. این کتب مفید هستند، ولی فرد باید پس از اینکه خودش مطالعات اولیه‌ای را انجام داد، آنها را مطالعه کند. بدون انتقاد نباید تفسیر مفسرین را بی‌قید و شرط پذیرفت. معمولاً مطالعه و مقایسه چندین مفسر از چند دیدگاه مختلف مفید و کمک کننده است.

Concordance/تطابق. این یک نوع ابزار تحقیقاتی برای مطالعه انجیل است. تکرار هر کلمه را در عهد عتیق و عهد جدید فهرست می‌کند. به چندین شیوه کمک می‌کند: (۱) مشخص ساختن کلمه عبری یا یونانی که در پس هر کلمه انگلیسی خاص قرار دارد، (۲) مقایسه عبارتهایی که یک اصطلاح

مشابه یونانی یا عبری استفاده شده است، (۳) نشان دادن جاهایی که دو کلمه عبری یا یونانی خاص به یک کلمه انگلیسی خاص ترجمه شده‌اند، مشخص کردن تناوب استفاده از کلماتی خاص در کتبی خاص یا نوشته‌های نویسندگانی خاص، (۵) کمک کردن در یافتن عبارت خاص در انجیل (مراجعه شود به *Walter Clark's How to Use New Testament Greek Study Aids*, صفحه ۵۴ الی ۵۵).

Dead Sea Scrolls/کتیبه بحر المیت. این اشاره به مجموعه متون باستانی نوشته شده به زبانهای عبری و آرامی دارد که در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحر المیت پیدا شدند. آنها کتابخانه‌ای از یک فرقه یهودی قرن اول هستند. فشار رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ باعث شد کتیبه‌ها را در کوزه‌های در بسته داخل غارها و سوراخها پنهان کنند. آنها به ما کمک کرده‌اند تا شرایط تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و تأیید می‌کنند که متون مازراتی، حداقل تا اواخر دوران قبل از میلاد کاملاً دقیق هستند. این متون با اختصار DSS مشخص می‌گردند.

Deductive/استقرایی/قیاسی. این روش منطق یا استدلال از طریق اصول، از اصول کلی به کاربردهای خاص منتقل می‌شود. این استدلال مخالف استدلال استنتاجی است که روش علمی را با حرکت از جزئیات مشاهده شده به نتیجه کلی (نظریه‌ها) بازتاب می‌دهد.

Dialectical/مناظره‌ای. این روش استدلال است که به موجب آن، آنچه که متناقض یا متضاد به نظر می‌رسد در یک تنش با هم حضور دارند، به دنبال پاسخی یکپارچه است که شامل هر دو جنبه متضاد است. بسیاری از آموزه‌های کتاب مقدس دارای جفت دیالکتیکی هستند، اراده آزاد است. امنیت-استقامت؛ ایمان-کارها؛ تصمیم‌گیری-شاگردی؛ آزادی مسیحی-مسئولیت مسیحی.

Diaspora/دیاسپورا. این اصطلاح یونانی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگر که در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کنند، استفاده می‌نمایند.

Dynamic equivalent/معادل پویا. این یک نظریه ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن پیوسته از مکاتبات "کلمه به کلمه" مشاهده کرد، که در هر عبارت، به ازای هر کلمه عبری یا یونانی باید یک کلمه انگلیسی ارائه شود، و در آن تنها اندیشه و تفکر ترجمه می‌شود کمتر به اصطلاحات اولیه یا عبارت توجه می‌شود. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را به طور جدی در نظر بگیرد، اما آن را در قالب‌های اصطلاحی و اصطلاحات مدرن ترجمه می‌کند. بحث جالبی را در مورد نظرات مختلف برای ترجمه می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth*, p. 35 and in Robert Bratcher's Introduction to the TEV مطالعه کنید.

Eclectic/منتخب. این اصطلاح در ارتباط با انتقاد متنی استفاده می‌شود. این اصطلاح اشاره به انتخاب یک متن از نسخ دستنویس مختلف یونانی است تا بتوان به متنی دست یافت که به بیان نگارنده اصلی نزدیک باشد. این اصطلاح دیدگاهی را که معتقد به اصل بودن هر یک از نسخ یونانی است، مردود می‌داند.

Eisegesis/تفسیر به رای. این مخالف تفسیر است. اگر تفسیر استخراج قصد مؤلف اصلی باشد، این اصطلاح به معنای "وارد کردن" یک ایده یا عقیده خارجی است.

Etymology/ریشه یابی. این یک جنبه از مطالعه کلمه است که تلاش می‌کند تا معنی اصلی کلمه را تعیین کند. از این ریشه به معنی، کاربردهای تخصصی به راحتی شناسایی می‌شوند. در تفسیر، ریشه شناسی تمرکز اصلی نیست، بلکه معنای معاصر و استفاده از یک کلمه است.

Exegesis/تفسیر. این اصطلاح فنی برای تفسیر یک متن خاص است. به معنی "استخراج کردن" (از متن) بوده و حاکی از این است که هدف ما درک هدف مؤلف اصلی به سبب شرایط تاریخی، زمینه ادبی، نحو و معنای معاصر است.

Genre/نوع. این یک اصطلاح فرانسوی است که انواع متفاوتی از ادبیات را نشان می‌دهد. محور اصطلاح عبارت است از تقسیم اشکال ادبی به دسته‌هایی است که ویژگیهای مشترک دارند: روایت تاریخی، شعر، ضرب المثلی، آخزمانی و شریعت.

Gnosticism/عرفان. بیشتر دانش ما در مورد این ملکوت از نوشته‌های عرفانی قرن دوم می‌آید. با این حال، ایده‌های ابتدایی در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت.

برخی از اصول ادعای والنتاین و عرفان سرینتین قرن دوم عبارتند از: (۱) ماده و روح همسو باقی مانده‌اند (دوگانگی هستی شناختی). کالبد بد است، روح خوب است. خداوند، که روح است، نمی‌تواند مستقیماً با قالب‌زیری کالبد شریر کاری داشته باشد؛ (۲) خلقت (ائون یا فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین و یا کمترین آن پیهوه در عهد عتیق بود که جهان را تشکیل داد. (۳) عیسی مانند پیهوه بود اما در مقیاس بالاتر، نزدیک به خدا واقعی است. بعضی او را به عنوان بالاترین می‌دانند، اما هنوز هم کمتر از خداوند است (انجیل یوحنا ۱:۱۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی‌تواند بدن انسان داشته باشد و در عین حال الهی هم باشد. او شیخ معنوی بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۱:۱ الی ۳، ۴:۱ الی ۶)؛ و (۴) رستگاری از طریق ایمان به عیسی به همراه دانش ویژه به دست می‌آید، که تنها توسط افراد خاص شناخته می‌شود. دانش (رمزها) برای گذر از حوزه‌های آسمانی مورد نیاز بود. شریعت‌گرایی یهودی برای رسیدن به خدا لازم بود.

معلمان دروغین عرفانی از دو نظام مخالف اخلاقی حمایت می‌کردند: (۱) برای برخی، سبک زندگی به هیچ وجه به نجات منجر نمی‌شود. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق فرشتگان محصور شدند. یا (۲) برای دیگران، شیوه زندگی برای نجات بسیار مهم بود. آنها تاکید کردند که شیوه زندگی زاهدانه در حکم سند معنویت واقعی است.

Hermeneutics/علم تفسیر. این یک اصطلاح فنی برای اصولی است که راهنمای تفسیر را ارائه می‌دهد. این هم مجموعه‌ای است از دستورالعملهای خاص و هنر/هدیه. علم تفسیر کتاب مقدس معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول کلی و اصول خاص. این مربوط به انواع مختلف ادبیات موجود در کتاب مقدس است. هر نوع مختلف (ژانر) دارای رهنمودهای منحصر به فرد خود می‌باشد، ولی همچنین برخی از مفروضات و روشهای تفسیر مشترک را نیز به اشتراک می‌گذارد.

Higher Criticism/انتقاد بالا. این روش تفسیر کتاب مقدس است که بر شرایط تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب مقدس خاص متمرکز است.

Idiom/اصطلاح. این کلمه برای عباراتی که در فرهنگهای مختلف یافت می‌شوند، استفاده می‌گردد که مفهوم خاصی دارند و معنی لغوی بر آن حاکم نیست. برخی از نمونه‌های مدرن از این اصطلاحات عبارتند از: "که خیلی معرکه بود" یا "منو میکشی". کتاب مقدس همچنین شامل این نوع عبارات است.

Illumination/نورانی/چراغانی. این نام به مفهومی است که خدا با انسان صحبت کرده است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) وحی - خدا در تاریخ بشری کار کرده است؛ (۲) الهام بخش - او تفسیر مناسب از اعمال او و معنای آن دادن وحی و الهام به برخی از افراد منتخب است تا کلام خدا را برای انسان ثبت کنند؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر گمراه فرستاد تا به انسانها کمک کند و او را بشناسند.

Inductive/استنتاجی/القای. این یک روش منطقی برای استدلال است که از جزء به کل می‌رسد. این روش تجربی علم مدرن بوده و اساساً رویکرد ارسطویی است.

Interlinear/خطی/اسطری. یک نوع ابزار پژوهشی است که اجازه می‌دهد کسانی که یک زبان کتاب مقدس (یونانی/آرامی/عبری) را مطالعه نمی‌کنند، بتوانند معنی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این روش ترجمه انگلیسی کلمه به کلمه در زیر کلمات زبان اصلی کتاب مقدس قرار می‌دهد. این ابزار، همراه با "تحلیل لغوی"، به تعاریف اساسی عبری و یونانی شکل می‌داد.

Inspiration/وحی/الهام. این مفهومی است که خداوند با هدایت نویسندگان کتاب مقدس به بشریت سخن گفته است و به وضوح وحی او را ثبت کرده‌اند. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Language of description/زبان توصیف. این در رابطه با اصطلاحاتی است که در عهد عتیق نوشته شده است. از دنیای ما در رابطه با مواردی صحبت می‌کند که در حواس پنجگانه ظاهر می‌شوند و یک توصیف علمی نیست.

Legalism/شریعت پرستی. این نگرش با تاکید بیش از حد بر قوانین یا آیین‌ها مشخص می‌گردد. تمایل به این دارد که به عملکرد انسان بر مقررات به عنوان ابزار پذیرش خداوند تکیه کند. این نگرش تمایل بر این دارد که روابط را از بین ببرد و عملکرد را افزایش دهد، که هر دو جنبه مهمی از روابط میان خدای مقدس و انسان گناهکار است.

Literal/تحت الفظی/مفهومی. این نام دیگری برای روش تمرکز بر متن و روش تاریخی علم تفسیر انجیل از آنتیخوس است. به این معناست که تفسیر معنای عادی و آشکار زبان بشری را در بر می‌گیرد، البته هنوز زبان مجازی را به رسمیت می‌شناسد.

Literary genre/سبک ادبی. این به اشکال متمایزی که انسانها می‌تواند ارتباط برقرار کنند، مانند شعر یا روایت تاریخی، اشاره می‌کند. هر نوع ادبیات علاوه بر اصول کلی نوشته شده، دارای رویکرد خاص در علم تفسیر است.

Literary unit/واحد ادبی. این مفهوم به تقسیمات فکری مهم در کتاب مقدس اشاره دارد. این مفهوم را می‌توان از تشکیل چند آیه، پاراگراف یا فصل شکل داد.

Lower Criticism/انتقاد سطح پائین. موضوع خاص: انتقاد متنی را مطالعه کنید.

Manuscript/دستخط. این اصطلاح مربوط به نسخه‌های مختلف عهد جدید یونانی است. معمولاً آنها را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند (۱) مواد که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) شکل خود نوشتن (همه با حروف بزرگ و یا دستخط). این عبارت "MS" (منحصر به فرد) یا "MSS" (جمع) است.

Masoretic Text / متن مازروتی. به نسخ خطی عبری از عهد عتیق قرن نوزدهم اشاره دارد که طی چندین نسل توسط اساتید یهودی تهیه شده و حاوی حروف صدادار و دیگر نکات متنی هستند. این متن اصلی برای عهد عتیق انگلیسی ما است. متن آن به طور تاریخی توسط MSS عبری تایید شده، به ویژه اشعیا، از کتیبه دریای مرده. این اختصار این اصطلاح "MT" است.

Metonymy/کنایه. شکلی از بیان است که در آن نام یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری مرتبط با آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال، "کنتری جوش" در واقع "آب در داخل کنتری جوش است".

Muratorian Fragments/قطعه موراتورین. فهرستی از کتابهای عهد جدید است که قبل از سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده بود. این همان بیست و هفت کتاب را به عنوان عهد جدید پروتستان معرفی کرده به وضوح نشان می‌دهد کلیساهای محلی در نقاط مختلف امپراتوری روم "عملاً" کانون را قبل از شورای بزرگ کلیسای قرن چهارم تشکیل داده بودند.

Natural revelation/مکاشفه طبیعی. این یک طبقه‌بندی از افشای خدا به انسان است. این شامل نظم طبیعی (رومیان ۱:۱۹ الی ۲۰) و آگاهی اخلاقی (رومیان ۲:۱۴ الی ۱۵) است. از آن در مزمور ۱۹:۱ الی ۶ و رومیان ۱ الی ۲ توضیح داده شده است. این مشخصه از وحی ویژه است که خود افشاء خاص خدا در کتاب مقدس است و در عیسی ناصری متعالی است.

بر این طبقه‌بندی الهیاتی با جنبش "زمین قدیم" در میان دانشمندان مسیحی مجدداً تأکید شده (به عنوان مثال نوشته‌های Hugh Ross). آنها از این طبقه‌بندی استفاده می‌کنند تا ادعا کنند که همه حقیقت، حقیقت خدا است. طبیعت درها را برای دانش در مورد خدا باز نموده و آن را از وحی ویژه (کتاب مقدس) متمایز می‌کند. به علوم مدرن اجازه می‌دهد با آزادی نظم طبیعی را بررسی کند. به نظر من این یک فرصت فوق العاده جدید است تا به جهان مدرن علمی غربی شهادت داده شود.

Nestorianism/نستوریستی. نستوریوس پدرسالار قسطنطنیه در قرن پنجم بود. او در آنتیوخ سوریه آموزش دیده و تأیید کرد که عیسی دارای دو طبیعت بود، یکی کاملاً انسان و یک فرد کاملاً الهی. این دیدگاه از دیدگاه طبقاتی اسکندریه از دیدگاه ارتدوکس منحرف شد. نگرانی اصلی Nestorius عنوان "مادر خدا" است که به مریم داده شده است. نستوریوس با سیریل اسکندریه مخالف بود و به طور ضمنی آموزش خود را در اسکندریه برگزار کرد. آنتیوخ ستاد رویکرد تاریخی-دستوری-متنی به تفسیر کتاب مقدس بود، در حالی که اسکندریه مقرر چهارم (تفسیری) مدرسه تفسیر بود. نستوریو در نهایت از مقام خود خلع و تبعید شد.

Original Author/مؤلف اصلی. این عبارت به نویسندگان اصلی کتب مقدس اشاره دارد.

Papyri/پاپیروس. این یکی از موادی است که از مصر بوده و بر روی آن می‌نوشتند. این ماده از نی کنار رودخانه‌ها ساخته می‌شد. این ماده‌ای است که قدیمی‌ترین نسخه‌های عهدجدید یونانی بر روی آن نوشته شده است.

Parallel passages/عبارتهای همسو. این قبیل عبارات بخشی از مفهومی هستند که تمام کتاب مقدس از جانب خدا داده شده و بنابراین، به نوبه خود بهترین مترجم از حقایق دوگانه است. این نیز هنگامی که یک نفر تلاش می‌کند بخشی که نامشخص یا مبهم است را بتواند تفسیر کند. همچنین به شما کمک می‌کند تا واضحترین بخش در مورد یک موضوع مشخص شده را درک و همچنین تمام جنبه‌های معنوی یک موضوع مشخص را بیابید.

Paraphrase/ترجمه/تفسیر آزاد. این نام یک نظریه در مورد ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن دنباله‌دار "کلمه به کلمه" از مکاتبات مشاهده کرد، جایی که باید به ازای هر واژه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی، بدون توجه به اصطلاح اولیه یا اصطلاح ترجمه شده قرار گیرد. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد، اما آن را با اصطلاحات مدرن دستور زبانی ترجمه می‌کند. بحث بسیار خوبی در مورد نظریه‌های مختلف ترجمه را می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۳۵ مطالعه کنید.

Paragraph/پاراگراف. این واحد ادبی تفسیر اصلی متن است. شامل یک موضوع اصلی و گسترش آن است. اگر ما مفهوم و قصد نویسنده را حفظ کنیم، چیزی از نیت اصلی نویسنده را، از دست نخواهیم داد.

Parochialism/پاروشیالیسم. این مربوط به تعصباتی است که در یک محیط محلی فرهنگی بسته هستند. ماهیت فرامنطقی آن، حقیقت کتاب مقدس یا کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

Paradox/دوگانگی. به حقایقی اشاره دارد که به نظر می‌رسد متناقض هستند، هر چند در تنش با یکدیگرند، ولی هر دو درست می‌باشند. آنها حقیقت را با بیان اینکه اگر از طرف مقابل هستند، شکل می‌دهند. حقیقت کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی (یا دیالکتیکی) ارائه شده است. حقایق کتاب مقدس همانند ستارگانی منفک هستند، اما یک کهکشان از ستارگان، از مجموعه ستارگان منفک تشکیل می‌شود.

Plato/فلاطون. او یکی از فیلسوفان یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققان اسکندریه، مصر و بعداً، آگوستین بر کلیسای اولیه تأثیر گذاشت. او بر این عقیده بود که همه چیز روی زمین، توهم است و فقط یک نسخه از یک نمونه اولیه معنوی است. به علاوه نظریه پردازان بعدها "شکلها/ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی برابر می‌کردند.

Presupposition/پیش فرض. این به درک پیشین ما از یک موضوع اشاره دارد. اغلب ما عقاید یا قضاوت‌های مربوط به مسائل را قبل از اینکه به کتاب مقدس مراجعه کنیم، تشکیل می‌دهیم. این حالت نیز به عنوان یک تعصب، یک موقعیت پیشین، یک فرض یا یک مقدمه شناخته شده است.

Proof-texting/اثبات متن. این تمرین تفسیر کتاب مقدس با نقل قول از یک آیه بدون در نظر گرفتن زمینه آن و یا زمینه بزرگتر در واحد ادبی آن است. ارتباط آیات را از نیت نویسنده اصلی حذف می‌کند و معمولاً در تلاش است تا یک نظر شخصی را در هنگام تایید اقتدار کتاب مقدس بیان کند.

Rabbinical Judaism/یهودیت روحانی. این مرحله از زندگی یهودیان در تبعید بابلی آغاز شد (۵۸۶-۵۳۸ قبل از میلاد). همانطور که نفوذ کاهنان و معبد از بین رفت، کنیسه‌های محلی بر زندگی یهودی تمرکز کردند. این مراکز محلی فرهنگ یهودی، مذهبی، عبادت و مطالعه کتاب مقدس تبدیل به محور زندگی مذهبی ملی شده‌اند. در روزگار عیسی این "کاتبین مذهبی" با کاهنان همسو بود. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، فرم کاتبین که تحت فرمانروایی فریسیان بود، بر زندگی مذهبی یهودیان کنترل و نظارت داشت. آن را با یک تفسیر عملی و شریعتی از تورات می‌توان مشخص کرد که در سنت شفاهی (تالمود) توضیح داده شده است.

Revelation/افشا. این نام به مفهومی است که خدا با بشریت سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Semantic field/زمینه معنایی. این به کل محدوده معنایی مرتبط با یک کلمه اشاره دارد. این اساساً مفاهیم متفاوت یک کلمه در متون مختلف است. **Septuagint.** این نام به ترجمه یونانی عهد عتیق عبری داده شده است. سنت می‌گوید که در هفتاد روز توسط هفتاد محقق یهودی برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده است. تاریخ سنتی حدود ۲۵۰ قبل از میلاد (در حقیقت احتمالاً بیش از صد سال طول کشید). این ترجمه قابل توجه است زیرا (۱) به ما یک متن باستانی را با مقیاس الهام بخش مقدس می‌دهد؛ (۲) به ما وضعیت تفسیر یهودیان در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد؛ (۳) به ما مفهوم مسیح یهودی را قبل از رد عیسی نشان می‌دهد. اختصار آن "LXX" است.

Sinaiticus. یک نسخه یونانی از قرن چهارم میلادی است. این توسط محقق آلمانی، Tischendorf، در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکان سنتی کوه سینا یافت شد. این دستنوشته با اولین حرف الفبای عبری به نام "الف" [א] تعیین شده است. این شامل عهد قدیم و عهد جدید است. این یکی از قدیمی‌ترین MSSهای غیر رسمی ما است.

Spiritualizing/معنوی. این واژه مترادف با تمثیل است به این معنی که زمینه تاریخی و ادبی یک متن و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر آن را حذف می‌کند.

Synonymous/مترادف. به اصطلاحات با معنای دقیق یا بسیار مشابه اشاره دارد (اگر چه در واقع دو کلمه هیچ یک همپوشانی معنانشناسی کامل ندارند)، آنها خیلی نزدیک به هم هستند به طوری که می‌توانند جایگزین یکدیگر در یک جمله بدون از دست دادن معنی باشند. همچنین برای تعیین یکی از سه شکل همسو در اشعار عبری استفاده می‌شود. به این معنا، به دو بیت شعر می‌گویند که یک حقیقت را بیان می‌کنند (مراجعه شود به مزمور ۱۰۳:۳).

Syntax/نحو. این اصطلاح یونانی است که به ساختار جمله اشاره دارد. این مربوط به راه‌هایی است که بخشهایی از یک جمله برای ایجاد یک تفکر کامل ساخته می‌شوند.

Synthetical. این یکی از سه اصطلاحی است که مربوط به انواع اشعار عبری است. این اصطلاح از ابیات شعر می‌گوید که بر اساس یک معنی نوشته می‌شوند، گاهی اوقات "climatic" نامیده می‌شوند (ش. ۱۹: ۷-۹).

Systematic theology/الهیات سیستماتیک. این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش می‌کند تا حقایق کتاب مقدس را به شیوه‌ای متحدالشکل و منطقی مرتبط سازد. این یک رویکرد منطقی و نه صرفاً تاریخی از نظر الهیات مسیحی طبقه بندیها (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) است.

Talmud/تلمود. این عنوان برای تدوین سنت شفاهی یهودی است. یهودیان معتقد بودند که او به موسی به در کوه سینا گفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که این خرد جمعی معلمان یهودی طی این سالها باشد. دو نسخه مختلف نوشته شده از تلمود وجود دارند: نسخه بابلی که کوتاهتر است و نسخه ناتمام فلسطینی.

Textual criticism/انتقاد متنی. این علم مطالعه نسخ خطی کتاب مقدس است. انتقاد متنی ضروری است زیرا هیچ نسخه اصلی وجود ندارد و همه نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این تلاش برای توضیح تغییرات و رسیدن به (نزدیکترین حد ممکن) به اصطلاحات اصلی دستنویس عهد عتیق و جدید است. این اغلب "انتقاد کمتر" است.

Textus Receptus. این نام به نسخه Elzevir از عهد جدید یونانی در سال ۱۶۳۳ اطلاق شد. اساسا این یک نوع عهد جدید یونانی است که از چند نسخه خطی یونانی و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۳۵)، استفانوس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شده است. در *An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*، ص. ۲۷، A. T. Robertson می‌گوید: "متن بیزانس عملا Textus Receptus است." متن بیزانس کم ارزشترین نسخه از سه نوع نسخ خطی یونانی (غربی، اسکندریه و بیزانسی) است. این شامل خطاهای انباشته شده طی قرن‌ها از متون دستکاری شده است. با این حال، A. T. Robertson همچنین می‌گوید: «Textus Receptus برای ما متن قابل ملاحظه دقیقی را حفظ کرده است» (ص ۲۱). این نسخه دستنویس یونانی (به خصوص نسخه سوم ۱۵۲۲ Erasmus) نسخه مبنای انجیل شاه جیمز در سال ۱۶۱۱ میلادی را شکل می‌دهد.

Torah/تورات. این واژه عبری برای "آموزش" است. این عنوان رسمی برای نوشته‌های موسی بود (از پیدایش تا تثنیه). این بخش برای یهودیان، قدرتمندترین بخش است.

Typological/تایپوگرافی. این یک نوع تفسیر تخصصی است. معمولا این امر شامل حقیقت عهد جدید است که در عبارات عهد عتیق با استفاده از علامتهای متشابه یافت می‌شود. این طبقه‌بندی از علم تفسیر انجیل یک عنصر اصلی از روش اسکندریه بود. به دلیل سوء استفاده از این روش تفسیر، باید استفاده از آن را به نمونه‌های خاصی که در عهد جدید وارد شده محدود کرد.

Vaticanus/واتیکانوس. این نسخه یونانی قرن چهارم است. این در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. در اصل شامل تمام عهدعتیق، Apocrypha و عهد جدید بود. با این حال، برخی از بخشها از بین رفته‌اند (پیدایش، مزمو، عبرانیان، کاهنان، فیلیمون و مکاشفه). این یک نسخه خطی بسیار مفید در تعیین قالب‌بندی اصلی نسخ دستنویس است. این نسخه امتیاز "B" بزرگ دریافت کرده است.

Vulgate/والگیت. این نام لاتین کتاب مقدس جروم است. این نسخه تبدیل به نسخه مبنای "مشترک" برای کلیسای کاتولیک روم شد. در سال ۳۸۰ میلادی این کار صورت گرفت.

Wisdom literature/ادبیات عرفانی. این یک نوع ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان مدرن) بود. اساسا تلاشی بود به عنوان دستورالعملی برای راهنمایی نسل جدید جهت زندگی موفق از طریق شعر، تمثیل یا مقاله بود و بیشتر فرد را مورد خطاب قرار می‌داد تا جامعه. به تاریخ اشاره نداشت، اما بر تجربیات و مشاهدات زندگی استوار بود. در کتاب مقدس، وظیفه از طریق غزل غزل‌ها حضور و پرستش یهوه را پذیرفت، اما این دیدگاه مذهبی در هر تجربه انسانی در هر زمان صریح نیست.

به عنوان یک ژانر، حقیقت عمومی را بیان کرد. با این حال، از این ژانر/نوع نمی‌توان در هر وضعیت خاصی استفاده کرد. اینها اظهارات کلی هستند که همیشه برای هر وضعیت فردی قابل اعمال نیستند.

این حکما شهامت این را داشتند تا سوالاتی سخت در مورد زندگی بپرسند. اغلب آنها دیدگاه‌های سنتی مذهبی (یعقوب، جامعه) را به چالش کشیدند. آنها تعادل و تنش را به پاسخ آسان در مورد تراژدی‌های زندگی می‌رسانند.

World picture and worldview/تصویر و جهان بینی جهانی. اینها اصطلاحات همراه هستند. آنها هر دو مفاهیم فلسفی مربوط به خلقت هستند. اصطلاح "تصویر جهان" به "چگونگی" خلقت اشاره می‌کند در حالی که "جهان‌بینی" مربوط به "چه کسی است". این اصطلاحات در ارتباط با تفسیری هستند که پیدایش ۱-۲ در درجه اول با چه کسی، نه چگونه، خلقت صورت گرفت، سر و کار دارد.

YHWH/یهوه. این نام خدا در عهد عتیق است. این نام در خروج ۳:۱۴ تعریف شده است. این شکل ظاهری اصطلاح عبری "بودن" است. یهودیان می‌ترسیدند این نام را بر زبان آورند مبادا نابجا به کار برند، بنابراین، اصطلاح عبری آدونای، "ارباب" جایگزین کردند. به این دلیل است که پیمان در انگلیسی این چنین ترجمه می‌شود.

بیانیه عقیدتی

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

- A. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش‌ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.
- B. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح‌القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.
- C. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.
- D. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.
- E. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.
- F. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصاً دریافت کند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.
- G. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.
- H. روح‌القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.
- I. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را دآوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.
- J. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.
- K. مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"